

حج و انقلاب اسلامی ایران

«مجموعه مقالات»

به کوشش

مسعود معینی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- دباجه ۷
- مقدمه ۹

بخش اول: نگاه به انقلاب اسلامی و حج بارویکرد تمدنی

- حج و تمدن اسلامی ۲۳
- تأثیر انقلاب اسلامی بر وضعیت موجود و آینده عربستان (با تأکید بر کنگره حج) ۵۵
- نقش حج در گسترش مبانی انقلاب اسلامی در منطقه بیداری اسلامی ۷۷

بخش دوم: واکاوی تأثیرات حج بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران

- ظرفیت حج در مقابل چالش‌های تأسیسی و ابقایی انقلاب و جمهوری اسلامی ۱۰۹
- جایگاه حج در اندیشه سیاسی و مبارزاتی امام خمینی ۱۴۱
- بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی: تبیین مفاهیم و عرصه‌ها ۱۷۵
- جهانی‌شدن شعارهای انقلاب اسلامی و مناسک حج ابراهیمی ۲۱۷
- نقش حج در تبیین و گسترش شعارها و اهداف انقلاب اسلامی ۲۵۱
- راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در راستای استفاده از فرصت حج ابراهیمی ۳۰۱

بخش سوم: واکاوی تأثیرات انقلاب و جمهوری اسلامی بر حج

- تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج ابراهیمی؛ با تأکید بر دیدگاه امام خمینی ۳۴۱
- درآمدی بر نقش انقلاب اسلامی در احیای جنبه‌های سیاسی - اجتماعی حج ۳۶۷
- انقلاب اسلامی و قرائت نوین از حج (با تأکید بر فرمایشات امام خمینی و ۳۹۵

بخش چهارم: ظرفیت‌های کنج‌ج برای صدور انقلاب

- بررسی مؤلفه‌های حج در راستای صدور انقلاب ۴۲۵
- جامعه‌شناسی مردم عربستان و ظرفیت‌های صدور انقلاب ۴۴۵
- فرصت‌ها و چالش‌های موسم حج برای صدور گفتمان انقلاب اسلامی در ... ۴۷۷
- موانع صدور انقلاب اسلامی در عربستان در ایام حج؛ رویکردی بر ... ۵۰۷
- جریان‌های اسلام‌گرا در عربستان و نسبت آنها با انقلاب اسلامی ایران ۵۳۹

دیباچه

خدای متعال دین را مایه سعادت بشر، و آیین اسلام را خاتم ادیان قرار داد. سپس پایه های ولایت و امامت را برای تداوم بخشیدن به جریان نبوت بنیان گذارد. از این رو اگرچه نزول وحی با اختتام نبوت به پایان رسید، ولی امامت، تبیین کننده وحی شد تا ارتباط زمین و آسمان گسسته نشود.

مناسک اسلامی نیز هریک در تعالی فرد و جامعه نقش بسزایی دارند؛ اما در این میان، حج با ابعاد اثرگذارش در تاریخ بشر، جایگاهی ویژه دارد.

از دیگر سو می توان انقلاب اسلامی را نقطه عطف تحولات اساسی قرن حاضر، و موج جدیدی برای سامان دهی جهان اسلام دانست. امام خمینی علیه السلام با قرائت جدیدی از دین و مناسک آن، ابعاد سیاسی و اجتماعی دین را احیا کرد و قرائت های نژادی از دین را با وجهه بین المللی و فرافرقه ای اسلام پوشش داد؛ چنان که این قرائت جامع، به طور عینی از اسلام در حج تجلی کرد و حج ابراهیمی احیا شد.

امام علیه السلام با تمرکز بر ابعاد فردی حج مخالف بود، و همواره مسلمانان را به ظرفیت های عظیم و بین المللی حج، در سطح امت اسلامی فرا می خواند. از این حیث می توان بین ابعاد و مبانی حج و انقلاب اسلامی، رابطه ای دوسویه برقرار کرد؛ از طرفی

حج، محملی برای ترویج افکار و عقاید انقلاب اسلامی است، و می‌توان حج را مسیر عملی صدور انقلاب دانست، و از طرف دیگر بین حج و انقلاب اسلامی، مفاهیم سیاسی و اجتماعی مشترک بسیاری وجود دارد.

اثر حاضر، حاصل تلاش جمعی از نویسندگان، تحت نظارت دکتر مسعود معینی‌پور است که مدیریت علمی این مجموعه مقالات را بر عهده داشتند. امید است این اثر، مورد توجه و استفاده پژوهشگران ارجمند، روحانیون و زائران گرامی قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه مطالعات اجتماعی

مقدمه

حج آغاز سیورورت جدید، با مسئولیت های بیشتر برای فرد و جامعه است؛ سیورورتی که مدیریت تحول فرد و جامعه را بر عهده دارد. اما تلاش برای فردی کردن عبادات اسلام، به ویژه حج، و تهی کردن آنها از معنای راستین خود، نگرش تبلیغی توطئه آمیز و انفعالی است، که این بزرگترین سرمایه اسلام و امت اسلامی را نشانه گرفته است.

جهان اسلام در سالهای اخیر، به دلیل مشکلات درونی و فشارهای روزافزون بین المللی، مظلوم و بدنام واقع شدند. از این رو در بینش، گرایش و رفتارشان به بازاندیشی و بازسازی نیاز دارند. نگرش ناب اسلامی می تواند همه امور دنیوی و اخروی را در جهت صلاح و رستگاری سامان دهد و انسانهای فروغلتیده در مشکلات را آرامش بخشد؛ به شرطی که زمینه ها و الزامات آن، به درستی محقق شود.

حج هم یکی از این برنامه هاست. «حج می تواند روح توحید را در دلها زنده کند، تکه پاره های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلتی که بر ایشان تحمیل کرده اند، نجات دهد».^۱

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام، ۶۹/۴/۷.

حج ابعاد مختلفی دارد، و توجه عمیق به این فریضه، ثمرات مختلف تربیتی و تکامل فردی، جمعی و حتی جهانی به ارمغان می‌آورد؛ آن‌چنان‌که انقلاب اسلامی ایران، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناب و زلال آن، توانست به عزت و اقتدار برسد. توحیدمحوری، نفی ظلم و اعلام برائت از مستکبران، تساوی انسان‌ها نزد حضرت حق و قراردادن ملاک تقوا برای برتری، استقامت در انجام تکلیف، دستیابی به مقام قرب، و... همگی اهداف مشترکی اند که انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از تعالیم اسلام و مناسک دینی، از جمله حج، خط مشی خود کرده است. حضرت امام نیز تصریح می‌کرد که «حج، کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جست‌وجو نمود».^۱

جهان اسلام در این برهه حساس، در مصاف با نظام‌های سیاسی - اجتماعی برآمده از تمدن غرب دچار چالش شده است و شاید تنها راه برون‌رفت از این چالش‌ها بازخوانی دقیق و عمیق تعالیم اسلام باشد. اصلاح نگاه به ظرفیت عظیم دین اسلام، عزت و اقتدار را به امت اسلامی باز می‌گرداند و زمینه‌ساز ایجاد تمدن نوین اسلامی است. لذا توجه به ابعاد بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک و بین‌المللی و ظرفیت‌های تولیدگفتمان جهانی آن، از جمله وظایف دولت‌ها و اندیشمندان مسلمان است، و بی‌شک در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران نیز حج از اصلی‌ترین پایه‌های نظری رهبران انقلاب اسلامی بوده است؛ چنان‌که در مقالات این مجموعه، شواهد این امر را خواهید دید. در مجموعه مقالات حج در اندیشه اجتماعی - سیاسی مقام معظم رهبری^۲ نیز که پیش از این به چاپ رسیده، چگونگی بهره‌گیری از این ظرفیت عظیم الهی به تصویر کشیده شده است.

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۷۷.

۲. ر.ک: حج در اندیشه سیاسی - اجتماعی مقام معظم رهبری، جمعی از نویسندگان (به کوشش مسعود معینی‌پور)، ۱۳۹۳.

در مجموعه مقالات پیش رو، بررسی تأثیر و تأثرات متقابل حج و انقلاب اسلامی، مورد نظر بوده است. از سویی حج، منسک اصلی در کنار مناسک دیگر دین اسلام است و در متون دینی توجه بسیار زیادی به آن شده، و از دیگر سو انقلاب اسلامی از نظر فردی و اجتماعی، در حال شدن و تحول است که حداقل از بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ آغاز شده و در دوره معاصر، در کالبد ایران حلول کرده و همچنان صیورت دارد و روح ناآرام خود را به انقلاب مهدوی و حکومت عدل الهی پیوند خواهد داد.

مقالات این مجموعه را می‌توان به‌طور خلاصه به چهار بخش و با چهار رویکرد تقسیم‌بندی کرد:

۱. مقالاتی که با رویکرد و در مقیاس تمدنی، به پدیده حج و انقلاب اسلامی نگریسته‌اند و هم‌افزایی این دو را پیگیری کرده‌اند؛
 ۲. مقالاتی که تأثیرات حج بر انقلاب اسلامی را بررسی کرده و تأثیر آن را در ایجاد و بقای انقلاب اسلامی، بعد از تثبیت و تحکیم نشان داده‌اند؛
 ۳. مقالاتی که تأثیرات رخداد انقلاب اسلامی و عملکرد جمهوری اسلامی و رهبران آن را بر حج بررسی کرده‌اند و کوشیده‌اند تحولات کنگره عظیم حج را بعد از انقلاب اسلامی بیان کنند و این ظرفیت را توسعه بخشند؛
 ۴. مقالاتی که ذیل بحث ظرفیت‌شناسی و آسیب‌شناسی حج، برای صدور پیام، آرمان‌ها و قدرت نرم جمهوری اسلامی سازمان‌دهی شده‌اند.
- با توجه به این دسته‌بندی کلی، در ادامه به معرفی مختصر مقالات می‌پردازیم:

الف) نگاه به انقلاب اسلامی و حج با رویکرد تمدنی

۱. مقاله «حج و تمدن اسلامی»، نوشته حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی جمالی، در پی آن است با نگاهی عمیق به کنگره عظیم حج و با رویکردی

تمدنی، ابتدا به جایگاه و کارکرد حج ابراهیمی در تحقق تمدن اسلامی بپردازد، سپس با بازخوانی برخی از مناسک، از ظرفیت های آن در مهندسی تمدن اسلامی پرده بردارد؛ به گونه ای که اگر در خدمت انقلاب های اسلامی قرار گیرد، ملت های اسلامی در مسیر تحقق تمدن اسلامی هدایت شوند.

۲. مقاله «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر وضعیت موجود و آینده عربستان (با تأکید بر کنگره حج)»، نوشته جناب آقای دکتر محمد جعفر جوادی است که در ادامه مقاله پیشین، می تواند تصویر بهتری از عربستان و افق اثرگذاری انقلاب اسلامی بر وضعیت موجود و آینده عربستان پیش رو قرار دهد. مقاله مذکور، این پیش فرض را در کانون تحلیل خود قرار داده که هدف اصلی حج و انقلاب اسلامی، هردو تحقق امت واحد اسلامی است. بر این اساس به دنبال پاسخ گویی به این سؤال است که سازوکار جمهوری اسلامی ایران برای تحقق هدف مهم کنگره حج (وحدت جهان اسلام در قالب امت واحد اسلامی)، در وضعیت روابط ایران و عربستان، چیست.

۳. مقاله «بررسی نقش حج در گسترش تفکر و مبانی انقلاب اسلامی در منطقه بیداری اسلامی»، نوشته جناب آقای دکتر علی اخترشهر است. نویسنده در این مقاله، حج را سرمایه ای معنوی و فرهنگی برای مسلمانان دانسته و با توجه به اشتراک مبانی حج و انقلاب اسلامی، به بررسی جایگاه حج در گسترش تفکر و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است. نویسنده کوشیده است این نقش را درباره کشورهای منطقه بیداری اسلامی بررسی کند و اعتقاد دارد که از مهم ترین نقش های حج در گسترش مبانی انقلاب اسلامی، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:



۱. داشتن دشمن مشترک؛
۲. رایزنی، شور و مشورت و مبادله فرهنگی؛
۳. اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر؛
۴. تحکیم وحدت بین مسلمانان؛
۵. برائت از مشرکان و ظلم‌ستیزی.

ب) واکاوی تأثیرات حج بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران

۱. مقاله «ظرفیت‌شناسی کنگره عظیم حج در مقابله با برخی چالش‌های تأسیسی و ابقایی انقلاب و جمهوری اسلامی»، نوشته آقای دکتر مسعود معینی‌پور و سرکار خانم طاهره بیژنی است، و به دنبال اثبات این مدعاست که نه تنها تعالیم و مناسک حج در تأسیس و ایجاد انقلاب اسلامی، الهام‌بخش و مؤثر بوده، بلکه در بقا نیز اثرگذار است؛ چنان که نظام جمهوری اسلامی، برای مقابله با بسیاری از چالش‌های پیش‌روی خود، می‌باید از ظرفیت حج بهره بگیرد. از این‌رو بعد از بیان ابعاد اثرگذاری تأسیسی حج بر انقلاب اسلامی، به بررسی و شناسایی ظرفیت‌های کنگره حج برای مقابله با چالش‌های بقای انقلاب و جمهوری اسلامی می‌پردازد.

۲. مقاله «جایگاه حج در اندیشه سیاسی و مبارزاتی امام خمینی و تعامل ابعاد اندیشه‌ای ایشان در حج»، نوشته جناب آقای امیر سیاهپوش است. مؤلف در این مقاله تلاش کرده است تأثیر تعالیم حج را در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی علیه السلام نشان دهد؛ تشبیه مبارزات حضرت امام به نوع مواجهه حضرت ابراهیم با طاغوت زمان و ظلم‌ستیزی و برائت از مشرکین و بهره‌گیری از معارف معنوی حج و اصل وحدت و خلاصه، واکاوی ابعاد مختلف فردی و اجتماعی حج و تأثیرات آن در اندیشه و عمل امام خمینی، کار ویژه این مقاله است.

۳. مقاله «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی؛ تبیین مفاهیم و عرصه‌ها» نوشته حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر یوسف فتحی است. این مقاله به دنبال بیان ابعاد معرفتی و کارکردی حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، با مراجعه به برخی از آیات حج و پیام‌های امام خمینی به کنگره حج است. همچنین برای نیل به این مقصود، به تطبیق تحلیلی ظرفیت‌های انقلاب اسلامی با حج نیز پرداخته است. نویسنده، در پایان مقاله نتیجه می‌گیرد که بسیاری از مبانی و کارکردهای حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، مشترک است و احیای حج ابراهیمی، بدبینی‌های میان ملت ایران و جهان اسلام را رفع می‌کند و انقلاب اسلامی، نمونه عملی برای برون‌رفت از وضعیت موجود کشورهای اسلامی و الهام‌بخش خیزش‌های اسلامی و معنویت‌گراست.

۴. مقاله «جهانی‌شدن شعارهای انقلاب اسلامی و مناسک حج ابراهیمی»، نوشته جناب آقای دکتر مهدی حسین زاده فرمی است و موضوع اصلی آن، بررسی نسبت ویژگی‌های مناسک حج، با شعارهای انقلاب اسلامی و خصوصیات جهانی شدن است. نویسنده برای دستیابی به پاسخ خود، ابتدا درباره جهانی شدن و خصوصیات آن نوشته، سپس به تحلیل محتوای شعارهای انقلاب اسلامی و نسبت آن با شعار حج پرداخته و در پایان، نسبت بین این سه را بررسی کرده است. از نظر نویسنده، اینکه زمینه سازی ظهور و رخ‌نمایی برخی از علائم آن با رخداد انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری فرایند جهانی شدن در یک زمان واقع شده، مسئله‌ای نیست که بتوان به راحتی از آن گذر کرد و باید نسبت این سه باهم سنجیده شود و از عناصر مشترک بین این سه، کنگره عظیم حج است.

۵. مقاله «نقش حج در تبیین و گسترش شعارها و اهداف انقلاب اسلامی»، نوشته جناب آقای سید عقیل نسیمی است. حج از این منظر، نقش بسیار مهم و مؤثری در طول

تاریخ، در بیداری مسلمانان داشته است؛ به گونه‌ای که متفکران اسلامی، همواره در صدد بهره‌گیری از این ظرفیت برای احیای ملت‌های مسلمان و تقابل با جبهه ظلم و کفر بوده‌اند. از این رو این مقاله به بررسی نقش، توانایی، جایگاه و ظرفیت عظیم حج در جهت تبیین و گسترش شعارها و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی می‌پردازد و می‌کوشد بعد از تبیین و توصیف اهداف انقلاب اسلامی، تأثیرات حج را بر پیشبرد آن اهداف، واکاوی کند.

۶. مقاله «راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در راستای استفاده از فرصت حج ابراهیمی»، نوشته جناب آقای دکتر مهدی مولائی آرانی است. نگارنده اعتقاد دارد که حج با همه عظمت و جایگاه خود، در این زمان به دلیل تفرقه میان امت اسلام، فاصله زیادی با اهداف حقیقی خود پیدا کرده است و جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظام سیاسی - اجتماعی برآمده از آرمان‌های اسلام ناب، وظیفه دارد از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بی‌بدیل حج استفاده کند. اینکه سیاست‌گذاران و مسئولان جمهوری اسلامی، چه راهکارهایی را برای بهره‌گیری حداکثری از این فرصت عظیم پیش رو دارند، مسئله این مقاله است. نویسنده معتقد است از مهم‌ترین رقبای جمهوری اسلامی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های حج، فرقه وهابیت است. از این رو در این مقاله می‌کوشد ابتدا ویژگی‌های فرقه وهابیت و وجوه رقابتی آن با جمهوری اسلامی را بیان کند، سپس به بررسی راهکارها بپردازد. گفتنی است محقق، از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با نخبگان بهره گرفته و تحلیل داده‌ها را با روش «SWOT» انجام داده است.

ج) واکاوی تأثیرات انقلاب و جمهوری اسلامی بر حج

۱. مقاله «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج ابراهیمی؛ با تأکید بر دیدگاه امام خمینی»، نوشته جناب آقای رضا لکزایی است. نویسنده در این مقاله، با بهره‌گیری از

چارچوب نظری برآمده از اندیشه امام خمینی، بیان می‌کند؛ انقلاب اسلامی در جغرافیای ایران رخ نمود، اما تأثیرات آن جهانی بود و این تأثیرات، حتی در زمینه احیای حج و تغییر رویکرد مسلمانان به حج نیز درخور تأمل است. در این مقاله، تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سه حوزه باور، انگیزه و عمل، بررسی و نشان داده شده است. در حوزه باور، انقلاب ایران در واقع، مفهوم توحید را به‌عنوان اعتقاد به خدا و نفی طاغوت بازتعریف کرد و از آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین مظهر شرک نام برد. در حوزه انگیزه و گرایش در انقلاب ایران، شاهد عشق و نفرت بودیم؛ عشق به خوبی‌ها و لشکریان عقل که در رأس آن، امام خمینی قرار داشت و تنفر از بدی‌ها و لشکر جهل که در رأس آن، شاه و اربابانش قرار داشتند. در حوزه رفتاری هم، مبارزه عملی با روحیه شهادت‌طلبانه که با تغییر محتوای باطنی انسان‌ها رخ داده، کلید می‌خورد و با شعار و راه پیمایی و تظاهرات آغاز می‌شود و تا نابودی استکبار جهانی براساس پیام جهانی «نه ظلم کن و نه مظلوم شو»، به پیش می‌رود.

۲. مقاله «درآمدی بر نقش انقلاب اسلامی در احیای جنبه‌های سیاسی - اجتماعی حج»، نوشته جناب آقای سید جواد میرخلیلی است. مؤلف در این مقاله با بیان تحولات نظریه‌های بین‌الملل که از انقلاب اسلامی ناشی شده است، به این مسئله می‌پردازد که حج نیز از این تحول عمیق اجتماعی - سیاسی نشئت گرفته است و با بهره‌گیری از فضای ایجادشده در انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های سیاسی اجتماعی موجود در مناسک و تعالیم حج برجسته شد و مورد توجه ملت‌های مسلمان قرار گرفت.

۳. مقاله «انقلاب اسلامی و قرائت نوین از حج (با تأکید بر فرمایشات امام خمینی و مقام معظم رهبری)»، نوشته جناب آقای محمد حقی است که در آن، تأثیرات انقلاب اسلامی در برداشت و قرائت نوین از حج را نشان داده است. حج از دیدگاه نگارنده، تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، تنها حرکتی عبادی بود و از دیگر ابعاد آن غفلت می‌شد.



با پیروزی انقلاب، توجه به ابعاد سیاسی حج مورد تأکید قرار گرفت و حج، میعادگاه وحدت مسلمانان در برابر مستکبران جهان و کانون برائت از مشرکان معرفی شد و ابعاد سیاسی آن احیا گردید. در این میان، نگارنده به کمک سخنان و مکتوبات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در صدد پاسخ به مسئله مقاله خود است.

د) فرصت‌ها و تهدیدهای حج برای صدور انقلاب

۱. مقاله «بررسی مؤلفه‌های حج در راستای صدور انقلاب»، نوشته حجت الاسلام والمسلمین محسن محمدی است که مؤلفه‌ها و مبانی مشترک حج و انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. این مقاله، اشتراک مؤلفه‌های حج و انقلاب را زمینه کارکرد حج در صدور انقلاب می‌داند. سنخیت ماهیتی حج در گزاره‌هایی همچون خدامحوری، مردم‌محوری، رهبری، دشمن‌شناسی و هم‌گرایی، زمینه هم‌افزایی کارکردی حج و انقلاب را ایجاد کرده و سبب شده است حج، به عنوان نهاد و رسانه‌ای برای صدور انقلاب مد نظر قرار گیرد.

۲. مقاله «جامعه‌شناسی مردم عربستان و ظرفیت‌های صدور انقلاب (فرهنگ و ساخت اجتماعی و فرهنگ دینی، احزاب و گروه‌های اجتماعی و...)» نوشته حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدرضا فلاح است که ظرفیت‌شناسی جامعه عربستان برای صدور انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. در این مقاله، تلاش شده است ظرفیت‌های موجود اجتماعی عربستان، برای نفوذ و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی بررسی شود. ظرفیت‌شناسی مذهب و عالمان دینی در عربستان، واکاوی ساختار قبیله‌ای آن و ظرفیت‌شناسی این ساختار، بررسی جایگاه ساختار و احزاب سعودی در عربستان، همچنین احزاب اسلام‌گرای سنی و شیعی در عربستان، از مهم‌ترین ساختارهای بررسی شده در این مقاله است.

۳. مقاله «فرصت‌ها و چالش‌های کنگره حج برای صدور انقلاب اسلامی، با تأکید بر دیدگاه رهبر حکیم انقلاب اسلامی»، نوشته جناب آقای علیرضا دانشیار است. از نظر نگارنده، حج آن‌چنان‌که فرصت‌های بسیاری برای صدور انقلاب اسلامی پدید می‌آورد، چالش‌هایی را نیز پیش روی آن قرار داده است که باید آنها را به فرصت تبدیل کرد و اجازه نداد به بحران تبدیل شود. برپایه این مقاله، مهم‌ترین فرصت‌های جمهوری اسلامی در عرصه فرهنگی - سیاسی در حج، عبارت‌اند از: تقویت گفت‌وگو، تقریب مذاهب، وحدت‌محوری، دیپلماسی فعال و... در مقابل، چالش‌های گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگی - سیاسی در حج، عبارت‌اند از: تشدید اختلافات مذهبی - فرقه‌ای و عدم تحمل تبادل و گفت‌وگوی فرهنگی - عقیدتی، عدم دیپلماسی فعال در عرصه سیاسی، جداسازی مضمون سیاسی از حج، حکومت سعودی و حمایت از گروه‌های وهابی و تکفیری و تشدید تبلیغ علیه آموزه‌های تشیع و جمهوری اسلامی و...

۴. مقاله «موانع صدور انقلاب اسلامی در عربستان و ایام حج؛ رویکردی بر ساختار سیاسی حاکم بر فرهنگ مذهبی»، نوشته جناب آقای کرامت عبدلی است. پیش‌فرض این مقاله، این است که حکومت عربستان، به نفوذ تعالیم انقلاب اسلامی و خطرات آن برای کم‌رنگ کردن حاکمیت عربستان و نفوذ آن در کشورها پی برده و از هر وسیله‌ای برای کاهش نفوذ ارزش‌های انقلاب اسلامی استفاده می‌کند. مقاله به دنبال اثبات این فرضیه است که حکومت پادشاهی و موروثی آل سعود که با به‌کارگیری روش‌های استبدادی و توتالیتر، توانسته است در عربستان به حیات خویش ادامه دهد، در همراهی با فقها و سردمداران وهابیت، در تقابل با مردم و آزادی‌خواهان و انقلاب اسلامی ایران، به حمایت متقابل از یکدیگر، و سرکوب جنبش‌های مردمی و ایجاد مانع در برابر صدور انقلاب اسلامی ایران، به‌ویژه در ایام حج می‌پردازند.



۵. مقاله «جریان‌های اسلام‌گرا در عربستان و نسبت آنها با انقلاب اسلامی ایران»، نوشته جناب آقای دکتر یحیی فوزی و جناب آقای عباس علی‌بخشی است و بررسی جریان‌ات سیاسی اسلام‌گرا و نسبت‌سنجی آنها با انقلاب اسلامی را در دستور کار خود دارد. از این رو در ابتدا به دسته‌بندی جریان‌ات اسلام‌گرا در عربستان می‌پردازد، سپس از حیث اندیشه سیاسی، تشابهات و تفاوت‌های آن را با انقلاب اسلامی بررسی می‌کند تا بتواند جریان‌ات درونی عربستان سعودی را بهتر به سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی بشناساند.

در پایان از تمام کسانی که در تألیف مقالات همکاری کرده و در انجام اصلاحات و صرف زمان مباحثه صبوری نموده‌اند، قدرانی می‌کنم. همچنین از حجت‌الاسلام علیزاده ریاست محترم پژوهشکده حج، برای مهیا کردن زمینه تولید این اثر، تشکر ویژه می‌نمایم.

الحمد لله

مسعود معینی پور

دبیر علمی مجموعه مقالات

شعبان المعظم ۱۴۳۵ خردادماه ۱۳۹۳

بخش اول: نگاه به انقلاب اسلامی و حج بارو یکر دتمدنی

حج و تمدن اسلامی

مصطفی جمالی^۱

چکیده

رسالت انقلاب اسلامی در عصر حاضر، تحقق تمدن اسلامی، با همه لوازم تمدنی است، و پرواضح است که این تمدن، از یک سو ریشه در معارف اسلام ناب دارد و از سوی دیگر، تمدنی جامع و کارآمد است. بنابراین، برای مهندسی تمدن اسلامی باید از تمام ظرفیت‌های معارف و آموزه‌های اسلام ناب بهره برد. حج، این فریضه بزرگ الهی، ظرفیت بالایی در این راستا دارد. این مقاله با رویکردی تمدنی، در پی آن است که ابتدا به جایگاه و کارکرد حج ابراهیمی در تحقق تمدن اسلامی بپردازد، سپس با بازخوانی برخی مناسک عبادی حج، از ظرفیت‌های این مناسک، در مهندسی تمدن اسلامی پرده بردارد.

واژه‌های کلیدی: حج، تمدن اسلامی، نظام تمایلات.

۱. دکترای مدرسی الهیات و عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.

مقدمه

حج و مناسک آن، گنجینه‌ای عظیم از معارف الهی، و دارای اثرات فراوان برای هدایت انسان است. این فریضه الهی، دارای آثار روحی، فکری و رفتاری برای سلوک فردی انسان است و آثار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای تکامل و رشد جامعه دارد. از طرف دیگر، مطالعه و تحقیق درباره این بزرگ‌ترین تکلیف الهی و بررسی فلسفه و اسرار آن، از ابعاد گوناگون امکان‌پذیر است؛ چنان‌که گاه از منظر تکامل فردی، گاه از منظر اجتماعی و گاه از منظر تاریخی بدان پرداخته می‌شود. گفتنی است درباره بُعد سلوکی و تاریخی حج، توجه خوبی صورت گرفته، اما در این حوزه، ضرورت پرداختن به بُعد اجتماعی حج، آن‌هم با رویکردی تمدنی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا از یک سو تمدن لیبرال دموکراسی، با داعیه تمدن پایان تاریخ، به دنبال جهانی‌سازی خود است و در مسیر جهانی‌سازی، مهم‌ترین چالش خود را اسلام تمدنی می‌داند، و از طرف دیگر با بیداری اسلامی، بار دیگر زمینه تحقق امت اسلامی پدید آمده است. بنابراین پرواضح است که در عصر حاضر، برای پویایی و بالندگی این امت و مقابله همه‌جانبه با جهان کفر و الحاد، راهی جز پیمودن مسیر تحقق تمدن اسلامی، پیش روی امت اسلامی نیست. از این رو باید تمام آموزه‌ها و ظرفیت‌های جهان اسلام بازخوانی، و نقشه‌ای جامع برای تحقق تمدن اسلامی طراحی شود؛ تا حرکت و پتانسل جهان اسلام، در مسیر واقعی خود واقع گردد.

۱. مفهوم‌شناسی حج و تمدن اسلامی

الف) حج

واژه حج در لغت، به معانی مختلف و گوناگونی آمده است که برخی از آنها عبارت است از: قصد کردن، پی‌درپی آمدن، قصد زیارت کردن، بازداشتن و خودداری کردن،

رستگار شدن، پناهنده شدن؛^۱ اما در اصطلاح دینی، حج به معنای قصد کردن زیارت خانه خدا و انجام دادن مناسک حج در ایام معین است؛ چنان که راغب اصفهانی در این باره می‌گوید: «أَصْلُ الْحَجِّ، الْقَصْدُ لِلزِّيَارَةِ، حُصَّ فِي تَعَاُفِ الشَّرْعِ بِقَصْدِ بَيْتِ اللَّهِ تَعَالَى إِقَامَةً لِلنُّسُكِ».^۲

برخی حج را به تکرار قصد معنا کرده‌اند؛ زیرا انسان، تجلی دائم خدا را در حج احساس می‌کند؛ خدا لحظه به لحظه برای او در حال جلوه‌گری است و زائر هم لحظه به لحظه قصد رسیدن به خدا را دارد. مثلاً در یک لحظه به اسم قادر خدا می‌رسد و در لحظه دیگر دوباره قصدش را تکرار می‌کند تا باز به جلوه دیگری از اسامی خدا دست یابد. در لحظه ای به اسم علیم می‌رسد و در لحظه دیگر، اسم خبیر بر او تجلی می‌کند. زمانی را با اسم حکیم سپری می‌کند و زمان دیگری را با کریم، قدیر و جواد. خدای حج، پیوسته در حال جلوه‌گری‌های بدیع است؛ اما درک این جلوه‌گری‌ها در حج، بیش از سایر زمان‌ها خودنمایی می‌کند.^۳

میان مناسک تشریحی، حج و مناسک آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ تا آنجا که خداوند، کعبه را وسیله قوام و پایداری مردم قرار داد: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مائده: ۹۷)؛ بدین معنا که ترک حج، زمینه ساز نزول عذاب الهی و نابودی مردم می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَمَّا إِنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكُوا حَجَّ هَذَا الْبَيْتِ لَنَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَ مَا نُوْظِرُوا».^۴ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را رمز اقتدار دین و علم اسلام می‌نامد: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عَلَمًا».^۵ همچنان که پرچم، نماد بقای یک کشور و استقرار و

۱. الرائد، (فرهنگ الفبایی عربی - فارسی)، جبران مسعود، مترجم: رضا انزایی نژاد، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۵۶.

۲. المفردات، راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۷.

۳. اسرار الشیعه و اطوار الطریقه و انوار الحقیقه، سید حیدر آملی، مقدمه و تصحیح: محمد خواجه‌ای، ۱۳۶۲، ص ۲۲۷.

۴. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۱۱، ص ۲۲.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱.

پایداری یک سپاه است، فروافتادنش نشانه سقوط آن ملت است. حتی امام صادق علیه السلام قوام دین را در گرو پابرجایی کعبه دانسته است: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ».^۱ آنچه باید در باب این فریضه الهی مد نظر داشت، این است که این تکلیف الهی، تنها برای رشد و سلوک فردی جعل نشده؛ بلکه با نگاهی اجمالی به آیات و روایات، به خوبی استنباط می شود که مقصد اصلی شارع، رشد و تکامل اجتماعی انسان ها و قوام امت اسلامی است. بر همین اساس حج، هم می تواند برای جوامع تأثیرات اجتماعی داشته باشد و هم می تواند کارکرد عظیمی داشته باشد؛ مخصوصاً با توجه به حضور میلیونی هرساله مسلمانان از تمام نقاط جهان اسلام، که به خوبی شرایط و زمینه استفاده از این پتانسیل عظیم را در این راستا فراهم می کند.

ب) تمدن اسلامی

در زبان عربی، واژه «تمدن» از «مدن» گرفته شده که به معنای اقامت کردن و پیداکردن اخلاق شهرنشینان است.^۲ این واژه، ترجمه «Civilization»^۳، و از واژه لاتینی «Civilis» متعلق به واژه «vivis» یعنی «شهروند»، مشتق شده است. یونانی های باستان، با این کلمه نشان می دادند که شهر را مجموعه ای از نهادها و روابط اجتماعی می دانند که شکل برتری از زندگی است.^۴ در فرهنگ های فارسی نیز «تمدن»، به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی،

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱.

۲. المنجد، لوئیس معلوف، مترجم: محمد بندر ریگی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۶۶.

۳. فرهنگ معاصر، محمدرضا باطنی و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶.

۴. درآمدی بر تاریخ تمدن، ویل دورانت، مترجم: احمد بطحایی و خشایار دیهیمی، ۱۳۶۸، ص ۲۵۶.

سیاسی و... آمده است.^۱ اگرچه، هم در زبان شرقی و هم در زبان لاتین، انتساب به شهر و شهرنشینی ملاک تمدن است، باید توجه داشت که تمدن، لزوماً به معنای شهرنشینی نیست؛ بلکه انسان متمدن، انسانی است که وارد مرحله شهرنشینی شده است. در واقع شهرنشینی، معلول تمدن بوده است، نه علت آن. بر همین اساس، جان برنال می‌گوید: «شهر جزو تمدن است، نه اینکه شهرنشینی، تمدن را به وجود آورده باشد».^۲

اما در خصوص معنای اصطلاحی تمدن، با تلقی‌های گوناگونی، و در تعریف‌ها با رویکردهای مختلف روبه‌رو هستیم. پیش از به دست دادن بعضی از این تعاریف، این نکته را باید در نظر داشت که تمدن، مفهومی بدیع و نسبتاً جدید است و در طول سده‌های اخیر، دچار تحول مفهومی نیز شده است. اصولاً این اصطلاح از قرن هیجده و در عصر روشنگری پدید آمد؛ هرچند واقعیت آن از گذشته موجود بوده است. حال با در نظر داشتن نکته مزبور، این واژه از منظر بعضی اندیشمندان مغرب‌زمین و گروهی از متفکران مسلمان، این‌گونه تعریف شده است.

تمدن از نظر ویل دورانت، نظامی اجتماعی است که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به‌منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگهدارنده آن است و نظامی اقتصادی است که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند.^۳

ساموئل هانتینگتون، تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح

۱. فرهنگ فارسی، محمد معین، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳۹.

۲. علم در تاریخ، جان برنال، مترجم: اسدپور پیرنظر، ۱۳۸۰، ص ۸۶.

۳. تاریخ تمدن، ویل دورانت، مترجم: احمد آرام و پاشائی و آریان‌پور، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳.

هویت فرهنگی به شمار می‌آورد.^۱ هنری لوکاس، تمدن را پدیده‌ای به هم‌تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد.^۲ از نظر آرنولد توین بی، تمدن حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است.^۳ یعنی در جامعه، طبقه ممتازی وجود دارد که واجد نبوغ و ابتکار و نوآوری است و بر اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌نماید.

متفکران مسلمان نیز تعاریف خاص خود را از تمدن دارند. ابن خلدون، تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر ابن خلدون، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت نظم‌پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده است تا بر حفظ نظم نظارت کند و از حالت زندگی فردی، به‌سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی چون علم و هنر شده، حایز «مدنیت» است.^۴ علامه محمدتقی جعفری تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «تمدن، تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول، با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت است».^۵

با بررسی تعاریف یادشده، به‌خوبی مشخص می‌شود که در باب تعریف تمدن، نباید تنها به بخش نرم‌افزاری تمدن توجه داشت و حتی تمدن را به مفهوم فرهنگ فروکاست؛ چنان‌که برخی، فرهنگ و تمدن را مترادف با یکدیگر قلمداد می‌نمایند. ادوار تایلور در این باره می‌گوید:

۱. نظریه برخورد تمدن‌ها، ساموئل هانتینگتون، مترجم: مجتبی امیدی، ۱۳۷۴، ص ۴۷.

۲. تاریخ تمدن، هنری لوکاس، مترجم: عبدالحسین آذرنگ، ۱۳۶۶، ج ۱، صص ۷ و ۱۶.

۳. بومیایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی‌اکبر ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰.

۴. مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، مترجم محمد پروین گنابادی، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۷۵ و ۷۶.

۵. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۱۶۱.

کلمه فرهنگ یا تمدن، به مفهوم وسیع کلمه که مردم‌شناسان به کار می‌برند، عبارت از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری است که به‌وسیله انسان در جامعه خود به دست می‌آید.^۱

بنابراین، باید در تعریف جامع تمدن، معنایی فراگیر قائل شد که علاوه بر جنبه نرم و فرهنگی حیات اجتماعی، مجموعه عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و خلاصه، جنبه‌های سخت در یک جامعه را هم مد نظر داشت. تمدن در فرهنگ لالاند، مجموعه‌ای است از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقال‌اند و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی و علمی مشترک در یک یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند.^۲

البته همان‌گونه که در تعریف لغوی بیان شد، در تعریف اصطلاحی هم کسانی هستند که تمدن را در جلوه‌های فرهنگ مادی، و تجسم آن را در شهرنشینی خلاصه می‌کنند.^۳ از این رو می‌توان به چند ویژگی مفهوم تمدن اشاره کرد:

یک - تمدن، آن‌چنان‌که از واژه لاتینی شهرنشین‌بودن یا شهروندان (civis) و شکل وصفی آن (civilis) مشتق می‌شود، متقوم به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی قانونمند است.

دو - گستره یک تمدن، به‌مراتب بیشتر از یک حکومت یا حتی یک فرهنگ خاص است و به‌طور طبیعی، عمر طولانی‌تری از عمر حیات اجتماعی یک جامعه خاص را دارد.

سه - تمدن، هم جنبه سخت و هم جنبه نرم دارد که فرهنگ، به‌عنوان جنبه نرم، زیربنای ساخت یک تمدن است و بُعد عقلانیت یک تمدن - که اساس یک تمدن است - بازگشت به بعد فرهنگی آن می‌کند. البته نباید تمدن، تنها به این جنبه خلاصه شود،

۱. زمینه فرهنگ‌شناسی، محمود روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ص ۴۸.

۲. درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۹.

۳. همان، ص ۵۰.

بلکه جنبه‌های سخت همچون ساختارها، محصولات و... هم مطرح است. چهار- هر تمدنی نظامات اجتماعی متعددی دارد که همین نظامات، تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازد؛ مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...^۱ پنج - شکل‌گیری تمدن، محصول هماهنگی نظامات اجتماعی خاصی است که به پذیرش اجتماعی رسیده و نهادینه شده‌اند. لذا اگر مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جامعه به پذیرش اجتماعی نرسد، شکل تمدنی پیدا نمی‌کند.

ج) ارکان تمدن

برخی چهار رکن را در ساخت تمدن مطرح کرده‌اند: «پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر». از نظر ویل دورانت، عوامل تمدن عبارت‌اند از: شرایط معرفت الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی، و از نظر او اهمیت عوامل و اوضاع و احوال اقتصادی، در شکل‌دهی به یک تمدن، بیش از عوامل دیگر است.^۲

بعضی دیگر، سازه‌های یک تمدن را نظام اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، ارزشی، تاریخی و... دانسته‌اند.

شاید بتوان با نظری دقیق، سه رکن اصلی یک تمدن را «نظام‌گرایی، نظام اندیشه و فرهنگ، سبک زندگی و نظام محصولات» دانست که در تقویم با یکدیگر، هویت تمدنی خاصی را شکل می‌دهند. برخلاف بسیاری از دیدگاه‌ها که فرهنگ را روح و پایه اصلی تمدن مطرح می‌کنند، می‌توان گفت که فرهنگ، پایه و اساس شکل‌گیری عینیت‌های

۱. تعریف و مفهوم فرهنگ، داریوش آشوری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸.

۲. درآمدی بر تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۰۷.

تمدنی است و تمام الگوها، مدل‌ها، ساختارها و دانش‌ها، بستر شکل‌گیری محصولات «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» را در سطوح مختلف فراهم می‌آورند، اما فرهنگ، خود در بستر نظام گرایشات، تمایلات، عاطفه‌ها و اخلاق اجتماعی شکل می‌گیرد و ظهور و بروز آن، در سبک زندگی و محصولات تمدنی است. به تعبیر دیگر با مطالعه و بررسی حیات اجتماعی انسان، به‌خوبی نمایان می‌شود که حیات اجتماعی از مجموعه‌ای از «تمایلات، اندیشه‌ها و محصولات» شکل گرفته است که این سه بعد، در هماهنگی با یکدیگر، تمام حوزه‌های حیات زندگی انسان را پوشش می‌دهد و در این میان، نظام تمایلات، سهم اصلی در شکل‌دهی یک جامعه و تمدن را دارد. مثلاً جامعه‌ای که تمایلات آن مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شکل گرفته است، هیچ‌گاه در اندیشه اقتصادی خود، به دنبال الگوهای ربوی و نظام سرمایه‌داری نمی‌رود و روابط اجتماعی و فرهنگ خود را متناسب با تمایلات خود شکل می‌دهد.

د) نظام گرایش‌ها و تمایلات

همان‌طور که بیان شد، تمایلات، عواطف و احساسات از مهم‌ترین ارکان یک جامعه و تمدن بشری است. هر جامعه‌ای متناسب با حس زیباشناسی‌اش، گاه به موضوعات و مسائلی علاقه‌مند، و گاه از مطالب دیگری متنفر می‌شود؛ که همین تمایلات، با تعامل با اندیشه‌هاست؛ که مبدأ ابراز رفتارها و موضع‌گیری‌ها می‌گردد. بر این اساس می‌توان تمایلات اجتماعی را خاستگاه شکل‌گیری تمدن برشمرد، و این ادعا با مطالعه تاریخی اثبات‌شده است؛ زیرا نقطه عزیمت هر شکل تمدنی به شکل دیگری، تغییر در تمایلات، عواطف و زیباشناسی اجتماعی است و به تعبیر ماکس وبر، این اخلاق اجتماعی است که پایه شکل‌گیری یک تمدن می‌گردد.^۱

۱. اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، ماکس وبر، ص ۶۲.

در باب تمایلات اجتماعی باید به دو نکته توجه کرد:

اولاً: گرایشات و تمایلات اجتماعی، نظام مند است و همین نظام‌مندی، باعث تفاوت جوهری نظامات اجتماعی متفاوت می‌شود. آنچه در نظام‌مندی این تمایلات مهم است، توجه به تمایل محوری در شکل‌گیری و هدایت دیگر تمایلات و گرایشات است. اگر جامعه به دنبال توسعه و تکامل روحیه خداپرستی باشد، به طور طبیعی توسعه و تکامل آن جامعه، در تمام ابعاد به‌گونه‌ای خاص صورت می‌پذیرد و هرگز با شاخصه‌های مادی قابل سنجش نیست.

ثانیاً: اگرچه میان اندیشه و تمایلات، همواره ارتباط تنگاتنگ وجود دارد، این تغییر در تمایلات و انگیزه‌هاست که به دنبال خود، تغییر در اندیشه را به همراه دارد. ویل دورانت در کتاب «تاریخ فلسفه» خود به این موضوع اشاره دارد که «همواره تغییر در نگرش و روش، با تغییر انگیزه‌ها همراه بوده است».^۱

براین اساس می‌بینیم که غرب مدرن هم، ابتدا با تغییر تمایلات و ضمن زیباشناسی مردمان آن دیار آغاز می‌گردد. ویل دورانت، «پترارک» و «بوکاچیو» شاعر و نویسنده ایتالیایی قرن چهاردهم را نخستین انسان‌های عصر مدرن می‌نامد. «هرچه هست، از حدود اواسط قرن چهاردهم، نهضت فرهنگی - ادبی‌ای در برخی شهرهای ایتالیا به‌ویژه فلورانس پدید می‌آید که حکایتگر ظهور تدریجی بشر جدیدی بود که دیگر دل‌بستگی‌ها و علایق و تعلقات قرون وسطایی نداشت. دیگر این بشر، علاقه‌مند به افق ناسوتی حیات و زندگی سوداگرانه و منش سودجویانه است».^۲

بدین‌سان نطفه مدرنیته در رنسانس، با این میل محوری، یعنی دنیاگرایی و روی‌گردانی از اندک مایه‌های میراث معنوی تفکر غربی بسته می‌شود. لذا این تغییر در

۱. درآمدی بر تاریخ تمدن، ص ۳۷۳.

۲. مبانی نظری غرب مدرن، شهریار زرشناس، ۱۳۸۲، ص ۸۶.

تمایلات، عواطف و احساسات در مغرب‌زمین، به دنبال خود، علوم و تکنولوژی مدرن را به همراه می‌آورد و تمدن مادی می‌سازد؛ به عبارت دیگر و به تعبیر ماکس وبر، روح نظام سرمایه‌داری، اخلاق پروتستانی است؛ اخلاقی با روحیه خوشگذرانی و میل به ثروت‌جویی و کسب درآمد بیشتر.^۱

ه) نظام اندیشه (بینش‌ها و دانش‌ها)

رکن دوم تمدن، اندیشه‌ها و بینش‌های تمدنی است که مبتنی بر آن، محصولات تمدنی شکل خواهد گرفت. این اندیشه‌ها لایه‌های متعددی دارد. از یک نگاه می‌توان آنها را به اندیشه‌های «بنیادی، راهبردی و کاربردی» تقسیم کرد که همین اندیشه‌ها فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد؛ به تعبیر دیگر مفاهیم ساختارهای اجتماعی، الگوها و مدل‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی»، همه رکن دوم و اساس یک تمدن را شکل می‌دهد که براساس آنها روابط اجتماعی و کنش و واکنش‌های متقابل در سطوح خرد و کلان شکل می‌گیرد.

و) سبک زندگی و محصولات

نمود یک تمدن، در سبک زندگی و محصولات تمدنی آن است. سبک زندگی و محصولات تمدنی، همواره مبتنی بر فرهنگ و اندیشه‌های خاصی شکل می‌گیرد. لذا خود، حاصل فرهنگ و ارزش‌های خاصی است. دقت در این معنا بسیار مهم است؛ تا آنجا که بعضی این موارد را جزو ارکان فرهنگ برشمرده‌اند. مثلاً رویتر فرهنگ را این‌گونه معنا می‌کند: اصطلاح فرهنگ به معنای مجموع آفرینش‌های بشری و برایندهای سازمان‌یافته تجربه بشری، تاکنون به کار می‌رود. فرهنگ شامل همه چیزهایی است که بشر به صورت

۱. اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، ماکس وبر، ۱۳۷۴، ص ۵۴.

ابزارها، جنگ افزارها، سرپناه ها و دیگر کالاهای مادی و فرایندها ساخته است؛ شامل همه چیزهایی است که بر بنیاد دیده‌ها و باورها، اندیشه‌ها و داوری‌ها به صورت قانون‌ها، نهاد، هنرها، علوم، فلسفه و سازمان اجتماعی، ساخته و پرداخته شده است.^۱

البته در باب سبک زندگی و محصولات تمدنی باید به دو نکته توجه نمود:

یک - سبک زندگی در یک حوزه تمدنی، اعم از سبک زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است، و هر عرصه هم، آداب و مناسک خاصی دارد؛ اگرچه این سه حوزه، ارتباط و اثرگذاری مستقیمی بر یکدیگر دارند.

در سبک زندگی فردی، الگوها، آداب و مناسک در سه حوزه رفتار، روحیه و اندیشه انسانی مطرح است؛ چنان‌که بالطبع در هر تمدنی، انسانی خاص با روحیات، اندیشه‌ها و رفتارهای خاصی رشد و تربیت پیدا می‌کند.

دومین عرصه سبک زندگی، سبک زندگی خانوادگی است. خانواده، مهم‌ترین واحد اجتماعی تمدنی است؛ زیرا در دامن خانواده است که از یک طرف سبک زندگی فردی شکل می‌گیرد و از طرف دیگر، جوهره سبک زندگی اجتماعی فرد در آن تحقق پیدا می‌کند. خانواده موفق، یعنی تپیدن یک قلب در سینه همه اعضای آن؛ یعنی روحی مشترک در چندین کالبد که باعث می‌شود همگام و همراه یکدیگر به سمت کمال ره بپیمایند. در این خانواده، وحدت و هماهنگی و انسجام، اهمیت بسیار دارد؛ تفرقه جایی ندارد و کارها با شور و مشورت سرانجام می‌گیرند.

سومین عرصه سبک زندگی، نحوه حضور انسان در حیات اجتماعی است. نوع روابط اجتماعی، آداب و رسوم اجتماعی و سازمانی، الگوها و ضوابط اجتماعی نشان‌دهنده سبک زندگی اجتماعی است.

۱. تعریف و مفهوم فرهنگ، داریوش آشوری، ص ۶۷.

دو - نکته دوم اینکه محصولات تمدنی، اعم از محصولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است، و این گونه نیست که فقط محصولات به تکنولوژی معنا شود؛ اگرچه خود تکنولوژی هم در عصر حاضر، حامل فرهنگ خاصی است. به تعبیر دیگر، علم و تکنولوژی و همه ساختارهای ناشی از تمدن مدرن، هم به دلیل مبادی و مبانی و هم به دلیل شاکله و نوع کارکردهایشان، حامل گرایش‌ها و کشش‌های خاص خود هستند که با برخی مبانی و اهداف فکری و اعتقادی، سازگاری بیشتری دارند.

«فقط کسی که اطلاع چندانی از تاریخ تکنیک ندارد می‌تواند بر این باور باشد که تکنیک، فاقد جهت، و لذا خنثی و بی‌طرف است. هر تکنیکی، منطق خاص خود را دارد و دارای فرارخسار و سیمایی درونی و چهره‌ای نامرئی است و بر آن است که آن را باز و شکوفا سازد و نقاب از استعاره خود بردارد».^۱

۲. نقش حج در تحقق تمدن اسلامی

پس از تبیین مفهوم حج و تمدن، در ادامه به تبیین نقش حج در تحقق و مهندسی تمدن اسلامی می‌پردازیم. در این باب از دو منظر می‌توان به تبیین مسئله پرداخت. از یک منظر، با نگاهی کلان به جایگاه و کارکرد حج ابراهیمی در تمدن اسلامی توجه می‌شود و از منظر دیگر، با الهام‌گیری از مناسک حج، به کارکردهای این مناسک الهی، در تحقق و مهندسی تمدن اسلامی توجه می‌شود.

از منظر اول، با توجه به ارکان اساسی تمدن که در بخش‌های پیشین تبیین شد، حج در سه حوزه تمدنی نقش‌آفرین است. اما نقش اصلی حج، در شکل‌گیری تمایلات تمدنی و نقش فرعی آن، در شکل‌گیری اندیشه‌ها و فرهنگ تمدنی و نقش تبعی آن، در شکل‌گیری محصولات و سبک زندگی است.

۱. زندگی در عیش مردن در خوشی، نیل پستمن، مترجم: سیدصادق طباطبایی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۷.

الف) نقش حج در شکل‌گیری تمایلات تمدنی

از محوری‌ترین و مهم‌ترین کارکردهای حج، شکل‌دهی تمایلات مؤمنانه و ایجاد همدلی امت اسلامی است. در تبیین این معنا لازم است ابتدا به یک نکته اساسی توجه داشت: تمایلات، عواطف و احساسات از مهم‌ترین ارکان یک جامعه و تمدن بشری است که در حیات اجتماعی خود بدان پایبندند و تعلق دارند. هر جامعه‌ای متناسب با حس زیباشناسی خود، گاه به موضوعات و مسائلی علاقه مند، و گاه از مطالب دیگری متنفر می‌شود که همین تمایلات، با تعامل با اندیشه‌هاست که مبدأ ابراز رفتارها و موضع‌گیری‌ها می‌گردد.

با توجه به این مقدمه، می‌توان به کارکرد حج در شکل‌گیری تمایلات الهی توجه کرد؛ تمایلاتی که زیرساخت تمدن اسلامی است. در حج ابراهیمی، بخشی از مسلمانان جهان با رنگ‌ها و نژادهای گوناگون، با شور و اشتیاق به‌سوی مرکز عرفان و عشق حرکت می‌کنند و با فراموش کردن همه اختلاف‌های ظاهری، همایشی عظیم را طرح‌ریزی می‌کنند. آنان از هر مذهبی و فارغ از رنگ و نسب که باشند، در یک زمان و مکان، به‌سوی معبود خود می‌شتابند و یک‌صدا، ندای «اللهم لیبک» را سر می‌دهند و حج، مرکزی می‌شود برای قیام همه مسلمانان جهان که پروانه‌وار به گرد نماد توحید می‌چرخند و از برکات آن بهره می‌برند. قرآن یکی از حکمت‌های وجوب حج را منافی می‌داند که مسلمانان آن را مشاهده می‌کنند: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾. به نظر علامه طباطبائی^۱، مهم‌ترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هرچه بیشتر پیوند برادری و همبستگی میان مؤمنان و نشان‌دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی است، و برای تحقق چنین هدف والایی، جدال و منازعه در ایام حج حرام شده است.^۱

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۶۹.

مقام معظم رهبری حج را مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان می‌داند و می‌فرماید: حج، مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ای خاص و در زمانی خاص فرامی‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب‌ها در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان‌دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک از آنان، از احساس عظمت است.^۱

ب) نقش حج در شکل‌گیری اندیشه‌های تمدنی

دومین کارکرد مهم حج در شکل‌گیری اندیشه‌های تمدنی، در دو لایه عمومی و تخصصی است. در برخی روایات از منافع علمی و آثار فرهنگی حج، نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام و تفقه در دین یاد شده است: «مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَ نَقْلِ أَخْبَارِ الْأُمَّةِ إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَ نَاجِيَةٍ».^۲ یعنی در حج فواید دیگری است؛ مانند تحصیل فقه دین و نقل اخبار امامان علیهم‌السلام به دیگر سرزمین‌ها و نواحی، و این، خود، ثمره گران‌قدری برای زائران بیت‌الله است که به سرزمین وحی، یعنی خاستگاه اهل بیت علیهم‌السلام، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مهد نشو و نما می‌آیند. فقه خالص قرآن را از زبان حاملان آن بشنوند، با امام وقت خود ملاقات کنند، احکام و شرایع دین را از زبان اهلسنوند، بدعت‌های رایج را از چهره دین‌بزدانند و در مراجعت به دیار خود، اخبار و آثار وارثان وحی را به اقصا نقاط جهان ببرند و برای خویشان و آشنایان و مردم شهر و دیار خود بازگویند.

سنت عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حجة‌الوداع چنین بود که از اجتماع مردم بهره‌برداری نکند، مناسک حج، مسائل فقهی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دین را به آنان

۱. پیام مقام معظم رهبری، به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۰/۰۳/۲۶.

۲. تفسیر صافی، ملامحسن فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۲۱.

پیاموزد. خطبه‌های آن حضرت در این سفر در مواضعی همچون مسجد خیف در منا،^۱ در عصر عرفات و در پایان حجة الوداع در غدیر خم، همه بیانگر این معناست.^۲

در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه این سخن مطرح نمی‌شد که موسم حج فقط جای انجام دادن مناسک است و کار دیگری نباید در آن انجام شود؛ بلکه اموری که با دین و دنیای عموم مسلمانان سروکار داشت، در آنجا مطرح می‌شد.

در زمان امامان معصوم علیهم السلام و در سیره همه اصحاب نیز این سیره نبوی دنبال می‌شد. امام باقر علیه السلام در مسجد الحرام و در موسم حج با نافع مولى عمر مناظره کرد.^۳ ابن عباس، که به بحر العلم یا «حبر امت» مشهور بود، هر ساله در موسم حج به مکه می‌آمد و به تدریس و افتا می‌پرداخت. صحابه والامقامی چون جابر بن عبدالله انصاری، و تابعینی چون محمد ابن منکدر، سفیان و طاووس یمانی، حتی در حال طواف حدیث نقل می‌کردند.^۴

توجه به این بُعد از حج در این زمان، ضرورتی بیش از پیش پیدا می‌کند. رسیدن به اندیشه تمدنی و تولید نرم‌افزارهای مناسب برای تشکیل تمدن اسلامی، نیازمند آن است که در امت اسلامی، همفکری عمیقی شکل بگیرد و موسم حج، به دلیل ایجاد همدلی می‌تواند زمینه مناسبی برای این امر مهم باشد.

ج) نقش حج در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی و محصولات تمدنی

کارکرد تمدنی دیگر حج، شکل‌دهی سبک زندگی اسلامی و نزدیک کردن فرهنگ‌های مختلف به فرهنگ اصیل اسلامی است. حج می‌تواند مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و محلی برای طرح سبک زندگی باشد. نمایندگان و رهبران مذاهب اسلامی

۱. کنز العمال فی سنن الأقوال و الافعال، علی بن حسام الدین متقی، ۱۴۰۹، صص ۳ و ۲۳.

۲. «میقات حج»، عباسعلی براتی، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۳۳.

۳. همان.

۴. همان.

باید با استفاده از این فرصت، آثار و اخبار و سیره پیامبر خدا ﷺ را بازگو کنند.

در روایات اسلامی یکی از فواید حج، نشر اخبار و آثار رسول الله ﷺ به تمام بلاد اسلامی ذکر شده است. هشام بن حکم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره فلسفه حج و طواف کعبه سؤال کردم، ایشان فرمود:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ... وَأَمَرَهُمْ بِمَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَمَصْلَحَتِهِمْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُمْ، فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ وَلِتَعَارَفُوا وَلِيَتَزَعَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ... وَلِتُعَرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَتُعَرَفَ أَخْبَارُهُ وَيُذَكَّرَ وَلَا يُنْسَى.^۱

خداوند این بندگان را آفرید... و دستوراتی در طریق مصلحت دین و دنیا به آنها داد؛ از جمله اجتماع مردم شرق و غرب را در آیین حج مقرر داشت؛ تا مسلمانان یکدیگر را به‌خوبی بشناسند و از حال هم آگاه شوند و هر گروهی، سرمایه‌های تجاری را از شهری به شهر دیگر منتقل کند و برای اینکه آثار پیامبر ﷺ و اخبار او شناخته شود، و مردم آنها را به خاطر آورند و هرگز فراموششان نکنند.

رسوخ سبک زندگی غربی در جهان اسلام و بیگانه‌شدن از سیره نبوی، از موانع جدی بر سر راه تحقق امت اسلامی است. از مشخصه‌های بارز هر امتی، تحقق سبک زندگی است و اسلام، منادی سبک زندگی خاص خود است. روح حاکم بر سبک زندگی اسلامی، تحقق عبودیت است، و عبودیت یعنی تحقق توحید عملی. تحقق توحید، خواست تمام انبیای الهی است و این، همان مقصدی است که انسان باید به آن مقام برسد.

توحید یعنی جریان ولایت حضرت حق در همه شئون حیات انسانی (فردی و اجتماعی) و تسلیم اراده انسان در همه حوزه‌های ارادی خود و در تمام لایه‌های آن (روحی، ذهنی، عملی). با این نگاه، ایام حج به دلیل آماده‌بودن دل‌ها زمینه مناسبی است

۱. شرایع الاسلام، محقق حلی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۰۶.

تا سبک زندگی توحیدی، به خوبی به سفیران تمام ملل آموزش داده شود، و به عنوان تحفه ارزشمند حج، به دیار خود ببرند.

از مهم ترین ویژگی های سبک زندگی اسلامی، توجه به مسئله برادری و همیاری مسلمانان نسبت به یکدیگر است. پیامبر اکرم ﷺ در بخشی از خطبه روز عید در مسجد خیف (در منا) فرمودند:

إِنَّ كُلَّ مُسْلِمٍ أَخُو الْمُسْلِمِ، وَإِنَّمَا الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ، وَلَا يَحِلُّ لِأَمْرِيءٍ مُسْلِمٍ دَمٌ أَخِيهِ وَلَا مَالِهِ، إِلَّا بِطَبِيبٍ نَفْسٍ مِنْهُ.^۱

مسلمان، برادر مسلمان است، و همه مسلمانان برادر یکدیگرند و خون و مال مسلمان بر برادرش حلال نیست، مگر آنچه با رضای خاطر خودش باشد.

ترویج این مسئله در این ایام، بسیار مهم و استراتژیک است؛ زیرا دشمنان قسم خورده اسلام، به دنبال ایجاد تفرقه و کاشتن بذر دشمنی در جهان اسلام اند.

۳. الهام از نمادهای حج در مهندسی تمدن اسلامی

مناسک و فرایض حج، متفاوت از دیگر فرایض الهی است. راز این تفاوت را هم باید در عظمت این فریضه الهی جست و جو کرد. اگر فلسفه حج، ناظر شکل دهی امت اسلامی است، مناسک آن هم در همین راستا قابل بررسی است. بی شک پژوهش در این زمینه، نیازمند کاری اجتهادی است؛ ولی برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می گردد:

الف) توحید در تلبیه و طواف

احرام و تلبیه از اولین مناسک حج، و باب ورود حاجی به سرزمین توحید است. او باید از هرگونه شرکی رها شود و ندا سردهد: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لاَ شَرِيكَ لَبَّيْكَ». با

این شعار، حاجی باید روحش، افکارش و رفتارش در سراسر اعمال توحیدی شود. اوج این حرکت توحیدی در طواف حاجی است. طواف، چرخش تکوینی همه موجودات بر گرد مرکزی است که خداوند قرار داده. هدف از وجوب طواف، هماهنگ ساختن حرکت اختیاری انسان بر گرد کعبه، یا حرکت اتم بر گرد محور خویش، و حرکت فرشتگان بر گرد بیت‌المعمور است، و نتیجه‌اش خضوع، تسلیم و عبودیت مؤمن در برابر اراده الهی است و به هر اندازه این هماهنگی بین دو حرکت تکوینی و تشریعی بیشتر باشد، آرامش و سعادتِ روحی و مادی برای انسان پدید می‌آید؛ چون خداوند، هستی را مستحضر انسان ساخته است تا به او خدمت کند.

در طراحی تمدن اسلامی هم باید به این اصل اساسی توجه داشت که تمدن اسلامی، باید بستر تحقق توحید را فراهم آورد، و تمام اجزا و مؤلفه‌های شکل‌دهی تمدن اسلامی، باید بر مدار توحید و امر الهی ساماندهی شود و یک آهنگ بر همه عرصه‌های تمدنی حاکم باشد: «حتی تكون اعمالی و اورادی کلهم ورداً واحداً و حالی فی خدمتک سرمداً»^۱.

لازمه این نگاه توحیدی، اعتقاد به لزوم حداکثری دین در ساحت تمدن‌سازی است. لذا مجتهد شیعه نباید فقط به پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه بسنده کند. بلکه باید خود را در منصب مدیریت جهانی برای نیل به تحقق تمدن اسلامی تعریف کند و به دنبال استنباط فقهی با چنین ظرفیتی از منابع باشد.

«حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمام فقه در همه زوایای زندگی بشر است. حکومت، نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در رویارویی با تمام معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است»^۲.

۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، «دعای کمیل».

۲. صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

ب) برائت از مشرکین و رمی جمرات

از مهم ترین مناسک حج، برائت از مشرکین است که این، خود لازمه توحید است. رمی جمرات و سنگ زدن به تندیس شیاطین نیز در راستای همین برائت، قابل تفسیر است. این حکم نیز همانند سایر مناسک، برگرفته از سنت و سیره ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام است که هنگام عزیمت به منا، به منظور قربان ساختن اسماعیل، با وساوس ابلیس روبه‌رو شد و او را رجم کرد و زیباترین نمایش ایمان و عشق را متجلی ساخت. نکته اساسی، توجه حج‌گزاران به فلسفه برائت و رمی جمره است. آیا مفهوم واقعی برائت و رمی، همان سنگ زدن به ابلیس و مجسمه سنگی اوست یا مفهوم وسیع‌تر و عمیق‌تری و رای این عمل نمادین نهفته است؟

بدیهی است که بینش اسلامی و حکمت الهی، عمیق‌تر از آن است که رمی جمره را به رمی ستون‌های بی‌جان و حتی خود شیطان محدود سازد! بلکه می‌توان گفت که صف‌آرایی و نبرد مؤمنان را در برابر شیطان و مظاهر شیطانی ملحوظ داشته است. این برائت ابراهیمی، در آیین جهان شمول اسلام، همچنان استمرار می‌یابد و به شکل نهایی خود می‌رسد. ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام، مبارزه با اقطاب شرک و اندیشه بت‌پرستی را آغاز می‌کند و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تکمیل آن می‌پردازد. بت‌ها را از کعبه بیرون می‌ریزد و خانه خدا را پاکسازی می‌کند و با بت‌پرستان و مشرکان به نبرد برمی‌خیزد و برائت از آنان را با بانگ بلند، در موسم حج اعلام می‌دارد.

آیات متعددی از قرآن به برائت از کافران و مشرکان و نبرد با دشمنان خدا فرمان می‌دهد؛ از جمله در آغاز سوره مبارکه ممتحنه، و همچنین در پایان آن، مؤمنان را از دوستی با دشمنان خدا برحذر داشته است؛ در آغاز می‌گوید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ

كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾ (ممتحنه: ۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمنان خود را دوستان نگیرید و با آنها طرح دوستی نیفکنید، درحالی که آنها به آیین راستین شما کفر ورزیده‌اند.

و در پایان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾ (ممتحنه: ۱۳)

ای ایمان آوردگان، با آن گروه که مورد خشم و غضب خدا هستند، دوستی نکنید. آنها از آخرت مأیوس‌اند؛ همان‌گونه که کفار از اهل قبور ناامیدند.

علاوه بر آیاتی که به‌صورت عام، در مسئله برائت وجود دارد، خداوند در سوره مبارکه

«برائت»، برخورد صریح و قاطع و اعلام جنگ با مشرکان و پیمان‌شکنان را فرمان داده است:

﴿بِرَاءةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ * وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (توبه: ۱ - ۳)

این است برائت خدا و پیامبرش از مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید. اینک چهار ماه مجال دارید، در زمین سیر کنید و بدانید که شما خدا را ناتوان نتوانید کرد و خداوند خوارکننده کافران است، و این اعلامی است از سوی خدا و پیامبر او بر مردم در روز حج اکبر که خداوند و پیامبرش از مشرکان بری و بیزارند.

باید توجه داشت که سوره برائت در سال نهم هجرت، و در مدینه نازل شد، که

دعوت اسلام گسترش چشمگیری یافت و دولت اسلامی مستقر شد و پیامبر ﷺ از موضع قدرت با دشمن برخورد نمود تا حساب کار خود را بکند که اسلام از این پس توطئه کفر و شرک را به‌هیچ‌وجه تحمل نخواهد کرد.

اما مفهوم برائت، مفهومی جامع و کاملی است. لذا از بی‌زاری که یک امر قلبی و

عاطفی باشد، فراتر رفته و مستلزم کناره‌گیری، منزوی‌ساختن و طرد عملی مشرکان و

توطئه‌گران است و همان‌گونه که مفسران گفته‌اند، به معنای رفع امان، سلب مصونیت و عدم تعهد در برابر مشرکان و حتی جنگ با آنان است.

اعلام براءت، آغاز یک جنگ روانی تبلیغی علیه کفر و شرک و زمینه‌ساز جنگ‌های میدانی و تهاجمی، به‌منظور مقابله با استکبار و فساد بود، و سیاست خارجی اسلام با جهان کفر را در صحنه تبلیغ و جهاد و جنگ سرد و گرم مشخص می‌کند.

براءت در روز حج اکبر (قربان یا عرفه)، که مسلمانان و مشرکان حضور داشتند، با بانگ بلند «اذان» اعلام شد تا به گوش همه مردم برسد و تکلیف مسلمانان نیز روشن شود و خبر آن را قبایل عرب بشنوند. این در تاریخ اسلام نقش تعیین‌کننده داشت و زمینه گسترش اسلام و عقب‌نشینی سرکشان را فراهم ساخت؛ چنان‌که به دنبال این هشدار، هیئت‌های نمایندگی عرب (وفود) یکی پس از دیگری رهسپار مدینه شدند و با پیامبر ﷺ به مذاکره پرداختند و موجودیت اسلام را باور کردند.

توحید ابراهیمی و نظام مقدس اسلامی، جز با براءت قوام نخواهد گرفت؛ زیرا براءت، جنبه منفی توحید و ولایت است و این دو از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. حضرت امام در پیام تاریخی براءت چنین می‌گوید:

حاشا که خلوص عشق موحدین، جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و «الناس» که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ»، بت الهه‌ها و اربابان متفرق شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حرکت سیاسی پیامبر در «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» زنده بماند؛ چراکه سنت پیامبر ﷺ و اعلان براءت، کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان براءت به ایام و مراسم حج منحصر نشود که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و

نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فراندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام غفلت نکنند.^۱

سپس با اشاره به اینکه اعلان برائت، متناسب با هر عصر، و مبارزه با چهره‌های شرک و نفاق امری اجتناب‌ناپذیر است، می‌فرماید:

خلاصه، اعلان برائت، مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر، وظیفه ماست و در هر عصر و زمانی جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و باید دید در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند، چه باید کرد؟ آیا باید در خانه نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان‌ها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص، که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت‌پرست‌ها منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذ بالله پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بت‌ها پیش‌قدم، اما در مصاف با ستمگران صحنه را ترک کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت‌شکنی‌ها و مبارزات و جنگ‌های حضرت ابراهیم با نمرودیان، و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان، مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرت‌ها و تحمل سختی‌ها و سکونت در وادی غیرذی‌ذرع و ساختن بیت و فدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام‌آوران، و سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی «**إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَشْرِكُونَ**» ابلاغ می‌نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری

ارائه دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بت و بت پرستی وجود ندارد، و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود شناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد.^۱

براساس این مبنا مشخص می‌شود که برای مهندسی تمدن اسلامی، باید توجه تام و تمام به مسئله برائت بشود و در باب برائت از مشرکین و کفار، تنها نباید به یک برائت سیاسی بسنده نمود؛ بلکه این برائت باید در همه ساحت‌های حیات انسانی و تمدنی اصل باشد. لذا هرگز نمی‌توان برای ساخت تمدن اسلامی از علوم، ساختارها، سبک زندگی و محصولات تمدن لیبرال دموکراسی استفاده کرد؛ چراکه تمدن مادی دنیای امروز یک مجموعه و سیستم به هم پیوسته و درهم‌تنیده است که جنبه‌های گوناگون آن هماهنگ و موافق‌اند. علم، صنعت، هنر مدرن، اخلاق مدرن و... همه و همه یک مجموعه و منظومه هماهنگ، و دارای جهت واحد هستند و آن جهت، جهتی مادی و شرک‌آلود است؛ یعنی همان‌گونه که اخلاق جدید، اخلاق سکولار است، علم جدید علم سکولار، صنعت جدید صنعت سکولار و هنر جدید هنر سکولار است و همه این اضلاع، همدیگر را تأیید می‌کنند و اصل برائت اقتضا می‌کند که از همه اضلاع تمدن مادی برائت جست.

«آنچه درباره تمدن غرب روی داده، آن است که فرهنگ غربی چیزی جز روش‌ها و ابزاری که تمدن غرب به وجود آورده، نیست؛ یعنی متدلوزی و تکنولوژی، صورت مبدل همان فرهنگی هستند که تمدن غرب بر آن تأسیس یافته و این، واقعه بسیار عجیبی است. به عبارت ساده‌تر باید گفت که در تمدن امروز غرب، فرهنگی به جز روش‌ها و ابزار وجود ندارد (و این گفته، صورت اعم این سخن مک لوهان را به یاد

می‌آورد که «رسانه همان پیام است» و بنابراین، پذیرش فرهنگ غرب مفهومی جز پذیرش روش‌ها و ابزار - متدلوژی - ندارد و این توهم که ما ابزار را اخذ می‌کنیم و فرهنگ غرب را رها می‌کنیم، جز سرابی بیش نیست.^۱

«تکنولوژی، تمام تمدن غرب امروز است و نمی‌شود جنبه‌ای از آن انتزاع کرد و گرفت که بقیه جنبه‌ها به تبع آن حاصل می‌شود. آنهایی که با لحن فیلسوفانه از اقتباس تمدن بحث می‌کنند و اندرز می‌دهند که جنبه‌های خوب آن را بگیریم و به جنبه‌های بد آن کاری نداشته باشیم یا طوری به اقتباس تمدن غربی بپردازیم که مناسب فرهنگ ملی و قومی باشد، درست فکر نمی‌کنند. قول به دوام فرهنگ‌های ملی و قوی و وصله‌کردن تمدن غربی به آن، یک ساده‌لوحی است.^۲

براین اساس، نباید در مهندسی تمدن اسلامی به ساده‌انگاری و نگاهی تجزیه‌گرا دچار شد و به راحتی، حکم به مباح بودن و حلیت علوم و معادلات تمدن مادی داد. نگاه تجزیه‌گرا نگاهی انتزاعی است که پدیده‌ها را به چشم خشتی می‌نگرد؛ در صورتی که نگاهی غلط است. اقتباس صرف در فرایند توسعه، به جامعه تمدن اسلامی، آسیب‌های سختی می‌زند. تمدن غربی، بار اخلاقی و اعتقادی شرک‌آلود خویش را در مجموعه علوم، پدیده‌ها و عناصر تمدنی خود جاری کرده است. این علوم و تکنولوژی‌ها موجود، دستاورد نوعی رابطه خاص انسان با جامعه و طبیعت است که مبتنی بر مبانی و اهداف ویژه‌ای شکل می‌گیرند. بنابراین، تنها با فرهنگ خاصی سازگاری می‌یابند؛ به‌ویژه هنگامی که پیچیدگی‌های خاص پیدا می‌کنند. مثلاً در نظام اسلامی، تکنولوژی ساخت انواع مسکرات متناسب با انواع ذایقه‌ها برای توسعه لذت‌بردن از دنیا، هیچ کارایی ندارد.

۱. آغازی بر یک پایان، سید مرتضی آوینی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰.

۲. قرن دیوانه، علی‌اکبر کسمایی، ۱۳۵۴، ص ۵۹.

فقط کسی که اطلاع چندانی از تاریخ تکنیک ندارد، می‌تواند بر این باور باشد که تکنیک فاقد جهت، و خشتی و بی‌طرف است. هر تکنیکی منطق خاص خود را دارد و دارای فرارخسار و سیمایی درونی و چهره‌ای نامرئی است و بر آن است که آن را باز و شکوفا سازد و نقاب از استعاره خود بردارد.^۱

بنابراین، علم و صنعت و هنر خواسته‌هایی دارند که به‌راحتی نمی‌توان آنها را از خواسته‌هایشان تفکیک کرد؛ یعنی این‌گونه نیست که بتوانیم هنر، علم و صنعت مدرن را بدون لوازم آنها وارد کنیم، و اگر بخواهیم به‌استقبال علوم مدرن و دیگر جنبه‌ها و اضلاع تجدد برویم، بی‌شک لوازم خود را به همراه خواهند آورد. به‌دیگر سخن، این‌گونه نیست که بتوان از تکنولوژی جدید استفاده کرد و آن را کاملاً در مسیر توسعه اخلاق الهی قرار داد. این فناوری و تکنولوژی و صنعت، اخلاق و ارزش‌های متناسب با خود را در پی دارد. ورود یک کشتی کالا، ورود یک کشتی اخلاق و فرهنگ است. نمی‌توان به‌راحتی صنعت موجود را در استخدام انگیزه‌های الهی قرار دهیم و اهداف خودمان را به‌وسیله این صنعت، محقق سازیم.

دستاوردهای مدرن، حاکی از تفسیر ویژه‌ای از انسان، دل‌مشغولی او و جاذبه‌هایی است که انسان‌ها را گرد هم می‌آورد و براساس یک اندیشه ویژه، دلدادگی‌های آنان را در جامعه، هماهنگ و همسان می‌کند. به عبارت دیگر در پشت دستاوردهای مدرن و عناصر حاصل از این تمدن غربی، تفسیر ویژه‌ای از انسان و چگونگی روحیه‌ها، حالت‌ها و دل‌مشغولی او نهفته است؛ تفسیری که می‌تواند براساس اندیشه‌ای ویژه و جهت خاص، انسان‌ها را گرد خویش آورد و روحیه‌ها، اندیشه و باورهای آنها را در سطح جامعه و جهان، هماهنگ سازد و نوع تعلقات روحی، فردی، کنش و واکنش‌های جمعی و اجتماعی را سرپرستی کند و در نتیجه، گرایش‌های مادی را سامان دهد.

۱. زندگی در عیش مردن در خوشی، نیل پستمن، مترجم: سید صادق طباطبایی، ص ۱۷۷.

البته در این راستا توجه به این نکته ضروری است که اگرچه روح تمدن لیبرال دمکراسی، استکبار بر خداست و این روح در کالبد «علوم، ساختارها و محصولات» تمدنی آن دمیده شده است، باین حال در باب مهندسی تمدن اسلامی و آن‌هم در دوران گذار تا رسیدن به تمدن ایده‌آل، می‌توان از برخی از ساختارها، اجزا و مهره‌های این تمدن، به صورت مشروط استفاده کرد، و آن شرط، گزینش دقیق آن مهره‌ها و واردکردن آن اجزا در درون طرح جامع تمدن اسلامی و منحل کردن کارکرد آنها به‌نفع ارتقای جبهه حق است. اگرچه در این منزلت جدید، هنوز اقتضانات درونی آن پابرجاست و تا وقتی درون آن نیز اسلامی نشده باشد، امکان بهره‌برداری اسلامی از آن، از یک راندمان خاصی بالاتر نمی‌رود.

بنابراین رمی جمرات و برائت از شیاطین، متضمن انزجار و تفر قلبی و واکنش عملی در برابر شیطان‌صفتانی است که با نفاق و نیرنگ در مقام خصومت با مؤمنان اند و رهروان راه ابراهیم علیه السلام و امت محمد صلی الله علیه و آله باید با خشم آشتی‌ناپذیر خود، آنان را رمی کنند و برای کوتاه‌کردن دستشان از حریم اسلام، چاره‌ای بیندیشند. بی‌شک در عصر ما سران شیاطین و اقطاب کفر و مراکز توطئه، در لانه استعماری امپریالیسم و صهیونیسم جای گرفته و به‌دنبال جهانی‌کردن تمدن مادی خود و حاکم‌کردن سبک زندگی خودند.

اگر در عصر ابراهیم علیه السلام، شیطان می‌خواست راه فداکاری در طریق عبودیت حق را بر ابراهیم و اسماعیل علیه السلام ببندد، امروز شبکه‌های استعماری و استکباری و مراکز توطئه آمریکایی و اسرائیلی با دردست‌داشتن هزاران ابزار ماهواره‌ای، تلویزیونی، رادیویی، مطبوعاتی، خبررسانی، عوامل جاسوسی و مزدوران بومی و غیربومی خود، می‌کوشند راه مسلمانان را به سوی قرآن و قبله سد کنند و از حقیقت اسلام دور سازند و با فرهنگ قرآن بیگانه نمایند تا بتوانند مقدرات کشورهای اسلامی را در قبضه گیرند و از مقادورات جهان اسلام، در مسیر تحقق تمدن مادی خود استفاده کنند.

از این رو می‌کوشند که مسلمانان از خود و سرنوشت خویش غافل بمانند و در سرزمین مقدس منا، تنها خشم خود را متوجه سنگ‌های بی‌جان کنند و از شیاطین زنده و توطئه‌گران واقعی، بی‌خبر باشند و سرچشمه شیطنت و فساد را نشناسند. بنابراین، برائت از شرک و کفر باید در متن حیات اجتماعی امت اسلامی ظهور و بروز یابد و براساس این آموزه عظیم الهی، تمدنی خالی از هرگونه مظاهر شرک و کفر شکل بگیرد تا در سایه آن، امکان زیست اسلامی فراهم آید.

ج) قربانی

از دیگر مناسک حج که می‌توان در مهندسی تمدن اسلامی از آن الهام‌گیری کرد، فریضه قربانی است. حجاج در ادامه اعمال روز عید، با کوله‌باری از عقیده و جهاد، به سنت قربانی رو می‌آورند و آن را به پیشگاه پروردگار هدیه می‌کنند و به دستور الهی جامه عمل می‌پوشانند که فرمود:

﴿وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾ (بقره: ۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر محصور شدید [و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری اجازه نداد که پس از احرام‌بستن، وارد مکه شوید]؛ آنچه از قربانی فراهم شود، [ذبح کنید و از احرام خارج شوید].

آن‌کسی که به قربانگاه می‌رود و گوسفندی را ذبح می‌کند، درحقیقت با حرکتی نمادین، عزم از میان بردن هوس‌ها و وابستگی‌هایش را می‌کند و آماده ایثار و فداکاری می‌شود. این عمل را از آن حیث که عبادت و وسیله تقرب به خداست، قربان گویند؛ چنان‌که امام سجاد (علیه السلام) ضمن پرسشی از شبلی پرسیدند: «آیا به هنگام سربریدن قربانی، نیت کردی که با تمسک به حقیقت تقوا و ورع، حلقوم طمع را قطع کنی».^۱

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۱.

بخشش و قربانی و تقسیم آن در میان مردم، به ویژه تنگدستان، به معنای دستگیری و تعاون است. وقتی حاجی در روز عید، به شکرانه انجام مناسک حج، موظف می‌شود تا حیوانی سالم و کامل را بکشد و گوشت آن را به نیازمندان بدهد، این عمل، خود عامل نزدیک شدن به خدا می‌گردد و انسان را مشمول عنایت الهی می‌سازد و هم برحسب مصرف، عامل ایجاد محبت بین انسان و افراد جامعه می‌شود. این گونه است که بین مسلمانان رابطه ای صمیمی به وجود می‌آید که خود، یکی از عوامل و زمینه های انسجام است. بدین صورت، تعاون و همبستگی اجتماعی در اعمال خیر، و نیکوکاری در میان مردمان افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، اگر تقسیم قربانی صحیح صورت گیرد، میلیون ها گرسنه سیر می‌شوند و بدین وسیله، بین غنی و فقیر ارتباط برقرار می‌گردد. این همان انسجام و همدلی مورد توجه شارع است.

از دیگر نمادهای قربانی، «مساوات» است؛ به طوری که تقسیم گوشت قربانی به سه قسمت و استفاده شخص حاجی از آن، شاهد گویایی بر این مساوات است. در این صورت، یکی از مصادیق تفرقه (امتیازاتی که انسان برای خود قائل شده است) از بین می‌رود و همه به این قول پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رجوع می‌کنند که در خطبه حجة الوداع فرمود: «مردم! پروردگار همه شما یکی است و پدر همه شما یکی است؛ همه از آدم هستید و آدم از خاک است. عرب را بر عجم فضیلتی نیست، مگر به تقوا». ^۱ این عمل در حج، عدالت اجتماعی اسلام را منعکس می‌کند و خود، عاملی است بر انسجام و اتحاد بین همه مسلمین جهان.

از پایه های اساسی تحقق تمدن اسلامی، ایجاد همدلی و انسجام اجتماعی است. تحقق تمدن اسلامی، تنها در صورتی امکان پذیر است که برپایه هدایت های آسمانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وحی الهی، تمام ابعاد تمدنی شکل بگیرد. باید نظام تمایلات آدمیان

بر حول میل به عبودیت و پرستش شکل بگیرد و مبتنی بر آن، براساس آموزه‌ها و مبانی دین مبین اسلام، علوم، دانش‌ها و نرم‌افزارهای تمدنی تولید شوند و بالطبع، بستر تولید محصولات تمدنی اسلام فراهم آید.

آنچه در این میان مهم است، توجه به ظرفیت بالای حج الهی و مناسک آن در شکل‌دهی رکن اساسی تمدن اسلامی (ایجاد همدلی برپایه عبودیت) است؛ به دیگر سخن مناسک حج، همواره تکامل‌گرایی تاریخی یا ستیز با ظلم را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که با عاطفه و گرایش به عدل و رحم در هم می‌آمیزد و با این ترکیب، مجموعه‌سازی می‌کند. به‌همین دلیل است که در این اعمال، ذره‌ای احساس خشونت مشاهده نمی‌شود و در کنار برائت از مشرکین - که نماد تبرا از دشمنان است - مسئله همدلی و مساوات - که نماد تولا می‌باشد - مطرح است و این تبرا و تولا، از پایه‌های اساسی مهندسی تمدن اسلامی است.



منابع

۱. اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، ماکس وبر، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
۲. اسرار الشیعه و اطوار الطریقه و انوار الحقیقه، سید حیدر آملی، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
۳. آغازی بر یک پایان، سیدمرتضی آوینی، تهران، نشر ساقی، ۱۳۸۳.
۴. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، ۱۳۸۲.
۵. تاریخ تمدن، ویل دورانت، مترجمان: احمد آرام و پاشائی و آریان پور، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
۶. تاریخ تمدن، هنری لوکاس مترجم: عبدالحسین آذرنگ، تهران، ۱۳۶۶.
۷. تحف العقول، ابن شعبه قم، انتشارات آل علی، ۱۳۸۲.
۸. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمدتقی جعفری تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
۹. تعریف و مفهوم فرهنگ، داریوش آشوری، چاپ دوم، تهران، انتشارات آکه، ۱۳۸۱.
۱۰. تفسیر صافی، ملامحسن فیض کاشانی، ۵ جلد، چاپ دوم، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۱۱. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن، حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۱۲. درآمدی بر تاریخ تمدن، ویل دورانت ترجمه احمد بطحایی و خشایار دیهمی، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۱۳. درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.

۱۴. زمینه فرهنگ شناسی، محمود روح الامینی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات عطار، ۱۳۷۹.
۱۵. زندگی در عیش مردن در خوشی، نیل پستمن، مترجم: سید صادق طباطبایی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۳.
۱۶. شرایع الاسلام، محقق حلی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۶.
۱۷. صحیفه امام، امام خمینی، چاپ سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۸. علم در تاریخ، جان برنال مترجم: اسدپور پیرانفر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۱۹. فرهنگ الفبایی عربی - فارسی، الرائد، جبران مسعود، مترجم: رضا انزابی نژاد، چاپ سوم، تهران، انتشارات به نشر، ۱۳۸۹.
۲۰. فرهنگ فارسی، محمد معین، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۱. فرهنگ معاصر، محمدرضا باطنی و دستیاران، ویراست دوم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶.
۲۲. فصل نامه فقه و اصول «میقات حج»، عباسعلی براتی، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۱.
۲۳. قرن دیوانه، علی اکبر کسمایی، تهران انتشارات شریعت، ۱۳۵۴.
۲۴. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علی بن حسام الدین متقی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۲۵. مبانی نظری غرب مدرن، زرشناس، شهریار، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب صبح، ۱۳۷۴.
۲۶. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم، نشر موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ق.
۲۷. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، تهران، مکتبه البوذری جمهری المصطفوی، ۱۳۷۳.
۲۸. مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، مترجم: محمّد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲۹. المنجد، لوئیس معلوف، مترجم: محمّد بندر ریگی، تهران، ۱۳۷۴.
۳۰. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ق.
۳۱. نظریه برخورد تمدن‌ها، ساموئل هانتینگتون، مترجم: مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.

تأثیر انقلاب اسلامی بر وضعیت موجود و آینده عربستان (با تأکید بر گنگره حج)

محمدجعفر جوادی ارجمند^۱

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را در مقایسه با دوره پهلوی، دچار تحول و تغییر کرد. ایران و عربستان دو قدرت مهم جهان اسلام، و اثرگذار بر فضای نظام بین‌الملل اند. یکی از کارویژه‌های مهم نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان، تحقق امت واحده اسلامی^۲ است. همچنین کارویژه اساسی گنگره حج هم، تحقق امت واحده اسلامی است. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش بدین صورت است که سازوکارهای حج، ا. ایران برای تحقق اهداف مهم گنگره حج (وحدت جهان اسلام در قالب امت واحده اسلامی) در وضعیت روابط ایران و عربستان چیست؟ در پاسخ این مسئله مطرح شده است که به‌کارگیری هرچه‌بهتر قدرت نرم و الهام‌بخشی حج، ا. ایران در

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

۲. قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۱.

فضای منطقه‌ای و جهانی، به وحدت جهان اسلام و همچنین توسعه مناسبات با عربستان، کمک شایانی می‌کند. یافته‌های پژوهش، حاکی از این است که گسترش و تعمیق دیپلماسی وحدت اسلامی، در روابط منطقه‌ای و جهانی، به تحقق هدف اساسی حج که تحقق امت واحد اسلامی، است کمک خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، گنجره حج، قدرت نرم و الهام‌بخشی ایران، وحدت جهان اسلام، عربستان.

مقدمه

اعتبار هر کشوری در صحنه بین‌المللی، به طور مستقیم و انکارناپذیری با جایگاهش در بطن الگوهای توزیع توانمندی بستگی دارد. در کنار این مهم، باید به واقعیت دیگری نیز توجه کرد و آن اینکه موقعیت بازیگران، به شدت پویا و سیال است. اعتبار است که حجم نفوذگذاری را معین می‌کند و آن‌هم برخاسته از فضایی است که اشغال می‌شود. مؤلفه‌های متعددی در شکل‌دادن به جایگاه کشورها وجود دارد که بیشتر آنها ماهیتی غیرایستا دارند. از این رو به طور قطع نمی‌توان گفت که کدام کشور در حال صعود است و کدام بازیگر سیر نزولی دارد.^۱

هدف این مقاله، بررسی این موضوع است که سازوکارهای ج.ا. ایران، در قالب قدرت نرم، برای تحقق وحدت اسلامی را با توجه به وضعیت ویژه روابط ایران و عربستان دنبال کند. در راستای تبیین هدف فوق، مطالب زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. کنجره حج و روابط ایران و عربستان، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

روابط ایران و عربستان، در طول بیش از هشتادساله اخیر، فرازونشیب‌های گوناگون داشته است، که در فرایند هم‌گرایی و واگرایی قابل تحلیل است. به نظر می‌رسد روابط

۱. ستون‌های سه‌گانه روابط بین‌الملل و عملکرد اخلاق، سایت حسین دهشیار، ۷۸/۱۱/۱۳.

سیاسی دو کشور از سال ۱۳۰۳ ه.ش / ۱۹۲۴م شروع شد که با دوران سلطنت پهلوی اول و افتتاح سفارت ایران در عربستان مصادف است. اسناد موجود در وزارت خارجه ایران، از چگونگی روابط بین دو دولت در سال های ۱۹۲۰-۱۹۲۴ اطلاعی نمی دهد. نخستین اسناد به سال ۱۳۰۳ ه.ش / ۱۹۲۴م بازمی گردد که منازعه خاندان سعود و خاندان هاشمی، بر سر تصرف شهر طائف آغاز شده بود.^۱

روابط دو کشور در دوره پهلوی ها متأثر از عوامل گوناگون بود؛ از میان آنها می توان به اختلافات مذهبی شیعی - وهابی، رابطه ایران و اسرائیل، قیمت گذاری نفت و سیاست های نفتی، پان عربیسم و مسائل و مشکلات حج اشاره کرد. موضوع حج و مشکلات حجاج ایرانی، مهم ترین مسئله ایران و سعودی، در سال های پس از ۱۳۲۰ بود. حتی پیش از اشغال ایران و برکناری رضاه شاه نیز موضوع حج در روابط ایران و عربستان، موضوعی محوری بود. ضمن اینکه ایران در سال های پس از ۱۳۱۸، نماینده عالی رتبه در عربستان داشت و مسئولیت امور اتباع ایران و حجاج در عربستان، به عهده دولت مصر بود.^۲

علاوه بر مسئله اختلافات مذهبی، موضوع حاجیان ایران و شیوه رفتار مأموران سعودی با آنها در مکه، از اختلافات دیرپای دو کشور بود. موضوع امنیت حاجیان ایرانی و بدرفتاری با آنها و... سبب می شد نیروهای مذهبی و علمای شیعه، برای از میان برداشتن مشکلات، دولت ایران را تحت فشار قرار دهند. این موضوع در سال های نخستین دوره رضاشاه روی داد.^۳ اما با گسترش روابط ایران و سعودی از دهه ۱۹۵۰م به بعد، به مسئله فرعی در روابط دو کشور تبدیل شد. در مجموع، موضوع حج در

۱. روابط ایران و عربستان در سده بیستم، حمید احمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۷۹.

روابط ایران و عربستان پیش از انقلاب اسلامی، به صورت یک عمل عبادی و دینی بود و مناسک حج، ابعاد سیاسی - اجتماعی اثرگذار بر مسائل جهان اسلام نداشت.

روابط ایران و عربستان نیز با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دچار فراز و فرود فراوان شد. علل تغییرات این دوره، رابطه مستقیم با تحولات داخلی هر دو کشور دارد. در اولین نگاه، به نظر می‌رسد که اصول سیاست خارجی هر دو کشور، می‌تواند مبنای بررسی تحولات و تفاوت دیدگاه‌ها باشد. با تصویب قانون اساسی ج.ا. ایران توسط خبرگان ملت، اهداف و اصول سیاست خارجی ج.ا. ایران^۱، شامل تلاش برای برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش و تبلیغ اسلام و دعوت به آن، به ویژه مذهب تشیع بود. از جمله آموزهای مهم اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اهتمام برای تشکیل امت واحد اسلامی بود، که علاوه بر تأکیدات امام خمینی علیه السلام در بیانات آیت الله خامنه‌ای نیز مطرح بود؛ چنان‌که به مناسبت حج سال ۱۳۷۰ فرمودند: «تشکیل امت واحده، همان آرزوی بزرگ امت، و همان است که در سایه نیل به کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر می‌شود».^۲

فلسفه و رویکرد به حج بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در مقایسه با قبل از انقلاب، کاملاً دگرگون شد. امام خمینی علیه السلام به عنوان معمار انقلاب اسلامی و احیاگر حج ابراهیمی، برداشتن گام‌های عملی در رابطه با ماهیت پویا و زنده حج را مطرح کرد. حج به‌زعم ایشان، عبادتی دسته‌جمعی و سفر زیارتی صرف نیست. جامعه اسلامی باید در مقابل نظام سلطه، ید واحد باشند. مسلمانان از فرورفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن‌ترسند. به گفته امام خمینی علیه السلام:

۱. ر.ک: قانون اساسی ج.ا. ایران، اصول ۱۵۱ - ۱۵۴.

۲. واگرایی و هم‌گرایی در روابط ایران و عربستان، بهرام اخوان کاظمی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۷، ش ۲.



همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند، و محققان متعدد و اسلامی، با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج، همه تافته‌ها و یافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.^۱

بدین ترتیب، از اولین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، به حج به‌منظور تحقق اهداف برون‌مرزی انقلاب اسلامی توجه می‌شود. بنیانگذار انقلاب اسلامی از همان ابتدای انقلاب، هر سال برای حجاج بیت‌الله الحرام پیام ارسال می‌کرد و خواستار انجام مراسم حج با محتوای واقعی آن می‌شد. این امر در واقع، به منزله احیای حج به سنت ابراهیمی و نبوی بود؛ زیرا با طواف بر گرد خانه خدا و خدامحوری، همه قدرت‌های سلطه‌گر و جبار، نفی و طرد می‌شوند. شعارها و راه‌پیمایی ده‌ها هزار حاجی ایرانی، خاطره راه‌پیمایی عظیم انقلاب را که نقش اساسی در سقوط رژیم شاه داشت، زنده می‌کرد و حداقل کاربردش، تداوم شور انقلابی در روح و جان حجاج ایرانی بود. اما شعارهای واحد و تجمع حجاج و وحدت و شکوه راه‌پیمایی برائت از مشرکان، می‌توانست در مقابل چشم هزاران حاجی از سراسر جهان، به کانون جوشانی برای تأثیر انقلاب اسلامی مبدل گردد. اقبال زوار کشورهای مختلف از این مراسم و توسعه و ترویج تدریجی آن، مؤید مدعای فوق است.^۲

یکی از موارد گستاخی رژیم آل سعود در برگزاری مراسم برائت حج، مربوط به سال ۶۶ شمسی است. رژیم آل سعود در نهم مرداد سال ۱۳۶۶ در مراسم برائت از مشرکین در مکه، ۴۰۲ تن از حجاج، از جمله ۲۷۵ ایرانی را کشتند.^۳ در این مقطع، تنش میان ایران و

۱. فلسفه حج و علم مدیریت، علی نقی امیری، فصلنامه فلسفه دین، سال ششم، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷.

۲. انقلاب اسلامی و قرانت نوین از حج، محمد حقی، ۹۱/۱۱/۱۸.

۳. طلایه آشتی اعراب با ایران، روح‌الله رضضانی، ۱۳۷۷، ص ۴۷.

عربستان افزایش یافت و امام خمینی علیه السلام عربستان را مظهر اسلام امریکایی و اسلام درباری معرفی کرد. در پی این امر، حملات تبلیغاتی ایران متوجه سفارت عربستان شد و در نهایت، روابط دیپلماتیک دو کشور در اریبهشت سال ۱۳۶۷ قطع شد. برخی از مهم ترین علل رویارویی و تیرگی روابط دو کشور شامل موارد ذیل بود:

الف) طراحی توطئه نفتی در اوپک (آذرماه ۶۴). این طرح به «دفاع از سهمیه اوپک در بازار جهانی، حتی به قیمت کاهش بهای نفت» موسوم شد. با تصویب و اجرای این طرح توسط آل سعود و بقیه شیخ نشین ها، قیمت نفت از پایین ترین سطح تقریبی سی دلار در هر بشکه به حدود ده دلار در هر بشکه کاهش یافت.^۱ هدف اصلی توطئه نفتی این بود که با قطع درآمدهای نفتی و بمباران پایانه های ایران توسط عراق، به همراه افزایش مشکلات داخلی و تضعیف تدارکات در مناطق عملیاتی، ایران به پای میز مذاکرات صلح کشیده شود.^۲

ب) اعلام طرح هشت ماده ای فهد و انتقاد صریح و گسترده و راه پیمایی مردم ایران در مخالفت با این طرح که سرانجام به شکست کنفرانس فاس در مکه انجامید و موجب تیره تر شدن روابط ایران و عربستان گشت.

ج) موضوع کمک های مالی و تسلیحاتی عربستان به رژیم صدام در طول جنگ تحمیلی از دلایل اصلی تیرگی روابط دو کشور بود. عربستان در ابتدا اعلام بی طرفی نمود؛ ولی در عمل، از اعطای کمک مادی و معنوی به رژیم عراق دریغ نورزید. این کشور، مهم ترین منبع تأمین مالی خریدهای تسلیحاتی رژیم عراق شد و حتی می توان گفت که مقامات عربستان، به علت نگرانی از گسترش انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه، مشوق رژیم عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران بودند. عربستان علاوه بر

۱. مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال ج. ا. ایران، بهمن نیمایی ارفع، ۱۳۷۰، ص ۴.

۲. واگرای ها و هم گرای ها در روابط ایران و عربستان، بهران اخوان کاظمی، ص ۳۲.

کمک‌های مالی، تعدادی از بنادر و فرودگاه‌های خود را برای حمل و نقل کالا در اختیار عراق قرار داد. همچنین آواکس‌های مستقر در عربستان، اطلاعات نظامی جمع‌آوری شده را در اختیار رژیم عراق می‌گذاشت. کمک‌های مالی عربستان و کویت به عراق در طول جنگ، بالغ بر چهل میلیارد دلار شد. علاوه بر این، از مجموع کمک‌های مالی و جنسی هفتاد میلیارد دلاری کشورهای حوزه خلیج فارس، سی میلیارد دلار آن را عربستان پرداخت.

بعد از رحلت امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با برنامه، اهداف و استراتژی حج، رهنمودهای ارزنده‌ای مطرح کردند. مقام معظم رهبری با تکیه بر ظرفیت‌های معنوی حج و مسئله برائت از قدرت‌های سلطه‌طلب و حج به عنوان تحول درونی در یکایک مسلمانان، مسئله انسجام اسلامی و خشتی نمودن تهدیدات دشمن را در راستای جنگ نرم فرهنگی دشمنان اسلام مطرح نموده‌اند.^۱

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و طرح الگوی توسعه سیاسی با سه شاخص^۲ کلان از جانب امام خمینی در نظام مردم‌سالار دینی، ظرفیت‌های گوناگونی در رابطه با کنگره حج به وجود آمد، که بیانگر قدرت الهام‌بخشی و قدرت نرم ج.ا. ایران است.

۲. زمینه‌های وحدت در کنگره حج و ارتقای روابط ایران - عربستان

اهمیت ج.ا. ایران در موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و توانمندی بالقوه و بالفعل آن، نقش حیاتی در منطقه خاورمیانه دارد. عربستان سعودی نیز به عنوان کنشگر مهم منطقه، اهمیت ویژه‌ای در جهان اسلام داشته، و وجود حرمین شریفین، به آن کشور اعتبار

۱. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، صص ۶۶ و ۶۷.

۲. الف) مشارکت مردم به منزله حق و تکلیف، به مثابه پایه دموکراسی دینی؛ ب) اسلام عقلانی - اجتهادی به منزله محتوای دموکراسی؛ ج) اخلاق، معنویت، و جهت‌گیری به سوی سعادت، به منزله بستر دموکراسی دینی (الگوی توسعه سیاسی در اندیشه امام خمینی علیه السلام، مسعود معینی پور، ۱۳۹۱، صص ۲۱۵).

خاصی بخشیده است. همچنین وجود منابع نفت و گاز و توانمندی این کشور در استخراج آنها، عامل دیگری در اهمیت عربستان است. عضویت هر دو کشور در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و سازمان همکاری اسلامی، موجب شده است که هر دو کشور به رغم برخی تنش‌ها در جهت همکاری حرکت کنند. همچنین لزوم تأمین امنیت خلیج فارس که از مراکز مهم عبور و مرور کشتی‌های نفت‌کش است، بر اهمیت این همکاری افزوده است. تفاوت روابط آنها با قدرت‌های بزرگ، به ویژه با آمریکا در طول سه دهه و توانمندی دو کشور در اثرگذاری بر تحولات منطقه خلیج فارس، موجب شده است تا نوع روابط دو کشور، عامل مهمی در تنظیم تحولات منطقه و جهانی باشد.

عربستان در منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خلیج فارس و دریای سرخ، با دارا بودن ذخایر عظیم نفت جهان، همواره زیر سلطه بیگانگان و قدرت‌های بین‌المللی بوده است. موقعیت ژئوپلیتیک عربستان موجب شده است که این کشور جایگاهی خاص در استراتژی قدرت‌های فرامنطقه‌ای داشته باشد. دین اسلام، بیشترین تأثیر و نفوذ را بین مردم عربستان دارد و دو شهر مقدس مکه و مدینه، این کشور را در کانون توجهات مسلمانان قرار داده است. بیشتر جمعیت این کشور، سنی مذهب و تابع مسلک وهابیت اند و شیعیان، حدود چهار درصد جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند. گفتنی است شیعیان عربستان، تحت تبعیضات اجتماعی و حقوق شهروندی قرار دارند.^۱

کنگره حج، به عنوان نماد بسیار مهم وحدت اسلامی، همواره تعیین‌کننده تحولات جهان اسلام بوده است. یکی از سؤالات مهم در بحث وحدت جهان اسلام، این است که چرا رهبران واقعی مسلمین جهان، نگران وحدت جهان اسلام هستند؟ در پاسخ به این سؤال می‌بایست زمینه‌های وحدت را با کمی تأمل مورد تأکید قرار داد. مسئله را

۱. چالش‌های روابط ج.ا.ایران و عربستان در منطقه، پرویز نادری نسب، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸.

می‌توان با این سؤال آغاز کرد که وحدت چیست؟ وحدت، یعنی یکپارچگی، هم‌نوایی و همسازی مردم در زمینه‌های فکری، عقیدتی، سیاسی. اگر این یگانگی بین مردم وجود داشته باشد، درهای رحمت الهی به روی مردم گشوده، دشمنان آنها مایوس و سرشکسته، و دوستانشان شاد و امیدوار خواهند شد.

در زمینه وحدت جهان اسلام، صاحب‌نظران به نکات ارزنده‌ای اشاره نموده‌اند. از جمله آنان، کاشف‌الغطاست که اعلام می‌کند هیچ مسلمانی، چه شیعه و سنی، همدیگر را به سبب اعتقادات خویش خارج از اسلام نمی‌داند. اگر بعضی به دلایل مختلف، دیگران را هتک حرمت نموده‌اند، این امر مربوط به همه نیست و از نظر اسلام و شرع ناپسند است. همچنین استاد مطهری معتقد است که مخالفان اتحاد مسلمین، برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیرمنطقی و غیرعلمی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد.^۱

امام خمینی علیه السلام مبدأ همه کمالات را معرفت الله و ترک هوای نفس می‌داند. همچنین ایشان مبدأ همه نقص‌ها را خودخواهی و حب نفس معرفی می‌کند. از منظر امام خمینی علیه السلام راه اصلاح، حق‌گرایی و ترک هوای نفس است، و ارکان و پایه‌های این راهبرد را دین، عقلانیت، اخلاق و سپس علم تشکیل می‌دهد بنابراین به‌میزانی که مسلمانان به این شاخصه‌ها نزدیک‌تر، باشند، جامعه‌ای قدرتمندتر و امتی منسجم‌تر و مستحکم‌تر خواهند داشت. در این الگو ریشه، علت و سرآغاز همه خوبی‌ها و کمالات، گریز از خود به خدا و ترجیح خواسته‌های خدا بر خواسته‌های خود است که لازمه‌اش دین‌داری و عقلانیت و علم است تا در تشخیص خواسته خداوند که همان تکلیف و وظیفه ماست، اشتباه نکنیم.^۲

۱. زمینه‌های وحدت، سید محمد علوی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۴.

۲. ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، مسعود معینی‌پور و رضا لک‌زایی، ۱۳۹۱.

با توجه به زمینه‌های وحدت که اشاره شد، کنگره حج ظرفیت‌های بالایی در راستای وحدت جهان اسلام دارد که می‌تواند اتحاد و انسجام امت اسلامی را تحقق بخشد. در این میان، پیروزی انقلاب اسلامی در فرایند تحقق وحدت اسلامی، نقش اساسی داشت؛ زیرا با پیروزی مردم ایران و تقویت اسلام سیاسی، روند نابودی مفهوم استعماری خاورمیانه آغاز، و با حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ تشدید و تقویت شد، و با تحولات جاری بیداری اسلامی در منطقه، فضای مهم و درعین‌حال چالش‌برانگیزی را دامن زده است. پایان مفهوم قدیمی و استعماری خاورمیانه از این منظر، به معنای پایان عصر استعماری و نواستعماری غرب، پایان عصر امریکا در منطقه و ظهور یک نظم جدید پسااستعماری، یک نظم پسا آمریکایی و یک نظم اسلامی است.^۱

گفتنی است، چگونگی فراز و فرود روابط در ابعاد مختلف، به تقویت عوامل مختلف از جمله بستر دیپلماسی عمومی حج و اقدامات متقابل قدرت نرم هر دو کشور بستگی دارد. در این میان لازم است رویکرد جمهوری اسلامی از منظر قدرت نرم در تقویت روابط دو کشور، مورد بررسی قرار گیرد.

۳. نقش دیپلماسی عمومی در حج و روابط ایران و عربستان

دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی دیپلماسی عمومی، انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است.^۲ بر اساس تعریفی دیگر از چارلز کیگلی، دیپلماسی عمومی، به‌نوعی شکل جدیدی از تبلیغات است که به معنای گسترش نظام‌مند اطلاعات، به‌منظور

۱. ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه، امید محمد حاجی یوسفی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰.

2. Charles wolf and brian rosen .public diplomacy: how to thind about and improve it, 2004.

اثرگذاری بر افکار عمومی است. وی ابزارهای نفوذ یک کشور بر کشور دیگر را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند. براین اساس دخالت آشکار نظامی، زیربخش نفوذ رسمی و کمک اقتصادی، کمک نظامی، دخالت پنهان اطلاعاتی، و در نهایت، نفوذ آشکار یا دیپلماسی عمومی، زیربخش نفوذ غیررسمی برشمرده می‌شود.^۱ جین بیگلر نیز دیپلماسی عمومی را نفوذ مؤثر می‌داند و صرف ارتباط برقرار کردن را هدف دیپلماسی عمومی قلمداد نمی‌کند. وی معتقد است در دیپلماسی عمومی، مهم آن است که چگونه بتوانیم از طریق جلب نظر مردم کشورهای دیگر، برای اعمال فشار بر دولت‌های خودشان، به‌منظور حمایت از اهداف دولت خود دست یابیم.^۲

به‌طور کلی دیپلماسی عمومی، شامل دو بعد دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه ای (دیجیتال) است که این دو به همراه ابزارها و شاخصه‌های خود، روی هم کلیت دیپلماسی عمومی را شکل می‌دهند. دیپلماسی عمومی، از طریق اقداماتی مانند انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، پخش رادیو و تلویزیون بین‌المللی، برنامه‌های مبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور، ایجاد پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی، مجلات الکترونیکی، برنامه‌های سخنرانی و سی‌دی، برگزاری سمینارها و جلسات با تجار خارجی و چهره‌های شاخص دانشگاهی، تولید فیلم، تئاتر، مبادله استاد و دانشجو، خیرنگاران اعزامی و... صورت می‌گیرد. در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۵م نیز در تعریف دیپلماسی عمومی، از ابزار اصلی آن به انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو، تلویزیون و اینترنت اشاره شده است.

۱. ر.ک: فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی، حسام‌الدین آشنا، ۱۳۸۳.

۲. همان.

با توجه به مطالب فوق در رابطه با دیپلماسی عمومی، به نظر می‌رسد که از منظر دیپلماسی عمومی، دو کارویژه اساسی در رابطه با مناسک حج مطرح است که ج. ا. ایران از این دو کارویژه، می‌تواند در راستای هم‌افزایی قدرت مسلمانان در حج و در روابط با عربستان استفاده نماید. این دو کار ویژه عبارت‌اند از:

الف) آگاهی‌رسانی و روشننگری

دنیای امروز عصر اطلاعات است. آگاهی‌رسانی و روشننگری از مصادیق اطلاعات است. در اوضاع کنونی که قدرت به صورت شبکه‌ای بروز و ظهور می‌یابد، آگاهی‌رسانی نیز باید در قالب قدرت شبکه‌ای و به صورت مجازی و غیرمجازی عرضه شود تا مخاطبان را جذب کند. حج، بزرگ‌ترین تجمع مسلمانان است که نیروی انسانی بسیاری در اختیار جهان اسلام قرار داده است. پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام از حج به منظور انتقال معارف دین، اطلاع‌رسانی مسلمانان و آشنا کردن آنان با پیام‌های دینی بهره می‌بردند. امام خمینی رحمته‌الله از مناسک حج، تفسیر سیاسی داشتند که مردم مسلمان جهان را در مبارزه با شیاطین، بت‌ها و طاغوت‌های زمان همراهی کند و در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر، همبستگی آنان را نشان دهند.^۱

برائت از مشرکان، اولین گام در مسیر آگاهی‌بخشی و مبارزه با قدرت‌های سلطه‌گر است. دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله درباره برائت از مشرکان، همان روح بیداری اسلامی است که مسلمانان برای به غفلت کشیدن جوامع اسلامی اعتراض کنند. برائت از مشرکان، این پیام را دارد که مسلمانان باید با وجود همه اختلافات، بر محور توحید و کعبه متحد شوند و کافران را دشمن مشترک قلمداد کنند؛ یعنی علاوه بر اینکه قبله، پیامبر و کتاب همه مسلمانان یکی است، دشمن آنها نیز یکی است.

۱. ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی، محسن محمدی و هادی فلاح‌زاده، ص ۸۸.

بنابراین برای آگاهی‌رسانی در حج، استفاده از ابزارهای گوناگون دیپلماسی عمومی از جمله تسلط به زبان عربی و فرهنگ کشورهای حجاج، برای تبادل نظر و آگاهی‌بخشی، بسیار ضروری است.

ب) تقویت اتحاد و همبستگی مسلمانان

اتحاد جهان اسلام منوط به بیداری مسلمانان است، و بیداری اسلامی، یک حرکت فراگیر سیاسی و اجتماعی است که بدون پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه ملت‌های مسلمان به نتیجه عملی نمی‌رسد. در این میان، کنگره حج برای جهان اسلام فرصت بی‌نظیری است. این کنگره از دو نظر همبستگی مسلمانان را در راستای وحدت و بیداری اسلامی تقویت می‌کند: یکی از بعد تقویت هویت تمدنی است که هم شرط ایجاد تمدن است و هم شرط بقای آن. درک هویت تمدنی به فرد امکان می‌دهد که در سرزمینی زندگی کند که ریشه فرهنگی آن تا اعماق تاریخ کشیده شده است و فقدان هویت تمدنی، موجب اثرپذیری منفعلانه از تمدن‌های موجود می‌شود. مسئله دوم، رنگ‌باختن ملیت‌ها در مراسم کنگره حج است. پراکندگی جغرافیایی و فرهنگی جهان اسلامی، مانعی در فرایند هویت‌یابی مشترک و همبستگی جهان اسلام است. زمانی که ملی‌گرایی، سرلوحه ایدئولوژی نهضت‌ها قرار می‌گیرد، مانعی در فرایند وحدت جهان اسلام ایجاد می‌کند. زمانی که اسلام، مبنای حرکت‌های سیاسی و اجتماعی قرار گیرد، بیداری اسلامی در مسیر پویایی قرار می‌گیرد و قدرت‌های استعماری را به چالش می‌کشد.^۱

یکی از مسائل مهم وحدت اسلامی، موضوع سطح تحلیل وحدت است که در مقیاس جهان اسلام، منطقه و روابط دوجانبه ایران و عربستان، می‌تواند کارگشا باشد. سطح تحلیل، به شناخت انسان‌ها و جوامع از همدیگر کمک می‌کند. برای

۱. ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی، محسن محمد و هادی فلاح‌زاده، صص ۹۲ - ۹۳.

سیاست‌مداران و تحلیل‌گران، به‌کارگیری سطوح تحلیل، به افزایش شناخت موضوع و بررسی ابعاد آن، و همچنین سیاست‌گذاری بهینه کمک می‌کند. براین اساس، وحدت اسلامی را می‌توان از چهار نظر بررسی کرد:

یک- سطح جهانی یا وحدت بشریت که آیه سیزده سوره حجرات به این امر اشاره دارد؛

دو- وحدت صاحبان ادیان الهی یا وحدت اهل کتاب؛ در این مورد نیز آیه ۸۷ سوره آل‌عمران به این نوع وحدت اشاره دارد؛

سه - وحدت در سطح دارالاسلام یا وحدت مسلمانان؛

چهار- وحدت در سطح کشور و ملت که به نظام سیاسی و انسجام اجتماعی دولت‌های مسلمان اختصاص دارد.^۱

به نظر می‌رسد که دستیابی هریک از سطوح وحدت، نیازمند نقشه راه و استراتژی مناسب باشد. وحدت نوع سوم، مورد بحث این مقاله است و به طور طبیعی، با موضوع مناسک حج ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. برای رسیدن به این وحدت، تلاش دولت‌های مسلمان و سازمان‌های اسلامی، از قبیل سازمان همکاری اسلامی، لازم است.

چنانچه همه نهادهای تصمیم‌گیر در ج.ا. ایران در ارتباط با مسئله حج، به دو کارویژه مهم حج توجه لازم داشته باشند، با شیوه‌های صحیح اطلاع‌رسانی، می‌توانند زمینه‌های تقویت همبستگی اسلامی را در دوره حج تحقق بخشیده، از این همبستگی، در روابط ایران و عربستان استفاده کنند. چگونگی استفاده از شیوه‌های قابل قبول و عقلایی اطلاع‌رسانی، منوط به شناخت نقاط قوت و ضعف ساختار اجتماعی و سیاسی

۱. «ویژگی همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، محمد حسن جمشیدی و ابراهیم ایران نژاد،

جامعه عربستان است. بدون درک و شناخت عمیق لایه‌های اجتماعی و چگونگی نحوه فعالیت وهابیت در عربستان و منطقه، امکان اثرگذاری و تغییر رفتار مسلمانان داخل و خارج از عربستان، امکان‌پذیر نیست.

۴. چگونگی اثرگذاری حج در بهبود روابط ایران - عربستان

در روابط ایران و عربستان، چهار عامل وجود دارند که در بستر تحولات روابط دو کشور، به صورت تعارضی، مناسبات دو کشور و مسائل منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند که عبارت‌اند از:

(الف) ماهیت ایدئولوژیکی و فرهنگی دو کشور؛

(ب) ماهیت ساختاری دو نظام؛

(ج) رقابت‌های منطقه‌ای؛

(د) ژئوپلیتیک نفت و گاز خلیج فارس.

موضوع مناسک حج و چگونگی اثرگذاری آن، به ماهیت ایدئولوژیکی و فرهنگی دو کشور و نحوه تبلیغ و انتشار مسائل جهان اسلام، از طرف ایران و عربستان، برمی‌گردد؛ اگرچه عوامل یادشده هم تحت تأثیر عوامل فرهنگی و ایدئولوژیکی قرار می‌گیرند. یکی از چالش‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی در قالب روابط دو کشور، خطرات فعالیت‌ها و رفتارهای افراط‌گرایی مذهبی است که گاهی در قالب رفتارهای سلف‌گرایی نمود پیدا می‌کند. این نوع رفتارها را عربستان سعودی در مناطقی از جهان اسلام دامن می‌زند که در عراق، در دوران پساصدام، و در پاکستان؛ حمایت از جریان‌های تروریستی و فرقه‌گرایانه، و در مناطق سیستان و بلوچستان ایران، ادامه داشته است.

یکی از دلایل اوضاع کنونی عربستان و رفتارهای افراط‌گونه این دولت، این است که این کشور، در سیاست خارجی آمریکا، به‌عنوان کنشگر منطقه‌ای، جایگاه استراتژیک

پیدا کرده است. آمریکا از سال ۱۹۹۱ م به شریک و متحد امنیتی عربستان، در گسترش افراط‌گرایی و محافظه‌کاری در خاورمیانه تبدیل شده است. سه هدف کلیدی عربستان، دربرگیرنده ارتقای ارزش‌های وهابی در جهان، تضمین ثبات در منطقه و نهادینه‌کردن فرهنگ اطاعت در کشور است.^۱ این وضعیت بیانگر این است که در چالش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک ایران و عربستان، زمانی ج.ا. ایران به موقعیت برتر دست می‌یابد که مسئله بیداری اسلامی، ساختار حکومتی پیشامدرن و بافت قبیله‌ای و لایه‌های اجتماعی سعودی‌ها را به چالش غیر قابل برگشت برساند.

در راستای روابط دو کشور در رقابت منطقه‌ای، گفته می‌شود که امروزه شاه‌کلید تعامل با کشورهای عربی خاورمیانه، در ریاض است. در چند سال اخیر، سعودی و مصر، محور موسوم به اعتدال را در خاورمیانه رهبری کردند؛ محوری که بعد از اشغال عراق بسیار فعال بوده است. عربستان سعودی توانسته از طریق فعالیت‌هایی چون توسعه حرمین شریفین، کمک‌های اقتصادی و مالی گسترده به کشورهای اسلامی و کمک به اقلیت‌های مسلمان، اعتباری در بین مسلمانان جهان کسب کند. در واقع، این مسئله از اهداف دیپلماسی سعودی بوده است و این کشور، همچنان برای ارتقای جایگاه اسلامی خود فعالیت می‌کند.^۲

ج.ا. ایران هم در رقابت با اقدامات سعودی‌ها، برای نفوذ در جهان اسلام، باید با استفاده از قدرت نرم و الهام‌بخشی، مسئله دیپلماسی وحدت اسلامی را در موقعیت کنونی جهان اسلام دنبال کند. دیپلماسی وحدت اسلامی، در صورت وقوع و موفقیت، فضایی را در جهان اسلام ایجاد می‌کند که منابع و منافع، دو کلیدواژه آن را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر دیپلماسی وحدت اسلامی، فرایندی است از تعامل، تبادل و

۱. ر.ک: عربستان کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه، حسن دهشیار، ۳، ۱۳۹۲.

۲. از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای، حسن صادقی و حسن احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶.

تفاهم همه‌جانبه و مستمر میان مسلمانان که فرصت می‌دهد تا پیروان مذاهب مختلف، افق‌های ذهنی خود را نسبت به واقعیت‌ها و امکانات طرف مقابل وسعت بخشند و از بیرون حصارها و تنگناهای رنگارنگ کنونی، به تصحیح برداشت‌ها، تکمیل ظرفیت‌ها، تحکیم زیرساخت‌های اجتماعی، توزیع و تعمیم منافع و نهایتاً تشکیل امت واحد اسلامی همت گمارند.

در تخصیص منابع به منافع، وحدت اسلامی به‌رغم آنکه مشترک است و کنونی‌ترین و اساسی‌ترین دایره‌ای است که می‌تواند مشترکات جهان اسلام را در درون خود شکل دهد، امروزه مورد وجه‌المصالحه قرار گرفته است. در اوضاع کنونی جهان اسلام و خصومت‌های تحمیل‌شده آن، مقوله وحدت به‌بوت‌ها فراموشی سپرده شده و فعالیت‌های ضد آن شدت پیدا کرده است و زمینه‌سازی‌های فراوانی برای نقطه مقابل آن، یعنی تفرقه کور، طایفه‌گری، تکفیر و به‌جان‌هم‌افتادن، انجام شده است که سهم سعودی‌ها در این میان، بسیار بالاست.

آنچه مسلم است، وحدت اسلامی فرایند فراگیری است که تحقق آن، منوط به تلاش‌های مشترک است. باید کوشید فرایندی برای وحدت اسلامی شکل بگیرد که همه یا اکثریتی از جهان اسلام، در آن به یک‌اندازه و با رغبت نقش داشته باشند و همه ملت‌های مسلمان، دودشادوش هم این وحدت را ایجاد کنند. امروز نه فقط روز ملت‌ها، که روز اندیشه‌هاست؛ یعنی ملت‌ها با اندیشه‌ها به میدان می‌آیند و سخن می‌گویند و تا چیزی را باور نکنند، پیرو آن نمی‌شوند و به چیزی که باور داشته باشند، پایبند خواهند بود. در چنین اوضاعی، بهترین راه این است که در گام نخست، برای به سامان آوردن امکانات موجود، خیزشی فراگیر از نخبه‌ها، علما و دانشگاهیان دنیای اسلام شکل گیرد و برنامه‌ریزی مشترک، براساس اصول و مبانی مشترک قرآنی و اسلامی را دنبال کنند تا فعالیت‌های

مشترک دشمنان جهان اسلام خنثا شود. به تعبیر مقام معظم رهبری، صهیونیست ها تلاش بسیاری را شروع کرده اند تا مناسبات جامعه اسلامی، نه تنها برپایه وحدت شکل نگیرد، بلکه برپایه کفر و تکفیر و یک نزاع مداوم و جنگ بی امان، شکل بگیرد.

چنانچه برنامه های مشترک کشورهای اسلامی به نتایج مطلوب نرسد، پیامدهای آن در روابط دوجانبه ایران و عربستان نمایان می شود. بدین ترتیب می توان مؤلفه های همکاری و تعارض منافع ایران و عربستان را در متغیرهای ماهیت ایدئولوژیک و فرهنگی، ماهیت ساختاری حکومت های دو دولت، رقابت های منطقه ای، و ژئوپلیتیک حوزه نفت و خلیج فارس جمع بندی کرد. رقابت دو کشور در خلیج فارس، خاورمیانه، جهان عرب و اسلام و همچنین در صحنه بین المللی، گویای توانایی اندک آنها در گسترش همکاری هاست؛ به جز در اهداف عامی که تمام کشورهای جهان در آنها اشتراک نظر دارند. تجارت بین دو کشور، همواره درصد ناچیزی از مجموع تجارت خارجی آنها را تشکیل داده است. همکاری های امنیتی، به صورت مقطعی و آن هم با اعمال نفوذ آمریکا صورت پذیرفته است. همکاری های سیاسی از آن هم کمتر بوده است؛ چنان که دو کشور در صحنه های سیاسی و دیپلماتیک، به صورت دو رقیب، در دو جبهه مقابل هم قرار می گیرند.

۵. جمع بندی

بی شک کنگره حج، فرصت هایی طلایی برای مسلمانان و ج.ا. ایران ایجاد کرده است. استفاده از ابزارهای قدرت نرم و دیپلماسی عمومی با تأکید بر وحدت عملی و آگاهی بخشی توسط عموم مسلمانان، مهم ترین سازوکاری است که می تواند رسالت جهانی انقلاب اسلامی را برای تحقق امت واحده اسلامی میسور کند. امروز که ملت های مسلمان، به فضل بیداری اسلامی به میدان آمده اند و ظرفیت های قابل توجهی برای شکوفایی استعداد های خود دارند، می توانند در فضای جهانی با صدای رسا مطالبات خود



را بیان کنند. در این روند، مردم عربستان هم با توجه به چالش‌هایی که رژیم سعودی با آن درگیر است، آینده این کشور را در راستای منافع سایر ملت‌های مسلمان قرار خواهند داد و جهان اسلام، شاهد وحدت اسلامی خواهد بود.

به نظر می‌رسد که در سطح کلان تصمیم‌گیری در نظام ج.ا.ایران، مدیران حوزه روابط و سیاست خارجی، به‌ویژه سازمان حج و زیارت که متولی سیاست‌گذاری و اجرای برنامه حج است، می‌باید با شناخت از وضعیت موجود در جهان اسلام، اجماع نظر نخبگان جهان اسلام درباره وضعیت مطلوب جهان اسلام و شناخت قواعد سیاست بین‌الملل در سطح جهان اسلام، اعتقاد و التزام به عمل را نزد سیاست‌گذاران جهان اسلام، به‌ویژه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور عربستان ایجاد کنند. در این میان، استفاده از دیپلماسی عمومی، به‌عنوان ابزار قدرت نرم برای گسترش روابط با دولت عربستان، بسیار کارساز است. استفاده از هم‌گرایی و پیوندهای فرهنگی — مذهبی و قومی با کشورهای عرب‌زبان خلیج فارس، تقویت نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی با کشورهای حوزه خلیج فارس، تشکیل انجمن‌های دوستی و برگزاری هفته‌های فرهنگی در جهت شناساندن ظرفیت‌های فرهنگی، برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو و همکاری‌های علمی، پذیرش توریست و ایجاد و تقویت مؤسسات ایران‌شناسی، از جمله راهکارهای دستیابی به قدرت نرم ج.ا.ایران برای گسترش فضای دیپلماسی عمومی با عربستان و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

در مورد آینده روابط ایران و اعراب، به‌ویژه روابط ایران و عربستان، چند سناریو قابل طرح است. مطابق سناریوی اول، گفته می‌شود در صورتی امید به بهبود روابط با عربستان می‌رود که در رابطه ایران با آمریکا تحول به وجود آید. این امر موکول به آینده روابط ایران و آمریکاست. در سناریوی دوم بر این امر تأکید می‌شود که مناسبات

ایران و اعراب، از جمله روابط با عربستان، زمانی بهبود می‌یابد که ایران به یک قدرت بلامنازع با همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تبدیل شود. آنچه مسلم است و واقعیت محیط خاورمیانه نشان می‌دهد، ج. ا. ایران به دنبال سلطه بلامنازع در منطقه نیست. این امر، به ویژه در بعد نظامی، مسابقه تسلیحاتی را در منطقه دامن می‌زند و فضای منطقه را ناامن‌تر می‌کند.

سناریوی سوم با توجه به سابقه تاریخی روابط ایران و اعراب و تصور دو طرف از یکدیگر، برقراری روابط پایدار دور از ذهن است و باید به روابط موجود بسنده کرد. این طرز تلقی، اگرچه امروزه از مفروضات قابل توجهی برخوردار است، تلاش برای زدودن آثار منفی روابط گذشته با پیش‌گرفتن سیاست اعتمادسازی متقابل و به‌کارگیری سازوکارهای دیپلماسی عمومی، که در دولت‌های نهم و دهم بیشترین توجه به آنها شده است، می‌تواند به توازن در روابط با اعراب و همچنین روابط متقابل ایران و عربستان رسید.



منابع

۱. ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، مسعود معینی پور و رضا لک زایی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار ۱۳۹۱.
۲. از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای، حسن صادقی و حسن احمدیان، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، عربستان؛ سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۹.
۳. اندیشه‌های راهبردی (۲)، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، رهنمودها و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در موضوع تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. انقلاب اسلامی و قرائت نوین از حج، محمد حقی، دسترسی در ۹۲/۵/۵ در سایت، <http://haghi59.blogfa.com/post68.aspx>
۵. ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه، برداشت‌ها و اقدامات، امیر محمد حاجی یوسفی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار ۱۳۹۱.
۶. چالش‌های روابط ج.ا. ایران و عربستان در منطقه، پرویز نادری نسب، فصلنامه سیاست، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.
۷. روابط ایران و عربستان در سده بیستم (دوره پهلوی)، حمید احمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه، ۱۳۸۶.
۸. زمینه‌های وحدت، در کتاب وحدت (مجموعه مقالات)، سیدمحمد علوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲.
۹. ستون‌های سه‌گانه روابط بین‌الملل و عملکرد اخلاق، سایت حسین دهشیار، ۱۳۷۸.
۱۰. طلیعه آشتی اعراب با ایران: به سوی سیاست یکپارچه ایالات متحده در خاورمیانه، روح الله

- رمضانی، مترجم: علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۱۳۱ - ۱۳۲، ۱۳۷۷.
۱۱. ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام، محسن محمدی، هادی فلاح‌زاده.
۱۲. عربستان، کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه، حسین دهشیار، فصلنامه روابط خارجی، سال ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.
۱۳. فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی؛ ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی، حسام‌الدین آشنا، دانش سیاسی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۳.
۱۴. فلسفه حج و علم مدیریت، علی نقی امیری، فصلنامه فلسفه دین، سال ششم، پاییز ۱۳۸۸.
۱۵. الگوی توسعه سیاسی در اندیشه امام خمینی، مسعود معینی‌پور، قم، دفتر نشر معارف. ۱۳۹۱.
۱۶. مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال ج.ا. ایران، بهمن نعیمی ارفع، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۰.
۱۷. واگرایی‌ها و همگرایی‌ها در روابط ایران و عربستان، بهرام اخوان کاظمی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۷، ش ۲، تابستان ۱۳۷۹.
۱۸. ویژگی‌های همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، محمد حسن جمشیدی و ابراهیم ایران نژاد، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۲، بهار ۱۳۹۱.

19. Ekhtiari Amiri, Golipour, Hassa, Kusmus, Ku hasnita (2011). The Hajj and Iran's Foreign Policy Towards Saudi Arabia. Sage publication.

20. Wolf, Charles and Rosen, Brian. (2004) "Public Diplomacy: How to Think about and Improve It". The RAND. www.rand.org/pubs/Occasional_papers/2004/RAND_Op134.pdf (accessed August 15, 2007)

نقش حج در گسترش مبانی انقلاب اسلامی در منطقه بیداری اسلامی

دکتر علی اخترشهر^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در تاریخ ایران، اسلام و جهان است و رخدادی عظیم و اثرگذار در نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آید که موجب بسیاری از تحولات سیاسی در جهان شده است. از طرفی مراسم باشکوه حج، جنبه هدایتگری همچون دعوت به وحدت و دین‌داری، و تحول اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی دارد. حال سؤال اصلی این است: حج چه نقشی در گسترش مبانی انقلاب اسلامی در منطقه بیداری اسلامی دارد؟ فرضیه: حج به دلیل داشتن مبانی مشترک با انقلاب اسلامی، باعث گسترش انقلاب در منطقه بیداری اسلامی می‌گردد. براین اساس، حج و عمره بزرگ‌ترین همایش اسلامی است. در این گردهمایی، نمایندگان و زائران بیش از یکصد کشور جهان شرکت دارند. از مهم‌ترین نقش حج در گسترش مبانی انقلاب اسلامی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان.

۱. داشتن دشمن مشترک؛
 ۲. رایزنی و مبادله فرهنگی؛
 ۳. اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر؛
 ۴. تحکیم وحدت بین مسلمانان؛
 ۵. براءت از مشرکان و ظلم ستیزی.
- واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، حج، نمایش قدرت، استعمار ستیزی.

مقدمه و تبیین مسئله

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در تاریخ ایران، اسلام و جهان است و رخدادی عظیم و اثرگذار در نیمه دوم قرن بیستم به شمار می آید که موجب بسیاری از تحولات سیاسی در جهان شده است. اهمیت این رویداد تاریخی در این است که از یک سو معادله های سیاسی استکبار را در ادامه تقسیم استعماری جهان به دو قطب شرق و غرب برهم زد و از سوی دیگر، یکی از مقتدرترین رژیم های وابسته به قدرت های بزرگ را در کشوری که از نظر استراتژیکی و اقتصادی با اهمیت بود، ریشه کن کرد. مهم تر از آن، با ایجاد آگاهی عمیق در میان ملت های مسلمان، زمینه جنبش ها، حرکت ها و تحولات سیاسی مهمی را فراهم نمود. ظهور این جریان سیاسی، بار دیگر اسلام را به عنوان یک قدرت برتر در سطح جهان مطرح کرد و چشم اندازی امیدبخش برای حرکت به سوی بازیابی خویشتن و ایستادگی در برابر استبداد و استکبار، پیش روی مسلمانان قرار داد.^۱ به همین دلیل بسیاری از نویسندگان خارجی اذعان کرده اند که انقلاب اسلامی ایران و تحولات ناشی از آن، پدیده ای شگفت انگیز است که موجبات شگفتی جهانیان را فراهم کرده و معجزه گونه بر تمام تحلیل ها و پیش بینی های غرب در مورد ایران، خط بطلان کشیده است.^۲

۱. انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵.

۲. ایران در حکومت روحانیون، دیلیپ هیرو، ترجمه محمدجواد یعقوبی دارابی، ۱۳۸۶، ص ۲۱.

از طرفی مراسم باشکوه حج، افزون بر اینکه تمام حرکاتش عبادت است و باید با قصد تقرب پذیرد، جنبه هدایتگری همچون دعوت به وحدت و دین‌داری، تحول اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی دارد و هریک از اعمال آن، به‌گونه‌ای حاجی را ارشاد و هدایت می‌کند و به عمق معنویت، خودسازی، تحرک و بیداری رهنمون می‌شود. حال این سؤال مطرح است که دشمن به دنبال چیست و وظیفه مشترک حج ابراهیمی با انقلاب اسلامی در چه چیزی است. در جواب به سؤال اول باید گفت که هدف دشمن دو چیز است:

۱. اسلام‌هراسی در منطقه بیداری اسلامی: از شیوه‌هایی که امروز دشمنان در میان مسلمانان به کار می‌گیرند، تحریف اسلام و آموزه‌های نورانی آن است. آنان همواره می‌کوشند اسلامی را ارائه کنند که در آن هیچ‌گونه مبارزه با ظلم و ضد ارزش نباشد؛ اسلامی که فقط به جنبه‌های عبادی بپردازد و فارغ از مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود باشد.

۲. تسلط بر خاورمیانه: از نقشه‌های دیگر بیگانگان، تسلط بر خاورمیانه است. محدوده‌ای که امروز خاورمیانه نامیده می‌شود، از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جهان است که در طی قرون و اعصار متمادی، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. حد فاصل این محدوده، حد فاصل دریای سرخ در شمال غرب، منطقه قفقاز و دریای خزر در شمال و مرزهای شرقی ایران در شرق، و دریای عرب و اقیانوس هند در جنوب می‌شود و کشورهای ایران، ترکیه، سوریه، عراق، لبنان، فلسطین اشغالی، اردن، عربستان، یمن، عمان و شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را دربرمی‌گیرد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های منطقه عبارت‌اند از:

(الف) کوتاه‌ترین واسطه خشکی میان مرکز اوراسیا با آب‌های آزاد است.

(ب) بیش از هفتاد درصد ذخایر انرژی هیدروکربن جهان در این منطقه قرار دارد.

ج) کوتاه‌ترین فاصله خشکی میان جبهه دفاعی اروپای غربی در غرب اوراسیا با جبهه دفاعی جنوب شرق آسیاست.

د) وجود تنگه‌ها و آبراه‌های استراتژیکی و فوق‌العاده حساس جهان همچون تنگه هرمز، تنگه باب‌المنذب، کانال سوئز، تنگه بسفر، داردانل و... اهمیت نظامی و ژواستراتژیکی خاورمیانه را برای بیگانگان دوچندان کرده است.

ه) حساس‌ترین قلمروهای ژواستراتژیک جهان را شاخک‌های عملیاتی تشکیل می‌دهند. در وضعیت کنونی و در مقیاس جهانی، صحنه عملیاتی، حوزه پاسیفیک است. مهم‌ترین شاخک‌های صحنه عملیاتی پاسیفیک نیز در درجه اول شاخک خلیج فارس، و در درجه بعدی شاخک دریای سرخ است که هر دوی این شاخک‌های عملیاتی، در جبهه ژواستراتژیکی خاورمیانه قرار دارند. از این نظر هم اهمیت این منطقه زیاد است. با توجه به این ویژگی‌ها، خاورمیانه همزمان از نظر سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برای بیگانگان مهم بوده و به هارتلند (قلب زمین) تبدیل شده است.^۱

اما برای پاسخ به سؤال دوم که وظیفه مشترک حج ابراهیمی با انقلاب اسلامی در چه چیزی است، ابتدا باید به اصول مبانی هریک اشاره کنیم:

۱. اصول و مبانی انقلاب اسلامی

هر نظامی، اندیشه و رفتارش، برابند مبانی فکری آن نظام است که روبناها و دیگر ساخت‌های آن نظام، براساس آن مبانی شکل و سامان گرفته است. مبانی هر سامانه فکری، راه و مسیر را به پویندگان طریق می‌شناساند و در بزنگاه‌های حساس، آنها را به سمت اهداف مطلوب راهبری می‌کند. تا زمانی که خواننده و پژوهشگر، این مبانی را

۱. مقاله تأثیر هسته‌ای شدن ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه، محمدرضا احمدی، فصلنامه پیام، پژوهشکده تحقیقات اسلامی،

به درستی دریافته و با ژرف‌کاوی در زوایای گوناگون آنها نیندیشیده باشد، هرگونه اظهار نظر و ارائه دیدگاهی می‌تواند با کاستی و نقص همراه باشد. انقلاب اسلامی با الهام از قوانین و تعالیم نجات‌بخش اسلام، الگوی جدیدی در عرصه اجتماعی و سیاسی بشر امروزی ارائه می‌کند تا براساس آن، نیازهای مادی و معنوی انسان، توأمان فراهم شود. بنابراین، فهم اصول و مبانی یک انقلابی همانند انقلاب اسلامی، براساس منشور آن که قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد، قابل بررسی است:

الف) اصل مردمی‌بودن نظام

کلمه جمهوری، مبین شکل حکومت است؛ یعنی مردم با استفاده از حق انتخاب در تعیین سرنوشت خود، تصمیم‌گیری می‌کنند و تصمیمات عمده حکومت با رأی مردم شکل می‌گیرد.^۱ برخلاف نگرش مادی که در آن، انسان به‌مثابه حیوانی که تمام رشد و ادراکات او درباره امر مادی است و هستی، منحصر در همین عالم مادی است، در نگرش اسلامی انسان جایگاه بلندی دارد و شرافت انسان به روح ملکوتی اوست و امتیاز او بر سایر حیوانات، مرهون ویژگی‌های انسانی وی است.^۲

انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سه ویژگی مهم دارد؛ چنان که در بند ششم از اصل دوم آمده است: جمهوری اسلامی، نظامی است که برپایه «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» حاصل می‌شود.

یک - کرامت

سؤالی که مطرح است، این است که عامل اصلی کرامت انسانی چیست؟ در جواب باید این‌گونه گفت که از نظر اسلام، منشأ این کرامت را باید در خلقت ویژه انسان

۱. اصل ۶، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۳۳.

۲. انسان‌شناسی در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰.

دانست که با دمیدن روح الهی در آمیخته است؛ بدین ترتیب، کرامت انسانی منشأ الهی دارد^۱ و در حالت طبیعی، همه انسان‌ها نسبت به بهره‌مندی از این حق باهم برابرند و هیچ‌کس را بر دیگری امتیازی نیست.

اول - تعریف کرامت

سخاوت و شرافت، پاک‌بودن از آلودگی‌ها، عزت و کمال، مخصوص هر موجود است.

دوم - انواع کرامت

- کرامت ذاتی: همه انسان‌ها مادام که مرتکب خیانت و ظلم به دیگران و خود نشوند، از این صفت شریف برخوردارند.

- کرامت اکتسابی: انسان در صورتی که استعدادها و نیروهای بالقوه خود را در جهت رشد و تعالی و کمال خود قرار دهد، به این نوع از کرامت نیز مفتخر می‌گردد و این امر، بستگی به همت، لیاقت و تلاش او دارد.^۲

از مقایسه این دو امر معلوم می‌شود:

- کرامت ذاتی، غیرارادی است؛ درحالی که کرامت اکتسابی، ارادی و اختیاری است.
- کرامت ذاتی همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد؛ درحالی که کرامت اکتسابی به افراد خاصی اختصاص دارد.
- از آنجاکه کرامت ذاتی امری غیرارادی است، کرامت اکتسابی از ارزش، اعتبار و جایگاه والاتری برخوردار است.
- کرامت ذاتی تابع دوام و بقای طبیعت انسانی است. اگر این حالت طبیعی آسیب پذیرد، کرامت او نیز دستخوش تغییر و تحول می‌گردد.

۱. انسان شناسی در قرآن، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۱۰۵.

• انسان‌ها در برخورداری از کرامت اکتسابی درجات مختلف دارند؛ همان‌گونه که در سیر نزولی و ازدست‌دادن کرامت ذاتی خود در مراتب مختلفی قرار می‌گیرند.

دو - آزادی

آزادی از مفاهیم سهل و ممتنع است؛ بدین بیان که گرچه نزد هرکسی مفهومی روشن و بسیط دارد، بیان تعریفی دقیق و منطقی از آن، بسی دشوار است. در تعاریف آزادی، بعضی بر «مطلق قدرت بر انجام یا ترک فعل» دانسته‌اند و برخی دیگر نیز «قدرت بر انجام یا ترک فعلی که باید انجام داد یا ترک کرد». روشن است که بنابر تعاریف دسته دوم، مرجعی که انجام یا ترک فعلی را برای انسان لازم می‌شمارد، قانون است. این قانون، یا «قانون آسمانی» است یا قانون مورد توافق مردم یا قانون عقل. براین اساس اسلام به انسان، به لحاظ تکوینی مجوز بهره‌مندی از آزادی فلسفی (تکوینی) را داده است؛ اما به لحاظ حقوقی، تا آنجا که به تشریح و قوانین الهی مربوط می‌گردد، نمی‌تواند آزاد باشد.

در اینجا بیان چند نکته درباره آزادی شایسته و بجاست:

اولاً اسلام به هر دو جنبه آزادی بیرونی (آزادی‌های اجتماعی و سیاسی) و درونی (آزادی‌های معنوی) ارج نهاده است؛

ثانیاً آزادی درونی بر آزادی بیرونی تقدم دارد؛ زیرا با هویت انسانی گره خورده است و از آن به «آزادگی» و «وارستگی» تعبیر می‌شود؛

ثالثاً دو گروه از آدمیان به «آزادی» جفا نموده‌اند: آنان که آزادی را فقط در آزادی بیرونی یا فقط در آزادی درونی خلاصه کرده‌اند؛

رابعاً برای آزادی بیرونی، هیچ محدودیتی وجود ندارد، مگر آنکه به آزادی انسان ضربه وارد کند. ممنوعیت برخی از آزادی‌ها تنها به دلیل صیانت از برخی آزادی‌های دیگر است.

سه - مسئولیت‌محوری انسان

براساس جهان‌بینی اسلام، انسان موجودی آزاد و مختار است و این آزادی و اختیار، آنگاه‌که با آگاهی و قدرت قرین گردد، مسئولیت را به بار می‌آورد. از نظر اسلام، انسان در برابر خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت مسئول است. این مسئولیت ازسویی سبب می‌شود که انسان در قبال سرنوشت، کمال و سعادت خویش، احساس وظیفه کند و ازسوی دیگر، چون به تعامل و تأثیر و تأثر خود با اجتماع واقف است، خود را نسبت به اجتماع مسئول بداند.

ب) اصل ظلم‌ستیزی و استعمارستیزی

جمهوری اسلامی ایران، برای رسیدن به اهداف متعالی خویش، باید از اصول عملی اطمینان‌بخش بهره گیرد. از جمله این اصول، نفی هرگونه ستمگری و سلطه‌پذیری، با عنوان نفی ستم در عرصه داخلی و نفی سلطه در عرصه بین‌المللی است. بنابراین وظیفه انقلاب اسلامی در حوزه داخلی، برطرف کردن تبعیض و نابرابری، جلوگیری از تجاوز و تحدی و تصرف در حقوق دیگران، مبارزه با ظلم از طریق قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نظارت اجرایی و قضایی بر امور و التزام عملی دولت بر نهی از ظلم است. همچنین وظیفه انقلاب اسلامی در حوزه بین‌المللی، جلوگیری از سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اعتقادی و نیز حفظ وحدت و تمامیت ارضی کشور است.

ج) اصل تکیه بر آرای عمومی از طریق مشورت و امر به معروف و نهی از منکر

مراد از اتکا به آرای عمومی در قانون اساسی، اصالت رأی و عقل در برابر وحی نیست؛ بلکه معنای آن، احترام به ارزش عقل در پذیرفتن وحی و آزمون عقل در

گرویدن به وحی از طریق مشارکت در انتخابات و ایجاد همه‌پرسی و رفراندوم است.^۱ این مشارکت به دو صورت قابل تصور است:

یک - اصل شورا به عنوان شیوه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی بر پایه مبانی قرآنی و سنت استوار است که حکومت با استفاده از تضارب آرا و نظریات متخصصان و بهره‌مندی از استعداد های مردم در امور مختلف کشورداری و حل مشکلات تصمیم‌گیری کند.^۲

دو - امر به معروف و نهی از منکر؛ نظام جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به عوامل و عناصر درونی خود، در صدد جلوگیری از انحرافات، از طریق رشد عوامل منفی در جامعه، با ابزار و مکانیزم امر به معروف و نهی از منکر است. این وظیفه، دوسویه است؛ یعنی هم دولت نسبت به مردم این وظیفه را دارد و هم مردم نسبت به دولت.^۳ البته فقهای اسلامی این امر را (امر به معروف و نهی از منکر) منوط به اجتماع چهار شرط می‌دانند:

اول - آگاهی داشتن به معروف و منکر؛

دوم - احتمال تأثیر؛

سوم - اصرار خطاکاران بر اعمال خلاف؛

چهارم - عدم ترتب فساد (ضرر جانی، آبرویی یا مالی).

د) اصل وحدت و یکپارچگی در نظام جمهوری اسلامی ایران

وحدت و یکپارچگی از مسائل اصولی اسلام و از معیارهای اصلی قرآنی است. این اصل، هم در بعد داخلی و هم بین الملل اسلامی قابل تبیین است. براین اساس، اصول

۱. اصل ۶.

۲. اصل ۷.

۳. اصل ۸.

آزادی، استقلال، وحدت ملی و امنیت ارضی، لازم و ملزوم یکدیگرند؛ زیرا نبود آزادی، مشارکت مردمی را تضعیف می‌کند و عدم مشارکت مردمی، استقلال کشور را به خطر می‌افکند و باعث می‌شود منافع کشور در اختیار بیگانگان قرار گیرد. بنابراین عدم استقلال، باعث از بین رفتن آزادی مردم می‌شود.^۱ لذا از آنجایی که انقلاب اسلامی منحصر به ایران نیست بلکه همه مسلمانان جهان را نیز شامل می‌شود، اتحاد و همبستگی با دیگر کشورها به منظور ایجاد یک امت نمونه اسلامی است.^۲

ه) اصل اسلامی و اعتقادی بودن نظام

واژه «اسلامی» بر محتوای حکومت دلالت دارد؛ بدین معنا که حکومت بر مبنای احکام و مقررات اسلامی اداره می‌گردد. مشروعیت نظام و حکومت، در شکل‌گیری و تطابق مقررات آن با موازین اسلام است و ولایت فقیه در قانون اساسی، مظهري برای این امر تلقی می‌گردد.^۳ از طرفی در مباحث حقوقی، نوع نگاه ما به دین و ظرفیت‌های آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در قضاوت ما خواهد گذاشت. طبیعی است فردی که به جامعیت، حقانیت، جهان‌شمولی و جاودانگی دین خود باور داشته باشد، با فردی که چنین باوری ندارد، در برابر احکام و مقررات دینی یکسان نیست. اعتقاد به ویژگی‌های چهارگانه دین اسلام، بر لزوم دخالت دین و دریافت‌های وحیانی در قانون‌گذاری دلالت دارد که این امر باعث پاسخ‌گویی مناسبات اجتماعی در سطح ملی خواهد بود.

قانون اساسی، اصول پنج‌گانه اعتقادی (اصول دین و اصول مذهب) را به همراه اصل کرامت انسان و جایگاه والای او، به عنوان ارکان شش‌گانه و بنیادهایی معرفی می‌کند که پایه‌های نظام اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند.

۱. اصل ۹.

۲. اصل ۱۱.

۳. مقدمه قانون اساسی. اصل ۴ و اصل ۱۵۶.

۲. اصول و مبانی حج ابراهیمی

حج، بزرگ‌ترین همایش اسلامی است. در این گردهمایی، نمایندگان و زائران بیش از یکصد کشور جهان شرکت دارند. حج، شکوهمندترین محفل دیدار خالق و مخلوق و از پررمزورازترین عبادات است. با سیر الی الله است که دل‌کندن از همه تعلقات دنیوی آغاز می‌شود و تا دیدار یار ادامه می‌یابد.

حج، سفری معنوی است که بندگان خداجوی، به عشق و شوق لقای حق و در جهت تبعیت از دستورات الهی و پالایش روح، به آن همت می‌گمارند. دیار وحی، بهترین میعادگاه ملل مسلمان است که در آن، مسلمانان با یکدیگر آشنا می‌شوند و ضمن بررسی مشکلات، درصدد رفع آنها بر می‌آیند. از جمله اصول حج عبارت‌اند از:

الف) اهتمام به امور مسلمانان

یکی از فرائض خطیر و اساسی که نشانه مسلمانی است، اهتمام به امور مسلمانان است. از رسول خدا ﷺ روایت شده است: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَكَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ «هرکسی صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست». معنای حدیث آن است که اگر مسلمانی در میان مسلمانان زندگی کند و در خدمت آنان نباشد، خودی به شمار نمی‌آید و بیگانه است. براین اساس است که سعدی می‌گوید: «حکما گفته‌اند برادر که در بند خویش است، نه برادر و نه خویش است».^۱

البته اهتمام به امور مسلمانان، عنوانی کلی است که یک سلسله فرائض دیگر مانند اصلاح میان مردم، برآورده ساختن نیاز مردم و سود رساندن به آنان از مصادیق آن محسوب می‌شود. بدیهی است که تحقق این مقصود در مراسم حج از اصول اعتقادی حج به شمار می‌آید و هر حاجی باید نسبت به مشکلات برادر خود اهتمام داشته باشد.

۱. اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. گلستان، سعدی، باب ۲.

ب) نمایش قدرت اسلام

حج و برائت از مشرکان، علاوه بر اعلام نفرت و تبری از دشمنان اسلام، نمایش قدرت اسلام و رژه جمعی امت اسلامی است. علی علیه السلام می‌فرماید: «الحج تقویة للدين»^۱؛ «خداوند حج را برای تقویت آیین اسلام تشریح کرد». زمانی این انتظار از حج جامه عمل می‌پوشد که خانه مقدس خدا رمز وحدت مردم و مرکز اجتماع دل‌ها و همایش سیاسی جامعه اسلامی باشد. اگر می‌بینیم در روایات، حج جهاد افراد ضعیف تلقی شده است^۲، معلوم می‌شود که آثار و ثمرات جهاد را دارد. جهاد، جنگ مسلحانه با کافران، و حج، جنگ سرد با کافران است؛ چون محل نمایش اقتدار و عظمت امت اسلامی است.

ج) احیای نقش دین در زندگی

دشمنان و بیگانگان برای ضربه‌زدن به اسلام و آموزه‌های آن، اقدام به تحریف کرده و کوشیده‌اند معانی حقیقی و واقعی آنها را تغییر دهند. آنان تصور می‌کردند که با این حربه می‌توانند دین را به حاشیه برانند و از صحنه‌های زندگی مردم دور نگه دارند. از این رو آنها با این رویکرد که اعمال عبادی دین فقط جنبه فردی دارد و به‌دور از مسائل سیاسی و اجتماعی است، روح حماسی را از کالبد دین و آموزه‌های دینی برداشتند. بنابراین بسیاری از مفاهیم دینی، معنای واقعی خود را در میان مردم از دست داد؛ چنان که مفاهیمی چون زهد، توکل، غیبت و انتظار فرج، مفهومی مرده یافتند. زاهد در مفهوم مرده، کسی بود که گوشه‌گزالت اختیار می‌کرد و به منظور این که زودتر به آخرت برسد، از تماس و حضور در اجتماع خودداری می‌کرد. کسی که می‌خواست وظیفه را از دوش خود بردارد و تحرک نداشته باشد، از توکل دم می‌زد و ...

۱. نهج البلاغه، قصار ۲۵۲.

۲. «هو (الحج) احد الجهادین هو جهاد الضعفاء»؛ «حج یکی از دو جهاد است. حج، جهاد ضعیفان است (الوافی، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۱۲، ص ۲۱۵).

«.. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند...! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت های وابسته بشورانند...؟!»^۱

امام خمینی علیه السلام در پاسخ به این نوع تفکر وابسته و بی‌هویت می‌فرماید:

.. حج کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جست و جو نمود. مناسک حج، مناسک زندگی است. حج، تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره مند می‌شوند. حج بی‌روح و بی‌تحرک و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست.^۲

د) تحکیم وحدت بین مسلمانان

در میان احکام اجتماعی اسلام، شاید کمتر مسئله‌ای را بتوان یافت که به‌اندازه «وحدت» از آن سخن گفته شده باشد. ده‌ها آیه قرآن به صورت مستقیم و غیرمستقیم درباره وجود وحدت و پرهیز از اختلاف است.

قرآن کریم وحدت را عامل اقتدار و شوکت امت اسلامی، و تفرقه را عامل ضعف و ناتوانی دانسته است، می‌فرماید: ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ «از خدا و پیامبرش پیروی کنید و با یکدیگر نزاع مکنید که ناتوان می‌شوید و شوکت شما می‌رود». (انفال: ۴۶)

۱. پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام، ۶۷/۴/۲۹.

۲. همان.

در سراسر دنیا، هیچ مسلمانی یافت نمی‌شود که در وضعیت کنونی، نگاه مثبت به اهمیت وحدت نداشته باشد. امروز، حیل‌ها و نقشه‌های دشمنان بر مردم مسلمان دنیا روشن شده است و کیست که نداند زورمداران در صدد دامن‌زدن به اختلافات فرقه‌ای هستند. منازعات و کشمکش‌های گذشته و کنونی جهان، به‌رغم تلاش‌های گسترده رهبران جوامع و دولت‌ها، همچنان رو به تزايد نهاده است و هر روز بر میزان قربانیان اختلافات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی افزوده می‌گردد و به موازات آن، حجم بیشتری از سرمایه‌های مادی و معنوی ملت‌ها قربانی مطامع جنگ‌افروزان و تفرقه‌انگیزان می‌شود.

«امروز، وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم، تحت نظر سیاسی ابرقدرت‌ها هستند. همه‌جا را ناظر هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرح‌ها دارند و مهم‌ترین طرح‌ها آن است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند».^۱

۳. اشتراکات انقلاب اسلامی با حج ابراهیمی در مبانی و اصول

امروز مسلمانان جهان، از طریق انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، با برجسته کردن نقاط مشترک بسیاری، می‌توانند همرنگی و همدلی خود را به منصفه ظهور برسانند. امروزه مسلمانان جهان، منافع مشترک بسیاری دارند که می‌توانند براساس آنها به اتحاد و انسجام بیشتری دسترسی پیدا کنند؛ از جمله آنها عبارت‌اند از:

الف) اسلام

یکی از وجوه مشترک انقلاب اسلامی با حج ابراهیمی در بیداری اسلامی، مسئله اسلام است. امام از اسلام تعبیر به حبل‌الله و صراط‌مستقیم می‌کند که منجر به وحدت و یگانگی می‌شود. «علمای بیدار اسلام، دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده‌اند به

۱. صحیفه امام، امام خمینی، ج ۱۳، ص ۱۳۰.

اینکه مسلمین را تحت لوای اسلام، به وحدت و یگانگی دعوت کنند.^۱ «حبل الله اسلام است. صراط مستقیم، اسلام است. ریسمان بین حق و خلق، اسلام است.»^۲ «ما توجه نکردیم به دستورات اسلام که بین همه مسلمان ها عقد اخوت بسته است و همه را دعوت به اعتصام به حبل الله و پیروی از خط اسلام می فرماید.»^۳

اسلام، برترین برنامه آسمانی است که نبی مکرم اسلام، محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طرف خدا برای رستگاری و سعادت انسان ها فرو آورده است. برنامه ای که در بردارنده ویژگی ها و امتیازات بزرگی است. این امتیازات، زمینه پاسخ گویی نیازهای انسان ها را در همه اعصار فراهم کرده است. از جمله این امتیازات، جامعیت آموزه های اسلامی است که توانسته است در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نیز ابعاد فردی و شخصی، گره گشای مشکلات بشر باشد.

ب) داشتن دشمن مشترک

انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، دشمن مشترک دارند و شناختن دشمنان واقعی، از ضعف های مهم و اساسی مسلمانان بوده است. ضعفی که سبب کنار گذاشتن والیان واقعی حکومت اسلامی و پیاده نشدن احکام آن شد. عبرت گرفتن از این جریان، نویدبخش راه آیندگان و مانع از تکرار تاریخ خواهد شد. همچنین نقشه دشمنانی را که در لباس ها و چهره های گوناگون در صدد ضربه زدن به کیان اسلام اند، برملا نموده و پیروزی اسلام و مسلمین را به ارمغان آورده است. بدین سان امام بَارَكَ اللهُ لَهُ ضمن تأیید دشمن شناسی، به عنوان یک وظیفه مستمر می فرماید: «باید شما دشمنان را بشناسید. اگر شناسید، نمی توانید دفعش کنید.»^۴

۱. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۱۳، ص ۳۳۸.

۲. همان، ج ۹، ص ۱۶۷.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۲۶.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۹۶.

ج) برائت از مشرکان و ظلم و استیکارستیزی

یکی از اصول مشترک انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، ظلم‌ستیزی است. کعبه نماد توحید و نفی طاغوت است و در کنار آن، مقام ابراهیم علیه السلام یادآور مجاهدت‌ها و تلاش‌های ابریت شکن تاریخ، در مبارزه با ظلم و طاغوت است. این موارد، تجسم‌بخش برائت از مشرکین است که پیام سیاسی مناسک و محتوای حج را نمودی عینی می‌بخشد.

«فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می‌دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع‌الاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه، اعمال نفوذ می‌کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک‌آلود بر جوامع اسلامی، پایه‌های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیرخدا کرده‌اند»^۱.

نقش برائت از مشرکین در جهان اسلام

یک- نفی قدرت‌های استیکاری

مسلمانان، با اعلام بیزاری از قدرت‌های سلطه‌جو و استعماری، زمینه‌های اضمحلال و نابودی آنها را فراهم کرده، می‌کوشند زمینه‌های دخالت بیگانگان را در کشور خود از بین ببرند. وقتی آحاد ملت‌های مسلمان، دست به‌دست هم دهند و خواستار خروج استعمارگران از مناطق و سرزمین‌های خود شوند، آنها دیگر جرئت نمی‌کنند دست به توطئه بزنند. امروز میان سران مسلمان کشورهای اسلامی، هنوز پدیده شوم ارتباط با قدرت‌های بیگانه وجود دارد. بعضی از کشورهای اسلامی و عربی در منطقه، هنوز سرمست روابط با آمریکا و ولد نامشروع او، یعنی اسرائیل هستند و جای بسی تأسف است که چرا این گرایش، هنوز وجود دارد. باوجود این رفتارهای خائنانه، آحاد ملت‌ها و بسیاری از دولت‌ها به‌خوبی فهمیده‌اند که دشمنان، در صدد استعمار و استعمار

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله‌الحرام، ۷۰/۳/۲۶.



آنان اند. لذا با اعلان انزجار خود، زمینه نفی سلطه و قدرت طلبی آنان را در منطقه فراهم کرده‌اند. راه برون‌رفت از این سلطه‌طلبی و سلطه‌پذیری، اتحاد و انسجام همه مسلمانان در این امر خطیر است. اتحاد در برابر زورگویی‌ها و تجاوزات، اتحاد در نفی وابستگی به دول غربی و اتحاد در برائت از دشمنان، قدرت‌طلبی‌های آنان را از بین می‌برد.

دو- به هم پیوستن مسلمانان

از آثار دیگرِ برائت از مشرکان، به هم پیوستن مسلمانان جهان است. امام امت به این نکته کاملاً واقف بودند که برائت واقعی، در سایه اتحاد و انسجام آحاد مسلمانان است. وقتی مسلمانان، جبهه مشرکان و دشمنان را تشخیص دادند، می‌کوشند صف مقابله با آنان را در بین خود یکی کنند؛ می‌کوشند اختلافات جزئی و سطحی را کنار بگذارند و آماده طرد و نفی و برائت دشمنان واقعی شوند. بدیهی است لازمه و نتیجه این برائت، اتحاد صفوف مسلمانان در برابر کفار و بیگانگان است.

سه- آگاهی و بیداری ساده‌دلان

وقتی توده‌های میلیونی ملت‌ها و آحاد مسلمین، دست‌در‌دست یکدیگر، به نفی دشمنان و بیگانگان و بیزاری از آنان می‌پردازند، باعث می‌شود حتی کسانی که نسبت به بیگانگان و حرکت‌های سوء آنان اظهار تردید و دودلی کرده‌اند نیز به خیل عظیم مسلمانان پیوندند.

چهار - مشورت و مبادله فرهنگی

از دیگر نقاط مشترک انقلاب اسلامی با حج ابراهیمی، مسئله مشورت است. در اسلام، شور و مشورت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در قرآن، ضمن نامیده شدن یک سوره به «شوری»، در سه آیه به شورا پرداخته شده است. خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که در امور اجتماعی با مردم مشورت کند و می‌فرماید:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾؛ «و در کار با آنان مشورت کن». (آل عمران: ۱۵۹) همچنین در آیه دیگر، یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت کردن می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾؛ «کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست». (شوری: ۳۸)

براین اساس، هر حکومتی برای پیشبرد مقاصد خود در کنار قوای دیگر، قوه مقننه را، که وظیفه قانون‌گذاری براساس مشورت دارد، در نظر می‌گیرد. علاوه بر آن، در هیئت وزیران، بسیاری از لوایح و قوانین بررسی می‌شود. در سطح ملل اسلامی و به تعبیردیگر، امت واحد اسلامی نیز باید مشورت به‌شکل مدرن و پویا صورت گیرد. اما برای تحقق این امر زمانی مناسب‌تر از موسم حج، و محلی نیکوتر از محل اجتماع بزرگ حج دیده نمی‌شود. اقوام و ملل مختلف می‌توانند از این فرصت استثنایی استفاده کنند، تجارب سودمند خود را در اختیار مسلمانان گذاشته، نقاط ضعف و قوت را با نظر کارشناسی مطرح کنند. امام راحل علیه السلام در این باره می‌فرماید:

.. حجاج محترم جهان را دور هم گرد آورده و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند و راه‌های اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید.^۱

پنج - اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ابعاد اجتماعی حج و انقلاب اسلامی، انجام مسئولیت همگانی و نظارت عمومی و ملی بر امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر، به مسائل فردی، فرعی و جزئی اختصاص ندارد و از تأکید اسلام بر این فریضه و سرزنش شدید ترک‌کننده آن، معلوم می‌شود که نظر اسلام، تنها به اصلاح فرد نیست؛ بلکه اصلاح اجتماع را در سرلوحه برنامه های خود دارد. قرآن مجید امتی را می‌ستاید که به این وظیفه خطیر عمل می‌کنند:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

حج ابراهیمی، حجاجی است که زمینه تحقق این فریضه الهی را فراهم کند؛ زیرا حج گزار، هم باید نسبت به واجبات و محرمات حج احساس مسئولیت کند و هم نسبت به حاجی های دیگر. بنابراین رعایت حدود و عمل به واجبات حج و ترک محرمات آن، از نشانه‌های امر به معروف و نهی از منکر است. لذا در حج، عده‌ای برای راهنمایی حج گزار در مسائل شرعی به حاجیان کمک می‌کنند. امام علیه السلام در پیام‌های خود به این نکته اشاره کرده‌اند:

به دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملت‌ها بیانیه‌های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی، بین جامعه مسلمین، توزیع نمایند و نیز در کشورهای خود، پس از مراجعت نشر دهند و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب‌العین خود قرار داده، اختلافات [را] کنار گذاشته، برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.^۱

شش - وحدت اسلامی

یکی دیگر از اشتراکات انقلاب اسلامی با حج ابراهیمی، مسئله وحدت اسلامی است. هدف از طرح موضوع «وحدت اسلامی میان ملت‌های مسلمان» این نبود که شیعیان از اعتقادات خود دست بردارند یا سنی‌ها به تشیع متمایل شوند؛ بلکه با توجه به مشترکاتی که میان همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی وجود دارد، می‌توان همه مسلمانان

را در صف واحد در برابر دشمنان قسم خوردهٔ اسلام قرار داد. اختلاف در بعضی از مسائل اعتقادی و احکام شرعی که نتیجه اجتهاد و تحقیقات علمی است، نباید باعث جدایی و دوری ملت‌های مسلمان شود. متفکران مذاهب که در صحنه بحث و استدلال، برای تحقق حق، به اقامهٔ دلیل می‌پردازند، باید در عرصه زندگی اجتماعی نیز با توجه به مصالح امت اسلامی، تدابیر ویژه اتخاذ کنند. با این رویکرد، می‌توان نتیجه گرفت که هدف از طرح وحدت اسلامی، عزت و سربلندی اسلام و امت اسلامی است. این طرح می‌کوشد تفکر اسلام ناب محمدی ﷺ را چونان فرهنگ، در پیش و برداشت مسلمانان، در جهت اقتدار امت اسلامی قرار دهد.

۴. راهکارهای شکل‌گیری وحدت اسلامی در منطقه بیداری اسلامی

بدیهی است ترسیم راهکارهای مناسب برای به‌وجود آمدن وحدت اسلامی میان مسلمانان، باید دغدغه اصلی همه دلسوزان اسلام و مسلمین باشد.

الف) بازگشت به قرآن

وحدت اسلامی، نیازمند محوری است که مسلمانان بتوانند با چنگ زدن به آن، گرد هم آیند و براساس آن، به اهداف مشترک و منافع دنیوی و اخروی خود بیندیشند. به باور مسلمانان جهان، اصلی‌ترین، ریشه‌دارترین و استوارترین محور وحدت و برادری، قرآن کریم است که وثاقت، اعتبار الهی‌بودن و نجات‌بخشی آن مورد قبول همه مسلمانان و مذاهب اسلامی است. از نگاه قرآن، انسان‌ها در آفرینش از یک گوهرند؛ لیکن به‌سبب امتحان بشر و ظهور استعدادها و ظرفیت‌های او و نیز دنیاطلبی، فرقه‌گرایی و تفرقه‌افکنی‌های دشمنان، این وحدت فروپاشیده است که برای تحقق دوباره آن و شکل‌گیری امت واحد قرآنی، این کتاب الهی مؤلفه‌های اخوت، مودت، الفت و رحمت مسلمانان نسبت به یکدیگر، و مانند آن را پیشنهاد می‌کند. وقتی همه

بدانند خالقشان یکی است و همه از یک اصل و یک پدر و مادر به وجود آمده اند، اخوت و وحدت در میان آنها برقرار می شود و به حکم آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ می کوشند آنچه را برای خود دوست دارند، برای برادر دینی شان هم دوست بدارند. باری قرآن از بنیان ها و عواملی سخن به میان می آورد که می تواند مهم ترین نقش را در شکل گیری انسجام اسلامی ایفا کند. بعضی از این عوامل عبارت اند از:

یک- توحید

قرآن کریم، خداوند را کمال نهایی هستی معرفی کرده است. این محور بزرگ هستی سبب شده است که همه مؤمنان، متحد و هم نوا شوند، به طرف او روی آورند و برای رضای او حرکت کنند. ایمان به مبدأ واحد، از مهم ترین عوامل شکل گیری وفاق عمومی و همگانی است.

یکتاپرستی، تمام موحدان را متحد می کند؛ به طوری که همه افراد، از آن رو که گردن به بندگی نهاده اند، در جمیع حقوق و تعهدات باهم برابرند و جز در برابر خداوند تسلیم نیستند و معتقدند که او حاکم علی الاطلاق است و همگان را به هم پیوند می دهد. قرآن می فرماید: ﴿مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۵۶)

دو- عمل صالح

عمل صالح، همان رفتار در مسیر الهی است. این حالت، فارغ از هرگونه ویژگی های فردی، قومی و نژادی مطرح شده است؛ زیرا ریشه آن به صورت عمومی در ذات و فطرت آدمی است و در همه انسان ها وجود دارد. قرآن کریم بر عمل صالح تأکید فراوان کرده، می فرماید: ﴿وَالْعَصْرُ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَنِفٍ حُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر: ۱-۳)

اگر وجه مشترکی چون «عمل صالح» مورد توجه افراد باشد، سبب پیوند بیشتر آنها می شود و این مهم، آنگاه به اوج می رسد که آن وجه مشترک، در اعماق وجود انسان ها ریشه کرده و در سویدای قلوب آنها جای داشته باشد. آثار اعمال نیکی چون تعاون، دستگیری و ایثارگری، همه مسلمانان را دربرمی گیرد. این نگاه قرآنی، سبب وحدت قلوب و نزدیکی دل ها می شود. شکوه این اعمال صالح را می توان در موسم حج دید.

ب) تاسی به سیره نبوی

هنگامی که آن پیامبر رحمت و منادی وحدت، آوای توحید را به گوش جان مسلمانان صدر اسلام رساند، عصیتهای جاهلی، فخرفروشی ها، قوم گرایی ها و افتخار به عشیره و نام و نسب، به کناری رفتند و نور عبودیت و وحدت، جامعه اسلامی را فراگرفت. این وحدت دینی، سلمان فارسی و بلال حبشی را برادر کرد و در ردیف نزدیک ترین یاران پیامبر ﷺ قرار داد و بسیاری از دشمنی های ریشه دار صدر اسلام، در سایه این همفکری و هماهنگی برطرف شد؛ چنان که آن حضرت توانست دل های مسلمانان را فارغ از نژاد، زبان، رنگ و... به خود جذب کند. از بهترین ابتکارها و استراتژی های مهم آن حضرت در به کارگیری وحدت، برقراری اخوت میان مسلمانان و قبایل گوناگون بود. پیام این پیمان اخوت و برادری، آن بود که در امت مسلمان صدر اسلام، حساسیت خاص و مشترکی پیدا شود و آثار اختلافات داخلی در آن ضعیف و کم رنگ گردد. این کار بزرگ پیامبر ﷺ باعث شد بسیاری از مفاسد برگرفته از هواهای نفسانی از بین برود و اتحاد انسانی جای گزین اختلافات حیوانی گردد.

ج) پیروی از سیره معصومین علیهم السلام

امامان شیعی که از اصل و شجره نبوت و وارثان به حق پیامبر ﷺ می باشند، برای حفظ اسلام و جلوگیری از نفوذ دشمنان، پیوسته دعوت به همبستگی کرده اند. آنان در

رفتار خود با مخالفان، چنان بودند که در بعضی اوقات، با اعتراض بعضی اصحاب روبه رو می شدند. کلام آن بزگواران مانند رفتارشان دل های مؤمنان را به یکدیگر نزدیک می کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبِي وَأُمِّ وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهْرَ لَهُ الْآخِرُونَ^۱

همانا مؤمنان، برادر یکدیگرند و فرزندان یک پدر و مادر می باشند و اگر رگی از یکی بجنبد [و ناراحت باشد] دیگران به خاطر او شب را نمی خوابند.

در کنگره عظیم و جهانی حج می توان با تأسی به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، زیباترین صحنه های همراهی، همدلی و وحدت را به رخ جهانیان کشاند. این وحدت می تواند در اوضاع سیاسی جهان و سرکوب کردن نقشه های شوم بیگانگان اثرگذار باشد. کسانی که در ایام حج در سرزمین حجاز بوده اند، می دانند که چقدر این حرکت الهی آموزنده، و باعث افزایش وحدت و اتحاد عمومی بوده است.

باری، اوضاع امروز مسلمین در جهان، بسیار حساس و پیچیده است. همه طرفنها و نقشه ها برای چپاول و غارت ثروت های مسلمین و استثمار آنها به کار گرفته شده، حتی بعضی از سران عرب به نوعی با بیگانگان همراه شده اند. امروز، مردم مسلمان غزه به جرم دفاع از سرزمین و حیثیت خود، چندین هزار شهید و مجروح داده اند، در حالی که بعضی از سران عرب، در این کشتار بی رحمانه، به نوعی با غاصبان صهیونیستی همراه هستند. اینها همه از نقشه های شوم اربابان استعمار، برای شکستن صفوف مسلمین و امت های مسلمان است.

د) تدوین منشور وحدت اسلامی

مقام معظم رهبری، در روزهای آغازین سال ۸۶، طرح ابتکاری تدوین منشور وحدت اسلامی را پیشنهاد دادند. این طرح می تواند بسیاری از گره های موجود در

روابط میان مسلمانان را بگشاید. ایشان فرمودند:

علاج اصلی، داروی اصلی برای امروزِ دنیای اسلام، داروی «اتحاد» است؛ باید باهم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج فهم متعصبِ وابسته به این، یا فلان، یا آن فرقه اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه منشور، جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد. می‌بینید دشمنی دشمنان را! می‌بینید تلاش آنها را برای نابود کردن هویت اسلامی و ایجاد اختلاف بین امت اسلامی! بنشینید علاج کنید؛ اصول را بر فروع ترجیح بدهید.^۱

تدوین منشور وحدت اسلامی، با توجه به وضعیت عمومی داخلی و منطقه‌ای، می‌تواند مبنایی مناسب برای اتخاذ استراتژی ایران در مقابل کشورهای اسلامی باشد. ظرفیت مناسب قانون اسلامی ما، نیاز روزافزون جهان اسلام به عنصر اتحاد، جایگاه ویژه و رو به رشد نظام جمهوری اسلامی در سطح منطقه و جهان اسلام و حصول فهم نسبی مشترک میان طیف قابل توجهی از نخبگان اسلامی درباره وحدت و...، مجموعه‌ای از فرصت‌ها را پیش روی مسلمانان و جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. در چنین وضعیتی، عاقلانه‌ترین کار برای تمام مذاهب، تدوین منشوری از باید‌ها و نیاید‌ها، براساس تحلیل واقع‌بینانه، از هست و نیست‌های موجود است.

ه) طراحی ساختارها و نهادهای بین‌المللی اسلامی

استفادهٔ بهینه از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سازمان‌های کنفرانس اسلامی و نهادهای وابسته و نیز تقویت و توسعه آن و همچنین تأسیس نهادهای بین‌المللی جدید برای

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام، ۸۶/۱/۱۷.

پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جهان اسلام، می‌تواند مفید و ضروری تلقی شود. از جمله این نهادها عبارت‌اند از:

یک- تأسیس دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه

چنین مؤسسه‌ای می‌تواند زیر نظر سازمان کنفرانس اسلامی، با کوشش فقها، متکلمان، فلاسفه و علمای اسلامی، مواضع فرق اسلامی را به یکدیگر نزدیک کند و مجموعه‌ای متقن از دیدگاه‌ها و آرای مستند و موثق آنان را در اختیار مسلمانان قرار دهد.

دو- تأسیس حوزه‌های علمیه مشترک

برای تدوین و تدریس فقه مقارن و تربیت فقها و برای ترویج و تبیین فقه قابل قبول اسلامی برای همه فرق و مذاهب، ایجاد وحدت رویه میان فقهای بزرگ اسلامی، برای ارائه پاسخی متقن و مورد وفاق در مسائل مستحدثه، مشاکل و معضلات پیش روی جهان اسلام، فهم و نقد نظام‌های حقوقی رایج بین‌المللی، شور در فتوا و زمینه‌سازی برای تضارب آرای فقهی و در نهایت، تأسیس دارالافتای اسلامی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تنش‌های نظری و عملی میان مسلمانان ایفا کند.

سه- تأسیس مؤسسات فرهنگی مشترک

ایجاد مؤسسات اطلاع‌رسانی مشترک و بین‌المللی - اسلامی، خبرگزاری، مؤسسات پژوهشی و آموزشی و تدوین دائرةالمعارف‌های مشترک، سرمایه‌گذاری برای تولید محصولات و بنگاه‌های فرهنگی مشترک مانند بنیاد سینمایی، تولید فیلم‌ها و سریال‌های مطلوب برای همه فرق، تألیف رمان‌های دینی، فلسفی، تاریخی و مانند آن، از جمله اقدامات مفید دیگری است که می‌تواند زمینه‌ساز وحدت مسلمین گردد.^۱

امروز دنیا شاهد پیشرفت سریع مراکز ترویج افکار ضداسلامی است. چقدر خوب است مسلمانان نیز برای کم‌رنگ‌شدن توطئه‌های بیگانگان، اقدام به ایجاد مؤسسات اسلامی کنند. بی شک موسم حج، بهترین زمان برای ترویج، تبلیغ و تبیین این نوع مؤسسات اسلامی است.

۵. اثرگذاری انقلاب اسلامی بر مسلمانان از طریق حج

همان‌طور که اشاره شد، یکی از ابزارهای مهم بیداری اسلامی و مؤثرترین آنها بهره‌گیری از کنگره عظیم حج ابراهیمی است که هرساله با حضور جمعیت میلیونی مسلمانان از سراسر جهان برگزار می‌شود. به تعبیر حضرت امیر علیه السلام خداوند این خانه را پرچمی برای اسلام قرار داده است: «جعلہ سبحانہ و تعالی للاسلام علما و للعائذین حرما»؛ «خداوند متعال این خانه را پرچمی (یا علامتی) برای اسلام قرار داده و حرم امنی برای پناه‌جویان»^۱.

به‌راستی خانه کعبه، پرچم بزرگ اسلام می‌باشد که همواره وحدت‌بخش مسلمین است و روح استقلال‌طلبی، عزت‌خواهی و دفاع از حقانیت را در وجود آنان زنده می‌کند. موسم حج، فرصتی است برای تبادل اطلاعات و به‌نمایش گذاشتن عزت و استقلال جمهوری اسلامی ایران. همچنین بستر مناسبی است برای استفاده از تجربیات سایر کشورها در پیشبرد امواج بیداری اسلامی. از این‌روست که دولت عربستان، می‌کوشد حجاج کشورهای مختلف با زائران ایرانی ارتباط برقرار نکنند. اما در عمل، موفقیت‌چندانی به دست نیآورده است. علل موفقیت انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی از طریق حج را می‌توان در عوامل ذیل دانست:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

الف) بازسازی نیروی عظیم مردمی حج از طریق انقلاب اسلامی

این کنگره عظیم الهی که هر سال در کنار خانه خدا تشکیل می‌شود، بهترین فرصت را به مسلمانان برای بازسازی نیروهای خویش و تقویت پیوند برادری و ختشی کردن توطئه‌های دشمنان و باطل کردن نقشه‌های شیطانی آنها می‌دهد. مجموعه این چنین فراگیر و همگانی، با انگیزه‌های بسیار والای معنوی، در دنیا بی‌نظیر است. افسوس که مسلمانان هنوز قدرت عظیم حج را دریافته‌اند. «گلاستون»، نخست‌وزیر سیاست‌مدار انگلستان، در گفتار معروفی در مجلس عوام آن کشور گفت: «مادام که نام محمد در مأذنه‌ها [صبح و شام] به عظمت یاد می‌شود و قرآن برنامه زندگی مسلمانان است و حج [هرسال با شکوه تمام] برگزار می‌گردد، جهان مسیحیت در خطر بزرگی است و ما از اصلاح جهان (البته اصلاح ازدیدگاه خودشان مساوی با استعمار است) عاجز خواهیم بود؛ یا یکی از رجال مسیحیت و غرب می‌گوید، وای بر مسلمانان اگر معنای حج را نفهمند و وای بر دیگران اگر مسلمانان معنای حج را بفهمند.^۱

ب) یادآوری اعلام انزجار و نفرت از استبکار در حج توسط انقلاب اسلامی

مراسم اعلام انزجار و نفرت و برائت از کفار و مشرکان که هر ساله با الهام از قرآن مجید و رهنمودهای مقام معظم رهبری (دام‌ظله) برگزار می‌شود، لبیک به ندای رهبر کبیر انقلاب و در راستای این هدف مقدس است.

این فریادها و اعلام برائت‌ها به حج، ارزش و روح، و به مسلمانان حماسه‌آفرینی و شجاعت می‌دهد و در دل دشمنان، رعب و وحشت می‌اندازد. بیداری اسلامی و انقلاب‌های کنونی ملت‌های مسلمان منطقه نیز ریشه در این حماسه و شور و شعور دارد. پیام‌های امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) به کنگره عظیم حج که

۱. ر.ک: پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ ش.

هرسال در مراسم پرشور و کوبنده براثت از مشرکین، در صبح روز عرفه، به دو زبان فارسی و عربی خوانده و به زبان های زنده دنیا چاپ و توزیع می شود، از مؤثرترین عوامل صدور انقلاب اسلامی و بیداری ملت های مسلمان منطقه است.

ج) نمایش الگوی جدید انقلاب اسلامی در حج

هرسال، حضور بیش از دو میلیون زائر، از بیش از ۱۸۰ کشور جهان برای به جا آوردن اعمال حج، علاوه بر اینکه این تجمع عبادی را به بزرگ ترین نماد وحدت و همدلی امت اسلامی تبدیل کرده، زمینه بهره برداری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را نیز از این مراسم عبادی فراهم کرده است؛ به طوری که حضور خیل عظیمی از انسان های فرهیخته و اثرگذار در مراسم حج، آن را به میدانی برای تبلیغات فرهنگی، سیاسی، و دیپلماسی عمومی تبدیل کرده و تمام کشورهای جهان می کوشند از تمام ظرفیت ها و امکاناتشان برای پیشبرد و دستیابی به اهداف و منافع ملی خود در موسم حج استفاده کنند.

در پی موفقیت های انقلاب اسلامی ایران در طول سه دهه حیات پربرکت خود، امروز شاهد برگ جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی هستیم که به عنوان الگوی انقلاب های دیگر کشورهای اسلامی مطرح است.

د) تأثیر مثبت انقلاب اسلامی در وحدت علمای دین در حج

یکی از عوامل مؤثر در بیداری اسلامی، روحانیان و رجال دین شناس هستند. رهبری در این باره می فرماید:

روحانیان و رجال دین شناس هر جاکه در هنگامه تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیش رو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات، حرکت کرده اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره آنان در نشان دادن راه به مردم، اثر گذارتر بوده است. عالمان دین باید با هوشیاری و شناخت

شیوه‌ها و ترندهای فریبده دشمن، راه نفوذ را به کلی ببندند و فریب دشمن را ناکام کنند. امروز در دوران حرکت‌های امیدبخش بیداری اسلامی، صحنه‌هایی دیده می‌شود که نمایشگر تلاش عملة امریکا و صهیونیسم برای تراشیدن مرجعیت‌های فکری نامطمئن است.^۱

خلاصه و نتیجه

حج، سفری معنوی است که بندگان خداجوی، به عشق و شوق لقای حق و به منظور پیروی از دستورات الهی و پالایش روح، به آن همت می‌گمارند. دیار وحی، بهترین میعادگاه ملل مسلمان است که در آن، مسلمانان با یکدیگر آشنا می‌شوند و ضمن بررسی مشکلات، در صدد رفع آنها برمی‌آیند. نقش حج در بیداری اسلامی کلیدی است. با توجه به اینکه هر سال میلیون‌ها نفر از کشورهای اسلامی برای اعمال حج وارد سرزمین وحی می‌شوند، با برنامه‌ریزی و مدیریت در امر حج، می‌توان مبانی انقلاب اسلامی را در منطقه بیداری اسلامی از طریق کارکردهای مثبت حج که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد، گسترش داد.

۱. داشتن دشمن مشترک؛
۲. رایزنی، مشورت و مبادله فرهنگی؛
۳. اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر؛
۴. تحکیم وحدت بین مسلمانان؛
۵. برائت از مشرکان و ظلم‌ستیزی.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی.

منابع

۱. انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، چاپ اول، قم، نشر معارف، ۱۳۸۱.
۲. ایران در حکومت روحانیون، دیلیپ هیرو، ترجمه محمدجواد یعقوبی دارابی، چاپ اول، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۶.
۳. انسان‌شناسی درقرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
۴. اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، انتشارات علمیه اسلامی، ج ۳، بی‌تا.
۵. گلستان، سعدی، باب ۲.
۶. پیام امام (شرح نهج البلاغه)، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
۷. «تأثیر هسته‌ای شدن ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه»، محمدرضا احمدی، فصلنامه پیام، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ش ۸۹.
۸. صحیفه امام، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۷۹ ه. ش.
۹. صحیفه نور، امام خمینی، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱۳، ۱۳۶۱ ه. ش.
۱۰. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ج ۱، دارالحديث، ۱۳۸۳ ش.
۱۱. الوافی، ملاحسین فیض کاشانی، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان، ج ۱۲، ۱۴۰۶ ه. ق.

بخش دوم

واکاوی تأثیرات حج بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران

ظرفیت حج در مقابل چالش‌های تأسیسی و بقای انقلاب و جمهوری اسلامی

مسعود معینی پور

طاهره بیژنی

چکیده

حج از مهم‌ترین مناسک اجتماعی برآمده از سنت ابراهیمی است و حتی قبل از بعثت نبی مکرم اسلام، برکات فردی و اجتماعی آن جاری بوده است. اما اسلام، این فریضه را تقویت می‌کند و بیشترین بهره‌گیری از ظرفیت‌های فردی و اجتماعی آن را در دستور کار مسلمین قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران، به‌مثابه یک رخداد عظیم اجتماعی، بیشترین بهره را در تأسیس خود از این پدیده عظیم اسلامی و انسانی گرفته و تعالیم آن در جای جای انقلاب اثرگذار بوده است. ظرفیت‌ها و تعالیم حج، کارکردهای فراوانی را در ابعاد مختلف اعتقادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تربیتی انسان مسلمان و چه‌بسا آزاده معاصر دارد، و بدون شک، بقای انقلاب اسلامی ایران نیز از این کنگره عظیم و ظرفیت‌های آن بی‌نیاز نیست. بنابراین ضرورت دارد به شناسایی ظرفیت‌های کنگره حج، برای مقابله با چالش‌های بقای انقلاب اسلامی همت گماشت.

این نوشتار در پی بیان برخی چالش‌های پیش روی تأسیس و بقای انقلاب اسلامی

ایران و سپس بررسی ظرفیت‌های کنگره حج، برای مقابله با این چالش‌هاست. **کلیدواژگان:** چالش‌های تأسیس انقلاب اسلامی، چالش‌های بقای انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های حج ابراهیمی.

مقدمه

یکی از عناصر مهم که در پیروزی انقلاب اسلامی کمتر بدان توجه شده، مناسک عبادی سیاسی اسلام و از آن میان حج است. دشمنان انقلاب از اولین روزهای پیروزی مردم ایران، همواره با بهره‌گیری از امکانات و تجهیزات گوناگون به مبارزه با نظام جمهوری اسلامی برخاسته‌اند. اما این انقلاب همیشه در پرتو فیوضات الهی و پایمردی بر اصول و ارزش‌ها با موفقیت از بحران‌ها و چالش‌های پیش رو عبور کرده است.

یکی از تعالیم دینی که در این عرصه برای انقلاب اسلامی فرصت‌های خوبی را فراهم کرده، فریضه و کنگره عظیم حج است. حج فقط عبادتی فردی و مناسکی فقهی نیست، بلکه در سطوح ملی و بین‌المللی، کارکردهای سیاسی اجتماعی نیز دارد. لذا امام خمینی علیه السلام، بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، در پیامی به حجاج بیت‌الحرام می‌فرماید:

حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند. ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرورفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن، تا ابد سیراب خواهند گشت.^۱

خداوند نیز در قرآن در مورد این کارکرد حج برای حفظ کیان جامعه اسلامی و مبارزه با تهدیدها می‌فرماید: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾؛ «خداوند، کعبه،

این خانه محترم را وسیله قوام و پایداری مردم قرار داد». (مانده: ۹۷)

بنابراین حج از شعایر بزرگ دین، معادل شریعت و مدل و نمونه کوچکی از کل اسلام است؛ به گونه‌ای که همه انبیا، از آدم تا خاتم بدان اهتمام ورزیده‌اند و آن را در رأس برنامه‌های خویش جای داده‌اند. حج، مراسم عبادی بی‌روح و خشک نیست، بلکه در تمام ابعاد زندگی و مسائل سیاسی و اجتماعی تأثیر دارد. از همین روست که در اسلام، مذهب و سیاست از هم جدا نبوده و در تعامل و تقارن با یکدیگر است. بنابراین شناخت چالش‌ها، ضروری‌ترین و ابتدایی‌ترین گام در جلوگیری از گسترش چالش‌ها، و عقلانی‌ترین گزینه در افزایش ضریب هوشیاری و حساسیت مردم و مسئولان نسبت به نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان است. افزون بر این، باید توجه داشته باشیم که حفظ پیروزی از به دست آوردن آن سخت‌تر است؛ چون انقلاب اسلامی ثمره مصائب و سختی‌های طولانی دوران مبارزه و حاصل خون شهیدان بسیاری است که باید با تمام وجود در حفظ و حراست آن کوشید. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

بدانید که حفظ یک پیروزی مشکل‌تر است از پیروزی به دست آوردن؛ کشورگشایی از حفظ کشور آسان‌تر است. الآن ما در مشکل حفظ نظام جمهوری اسلامی هستیم! یعنی آن مرحله اول که پیروزی ابتدایی بود، گذشت و پیروز شدید بحمدالله؛ لکن بقای این پیروزی و بقای این دستاوردهایی که شما به دستتان آمد امروز، مشکل‌تر از خود آن پیروزی است که به دستتان آمده. نگهداری‌اش مشکل‌تر است.^۱

اگر ما بتوانیم چالش‌ها و نقاط ضعف خویش را شناسایی کنیم و آنها را مرتفع سازیم، به جرئت می‌توان گفت که انقلاب اسلامی و تداوم جمهوری اسلامی بیمه شده است. پیش‌تر صاحب‌نظران و اندیشمندان، در کتب و مقالات مختلفی آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار داده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی»، محمدرضا باقر زاده، مجله معرفت، شماره ۶۸، ۱۳۸۹. نگارنده در این مقاله با تقسیم‌بندی آسیب‌های انقلاب به دو بخش آسیب‌های درونی و بیرونی، به تبیین آسیب‌هایی از قبیل تحریف ارزش‌ها، تجدد و افراط‌گرایی، سکولاریسم، جدایی حوزه و دانشگاه، دنیاطلبی و تفرقه، و در بخش آسیب‌های خارجی، به توطئه و براندازی، فشارهای بین‌المللی، تضعیف مبنا و ریشه‌های انقلاب، تهاجم فرهنگی، تبلیغ ملی‌گرایی در برابر اسلام‌خواهی و... اشاره می‌کند.
۲. «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و تئوری ترمیدوری بریتون»، مرتضی شیرودی، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۹، ۱۳۸۸. در این مقاله، مهم‌ترین مباحث عبارت‌اند از: آسیب‌شناسی ابعاد دینی انقلاب، تهاجم و استحاله فرهنگی و ارزشی، شورش‌های لمپنیستی، چالش‌های اجتماعی فرارو، الگوهای اقتصادی توسعه برون‌زا و غیردینی و... که براساس نظریه حرکت دوری انقلاب‌ها از کرین بریتون در کالبدشکافی چهار انقلاب ترسیم شده است.
۳. «درآمدی بر آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی»، اسماعیل نساجی زواره، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۲۶، بهمن ۱۳۸۷. نگارنده سعی دارد که در این نوشتار با رویکرد سیاسی، به بیان مهم‌ترین عوامل و متغیرهایی بپردازد که این انقلاب را از درون و برون تهدید می‌کند. لذا رخنه دشمن در نسل جوان، رخنه در عموم مردم، فرار مغزها، نفوذ فرصت‌طلبان، تحریف ریشه‌های انقلاب و ضعف مدیریت مدیران و... از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در این مقاله می‌باشد.
۴. «آسیب‌شناسی اجمالی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، سیروس حاجی‌زاده، مجله ۱۵، شماره ۲، خرداد، ۱۳۸۶.

سؤال از چرایی پیدایش انقلاب اسلامی و چیستی آن و آسیب‌شناسی‌اش، سه مسئله به‌هم پیوسته است که براساس آن، به سه پرسش ذیل پاسخ داده می‌شود:

۱. ازدیدگاه امام خمینی علیه‌السلام چرا مردم با رژیم شاهنشاهی مخالفت ورزیدند و انقلاب کردند؟
۲. ماهیت انقلاب ایران و به‌عبارت روشن‌تر، اصول اساسی نظام اسلامی کدام‌اند؟
۳. چه عواملی این انقلاب را تهدید می‌کند؟ آسیب‌های نظام اسلامی مبتنی بر انقلاب ۱۳۵۷، ازدیدگاه بنیانگذار این نظام کدام‌اند؟

در مقاله پیش رو، با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی، تلاش می‌شود چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی بررسی، و در مقابل، به ظرفیت‌شناسی و کارکردهای حج در رویارویی با این چالش‌ها و کمک در رفع آنها پرداخته شود. بنابراین، مهم‌ترین سؤال عبارت است از اینکه: چگونه می‌توان از حج و مبانی و مؤلفه‌های آن، در حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران و مقابله با چالش‌ها بهره‌مند شد؟ ازاین‌رو در ابتدا با بیان فواید و منافع حج و همچنین بررسی دقیق ظرفیت‌های مشترک حج و انقلاب اسلامی، سپس با تقسیم‌بندی چالش‌های انقلاب به دو بخش چالش‌های تأسیسی و چالش‌های ابقایی، به ظرفیت‌شناسی حج برای مقابله با این چالش‌ها و حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت.

پیش از ورود به ساختار اصلی مقاله، سخن‌گفتن از مفهوم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ضروری است.

انقلاب اسلامی در این مقاله، به‌مثابه گفتمانی در نظر گرفته شده که نظام مقدس جمهوری اسلامی، نظام سیاسی و اجتماعی برآمده از این گفتمان است و مادام که این نظام جمهوری، ذیل مبانی انقلاب اسلامی حرکت کند، می‌تواند نظام مطلوب برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد.

انقلاب اسلامی، صرفاً یک انقلاب اجتماعی - سیاسی برای از بین بردن ساختار های غیرمطلوب سیاسی - اجتماعی نیست؛ بلکه انقلابی برآمده از مبانی عمیق اسلام ناب است و اولین تحول و انقلاب را درون انسان رقم می‌زند و او را به سوی غایت قصوای الهی و سیر به سوی طایر قدس رهنمون می‌کند.

انقلاب اسلامی با این بیان، دیگر منحصر در ایران و در این زمان نیست و هر جامعه‌ای که به دنبال چنین تحولی باشد و مبنای خود را اسلام ناب قرار دهد، می‌تواند انقلاب اسلامی را در اقلیم و جامعه خود پدید بیاورد.

انقلاب اسلامی در این مقیاس از جامعه نبوی آغاز شده است و به جامعه مهدوی خاتمه می‌یابد. حال در این زمان و مکان، انقلاب اسلامی در مقیاسی پایین تر از این مبدأ و مقصد، در اقلیم جغرافیایی ایران، به وسیله مردی از تبار پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رخ نموده و نظام سیاسی - اجتماعی منتخب برای اداره امور نیز جمهوری اسلامی انتخاب شده است، و این معنا، همان معنایی است که ما در این مقاله از انقلاب اسلامی اراده کرده ایم. اما زمانی که از جمهوری اسلامی ایران سخن به میان می‌آید، مقصود جمهوری اسلامی، ذیل مبانی انقلاب اسلامی و مقید به تعالیم و اهداف و چشم‌اندازهای آن است.

۱. فلسفه حج و بیان فواید و منافع آن

حج از مهم‌ترین فرایض اسلامی است که هر سال طی مراسمی خاص در مکه صورت می‌پذیرد. خداوند در قرآن مجید، یکی از اهداف حج و برگزاری آن را «مشاهده منافی برای مردم» معرفی کرده است:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ *

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾؛ (حج: ۲۷ و ۲۸)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند تا شاهد منافع گوناگون خودش باشند.

از کلمه «منافع» نیز چنین برمی‌آید که شمول بسیار دارد و همه‌گونه سود یا «منفعت» را که قابل تصور باشد و در آن مناسبتی با سرزمین و شرکت‌کنندگان و اهداف دیگر دیده شود، فرامی‌گیرد. مفسران قرآن، این منافع را به دو دسته تقسیم کرده‌اند و می‌گویند که کلمه «منافع»، شاکله منافع مادی و معنوی و منافع مربوط به دنیا و پس از این دنیا است؛ از جمله در صفحه ۳۶۹ از جلد چهاردهم تفسیر المیزان منافع دنیوی را از قبیل سیاست، ولایت (حاکمیت قلمرو اسلام یا حج)، تعاون و همبستگی، رفاه عمومی، تدبیر و توسعه تجارت و رفع دیگر حوایج معرفی شده است، و برخی دیگر، منافع را به حسب شرایط و اوضاع و احوال جوامع اسلامی و نیازهای روز، متغیر می‌دانند.^۱

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «خداوند متعال، حج را پرچم اسلام قرار داد». ^۲ امام صادق علیه السلام نیز این مراسم را رمز بقای دین معرفی کرده است: «لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة..»^۳؛ یعنی تا هنگامی که خانه کعبه پابرجاست، دین خدا جاودانه است.

بنابراین هنگامی که انسان، حج را از زوایای گوناگون بررسی می‌کند، به خوبی پیوندد این فریضه را با مسائل اجتماعی و سیاسی درمی‌یابد. قرآن کریم هدف از تشریح حج را این گونه بیان می‌کند: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكُعبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ﴾؛ «خداوند [زیارت] کعبه بیت‌الحرام را وسیله به پا داشتن [مصالح] مردم قرار داد». (مائده: ۹۷)

مفهوم آیه یادشده این است که قوام و برپایی دنیا و آخرت مردم به حج بستگی دارد. امام خمینی رحمته الله علیه نیز معتقد است:

۱. حج از نگاه حقوق بین‌الملل. سید محمد خامنه‌ای. ۱۳۷۱. صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳. کافی، کلینی، ج ۴، ص ۱۷۱؛ وسائل الشیعه، حرعاملی، تحقیق ربانی شیرازی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۱۴.

خداوند تعالی در این آیه، سرّ و انگیزه حج و غایت قرارداد کعبه و بیت‌الحرام را نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده های مستضعف جهان ذکر می‌فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمانان پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند و با اذعان به اینکه اسلام یک دین عبادی - سیاسی است که در امور سیاسی اش، عبادت منظم است و در امور عبادی اش سیاست. نکته مهم این اجتماعات این است که مسلمین باهم در یک محیط دور از تشریفات، یک محیطی که همه آن جهات شخصیات را ریخته و با یک کفن و یا دو ثوبه مختصر در این مواقف حاضر شوند، و مهم این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال گذشته است، به اطلاع هم برسانند و برای رفع مشکلات مسلمین فکر کنند و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است، درعین‌حالی که عبادت است.^۱

امام رضا (علیه السلام) در این زمینه فرمود: «و ما فی ذلك لجمیع الخلق من المنافع... منفعه من فی المشرق و المغرب و من فی البحر و البر من یحج و من لم یحج»^۲؛ یعنی خیرکات و برکات حج، نه تنها شامل زائران نمی‌شود، بلکه شامل همه مردم می‌شود، چه آنها که در مراسم حج شرکت کرده و چه شرکت ننموده‌اند. پس حج، امری عمومی است و منافع و آثار و فواید آن، اختصاص به گروه خاصی ندارد و همه مردم نسبت به آن یکسان‌اند؛ چنان‌که در قرآن نیز آمده است: ﴿جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ وَ الْبَادِ﴾ (حج: ۲۵)

پیامبر گرامی خدا (صلی الله علیه و آله) حج را معادل شریعت دانسته است و می‌فرماید: «والخامسة الحج و هی الشریعة».^۳ بدین‌سان است که می‌توان گفت، منافع مادی و معنوی حج که از اهمیت و

۱. حج در دیدگاه امام امت، ص ۳۱.

۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۳۲.

۳. وسائل الشیعه ج ۱، ص ۲۶.

جهان‌شمولی برخوردار است، با اعمال فردی به دست نمی‌آید، بلکه باید در قالب یک اجتماع بزرگ و پرتحرک صورت گیرد تا امت اسلامی بتواند مسائل و مشکلات فردی، اجتماعی و سیاسی جهان اسلام را در آن گردهمایی بزرگ، حل و فصل کنند. با توجه به روایات موجود درباره منافع و فواید برگزاری حج، مهم‌ترین آثار آن عبارت‌اند از:

الف) بهره‌مندی همه مسلمانان از منافع حج؛ خواه در آن حضور داشته باشند یا نداشته باشند.

ب) بهره‌گیری زائران سراسر دنیا از تجربه‌های یکدیگر و انتقال آن به کشورهای خود.

ج) بهره‌مندی از سود تجاری و اقتصادی.

د) گسترش احکام و آموزه‌های دینی، شناخت و آشنایی با آثار و اخبار رسول الله ﷺ.

ه) فراهم‌شدن زمینه مشورت برای گشودن گره گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های امت‌های اسلامی.^۱

۲. چالش‌های انقلاب و جمهوری اسلامی و ظرفیت‌های حج برای رفع آنها

انقلاب اسلامی با تمسک به مبانی دینی و مذهبی، به‌ویژه با بهره‌برداری از مناسک حج، ایجاد شده است، و آرمان‌های ناب و مقدس انسانی و الهی، چارچوب و محتوای آن را تشکیل می‌دهد. انقلاب اسلامی که در دوران مبارزه، با نمادین‌کردن تعالیم دینی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، توانسته بود سیل عظیم مردم را در مسیر سرنگونگی رژیم پهلوی به کار گیرد، در دوران پس از پیروزی نیز در ابتدا باید ضمن عملی‌کردن آرمان‌ها و گزاره‌های تعالی بخش اسلام، پایبندی نظام جدید به اهداف انقلاب را نشان دهد و ضمن صیانت از عوامل و متغیرهای هویت‌بخش در دوران پیدایی و تأسیس نهضت، دوران تداوم

انقلاب را نیز با استفاده از همان هویت، به پیش برد^۱، و در تقابل با دشمنان داخلی و خارجی نیز با قدرت روزافزون، به راه خویش ادامه دهد. لذا می‌طلبد با تبیین و بررسی مؤلفه‌های حج به مفصل‌بندی و اجرای آن در گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته شود و چالش‌های پیش روی این نظام و انقلاب بی‌اثر گردد. البته پیش از این برای شناسایی چالش‌های پیش روی انقلاب و جمهوری اسلامی، باید به عوامل و زمینه‌های مختلفی از قبیل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا به صورت کلی‌تر، می‌توان به دو طیف از چالش‌های درونی و بیرونی و شناسایی آنها اقدام کرد. بر همین اساس نیز شهید مطهری می‌نویسد:

آینده انقلاب ما در صورتی تضمین خواهد شد که عدالت و آزادی را حفظ کنیم. استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، استقلال فکری و استقلال مکتبی را محفوظ نگه داریم.^۲

اما در این مقاله، چالش‌ها به دو طیف تأسیسی و ابقایی تقسیم شده‌اند:

الف) چالش‌های تأسیسی انقلاب و جمهوری اسلامی و ظرفیت‌های حج برای رفع آنها

مراد از چالش‌های تأسیسی، همان مسائل و مشکلاتی است که انقلاب اسلامی در دوران پیروزی و تأسیس نظام نوپای جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده است. البته تأکید بیشتر بر چالش‌هایی است که بتوان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حج به پاسخ‌گویی و مقابله با آنها برخاست؛ که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

یک- سلطه استکبار و امپریالیسم جهانی

در ابتدا یکی از مهم‌ترین چالش‌های انقلاب، حضور امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا در ایران بود که تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرش سقوط حکومت پهلوی و

۱. «بازشناسی هویت انقلاب اسلامی»، محمد صادق کوشکی، ۱۳۸۷، ص ۵۶.

۲. پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مطهری، ص ۴۳.

از دست دادن حکومتی دست‌نشانده در ایران نبود، و تلاش‌های بسیاری نیز در حمایت از حکومت پهلوی و ارائه چهره‌ای مقتدر و دموکراتیک از پهلویسم داشتند. اما امام خمینی علیه السلام با استکبارستیزی و مبارزه با کفار، به مقابله با شاه و حامیانش پرداخت و توانست به پیروزی نائل شود؛ چنان که در ظرفیت‌شناسی حج، هر عبادت، به مثابه تبری از شرک و انزجار از طاغوت است و حج و طواف کعبه که به منزله نماز است یا به همراه آن نماز است (الطواف بالبيت فان فيه صلاة) از همان اصل کلی یعنی تبری از طغیان و انزجار شرک حکایت می‌کند. اما از آنجا که حج عبادت ویژه‌ای است که با سیاست آمیخته، بر اثر فرمان الهی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را مأمور اعلام تبری از مشرکان کرد تا مرز توحید از شرک جدا شود و صفوف منسجم مسلمانان از صفوف کفار ممتاز گردد. از این حیث، همان‌طور که تمام مردم مسلمان در بسیاری از شئون زندگی به سمت کعبه متوجه می‌شوند، از برکت کعبه نیز فرمان توحیدی به اقطار گوناگون عالم منتشر خواهد شد.^۱

امام خمینی علیه السلام در ارتباط با فریاد برائت از مشرکان و مستکبران می‌فرماید:

فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروت‌ها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندانه ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق، قلب آنان را دریده است. فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملت‌ها و کشورهای دیگری است که ابرقدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل، به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمین‌های آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند.^۲

۱. جرعه‌ای از بیکران زمزم، عبدالله جوادی آملی، ۱۳۷۱، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲. جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، علی داستانی بیرکی، ص ۱۳۴.

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز می‌فرماید:

امروز استکبار جهانی با پرچم‌داری آمریکا و با طراحی صهیونیسم، به مبارزه‌ای آشکار با اسلام و مسلمین سرگرم‌اند. این البته دنباله خصومت‌های دیرین دشمنان اسلام است؛ لیکن با شیوه‌های تازه و انگیزه‌های تازه و ابزارهای تازه و امت اسلامی از چنین کانون مقاومت و نیرو و وحدتی برخوردار است. آیا سزاوار است که مسلمین از حج برای مقابله با دشمن ستیزه‌جو و تفرقه‌ساز و توطئه‌گر بهره‌نگیرند و خود را بی‌دفاع در برابر دشمن قرار دهند؟ حج درست و کامل، می‌تواند به وسیله نزدیک کردن دل‌ها و تبادل آگاهی‌ها و افشای توطئه‌ها، خطرناک‌ترین توطئه‌های دشمن علیه اسلام و مسلمین را خنثی کند.^۱

دو- تفرقه بین نیروهای انقلابی با توسل به مکاتب مادی

لیبرالیسم، سوسیالیسم، مارکسیسم، فاشیسم، انارشیسم و ... همه مکاتب نحله‌های فکری و مادی‌گرای غربی هستند که راه‌ها و شیوه‌های مختلفی را برای بشریت و دولت‌ها و جوامع ایجاد کرده‌اند. در ایران نیز به ویژه در دوران مبارزه و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اعم از لیبرالی، سوسیالیستی، مارکسیستی، مذهبی، ملی‌گرا و ... در قالب احزاب و جریان‌های مختلف وجود داشتند و تا زمانی که به هدف مشترک و وحدت نظر نرسیده بودند، در مقابل استبداد داخلی و استکبار جهانی ناموفق بودند و هنگامی که امام خمینی علیه‌السلام مرجعیت و رهبری انقلاب را به دست گرفت و با ایجاد وحدت کلمه، با ظلم و استبداد و استکبار عالم مبارزه را برافروخت، انقلاب پیروز شد. امام خمینی با بهره‌گیری از وحدت نظر و هماهنگی و ایمان به خداوند یکتا که در آموزه‌های حج نهفته است، توانست به این پیروزی و رهبری نائل شود. لذا ایشان تأکید می‌کند:

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، سیدعلی خامنه‌ای، اردیبهشت ۱۳۷۳.

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید! بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غرب زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب زده و شرق زده بتازید و هویت خویش را دریابید که روشنفکران اجیرشده، بلایی بر سر ملت و مملکتشان آورده اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تا کون گذشته است. امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز، روز حرکت ملت‌هاست و آنان هادی هدایت‌کنندگان تا کون‌اند. بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرت‌ها چیره، و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزائن بی‌پایان، می‌تواند تمام قدرت‌ها را در هم شکنند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان! خروش برآورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید که اگر به خدای بزرگ رو آورید و تعلیمات آسمانی را و چه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شماست.^۱

سه - تلاش برای براندازی جمهوری اسلامی

دشمنان با توسل به شیوه‌های مختلف، کوشیده‌اند جمهوری اسلامی را برانداخته و نظام مورد نظر خویش را هژمون کنند که از همان سال‌های ابتدایی تأسیس تا کنون، این تلاش‌ها ادامه داشته است. اما مردم و مسئولان با توکل بر خداوند و بهره‌گیری از آموزه‌هایی که دشمن‌شناسی و مقابله با نقشه‌های دشمنان را می‌آموزد، موفق به خنثی‌سازی نقشه‌های دشمنان شده‌اند.

الف) براندازی آشکار: براندازی آشکار شامل امور ذیل است: اقدامات تخریبی گوناگونی که در خانه جاسوسی آمریکا، پیش از اشغال آن، طراحی و اجرا می‌شد، مداخله نظامی که در طبس ناکام ماند، طرح براندازی در پادگان نوژه، تحمیل هشت سال جنگ با عراق، محاصره اقتصادی، وضع مقررات ویژه بین‌المللی برای تحریم همکاری شرکت‌های خارجی با جمهوری اسلامی ایران و...؛ البته همه این اقدامات به‌خواست خدا با شکست طراحان و مجریان آن، مواجه شد.

ب) براندازی پنهان: با رخنه در میان حوزه‌های علمیه و روحانیان، نفوذ در بین روشنفکران، الگوتراشی برای جوانان و نوجوانان امروز و رواج‌دادن انواع فعالیت‌های فرهنگی مبتذل با به‌کارگیری آخرین دستاوردهای نوین و فناوری‌های پیشرفته، به منظور افزایش جاذبه آنها.^۱

بنابراین الگوبرداری از وحدتی که میان زائران حج که با هدفی واحد و خدایی یکتا به طواف و عبادت می‌پردازند، مهم‌ترین راهنمای دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی در انقلاب اسلامی است. شعار نه شرقی و نه غربی برخاسته از همین مبانی است و مبارزه با دشمنان و استقلال‌طلبی را ترسیم می‌کند؛ چون کنگره عظیم الهی که هر سال در کنار خانه خدا تشکیل می‌شود، بهترین فرصت را به مسلمانان، برای بازسازی نیروهای خویش، تقویت پیوند برادری، خنثی کردن توطئه‌های دشمنان و باطل کردن نقشه‌های شیطانی آنها می‌دهد. مجموعه‌ای چنین فراگیر و همگانی، با انگیزه‌های بسیار والای معنوی در دنیا بی‌نظیر است. از همین رو نخست وزیر انگلستان در گفتار معروفی در مجلس عوام آن کشور گفت:

مادام که نام محمد در مأذنه‌ها (صبح و شام) به عظمت یاد می‌شود و قرآن، برنامه زندگی مسلمانان است و حج [هرسال باشکوه تمام] برگزار می‌گردد، جهان

۱. جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران، سید مصطفی میرسلیم، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱.

مسیحیت در خطر بزرگی است و ما از اصلاح جهان (البته اصلاح از دیدگاه خودشان که مساوی با استعمار است) عاجز خواهیم بود. یکی دیگر از رجال مسیحیت و غرب نیز می‌گوید: «وای بر مسلمانان اگر معنای حج را نفهمند و وای بر دیگران اگر مسلمانان معنای حج را بفهمند».^۱

ب) چالش‌های ابقایی و ظرفیت‌های حج برای رفع آنها

مقصود از چالش‌های ابقایی انقلاب و جمهوری اسلامی، دوران بعد از تأسیس است که در ماندگاری و حفظ تداوم انقلاب و جمهوری اسلامی مؤثر است، و در کنار آن ظرفیت‌های حج، در تقابل با این چالش‌ها نیز تبیین خواهد شد.

یک- جلوگیری از صدور و انتشار انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت‌های استبدادی و پادشاهی کوشیدند از نفوذ انقلاب اسلامی به درون مرزهای خود جلوگیری کنند. لذا یکی از چالش‌های انقلاب اسلامی جلوگیری از فرصت گسترش پیام آن به دیگر مسلمین و آزادگان جهان است که حج، این فرصت را به بهترین شیوه ایجاد می‌کند؛ زیرا هر سال، هزاران نفر از سایر مسلمانان در کنگره عظیم حج حضور می‌یابند و با ملیت‌ها، رنگ‌ها و زبان‌های مختلف، همگی یک شعار سر می‌دهند و یک هدف را دنبال می‌کنند. همه با زبان دل و زبان دین باهم سخن می‌گویند. همچنین از اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی همدیگر نیز مطلع می‌گردند و پیام‌های برادران و خواهران دینی خود را از ملل دیگر، به هم‌وطنانشان می‌رسانند. مسئولان و زائران ایرانی، از این فرصت می‌توانند برای معرفی و انتشار انقلاب اسلامی در میان مسلمانان، بیشترین بهره را ببرند. بدین‌سان می‌توان

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۳؛ نقش کنگره بین‌المللی حج در بیداری اسلامی،

گفت یکی از مهم ترین راه های صدور انقلاب اسلامی ایران و معرفی نظام اسلامی، حضور زائران ایرانی در ایام حج الله و برگزاری مراسم و مناسک حج و برائت از مشرکین است. لذا امام خمینی با اشراف بر توانمندی ها و ظرفیت های سیاسی و اجتماعی حج می فرماید:

و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج، تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی رسد. حج، کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جست و جو کرد.^۱

دو- از بین رفتن معنویت و گرایش دنیاطلبی

یکی از چالش های مهم جمهوری اسلامی و سایر کشورها، فرو رفتن در مادیات و دوری از اخلاق و معنویت است که حج، بهترین منبع در تأمین این نیاز بشری است؛ چنان که در روایات بسیاری معادل تمام دین معرفی شده است. از مهم ترین کارکردهای حج می توان به گسترش تقوا و تقویت دین، کسب پاکی و آمرزش گناهان، توشه آخرت، اوج عبادت و بندگی و کسب معرفت و معنویت، افزایش تعاون و همکاری و ایجاد وحدت و همدلی اشاره کرد. همان گونه که جمهوری اسلامی نیز در بدو تأسیس، برپایه معنویت طلبی پیروز شد و توانست در دورانی که معنویت و مذهب منزوی شده بود، دوباره اسلام و معنویت را زنده سازد.

آنچه در دیدگاه عده بسیاری در باب توسعه سیاسی، مشترک است، این است که سعادت اجتماعی این دنیایی، به معنای بیشترین رضایتمندی و لذت حسی برای افراد بشر است. یعنی هر چیزی که بیشتر غرایز و شهوات انسان را در ابعاد مختلف مادی و معنوی

(قدرت طلبی، جاه طلبی و...) تأمین کند، به توسعه نزدیک تر است. نکته دیگر آنکه در رأس هدف گذاری این الگوها، اعم از اهداف غایی و اهداف میانی (کارآمدی نظام‌ها، تقویت و ثبات نظام سیاسی و...) انسان و عقل فعال او قرار دارد.^۱ لذا نیازی به امور الهی و معنوی باقی نمی‌ماند. اما امام خمینی علیه السلام در پی عقلانی کردن سیاست و حکومت در سه سطح عقلانیت سیاسی، معرفتی و اخلاقی بود تا انسان با توجه به مبدأ و معاد و تأمل در وسایل برای نیل به مقاصد، به سعادت برسد.^۲ در این میان، تمسک به حج و آموزه‌های آن، از مهم ترین این منابع است؛ زیرا حج در بین همه عبادات، جایگاه ویژه‌ای دارد. برای همین نیز وجوب حج در قرآن به صورت عهد و پیمان الهی ذکر شده است.^۳

امام خمینی علیه السلام نیز با نگرش ویژه‌ای به حج می‌فرماید:

حج، کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جست و جو نمود. حج، پیام آور و ایجاد بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج، تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست، و مناسک حج، مناسک زندگی است، و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوند خورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج، تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش هر آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند. ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرورفتن در احکام و سیاست های اجتماعی آن

۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مسعود معینی پور، زمستان ۸۹، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. ر.ک: بنیان رصوص، جوادی آملی، صص ۵۳ و ۵۴.

نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادی بیشتری صید خواهند نمود، و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت.^۱

سه- نشان دادن چهره‌ای خشونت‌طلب و تروریستی از جمهوری اسلامی

از دیگر چالش‌هایی که انقلاب اسلامی با آن روبه‌روست، نشان دادن چهره‌ای تروریستی از جمهوری اسلامی است. این در حالی است که جمهوری اسلامی از همان بدو تأسیس تا کنون، از تروریسم زیان‌های بسیاری دیده و در سال‌های ابتدایی انقلاب از ترور یاران امام و کارگزاران بلندپایه نظام، ضربات زیادی را متحمل شده است. اما بر همگان آشکار است که تروریست‌ها برای انجام عملیات‌های تروریستی، باید از دو نظر تأمین باشند: «اول پشتوانه فکری و ایدئولوژیک و دوم میل به خشونت و از خودگذشتگی در بالاترین حد ممکن». عملیات‌های تروریستی خشونت‌بالایی دارند و در غالب موارد، باعث کشته‌شدن تعداد زیادی بی‌گناه می‌شوند. با توجه به این موضوع، فرد تروریست باید تا آنجا از لحاظ ایدئولوژیکی آماده شده باشد که بتواند عمل ترور را با آگاهی از تبعات آن، که همانا گرفتن جان بی‌گناهان است، مرتکب شود. حال اگر عملیات تروریستی به صورت انتحاری انجام شود، نقش ایدئولوژی و آموزه‌های مذهبی خشونت‌آمیز برجسته‌تر می‌شود. در مورد انقلاب اسلامی نیز دشمنان، با نشان دادن چهره‌ای خشن که آن را از آموزه‌های تشیع بر می‌شمردند، جمهوری اسلامی را حامی تروریسم می‌دانند. بنابراین برای مقابله با این چالش، باید به تبیین اصول و آموزه‌های انقلاب اسلامی که برگرفته از دین اسلام است، پرداخت. باید از حج و حضور زائران ایرانی بهره‌مند شد و نشان داد که جمهوری اسلامی، از سلفی‌گری، بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی متمایز است. باید این باور را نشان داد که خداوند متعال، انسان‌ها را

از زن و مرد آفرید، سپس آنها را به صورت ملت و قبایل گوناگون درآورد تا سبب آشنایی هم باشند، نه دوری از یکدیگر. همچنین به یکدیگر مهربانی ورزند نه اینکه از هم متنفر باشند، و این در حج، بهتر امکان‌پذیر است؛ چون حج، مجموعه‌ای از «بیان رفتاری» یا کردارهای نمادین است که عقاید، آرمان‌ها و اهداف فرد مسلمان را نشان می‌دهد؛ زیرا بیان معنا، بر دو قسم است: یکی بیان با نطق و دیگر بیانی با رفتار و زبان حال، که در نظر اهل ذوق، قسم دوم، به مراتب رساتر و گویاتر از بیان نطقی است. بنابراین از آغاز حج با احرام که به معنای انداختن تفاوت‌ها و امتیازهاست، و در طواف و سعی، همه‌جا روح توحید و خدا پرستی دیده می‌شود.^۱

به این ترتیب حج، به عنوان یک رسانه فراگیر واقع نما و بدون دخالت قدرت‌های استعماری امپریالیستی، واقعیت جهان اسلام را در راستای همدلی و تفاهم امت اسلامی نشان می‌دهد.

چهار- ایجاد تفرقه مذهبی و درگیری شیعه و سنی

یکی از چالش‌های جمهوری اسلامی، بیان این نکته از سوی دشمنان است که این انقلاب و حکومت، صرفاً شیعی و ایرانی است و حج، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که نشان دهیم انقلاب اسلامی، در درجه اول، حامی مستضعفان جهان است و مرز جغرافیایی ندارد و هرکس که دل در گرو اسلام دارد، می‌تواند با آن همراه باشد.

امام خمینی به عنوان پایه‌گذار حکومت اسلامی، با تأسی از مؤلفه‌هایی همچون وحدت و پرهیز از تفرقه‌افکنی، دفاع از مظلومان و مبارزه با مستکبران، و ایجاد روحیه دوستی، برابری و برادری میان آحاد جامعه، توانست انقلاب اسلامی را به پیروزی و موفقیت برساند. لذا می‌فرماید:

۱. حج از نگاه حقوق بین الملل، سیدمحمد خامنه‌ای، ۱۳۷۱، ص ۱۳۱.

از ملی‌گرایی خطرناک‌تر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز، بین برادران اسلامی است و بحمدالله تعالی در انقلاب اسلامی ایران، هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و همه با دوستی و اخوت در کنار هم زندگی می‌کنند، و اهل سنت که در ایران جمعیتش بی‌شمارند و در اطراف و اکناف کشور زیست می‌کنند و دارای علما و مشایخ بسیار هستند، با ما برادر، و ما با آنها برادر و برابریم.^۱

همچنین در ادامه می‌فرماید:

امروز چاره چیست و برای شکستن این بت‌ها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می‌باشد؟ یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده‌شدگان جهان است و این وحدت که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید و مرکز این دعوت و تبلیغ، مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است که ابراهیم خلیل‌الله و محمد حبیب‌الله شروع و در آخرالزمان، حضرت بقیة‌الله - ارواحنا لمقدمه الفدا - تعقیب می‌کند. به ابراهیم خلیل‌الله خطاب می‌شود که مردم را به حج بخوان تا برای شهود منافع خود، از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است؛ منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. بیایند و ببینند تو که بر آنان پیغمبری، عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا تقدیم کردی و همه ذریه آدم باید به تو تاسی کنند، ببینند که بت‌ها را شکستی و آنچه جز خداوند بود، به دور افکندی؛ شمس باشد یا قمر، היאکل حیوانات یا انسان‌ها و گفتی و از روی حقیقت گفتی ﴿وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ و همه باید به پدر توحید و پدر پیامبران عظیم‌الشأن تاسی کنند.^۲

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۸۱

۲. همان، ج ۱۹، ص ۹۰

امام خمینی علیه السلام شکاف و تفرقه را از مشکلات جهان اسلام می‌داند؛ اگرچه این تفرقه را استعمارگران و مستکبران بین‌المللی سازماندهی کرده‌اند. اگر مسلمین به ریسمان الهی چنگ بزنند، به راحتی و آسانی باهم متحد می‌شوند و بر طبل تفرقه نمی‌کوبند. چون دین، ناسیونالیسم و نژادپرستی را نفی می‌کند. می‌توان دین را اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهبرد جهان اسلام نام برد که در آیات و روایات، فرمایشات امام خمینی، مقام معظم رهبری و سایر متفکران و اندیشمندان مسلمان، اهمیت و جایگاه مهم آن مورد تأکید قرار گرفته است.^۱

جمهوری اسلامی ایران با توجه به وضع اسفبار جوامع اسلامی، شعار رسای «یا ایها المسلمین اتحدوا اتحدوا» سر داد و در راه رسیدن به این هدف متعالی، کوشش‌ها نمود و با برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها و به‌خصوص اعلام هفته وحدت^۲ به تقویت آن پرداخت. استعمارگران که به آثار این فکر پی برده بودند، در صدد مبارزه با این فکر افتاده و این انقلاب را انقلاب شیعی معرفی کرده‌اند که برای بقیه فرق مذهبی و اسلامی، ایجاد خطر می‌نماید. از این رو عمال دست‌نشانده خود را در کشورهای اسلامی، علیه این انقلاب شوراندند تا فکر تشکیل «امت واحده اسلامی» به ثمر ننشیند؛ چنان که جنگ عراق علیه ایران نیز در همین راستا بود.^۳

پنج- منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران و ایجاد واگرایی میان ایران و کشورهای منطقه

وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، نگرانی بسیاری از کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی را، همانند آمریکا و اروپا به دنبال داشت. در برخی موارد نیز به قطع روابط انجامید. در ایران، دولتمردان را بر آن داشت تا درباره روابط خود با بسیاری از

۱. ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، مسعود معینی پور، رضا لک‌زایی، بهار ۹۱، ص ۸.

۲. از دوازدهم تا هفدهم ربیع الاول.

۳. انقلاب و ریشه‌ها، حبیب الله طاهری، ۱۳۷۱، ص ۲۶۱.

کشورها، به ویژه کشورهای عربی، بازنگری اساسی کنند. موضع گیری آشکار آنان در برابر اسرائیل و آمریکا، قطع کامل روابط ایران را با این دو کشور به دنبال داشت. بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه و غالباً اسلامی نیز همانند مصر، عربستان، ترکیه، عراق و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس، برای جلوگیری از صدور انقلاب به کشورهایشان، در روابط خود با ایران دچار تنش‌های اساسی شدند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با تأکید بر اصل هویت اسلامی در روابط خود با آن کشورها و طرح مفهوم نظام اسلامی واحد یا «امت اسلامی»، کوشید اسرائیل را بیرون از این قلمرو قرار دهد و با عنوان رژیم غاصب و اشغالگر معرفی کند. همچنین کوشید با جریان‌ها و نهضت‌های رهایی‌بخش اسلامی موجود در منطقه، روابط نزدیکی برقرار سازد. از همین روی کشورهای منطقه، ایران را نه شریک و هم‌پیمان، که به چشم رقیب یا حتی بیگانه دیده‌اند. بنابراین برای ایجاد زمینه لازم و فضایی مناسب برای گفت‌وگو و تفاهم، ایرانیان ناچارند ذهنیت مسلمانان و تبلیغاتی را که علیه جمهوری اسلامی انجام شده است، اصلاح کنند. این فرصت را می‌توان از رهگذر حج و حضور زائران ایرانی در کنار خانه خدا به دست آورد. البته راه‌های دیگری نیز وجود دارد، اما حج از مهم‌ترین راه‌ها و ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای ایجاد هم‌گرایی و همسویی بیشتر میان ملت‌های اسلامی است؛ چون خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶). قرآن از خانه خدا به «بکه» تعبیر کرده است. بکه از نظر لغوی یعنی محل «ازدحام و تراکم جمعیت». بنابراین نشان می‌دهد که کعبه، محوری جهانی بوده است که از هر سوی عالم، در گستره زمان، به آن رجوع کرده‌اند و بر اثر انبوه جمعیت، جایگاه آن به «بکه» نامگذاری شده است. ازدیدگاه حضرت علی علیه السلام مقصود از این آیه و بیت اول، مبارک بودن و هدایت خلق و محل

عبادت بودن است.^۱ همچنین در ادامه تفسیر این آیه می‌توان گفت: کعبه عامل هدایت جهانیان است و هدایتش، تنها به ساکنان مکه و حجاجی که به آنجا وارد می‌شوند، محدود نمی‌شود و همه افراد عالم را دربرمی‌گیرد؛ حتی محدود به دوران اسلام هم نمی‌شود. علامه طباطبایی معتقد است:

کعبه درحقیقت، مسلمانان را به سعادت دنیوی که همان وحدت کلمه و یگانگی امت است رهبری، و غیرمسلمانان را هم بیدار می‌کند تا به نتایج وحدت اسلامی و هماهنگی قوای مختلف متشتت آن پی‌برده، از خواب غفلت بیدار شوند. از اینجا دانسته می‌شود که اولاً هدایت و راهنمایی آن، هم راجع به سعادت دنیوی است و هم اخروی؛ چنان‌که نحوه هدایتش عمومیت داشته، جمیع مراتب هدایت را شامل می‌شود؛ ثانیاً هدایتش مربوط به عالم خاص و دسته مخصوصی چون فرزندان ابراهیم علیه السلام یا عرب یا مسلمانان نبوده، بلکه شامل تمام جهانیان است.^۲

شش - بی‌توجهی به اهداف انقلاب و فروغلتیدن در خواب غفلت

مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی عبارت‌اند از برپایی معنویت و مذهب، همراهی و پیوند میان دین و سیاست، برپایی اصول و احکام اسلامی، برپایی قسط و عدل، حمایت از مظلومان و مبارزه با مستکبران، گسترش و ترویج حدود الهی، آزادی‌خواهی و... که ممکن است بر اثر گذشت زمان و تحولات، این اهداف به فراموشی سپرده شود. شهید مطهری در لزوم حفظ مبانی و اهداف انقلابی می‌فرماید:

انقلاب ما آن‌وقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است، به دنیا معرفی کنیم...، اما اگر قرار شود به اسم اسلام یک مکتب التقاطی درست شود... و بگوییم این است اسلام، ممکن است مردم

۱. التفسیر الکبیر، فخررازی، ج ۸، ص ۱۵۲.

۲. تفسیر المیزان، سیدمحمد حسین طباطبایی، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۲۵۵.

در ابتدا این امر را بپذیرند».^۱ [اما در بلندمدت و ابقای انقلاب اسلامی، دچار چالش و بحران اساسی خواهیم شد].

حج می‌تواند در این باره نیز بسیار کارساز و مؤثر باشد. خداوند در آیه ۹۶ سوره مائده می‌فرماید: «کعبه را وسیله‌ای برای قیام و پایداری مردم قرار داده است». امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید که خداوند حج را موجب تقویت دین مردم قرار داده است.^۲

حج، تنها به لحاظ مذهبی و عبادی اهمیت و ضرورت ندارد؛ بلکه کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن را نیز باید در کنار امور عبادی و توحیدی مطمح نظر قرار گیرد. برای همین نیز امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

مسلمانان، از جهات اجتماعی - سیاسی این عبادات غافل شده‌اند و به خصوص در اجتماع حج، که مهبط وحی و خاستگاه اسلام است، از برکات این تجمع، متأسفانه غافل‌اند.... اگر مسلمین رشد سیاسی و اجتماعی داشتند، از راه تبادل افکار و تفاهم و اندیشیدن در نیازهای سیاسی - اجتماعی و قوانین اقتصادی و حقوقی و اجتماعی و سیاسی، به حل بسیاری از مشکلات و مسائل مورد ابتلای خود موفق می‌شدند.^۳

ایشان همچنین ضمن رهنمود درباره محتوا بخشیدن به بعد سیاسی حج و استفاده‌های تبلیغی و سیاسی - اجتماعی، می‌فرماید:

باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگان، کوشش کنند.

همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

۱. پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مطهری، ص ۵۸.

۲. تفسیر عیاشی، ابونصر محمدبن مسعود عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳. کتاب البیع، امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۰.

بیدارگری و بالابردن سطوح آگاهی جوامع اسلامی، برای شناخت مسائل و مشکلات اساسی جهان اسلام، شناخت جهان اسلام، آگاهی از موانع موجود بر سر راه ملل اسلامی و... از ابعاد دیگر حج کامل و ابراهیمی است. اگر برگزاری سالانه مراسم حج، به سطوح آگاهی عمومی و سیاسی مسلمانان کمک نکند، قطعاً حج کاملی برگزار نشده است. برگزاری کامل و جامع حج و توجه به همه ابعاد اساسی آن، تناسب شگفت‌انگیزی با اقتدار عزت و رونق و قدرت عمومی جوامع اسلامی دارد.^۱

سیاست حج، سیاستی نیست که ما درست کرده باشیم. حج، سیاست اسلامی است. ما از اول بنیامان بر این بوده است که به حج، آن‌طوری که بوده است، عمل کنیم؛ همان‌طور که پیغمبر اکرم بت‌ها را در کعبه شکست، ما هم بت‌ها را بشکنیم و این بت‌ها که در زمان ما هستند، از آن زمان بالاتر و بدترند. ما باید به حج برویم و همان‌طور که سابق تظاهرات و راه‌پیمایی کردند، عمل کنیم، و ما نمی‌توانیم از آن وظیفه‌ای که اسلام برایمان قرار داده است، عدول کنیم. قرآن هم همین دستور را داده است و سیاست ما در حج، همان سیاست است که بوده و هر وقت هم به حج برویم، همان‌طور عمل می‌کنیم؛ مگر جلوی ما را بگیرند و نگذارند به حج برویم که آن مسئله دیگری است.^۲

سلحشوران جمهوری اسلامی را که پیروزی‌های خداپسندانه‌ای برای اسلام و کشور اسلامی کسب کرده‌اند و اکنون جمعی از شهدای زنده آنان با شما در مناسک حج شریک هستند، بنگرید و از تحول عظیمی که موجب این‌همه فداکاری در آنان شده است، عبرت بگیرید، و مسلمانان بدانند تا یک درجه از این تحولات در آنان حاصل نشود، شیطان نفس‌اماره و شیاطین خارج، نخواهند گذاشت که به فکر امت اسلامی و مظلومان جهان باشند.^۳

۱. کتاب البیع، ص ۱۸۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۴.

مقام معظم رهبری هم معتقدند که جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است و تصریح می‌فرماید: «و این، همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند».^۱ گویی از منظر ایشان، تا مسلمانان به تمام ابعاد اسلام که سیاست هم یک بعد بسیار مهم آن است، ایمان نیاورند و سیاست و دیانتشان را عین هم و غیرقابل تفکیک از هم ندانند، وارد اسلام نشده‌اند. بنابراین مقدمه تشکیل امت واحد اسلامی، درک صحیح از اسلام است. از این رو شاید بتوان گفت، تعبیری مثل اسلام سیاسی که از آن برداشت می‌شود اسلامی هست که در عین اینکه اسلام است، سیاسی نیست، دقیق نیست و مسلماً اسلام لائیک هم مردود و مطرود است.^۲

این ابعاد سیاسی حج که در بستر دینی و الهی قرار دارد، تمرین و بازخوانی ای از اصول و اهداف انقلاب است. بستر انقلابی حج که با الگوگیری و خاطره ابراهیم علیه السلام بت شکن (مقام ابراهیم) و مراسم برائت از مشرکین تقویت می‌شود، زمینه بسیاری مناسبی برای یادآوری این ابعاد سیاسی حج است. بنابراین، ابعاد و کارگروه های سیاسی و انقلابی حج، ظرفیتی برای بازخوانی و تأکید بر اهداف انقلاب است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، مبنای اصلی برای طرح مسئله و فرضیه، بررسی چالش‌های انقلاب و جمهوری اسلامی و ظرفیت‌شناسی کنگره عظیم حج در رفع این چالش‌ها بود که به دو قسم تقسیم شد: «چالش‌های تأسیسی و چالش‌های ابقایی». با تعیین مراد خویش از این چالش‌ها و تفکیک و درهم‌تنیدگی انقلاب و جمهوری اسلامی، مهم‌ترین آنها را در دوران تأسیس انقلاب و جمهوری اسلامی و سپس چالش‌هایی که انقلاب و جمهوری اسلامی برای بقای خویش با آنها مواجه بود، مطرح و تلاش شد با تبیین ظرفیت‌های

۱. مقام معظم رهبری، بیانات: ۲۹/۰۴/۱۳۸۸.

۲. «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری»، مسعود معینی پور و رضا لک‌زایی، ص ۷.

حج و آموزه‌های سیاسی و اجتماعی آن، در استحکام پایه‌های انقلاب و نظام برآمده از آن، بیشتر غور و بررسی شود. زیرا همواره انقلاب و حکومتی که تازه شکل گرفته، همانند انسانی است که در دوران حیات خویش با بیماری‌ها و آفات بسیاری مواجه می‌شود. بدین‌سان، انقلاب و جمهوری اسلامی نیز همواره از ابتدای شکل‌گیری تا کنون و حتی در آینده نیز با چالش‌هایی مواجه می‌شود. اما پیش‌بینی و شناخت این چالش‌ها امری ضروری خواهد بود.

در بررسی چالش‌های تأسیسی سه مورد اساسی از قبیل سلطه استکبار و امپریالیسم در ایران و منطقه، تلاش برای براندازی جمهوری اسلامی و ایجاد تفرقه بین انقلابیون مورد بررسی قرار گرفت و ظرفیت‌های حج که بیشتر مبتنی بر سخنان و آموزه‌های امام خمینی علیه السلام بود، برای رفع این چالش‌ها بررسی شد. در بیان چالش‌های ابقایی نیز شش چالش از قبیل جلوگیری از صدور و گسترش انقلاب اسلامی، از بین رفتن معنویت و گرایش به دنیاطلبی، نمایش چهره‌ای خشن و تروریستی از انقلاب و جمهوری اسلامی، تلاش برای انزوای جمهوری اسلامی ایران، بی‌توجهی به اهداف انقلاب اسلامی و فروغلتیدن در خواب غفلت و ایجاد تفرقه مذهبی و ایجاد درگیری بین تشیع و تسنن، مورد بررسی قرار گرفت که در پاسخ‌دهی به این چالش‌ها و رفع آن، به بررسی ظرفیت و توانمندی‌های حج تأکید شد؛ چون معتقدیم انقلاب اسلامی، براساس اصول و آموزه‌های اسلامی توانست به پیروزی برسد و حج، از مهم‌ترین منابع اصیل انقلاب اسلامی است و آشکار است که انقلاب اسلامی، با تمسک به آرمان‌ها، اهداف معنوی و مذهبی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی، مطابق با آموزه‌های اسلامی، در جهانی حاکی از سکولاریزم و فاقد عنصر معنویت و عبادت و در تقابل با قدرت‌های استکباری و استعماری شکل گرفته است، و نظام سلطه می‌کوشد در میان ملت‌ها و جوامع اسلامی و حتی فراتر از مرزهای منطقه خاورمیانه، اعتبار و حیثیت انقلاب اسلامی را ضایع کند، تا

با انزوای آن از هژمونی و گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های آن در میان مردم منطقه و آزادی‌خواهان سراسر جهان، جلوگیری به عمل آورد. لذا باید مسئولان و کارگزاران انقلاب و زائران ایرانی توجه داشته باشند، چنان‌که با کمی غور و تفحص در سخنان بنیانگذار انقلاب و رهبر انقلاب اسلامی، می‌توان بیشتر از آنچه در این مقاله بررسی شد، در ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حج در رفع چالش‌ها و پیش‌برد امور انقلاب و جمهوری اسلامی بهره‌مند شوند؛ چون فریضه حج، معادل تمام اسلام در نظر گرفته شده است که این، نشان از اهمیت و جایگاه بالای این فریضه الهی دارد. پس کاملاً آشکار است که با توسل به آموزه‌های این فریضه عبادی و الهی، می‌توان به دستاوردهای بسیاری نائل شد و در حفظ و حراست از انقلاب اسلامی، کمترین دله‌ره‌ای از تهدیدات دشمنان نداشت. چون دست خداوند بالای همه دست‌هاست و کسی که به این دست متوسل شده است، شکست‌ناپذیر است. لذا نمود عینی این مبانی را می‌توان کاملاً در پیروزی و تداوم موفقیت‌آمیز انقلاب اسلامی مشاهده کرد؛ چون تمسک جستن به کارکردهای عبادی، سیاسی و اجتماعی حج، نه‌تنها روح عبادت و معنویت را حیات می‌بخشد، بلکه موجبات تقویت و استحکام فرهنگ غنی اسلامی، اضمحلال دسیسه‌های مستکبران و استعمارگران، ایجاد وحدت و همدلی، دوری‌گزینی از نفاق و توطئه، پیوند میان دین و سیاست، کسب استقلال، حاکمیت، حریت و حمیت دینی را عینیت می‌بخشد.

منابع

* قران مجید

* نهج البلاغه

۱. احساس محاصره ژئوپولیتیک اسلام و غرب، گراهام وایان لسر فولر، مترجمان فرشچی و کرمی، تهران، انتشارات دافوس، ۱۳۸۴.
۲. احیاء علوم الدین، محمد غزالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۶ ق.
۳. ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، مسعود معینی پور و رضا لک زایی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۴. اصول فلسفه و روش رئالیسم، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۲، قم، انتشارات صدرا، بی تا.
۵. انقلاب اسلامی برون رفت از عالم غربی، اصغر طاهر زاده، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات لب المیزان، ۱۳۹۰.
۶. انقلاب و ریشه‌ها، حبیب اله طاهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۷. بازشناسی هویت انقلاب اسلامی، محمدصادق کوشکی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۸۷.
۸. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۴۰۲ ق.
۹. بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هاتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی، مسعود معینی پور، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، شماره ۱۲، زمستان ۸۸.
۱۰. بنیان مرصوص امام خمینی علیه السلام در بیان و بنان حضرت آیت الله جوادی آملی، محمد امین شاهجویی، چاپ اول، انتشارات اسراء، ۱۳۸۸.

۱۱. البیع، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نشرعروج، ۱۳۷۹
۱۲. پیام به حجاج بیت الله الحرام، سید علی خامنه ای، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸.
۱۳. پیام به حجاج بیت الله الحرام، سید علی خامنه ای، ۱۳۷۳/۰۲/۲۵.
۱۴. پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. تحریر الوسیله، امام خمینی علیه السلام، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، نشر دارالمعلم، ۱۳۷۶.
۱۶. تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵
۱۷. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۸. تفسیر نورالثقلین، عروس حویزی، قم، انتشارت مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۳ق.
۱۹. جرعه‌ای از بی‌کران زمزم، عبدالله جوادی آملی، ترجمه و تحقیق: حجت‌الاسلام علی حجتی کرمانی، چاپ او، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱.
۲۰. جرعه‌ای از بیکران زمزم، عبدالله جوادی آملی، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۱ ش.
۲۱. جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۸۰ - ۱۳۵۷)، سید مصطفی میرسلیم، تهران، باز، ۱۳۸۴.
۲۲. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ ق.
۲۳. جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، علی داستانی بیرکی، چاپ اول، معاونت پژوهشی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، انتشارات عروج، ۱۳۷۸
۲۴. حج ابراهیمی در پیام‌های امام خمینی علیه السلام، رسول سعادت‌مند، چاپ اول، انتشارات تسنیم، ۱۳۸۵.
۲۵. حج از نگاه حقوق بین الملل، سید محمد خامنه‌ای، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
۲۶. حج در کلام و پیام امام خمینی علیه السلام، معاونت آموزش بعثه مقام معظم رهبری در حج و زیارت، تهران، نشر مشعر، ۱۳۶۸.
۲۷. حج کانون معارف الهی، حسین شفیعی، میقات حج، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۰.
۲۸. حج. حرکتی در روح و تحولی در جوهر نفس، سیدمحمد ضیاء آبادی، تهران، انتشارات وزارت

ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.

۲۹. سناریو نویسی و آینده حیات سیاسی انقلاب اسلامی ایران، محمد جواد هراتی و مسعود معینی‌پور،

چاپ اول، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.

۳۰. صحیفه نور، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نشر عروج، ۱۳۷۹.

۳۱. مبانی فقهی حکومت اسلامی، حسینعلی منتظری، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، چاپ دوم،

تهران، نشر سربای، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۳۲. المستصفی من علم الاصول، زین الدین ابو حامد محمدبن محمد، غزالی، ج ۱، تحقیق محمد

عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ هـ.ق.

۳۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی ازدیدگاه امام خمینی علیه السلام، مسعود معینی پور، پژوهشنامه متین،

شماره ۴۹، زمستان ۸۹.

۳۴. نظام حج در اسلام، عبدالله جوادی آملی، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.

۳۵. نقش کنگره بین‌المللی حج در بیداری اسلامی، محمدرضا کرباسی، جلد اول، انتشارات مدارس،

۱۳۹۰.

۳۶. وسائل الشیعة، حر عاملی، تحقیق ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.

۳۷. وصیت نامه سیاسی - الهی امام، امام خمینی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

جایگاه حج در اندیشه سیاسی و مبارزاتی امام خمینی رحمته الله علیه

امیر سیاهپوش^۱

چکیده

در این مقاله، تلاش شده است اندیشه سیاسی و مبارزاتی امام خمینی رحمته الله علیه در پیام‌ها و سخنرانی‌هایی که در خصوص حج داشته‌اند، احصا و تشریح شود و تبیین اجمالی از آن ارائه گردد. بیانات امام در این حوزه، بسیار مفصل است و حوزه‌های موضوعی مختلفی را دربرمی‌گیرد. در اینجا به علت مجال محدود، صرفاً به بخشی از مسائل مهم و اساسی زیر پرداخته شده است: «مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی اندیشه انقلابی امام، جامعیت اسلام در اندیشه امام، ارتباط خودسازی درونی با جهاد با طاغوت‌های زمان، ابعاد سیاسی و اجتماعی حج و ابعاد مبارزاتی اندیشه سیاسی امام در خصوص حج».

مقدمه

نگاه امام خمینی علیه السلام به حیات، نگاهی نظام‌مند و سیستمی بود. در این نگاه، همه عناصر هستی، ارتباطی چندسویه و متقابل باهم دارند و هیچ عنصری را نمی‌توان منفک از سایر عناصر در نظر گرفت.

نگاه سیستمی امام علیه السلام به هستی، برگرفته از جهان بینی توحیدی امام است. از منظر امام، از آنجا که نظام توحیدی بر تمام روابط هستی حاکم است، باید این نظام بر تمام روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انسانی نیز حاکم باشد. هستی‌شناسی امام خمینی علیه السلام سلسله‌مراتبی است.^۱

در این چارچوب، فهم هر بخش از اندیشه امام، بستگی تام به فهم نگاه هستی‌شناختی ایشان دارد. با فهم نگاه هستی‌شناختی امام، هم می‌توان سایر ابعاد فکری بیان‌شده توسط ایشان را درک کرد و هم به استنتاج و استنباط بخش‌هایی پرداخت که در خصوص آن اظهار نظری نداشته یا همه اجزا مرتبط تشریح نشده است. بررسی سیر اندیشه اجتماعی و سیاسی امام، حاکی از ثبات در مبانی و تسری اصول در سایر اجزا و اشکال زمانمند اندیشه ایشان است. در این چارچوب اندیشه سیاسی امام، قبل و بعد از انقلاب و نیز نگاه جهادی و مهاجمانه ایشان به نظام طاغوتی و جهان سلطه، قابل تبیین است.

نگاه امام به مسئله حج، دقیقاً تابع این نگاه هستی‌شناختی است و ایشان این واجب الهی را در خدمت اندیشه توحیدمحور طاغوت‌ستیز تفسیر می‌کنند. مقاله حاضر، قصد دارد این موضوع را بر همین پایه، تحلیل و بررسی کند.

۱. اندیشه سیاسی امام

امام خمینی علیه السلام هستی را مخلوق خدای علیم و حکیمی می‌داند که انسان را خلیفه خود در زمین قرار داده است: «انسان تنها موجودی است که دارای همه مراتب عقلی،

۱. ر.ک: مبانی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، حسین مقیمی.



مثالی، حسی است و عوالم غیب و شهادت در او نهفته است... انسان با مُلک مُلک است و با ملکوت ملکوت، و با جبروت جبروت. انسان مجموعه صورت جهانیان و مختصری از لوح محفوظ و شاهد هر غالبی (غایبی) است. او راهی راست به سوی همه خوبی‌ها و صراطی است که میان بهشت و جهنم کشیده شده است»^۱.

بنابراین انسان، آینه تمام‌نمای هستی و کامل‌ترین موجودی است که خدای حکیم آفریده است. خدای حکیم برای نیل انسان به کمال مورد نظر و دستیابی به همه مراتب عالی هستی، انبیای الهی را برای هدایت بشر فرستاده و کامل‌ترین برنامه انسان‌سازی را به صورت قرآن عظیم، توسط حضرت ختمی مرتبت، به انسان آخرالزمانی اهدا کرده است. از نظر امام، قرآن مشتمل بر همه چیز است:

یعنی یک کتاب آدم‌سازی است. همان طوری که آدم همه چیز است: معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد، قرآن کریم هم که آمده است این انسان را بسازد، همه ابعاد انسان را می‌سازد. یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد؛ چه احتیاجاتی که شخص دارد و چیزهایی که مربوط به شخص است، روابط بین شخص و خالق تبارک و تعالی و مسائل توحید، مسائل صفات حق تعالی، مسائل قیامت اینها هست [و چه] مسائل سیاسی و اجتماعی و قضیه جنگ با کفار و اینها. قرآن پر است از این آیاتی که این آیات مردم را وادار کرده است و پیغمبر را مأمور کرده است که جنگ کنند با کسانی که متعدی هستند؛ با ظالم‌ها جنگ بکنند. یک کتابی است که تحرک آورده است.^۲

در چنین چارچوبی، بدیهی است که اسلام با سیاست کار داشته باشد. اساساً همه اسلام حکومت است و همه حکومت، اسلام. امام همه ابعاد اسلام را درهم‌تنیده

۱. شرح دعاء السحر (ترجمه فارسی)، امام خمینی، ص ۹.

۲. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۴۸.

می‌دانند و هیچ بخشی را جدا از دیگری تصور نمی‌کنند. سیاست را نیز امری تفکیک‌ناپذیر از دین می‌دانند. از نظر امام:

اسلام، اسلام سیاست است؛ حقیقتِ سیاست است^۱ و رسول الله ﷺ پایه سیاست را در دیانت گذاشته است. پیامبر اعظم ﷺ تشکیل حکومت داده است؛ تشکیل مراکز سیاست داده است و سیاستی که در صدر اسلام بود، یک سیاست جهانی بود. از صدر اسلام از زمان رسول خدا ﷺ تا آن وقتی که انحراف در کار نبود، سیاست و دیانت توأم بودند. این آخوندهای درباری و این به اصطلاح سلاطین آمریکایی یا شوروی، یا باید پیغمبر و پیغمبران را و خلفای پیغمبر و پیغمبران را تخطئه کنند، یا باید خود و حکومت های خود را تخطئه کنند. امر دایر بین این دو است و از این خارج نیست.^۲

از نظر امام، اسلام نه تنها به همه موضوعات و مسائل جامعه توجه دارد و نه تنها سیاستش فراگیر است، بلکه جهان‌گستر نیز است. به عبارت دیگر سیاست اسلامی، مربوط به همه افراد بشر است و به محدوده جغرافیایی خاص یا قوم و زبان خاصی مختص نیست:

مسائلی دارد که مربوط به همه بشر است؛ هیچ مملکتی دون مملکتی نیست. اسلام این طور نیست که یک مملکت داشته باشد به اسم ایران مثلاً یا به اسم عراق یا به اسم کذا، این جورها نیست؛ تمام عالم تحت نظرش است. یعنی نظر اسلام به این بوده است که بشر بسازد؛ تمام بشر را! با شرق یا غرب، با شمال، جنوب، با جایی هیچ قوم و خویشی ندارد؛ یک دین الهی است. همان طوری که خدای تبارک و تعالی خدای همه است، نه خدای شرقی‌ها و مسلمان‌ها یا غربی‌ها یا مسیحی‌ها یا یهودی‌ها،

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۵.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۲۰۴.

این طور نیست، خدای همه است و نسبت به همه رازق است، خالق است و اینها، اسلام هم یک دینی است مال همه؛ یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می‌خواهد درآورد، به یک صورت عادلانه درآورد. به صورتی که یک بشر به بشر دیگر یک قطره، به قدر یک سر سوزن تعدی نکند؛ یک بشر با بچه خودش تعدی نکند، با زن خودش تعدی نکند، یک زن با شوهر خودش تعدی نکند، دو تا برادر باهم تعدی نکنند، اینها با رفقای دیگرشان تعدی نکنند. می‌خواهد یک انسان عادل به تمام معنا که انسان باشد، هم عقلیتش عقلیت انسان باشد، هم نفسیتش نفسیت انسان باشد، هم ظاهرش ظاهر انسان و مؤدب به آداب انسانی باشد، می‌خواهد این مطلب را اجرا بکند.^۱

بنابراین دین اسلام، دینی است سیاسی، و اجرای کامل آن بدون توجه به قدرت و حکومت، امکان ندارد. سیاست اسلامی هم سیاستی قومی، زبانی، نژادی و محدود به گستره جغرافیایی خاص نیست؛ بلکه سیاستی است جهانی و فراگیر که همه افراد بشر را متنعّم می‌سازد.

۲. ابعاد سیاسی شعایر اسلامی و حج

گفته شد امام علیه السلام، اسلام را مکتب انسان‌سازی می‌داند که برای نجات و کمال بشر نسخه های کاملی فرستاده است. از نظر امام، عبادات و شعایر اسلامی، بخشی از عناصر این نسخه نجات هستند. نماز عید فطر و عید قربان، نماز جماعت و جمعه و سایر اجتماعات، همه ابعاد اجتماعی و سیاسی دارند و در حل مشکلات و بیماری‌های اجتماعی، جامعه اسلامی را یاریگر خواهند بود. امام از این حیث، اجتماع حج را بالاتر از همه این اجتماعات می‌داند که:

باید در آنجا مسائل اسلام، در آن موافقی که در حج هست، در عرفات، به خصوص در منا و بعد در خود مکه مکرمه، و بعد در حرم رسول اکرم، این موافقی که در آنجا هست، در آنجا مردم مطلع بشوند از اوضاع مملکت و از اوضاع تمام کشورهای اسلامی، و در آنجا بالحقیه یک مجلس عالی است و یک اجتماع عالی برای بررسی به تمام اوضاع تمام کشورهای اسلامی.^۱

امام در همین سخنرانی، وجوه سیاسی شعایر اسلامی را این گونه خلاصه می‌کنند: هر روز در محله‌ها اجتماع و رسیدگی به اوضاع شهر و محله، در هر هفته اجتماع بزرگ در شهرها و در جاهایی که شرایط نماز محقق است، برای بررسی به اوضاع شهرستان و بالاتر، اوضاع تمام کشور، و در هر سال باز دو اجتماع بزرگ است برای بررسی به اوضاع کشورها، و در هر سال یک اجتماع بسیار بزرگ از تمام ممالک اسلامی برای حج؛ و آن موافقی که در حج هست، اجتماعات در آنجا برای رسیدگی به اوضاع تمام کشورهای اسلامی، تمام اینها مسائل سیاسی هست و مسائلی است که باید مسلمین به آن توجه داشته باشند.^۲

خلاصه این بخش اینکه در منظر امام، اسلام دینی است جامع و کامل که پاسخ‌گوی همه نیازهای مادی و معنوی انسان است و همه بخش‌های سیاسی و عبادی آن باهم مرتبط اند. از نظر امام، تفکیک بین سیاست و عبادت در اسلام ممکن نیست و بسیاری از شعایر دینی، صورت و باطن سیاسی دارند که بالاترین این شعایر، اجتماع حج است و سیرت آن چیزی جز نفی طاغوت‌های درونی و بیرونی و عبودیت ذات ربوبی نیست. بنابراین، در مراسم و مناسک حج، بیش از هر چیز، مسئله تقابل و تضاد با نظام‌های سلطه‌گر، خداگریز و عصمت‌ستیز نهفته است و بدون توجه به این وجه مهم مبارزاتی،

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۳۳.

۲. همان.

حج چیزی جز اتلاف سرمایه‌های اجتماعی و خدمت به قدرت‌های سلطه‌جوی ملی و بین‌المللی نخواهد بود.

در ادامه به‌اجمال، بخش‌هایی کوچک از اندیشه مبارزاتی امام در پیش و پس از انقلاب، و تطابق رهنمودهای ایشان در خصوص حج و حجاج با این اندیشه‌ها را بیان خواهیم کرد.

۳. مقایسه ادبیات سیاسی امام خمینی در مبارزات انقلابی و پیام‌های حج

با مروری بر اندیشه‌های سیاسی و انقلابی امام علیه السلام، به خوبی در خواهیم یافت که منطق سیاسی و مبارزاتی امام، در همه‌جا یکسان است؛ چه در رهبری انقلاب اسلامی ایران و چه در هدایت امت اسلامی. دلیل این همسانی هم در مبانی منسجم اسلامی و اهداف الهی امام نهفته است که رویکردی جهانی و گسترده - نه محدود و محصور به مکان و زمان خاص - دارد. البته این بدان معنا نیست که امام به‌شیوه یکسانی در مبارزات انقلابی داخلی و نهضت جهانی اسلام قائل اند. نکته محوری این است که امام، منشأ مشکلات امت اسلامی را در همه‌جا یکسان می‌بینند: «دوری از اسلام و نزدیکی به کفر». به همین دلیل عملاً می‌بینیم امام در پیام‌هایی که صرفاً مخاطب ایرانی دارند، مسائل جهانی و جامعه اسلامی را طرح می‌کنند و در پیام‌های حج که مخاطب آن امت اسلامی است، به مشکلات فلسطین، لبنان و دیگر بلاد اسلامی توجه می‌دهند و جالب‌تر اینکه در خیلی از پیام‌های حج به امت اسلامی، امام بخشی از پیام را به گزارش وضعیت مردم ایران اختصاص می‌دهند. این مسئله هم در پیام‌های قبل از انقلاب امام دیده می‌شود و هم در پیام‌های بعد از انقلاب.

ما در این مجال اصول کلی و راهبردهای مبارزاتی امام را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۴. مبانی، اصول و اهداف اندیشه جهادی امام

الف) مبنا و هدف اصلی مبارزه: طاغوت درون و بیرون

مبنای اندیشه سیاسی امام در پیام‌های حج و مبارزات انقلابی، مبنا و هدف یکسانی است: «مبارزه با طاغوت».

امام، رکن محوری جهان‌بینی توحیدی را نبرد حق و باطل می‌داند. این نبرد، همیشگی است؛ چنان که در طول تاریخ وجود داشته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. در اندیشه امام، هدف اصلی انبیا و اولیای الهی، جز حاکم ساختن کلمه توحید و توحید کلمه نبوده است و در این مسیر، چاره‌ای جز مبارزه با شرک و الحاد، در اشکال و ابعاد مختلف، نیست. ایشان در پیامی به مردم و زائران بیت‌الله الحرام، به مناسبت ایام حج، با اظهار تأسف از مهجوریت حج ابراهیمی و پس از ستایش خدای بزرگ که راه و روش چگونه زیستن و برای چه آفریده‌شدن و مقصد آفرینش را به جامعه بشری آموخته است، تمام پیامبران بزرگ الهی را مجاهدان و مبارزان راه خدا می‌داند:

دروید بی‌پایان بر پیامبران اولوالعزم، چون ابراهیم بت‌شکن و موسای طاغوت‌برانداز و عیسای مسیح که اگر فرصت یافته بود، همانند آنان بود و محمد، شکننده تمامی بت‌ها و برائت‌جوینده از تمامی مشرکان و ستمکاران، و سلام جاویدان بر ائمه مسلمین، این راهگشایان پیکارگری علیه ستمکاران مسلمان‌نما و جباران غاصب حقوق الله و حقوق الناس و کج‌فهمان داغ بر پیشانی.^۱

در ادامه همین پیام، مبارزه و جهاد پیامبران و ائمه علیهم‌السلام را تابع عده و عده ندانسته است و بهانه‌های مختلف مرسوم را بی‌اعتبار می‌داند.^۲ به اعتقاد امام علیه‌السلام:

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸۶.

۲. همان، ص ۸۷.

در نظر دنیاگرایان و ملت پرستان، آنچه از این اولیای معظم الهی صادر شده، برخلاف عقل و شرع است. قیام بدون تجهیزات کافی را عقل آنان نمی‌پسندد و شرع آنان اجازه نمی‌دهد، و نیز به عقیده آنان، حرکت از کشوری به کشوری دیگر که دارای حکومت و تشکیلاتی می‌باشد، مخالف با عقل و ملیت بوده و بالأخره مخالف با موازین شرعی و الهی است و همچنین صلح با نمرودیان و فرعونیان و ملحدان و ستمگران و سازش با ظالمان به صورت مسلمان و با زهد فروشان داغ بر پیشانی، طریق صواب و عقل و شرع بوده و هست؛ و با این انگیزه، تسلیم و سازش با آمریکای جهان‌خوار و وابستگان به او، لزوم عقلی و شرعی دارد و تخلف از آن، مخالف شرع و عقل است، و دفاع از ملت مظلوم عراق که زیر چکمه دژخیمان به جان آمده‌اند و فوج فوج علمای عظام و ابرار بی‌پناه آنان به شهادت می‌رسند و زنان و کودکان آنان زیر لگدهای ستمگران می‌سوزند و می‌میرند و فریاد «یا للمسلمین» می‌کشند، برخلاف عقل و شرع می‌باشد.^۱

می‌بینیم امام علیه السلام رهبران بزرگ الهی را مبارزان و سرداران بزرگ جهاد و مبارزه با مستکبران زمان خود دانسته و در این مسیر، هر بهانه و نشانه عقب‌نشینی و سکوت را رد می‌کنند. امام همین اعتقاد را در کتب خود به اشکال مختلف بیان داشته و در سخنرانی‌های دوران قبل از انقلاب، به بهانه‌های مختلف، ابعاد آن را تشریح کرده است و در بعد از انقلاب نیز همین مسیر و منطق را با شدت ادامه داده است.

اما مبنای این نظریه که تمام اولیا و انبیای الهی به مبارزه با بت‌های عالم و حکومت‌های طاغوتی پرداخته‌اند، کجاست؟ در نظر امام علیه السلام، نبرد بین جنود جهل و جنود عقل، نبردی است که در فطرت انسان به ودیعه نهاده شده است. انسان دارای فطرتی الهی است که میل به کمال مطلق دارد و از نقص‌گریزان است. این مسئله در

همه افراد بشر، در تمام زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است.^۱ در این مسیر، جنود عقل در مبارزه دائم با جنود جهل اند و فطرت مخموره انسان در صورت غلبه جنود جهل، محجوب خواهد ماند.^۲

بنابراین انسان، مکلف به تقویت جنود عقل و مبارزه با جنود جهل است و این هر دو گروه در بسترهای اجتماعی و سیاسی مختلف، صورت‌های گوناگون و پیچیده‌ای به خود می‌گیرند؛ درحالی‌که باطن و سیرت یکسانی دارند. امام دقیقاً بر پایه همین منطق، رابطه خودسازی درونی و مبارزات اجتماعی را تبیین می‌کنند و مناسک معنوی و اجتماعی حج را درست در همین مسیر می‌دانند.

ایشان در پیامی اظهار امیدواری می‌کنند که حجاج، با خودسازی درونی، بر شیطان درون غلبه کرده و خود را آماده مبارزه با شیاطین بیرونی کنند:

این چنین است که خودسازی و تقوا حجاج را عاشق شهادت می‌کند و آنها را انگیزه‌مند و آماده رهایی از وابستگی سیاسی^۳؛ و اگر مسلمانان جهان به انگیزه انبیا^{علیهم‌السلام} پی‌برند و به اقیانوس نور متصل شوند، هرگز در اسارت شیطان و شیطان‌زادگان در نمی‌آیند و برای چند روز، مسند توهمی و ریاست‌های تخیلی، داغ ننگ و ذلت را بر جبین خویش نمی‌پذیرند؛ [یا اینکه] برای تقرب به شیطان بزرگ و طرح اسارت‌بار «کمپ دیوید» و اشباه آن، به جست‌وخیز بر نمی‌خاستند.^۴

پس از این مقدمه چینی است که امام همه حجاج و مسلمانان را این چنین به مبارزه

دعوت می‌کند:

۱. ر.ک: شرح حدیث جنود عقل و جهل (طبع جدید). روح الله خمینی، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۸۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۱۵.

۴. همان.

هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام! به خود آبیید و به این اقیانوس الهی متصل شوید و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهان‌خواران از شما ببرد، و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود و به زندگانی شرافتمندانه و ارزش‌های انسانی برسید. از این زندگی ننگین که مشتی اسرائیلی دوره‌گرد، بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را در حضور شما پایمال نمایند، رهایی یابید. بارالها، به ما خفتگان توفیق بیداری عنایت فرما و حکام کشورهای اسلامی را به خودآر که با معیارهای اسلامی بر مسلمانان حکومت کنند و بت‌های نحس و طاغوت را در هم شکنند.^۱

امام بر همین اساس، به حجاج دیگر کشورها هشدار می‌دهد که اگر جنبه‌های معنوی حج را فراموش کنید، گمان نکنید که بتوانید از چنگال شیطان نفس رهایی یابید و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی‌توانید جهاد فی سبیل‌الله و دفاع از حریم‌الله نمایید. امام مسلمانان را به الگوپذیری از سلحشوران جمهوری اسلامی فرامی‌خواند و انذار می‌دهد تا یک درجه از این تحولات معنوی و روحی در آنان حاصل نشود، شیطان نفس اماره و شیاطین خارج، نخواهند گذاشت که به فکر امت اسلامی و مظلومان جهان باشند.^۲

در منطق امام، انبیا به بشر آموختند که بت‌ها، هرچه هست، باید شکسته شوند؛ و کعبه، که ام‌القراست تا آخرین روز جهان، باید از لوٹ بت‌ها تطهیر شود. امام ابرقدرت‌های زمان ما را بت‌های بزرگی می‌دانست که جهانیان را به کرنش و پرستش خود می‌خواند، و با زور و زر و تزویر، خود را به آنان تحمیل می‌نمایند و کعبه معظّمه، یکتا مرکز شکستن این بت‌هاست.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۱۵.

۲. همان، ج ۱۹، صص ۲۵ و ۲۶.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۸۷.

به همین دلیل از نظر امام خمینی، مهدی منتظر، در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین، از کعبه - نه از جای دیگر - ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند.^۱

گویا از نظر امام، کعبه نقطه آغاز و فرجام مبارزه حق و باطل است. از نظر ایشان، این مکان مجاهدت و ایثار «زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی - محمدی سوق می‌دهند و حیات آن را تجدید می‌نمایند، و بت‌های شرق و غرب را در هم می‌شکنند و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند؛ و دل میقات، در هوای زائرانی می‌تپد که از کشور «لا شرقیه و لا غربیه» آمده‌اند تا با تلبیه و «لیبک، لیبک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند؛ و با پشت پازدن بر مکتب‌های شرقی و غربی و انحرافات ملی‌گرایی، فرقه‌زدایی نموده، با همه ملت‌ها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غم‌خوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند، و با یدِ واحده بر دشمنان بشر و زورگویان جهان‌خوار بتازند، و جمرات، انتظار فداکارانی را می‌کشد که از کشوری آمده‌اند که ملت شجاع آن، شیاطین بزرگ و کوچک و متوسط را بی‌باکانه از کشور خود رانده‌اند و دست ناپاکشان را از ذخایر میهن خود قطع نموده؛ و در این مکان مقدس نیز با سنگ‌ریزه‌ها و شعارهای کوبنده، گروه شیاطین را از «ام‌القری» و «ما حَوْهَا» که جهان است، رمی و طرد کنند، و عرفات و مشعر و منا میهماندار کسانی هستند که ملت مسلمانان با عرفان و شعور سیاسی قیام نموده‌اند تا آرمان‌ها و امانی اسلام را در کشور خود و سایر کشورهای مظلوم تحت ستم تحقق بخشند؛ و سیاست‌بازان قلابی را که با فریب و دغل بر مظلومان جهان تاخته و هستی همه را غارت نموده‌اند، رسوا کنند.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۷.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

امام با همین منطق، دائم مسلمین را به جهاد علیه بزرگ‌ترین بت‌های عالم می‌خواند: کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بت‌ها و طاغوت‌های جهان خوار می‌رسد که همه مستضعفان جهان را به سجده خود و ستایش خویش فراخواند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمان‌بردار خویش داند؟ در فریضه حج که لبیک به حق است و هجرت به سوی حق تعالی به برکت ابراهیم و محمد است، مقام «نه» بر همه بت‌ها و طاغوت‌هاست و شیطان‌ها و شیطان‌زاده‌هاست، و کدام بت از شیطان بزرگ آمریکای جهان خوار و شوروی ملحد متجاوز، بزرگ‌تر، و کدام طاغوت و طاغوت‌چپ از طاغوت‌های زمان ما بالاترند؟ در لبیک لبیک، «نه» بر همه بت‌ها گویند و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوت‌چپ‌ها کشید^۱ و با حال شعور و عرفان به مشعر الحرام و عرفات روید و در هر موقف، به اطمینان قلب، بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون، تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راه‌های نجات را از حق، در آن مواقف کریمه طلب کنید.^۲

می‌بینیم که امام خمینی، تمام مناسک و مراسم حج را عرصه اعلان جهاد علیه بت‌ها و طواغیت می‌داند. همین منطق مبارزه، بارها در پیام‌های مختلف به حجاج تبیین و تکرار شده است. در مجموع می‌توان گفت که امام، طاغوت‌های حاکم را دو گروه می‌داند: «استعمار و استکبار خارجی و استبداد داخلی». امام در مبارزات انقلاب اسلامی، نظام ستم‌شاهی را دست‌نشانده و نوکر استعمار می‌دانست و یکی از اهداف مبارزه را در ساقط نمودن این حکومت ترسیم کرده بود.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸۹.

۲. همان، ص ۹۰.

ب) مبارزه با استکبار جهانی و استبداد داخلی

یک - استبداد داخلی

امام در مبارزات دوران انقلاب، یکی از اهداف مبارزه را اسقاط نظام استبدادی ستم‌شاهی می‌دانست. ایشان در پاسخ به نامه دانشجویان فارسی‌زبان در آمریکا و کانادا در مرداد ۱۳۴۹ با یادآوری وقایع پانزده خرداد، آن را سند زنده مبارزه با استبداد می‌داند.^۱ در سخنرانی دیگری باز ضمن برشماری جنایات نظام ستم‌شاهی و بیان خوی استبدادی آن، بر ضرورت مبارزه تأکید می‌کند و هدف انقلاب را مبارزه با استبداد و تلاش برای رهایی جامعه اسلامی از چنگ نظام دیکتاتوری وابسته می‌داند.^۲

همین‌طور در پیام به حجاج در بسیاری موارد، مردم را به مبارزه با دولت‌های فاسد و دست‌نشانده دعوت می‌کند. اساساً امام حکام دست‌نشانده را عملاً استبداد بین‌المللی می‌داند و از نظر ایشان، آنچه از قرن‌ها پیش تا کنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولت‌های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به‌طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است، که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غرب زده و شقوق‌زده آنان، به توده‌های مسلمانان محروم، تحمیل شده است.^۳

ایشان در پیامی به مناسبت کشتار زائران در حج بیان می‌کنند:

فرقی بین محمدرضاخان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۵۲.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۸۹.

اسلام‌زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر آمریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق طلبانه ملت‌ها.^۱

دو - استعمار و استکبار (آمریکا دشمن اصلی)

ایشان در تهیج مردم انقلابی ایران به مبارزه، مسئله استکبار و استعمار را مسئله اول می‌داند. همین‌طور برای امت اسلامی باز مسئله استکبار و استبداد بین‌المللی مسئله اول است. در همین چارچوب، آمریکا شیطان بزرگ و بزرگ‌ترین طاغوت زمان و هدف اصلی مبارزه است.

در نظر امام، مهم‌ترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملت‌های اسلامی و غیراسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه‌اند، موضوع آمریکاست. ایشان آمریکا را دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان می‌داند که برای سیطره سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌کند.^۲ ایشان در پیام به حجاج، باز بر همین مسئله تأکید می‌کند و رمز موفقیت آمریکا و اسرائیل را در تفرقه‌افکنی می‌داند.^۳

سه - مسئله اسرائیل (محصول اتفاق استبداد داخلی و استکبار جهانی)

اسرائیل و مسئله فلسطین را می‌توان از کانونی‌ترین مسائل مورد نظر امام در میدان مبارزه و تخاصم سیاسی دانست. امام این مسئله را مربوط به همه کشورهای اسلامی، بلکه مؤثر بر سرنوشت همه ملل عالم می‌داند. از نظر امام، پیوند گریزناپذیری بین استبداد داخلی، استکبار بین‌المللی و حفظ و بقای اسرائیل هست. به همین دلیل امام،

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۵۰.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۳. همان، ج ۱۹، صص ۲۸ و ۲۹.

همواره و در مبارزات انقلابی و نیز پیام‌های حج، بدون استثنا به ضرورت مبارزه با این غدهٔ سرطانی توجه داده‌اند. ایشان در ۱۹ مهر ۱۳۵۱ بیان می‌کنند:

مقصود دول بزرگ استعمار از ایجاد اسرائیل، تنها اشغال فلسطین نیست؛ بلکه اگر به آنان فرصت داده شود، تمام کشورهای عربی - العیاذ بالله - به سرنوشت فلسطین دچار خواهند شد.^۱

در ادامه مسلمین را تحریض می‌کنند، از مجاهدانی که علیه صهیونیست‌ها قیام نموده‌اند، حمایت کنند.^۲

امام بعد از انقلاب، همین منطق را با استحکام و قدرت ادامه دادند. در مقطعی که دولت‌های دست‌نشانده، جمهوری اسلامی را به داشتن رابطه با اسرائیل متهم می‌کردند، امام ضمن رد این ادعای واهی، سوابق دفاع خود و ملت ایران را از فلسطین چنین توضیح می‌دهند:

چه شخص مطعی است که نداند ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست، و نداند که یکی از موارد اختلاف ما با شاه مخلوع، روابط دوستانه او با اسرائیل بود، و چه کسی است که نداند ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه‌ها و اعلامیه‌ها اسرائیل را هم‌ردیف آمریکا در ستمگری و دنباله او در تجاوز و غارتگری محکوم کردیم، و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف آمریکا دشمن خود خواند و نفست را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نثار هر دو کرد.^۳

امام در یکی از پیام‌ها ضمن برشمردن جنایات اسرائیل و ابراز تأسف و تأثر، این جنایات را مصیبتی بزرگ می‌داند و بزرگ‌تر از آن را ناتوانی و کوتاهی مسلمانان در رویارویی با اسرائیل. از نظر ایشان، فاجعه برای مسلمانان آن است که بعضی از

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۶۱ (۱۹ مهر ۱۳۵۱ / ۳ رمضان ۱۳۹۲).

۲. همان، ص ۴۶۲.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

دولت‌های به اصطلاح مسلمان، با دیدن این فجایع بزرگ، مانع می‌شوند تا مظلومان از دست ستمگران حتی ناله کنند.^۱

در مجموع امام معتقدند ملت‌های مسلمان باید در صدد نجات فلسطین باشند و «مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازش‌کاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌هایی که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین‌های غصب‌شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند، به دنیا اعلام کنند و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه‌دار کنند».^۲

در مجموع، همچنان‌که در سطور پیشین اشاره شد، امام عامل اصلی بقا و دوام دولت ضعیف و جنایت‌پیشه اسرائیل را ملازمت و معاضدت دولت‌های مستبد دست‌نشانده در کشورهای اسلامی با دولت آمریکا می‌داند:

تأسف دارد که اسلام آن وضع را دارد و کسانی که ادعای اسلام را می‌کنند، این وضع را دارند. اسلام نسبت به متخلفین، نسبت به متجاوزین، آن‌طور سخت‌گیری می‌کند و اینهایی که می‌گویند ما تابع اسلام هستیم، تشویق هم می‌کنند.^۳

ج) رویارویی جاویدان بین حق و باطل و اهمیت جهاد در راه خدا

نکته مهم دیگر در اندیشه امام، تأکید بر دائم‌بودن نبرد حق و باطل است: قرآنی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهان‌خواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم‌الرساله صلی الله علیه و آله با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری است. در این کتاب جاوید می‌بینیم که فرموده:

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، صص ۵۱۰ و ۵۱۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۲۰.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۴۳۲.

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۱؛ خطاب به مصلحت‌اندیشان و سازش‌کاران و متأسفان برای شهادت جوانان و ازدست‌رفتن مال‌ها و جان‌ها و خسارت‌های دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم ﷺ در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل‌الله را ذکر فرموده و تنبیه داده که جهاد فی سبیل‌الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید؛ از ذلت و اسارت و بربادرفتن ارزش‌های اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید، از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره؛ و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۲، و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومت‌هایی مثل ستم‌شاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بربادرفتن حرث و نسل ملت و بر سر کشور و ملت ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.^۳

۱. «بگو اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان خود را و اموالی که جمع آورده‌اید و کالا و مال التجاره که از کسادی آن بیمناکید، و مسکن‌هایی که بدان دل خوش کرده‌اید، بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه او دوست می‌دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذ (و قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند بدکاران را هدایت نخواهد کرد» (توبه: ۲۴).

۲. بخشی از آیه ۶۳ سوره نور: «کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه و یا عذابی دردناک آنان را دربرگیرد».

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۲.

د) اصول و راه حل مبارزه

امام برای یک مبارزه درست و پیش‌برنده، لوازم و شرایطی قائل‌اند و ابعاد آن را به مناسبت های مختلف تبیین می‌کنند. بخش مهمی از پیام‌های حج امام به این موضوع اختصاص دارد. در اینجا صرفاً مهم‌ترین اصول مبارزه سیاسی در اسلام از منظر ایشان را به اجمال بررسی می‌کنیم:

یک - ضرورت وحدت و انسجام

امام همواره یکی از دلایل عقب‌ماندگی و ویرانی ملل اسلامی را تفرقه دانسته‌اند. ایشان در مبارزات دوران انقلاب، همواره بر مسئله وحدت و انسجام بین مردم و همچنین مردم و حکومت تأکید داشته‌اند. اما این مشکل را در سطح امت اسلامی، بسیار جدی‌تر و عمیق‌تر می‌بینند. بر این اساس، بر وحدت مسلمین تأکید بیشتری داشته و حج را مهم‌ترین محور اتحاد و انسجام برپایه اسلام می‌دانند. از نظر ایشان، عامل اصلی تشتت و ازهم‌گسیختگی در بین امت اسلامی، شیطان بزرگ است که به چند طریق عمل می‌کند:

- جوجه‌های شیطان بزرگ^۱؛

- ترویج ملی‌گرایی افراطی^۲؛

- ایجاد اختلاف مذهبی^۳؛

- آخوندهای درباری: امام نقش ملامهای منحرف و دست‌نشانده حکام جور در ایجاد نفاق و شقاق در بین امت اسلامی را نقشی بی‌بدیل و زجرآور می‌داند. از نظر ایشان،

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

۲. همان، ص ۲۰۹.

۳. همان.

به دلیل همین سرسپردگی و حماقت این گروه است که هیچ گاه مورد تعرض تروریست‌ها قرار نگرفته‌اند.^۱

دو - دعوت به وحدت برای قیام

امام ضمن تذکر درباره عوامل تفرقه‌افکن، همه مسلمین را به اتحاد و انسجام دعوت می‌کند. کمتر مطلبی تا این اندازه مورد توجه و تأکید امام قرار گرفته و مکرر به آن دعوت شده است؛ به خصوص در پیام‌های حج. مطلب زیر نمونه خوبی از لحن و منطق امام در دعوت به اتحاد است؛ اتحادی که به افزایش نیروی مسلمین و تشجیع روحی و تجهیز قوای آنها منجر شده و در قیام علیه مستکبران، پیروزی را به ارمغان خواهد آورد. این مطلب در یکی از پیام‌های امام به زائران حج آمده است:

هان! بشناسید این مشاعر بزرگ را، و مجهز شوید از مرکز بت‌شکنی برای شکستن بت‌های بزرگ که به صورت قدرت‌های شیطانی و چپاولگران آدم‌خوار درآمده‌اند، و از این قدرت‌های تهی از ایمان نهراسید، و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید، و از تفرق و تنازع بپرهیزید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾. رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است، با تنازع و دست‌بندی‌های موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود، و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد. ای مسلمانان جهان! چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرت‌های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی - انسانی ایجاد نمودید. اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است، در مقابل دشمن، این چنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می‌دانید که تمام بدبختی‌های شما در تفرقه و

اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید؛ آنجا که می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى﴾ همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فرادا در مقابل جنود شیطانی باطن خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرت های شیطانی. اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد، پیروز است. ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت ها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقف و مشاعر الهی به هم پیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید.^۱

سه - ضرورت توجه به وضعیت محرومان و مستضعفان

امام، هم در مبارزات دوران انقلاب و هم در پیام هایشان به حجاج، همواره به مسئله محرومان و مستضعفان عالم توجه داشته اند. از نظر ایشان، یکی از اهداف جهاد با مستکبران عالم، رهایی قشر محروم و مظلوم از چنگال آنان است. در اندیشه امام، اساساً اسلام برای نجات مستضعفان آمده است.^۲

از نظر امام، جنگ های زمان پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه جنگ مستضعفان با زورمندها بوده است؛ با کسانی مثل ابوسفیان و امثال آنها که صاحب قدرت بوده اند و منافع ملت ها را غارت کرده اند. امام معتقدند در یک آیه قرآن، نمی توان مطلبی پیدا کرد که مستضعفان را به ملایمت با زورمندان جبار دعوت کرده باشد.^۳ اساساً تمام انبیا با کمک مستضعفان

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۵۷.

۳. همان، ص ۲۱۴.

بر مستکبران پیروز شده‌اند و انقلاب اسلامی نیز انقلابی است جهانی و الگویی کامل است برای دعوت مستضعفان به قیام و مبارزه با مستکبران عالم:

تمام ادیان آسمانی از بین توده‌ها برخاسته است و با کمک مستضعفین، بر مستکبرین حمله برده است. مستضعفین، در همه طول تاریخ، به کمک انبیا برخاسته‌اند و مستکبرین را به جای خود نشانده‌اند. در اسلام، پیغمبر اکرم از بین مستضعفین برخاست و با کمک مستضعفین، مستکبرین زمان خودش را آگاه کرد یا شکست داد. مستضعفین بر تمام ادیان حق دارند. مستضعفین به اسلام حق دارند؛ زیرا در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله، این جمعیت بودند که کمک کردند دین اسلام راه ترویج کردند از دین اسلام. رژیم‌های شاهنشاهی و مستکبرین وابسته به آن رژیم، همیشه راه آنها غیر راه اسلام بوده است و با مبارزه با اسلام، زندگی منحوس خود را ادامه می‌دادند. مستضعفین بودند که دنبال انبیا بودند، دنبال علما بودند، دنبال اولیا بودند. نهضت ما هم با مستضعفین پیش رفت. مستکبرین یا فرار کردند یا در منازل خود نشستند.^۱

امام در بیان مفهوم مستضعف، معتقدند:

مستکبرین منحصر به سلاطین نیستند، منحصر به رؤسای جمهور و دولت‌های ستمگر نیستند. مستکبر معنای اعمی دارد که یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف می‌شمرند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند؛ یک مورد هم همین دولت‌های جائر و سلاطین ستمگر هستند که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعدی می‌کنند و دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند.^۲

از نظر امام «هر فرد، می‌شود که مستکبر باشد و می‌شود مستضعف باشد. اگر من به زبردست‌های خودم، ولو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک

۱. صحیفه امام، ج. ۷، ص ۳۲۷.

۲. همان، ص ۴۸۹.

شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف؛ و مشمول همان معنایی است که مستکبرین و مستضعفین هستند»^۱.

امام در پیام به حجاج، مکرر همین مطلب را بیان کرده و حج گزاران را به قیام علیه مستکبران و حمایت از مستضعفان عالم فراخوانده‌اند. از نظر ایشان، یکی از کارکردهای حج، اساساً ایجاد وحدت و همدلی بین مستضعفان است. این کنگره، کنگره بین‌المللی مستضعفان برای همدلی و همفکری در راستای مبارزه با مستکبران است. جالب اینکه امام در یکی از پیام‌هایشان به حجاج، پیشنهاد تأسیس حزب جهانی مستضعفان را می‌دهد که منجر به اتحاد و همدلی می‌شود:

تمام مستضعفان دنیا، اعم از مُسَلَّم و غیر مُسَلَّم - این دولت‌های غیراسلامی که به مردم ظلم می‌کنند؛ ملت‌ها این‌طور نیستند. ملت مثلاً آمریکا، ملت فرانسه، آنها که ظلمی نمی‌خواهند بکنند. اینکه ظلم می‌کند، آنکه خلاف می‌کند، دولت‌ها هستند. آنها هم مستضعفینشان گرفتار مستکبرین است - اگر یک حزبی در عالم، پیدا بشود، یک حزب عالمی، حزب مستضعفین، که همان «حزب الله» است، این مشکل رفع بشود. با رفع این دو اشکال، تمام مشکلات مسلمین رفع می‌شود؛ هیچ قدرتی با این قدرت‌ها نمی‌تواند مقابله بکند.^۲

ایشان در یکی دیگر از پیام‌های حج، ضمن یادآوری این مطلب که از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است، خطبا، گویندگان و نویسندگان را دعوت می‌کنند در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در به وجود آوردن جبهه مستضعفان که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا الله»، از تحت اسارت قدرت‌های شیطانی اجانب و

۱. صحیفه امام، ج. ۷، ص. ۴۸۹.

۲. همان، ج. ۹، ص. ۳۳۱.

استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.^۱ البته توان تجمیع مستضعفان و تهییج آنان به مبارزه، لوازمی دارد که باید به آن توجه کرد و از آن جمله توجه به مردم ضعیف و همدلی با آنان است:

حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید؛ ببینید فقرا چه جوری هستند، شما هم بشوید آن‌طور. ببینید مستمندان جهان چطورند، شما هم [به] آن رنگ درآیید. خوب، شما حاجی هستید، شما مسلمانی هستید که می‌خواهید به داد مسلمین برسید، به داد مستضعفان جهان برسید. این قدر بالا نبرید توقعات خودتان را که خدای تبارک و تعالی یک وقت - خدای نخواستہ - امر بفرماید که این جور نشود - و نمی‌شود آن وقت - آن وقت گرفتاری زیاد می‌شود.^۲

دقت در مجموع بیانات امام نشان می‌دهد که این دیدگاه، صرفاً یک سفارش اخلاقی نیست، بلکه از نظر امام، یکی از شروط اصلی مبارزه با استکبار، دوری از طواغیت و منش‌های اشرافی و تمسک به ساده‌زیستی و هم‌سفرگی با فقراست. مجاهدی که می‌خواهد با طواغیت زمان مبارزه کند، نمی‌تواند رفاه‌طلب و تن‌پرور باشد.

چهار - ضرورت مبارزه با بی‌تفاوتی

امام معتقدند باید رویکرد مسلمانان درباره اسلام و ارزش‌های آن تغییر کند؛ به خصوص نسبت به رویکرد سیاسی و جهادی آن. از نظر ایشان، یکی از عوامل خمودی و عقب‌ماندگی مسلمانان، ترویج روحیه بی‌تفاوتی و ولنگاری در بین مردم است. این مسئله در همه‌جای جهان اسلام، بلیه عمومی است. اساساً می‌توان گفت یکی از هدف‌های امام در پیام‌های حج، این است که مسلمانان را از بی‌اعتنایی به اطراف و مسائل جهان اسلام خارج کند و روحیه انقلابی را در آنها پدید آورد. این بی‌اعتنایی در

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۴۲۸.

منطق امام، همه اقشار، اعم از علما و عامه مردم را شامل می‌شود. در نظر امام، بدترین نوع بی‌اعتنایی، بی‌اعتنایی صاحبان اندیشه، روشنفکران و علماست؛ زیرا بی‌اعتنایی آنها به عموم مردم سرایت می‌کند. به همین دلیل می‌بینیم هم‌زمان امام، هم علما و هم سایر اقشار بلاد اسلامی را به مبارزه و قیام دعوت می‌کنند. ایشان مکرر در پیام‌های حج، علما و خطبا را به مبارزه علیه بی‌اعتنایی دعوت می‌کنند.

از نظر امام، در ایران قبل از انقلاب، دخالت در امور سیاسی یک عیب شده بود. الآن هم شاید بعضی اشخاص این را یک عیبی می‌دانند که فلان ملاً چه کار دارد به اینکه در ایران چه می‌گذرد؛ تو نمازت را بخوان و برگرد منزلت، دعا بکن. این نقشه‌ای بود که تحمیل بر همه ما شده بود؛ یعنی، جوری شده بود که همه باورمان آمده بود آخوند چه به اینکه ببیند در امور مسلمین چه می‌گذرد. آن امور مسلمینی که در صدر اسلام با علمای اسلام بوده، پیغمبر اکرم عالم بزرگ اسلام، بالاترین شخص اسلام، حضرت امیر علیه السلام هم همین‌طور؛ آن وقت آن‌طور بوده است و بعد وضع برگشت به اینکه نمی‌توانست یک آخوندی، یک عالمی، یک مجتهدی اسم سیاست را ببرد. نمی‌توانست دخالت در یک امری بکند. می‌گفتند به شما چه ربط دارد؟ شما بنشین سر جایتان! به ما چه که فلان چیز^۱.

از نظر ایشان، الآن هم در بلاد اسلامی همین روحیه حاکم است؛ برای مثال:

حجاز، که مرکز اسلام بوده است و مرکز تجهیز همه قوای اسلامی بوده است، همین وضع را دارد که [می‌گویند:] به ما چه ربط دارد که کجا چه می‌شود؟ به ما چه ربط دارد که اسرائیل چه می‌کند؟ این «به ما چه ربط دارد» که یک شعاری شده بود بین همه، اسباب این شد که رسیده است کار به آنجا که می‌بینید که بلاد مسلمین آن‌طور دستخوش تاخت و تاز آمریکا شده که از آن‌ور دنیا آمده است برای

مسلمین می‌خواهد همه کارها را او اداره کند؛ قیم شده است. الآن آمریکا قیم امور مسلمین شده است. در همه امورشان او باید دخالت کند و مملکت اسلامی را او باید اداره کند؛ او باید ارتش بفرستد و نمی‌داند چه بفرستد. اینها برای همین بود که ما اسلام را از محتوای خودش بیرون کرده بودیم، و حالا هم هر چه فریاد زده می‌شود در ایران الحمدلله، خوب است و دارد پیشرفت می‌کند، اما جای دیگر، این فریاد به جایی نمی‌رسد.^۱

امام به شدت با این منطق مخالف بود و معتقد بود روحیه مسئولیت‌پذیری در قبال مشکلات جوامع اسلامی و دیگر مردمان عالم باید بر پایه منطق دین مهرپرور اسلام، ترویج و تقویت بشود. در این صورت است که امکان تجمیع نیروها و توانایی‌ها برای مبارزه با مشکلات در عرصه‌های گوناگون وجود خواهد داشت.

پنج - تعاطی و تعامل بین مسلمین برای بهره‌گیری از تجارب

امام در مسیر نهضت جهانی اسلام معتقدند باید تجربه‌های مبارزاتی و جهادی مسلمین در اختیار دیگران قرار بگیرد. مسلمین علاوه بر کمک مادی به یکدیگر باید تجارب سیاسی و فرهنگی خود را نیز در مسیر مبارزه با طاغوت، سخاوتمندانه و بدون کوچک‌ترین چشمداشتی مبادله کنند؛ با همین منطق، معتقدند باید تجارب انقلاب اسلامی ایران به‌طور کامل در اختیار سایر ملل مسلمان قرار بگیرد:

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خون‌بهای هزاران شهید و مجروح و خراب‌شدن منازل و به آتش کشیده‌شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته‌شدن تعداد بسیاری در بمب‌گذاری‌ها و اسیرشدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب‌شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به

دست آورده و با فداکاری‌ها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه کرده است، و ما به تمام جهان، تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. روشنفکران اسلامی، همگی با علم و آگاهی باید راه پرفرازونشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را ببینند و تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی‌زدن بر گونه ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی‌خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم، ترسیم کنند.^۱

۵. برائت از مشرکان، ملخص و مجمع ابعاد مبارزاتی اندیشه امام

شاید بتوان گفت چکیده اندیشه مبارزاتی امام را می‌توان در نگاه ایشان به مسئله برائت و مراسم برائت از مشرکین در حج دانست. همه آنچه را در خصوص اندیشه سیاسی امام در مبارزات انقلاب و نیز در خصوص مسائل امت اسلامی و نظام جهانی گفته شد، می‌توان در پیام برائت ایشان جست‌وجو کرد. در اینجا مجال پرداخت به همه عناصر جهادی اندیشه امام در پیام برائت نیست. به‌ناچار صرفاً مجملی از یکی از پیام‌های ایشان به حجاج بیان می‌شود. ایشان در ششم مرداد ۱۳۶۶ در پیامی به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام اعلام کرد:

اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است. باید در ایام حج، به صورت تظاهرات و راه‌پیمایی، باصلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر، برگزار شود و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایت‌کار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و

کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود، و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن، به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود.^۱

در همین پیام آمده است که برائت کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق به ذات حق و نفرت و بغض عملی به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردیدآفرینان و متحجران و منحرفان گوش فراندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام، غفلت نکنند.^۲

نکته محوری اینکه امام در هر حال، اعلان برائت در حج را به منزله «تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرست‌ها» می‌دانند؛ امری که از نظر ایشان به شعار هم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه «سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازمان‌دهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس‌صفتان است» و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود، و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست، پس مأمّن و پناهگاه آنان در کجاست؟^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۴.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. همان، ص ۳۱۶.

همچنین امام خمینی علیه السلام اعلان برائت را «مرحله اول مبارزه» می‌دانند که ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست و در هر عصر و زمانی، جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمام مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند، چه باید کرد. آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان‌ها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت‌پرست‌ها منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذ بالله پیامبرانی همچون ابراهیم علیه السلام، در شکستن بت‌ها پیش‌قدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت‌شکنی‌ها و مبارزات و جنگ‌های حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان، مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرت‌ها و تحمل سختی‌ها و سکونت در وادی غیرذی‌زرع و ساختن بیت و فدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام‌آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی ﴿إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ ابلاغ می‌نماید؛ که اگر غیر از این، تحلیل و تفسیری به دست دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بت و بت‌پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید و مدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد.^۱

از نظر ایشان، امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، «فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان، آمریکا و اذنان آن، به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است»؛ «فریاد ملت مظلوم و ستم - دیده - کشیده افغانستان»؛ «فریاد مردم مسلمان آفریقا، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه‌بودن، تازیانه ستم سیه‌روزان بی‌فرهنگ نژادپرست را می‌خورند»؛ «فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملت‌ها و کشورهای دیگری که ابرقدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمین‌های آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند»؛ «فریاد برائت همه مردمانی که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند»؛ «فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروت‌ها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندان ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است»؛ «فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را، زران‌وزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون‌دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود، محروم نموده‌اند»؛ «فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند».

امام علیه السلام در بخش‌های پایانی همین پیام، این‌گونه منطق‌ستیز خود را تکمیل می‌کند: قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان، مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است، ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند، سلب خواهد کرد.^۱

در این پیام، مبنای مبارزه، اهداف و مقاصد آن، گستره موضوعی و جغرافیایی مبارزه و میزان تعهد به اهداف مبارزه، به‌خوبی خلاصه شده است.

جمع‌بندی

با در نظر گرفتن آنچه بیان شد، می‌توان گفت که اندیشه انقلابی امام، همه‌جا رنگ و بوی یکسانی دارد و مبانی و علایم آن، تفاوت چندانی ندارند؛ چه در مبارزات علیه نظام ستم‌شاهی در ایران و چه در پیام به جامعه اسلامی برای برائت از مشرکان در حج. محور این انسجام، چیزی جز اتکا به مبانی متقن اسلامی و اتخاذ بینش‌ها و روش‌ها از منابع و مراجع اسلام ناب محمدی نیست. در نظر امام، اسلام دینی جامع و کامل است که سازنده همه ابعاد وجودی انسان است و قرآن، کامل‌ترین نسخه علاج مشکلات را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در این چارچوب، اسلام واقعیتهای واحد است که ابعاد متکثری دارد و هر یک از این ابعاد، در خدمت مقصد و مقصود نهایی که نجات و کمال بشر است، می‌باشند. امور سیاسی نیز چنین کارکردی دارند. در نظرگاه امام، همه عبادات و احکام اسلامی، دارای ابعاد سیاسی و اجتماعی‌اند و بی‌توجهی به این ابعاد، به معنای عمل ناقص به یک نسخه جامع است. حج نیز یکی از این نسخه‌هاست که در نظر امام، از بالاترین

وجه سیاسی برخوردار است. به طور کلی می‌توان مغز نظریه سیاسی امام را در نبرد دائم و جاودان بین حق و باطل دانست. از نظر ایشان، همه انبیا با طاغوت‌ها و مستبدان زمان خود درافتاده‌اند و بسیاری از آنها در این مسیر به شهادت رسیده‌اند. در نظر ایشان، در زمان ما آمریکا و اسرائیل، بزرگ‌ترین بت‌ها و دشمن اصلی جوامع بشری و مسلمین هستند و همه باید در مبارزات خود، این نقطه اصلی را مد نظر داشته باشند.

امام معتقدند در این کشاکش بزرگ، حج تجلی‌گاه اصلی و روشن‌ترین جایگاه نبرد حق و باطل و جبهه استکبار و استضعاف است. ایشان حج را کانون معارف الهی می‌دانند که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی باید جست‌وجو کرد. حج، پیام‌آور ایجاد و بنای یک جامعه متکامل در دنیا است و مناسک حج، مناسک زندگی است و از آنجاکه جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله پیوند بخورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است.^۱

امام، حج را یک مجلس بین‌المللی بزرگ می‌دانند که در آن، خدای تبارک و تعالی می‌خواهد مردم را مجتمع کند و مسائل اسلام را طرح، و حل کنند.^۲ از نظر امام، خداوند تعالی سرّ و انگیزه حج و غایت قرارداد کعبه و بیت‌الحرام را، نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده‌های مستضعف جهان ذکر می‌فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند.^۳ «اگر دولت‌های اسلامی واقعاً به خود می‌آمدند، توجه می‌کردند که یک

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

همچو محفل بزرگی، که خدای تبارک و تعالی بر ما لازم کرده، بر عددی از ما الزام کرده و بر همه مستحب کرده است که آنجا برویم، این دولت ها وسایلش را فراهم می کردند و ملت هایی که می رفتند آنجا با دست باز باهم ملاقات می کردند. باهم دردهای بلاد خودشان را [در] میان می گذاشتند، گرفتاری هایی که از قدرت های بزرگ برای آنها پیش می آمد و پیش می آید، طرح می کردند، گفت و گو می کردند و برمی گشتند به محال خودشان و تبلیغ می کردند مسائل را. اگر دولت ها، دولت هایی بودند که توجه داشتند به این مسائل و نمی خواستند که زیر بار قدرت های بزرگ باشند و می فهمیدند لذت اینکه یک حکومت بر یک جامعه بیدار از یک حکومت بر یک جامعه ای که هیچ خبر از هیچ چیز ندارد، بهتر است، از زیر بار بیرون آمدن از ابرقدرت ها، ولو هر جور مصیبت هم برای ملت های ما داشته باشد، بهتر است از اینکه ما در کاخ های بزرگ و در خانه های چه و کذا و اتومبیل های کذا باشیم و نوکر باشیم. اگر اینها این را می فهمیدند، دست از این کارها برمی داشتند و با ملت ها هم صدا می شدند و وسایل را فراهم می کردند و این محفل بزرگ حج را نه این طوری که حالا هست، درست به جا می آوردند و خودشان هم می آمدند، در آن محافل می نشستند و مسائلشان را حل می کردند. آن وقت اسلام یک قدرتی می شد که هیچ قدرتی مقابل او نبود. این یک راه هست که مردم را، همه مردم را سالی یک دفعه همه بلاد را دعوت کردند ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾ هر کس بتواند باید برود.^۱

منابع

* قرآن کریم

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل (طبع جدید)، امام خمینی.
۲. شرح دعاء السحر (ترجمه فارسی)، امام خمینی.
۳. مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام حسین مقیمی.
۴. نرم افزار صحیفه امام (مجموعه کتب، بیانات، نامه ها و پیام های امام خمینی علیه السلام)

بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی: تبیین مفاهیم و عرصه‌ها

یوسف فتاحی^۱

چکیده

در دهه‌های اخیر، تأثیر اسلام ناب بر تحولات اجتماعی و سیاسی، خصوصاً بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران، در مجامع علمی مورد توجه قرار گرفته است. از میان احکام اسلامی، حج و مناسک آن، به عنوان یک عنصر بین‌المللی اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در خلق تحولات اجتماعی ایفا می‌کند. مقاله پیش رو ابعاد معرفتی و کارکردی حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی را با مراجعه به برخی از آیات حج و پیام‌های امام خمینی علیه السلام به حج و منابع مربوط به انقلاب اسلامی، به روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای، بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از مبانی و کارکردهای حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی مشترک است و احیای حج ابراهیمی، بدینی‌ها و سوء تفاهمات میان ملت ایران و جهان اسلام را رفع می‌کند و انقلاب اسلامی، نمونه‌ای عملی برای برون‌رفت از وضعیت موجود کشورهای اسلامی و الهام‌بخش خیزش‌های اسلامی و معنویت‌گراست.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، حج ابراهیمی، انقلاب اسلامی، مبانی معرفتی،
 خدامحوری، مردم‌محوری و قیام.

مقدمه

حج ابراهیمی و مناسک آن، نمایش دهنده نوعی فلسفه اجتماعی و انقلاب اسلامی، رویکرد سومی برای اداره جوامع بشری در مقابل دو رویکرد کاپیتالیسم و کمونیسم و رویکردی برای دعوت ملل اسلامی به بازتعریف مجدد، عظمت و تمدن اسلامی و مبارزه با طاغوت است. انقلاب اسلامی، باعث تجدید حیات اجتماعات مذهبی از جمله حج است. حج، محلی برای احیای تفکر دینی و درون‌سازی و مقدمه‌ای برای ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی است.

بسیاری از مبانی و محتوای معرفتی حج و انقلاب مشترک است. وجه مشترک اساسی حج و انقلاب در «ابراهیمی» و «اسلامی» بودن آنهاست. برداشت خاصی از حج، به عنوان حج ابراهیمی و قرائت خاصی از اسلام، به عنوان اسلام ناب محمدی ﷺ سرمایه و پشتوانه حرکت‌های اجتماعی و سیاسی است. حج غیرابراهیمی، منبعث از اسلام آمریکایی، جز تکرار بی‌معنای سنت‌های قدیمی و بعضاً شرک‌آلود نیست. از این رو با دو نوع حج و دو نوع انقلاب به‌ظاهر مشابه، ولی در واقع متمایز مواجه خواهیم شد: «حج ابراهیمی و حج غیرابراهیمی، انقلاب اسلامی و انقلاب غیراسلامی».

حج ابراهیمی، عبادت خدا در اجتماع است و هویت عبادی آن، با هویت سیاسی و اجتماعی آن پیوند خورده است. حج ابراهیمی، عرصه طرح مسائل مسلمانان است. حج ابراهیمی، سکوت دولت‌های اسلامی را می‌شکند و علیه ستم، بسیج اجتماعی می‌کند. حج، عرصه ظهور اخوت اسلامی و اعتصام به حبل‌الله در مقابل تفرقه، هشدار به مسلمانان درباره نقشه‌های ایجاد تفرقه بین اهل سنت و تشیع و تضعیف قدرت اجتماعی و بین‌المللی اسلام

است. رمی جمرات سه‌گانه، نماد مبارزه با شیطان بزرگ، میانه و کوچک است.^۱ حج ابراهیمی محمدی، حج سیاسی، جهادی و انقلابی است. رمی جمرات، نمادی از رمی سه طاغوت «نفس یا فرد طاغوتی و مستبد»، «نظام استبدادی داخلی و غیرمردمی» و «استعمارگران و سلطه‌گران خارجی» است که هر سه، سد راه خدا و توحیدند. حج از این دیدگاه، یک میتینگ سیاسی و عبادی و یک تظاهرات بین‌المللی و انقلاب علیه سه طاغوت است.

حج، یک مجمع عمومی از همه طوایف «ناس»، نه فقط مسلمین، برای حل مسائل اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی جوامع انسانی است. امام در پیام قبل از انقلاب خود به حجاج تأکید می‌کند، اگر مسلمانان فهمیدند «دولت ایران با مردم چه می‌کند»^۲، باید به مردم رنج‌دیده ایران، به هرنحو ممکن کمک کنند. فلسفه انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی که از اسلام ناب سرچشمه می‌گیرند، همین مبارزه و همکاری است. حج ابراهیمی، یک فلسفه اجتماعی، سیاسی و چگونه زیستن در برابر فلسفه‌های اجتماعی ماتریالیستی و چگونه زیستن‌های دیگر است.

کعبه، تعبیر و نمایش بسیاری از آیات قرآن مانند ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۳ است و می‌تواند در جهت تحکیم پیوند قلبی و اجتماعی و بالابردن قدرت اجتماعی مسلمانان، کاربرد داشته باشد.^۴

حج غیرابراهیمی، یک سفر دسته‌جمعی، سیاحتی، زیارتی و تجارتي و جاه‌طلبانه،

۱. صحیفه امام، امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹، ج ۱۶، صص ۵۱۶ و ۵۱۱، ج ۱۸، ص ۸۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۵۲.

۳. حجرات: ۱۰.

۴. مناسک حج در نگارگری اسلامی و نقش آن در همبستگی ملی و وحدت اسلامی، مهنار شایسته‌فر، نامه پژوهش فرهنگی،

انزوآگریانه و تحریف‌شده، بدون برائت از شیاطین سه‌گانه، مهجور و تهی از جنبه‌های معنوی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی است^۱ و نهایت تأثیر آن در فرد است؛ اگر باشد. این حج را می‌توان حج آمریکایی نامید که اثری از چگونگی زیستن، مبارزه و قیام‌کردن علیه خودگرویی‌ها، موانع آزادی و استکبار درون و بیرون نیست.^۲

انقلاب اسلامی، مبارزه و جهاد علیه ظلم، فساد، تبعیض، طاغوت، استبداد و وابستگی و احیاگر هویت اسلامی (توحید، عدالت، آزادی و استقلال) و یک حادثه از پایین به بالا، و مردمی است و در مقابل آن، دو انقلاب سیاه کمونیستی و سفید شاه قرار دارند که در یک کشور اسلامی، هر دو آمریکایی هستند. منظور از عبارت «آمریکایی» تفکر است نه جغرافیا؛ از این رو اساس اسلام بر جنگ عقاید و پیروزی ایدئولوژی‌هاست.^۳ حج، عرصه تقابل ایدئولوژی‌ها و انقلاب اسلامی، مصداقی برای پیروزی اسلام ناب است. تبیین حدود و مرز این مفاهیم می‌تواند موضوع مقاله را روشن سازد. بنابراین سؤالات اساسی تحقیق عبارت‌اند از:

- مبانی و فلسفه انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی چیست؟

- چه مکانیسم‌هایی آثار و غایات حج و انقلاب اسلامی را قابل دستیابی می‌کنند؟

- هریک از انقلاب اسلامی و حج، چه نقشی در تبیین جایگاه دیگری می‌تواند

داشته باشد و چه موانعی دارند؟

روش تحقیق مقاله، توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است، و میدان مطالعه تحقیق،

قرآن، آثار امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری و بعضی از منابعی هستند که در زمینه انقلاب و حج خلق شده‌اند.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸۹.

۲. سخن نامه حج، محمد محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳.

۳. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، بی‌تا، ص ۷۶.

۱. مفهوم انقلاب و حج

حج، در لغت به دو معنا به کار می‌رود: «آهنگ و قصد کسی یا چیزی کردن و با دلیل بر کسی چیره‌شدن».^۱ در اصطلاح شرع، سفری به مکان مقدس و بلدی حرام به نام مکه در ماه حرام، به منظور زیارت خانه خدا و انجام برنامه‌های عبادی به نام مناسک و اعمال حج، در چندین موقف و میعادگاه است.^۲ حج، حرکت و آهنگ مقصدی کردن و نشانه رجعت انسان به سوی خداست. این آهنگ با کندن از خود، از زندگی مادی و همه علقه هاست.^۳ حج حقیقی، که امام از آن به حج ابراهیمی - محمدی تعبیر می‌کند، سه شاخصه مهم دارد: شاخصه اول، سازندگی؛ شاخصه دوم، ایجاد وحدت میان امت اسلامی و شاخصه سوم، تحول‌آفرینی در جهان اسلام در راستای منافع مادی و معنوی جوامع اسلامی است.^۴ ساخته‌شدن انسان در حج بر اثر تعبد و بندگی خداوند از یک سو و انطباق، سازمان‌یافتگی و انسجام از سوی دیگر، از نتایج آن هستند. سازمان‌یافتگی و انسجام در شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی یک ضرورت است^۵ که این ضرورت در حج ابراهیمی تحقق می‌یابد. حج، انقلاب علیه سه پایگاه زور، تزویر و ثروت است. نماد آنها در تاریخ فرعون، بلعم باعورا و قارون است. رمی جمرات سه گانه، نماد رمی تزویر، قدرت و ثروت است.^۶ حج، انقلابی علیه ماتریالیسم، شرک و توحید مسخ‌شده است. انقلاب، دگرگونی در حوزه فرهنگی - ذهنی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی و مادی جامعه است. انقلاب

۱. فرهنگ عربی - فارسی دانشیار، رضا مهیار، ۱۳۸۰، ص ۲۰.

۲. فرهنگنامه حج و عمره و اماکن مربوط، صدر طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۱۳.

۳. حج، علی شریعتی، ۱۳۶۰، صص ۲۹ و ۴۱.

۴. سخن‌نامه حج، ج ۴، ص ۱۶۵.

۵. درآمدی بر انسان‌شناسی، کلود ریویر، مترجم ناصر فکوهی، ۱۳۷۹، ص ۷۷.

۶. همان، صص ۱۹۱ و ۲۰۷.

اسلامی، جنبشی علیه ذهنیت مسخ‌شده یا تزویر، سیاست مسخ‌شده یا استبداد و سلطه و اقتصاد مسخ‌شده یا نظام تبعیض، بی‌عدالتی و ظلم است.

موضوع اصلی انقلاب اسلامی، همین سه تا است. انقلاب اسلامی، تظاهر به اسلام^۱ و سد بزرگ مخالفت با ظلم و استبداد است.^۲ انقلاب سه عنصر اساسی دارد:^۳ «عنصر عمل ارادی و اختیاری، عنصر تقدس و تعالی، عنصر نفی و انکار». این سه عنصر در سه اصل انقلابی امام خمینی خود را نشان می‌دهند. عنصر اول در همه انقلاب‌ها مشترک است: همه انقلابیون، با اراده و اختیار، وارد عرصه مبارزه می‌شوند. عنصر دوم و سوم (عنصر جای‌گزینی اندیشه جدید) باعث تنوع انقلاب‌ها می‌گردند. پسوند انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی بعد از انقلاب‌ها از این سه عنصر نشئت می‌گیرد. این سه عنصر، انقلاب را اسلامی، لیبرالیستی، کمونیستی می‌کند. به نظر می‌رسد حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، بذر تحولات آتی جهان اسلام را پاشیده‌اند. رمز موفقیت امام، تأکید بر اسلام، و یکی از ویژگی‌های اسلام، دادن حس پرخاش به پیروان خود و مبارزه و نفی وضع موجود نامطلوب، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر است.^۴ انقلاب اسلامی، تحقق این اندیشه، و حج، عرصه انتقال این تجربه است.

۲. مبانی حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی

آنچه حج را ابراهیمی و انقلاب را اسلامی می‌کند و باعث تمایز حج‌ها و انقلاب‌ها از همدیگر هستند، سه پایه مهم خدامحوری، رهبری و مردم‌مداری و قرائت خاص از آنهاست که به صورت اجمال به بررسی هریک می‌پردازیم:

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۸۲.

۲. همان، ص ۴۸۳.

۳. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۹.

۴. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۵۵.

الف) خدامحوری

انقلاب اسلامی، حاصل احیای تفکر دینی در دوره معاصر است که سرسلسله‌جنبان این جریان، در دهه‌های اخیر، حضرت امام خمینی علیه السلام بود. در واقع احیای اسلام ناب، محرک اصلی آن بود و با وقوع انقلاب اسلامی، حج ابراهیمی احیا شد.

اسلام، منبع قوی و پرتحرک در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. پسوند «اسلامی» در حج و انقلاب، مقصد این دو حرکت را نشان می‌دهد. البته حج به‌عنوان یک عمل عبادی اجتماعی و سیاسی، و انقلاب به‌عنوان یک عمل اجتماعی و سیاسی، ولی هر دو برای انجام یک تکلیف و آن «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»^۱ و «لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا»^۲ است. حج ابراهیمی، فرصت جهاد، ایثار، شجاعت، شهامت، وحدت، ذکر و پرستش توحید است.^۳ شرط امت واحده‌شدن جامعه اسلامی، ابراهیمی‌شدن مردمان جوامع اسلامی، بلکه مردمان جوامع بشری است و شرط ابراهیمی‌شدن، حذف تمام امتیازات مادی و معنوی از تک‌تک انسان‌ها و تمرین یک زندگی توحیدی در عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. توحید را چگونه می‌توان در جامعه احساس کرد؟ در مناسک حج، زمانی که احرام بسته می‌شود و همه یکرنگ می‌شوند، توحید تجلی می‌یابد.

علامه طباطبایی درباره عبارت «طَهَّرَ بَيْتِي»^۴ دو احتمال می‌دهد: احتمال اول، طهارت معنوی یعنی طهارت از شرک، و احتمال دوم، طهارت مادی و معنوی است. وی احتمال اول را تأیید می‌کند.^۵ اما با دقت در ماهیت حج، احتمال دوم مناسب‌تر است.

۱. قریش: ۳.

۲. حج: ۲۶.

۳. صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۷۷.

۴. حج: ۲۶.

۵. ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۲۰.

به عبارت دقیق‌تر مفهوم مخالف طهارت از شرک، اثبات توحید است. توحید در صورتی محقق می‌گردد که انسان از تمام حیثیات موحد باشد. در مواجه عمیق‌تر با آیه، نظافت از مظاهر رذایل اعتقادی مانند شرک، رذایل اخلاقی مانند نفاق، رذایل اجتماعی مانند تبعیض و بی‌عدالتی، رذایل اقتصادی مانند ربا، احتکار و رذایل سیاسی مانند برتری‌جویی‌های سیاسی و گرایش به اعمال طاغوتی نظیر استبداد و سلب آزادی‌های مشروع مردم است. شاید مفهوم «وُضِعَ لِلنَّاسِ» همین باشد. تطهیر از هرگونه پلیدی، چهره دیگری از تثبیت توحید است. محتوای حج، گرایش به حق و تهی کردن دل از همه تعلقات، رجم شیاطین انس و جن و عهد با خدای یکتا برای طرد قدرت‌های شیطانی است.^۱

یک سؤال مهم: آیا اعمال و مناسک حج، صرفاً شبیه‌سازی صوری و تکرار طوطی‌وار تاریخی آنهاست؟ زیرا امروز نه اسماعیلی وجود دارد، نه ابلسی و نه کاردی! درک ابراهیم، اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام و ابلیس امروز مهم است. امام خمینی، به‌خوبی این مسئله را تبیین، و حج ابراهیمی، محمدی را مطرح می‌کند که فراتر از مقطع تاریخ قرار می‌گیرد.

حج از اختلاف لغات، نژاد، عادات، آداب فراتر است. از یک سو فرصتی برای تماس با بدنه دنیای اسلام و انتقال تجارب و ارزش‌های اسلامی است و از سوی دیگر، فرصتی است که مسلمان ایرانی، با اخلاق و منش خود، جمهوری اسلامی را معرفی کند. حج تجلی توحید است. توحید دو جزء است: یکی الله و یکی لا اله غیر الله؛ یکی اثبات و یکی نفی است. حج، اثبات ولایت الله و نفی ولایت غیر الله است. این همان برائت است.^۲ عبارت «اسلام جمهوری اسلامی»، صرفاً با تبلیغ و ژست روشن نمی‌شود، بلکه با عمل قلوب مردم مسلمان جلب می‌گردد. مردم حکومت خود را درک می‌کنند. انتقال این درک عامل تمایز خواهد بود. اسلام جمهوری اسلامی از حیث نظری و

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کراگزاران و دست‌اندرکاران حج، ۴/۸/۱۳۸۸.

عملی، نفی طاغوت با تمام مصادیق و تأسیس جبهه غیر خودی و اثبات نظری و عملی حقانیت و تأسیس جبهه خودی است. یکی از عوامل مهم همبستگی جهان اسلام، تفکیک این دو جبهه است. در صورت عدم تفکیک این دو جبهه، تضاد در داخل گروه شکل می‌گیرد. ولی با تمایز این دو گروه، انسجام درونی حاصل شده و با گروه مقابل در تضاد خواهد بود.^۱ سیاست دشمن‌تراشی برای ایجاد انسجام مصنوعی یا حذف جناح‌های سیاسی و تنگ‌نظری‌های جناحی، منظور نیست؛ بلکه هدف، تفکیک جبهه توحید با همه گستردگی از جبهه شرک است.

امام خمینی در مصاحبه با روزنامه «السفیر» در پاسخ به این سؤال که: «در اذهان مردم، درباره برنامه انقلاب به عنوان یک انقلاب اسلامی، اشتباهی وجود دارد. مضامین فکری، اقتصادی و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران چیست؟»، چنین جواب می‌دهد:

انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل، در همه شئون جامعه، سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او یعنی برای رضای او عمل کنند. هیچ چیز و هیچ کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها و لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش، محکوم می‌شود و فقط انسان‌ها دعوت می‌شوند به پرستش خدا. در آن صورت همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیراقتصادی، در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود. همه امتیازات لغو می‌شود. فقط تقوا و پاکی، ملاک برتری است. زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی، مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است.^۲

۱. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱.

اساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، نفی طاغوت، نفی شخص، شخصیت و لذت‌پرستی و تحقق‌بخشیدن به حاکمیت الله و مردم از طریق آگاهی، اجتماع و قیام به‌شیوه انسانی و بالغو تمام امتیازات است.

ب) رهبری

براساس حدیث مبانی پنج‌گانه دین (نماز، روزه، زکات، حج و ولایت)، حج بدون ولایت، حضور در عرفات بدون معرفت امام، قربانی در منا بدون فداکاری در راه امامت و سعی بدون تلاش برای شناخت امام، بی‌حاصل است.^۱ وجود رهبری جامع‌الشرایط در حج و انقلاب ضروری است. حج و انقلاب بدون رهبری، نتیجه‌ای جز پراکندگی، دعوای بی‌حاصل، سردرگمی و هزینه‌ها و تلفات جبران‌ناپذیر نخواهد داشت. حج ابراهیمی بدون ابراهیم عليه السلام، حج محمدی بدون محمد صلى الله عليه وآله و انقلاب ایران بدون رهبری امام خمینی، ابراهیمی، محمدی و اسلامی نخواهند بود.

چرا باید حجاج، مقام ابراهیم عليه السلام را مصلی قرار دهند؟ چرا خدا از ابراهیم و اسماعیل عليه السلام تعهد نظیف خانه را می‌گیرد و منظور از این نظافت چیست؟ خداوند به ابراهیم عليه السلام می‌فرماید: میان مردم صدا بزن و مردم، پیاده و سواره، به‌سوی خانه خدا می‌آیند؟^۲ تأمین اسرار معنوی و آسمانی حج و جهت‌دادن به اجتماع انبوه حاجیان و هدایت قیام و مبارزات مورد نظر از مواقف حج بدون رهبری به نتیجه‌ای نمی‌رسند.^۳

اگر حج یک امر تاریخی باشد، همه‌چیز پایان یافته است. اگر غیرتاریخی باشد،

۱. صهبای حج، جوادی آملی، ص ۹۳.

۲. حج: ۲۷.

۳. صهبای حج، ص ۹۷.

ابراهیم زمان را که امامت حج را به عهده گیرد و آن را به جایگاه اصلی خود بازگرداند، باید جست‌وجو کرد. حج ابراهیمی با ابراهیم علیه السلام معنا می‌یابد. حج بدون امامت انسان صالح، نمی‌تواند محل خیزش عمومی و قیام علیه طاغوت‌های داخلی و بین‌المللی باشد. امام باقر علیه السلام به مردمی که گرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد و سپس فرمود:

در جاهلیت این گونه طواف می‌کردند. همانا به آنان دستور دادند که بر گرد کعبه طواف کنند، سپس به سوی ما کوچ کنند و با ما اعلام همبستگی و دوستی کنند و یاری خود را بر ما عرضه بدارند.^۱

یک رهبر لایق و شایسته الهی، عظمت حج را احیا می‌کند. حج با همه مزایایش، ابراهیم علیه السلام بنیانگذار آن است. مقام ابراهیم علیه السلام، محلی است که ابراهیم علیه السلام همه مردم جهان را به حج دعوت کرد و صلاهی ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾^۲ را سر داد. وقتی مردم دور دور یک رهبر، ابراهیم‌وار حلقه زدند، مفهوم ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾^۳ محقق می‌شود و امنیت برقرار می‌گردد؛ چون بلافاصله ﴿وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾^۴ بیان می‌شود. عهد و پیمان با ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام، زمینه مثبت و امنیت را فراهم می‌کند. فرهنگ‌سازی و دعوت مردم به حج و آشنا ساختن مردم به اسرار و منافع آن، وظیفه ابراهیم علیه السلام است. گردهمایی بدون رهبری، نه تنها به امنیت ختم نمی‌گردد؛ بلکه به درگیری و نزاع مبدل می‌شود؛ چون همه ادعای بزرگی و منیت دارند. جریان‌سازی اجتماعی و سیاسی در گردهمایی حج، بدون رهبری شکل نمی‌گیرد. امام خمینی تبلیغ و تعلیم را دو فعالیت مهم در راستای قیام امت اسلامی و تأسیس

۱. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲. حج: ۲۷.

۳. بقره: ۱۲۵.

۴. همان.

حکومت می‌داند.^۱ امام خمینی، نظیر خلیل الرحمن، حج را احیا و اقامه کرد.^۲ حج نمایشگاه مبارزه اسلامی است. اگر در قرآن، حج «قیاماً للناس» قرار داده شده، یکی از اهداف اصلی قیام، تأسیس حکومت اسلامی در جهت تأمین منافع جامعه اسلامی است. بدون حکومت اسلامی واقعی، همه اعمال حج بی‌روح و نوعی بت‌پرستی خواهد بود. اینکه چه کسی صلاحیت رهبری جامعه اسلامی را دارد، باید به صورت جداگانه بحث شود؛ همان‌گونه که رهبری حج از مردم، در میان مردم و با مردم است.

رهبر انقلاب اسلامی هم یک رهبر مردمی بود. روحانیت شیعه در میان مردم زندگی کرده و ارتباط بسیار نزدیکی با آنها دارند.^۳ حضرت ابراهیم علیه السلام پس بنای کعبه، یک دعای آینده‌نگرانه درباره امت اسلامی می‌کند: «پروردگارا، در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی». اجتماع گروه مؤمنان در حج و انقلابیون در انقلاب، نیازمند رهبری است. کسی می‌تواند رهبری یک گروهی را به عهده بگیرد که از جنس آن گروه، هم‌ارزش با آن گروه باشد و در جهت تأمین و پیگیری اهداف آن، از محبوبیت و توانایی لازم برخوردار باشد. آیه، همه این صفات را بیان می‌کند. در واقع، مهم‌ترین ضوابط رهبری از میان گروه و مردم‌بودن، هم‌ارزش‌بودن و نیازهای مشترک‌داشتن است.^۴

حج ابراهیمی، فرایند شکل‌گیری رهبری و امامت جامعه را در ابراهیم علیه السلام به نمایش گذاشت تا هر کسی در هر زمانی بداند، رهبری جامعه اسلامی و هدایت امت اسلامی به سوی خدا، کار هرکسی نیست و هزینه‌های زیادی را باید تحمل کند.

۱. صحیفه امام خمینی، ص ۱۱۶.

۲. صه‌بای حج، ص ۲۷۱.

۳. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۲، ص ۹۶.

۴. آنا‌تومی جامعه، فرامرز رفیع‌پور، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

ج) نقش مردم

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىٰ لِلْعَالَمِينَ﴾^۱ (آل عمران: ۹۶).

مقصود آیه، این نیست که خانه‌ای در عالم نبود، بلکه کعبه نخستین خانه به نام خدا و به سود عموم مردم تأسیس شده است. هر ساختمانی که به دست آدمی ساخته شده، به نفع فرد و به زیان دیگران است. کاخ‌های ساخته عموم بشر، ملل را قربانی می‌کند؛ ولی خانه‌ای که به نام خدا باشد، همه را تسلیم حق می‌گرداند.^۲

کعبه، محل اجتماع مردم و مرکز خیر و برکت است. مهم‌ترین خیر و برکت آن عدالت، مردمی بودن و فقدان تبعیض است. خانه‌ای که در آن حق، عدالت و مردم باشد، امنیت کامل برقرار است. تبعیض قومی، نژادی، مذهبی، حاکمیت انسان‌های مستبد و ظالم، کفر، نفاق، فسوق و خودپرستی، تهدید، تنازع و درگیری در آن وجود ندارد. در واقع بنیان خانه خدا، بنیان مبارزه با باطل، به معنای تام کلمه است. انقلاب عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با بنیانگذاری خانه آغاز شد و ابراهیم رهبر انقلاب بود.

در حج، مافیه‌الحرکه مردم است. یک خانه روی زمین با صراحت، مشترک بین خدا و مردم است یا چون خالص خانه خداست، خانه مردم است؛ یا بالعکس، چون خانه مردم است، خانه خداست. کعبه را هم بیت الله می‌نامند و هم ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ گویند. از امام علی علیه السلام نقل شده است: «قال كانت البيوت قبله و لكنه أول بيت وضع لعبادة الله».^۳ تنها خانه‌ای که فقط برای بندگی خدا بنا شده است و از زخارف دنیا به دور است، البته اگر دست دنیا طلبان کوتاه باشد. دل خدایی، خانه خدا و خانه خدا، خانه مردم است. «بیت عتیق است؛ عتیق یعنی آزاد. خانه‌ای که از مالکیت شخصی، از

۱. نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است. خانه‌ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است.

۲. به سوی خدا می‌رویم با هم به حج می‌رویم، محمود طالقانی، ۱۳۳۲، ص ۵.

۳. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمدجواد بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ ق. ج ۱، ص ۳۱۳.

سلطنت جباران و حکام آزاد است. کسی را بر آن دستی نیست. صاحب خانه خداست و اهل خانه، مردم.^۱ فاصله انسان و خدا چیست؟ آیا زمان است یا مکان؟ هیچ کدام! فاصله انسان و خدا، خودیت و منیت انسان است. خدا نزد قلب‌های شکسته است. مردم در خانه‌ای هستند که کسی احساس مالکیت نمی‌کند.

از آیات قرآن در مورد کعبه، جنبه‌های فراوانی قابل استفاده است:

۱. آزادی مردم «بیت عتیق»؛

۲. امنیت: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷)؛

۳. همسویی دل‌ها: ﴿فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾ (ابراهیم: ۳۷)؛

۴. آسایش و رفاه: ﴿وَارْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾ (ابراهیم: ۳۷)؛

۵. محل خیروبرکت مطلق؛

۶. هدایت مردم؛

۷. محل اجتماع مردم.

عبارت «مَثَابَةً» را بعضی از مترجمان، محل اجتماع و بعضی محل رفت و آمد، بعضی محل توجه، بعضی محل ثواب، بعضی مرجع امر دین و بعضی بازگشتگاه مردم معنا کرده‌اند. مفردات راغب، ذیل ماده «ثوب»، آن را بازگشت به حالت اول یا محل رسیدن به ثواب معنا می‌کند. اما آنچه با عبارات «امناً» و «مشاهده منافع» و «قیام» در حج سازگار است، بازگشت به حالت اول و محل اجتماع است. عبارت «مَثَابَةً» با امنیت ارتباط دارد.

در هر صورت، کعبه محل اجتماع دنیا و آخرت، خدا و مردم، عبادت و زندگی، دین و سیاست است. از مسجدالحرام به (بگه) تعبیر شده است که به معنای ازدحام جمعیت است. تنها جایی است که مردان و زنان، دوشادوش یکدیگر نماز می‌خوانند، طواف

می‌کنند، رازونیز می‌کنند. اینکه بعضی مفسران، «بکه» را منقلب از واژه «مکه» می‌دانند، هیچ مدرکی ندارند.^۱

از دحام و اجتماع جمعیت خداپاوران، برکت و هدایت عالمیان است. عبارت برکت، فراگیر برکات دینی و دنیوی است. حج، یک جامعه ارگانیک، و امتی است که مهم‌ترین ویژگی‌های آن علم و آگاهی، عمل، اهل سیاست و دین‌بودن، شور، شعور، شراره و عشق، محل ظهور «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، یعنی تولا و تبرا و احساس وحدت و همبستگی انسانی است. همه عوامل تضاد، فاصله، بیگانگی و برتری‌جویی‌ها در میقات فرو ریخته است.

حضرت ابراهیم بت‌شکن، خدمتگزار مردم طواف‌کننده، قیام‌کننده، رکوع‌کننده و سجدوگر «لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۲ است. همه در مسجدالحرام برابرند و فرقی میان حضری و سفری و دور و نزدیک وجود ندارد: «وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ»^۳. این عبارت به نظر می‌رسد نقطه کانونی در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظْلَمُ نُذُقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ»^۴ باشد و به قرینه عبارت «جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ»، بقیه عبارات تبیین می‌گردند.

بعضی مفسران «وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ»، و ادامه آن را بیان‌کننده خبر «إِنَّ» می‌دانند.^۵ صاحب اطیب البیان، «ملحد» را عام‌تر از کفار و آن را میل از حق می‌داند و شامل کسانی که حرمت مسجدالحرام را با ریختن بزاق دهان، تنجیس، بدون احرام واردشدن،

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، عبدالحسین طیب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۸۸.

۲. حج: ۲۶.

۳. حج: ۲۵.

۴. همان.

۵. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۱۹.

ظلم به حیوانات یا خدام خود نگه نمی‌داشتند، می‌داند.^۱

اگر بیان اطیب البیان را در نظر بگیریم، اراده‌کنندگان الحاد، شامل کسانی می‌شود که برابری مردم را بر نمی‌تابند و بر تبعیض‌های ناروای جاهلی عرب و عجم، فقیر و غنی، سیاه و سفید و ارباب و برده اصرار می‌ورزند. اگر این‌گونه نباشد، تکلیف کفار و مشرکان روشن است و در مناسک حج، جایگاهی ندارند. در واقع پیام آیه، برابری مردم و اهمیت ناس در حج است.

امام خمینی انقلاب ایران را، انقلاب مربوط به ناس می‌داند نه قشر خاصی:

این نهضت ایران، نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست. برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران. انبیا مبعوث‌اند بر انسان‌ها و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسان‌ها. خطاب به ناس [است]: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری، جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است.^۲

از نظر امام، انقلاب به قشر خاصی متکی نیست، اما نقش اصلی را طبقه مستضعف، مستمندان، فقرا، زاغه‌نشینان، حاشیه‌نشینان و محرومان ایفا کردند.^۳ در واقع، خاستگاه انقلاب مانند خاستگاه اسلام است؛ اما جهت‌گیری آنها، عام و انسانی و ناس است و منافع ناس را تأمین می‌کند. از نظر امام خمینی، آیه ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ دلیل بر همگانی بودن دعوت

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۸۹.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۶.

۳. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمدرضا دهشیری، ۱۳۸۰، ص ۶۰.

خدای تبارک و تعالی به اسلام است و این خانه را برای تمام عالم قرار داده است.^۱ انقلاب اسلامی، تنها انقلاب یا کم‌نظیرترین انقلاب‌های مردمی دنیاست. شاید بتوان «ناس» در قرآن را معادل «people» در لاتین، و مردم در فارسی، و «قوم» و «امت» را معادل «nation» در لاتین، و ملت در فارسی قرار داد. مفاهیم دسته اول، بی‌رنگ و تعلق‌اند و مفاهیم دسته دوم، تعلقات دارند؛ دسته دوم رنگ، نژاد، جغرافیا، مذهب، طبقه، حزب و... خورده است. دسته اول همه اینها را دارد، ولی خود را در آن محصور نکرده است. انقلاب فرانسه بورژوازی، انقلاب روسیه پرولتاریایی، انقلاب چین دهقانی است؛ یعنی رنگ طبقه را گرفته‌اند. «برچیده‌شدن سلسله پهلوی خواست همه اقشار ملت است».^۲ همه اقشار، مفهوم ناس و مردم را می‌رساند. مخاطب امام خمینی، مردم بود. محل تجمع انقلابیون، مکان‌هایی بودند که به هیچ کس تعلق نداشت. مساجد، خانه‌های متعلق به مردم هستند. مشروعیت و اعتبار یک حرکت انقلابی و استمرار آن بر متکی بودن به مردم وابسته است.^۳ شدت و کیفیت مبارزه و طول مدت آن، به کمیت و کیفیت مردم ارتباط دارد. در انقلاب اسلامی و حج، مردم موضوعیت دارند. کعبه برای مردم قرار داده شده است. انقلاب برای مردم صورت گرفته است. شاید عبارت «ولی نعمت» در این فضا مفهوم پیدا کند.

به نظر می‌رسد تعبیر پروفیسور «اچ زیگمن» صحیح باشد که می‌گوید: «در قلب دکترین سیاسی اسلام، امت و جامعه اسلامی جای دارد»^۴ نه دولت و حکومت. اصالت و مشروعیت حکومت، تابعی از میزان تأمین مصالح مردم و جامعه اسلامی است.

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۶۹.

۳. برهه انقلابی در ایران، علیرضا شجاعی زند، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵.

۴. دولت و حکومت در اسلام، آن. کی. اس لمبتون، ۱۳۷۴، ص ۵۳.

۳. روش‌ها

اگر بپذیریم که مبانی حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی مشترک است و خدامحوری، مردم‌محوری و رهبری، سه مبنای مهم این دو پدیده هستند، سؤال اساسی این است که در چه صورتی این سه مبنا، منشأ آثار اجتماعی و سیاسی می‌گردند؟ به نظر می‌رسد سه عنصر آگاهی، هم‌گرایی و قیام، باعث ظهور عملی و کاربردی آنها می‌گردند.

الف) آگاهی

آگاهی، احساس مسئولیت قدرت و توانایی برای واکنش متناسب با موقعیت را به کنشگر می‌بخشد.^۱ اصلاحات و تغییرات در زندگی فردی و اجتماعی، از آگاهی، احساس مسئولیت و قدرت ناشی می‌شود. مراکز تجمع، یکی از عوامل آگاهی و فرهنگ‌پذیری است. حج یک پایگاه و فرصت برای انتقال معارف دین و اطلاع‌رسانی به مسلمانان^۲ و آگاهی‌بخشی و مسئولیت‌افزایی است. یکی از مواقف حج، مشعرالحرام، سرزمین شعور و خودآگاهی، مرحله پس از شناخت و عرفات، یعنی آگاهی است. شعور اول علم است از راه مشاعر و حواس و به قولی شعور، ادراک دقیق است.^۳ شناخت، مسبوق به شعور، و شعور، بعد از شناخت است. از آگاهی، خودآگاهی زاده می‌شود.^۴

شعار و شعور در این اجتماع موج می‌زند. خودآگاهی، باعث آزادی انسان از چهار زندان طبیعت، تاریخ، جامعه و خویش می‌گردد. حج، امکان انقلاب علیه از خودبیگانگی فطری و از خودبیگانگی اجتماعی را فراهم می‌آورد و بازگشت به خویش فطری، اجتماعی

۱. اسرار قدرت درون، لوئیز هی، مترجم پری نیکزاد، ۱۳۸۷، صص ۱۹ و ۲۰.

۲. جامعه‌شناسی جنبش‌های اسلامی، حمید محمدی، ۱۳۹۲، ص ۸۷. به نقل از: احمدی، ۱۳۹۰، صص ۳۵-۴۵.

۳. قاموس قرآن، علی‌اکبر قرشی، ۱۳۵۴، ج ۴، ص ۴۳.

۴. حج، علی شریعتی، ص ۱۰۳.

و تاریخی را احیا می‌کند. منا محل استفاده از علم عرفاتی و شعور مشعری است و این خود آگاهی، قدرت تولا و تبرا را در وجود انسان خلق می‌کند. از یک سو عاشقانه، هستی خود را قربانی می‌کند و از سوی دیگر ابلیس، بزرگ‌ترین نماد دشمنی را رمی می‌کند. جبهه خودی و غیر خودی در منا شکل می‌گیرد. انسان بعد از مسیر طولانی از میقات و گذر از موافق به مرحله مبارزه و انتخاب رسیده است. توحید را در برابر شرک، ایمان را در برابر کفر، رنگ انسان را در برابر فردیت و اجتماع را در برابر تفرقه انتخاب می‌کند.

حج، عرصه آگاهی‌یابی از زمینه‌های فکری، رشد و توسعه کشورهای اسلامی و از عقب‌ماندگی‌ها و گرفتاری‌های آنان و نحوه حکومت‌داری آنان و توجه به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی است.^۱

انقلاب، نتیجه آگاهی و رشد سیاسی و فکری یک ملت است. امام این گونه به جنبه آگاهی‌بخشی حج تصریح می‌کند:

بررسی اوضاع مسلمین در هر سال که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت‌ها چه وضعی است، بین حکومت‌ها با قدرت‌های شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت‌ها با خود ملت‌ها چه وضعی است، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند.^۲

رخداد انقلاب اسلامی، صدور انقلاب و شکل‌گیری خیزش‌های اسلامی و تحقق آرمان‌های اسلامی، منوط به آگاهی همه‌جانبه از ابعاد اسلام و درک درست از آنها است. به تعبیر امام خمینی، هیچ فرصتی بالاتر از کنگره عظیم حج در اختیار مسلمانان نخواهد بود.^۳ آگاهی‌بخشی در چند عرصه شکل می‌گیرد:

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۳.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۵۱.

۳. صحیفه حج، روح الله خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳.

یک - مسائل داخلی

ملت‌ها و دانشمندان هر کشوری از فرصت حج برای تبیین اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی کشور خود بهره می‌برند.

دو - رابطه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی

بررسی ساختار حکومت‌ها و نحوه رابطه و تعامل مردم و دولت و میزان رعایت حقوق اساسی مردم در کشورهای اسلامی، می‌تواند در حج صورت پذیرد. کشورهای اسلامی، فراتر از سازمان‌های بین‌المللی، می‌توانند در برابر نقض حقوق بشر در یک کشور اسلامی اقدام کنند.

سه - مسائل منطقه‌ای

در این حوزه، مسائل کشورهای اسلامی دسته‌بندی شده است و اندیشمندان و نخبگان کشورهای اسلامی، به پیشنهاد راه حل می‌پردازند. قرآن کریم حجاج را مستطیعان امت می‌داند. هرچند استطاعت را فقط در زمینه مالی، جانی و وقت و راه معنا کرده‌اند، شاید از مصادیق آن، استطاعت فکری و نخبگی باشد. سرانجام، انسان‌های رشدیافته مذهبی، سیاسی و مالی، تجار و اندیشمندان در آن جمع هستند. کدام اجلاس از نظر عده و عُده از حج غنی‌تر و در انتقال تجارب و رفع ابهامات و سوء تفاهمات فیما بین، قوی‌تر است.

چهار - مسائل بین‌المللی

در عرصه بین‌المللی، روابط کشورهای اسلامی با کشورهای جهان و تعامل آنها با کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حج در میان همه فرایض، برای شکوفایی استعدادهای فردی و اجتماعی، معنوی و مادی و در بازسازی هویت جوامع اسلامی، در سطوح چهارگانه فوق، تعیین‌کننده است؛

امتی که از همه نژادها، اقلیم‌ها و فرهنگ‌ها در حج به انسجام می‌رسد و می‌تواند به یک جبهه پایداری مبدل گردد.^۱ حج به لحاظ فرهنگ‌پذیری^۲ که یک فرایند حاصل از تماس پیوسته و مستقیم میان الگوهای از فرهنگ‌های متفاوت است که به تغییرات بعدی نسبت به الگوهای فرهنگی آغازین در یک یا دو گروه می‌انجامد،^۳ یک کارگاه طولانی‌مدت است. حج و انقلاب اسلامی باهم رابطه‌نمایی دارند. حج از یک نظر ظرفیت صدور انقلاب اسلامی را دارد و از سوی دیگر، فضای حج و صدور گفتمان انقلاب اسلامی باعث بیداری اسلامی، و آغاز حرکت‌ها و خیزش‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی خواهد شد. بسیاری از تحولات جوامع از طریق تماس‌های فرهنگی و سیاسی صورت می‌گیرد. هیچ تماسی قوی‌تر، عاطفی‌تر و همگون‌تر از تماس در مواقف و مواضع است. حج نیست همان‌طوری که از تعریف فوق برمی‌آید، حاصل تماس میان الگوهای فرهنگی، تغییرات در الگوهای موجود و ایجاد الگوهای جدید است. یکی از ثمرات انقلاب اسلامی، احیای حج ابراهیمی بود حجتی که دارای روح تحرک، معنویت، وحدت، سازندگی، براءت و مبارزه علیه ظالم است^۴ و از سوی دیگر، حج ابراهیمی فرصتی برای تداوم انقلاب اسلامی است. حج، پل ارتباطی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی و ملل مسلمان است. امام خمینی، مکرر به کاروان‌های حج جمهوری اسلامی تأکید می‌کند که حج، می‌تواند مرکز تبلیغ و تثبیت جمهوری اسلامی و تخریب آن باشد.^۵ حج و مواقف آن، فرصتی برای انتقال تجارب سیاسی و اجتماعی

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام، ۱۱/۱۱/۱۳۸۲.

2. Acculturation.

۳. درآمدی برانسان شناسی، کلود ریویر، مترجم ناصر فکوهی، ۱۳۷۹، ص ۶۶.

۴. سخن‌نامه حج، ج ۱، ص ۳۲۸.

۵. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

و رفع موانع سیاسی و اجتماعی کشور و سوء تفاهات بین جهان اسلام و جمهوری اسلامی است و زمینه همسویی را فراهم می‌کند:

امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خون‌خواران و ستم‌کاران، از این انقلاب اسلامی بهره‌برداری کنند و دولت‌های اسلامی، با پشتیبانی ملت‌های خود، به انقلاب بزرگ ایران پیوندند.^۱

جمهوری اسلامی با نمایش چهره درست و عملکرد مناسب از خود در ایام حج، حربه تبلیغات تخریبی علیه شیعه اثناعشری و جمهوری اسلامی را خنثی می‌کند و افکار حدود سه میلیون حاجی را به‌عنوان نمایندگان بیش از یک میلیارد جمعیت مسلمان، روشن می‌سازد و پادزهری در مقابل قلم‌ها و زبان‌های زهرآگین که در صدد شکست انقلاب اسلامی برآمده و «به سرکوبی این انقلاب اسلامی بپاخاسته‌اند»^۲، ایجاد می‌کند.

ب) وحدت کلمه یا همبستگی

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ﴾^۳

همبستگی از چهار عامل ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و تجمعات مشترک حاصل می‌گردد، و چهار کارکرد تطبیق با شرایط جدید، حل تنش‌های اجتماعی، نیل به اهداف و حفظ همبستگی را ایفا می‌کند.^۴

همه عوامل همبستگی و کارکردهای آن در حج، در قالب «کلمه توحید» و «توحید کلمه» خود را نشان می‌دهد. در همه ادیان، تشکیل انجمن اخوت برای رسیدن به آرمان مذهبی و اجتماعی متدینان رواج دارد. این حرکت برای همبستگی پیروان، جهت

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۲. همان.

۳. بقره: ۱۲۵.

۴. انقلاب و بسیج سیاسی، حسن بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۵۱.

اعتراض به وضع موجود، وصول به آرزوی مشترک و تجدید و تشدید اعمال دینی بنیادی است.^۱

زمینه شکل‌گیری اخوت و برادری در اسلام، با توجه به تأکیدات قرآن کریم و متون دینی، بسیار گسترده است. اساساً مذهب، خاصیت تشکیلاتی بالایی دارد. این تشکیلات می‌توانند ماهیت سیاسی و اجتماعی، هیئتی، رهبانی و انزوایی، محافل عرفانی و درویشی‌گری موافق وضع موجود یا مخالف وضع موجود داشته باشند.

از میان کارکردهای دین، دو کارکرد تنظیم‌کنندگی روابط برای خیر همگان و برانگیختگی احساس مشترک و وحدت اجتماعی در بحث حاضر، بسیار مهم است. از این رو گناه، کنش برهم‌زننده روابط داخلی گروه است و مناسک، عامل حفظ وحدت اجتماعی و احساس مشترک محسوب می‌شود.^۲

مناسک و موافق حج، از این حیث بیشترین تأثیر را در ایجاد وحدت اجتماعی و تنظیم روابط مسلمانان و کشورهای اسلامی، برای تأمین خیر عمومی آنها خواهد داشت.

تحقق جامعه‌شناختی حج، منوط به وحدت کلمه است. حج، کارکرد خود را بدون همفکری، همدلی، هم‌گرایی و درک عمیق شرایط و تفاهم بین ملل اسلامی ایفا نمی‌کند. البته شرط وحدت پذیرش، وجود اشتراکات با طرف مقابل است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن برادر مؤمن است. همچون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اندام‌ها آن درد را حس می‌کنند، ارواح آنها از یک روح است».^۳ در جوامع اسلامی، این روح جمعی، بسیار تضعیف شده است.

۱. جامعه‌شناسی دین. یوآخیم واخ، مترجم جمشید آزادگان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳ و ۱۷۵.

۲. جامعه‌شناسی دین، ملکم هیلتون، مترجم محسن ثلاثی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰.

۳. منتخب میزان الحکمه، ص ۱۳.

اگر دایره ایمان و مؤمن تنگ باشد و فرقه های تکفیری از هر سو خیز بردارند، جامعه ایمانی محدود به فرقه های مذهبی درونی خواهد شد. در اصول فقه، بحثی با عنوان اقل و اکثر ارتباطی و اقل و اکثر استقلالی^۱ وجود دارد که کمتر در مباحث عقیدتی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است؛ درحالی که می توان از آن بهره های فراوان در کلام و سایر علوم برد. اگر مذاهب اسلامی شیعه و سنی، هر یک خود را حق مطلق، و فرقه مقابل را باطل مطلق پندارند، آن گاه راه هرگونه گفت و گو و هم گرای بی بسته می شود. نگاه اقل و اکثر، ارتباطی می گردد و قضیه همه یا هیچ مطرح می شود؛ درحالی که با نگاه اقل و اکثر استقلالی و قضیه نقص و کمال بر مشترکات تأکید شده و حقانیت کلی همدیگر را نفی نمی کنند. حج می تواند مرکزی برای اجتماع دل ها، و کنگره عظیم برای استحکام پیوندهای گوناگون و مرکزی برای رفع نابسامانی ها^۲ و سوء تفاهمات باشد، و وحدت، تنها راه حل مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی، بلکه جهان مستضعفان است.^۳

امام، روش ایجاد وحدت را تبلیغ و دعوت می پندارد و مرکز تحقق وحدت را مکه می داند.^۴ امام با افشای جنایات شاه در پیام به زائران بیت الله ۱۳۴۹، مناسک و اجتماع حج را فرصتی برای حل مسائل و تبادل نظر و تفاهم و کوشش در راه تأمین اهداف

۱. اقل و اکثر استقلالی تقریباً روشن است و امام درباره اقل و اکثر ارتباطی چنین می فرماید: فتحصّل ممّا ذکرنا: أنّ الأصل العقلي في باب الأقل والأكثر الارتباطيين هو البراءة، فإذا اجتهد العبد في تحصيل العلم بأجزاء المركّب، و بذل جهده في التفحص عن الأدلّة بمقدار ميسوره، و قامت الحجّة على عدّة أجزاء للمركّب و علم أنّ المولى قد أخذها فيه قطعاً، و شكّ في اعتبار شيء آخر جزءاً، فأتی بما قامت الحجّة عليه، و ترك غيرها ممّا هو مشكوك فيه، لا يُعدّ عاصياً، و يكون العقاب على تركه بلا بيان و لا برهان (أنوار الهداية في التعليقة على الكفاية، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۸۲).

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۰.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۹۱.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

مقاصد شریعت و تعالی مسلمین و پیوستگی جامعه اسلامی، استقلال و ریشه‌کن کردن استعمار مطرح می‌کند.^۱ فعال‌شدن این فرصت با توسعه آگاهی، هم‌گرایی، بسیج اجتماعی و قیام امکان‌پذیر است. انقلاب اسلامی حاصل هم‌گرایی است. ادبیات امام خمینی، تأکید بر هم‌گرایی ملی در سطح ملت ایران، هم‌گرایی مسلمانان در سطح جهان اسلام و هم‌گرایی مستضعفان در جهان مستضعفان است.

ج) قیام و مبارزه

از نظر هانتینگتون، جوهره قیام و انقلاب توسعه آگاهی سیاسی و بسیج اجتماعی در درون حوزه سیاسی است.^۲ فلسفه حج به‌عنوان فریاد مظلومان و موحدان عالم علیه ظالمان،^۳ بدون آگاهی و بسیج همگانی امکان‌ناپذیر است. بنای کعبه، برای مبارزه با بندگی اوهام، اصنام، گذشته‌گرایی، استعمار و استعمار و هرگونه تسلیم در برابر طواغیت زمان است.^۴ خداگرایی (لله)، مردم‌نگری (للناس) و آینده‌نگری (اذن یاتوک) از اصول اساسی حج ابراهیمی است. قیام به یک ملت هویت می‌بخشد. خداوند کعبه را خانه و مرکز قیام مردم قرار داد (مأئده: ۹۷). امام خمینی، تحقق مظاهر آیه «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^۵ را منوط به تحقق مفهوم آیه «قِيَامًا لِلنَّاسِ»^۶ می‌داند.^۷ قیام برای آزادی، قسط و عدل، پاکسازی جامعه از تمام انحراف‌ها، پستی‌ها و آلودگی‌ها، قیام برای منافع انسان‌ها

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۲.

۲. انقلاب و بسیج سیاسی، حسینی بشیره، ۱۳۷۴، ص ۳۲۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۴. به‌سوی خدا می‌رویم، باهم به حج می‌رویم، ص ۱۵.

۵. حج: ۲۸.

۶. مأئده: ۹۷.

۷. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴.

و کوتاه کردن دست جباران و ستمگران عالم و سلطه آنان بر کشورهای مظلوم و قیام برای ساختن جامعه متکامل توحیدی است.^۱ این بیت، احکام و مناسکش مایه قوام و حیات مردم است^۲، قوام و حیات یک ملتی در قیام برای حفظ مصالح و منافع خود است. اطلاق «قیاماً للناس» نشان‌دهنده عامل پایداری بودن کعبه از تمام جهات است. یک چنین قیام و یک چنین وحدت و یگانگی و ازدحامی، درهم‌شکستنی نخواهد بود.^۳ کعبه، مبدأ برپاخاستن همه مردم جهان (قیاماً للناس) و رسیدن به منافع فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (حج: ۲۸) است. وای بر مسلمانان که معنای حج را نفهمند و وای بر دشمنان، اگر مسلمانان معنای حج را درک کنند.^۴ قیام، فلسفه اصلی حج است: «پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع کرد و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود.^۵ مقام معظم رهبری، حج ابراهیمی، محمدی، علوی و حسینی را توجه به قدرت خدا و پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران می‌داند.^۶

هر قیامی دو وجه دارد: وجه ایجابی آن که گردهمایی مردم، امنیت، تأمین منافع مادی و معنوی و تمام منافع فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و احیای هویت انسانی است، و وجه سلبی آن که برائت از همه طواغیت و جباران داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر وجه نفی، وضع موجود نامطلوب، و وجه اثباتی وضع مطلوب است. شاید از همین روی برائت، رکن سیاسی حج محسوب می‌شود.

۱. سخن نامه حج، ج ۱، ص ۲۲.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۱۰.

۳. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴، ص ۲۷۱.

۴. سخن نامه حج، ج ۳، صص ۱۷ و ۱۸.

۵. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۵۲.

۶. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.

بنای کعبه، انقلاب در عرصه عقیدتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد و حج ابراهیمی، تأکید بر این روحیه مبارزه و جهاد علیه طواغیت درونی و بیرونی، داخلی و بین‌المللی است. مکه و منا محل نشر توحید و نفی شرک و دل‌بستگی، جهاد در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه‌کردن دست مشرکان زمان است.^۱ آل احمد پس از تبیین نفوذ غرب و نظام سرمایه‌داری در کشورهای عربی و اسلامی و شکست موضع‌گیری‌های انفرادی کشورهای اسلامی علیه غرب، این مسئله را مطرح می‌کند: «از خود پرسیدیم که برای موضع‌گرفتن در مقابل غرب این مراسم حج، خود نوعی سکوی پرش نیست؟»^۲ در واقع وی راه برون‌رفت از وضع اسف‌بار کشورهای اسلامی را احیای حج می‌داند. آل احمد از بی‌نظمی‌های حج سال ۱۳۴۳ می‌نالند و اظهار می‌دارد: «سالی یک میلیون نفر در این مراسم شرکت می‌کنند که اگر نظم، تسهیلات و نوجویی‌هایی داشت، چه قدرتی می‌توانست باشد: آل احمد تنها راه احیای حج را بین‌المللی کردن مدیریت آن می‌داند».^۳

مدیریت صحیح حج باعث فراموشی تمام حقارت‌های تاریخی مسلمانان در برابر دنیای غرب خواهد شد. بر همین اساس آل احمد درباره حاجیانی که مشغول آداب ظاهری حج، و دادوستد در بازارهای مکه و مدینه هستند، «می‌گوید: آخر درین اجتماع باید معنایی باشد! معنایی برتر ازین دادوستد و بازار و سیاحت و ادای دین و آداب و اقتصاد و حکومت و هزار الزام دیگر».^۴

هویت این اجتماع بزرگ بشری را باید جست‌وجو کرد و برای به‌دست آوردن باید پیام نمود.

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، صص ۸۷ و ۸۸.

۲. خسی در میقات، جلال آل احمد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۵۸.

۴. همان، ص ۱۲۲.

حج، قیام علیه تمام تمایزات است و در حج، «هیچ علامت اشرافیتی و هیچ رواق مخصوصی یا شاه‌نشینی»^۱ وجود ندارد. وی زندگی اجتماعی و تاریخی مردم را در دسته‌های گرگ، روباه، موش و میش تقسیم می‌کند و قصرها، لباس‌ها، ابزار زندگی، گنجینه‌های ثروت، قدرت و... آنها را از همدیگر متمایز می‌کند. انسان در میقات علیه تمام این تمایزات قیام می‌کند.^۲

امام سجاد (ع) در روایتی مردم را به شش دسته تقسیم می‌کند: شیرصفتان، گرگ‌صفتان، روباه‌صفتان، سگ‌صفتان، خوک‌صفتان و گوسفندصفتان. امام، شیران را حکام منازعه‌گر رقابت‌جویی بر سر قدرت و مطامع دنیا، گرگ‌صفتان را ثروتمندان و بازرگانان دنبال انباشت ثروت به هر قیمتی، روباه‌صفتان را عوام‌فریبان، سگ‌صفتان را مردمان بدزبان، خوک‌صفتان را تن‌دهندگان به هر پلیدی و گوسفندصفتان را کسانی می‌داند که پشم‌هایشان را می‌کنند، گوشتشان را می‌خورند، استخوانشان را می‌شکنند.^۳ و حج، انسانیت تقسیم‌شده به نژادها، ملت‌ها، طبقات، قشرها، گروه‌ها، خانواده‌ها و حیثیت‌ها را به رنگ انسانی بازمی‌گرداند. ارباب و نوکر، حاکم و محکوم، غنی و فقیر و... از بین می‌رود.

صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها، تجربیات انقلاب اسلامی مانند استقلال‌خواهی، آزادی‌جویی، عدالت‌خواهی، حمایت از کیان اسلامی و مستضعفان و رنج‌دیدگان، نفی اشرافی‌گری، تبعیض‌های نژادی و قومی، می‌تواند مصداقی از «قیاماً للناس» باشد. حج برای ایران، محلی برای معرفی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، تعهد به احکام، اخلاق و مجاهده اسلامی در گفتار و عمل به مسلمانان است. عملکرد حجاج ایرانی، می‌تواند سرمنشأ خوش‌بینی و

۱. همان، ص ۱۹۱.

۲. حج، ص ۳۷.

۳. الخصال، شیخ صدوق، بی‌تا، ص ۳۷۸.

بدینی دیگران باشد. راه محقق‌سازی اندیشه انقلاب و جمهوری اسلامی، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی از طریق تبلیغ و تعلیم است^۱ و اجتماعات مذهبی و از آن‌میان حج، مهم‌ترین اجتماع فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی است.^۲

کاتالیزور تبدیل حج غیرابراهیمی به حج ابراهیمی، انقلاب اسلامی است که می‌تواند گامی در جهت احیای برادری، همکاری، رشد فکری و قیام و جهاد علیه طاغوت‌ها و برپایی حاکمیت الله باشد. انقلاب به سه دلیل «بی‌اجراماندن نظام سیاسی اسلام، ضرورت برچیدن طاغوت و فراهم‌سازی زمینه تربیت، رشد اخلاقی و فضایل انسانی در جامعه»، ضروری است.^۳ حج همراه با برائت به عنوان حج انقلابی در ادبیات سیاسی جای گرفته است.^۴ البته شاید تبلیغ حج همراه با برائت با عنوان حج انقلابی به‌جای حج ابراهیمی که دائم در آثار و پیام‌های امام موج می‌زند، شیطنتی دیگر از نظام سلطه برای تحریک عربستان باشد.

هدف از آگاهی، اجتماع و قیام، تعیین‌بخشی به رویکرد اسلام به جهان، انسان و هویت جوامع اسلامی و مسلمانان است. هویت از پاسخ به دو سؤال اساسی مشخص می‌گردد: من کیستم؟ و من که نیستم؟^۵ غیریت‌سازی در عرصه اعتقادی، اجتماعی و سیاسی و حوزه‌های دیگر زندگی، بخشی از هویت جوامع و گرایش‌ها را تبیین می‌کند.^۶ مواضع حج سراسر مملو از خودی‌سازی و غیریت‌سازی است. انقلاب در عرصه سیاسی و اجتماعی و نظام سیاسی، خودی‌ساز و غیریت‌ساز است.

۱. ولایت فقیه، امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۳۵.

۴. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمد باقر حشمت‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۸.

۵. تغییرات اجتماعی، گی‌روشه، مترجم منصور وثوقی، ص ۱۳.

۶. جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، ۱۳۸۰، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۴. موانع

موانع، بازدارندهایی هستند که از اثرگذاری مبانی یا روش‌ها جلوگیری می‌کنند. موانع مبانی یک پدیده، آن را از هویت می‌اندازد، نه تنها کارکردهای اصلی و مثبت خود را ایفا نمی‌کند، بلکه به کژکارکرد تبدیل می‌گردد و موانع در روش‌ها، باعث بی‌ثمری مبانی خواهد شد. در این مقاله، به‌اجمال به بعضی از موانع مبنایی و روشی مشترک حج و انقلاب اسلامی اشاره می‌شود.

الف) تحویل‌گرایی

آرمان حج و انقلاب اسلام، شامل ابعاد مادی و معنوی و سیاسی و اجتماعی است. تقلیل آرمان‌های حج و انقلاب اسلامی به مادی‌گرایی یا فردی‌فقهی، مانع یا آسیبی است که حج را مبدل به حج آمریکایی، و انقلاب را بی‌هویت و اسلام را بی‌خاصیت می‌کند. تبلیغ اینکه اسلام «مکتبی است که مربوط به دعا و ذکر، و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق، و سیاست را کاری به آن ندارد. اسلام به حکومت کار ندارد».^۱ یک تحویل و تحریف مبنایی و روشی است. امام خمینی اینکه مأموران سعودی به اسم اسلام، مسلمانان را از دخالت در سیاست و حتی از شعار علیه اسرائیل و آمریکا منع می‌کنند، یک نوع تحریف می‌داند.^۲ انحصار انقلاب اسلامی در بعد داخلی و اقتصادی و سیاسی، تحریف انقلاب از خود است.

ب) بی‌اعتنایی سیاسی

بی‌اعتنایی سیاسی در انقلاب اسلامی، به این است که مردم خود را از عرصه سیاسی کشور بیرون بکشند و در قبال امور اجتماعی، سیاسی و مدیریتی جامعه احساس مسئولیت

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۹۱.

نداشته باشند. دلیل این بی‌اعتنایی هرچه باشد، در نهایت به‌ضرر مردم و انقلاب است، و بی‌اعتنایی در حج به این است که مردم فقط برای انجام یک‌سری اعمال و مناسک خشک، تکراری، کسب شهرت و برای تجارت، به مکه روند و از اسرار معنوی و سازنده فردی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی آن دور باشند. بی‌اعتنایی باعث به‌انزواکشیده‌شدن کشورهای اسلامی در عرصه بین‌المللی و وقوع مصایبی مانند قضیه فلسطین و خواری و ذلت مسلمانان می‌گردد که روزی بر نیمکره زمین حکومت می‌کردند.^۱

ج) گسست‌ها

وجود شکاف‌های اجتماعی، تاریخی و مذهبی فعال یا غیرفعال در داخل کشورهای اسلامی و مابین آنها یک امر واقعی و انکارناپذیر است. تشدید، تسریع، تعمیق و توسعه این شکاف‌ها به هر دلیل، مانع جدی در سر راه منافع و مصالح کشورهای اسلامی است. گسست بین کشورهای اسلامی، مانع وحدت‌افزایی حج، و مانع احیای تمدن اسلامی براساس اخلاق، معنویت و عدالت است. وحدت در سطوح داخل ملت‌ها، دولت‌ها، بین ملل اسلامی و بین دولت‌های اسلامی، منشأ برکات و منافع زیادی برای جهان اسلام می‌گردد. وحدت، ایده قرآن ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا﴾، ایده حج ﴿مَثَابَةٌ لِّلنَّاسِ﴾ و ایده انقلاب اسلامی است. تفرقه و جدایی در میان انقلابیون، دولت و ملت، ملل اسلامی و دولت‌های اسلامی، خلاف سیره قرآن، حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی و در جهت تأمین منافع مستکبران عالم و سلطه آنهاست. امام خمینی، رأس همه فسادها را اختلاف کلمه، تفرقه و هواهای نفسانی^۲ می‌داند. از مهم‌ترین عوامل گسست می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۲.

یک - به خطر افتادن منافع سلطه‌گران

تحقق عملی مبانی و روش‌های حج و انقلاب اسلامی، می‌توانند سه نوع خطر ایجاد کنند: اول اینکه منافع فرقه‌های انحرافی و ساختگی سنی و شیعه را به خطر اندازد؛ گروه‌هایی که با روابط سخت، قشری و انحصارطلبانه قومی، نژادی، زبانی و مذهبی و بی‌توجه به مصالح کلی اسلام و مسلمانان که تمام نیروی خود را علیه سایر فرقه‌های اسلامی به کار می‌برند و از ابزارهای مختلف تهدید، تکفیر و ترور استفاده می‌کنند.^۱

دوم اینکه حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، منافع بیگانگان و حضور چپاولگرانه آنها را در کشورهای اسلامی به چالش کشیده است.

سوم اینکه با انتقال تجربه از طریق وحدت و هم‌گرایی، تاج و تخت بسیاری از حاکمان کشورهای اسلامی را به خطر می‌افتد. نمونه این ترس در حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس از واقعه شبه‌کودتا در مصر علیه مرسی و جریان اخوان، قابل مشاهده است.

دو - سوء تفاهم

سوء تفاهم، از توهم یا از طرح ناشیانه وحدت اسلامی توسط مادحان، کج‌اندیشان و متحجران و تمامیت خواهان و انحصارطلبان مذهبی که خود را حق مطلق و دیگران را باطل مطلق تصور می‌کنند، ناشی می‌گردد. سلفی‌های تکفیری و وهابیان، شیعیان و اهل سنت واقعی و معتدل را خارج از حوزه اسلام می‌دانند. عده‌ای شیعه‌نما با طرح وحدت توسط رهبران جامعه شیعی، مانند امام خمینی و مقام معظم رهبری، فریاد فراموشی وقایع صدر اسلام را بلند می‌کنند. امام خمینی به‌درستی و صراحت به این عامل اشاره می‌کند و می‌گذرد: «خون‌دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و

سختی‌های دیگران نخورده است».^۱ عده‌ای معتقد به وحدت هستند، ولی به جای باهم‌بودن بامن‌بودن را مطرح می‌کنند. هر دو دیدگاه، طرف مقابل را به وحشت می‌اندازد.

سه - توطئه

توطئه سیاسی و فرهنگی از عوامل گسست و اختلاف است. منافع دنیاطلبان در تفرقه تعریف شده است. امام، راه نجات امت اسلامی را عمل به آیه شریفه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾^۲ می‌داند. این آیه، یک بخش نظری و یک بخش عملی دارد. بخش نظری آن اعتصام به حب‌ل‌الله و اجتناب از تفرقه است. بخش عملی و کاربردی آن یادآوری بدبختی بر اثر تفرقه و نجات مسلمان‌ها بر اثر تألیف قلوب است. تألیف قلوب یک عمل اجتماعی و عاطفی است.

از مصادیق بارز توطئه، انقلاب‌هراسی و ایران‌گریزی است. نمونه این وضعیت، رابطه ایران و عربستان است. رقابت ایران و عربستان از قبل از انقلاب آغاز شده است. همیشه مسئله قدرت اول منطقه‌بودن، دغدغه اصلی این دو کشور بوده است. وقوع انقلاب اسلامی و فروریختن پایه‌های سلطنت و نظام پادشاهی در ایران، از یک سو باعث خوشحالی به دلیل شکست رقیب و از سوی دیگر باعث هراس در بین سلاطین خلیج فارس، به دلیل ناآرامی‌های مناطق شرقی و شیعه‌نشین عربستان، اشغال خونین مسجدالحرام در محرم ۱۴۰۰ ه.ق، توطئه سرنگونی هواپیمای فهد، ولیعهد وقت، و انفجار بمب در ریاض شد، و روابط سایه‌روشن ایران - ریاض، پس از پیروزی انقلاب به حجم این هراس افزود.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸.

۲. همان.

۳. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶.

شعارهای مترقیانه و دموکراتیک انقلاب اسلامی و مبارزه با سلطه غرب و شرق، موقعیت سنتی عربستان را به چالش می کشید.^۱ عربستان سعودی برای کاستن آثار و نفوذ انقلاب، اقداماتی مانند تأسیس مؤسسات تبلیغاتی برای تخریب چهره انقلاب، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، حمایت همه جانبه از رژیم بعثی صدام، خرید تسلیحات، اخراج افسران و درجه داران شیعه از ارتش، کاستن از حضور نظامیان پاکستان در ارتش به دلیل تمایل آنها به انقلاب اسلامی و جایگزینی آنها با نیروهای بنگلادشی، اخراج متخصصان شیعه از شرکت آرامکو یا کاستن از تعداد و تنزل مرتبه آنها، ممنوعیت استفاده از بلندگو و میکروفون در مساجد شیعه، تحت تعقیب قراردادن رهبران شیعیان، بازرسی خانه های افراد مظنون، مخدوش کردن برنامه های صدا و سیمای ایران با پارازیت انداختن، تزریق پول به گروه های تند اهل سنت، ممنوعیت مسافرت اتباع سعودی خصوصاً شیعیان به ایران و... را انجام داد.^۲ این وضعیت و عکس العمل سعودی ها با برخی دیدگاه های افراطی درباره صدور انقلاب که جنبه کشورگشایانه پیدا می کرد، گسترده تر و پیچیده تر شد.

میزان خصومت دولت عربستان با انقلاب اسلامی، کمتر از سال های اول انقلاب نیست. بنابراین عربستان هرگز دنبال حج ابراهیمی نخواهد بود. پس یک پارادوکس جدی وجود دارد. انقلاب هراسی برای سلاطین منطقه و کشورهای اسلامی، نظیر اسلام هراسی برای سایر کشورها، اثر نامطلوبی بر صدور انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی می گذارد. وقوع خیزش های اجتماعی، چه با عنوان بیداری اسلامی و چه با عنوان بهار عربی، این ذهنیت را تقویت می کند. به نظر می رسد چهار عنصر می تواند این پارادوکس را حل کند: «اول، برنامه ریزی دقیق و منطقی با استفاده از متون دینی برای احیای حج ابراهیمی و

۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، ص ۹۲.

۲. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، ص ۱۵۷.

تبیین آرمان‌های واقعی انقلاب اسلامی، در یک زمان‌بندی طولانی‌مدت. دوم، تقویت نظام رسانه‌ای حج ابراهیمی برای تبلیغ و تعلیم و آگاهی‌بخشی و به حد تصمیم‌رساندن ملل اسلامی به لحاظ فکری و ذهنی و پرهیز از هرگونه عمل صریح انقلابی که باعث محرومیت و محدودیت‌های شدیدتر می‌شود. سوم، تلاش برای کارآمدی جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام برآمده از انقلاب اسلامی و الگو قرارگرفتن برای ملل اسلامی در عرصه سیاست، اقتصاد، اجتماع و امنیت؛ و چهارم، پرهیز از موضع‌گیری‌های غیرمسئولانه برخی مسئولان و کارشناسان جمهوری اسلامی ایران.^۱ این چهار عنصر، می‌تواند زمینه تحول ذهنی داخلی را در کشورهای اسلامی فراهم کند.

د) هججه به کارآمدی جمهوری اسلامی

کارآمدی جمهوری اسلامی، تیر خلاص به همه هججه‌ها و اتهامات خواهد بود. نه انقلاب اسلامی منحصر به ایران، و نه جمهوری اسلامی فقط برای ایران است؛ اما آنچه امروز به‌عنوان خروجی انقلاب اسلامی، عینیت یافته، جمهوری اسلامی ایران است. موفقیت جمهوری اسلامی در پیشنهاد یک الگوی مناسب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی در منطقه و جهان، باعث اقبال روزافزون کشورهای اسلامی خواهد شد. اما اگر جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی و سیاسی یک کشور ضعیف باشد، مردم مسلمان و مستضعف را دچار یأس و ناامیدی می‌کند. رفاه اقتصادی و اجتماعی، حفظ حریم و آزادی‌های سیاسی و مدنی مردم، استقرار یک نظام مردمی و بر سرکارآمدن مسئولان اخلاقمند و مردمی، موج‌بیداری و اقبال عمومی را سرعت و شدت خواهد بخشید. غلبه جمهوری اسلامی بر گسست‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در دو قلمرو داخلی و خارجی^۱ می‌تواند کارآمدی نظام را شفاف‌تر کند. بی‌توجهی به این

۱. انقلاب اسلامی، بحران‌ها و چالش‌ها، عبدالوهاب فراتی، ۱۳۸۱، صص ۱۴۸ و ۱۷۸.

شکاف‌ها نظام را از درون تهی می‌کند و قدرت دفاعی خود را در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از دست می‌دهد.

حج، عرصه تعامل انقلاب اسلامی و مسلمانان است و زمانی آنها به انقلاب میل می‌کنند و انقلاب در آنها اثر می‌گذارد که کردار و رفتار جمهوری اسلامی، الگو و سرمشق باشد.^۱ اگر جمهوری اسلامی بتواند یک نوع موفق از توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و یک مدلی از توسعه و پیشرفت و تکامل و معنویات اسلامی را به نمایش بگذارد، آنگاه حج برای انقلاب اسلامی عرصه صدور خواهد بود.

نتیجه‌گیری

مواقف و مناسک حج، به شرطی فضای تجلی توحید، تحقق اراده مردم و زندگی انسانی خواهد شد که وحدت کلمه و انتشار آگاهی و قیام برای یک زندگی انسانی مسئولانه را رقم بزند. انقلاب اسلامی، قیام مردم ایران برای محقق‌سازی حاکمیت الله، آزادی و استقلال مردم و جامعه انسانی بود. قبل از انقلاب، بعد عبادی حج به صورت نصف‌نیمه انجام می‌شد. بعد از انقلاب، بعد سیاسی آن احیا شد و از مهاجوریت درآمد و به تحقق عملی ﴿قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ نزدیک شد. حج ابراهیمی با توجه به معرفت‌افزایی و آگاهی‌بخشی به مسلمانان و انتقال تجارب اجتماعی و سیاسی توسط اندیشمندان به کشورهای اسلامی، می‌تواند آثار مختلفی از خود بر جای گذارد:

اول- اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی و انقلابی از بالا به پایین و اصلاح روابط دولت‌ها و ملت‌ها که امروز به دلیل فاصله دولت و مردم، کشورهای اسلامی آبستن تحولات رادیکال اجتماعی و سیاسی هستند: تحولات منطقه این را نشان می‌دهد که مهم‌ترین شعار مردم، مبارزه با استبداد است.

دوم- اصلاح ذات‌البین و روابط ملل اسلامی: حج می‌تواند بدبینی‌ها و سوء تفاهمات بین ملل اسلامی را رفع، و دیوارهای بلند بی‌اعتمادی را به اعتماد و حسن‌ظن تبدیل کند. سوم- اصلاح رابطه مسلمانان و کشورهای اسلامی با سایر ملل مستضعف جهان: خدماتی که مسلمانان می‌توانند با توجه به منابع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به دیگر ملل بدهند، می‌تواند رابطه جهان اسلام با جهان مستضعف را اصلاح کند و باعث روی آوری بیشتر به اسلام گردد.

چهارم- اصلاح رابطه قدرت بین‌المللی کشورهای اسلامی با کشورهای دنیا: دولت‌های اسلامی فرصت یک مجمع جهانی رایگان را در اختیار دارند. اگر از این فرصت استفاده نبرند، خود مقصرند. نمایندگان بیش از ۱/۵ میلیارد مسلمان در مواضع حج، با داشتن خزائن و پشتوانه ایمان^۱ می‌توانند رقیب جدی در عرصه بین‌المللی باشند. پنجم- حج ابراهیمی، زمینه قیام‌های اجتماعی و سیاسی و بیداری اسلامی در منطقه و معنویت‌گرایی در جهان مستضعفان را تقویت می‌کند. از این رو حج ابراهیمی به عنوان یک زمینه بسیار نیرومند، و انقلاب اسلامی به عنوان یک تجربه عملی، سرآغاز تحولات عمیق در کل کشورهای اسلامی و جهان هستند.

ششم- حج ابراهیمی، خاصیت انقلاب دارد. انقلاب، قیام علیه وضع موجود و دنبال وضع مطلوب از روی آگاهی، انسجام و حرکت است و حج ابراهیمی، کارکرد انقلاب را دارد. بدون آن، حج تبدیل به یک سنت تاریخی بی‌معنا و تکراری می‌شود که جز سرگرمی اغنیا و اقویا و پز متمولان نخواهد بود.

هفتم- حج ابراهیمی، پاسخ مردم «ناس» به ندای یک رهبر صالح و گردهمایی مردم «ناس» در خانه خدا ﴿مَثَابَةٌ لِّلنَّاسِ﴾ و اعتصام به ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ و

قیام برای رفع گرفتاری‌های کشورهای اسلامی و بدبختی‌ها و عقب‌افتادگی‌ها، اختلاف کلمه‌ها برای احقاق حقوق از دست‌رفته، انسانیت له‌شده، احیای ارزش‌های اسلامی و هویت امت اسلامی و تحقق ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ است. مهم‌ترین منافع آن، امنیت همه‌جانبه و خیر همه‌جانبه است. همه‌جانبه بودن امنیت و خیر، از نکره و جمع بودن «منافع» و مطلق بودن «امناً» و «مبارکاً» استفاده می‌شود. امنیت در سایه حذف خداوندان زمین ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (ابراهیم: ۳۵)، با ایمان به خدا و قیامت و به مبدأ و معاد ﴿مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (بقره: ۱۲۶) و مردمی بودن (ناس) تأمین می‌گردد. جامعه بدون ایمان به خدا و قیامت، امنیت را از دست می‌دهد و در نتیجه، فقر و کمبود در جامعه فراگیر می‌گردد: ﴿وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا﴾ (بقره: ۱۲۶).

قران کریم حج را تأمین‌کننده دنیا و آخرت مردم معرفی می‌کند، و انقلاب اسلامی هم با همین هدف روی کارآمد.

من الله التوفيق و عليه التكلان

منابع

* قرآن کریم.

۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی نجفی، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۲. آناتومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه شناسی کاربردی، فرامرز رفیع پور، تهران، انتشار، ۱۳۸۷.
۳. اسرار قدرت درون، لوئیز هی، ترجمه پری نیکزاد، تهران، زرین: نگارستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۸.
۵. انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، منوچهر محمدی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
۶. انقلاب اسلامی: بحران‌ها و چالش‌ها، عبدالوهاب فراتی (گرد آورنده)، قم، نشر معارف (مقاله دکتر اصغر افتخاری با عنوان انقلاب اسلامی و گسست‌های اجتماعی)، ۱۳۸۱.
۷. انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشیریه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۸. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۹. برهه انقلابی در ایران، علیرضا شجاعی زند، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲.
۱۰. بنیان مرصوص، جواد آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۱. به سوی خدا می‌رویم، باهم به حج می‌رویم، محمود طالقانی، انتشارات لاله، بی‌جا، ۱۳۳۲.
۱۲. بیانات در دیدار کارگزاران و دست‌اندرکاران حج، علی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۴.
۱۳. پیام به حجج بیت الله الحرام، علی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۱۱.
۱۴. پیام به حجج بیت الله الحرام، علی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۴.
۱۵. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا.

۱۶. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمد باقر حشمت زاده، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۷. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۱۸. ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۹. تغییرات اجتماعی، گی روشه، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
۲۰. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.
۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۲. جامعه شناسی جنبش‌های اسلامی، حمید احمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۲۳. جامعه شناسی دین، ملکم همیلتون، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۸۱.
۲۴. جامعه شناسی دین، یواخیم واخ، ترجمه جمشید آزادگان، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۷.
۲۵. جامعه شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۰.
۲۶. حج، علی شریعتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۷. خسی در میقات، جلال آل احمد، تهران، فردوس، ۱۳۷۹.
۲۸. الخصال، محمد قمی (صدوق)، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا.
۲۹. در آمدی بر انسان شناسی، کلود ریویور، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
۳۰. در آمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمد رضا دهشیری، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۱. دولت و حکومت در اسلام، سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا اواخر قرن سیزدهم، آن. کی. اس لمبتون، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۴.
۳۲. سخن نامه حج، محمد محمدی ری شهری، دوره چهار جلدی، قم، سازمان چاپ و نشر

دارالحدیث، ۱۳۹۰.

۳۳. صحیفه امام، مجموعه پیام‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها، امام خمینی، دوره ۲۲ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.

۳۴. صحیفه حج، مجموعه سخنان و پیام‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی، امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات حج، نشر مشعر، ۱۳۸۷.

۳۵. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵.

۳۶. ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی، محسن محمدی و محمد هادی فلاح زاده، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۳۳.

۳۷. فرهنگ عربی - فارسی دانشیار، رضا مهیار، تهران، انتشارات دانشیار، ۱۳۸۰.

۳۸. فرهنگنامه حج و عمره و اماکن مربوطه، صدر طباطبایی، قم، انتشارات مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷.

۳۹. قاموس قرآن، علی اکبر قریشی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.

۴۰. کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ه. ق.

۴۱. مناسک حج در نگارگری اسلامی و نقش آن در همبستگی ملی و وحدت اسلامی، مهتار شایسته‌فر، نامه پژوهش فرهنگی، سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان، ۱۳۸۹.

۴۲. منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.

۴۳. ولایت فقیه، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.

جهانی‌شدن شعارهای انقلاب اسلامی و مناسک حج ابراهیمی

مهدی حسین‌زاده فرمی^۱

چکیده

مقاله پیش رو از بخش‌های مختلف تشکیل شده است که مطالعه اولویت‌دار و منظم آن، به فهم بیشتر مقاله کمک می‌کند و چه بسا اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در بخش اول به کلیات پرداخته می‌شود. در بخش‌های بعدی مقاله تلاش شده است که از زوایای مختلف، شعارهای انقلاب اسلامی و پدیده جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج بررسی شود. مهم‌ترین بخش نظری این مقاله، نظریه‌های مختلف جهانی‌شدن است، و با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند. برای نتیجه‌گیری، درباره شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات پدیده جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی تحلیل محتوایی صورت می‌گیرد تا مشخص شود که اهداف و آمال تجلی‌یافته در شعارهای انقلاب اسلامی ایران، با خصوصیات و اهداف پدیده جهانی‌شدن چه نسبتی دارد. دیگر

اینکه، در این تحلیل محتوا، نسبت ویژگی های مناسک حج، با شعارهای انقلاب اسلامی و خصوصیات جهانی شدن جست و جو می شود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، شعارهای انقلاب، جهانی شدن، حج، مناسک حج ابراهیمی، تشابه، تفاوت، نظریه های جهانی شدن، تحلیل محتوا.

مقدمه

تاریخ پرفرازونشیب جوامع بشری، اعصار مختلفی را به خود دیده است و هر دوره ای برای خود مفاهیم و ارزش های محوری خاص را پیگیری می نماید. با تأمل در چند دهه اخیر، می توان دریافت که این عصر نیز حاوی مفاهیم و نگرش های خاصی است که توجه به آنها می تواند راهگشای بسیاری از سؤالات و ابهامات باشد. بی تردید مفهوم مهمی چون «جهانی شدن»^۱ را می توان شاخص مهم و اساسی برای بشر حال حاضر تلقی کرد که دامنه تأثیرات آن، از اجتماعی ترین مسائل بشری تا فردی ترین و خصوصی ترین آنها را دربرمی گیرد. جهانی شدن، ایده و پدیده ای است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، گریز از آن نداریم. اگر واقع گرایانه بنگریم، ما درون جهانی شدن هستیم، گرچه شاید هنوز اطلاع درست و عمیقی درباره آن نداشته باشیم. مناسک حج ابراهیمی، برای مؤمنان به دین اسلام، بسیار شاخص است. این مناسک، همه ساله به دو شکل تمتع و عمره انجام می شود. وقوع انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک پدیده بی نظیر در دوره معاصر، ویژگی های منحصر به فردی دارد که نکات فراوانی را می توان در نسبت با ویژگی های پدیده جهانی شدن و مناسک حج جست و جو کرد. مقاله حاضر، از بخش های متفاوتی تشکیل شده است که مطالعه اولویت دار و منظم آن، به فهم بیشتر آن کمک می کند و چه بسا اجتناب ناپذیر می نماید.

۱. کلیات

طرح مسئله

هر انقلابی دارای شعارهایی برخاسته از ایدئولوژی انقلاب، ایمان، آمال و احساسات عمیق و انقلابی توده‌هاست؛ توده‌هایی که شعارها را با خون خود فریاد می‌کنند. این شعارها بیانگر نگرش ایدئولوژیک انقلاب، انقلابیون و توده‌های انقلابی درباره وضع موجود، اهداف و ویژگی‌های نظام آرمانی و نحوه انتقال جامعه از وضع موجود به وضع آرمانی است. از این‌روست که شعارهای هر انقلاب، از میراث‌ها و اسناد گران‌بهای آن و از مهم‌ترین منابع مطالعه فرایندهای انقلابی، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، دوستان و دشمنان انقلاب و ارزیابی میزان موفقیت آن است. بنابراین ضروری است که این اسناد و میراث به دقت جمع‌آوری و حفظ گردد و به نسل‌های آینده کشور سپرده شود.

شعارهای انقلاب، از نظر معرفتی نیز حایز اهمیت فراوانی است. از آنجاکه شعارهای انقلاب، پایه‌ی انقلاب پیش می‌روند، همه رویدادهای مهم انقلاب از وضعیت رژیم پیشین گرفته تا چگونگی سرنوشتی آن و موقعیت‌های پس از سرنوشتی و چگونگی شکل‌گیری نظام جدید و اهداف و آرمان‌های انقلابیون را دربردارد. بدین سبب شعارهای انقلابی، برای جامعه‌شناسان انقلاب و سیاسی، از بهترین منابع مطالعه و تجزیه و ابعاد مختلف پدیده انقلاب به شمار می‌روند. بی‌تردید شعارهای انقلاب اسلامی ایران، گنجینه فشرده و پرمعنایی از مفاهیم و آرمان‌های بنیادی انقلاب هستند که مطالعه و تحلیل آنها می‌تواند در نقد و بررسی انگیزه‌ها، اهداف، عملکرد و دستاوردهای این انقلاب، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. شعارها در فرایند پیروزی انقلاب و مراحل پس از آن در ایران، از چنان نقش مهمی برخوردارند که «هیچ انقلابی تا کنون بدین اندازه شعارهای انقلابی نداشته و تا آنجا که می‌دانم در مورد هیچ انقلابی

در دنیا، مطالعه درباره شعارهای آن به صورت دقیق صورت نگرفته است.^۱ انقلاب اجتماعی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی مطابق ۱۹۷۸ میلادی اتفاق افتاد که به اعتقاد صاحب نظران حوزه انقلاب و جنبش های سیاسی، از معدود انقلاب های بزرگ اجتماعی دنیاست. این اتفاق بزرگ، در برهه زمانی فوق، تقریباً هم زمان و هم عصر با تحولات «جهانی شدن» شد. «دیوید هلد» در سال ۲۰۰۰م در کتاب «دنیای جهانی شده» تأکید می کند که «پدیده جهانی شدن، یکی از بحث انگیزترین مباحث در بیست سال گذشته است».^۲

بنابراین فرایند پیروزی انقلاب اسلامی ایران و همچنین فرایند ظهور و پیشرفت جهانی شدن، در یک پانل زمانی واحدی اتفاق افتاده است. جهانی شدن که پدیده ای چندبعدی و چندوجهی را به ما می نمایاند، نمونه دیگری از مطالعات بین رشته ای را بنیان نهاد.^۳ «به هم فشردگی زمانی و مکانی»، «همگانی شدن» و «مشارکت جهانی» از ویژگی های مهم پدیده جهانی شدن است، که روند و حرکت صعودی دارند. یعنی فرایند جهانی شدن با ویژگی هایش یک پدیده زنده و جلورونده است و کل جهان را هدف گرفته است. مسئله ای که انگیزه نوشتن این مقاله است، مسئله «شباهت در عین تفاوت» است. شباهت از نظر قلمرو زمانی و تفاوت از نظر محتوایی و جهتی؛ یعنی اینکه با پیشرفت علوم کامپیوتری و اطلاعاتی، ظهور شرکت های تجاری بین المللی، ظهور سازمان ها و نهادهای سیاسی - اجتماعی بین المللی و... که صنعت هم زمان ارتباطات و اطلاعات را گسترش دادند، نقش و نیروی نهادها و سازمان های بین المللی را بیشتر کردند و تا حدی قدرت دولت های ملی را تضعیف نمودند و از همه مهم تر اینکه، نیاز

۱. جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمدحسین پناهی، ۱۳۸۳، ص ۱۰.

2. Held, D. (2000) A Globalizing word? Culture, Economics, politics: The open university press Routledge.

۳. وجوه اقتصادی، فنی، فرهنگی و سیاسی که صاحب نظران از هر وجه به این پدیده توجه دارند.

متقابل در دنیا یک امر بدیهی انگاشته می‌شود. انقلابی بزرگ در یک کشور و منطقه‌ای مهم روی داد که به نظر می‌رسد در اهداف، آمال و شعارهای خود، به عوامل جهانی فوق بی‌اعتنا بوده است. پس مسئله این مقاله، مسئله چرایی نیست، بلکه مسئله چگونگی است؛ یعنی چگونگی نسبت بین سه وجه انقلاب اسلامی، جهانی‌شدن و مناسک حج. به عبارت دیگر آیا با مطالعه شعارهای انقلاب اسلامی ایران، اهداف انقلاب اسلامی و نخبگان آن، که به نوعی در شعارها تجلی یافته است، با خصوصیات پدیده جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی شباهت دارد یا نه. به عبارت روشن‌تر، مسئله در چگونگی فهم مطالعه تطبیقی مناسک حج و انقلاب اسلامی در بستر جهانی‌شدن است. بنابراین در این مقاله، سه وجه «جهانی‌شدن»، «انقلاب اسلامی» و «مناسک حج» مورد توجه است و نسبت بین آنها و چگونگی شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان جست‌وجو می‌شود.

چارچوب نظری

مقاله در سطح «توصیف» و مطالعه «چگونگی»، نیاز چندانی به چارچوب نظری ندارد؛ اما برای جهانی‌شدن و فهم بهتر آن و استفاده بهتر برای مقایسه در نتیجه‌گیری، به طور اختصار به مبحث نظری جهانی‌شدن اشاره می‌شود. به طور کلی نظریه‌های جهانی‌شدن، با نگرش‌های متفاوتی مورد بحث قرار گرفته است. «مارتین لی» با چند معیار متفاوت به تقسیم‌بندی نظریه‌های جهانی‌شدن پرداخته است:

۱. با نگاه آرمان‌نگری به جهانی‌شدن، بین دیدگاه تندروهای جهانی‌گرا و شک‌گراها تفاوت قایل است؛

۲. از حیث تأثیرات، جهانی‌شدن را به جهانی‌شدن مثبت و منفی تقسیم کرده است؛

۳. با معیار هژمونیک و سلطه‌آمیز بودن جهانی‌شدن، دیدگاه نئولیبرال‌ها را در مقابل

نئومارکسیست‌ها قرار داده است؛

۴. با نگاه فرهنگی به جهانی شدن، دیدگاه همگن سازی را در مقابل ناهمگن سازی قرار داده است.^۱

«رونالد رابرتسون»، جهانی شدن را فراگیرتر، و چرخه دوم را منعکس کننده جهانی شدن های متکثری تلقی کرده است که در حلقه های همگن جهانی، با توجه به تمایلات حرفه ای، دینی، قومی، زبانی و حتی جنسیتی شکل می گیرد.^۲ دیگر اینکه، در مطالعه نظریه های جهانی شدن، لازم است بین جهانی شدن های «شناختی» و جهانی شدن های «غیرشناختی»، تمایز قایل شد. جهانی شدن های شناختی، بر عمق اندیشه انسان ها نفوذ می کند و حوزه های معرفتی جدید را به وجود می آورد؛ ولی جهانی شدن های غیرشناختی، منعکس کننده تغییر سطحی است که در مسیر زندگی فرد به وجود می آید. به نظر می رسد که بسیاری از تغییرات دوره معاصر، ناظر بر جهانی شدن غیرشناختی است، که سطحی است و صرفاً جنبه نمایشی و ظاهری فرهنگ را تغییر می دهد؛ مثل لباس پوشیدن، آرایش کردن و انتخاب سرگرمی های زندگی روزمره.^۳

فرضیه مقاله

با پذیرش مطالعه تطبیقی، ویژگی های مناسک حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، در بستر فرایند جهانی شدن، فرضیه مقاله به صورت زیر تدوین می شود: «به نظر می رسد ویژگی های مناسک حج ابراهیمی و اهداف و آمال تجلی یافته در شعارهای انقلاب اسلامی، در بستر خصوصیات پدیده جهانی شدن، متفاوت باشند».

۱. جهانی شدن ها، مفاهیم و نظریه ها، سعید رضا عاملی، فصلنامه ارغنون، ۱۳۸۱، ص ۳۱.

2. Robertson .R. (1992) Globalization: London ,sage press.

۳. جهانی شدن ها، مفاهیم و نظریه ها، ص ۳۲.

روش مطالعه

در مطالعه و بررسی «چگونگی» رابطه جهانی‌شدن، شعارهای انقلاب اسلامی و مناسک حج، نمی‌توان به «تبیین» اندیشید. بلکه در سطح «توصیف» خواهیم ماند؛ توصیف تفاوت یا شباهت ویژگی‌ها، آمال و اهداف. دلیل اصلی توصیف چگونگی رابطه و نسبت سه موضوع فوق، هم‌زمانی و هم‌عصری وقوع دو پدیده جهانی‌شدن و انقلاب اسلامی از یک طرف و شباهت محتوایی جهانی‌شدن و مناسک حج از طرف دیگر است که تأمل صاحب‌نظران را برمی‌انگیزاند. دو روش در این مقاله، حضوری پررنگ دارند: ۱. روش مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی؛ این روش که به بررسی و مطالعه مطالعات موضوع مقاله در بین کتب، مقاله‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها، روزنامه‌ها و اسناد می‌پردازد؛ ۲. روش تحلیل محتوا که برای تجزیه و تحلیل این سه بخش مقاله، از این روش استفاده شده است و برای چنین تحقیقاتی، مناسب‌ترین روش است. برای مثال، در این مطالعه، سند و متنی که باید با روش تحلیل محتوا بررسی شود، نمونه‌هایی از مجموعه شعارهای جمع‌آوری شده است. البته منظور از هر یک از شعارها، مفاهیم، مضامین و معانی شعارهاست که به عنوان واحد ثبت در نظر گرفته می‌شود. درباره نمونه‌های منتخب در تحلیل محتوا برای استفاده در مقاله، باید گفته شود که از مجموع ۴۱۵۳ شعار جمع‌آوری شده، تعداد ۴۹ شعار انتخاب شدند که مورد تحلیل محتوا قرار می‌گیرند.

از طرف دیگر، تعاریف، مفاهیم، تفاسیر و معانی وی، که از جهانی‌شدن و مناسک حج در بین صاحب‌نظران اجماع پیدا کرده است مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و با روش تحلیل محتوا، مفاهیم، مضامین و معانی مشترک آنها، استخراج می‌شود و با مفاهیم، مضامین و معانی شعارهای انقلاب اسلامی، مقایسه می‌شود تا بتوان شباهت‌ها یا تفاوت‌ها را که هدف مقاله است، دریافت.

۲. شعارهای انقلاب اسلامی ایران

از مهم ترین عناصر فرایند هر انقلابی، ایدئولوژی آن است که رهبران انقلاب، آن را به عنوان عامل اساسی تبیین کننده نابسامانی های وضع موجود و علت مشروعیت نداشتن نظام حاکم و حکام آن و همچنین مشخص کننده ماهیت و ویژگی های نظام آرمانی جایگزین نظام فعلی، مورد استفاده قرار می دهند. علاوه بر این، به کمک ایدئولوژی انقلاب است که استراتژی انقلاب و بسیج انقلابی و چگونگی انتقال از وضع موجود به وضع آرمانی، مشخص می شود. بنابراین مطالعه دقیق ایدئولوژی هر انقلابی برای شناخت آن ضرورت دارد. از آنجاکه ایدئولوژی انقلاب، نقش بسیار مهمی در پیشبرد انقلاب ایفا می کند، مطالعه آن نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از طرق مطالعه ایدئولوژی هر انقلابی، مراجعه به گفته ها و نوشته های رهبران آن است. طریق دیگر، مراجعه به شعارهای انقلابی است. شعارهای هر انقلاب، چکیده ای از ایدئولوژی آن انقلاب است که در قالب عبارت ها و جمله های کوتاه، مهیج، شورآفرین، موزون، وحدت بخش، جهت دهنده و حرکت آفرین در بین انقلابیون و توده های انقلابی مطرح می شوند و عامل اساسی بسیج انقلابی می گردند. علاوه بر آن، شعارهای هر انقلاب می تواند زوایای مهم دیگری از فرایند انقلاب مانند شناخت انواع گروه های درگیر در انقلاب و دوستان و دشمنان واقعی و ایدئولوژیکی انقلاب را روشن سازد. بنابراین، با توجه به ویژگی های شعارهای انقلابی می توان «شعار انقلابی» را این گونه تعریف کرد: «شعار انقلابی عبارتی نسبتاً موزون، ساده و عامه فهم است که معمولاً دسته جمعی ادا می شود و با تکیه بر عواطف و احساسات توده ای، ارزیابی مثبت و منفی ای از وضع موجود یا وضع ایده آل یا شخصیت های سیاسی آنها به دست می دهد» و «شعار انقلابی» با قضاوت ارزشی به توده ها جهت می دهد و آنها را دعوت به عمل سیاسی جمعی

می‌کند تا نظام حاکم را براندازد و نظامی آرمانی را جایگزین آن کند.^۱ باید به این نکته نیز توجه داشت که شعارهای انقلاب، به طور خالص، ایدئولوژی انقلاب را نشان نمی‌دهند؛ زیرا در فرایند هر انقلاب ممکن است ایدئولوژی‌های مختلفی مطرح گردند و برمبنای هریک از آنها نیز شعارهایی از طرف حامیانشان مطرح شود. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. اما هرچه یک ایدئولوژی انقلابی در مقایسه با ایدئولوژی‌های دیگر، غالب‌تر، نیرومندتر و فراگیرتر باشد، شعارهای بیشتری برمبنای آن مطرح خواهد شد. در نتیجه، بدنه اصلی شعارهای انقلاب ایران مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی انقلاب بوده است و منعکس‌کننده آن خواهد بود. بنابراین از آنجاکه در انقلاب ایران، ایدئولوژی انقلاب، اسلامی بوده و سایر ایدئولوژی‌های مطرح‌شده در حاشیه قرار داشته‌اند، غالب شعارهای مطرح‌شده در انقلاب، منعکس‌کننده ایدئولوژی اسلامی بوده‌اند.

خاستگاه سه‌گانه شعارهای انقلاب

به نظر می‌رسد، شعارهایی که طرف‌داران انقلاب ایران تدوین و مطرح کرده‌اند، سه خاستگاه عمده داشته باشد:

۱. رهبران انقلاب؛

۲. گروه‌های سازمان‌یافته درگیر (مسامحتاً احزاب)؛

۳. توده‌های انقلابی شرکت‌کننده در انقلاب.

پرواضح است که سهم هریک از خاستگاه‌های سه‌گانه، در تدوین و ارائه شعارها، یکسان نیست و به نوعی هریک از خاستگاه‌ها وظیفه خاصی از مراحل شعارسازی و شعاردهی را به عهده داشته است. برای مثال، رهبران و گروه‌های سازمان‌یافته انقلابی

۱. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمد حسین پناهی، ۱۳۸۳، ص ۴۹.

بیشتر در مرحله شعارسازی و توده های انقلابی که بیشتر از طریق تظاهرات خیابانی نمود عینی پیدا می کردند، در مرحله شعاردهی و شعارگویی انجام وظیفه می کردند.

قلمرو زمانی جمع آوری شعارها و تعداد آنها

برای جمع آوری شعارها همه منابع مربوط به انقلاب اسلامی ایران که به صورت چاپی یا دست نوشت وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت و شعارهای موجود در آنها بررسی و استخراج شد. بدین ترتیب، بیش از ۸۲۰۰ عبارت که تحت عنوان «شعار» در منابع مختلف ضبط شده و مربوط به دوره زمانی دی ماه ۱۳۵۶ تا مهر ۱۳۶۰ بود، گردآوری شد. از آنجاکه بسیاری از این عبارات نمی توانستند شعار انقلابی محسوب شوند، ضرورت داشت شعارهای واقعی از غیرشعارها جدا گردد. برای این کار تعریفی از شعار انقلابی، با دید جامعه شناختی ارائه شد و بر آن مبنا شعارهای واقعی انقلاب از شعارهای غیرواقعی جدا گشت. حاصل نهایی این مرحله از کار ۴۱۵۳ شعار بود.^۱

از بین شعارهای استخراج شده براساس موضوع مقاله که نسبت شعارها با پدیده جهانی شدن و مناسک حج است، تعداد ۴۹ شعار که نسبت ها را روشن می کردند، انتخاب شده است. یادآوری می شود که سعی شده است از شعارهای تکراری استفاده نشود و شعارهایی را که بتوان از آنها مفاهیم، مضامین و معانی را برای تأیید فرضیه مقاله، به کمک روش تحلیل محتوا استخراج کرد، انتخاب شود.

شعارهای منتخب الفبایی شده انقلاب اسلامی با توجه به موضوع مقاله

۱. آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی.
۲. آزادی، استقلال، حکومت اسلامی.
۳. آزادی، استقلال، حکومت قانون.

۱. جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، صص ۱۰ و ۳۰.

۴. آزادی، نه شرقی، نه غربی، جهانی است.
۵. آمریکا، آمریکا، تو پیرو یزیدی، ما پیرو حسینیم.
۶. آمریکا، استقلال و آزادی، جمهوری اسلامی خصم تو باشد، خشم تو باشد.
۷. آمریکا، اسرائیل، انگلیس، همدست شاه جلاد.
۸. آمریکا اسیر است، چین و روس ذلیل است.
۹. آمریکا، سازش با تو محال است.
۱۰. آمریکا، شوروی، چین، انگلیس، علیه ملت‌های محروم.
۱۱. آمریکایی بیرون شو، وگرنه می‌کشیمت.
۱۲. اجناس آمریکایی، تحریم باید گردد.
۱۳. استعمار، استبداد، استثمار نابود است.
۱۴. استعمار چپ و راست، کوبنده‌اش روح‌الله است.
۱۵. استقلال، آزادی، جای شهدا خالی.
۱۶. استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، رهبرش خمینی.
۱۷. استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.
۱۸. استقلال، آزادی، نه شاه مادرزادی.
۱۹. استقلال، آزادی، هدف جمهوری اسلامی.
۲۰. استقلال، استقلال، این است ندای قرآن.
۲۱. اسلام پیروز است، چپ و راست نابود است.
۲۲. امپریالیست خون‌خوار، با کارتر تبهکار، از صحنه جهانی نابود باید گردد.
۲۳. امپریالیسم خون‌خوار نابود باید گردد.
۲۴. امپریالیسم، کاپیتالیسم، صهیونیسم، مثلث استعمار.
۲۵. ای کارتر، ای کارتر، درنده همچون گرگی به گفته خمینی، شیطان بزرگی.
۲۶. بریدن از شرق و غرب، تداوم انقلاب ماندن فرهنگشان، نابودی انقلاب.
۲۷. بعد از شاه، نوبت آمریکا و شوروی است.

۲۸. توطئه چپ و راست، نابود باید گردد.
۲۹. جمهوری اسلامی، پیروز است، دنباله‌رو شرق و غرب نابود است.
۳۰. چپ و راست، دشمن کشور ماست.
۳۱. درود بر خلق فلسطین، فیلیپین، ارتیره و ایران، دشمن سرمایه‌دار.
۳۲. ریگان، ریگان، مرگت باد.
۳۳. سازش با آمریکا، ضربه به انقلاب است.
۳۴. سازش با آمریکا، هرگز امکان ندارد، اما امت ما، سر سازش ندارد.
۳۵. سازش‌کار را باید کشت، چه با تفنگ چه با مشت.
۳۶. سازش‌کار، سازش‌کار، دشمن انقلابی.
۳۷. سازش‌کاری با آمریکا حرام است، این منطق روح خدا امام است.
۳۸. سفارت آمریکا، این لانه جاسوسی، تعطیل باید گردد.
۳۹. سگ آمریکایی (شاه) به لانه برگشت.
۴۰. لاشرقیه، لاغریه، ثوره، ثوره، اسلامیّه.
۴۱. مرگ بر آمریکا و شوروی.
۴۲. مرگ بر آمریکای امپریالیست.
۴۳. مرگ بر فرانسه، مرگ بر میتران (رئیس‌جمهور وقت فرانسه).
۴۴. نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی.
۴۵. نه شرقی، نه غربی، جمهوری دموکراتیک اسلامی.
۴۶. نه آمریکا، نه روسیه، ایران متکی به خود.
۴۷. نه آمریکا، نه شوروی، حکومت عدل علی.
۴۸. نه آمریکا، نه شوروی، فقط ایران اسلامی.
۴۹. نه شرقی، نه غربی، حکومت اسلامی.^۱

بنابراین به‌طور کلی شعارهای منتخب را می‌توان در دو محور جداگانه دید:

۱. شعارهای مربوط به نظام‌ها و شخصیت‌های بین‌المللی؛

۲. شعارهای مربوط به نظام آرمانی آینده.

۳. جهانی‌شدن

واژه جهانی‌شدن، غالباً مترادف با یک یا چند پدیده از پدیده‌های زیر به کار می‌رود:

۱. دنباله روش‌های لیبرالی کلاسیک (بازار آزاد) در اقتصاد جهانی (جهانی‌شدن اقتصاد)؛

۲. گسترش تکنولوژی‌های خبررسانی جدید (انقلاب اینترنتی)؛

۳. یک جامعه واحد متحدالشکل که در حال تحقق است (یکپارچگی جهانی)؛

۴. حاکمیت رو به رشد قالب‌های غربی (حتی آمریکایی) زندگی سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی در سایر نقاط جهان (غربی‌شدن یا آمریکایی‌شدن).

پس جهانی‌شدن، به بیان ساده، به معنای گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن و

تعمیق تأثیر فراقاره‌ای جریان‌ها و الگوهای تعامل اجتماعی است. جهانی‌شدن، حاکی از

جابه‌جایی یا دگرگونی در مقیاس سازمان‌دهی انسانی است که جوامع دوردست را به

یکدیگر متصل می‌کند و دسترسی به روابط قدرت را در مناطق و قاره‌های دنیا گسترش

می‌دهد. جهانی‌شدن به‌عنوان یکی از بحث‌انگیزترین پدیده‌ها در چند دهه گذشته که

دارای منابع و مراجعی چون روزنامه، رادیو، تلویزیون، اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و

مخابرات است، به نظر «دیوید هلد»، زمانی در علوم اجتماعی از تأیید برخوردار می‌شود

که از نظر مفهومی، نظری و تجربی قابل دفاع باشد.^۱

به‌طور کلی می‌توان گفت که چند دسته نگرش در باب جهانی‌شدن وجود دارند. بدیهی

1. Held, J.D. (2000) A Globalizing word? Culture, Economics, politics: The open university press

است که این نگرش‌ها، با درجات کم یا زیاد در فاصله، تفاوت و تشابه نسبت به یکدیگر قرار دارند؛ یک دسته از این نظریات، قایل به این تعبیر هستند که جهانی شدن، به‌عنوان یک فرایند اجتماعی، تداوم جریان مدرنیته است. «آنتونی گیدنز» نماینده اصلی این‌گونه تفکر است و عموماً کسانی که قایل به چنین مفروضی هستند، به وی ارجاع می‌دهند.^۱

ازسوی دیگر، برخی محققان و نظریه پردازان، مقوله جهانی شدن را از انواع مقولاتی می‌دانند که در حوزه «پست مدرن» قرار می‌گیرد. «زیگموند بامن» نماینده این جریان است.^۲ اما «آبرو»، جامعه‌شناس نامی، اصرار دارد که عصر جهانی (The Global Age)، نه تداوم مدرنیته است و نه بیانگر آنچه پست مدرن‌ها بر آن تأکید دارند.^۳

«واترز» در کتاب معروف خود «Globalization»، جهانی شدن را گونه‌ای از تبادلات می‌شناسد که پس از دو نوع تبادل دیگر، یعنی تبادل اقتصادی و تبادل سیاسی شکل گرفته است.^۴ در تعبیری کاملاً فرهنگی، جهانی شدن به‌عنوان فرایند یکدست شدن فرهنگی و تبادلات مستمر فرهنگی دیده می‌شود که حاصل فشرده شدن دنیا و نفوذ متقابل فرهنگ و اقتصاد است. «رونالد رابرتسون» که واضع این نظریه است، حوزه جهانی را حاصل پیوند چهار عنصر «فرد، جامعه ملی، نظام بین‌المللی جوامع و بشریت» در کل می‌بیند.^۵

چیستی جهانی شدن؛ ویژگی‌ها و تعاریف

ویژگی‌های جهانی شدن:

۱. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که از زمان انقلاب صنعتی، افزایش بی‌سابقه‌ای را در

1. Giddens .A. (1991) Modernity and self Identit: Cambridg ,Polity press.p 56.

2. Bauman Z. (2001) wars of the Globalization Era: European Journal of social theory .1. p23.(1): 11 - 28

3. Albrow .N. (1996) The Global Age: Cambridg ,Polity press. P34.

4. Waters .M. (2001) Globalization: London ,Routledge press. P15.

5. Robertson .R. (1992) Globalization: London ,sage press. P18.

تولید کالاهای مصرفی، اولیه صنعتی و خدماتی نشان می‌دهد؛

۲. ما شاهد یک انقلاب اطلاعاتی - انفورماتیک هستیم؛

۳. فاصله بین کشورهای غنی و فقیر کمتر نمی‌شود؛

۴. تغییرات جمعیتی مهمی در جهان در حال تکوین است؛

۵. جهان به‌طور فزاینده، توان فیزیکی سیرکردن (تحرك مکانی) خود را به دست می‌آورد.^۱

حال به تعریف جهانی شدن می‌پردازیم: «جهانی شدن عبارت است از فرایند گسترش صنعت هم‌زمان ارتباطات، شیشه‌ای شدن مرزهای جغرافیایی و تودرتو شدن فرهنگ‌ها یا فرایند فشردگی فزاینده زمان، فضا و مکان که به‌واسطه آن، جهانیان به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند».

اگرچه بعضی از محققان خواسته‌اند جهانی شدن را در معنای سلبی زیر به کار برند، نظر اغلب جامعه‌شناسان و محققان مطالعات سیاسی و اقتصادی این است که فرایند جهانی شدن چنین جهت‌گیری‌هایی را در حال حاضر ندارند:

۱. جهانی شدن، روندی نیست که منجر به «یکی شدن جهان»^۲ یا «همسان‌سازی

مطلق»^۳ در قلمروهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی شود. این به‌دلیل آن است که حتی

اگر فرض شود که جهانی شدن فرآیندی را به وجود بیاورد که «متن واحدی»^۴ را

به صورت استاندارد به همه جهان ارسال کند، به‌دلیل وجود «زمینه‌های متفاوت»^۵

تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در مناطق جهان، نتیجه جهانی شدن در این

زمینه‌های متفاوت، یکسان نخواهد بود؛

1. Waters .M. (2001) Globalization: London .Routledge press. P17.

2. Unification.

3. Absolute Homogenization.

4. Single text.

5. Different Contexts.

۲. جهانی شدن، همچنین به معنای به وجود آمدن روند «تک‌فرهنگی‌گرایی»^۱ جهانی، به صورتی که مردم در سرتاسر دنیا از یک نظام اخلاقی، اعمال مذهبی، جشن‌ها و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی واحد یا فرهنگ عامیانه یا مثلاً افکار عمومی واحد برخوردار شوند نیز نیست؛

۳. در حوزه سیاست نیز جهانی شدن به این معنا نیست که «دولت – ملت‌ها»^۲ جای خود را به «دولت جهانگیر»^۳ می‌دهند؛ یا به عبارتی، دنیا را قدرت واحدی اداره می‌کند؛

۴. در حوزه اقتصاد هم، جهانی شدن به معنای تک‌قطبی شدن اقتصادی و نظام واحد اقتصادی که دنیا را اداره بکند، نیست؛ زیرا امروزه در کنار فرایند جهانی شدن، فرایند «منطقه‌ای شدن»^۴ به صورت جدی در حال شکل‌گیری است. به وجود آمدن اتحادیه اروپا، بلوک اقتصادی ژاپن، اتحادیه‌های منطقه کشورهای عربی و... انحصار جهانی اقتصاد را از بین برده است؛

۵. جهانی شدن یک فرایند واحد نیست که شامل همه جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهانی شود، بلکه «جهانی شدن‌های بی‌شماری» در جهان در حال وقوع است. در واقع، صنعت ارتباطات، این امکان را برای همه مقوله‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورده است که جهان‌گیر شوند؛

۶. در نهایت، جهانی شدن مترادف با «بین‌المللی شدن»^۵ نیست. بین‌المللی شدن، بیشتر ناظر به مفهومی است که از روابط رسمی بین دولت‌ها، با نوع خاصی از روابط رسمی

-
1. Mono-culturalism.
 2. Nation – States.
 3. World State.
 4. Regionalization.
 5. Internationalization.

چندجانبه بین مؤسسات فراملی، انتزاع می‌شود. در صورتی که جهانی‌شدن به روندهای فراگیر، هم در فضای خصوصی و هم در فضای عمومی^۱، اشاره دارد.^۲

مروری بر نظریه‌های جهانی‌شدن

در زیر به نظریه‌های جهانی‌شدن، از نظر برخی صاحب‌نظران اولیه و اصلی آن، توجه می‌شود:

۱. رونالد رابرتسون: نظریه جهانی‌شدن؛ رونالد رابرتسون، جهانی‌شدن را فرایند پیچیده‌ای می‌داند که منطق، جهت و نیروی محرک خاص خود را دارد و ازسویی دیگر، به معنای جهانی‌شدن نهادهای مختلف مانند «جهانی‌شدن آموزش و پرورش» که وجه مشترک این دو، مفهوم «برکنده‌شدن» یا انفصال ساختارها و فعالیت‌ها از زمینه محلی و جهانی‌شدن آنهاست. لذا جهانی‌شدن را می‌توان به معنای «درهم‌فشرده‌شدن جهانی» و تبدیل آن به مکان واحد دانست. به نظر ایشان، جهانی‌شدن معاصر به دلیل سرعت، وسعت و قالب‌های تازه آن که دربرگیرنده چهار مؤلفه عمده است، از قالب‌های قبلی متمایز می‌شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مرز، جامعه (ملی)، نظام جوامع (بین‌الملل) و نوع بشر که از رهگذر رابطه بین این چهار مؤلفه می‌توان فرایند جهانی‌شدن را شناسایی کرد.^۳

۲. آنتونی گیدنز: جهانی‌شدن اقتصاد؛ آنتونی گیدنز از دیگر متفکرانی است که درباره جهانی‌شدن و پیامدهای آن به طرح مبانی نظری پرداخته است. گیدنز با تأکید بر اینکه انقلاب در ارتباطات و گسترش فناوری‌های انتقال اطلاعات، پیوندی تنگاتنگ با جهانی‌شدن دارد، جهانی‌شدن را به‌مثابه تبدیل و دگرگونی مفهوم زمان و فضا در زندگی انسان‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. او تأثیرات جهانی‌شدن را در بعد اقتصاد قابل

1. Public Sphere.

۲. وسایل الشیعه، حرعاملی، ۱۳۷۸، ص ۱۸-۱۶.

3. Robertson .R. (1992) Globalization: London .sage press.p255.

ملاحظه می‌داند و معتقد است: هرچند بیشتر مبادلات تجاری، منطقه‌ای باقی مانده‌اند؛ یک «اقتصاد کاملاً جهانی» در زمینه بازارهای پولی و مالی وجود دارد.^۱

۳. مارتین آبرو: عصر جهانی؛ مارتین آبرو متفکر انگلیسی که رویکردی متفاوت به پدیده جهانی شدن دارد، در کتاب خود، «عصر جهانی» به طرح نظرات خود می‌پردازد و از پایان‌یافتن دوره مدرن و ورود به یک دوره جدید خبر می‌دهد. آبرو معتقد است که جنگ سرد، فرود انسان بر کره ماه، دهکده جهانی الکترونیکی، پیروزی آمریکا با فروپاشی شوروی و... نشانه پیروزی مدرنیته نبوده، بلکه از ظهور عصر جدیدی حکایت می‌کند که هرچند پس از عصر مدرن آمده است، عصر پسامدرن هم نیست. به عقیده او، جهانی شدن سرآغاز دوره‌ای جدید به نام «عصر جهانی» را مشخص می‌کند؛ عصری که هرگز استمراری از مدرنیته نبوده است و برخلاف نظر کسانی همچون رابرتسون و گیدنز که جهانی شدن را پیامد یک دگرگونی اجتماعی می‌دانند، فرایندی قانونمند نیز نمی‌باشد. از نظر آبرو، جهانی شدن، این فرضیه‌ها را که دولت ملی می‌تواند چارچوب معنایی مسلطی برای زندگی شهروندان فراهم کند یا اینکه «عقلانیت غربی ذاتاً برتر است»، تضعیف می‌کند.^۲

۴. جان تأملینسون: جهانی شدن و فرهنگ؛ از متفکران دیگری که پدیده جهانی شدن را مورد کنکاش قرار داده و به ویژه در خصوص بعد فرهنگی جهانی شدن، مطالعات جدی و درخور توجهی انجام داده، «جان تأملینسون» است. او معتقد است که عناصر اصلی جهانی شدن، بر بستری قرار دارند که می‌توان آن را «سیاق فرهنگی» نام نهاد. به گفته وی، جهانی شدن، شبکه‌ای به سرعت گسترش‌یابنده و همیشه متراکم‌شونده از

1. Giddens, A. (1991) *Modernity and self Identity*: Cambridg, Polity press.

۲. پیام‌های مدرنیته، آنتونی گیدنز، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۰.

3. Albrow, N. (1996) *The Global Age*: Cambridg, Polity press. p 276.

پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود.^۱

۵. یورگن هابرماس: جهانی‌شدن و دموکراسی؛ از دیگر متفکرانی که درباره جهانی‌شدن، ویژگی‌ها و پیامدهای آن، دیدگاه‌های درخور تأملی مطرح کرده، یورگن هابرماس، متفکر آلمانی است. وی جهانی‌شدن را فرایندی می‌داند که بر افزایش دامنه و شدت مناسبات تجاری، ارتباطی و مبادله در فراسوی مرزهای ملی دلالت می‌کند و نیز بیانی از نوع رابطه بشر، تکنولوژی و طبیعت است. هابرماس معتقد است که مفهوم جهانی‌شدن، در موارد بسیاری، همراه ارتباطات تلفنی بین‌قاره‌ای، گسترش گردشگری، فرهنگ توده‌ای، خطرات فناوری، قاچاق اسلحه و... به کار می‌رود؛ اما جهانی‌شدن اقتصاد، مهم‌ترین بعد جهانی‌شدن است. تحولات حاصل از فرایند جهانی‌شدن، همه حصارها، از جمله حصار ملت را می‌شکند و قدرت دولت – ملت را به‌طور مداوم تضعیف می‌کند.^۲

جهانی‌شدن؛ پروسه یا پروژه یا پدیده

در موضوع‌شناسی جهانی‌شدن، یکی از بحث‌هایی که کمتر به آن توجه می‌شود، این است که جهانی‌شدن «پروسه یا فرایند»^۳ است یا «پروژه».^۴ در حالت پروسه‌بودن آن، یک وجه طبیعی دارد؛ یعنی یک روند طبیعی که حاصل پیشرفت تمدن بشری است، حاصل انباشت یک حالت خوش‌بینی و یک نوع عدم طرح قبلی قدرت‌های بزرگ در آن وجود دارد. به‌صورت مفروض، فاعلی و کارگزاری به‌شکل مصنوعی و ساختگی در

1. Tomlinson, J. (1991) Cultural Imperialism: Baltimore, Johns Hopkins University press, p. 117.

۲. جهانی‌شدن و آینده دموکراسی، یورگن هابرماس، ترجمه کمال پولادی، ۱۳۸۰، ص ۸۷.

3. Procce.

4. Proje.

پس آن طراحی نشده است. اما در شکل پروژه بودن اینکه: امر پروژه گونه و طراحی شده، در واقع امر توطئه گونه ای است که از جهانی شدن به صورت پروژه یا طرح نام می برند که فاعل و کارگزاری در پس این تحولات وجود دارد، نقشه ای در پشت آن است، دشمنان یا رقبا این چرخ را می چرخانند و طراحی می کنند. بنابراین نوعی بدبینی و تفکر و توطئه پشت آن است. به عبارت دیگر همان بحث های غربی شدن و آمریکایی شدن جهان است که بسیاری آگاهانه و ناآگاهانه به آن می پردازند.

شکل سومی هم وجود دارد که نه پروسه است و نه پروژه، بلکه «پدیده» است؛ یعنی یک پدیده اجتماعی است. در شکل سوم، ترکیبی از آن دو هویت قبلی لحاظ می شود؛ یعنی از یک طرف صد درصد پروسه نیست؛ چون به هر تقدیر جهانی شدن در حوزه علوم انسانی دارد اتفاق می افتد و در حوزه علوم انسانی، هم اراده انسان و هم عاملیت انسانی در آن نقش دارد. به خصوص کشورهای پیشرو و قدرتمند که برای کسب منافع بیشتر، مانع از پروسه شدن جهانی شدن می شوند. از طرف دیگر، پروژه ای دیدن صرف هم پذیرفتنی نیست. پس واقعیت ها را که در جهان در حال اتفاق افتادن است، نمی توان نادیده گرفت و دیگر اینکه، انسان، سنگ یا چوب یا کوه نیست که منفعل و بی واکنش باشد. بنابراین، ماده انگاری است اگر جهانی شدن را صرفاً یکی از دو مقوله پروسه یا پروژه بدانیم. واقعیت این است که به هر حال یک بخش هایی از جهانی شدن واقعیت است و طبیعی است و دارد همراه با بلوغ و رشد بشر اتفاق می افتد؛ منتها در این موج جهانی شدن، ابرقدرت ها و کشورهای ثروتمند ممکن است، با توجه به دست بالای که در حوادث دارند، بر این موج سوار شوند. ولی تکثر روزافزون قدرت های جهانی، امکان موج سواری را کمتر و مشکل تر کرده است؛ هرچند کاملاً از بین نبرده است. به عبارت دیگر، «پدیده جهانی شدن» بین پروسه بودن و پروژه بودن، حالت «رفت و برگشتی» دارد.

ضرورت جهانی‌شدن؛ آیا جهانی‌شدن اجتناب‌ناپذیر است؟

به نظر می‌رسد، همه ما فارغ از طبقه، پایگاه یا موقعیت قدرتمان در جامعه، تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن قرار گرفته باشیم. وقتی درباره سرشت و توسعه جهانی‌شدن بحث می‌کنیم، روشن می‌شود که وارد دوران تازه‌ای از جامعه انسانی شده‌ایم و تغییرات گسترده‌ای وجود دارد که در تمام جهان، در قلمرو زندگی روزمره در حال شکل‌گیری است: «جهانی‌شدن در حال شدن و ساخته‌شدن است».^۱ این جمله، فوق جمله‌ای پرمعناست که بر جنبه فرایندی بودن پدیده جهانی‌شدن تأکید دارد. اگر به دقت به واژه جهانی‌شدن توجه شود، پسوند «ation» را در واژه می‌بینیم که به معنای «شدن» است. شدن، به یک جریان تاریخی اشاره دارد؛ جریانی که در دوره طولانی تدوین می‌شود. هر جریان تاریخی، از جمله تجدّد یا نوشدن و عرفی‌شدن خود را بر واقعیت اجتماعی تحمیل می‌کند و از آن گریزی نیست. پس پرداختن به فرایند تاریخی جهانی‌شدن، ضروری است و توجه به آن اجتناب‌ناپذیر؛ زیرا متحمل‌شدن پیامدهای آن اجتناب‌ناپذیر است.

۴. مناسک حج ابراهیمی و اهمیت آن

حج از مهم‌ترین فروع دین اسلام است. مسلمانان با داشتن شرایطی، مکلف‌اند در دهه اول ماه ذی‌الحجه به مسجدالحرام بروند و مجموعه‌ای از اعمال نیایشی را به جا آورند. حج در دین و دوره حضرت ابراهیم علیه السلام، تجدید بنا شد و کلیت آیین‌های حج تمتع و حج عمره (احرام، لمس حجرالاسود، سعی بین صفا و مروه، وقفه در عرفات و رمی جمره) پیش از اسلام نیز رایج بود. اما تعدیلات جدی‌ای در حج اسلامی، نسبت به پیش از اسلام روی داده است. در اهمیت به‌جا آوردن مناسک حج، علاوه بر آمدن سوره‌ای مجزا و مستقل درباره حج، آیات و روایات دیگری نیز آمده است. خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

1. Kofman J and Gillian Youngs. (2003) Globalization .Theory and practice: London .Press continuum.p 17.

درحقیقت، صفا و مروه از شعایر خداست که یادآور اوست. پس هر که خانه خدا را حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جا آورد، و هر که افزون بر فریضه، کار نیکی کند، خدا حق شناس و داناست.^۱

همچنین می‌فرماید:

درحقیقت، نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان مایه هدایت است. در آن، نشانه‌های روشن است؛ از جمله مقام ابراهیم است، و هر که در آن درآید، درامان است، و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است. البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد، و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.^۲

امیرمؤمنان علی علیه السلام در اهمیت حج می‌فرماید:

خداوند حج بیت‌الله الحرام را بر شما واجب کرده است. همان خانه‌ای که آن را قبله مردم قرار داده است و مردم همچون تشنه‌کامانی که به آب‌گاہ می‌روند، به سوی آن رو می‌کنند و همانند کبوتران به آن پناه می‌برند. خداوند آن را مظهر تواضع مردم در برابر عظمتش و تسلیم آنان در برابر عزتش قرار داده است.^۳

امام صادق علیه السلام نیز درباره اهمیت حج می‌فرماید: «تا زمانی که کعبه استوار و پابرجا باشد، دین پابرجا و افراشته است».^۴

ضرورت و کارکرد حج

عبادت‌ها در ادیان، جنبه فردی، درونی، ذهنی و روحی، تصفیه و تزکیه اخلاقی و آراستگی فردی داشته‌اند. این ویژگی‌ها جزء لاینفک همه عبادات در ادیان و از جمله در

۱. بقره: ۱۵۸.

۲. آل عمران: ۹۶ و ۹۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۴. وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴.

اسلام است. اما این تزکیه فرد، این ارتباط درونی با خداوند و این تجلی فرد در اسلام، به صورت انزوا، انفراد و تجرد از زندگی و دورشدن از ماده و غفلت از دنیا و عدم آگاهی از آنچه در محیط می‌گذرد، تجلی نمی‌کند. برعکس، همه وجوه عبادی که جزء اصول عبادات انسانی در اسلام است، به وسیله یک شفیع به خداوند می‌رسد. ارتباط مستقیم فرد با خداوند، در عبادات اسلامی به صورت دورشدن از واقعیت و طبیعت مادی و سرنوشت جامعه و مردم تجلی نمی‌کند. روح فرد از مسیر طبیعت مادی، از مسیر جامعه و زندگی عینی مردم و از طریق گذر بر سرنوشت دیگران به خداوند می‌رسد. توحید، یعنی یگانگی خدا؛ اما انعکاس اجتماعی این اعتقاد در جامعه و تاریخ بشری، یعنی انسان‌ها یکی هستند، نژادها یکی هستند، طبقات یکی هستند، گروه‌ها یکی هستند؛ زیرا همه یک خدا دارند؛ یعنی، حرکت از کثرت به سمت وحدت. بنابراین، داستان حضرت ابراهیم علیه السلام داستان مبارزه با تغییر مسیر تاریخ بشریت است و نهایتاً اینکه، برای شناختن اهمیت و ضرورت حج، باید حضرت ابراهیم را شناخت و برای شناختن عمل حضرت ابراهیم و انقلاب او در تاریخ بشر، باید «بت‌پرستی» و «توحید» را شناخت.

از جلوه‌های مهم حج این است که در سراسر حج و داستان و تاریخ حج، فرد گم می‌شود و «مردم» و «ما» برای اولین بار ظاهر می‌شوند؛ یعنی در میقات حج، «من‌ها» به «ما» تبدیل می‌شوند. عالی‌ترین و انسانی‌ترین «ما»، مایی است که براساس یک اعتقاد و جهت انسانی تشکیل می‌شود؛ یعنی عالی‌ترین مرحله روح و تکامل روح ما، در همبستگی من‌ها، براساس یک فکر، ایمان، اعتقاد و ایدئولوژی است. ما‌های دیگر در این مای نیرومند حل می‌شود؛ زیرا قوی‌ترین روح اجتماعی بشر، روح اعتقادی و ایمانی‌اش است. بنابراین در حج ابراهیمی، در این میعاد خدا و حضرت ابراهیم، بر گرد این خانه، گردابی فشرده و در حال حرکت است. در این گرداب فشرده، فرد وجود ندارد؛ من در ما حل شده است.

به عبارت دیگر، انسان وقتی وارد حریم خانه خدا می‌شود، می‌فهمد که خود این طواف است که او را می‌چرخاند و این ماست که تحقق پیدا کرده است و وحدت فرد را در جمع می‌یابد. در اینجا هیچ کس و هیچ چهره‌ای و نشانه‌ای را تشخیص نمی‌دهد و همچنین هیچ کس او را نمی‌بیند. هم من خودش گم شده، فروریخته و غرق شده است و هم من‌های دیگری که او را به یاد من می‌آورند، می‌بیند که همه من‌ها همه یک‌شکل و یک‌رنگ و یک‌نواخت تبدیل به «ما» شده‌اند. بنابراین تاریخ بشر عبارت است از: تکامل ماها؛ یعنی آن‌مای اولیه‌ای که براساس پوست، خون، زادن، خویشاوندی، خاک، کار یا وضع اجتماعی تشکیل می‌شد، کم‌کم در طول تکامل بشر، می‌رسد به جایی که ما، براساس اشتراک در اعتقاد و ایمان تشکیل می‌شود که عالی‌ترین تجلی روح دسته‌جمعی بشری است. در نهایت اینکه، آمارهای خودکشی، آمارهای بیماری‌های روانی، تلخی، پوچی، رسیدن به هیچ چیز پس از رسیدن به همه‌چیز، که این‌همه تمدن و جامعه مدرن را رنج می‌دهد، اینها براساس رشد من در ما و ضعیف‌شدن روح ما در جامعه امروزی تحلیل می‌شود که نتیجه آن، همان رشد فردیت در جامعه مدرن است.

در فرایند انجام اعمال و مناسک حج، سه اصل را می‌توان جست و جو کرد: «اصل اول، اصل اتصال است؛ اصل دوم، اصل اجتماع است و اصل سوم نیز اصل حرکت منظم یا مهاجرت برای یک آرمان است». اصل اتصال؛ یعنی در حج دائماً و هرسال، اتصال مجدد انسان‌ها به سرشت و سرنوشت تاریخی و رسالت عظیم انسانی‌شان مشاهده می‌شود. اصل اجتماع، یعنی در مناسک حج، همه مکان خود را ترک کنند و در جایی باهم تصادم فکری داشته باشند؛ من وضعیت اجتماعی خودم را بگویم و او وضعیت اجتماعی خودش را بگوید. تصادم و جمع‌شدن این جامعه‌های پراکنده، روح اجتماعی زنده و اندیشه اجتماعی آگاه پدید می‌آورد. تجمع اصولاً عامل تحرک انسانی، آگاهی و رشد جهان‌بینی اعتقادی بشری است.

در دنیا، کنگره خیلی فراوان است. اما کنگره عظیم حج، باهمه تجمع‌ها و کنگره‌های دیگری که در دنیا بوده است، فرق دارد. در تجمع‌ها و کنگره‌های دیگر، نمایندگان طبقات و ملت‌ها که انتخاب و دست‌چین شده‌اند، می‌آیند و جمع می‌شوند. اما در اینجا ملت‌ها و توده‌ها، بی‌نماینده و مستقیم، خودشان به میعادگاه می‌آیند. هر انسانی به نمایندگی خود و جامعه‌اش اینجا دعوت خدایی شده، حاضر می‌شود. اصل حرکت و مهاجرت نیز یعنی از وقتی مناسک حج شروع می‌شود، هیچ توقفی (نظری و عملی) نیست. تمام مناسک حج در حرکت و تغییر معنا می‌یابد؛ از تغییر لباس تا تغییر انجام مناسک در شب و روز.^۱

استخراج و نتیجه‌گیری

تحلیل شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج

برای تجزیه و تحلیل شعارهای انقلاب اسلامی ایران و خصوصیات پدیده جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی، از روش «تحلیل محتوا» استفاده شد که برای چنین تحقیقاتی، مناسب‌ترین روش است. قبل از اینکه به بررسی محورها و مقوله‌ها پردازیم، لازم است به چند مطلب مهم اشاره شود: اول اینکه این تحلیل، بیشتر به محتوای شعارها و ویژگی‌ها توجه کرده است تا تحلیل محتوای آشکار آنها. به عبارت دیگر، محقق نمی‌تواند صرفاً بر مبنای یافتن و شمارش کلمات خاصی در شعارها و ویژگی‌ها، آنها را رمزگذاری کند؛ بلکه باید به مضمون‌های نهفته در هریک از آنها توجه نموده، آن را مبنای داوری خود قرار دهد. روشن است که این کار، هر چقدر هم تعاریف نظری و عملیاتی دقیقی داشته باشد، پایایی تحقیق را کاهش می‌دهد. البته

۱. میعاد با ابراهیم، علی شریعتی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۱.

حتی‌الامکان سعی شده است از مفاهیم آشکار نیز برای تجزیه و تحلیل استفاده شود. مشکل دیگر این تجزیه و تحلیل آن است که شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات جهانی شدن و ویژگی های مناسب حج، فقط یک مضمون اصلی ندارند. مقوله‌هایی وجود دارند که ممکن است دو یا سه و حتی مضمون‌های بیشتری داشته باشند و در نتیجه، در بیش از یک دسته‌بندی قرار می‌گیرند. از آنجاکه از اصول تحلیل محتوا آن است که هیچ مضمونی نباید در بیش از یک مقوله یا زیر مقوله قرار گیرد،^۱ باید برای این مشکل چاره‌ای اندیشید. البته نگارنده آگاه است که عبارت یا جمله‌ای که احتمالاً در بیش از یک مقوله قرار می‌گیرد، واحد ثبت مناسبی برای تحلیل محتوا نیست. در زیر به تحلیل محتوای هریک از سه بخش شعارهای انقلاب اسلامی، خصوصیات پدیده جهانی شدن و ویژگی‌های مناسب حج می‌پردازیم:

تحلیل محتوای شعارهای انقلاب اسلامی

با توجه به ۴۹ شعار نمونه و انتخاب‌شده، مفاهیم، مضامین و معانی زیر استخراج می‌شود که وجه مشترک و به‌نوعی درون‌مایه شعارها را تشکیل می‌دهند:

۱. اعلان عدم نیاز به هیچ کشوری در دنیا؛
۲. طرد کشورهای غربی (بلوک غرب) و کشورهای شرقی (بلوک شرق) دنیا؛
۳. به‌کارگیری اسطوره‌های دینی و تاریخی (امام حسین علیه السلام و یزید) برای طرد کشورهای ثروتمند و بانفوذ دنیا؛
۴. دشمنی علنی با کشورهایی چون آمریکا، انگلیس، شوروی سابق، اسرائیل، چین و...

۵. اعلام سازش‌ناپذیری همیشگی با کشورهای بزرگ دنیا؛

۱. تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی، آل. آر هولستی، مترجم نادر سالارزاده، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴.

۶. تحریم اجناس و کالاهاى كشورهای بزرگ دنیا؛
۷. اعلان كوبيدن و نابودكردن كشورهای بلوك شرق و غرب دنیا؛
۸. پیروزی اسلام و ایران و شكست و نابودی شرق و غرب دنیا؛
۹. تداوم انقلاب ایران در گرو طرد كشورهای غربی و شرقی است؛
۱۰. نابودی انقلاب اسلامی ایران در گرو رابطه‌داشتن با كشورهای غربی و شرقی؛
۱۱. بدبینی زیاد به سرمایه و سرمایه‌دار؛
۱۲. حرام شرعی دانستن هر نوع سازش با كشورهای غربی و شرقی؛
۱۳. مباح‌دانستن حمله به سفارتخانه‌های كشورهای مداخله‌گر در امور داخلی كشور؛
۱۴. خواستار مرگ و نابودی برای رهبران و رؤسای جمهور كشورهای بزرگ دنیا؛
۱۵. حیات و تداوم جمهوری اسلامی ایران در گرو عدم ارتباط با شرق و غرب دنیا؛
۱۶. جهانی‌بودن آزادی.

تحلیل محتوای خصوصیات پدیده جهانی‌شدن و تحولات آن در ایران

با تعاریف، مبانی نظری و خصوصیاتى که از پدیده جهانی‌شدن در این مقاله آورده

شد، مفاهیم، مضامین و معانی زیر را می‌توان استخراج کرد:

۱. انقلاب در عرصه اطلاعات و رسانه‌ها؛
۲. نقش بیشتر عنصر آگاهی در زندگی مردم؛
۳. افزایش بی‌سابقه مصرف‌گرایی؛
۴. یکی‌نشدن جهان؛
۵. چندفرهنگی‌شدن و عدم تک‌فرهنگی‌گرایی؛
۶. ظهورنیافتن دولت جهان‌گیر؛
۷. تک‌قطبی‌نشدن اقتصاد؛

۸. پذیرش چندجهانی شدن؛

۹. بین‌المللی نشدن؛

۱۰. اجتناب‌ناپذیر بودن جهانی شدن؛

۱۱. پذیرش توأمان پروسه‌ای بودن و پروژه‌ای بودن و عصر جهانی شدن؛

۱۲. شیشه‌ای شدن مرزهای جغرافیایی؛

۱۳. تودرتو شدن فرهنگ‌ها؛

۱۴. گسترش صنعت هم‌زمان ارتباطات و اطلاعات؛

۱۵. فشردگی فزاینده زمان، فضا و مکان.

در ادامه به اثرگذاری و ضرورت پرداختن به پدیده جهانی شدن در ایران می‌پردازیم. با وقوع پدیده جهانی شدن در چند دههٔ اخیر، ایران و ایرانیان هم از این پدیده متأثر شده‌اند. این تأثیر، آگاهانه یا ناآگاهانه، به‌اختیار یا به‌اجبار، در دو سطح جلوه‌گر شده است که در زیر به تحولات و اقدامات صورت گرفته در دو سطح می‌پردازیم:

الف) در سطح دولت، حاکمیت و برنامه‌ریزی‌های دولتی

۱. گسترش روزافزون کابل‌کشی‌های فیبر نوری، برای تسهیل در امر مخابرات و اینترنت؛

۲. کنشگری فعال دولت در سازمان‌های بین‌المللی و مداخله در امور بین‌الملل؛

۳. تلاش دولت برای افزایش شبکه‌های رسانه‌ای در داخل و خارج از کشور و

سهیم شدن در توزیع اخبار و اطلاعات جهانی؛

۴. مشارکت در تجارت‌های بین‌المللی و حمایت از شرکت‌های داخلی فعال در

عرصه بین‌المللی در قالب حمایت از صادرات.

ب) در سطح مردم و زندگی روزمره (براساس نتایج تحقیقات مختلف)

۱. افزایش کاربران و سرعت اینترنت در کشور؛

۲. افزایش کاربران و متقاضیان تلفن همراه که با وجود گران‌بودن آن نسبت به کشورهای دیگر، از علاقه و تمایل مردم به استفاده از آن کاسته نشده است و روند صعودی دارد؛

۳. افزایش کاربران شبکه‌های ماهواره‌ای در کشور؛ این تحول با وجود محدودیت‌های انتظامی دولت، رو به افزایش است.

۴. افزایش مسافرت‌های خارجی برای مقاصد زیارتی، تحصیلی، تجاری و سیاحتی؛

۵. مشارکت رو به افزایش مجامع علمی - تخصصی کشور و سهم‌شدن آنها در پیشبرد علم در جهان.

تحلیل محتوای ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی

با توجه به رویکرد اعتقادی، تاریخی، معنوی و اجتماعی مناسک حج ابراهیمی، از گذشته تا حال، نکات زیر برجسته و استخراج می‌گردد:

۱. حج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فروع دین اسلام؛
۲. انجام مناسک حج از گذشته‌های دور، قبل از اسلام؛
۳. اهمیت به‌جا آوردن مناسک حج در آیات قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام؛
۴. توحید و انعکاس اجتماعی آن در مناسک حج؛
۵. شناخت هم‌زمان توحید و بت‌پرستی در مناسک حج؛
۶. حل شدن «من‌ها» در «ما»؛
۷. تبدیل شدن «من‌ها» به «ما»؛
۸. حرکت از «کثرت» به سمت «وحدت»؛
۹. تاریخ بشر عبارت است از تکامل «ما»ها؛
۱۰. از بین رفتن تفرقه بین مذاهب اسلامی؛

۱۱. ضعیف‌شدن روح «ما» در جامعه امروزی؛
۱۲. رشد فردیت در جامعه مدرن؛
۱۳. اتصال مستمر انسان‌ها به سرشت و سرنوشت تاریخی؛
۱۴. تضاد و جمع‌شدن جوامع پراکنده؛
۱۵. اجتماع یعنی «کنگره عظیم حج»؛
۱۶. معنی‌یافتن تمام مناسک حج در حرکت، تغییر و مهاجرت.

حرف آخر

با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از فرضیه اصلی مقاله، تأیید شده و بخش دیگر آن تأیید نشده است؛ یعنی اهداف و آمال تجلی‌یافته در شعارهای انقلاب اسلامی ایران با خصوصیات و اهداف پدیده جهانی شدن متفاوت است. اما ویژگی‌ها و شرایط مناسک حج، با ویژگی‌ها و خصوصیات جهانی شدن، شباهت تقریبی دارد. از بررسی چگونگی رابطه ایده اصلی جهانی شدن که از ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری منتج شده است با اهداف شعارهای انقلاب اسلامی، به‌رغم هم‌زمانی تقریبی تاریخی وقوع انقلاب اسلامی و تحولات جهانی شدن (در دهه هشتاد میلادی)، در مفاهیم، مضامین و معانی محتوایی این دو پدیده، به تفاوت‌های بارزی دست می‌یابیم. اما با وجود ناهم‌زمانی تاریخی و دوره‌ای شروع انجام مناسک حج و فرایند پدیده جهانی شدن، شباهت‌ها و تقارن‌های فراوانی بین مضامین و محتوای آنها وجود دارد. مهم‌ترین نمونه این تشابه و تقارن، محوریت اصل «وحدت» و به‌حاشیه‌رفتن اصل «کثرت» است. نتیجه حاصل از مقاله، به ما نشان می‌دهد که در زمان وقوع انقلاب اسلامی، به‌دلیل سیاست‌ها و رفتارهای جاه‌طلبانه کشورهای استعمارگر، ذهنیت تاریخی نخبگان و مردم انقلابی، آکنده از بدگمانی و بدبینی به هر نوع کشوری مداخله‌گر و

استعماری است و این ذهنیت، پذیرای هیچ‌گونه نگاه خیرخواهانه‌ای از طرف آنها نیست. با این وجود، این نکته را نیز متذکر می‌شویم که با فاصله‌گرفتن از زمان وقوع انقلاب اسلامی، تغییرات بسیاری را هم در سطح نخبگان سیاسی و هم در سطح مردم عادی، شاهدیم که این تغییرات، حرکت از تفاوت به سمت تشابه به ایده‌های اصلی جهانی‌شدن و ویژگی‌های مناسک حج ابراهیمی را نشان می‌دهند.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابعاد حج در قرآن، ناصر شکریان، تهران، نشر راسخ، ۱۳۸۴.
۲. اسرار حج و مناسک آن، محمد علوی مقدم، تهران، نشر باور، ۱۳۸۱.
۳. به سوی خدا می‌رویم، محمود طالقانی، تهران، شرکت چاپخانه فردوسی، ۱۳۳۲.
۴. پیامدهای مدرنیت، آنتونی گیدنز، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۵. تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی، آل. آر هولستی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.
۶. تحوّل انقلابی؛ بررسی نظری پدیده انقلاب، چالمرز جانسون، ترجمه حمید الماسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۷. تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، سعیدرضا عاملی، فصلنامه نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۱۸، ۱۳۸۰.
۸. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمدحسین پناهی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳.
۹. جهانی شدن با کدام هدف؟، هری مگداف و دیگران، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰.
۱۰. جهانی شدن و آینده دموکراسی، یورگن هابرماس، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۱. جهانی شدن و فناوری‌های ارتباطی در ایران پس از انقلاب اسلامی، حسین شرف‌الدین و دیگران،



فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، شماره ۲۹، انتشارات دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۱.

۱۲. جهانی‌شدن‌ها؛ مفاهیم و نظریه‌ها، سعیدرضا عاملی، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.

۱۳. حجرالاسود، میرزا محمد کاظمینی، تهران، بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول، ۱۳۸۰.

۱۴. خسی در میقات، جلال آل احمد، تهران، نشر معیار علم، ۱۳۸۶.

۱۵. رساله توضیح مناسک حج و عمره به همراه اعمال و مستحبات مکّه مکرمه و مدینه منوره، محمود حسینی شاهرودی، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۴.

۱۶. ره توشه حج، علی ورسه ای و دیگران تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۱.

۱۷. فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر، حسین سلیمی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

۱۸. کعبه حرم الهی، محمد پروانه، تهران، انتشارات راه نور، ۱۳۸۵.

۱۹. میعاد با ابراهیم، علی شریعتی، مجموعه آثار ۲۹، تهران، انتشارات مونا، ۱۳۶۱.

۲۰. وسائل الشیعه، محمدباقر مجلسی، جلد هشتم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۷۸.

21. Albrow, N. (1996) **The Global Age: Cambridge**, Polity press.

22. Bauman, Z. (2001) wars of the Globalization Era: **European Journal of social theory**, 1 (1): 11 – 28

23. Giddens, A. (1991) **Modernity and self Identit**: Cambridge, Polity press.

24. Harvey, D. (1989) **The condition of postmodernity**: oxford, Black well.

25. Held, D. (2000) **A Globalizing word? Culture, Economics, politics**: The open university press Routledge.

26. Kofman, E and Gillian Youngs. (2003) **Globalization. Theory and practice**: London, Press continuum.

27. Robertson, R. (1992) **Globalization**: London, sage press.

28. Schulte, J. A. (2000) **Globalization, a critical introduction**: New York, Published by palyrave.
29. Tomlinson, J. (1991) **Cultural Imperialism**: Baltimore, Johns Hopkins University press.
30. Waters, M. (2001) **Globalization**: London, Routledge press.

نقش حج در تبیین و گسترش شعارها و اهداف انقلاب اسلامی

سید عقیل نسیمی^۱

چکیده

با توجه به اینکه حج، نقش بسیار کلیدی در هویت بخشی و بیداری مسلمانان جهان، در طول تاریخ داشته است، متفکران اسلامی کوشیده اند از این بستر عظیم، برای شناساندن حق و معرفی چهره واقعی باطل و ستم پیشگان عصر خود استفاده کنند. از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران نیز باعث دگرگونی عظیمی در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شد و تأثیری شگرف در سطح جهانی به وجود آورد، این اجتماع، به عنوان مکان استراتژیک فرهنگی در جهت شناساندن شعارها و اهداف انقلاب اسلامی، می تواند مورد استفاده قرار گیرد که بالطبع، نیاز به مدیریت و برنامه ریزی قوی و کارآمد دارد. لذا هدف این مقاله، بررسی نقش توانایی ها، جایگاه و ظرفیت های عظیم حج در جهت تبیین و گسترش شعارها و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که حج، نقش تعیین کننده ای در تحقق اهداف معنوی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب خواهد داشت.

واژگان کلیدی: حج، انقلاب اسلامی، اهداف.

مقدمه

حج به عنوان یکی از احکام و فروع دین اسلامی، از اولین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، به منظور تحقق اهداف برون‌مرزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. بنیانگذار انقلاب اسلامی از همان ابتدای انقلاب، هرسال برای حجاج بیت‌الله الحرام پیام ارسال می‌کردند^۱، که بیانگر تأثیر حج در تحقق اهداف انقلاب است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آمده است: «قانون اساسی، با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی مستضعفان بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند: «ان هذمه امتکم امه واحده» و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم، در تمام جهان قوام یابد.

اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز نظام اسلامی را مقید به حمایت از ملل مبارز و محروم می‌کند؛ درعین حال نداشتن چشمداشت به سرزمین و حاکمیت آنها در ازای این حاکمیت را یادآور می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران، در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

همچنین بند شانزده از اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به تنظیم سیاست خارجی کشور، براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان

۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمد باقر حشمت زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۵.

و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان می‌کند. لذا از اهداف پیشرو نظام، صدور و ترویج شعارها و اهداف انقلاب اسلامی است؛ و از مهم ترین زمان‌ها برای نیل به مقصود، موسم حج است که مسلمانان جهان در آن شرکت می‌کنند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش های انسانی. ما به این کار و این وظیفه افتخار می‌کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم... . صدور انقلاب به معنای صادر کردن ارزش های انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کرده ایم. جمهوری اسلامی و ملت ایران، آن شخصیت عظیم و عالی قدری که دنیا را در مقابل عظمت خودش کوچک و خاضع کرد، نشان دادند که همه قدرت های عالم، برای مقابله با چنین عزم و اراده معظم و پولادینی، کوچک‌اند.^۱

امام راحل علیه السلام نیز می‌فرماید:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۲

نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است.^۳

۱. حدیث ولایت، دفتر مقام معظم رهبری (مدیریت ویژه نشر آثار)، صص ۲۴۴ و ۲۴۷.

۲. صحیفه نور، امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۴۴۶.

نهضت ما اسلامی است... . نهضت مستضعفان سراسر جهان است قبل از آنکه به منطقه‌ای خاص متعلق باشد.^۱

در مقاله حاضر، محقق به دنبال آن است که نقش حج را در تبیین شعارها و اهداف انقلاب بررسی کند. لذا در ابتدا به معرفی شعارها و اهداف انقلاب پرداخته، سپس اهداف و دستاوردهای حج را مورد دقت قرار داده و با بررسی نقاط اشتراک، به نقش حج در این زمینه اشاره کرده و وظیفه زائران ایرانی را بیان نموده است.

۱. شعارها و اهداف انقلاب اسلامی ایران

شعار انقلابی، عبارتی نسبتاً موزون، ساده و عام‌فهم است که دسته‌جمعی ادا می‌شود و با تکیه بر عواطف و احساسات توده‌ای، ارزیابی مثبت و منفی‌ای از وضع موجود یا وضع ایده‌آل یا شخصیت‌های سیاسی آن را نشان می‌دهد. شعار انقلابی با قضاوت ارزشی، به توده‌ها جهت می‌دهد و آنها را دعوت به عمل سیاسی جمعی می‌کند تا نظام حاکم را براندازند و نظامی آرمانی را جای‌گزین آن کنند. آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی را از خلال شعارهای مردم، در دوران پیروزی و پیام‌های رهبران سیاسی و فکری، با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌توان شناخت.^۲

شعار اصلی و تأکید ویژه انقلاب بر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، و تأمین شرایط عملیاتی این شعار، برای همگان است. محمد مهدی پناهی در کتاب «جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران»، در سال ۱۳۸۲ به بررسی شعارهای انقلاب پرداخت که حاصل تحقیق را به‌صورت جدول ذیل جمع‌بندی و نمایش داد.

۱. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۰.

۲. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران، محمدحسین پناهی، ۱۳۸۲، ص ۴۹.

۲۱٪	جمهوری اسلامی	۳۶٪	اهداف و ارزش‌های سیاسی
(۲۶٪)	آزادی‌ها و حقوق سیاسی		
۱۶	حکومت اسلامی		
(۴۱٪)	شهادت و جانبازی	۴۹٪	اهداف و ارزش‌های فرهنگی
(۳۱٪)	دین اسلام		
(۶٪)	حجاب اسلامی		
(۱۶٪)	اسطوره‌های اسلامی		
(۴٪)	سایر ارزش‌ها و هنجارها		
نفی فقر و محرومیت‌های اقتصاد و حمایت از طبقات محروم		۵٪	اهداف و ارزش‌های اقتصادی
مخالفت با سرمایه‌داری و طبقات مرفه			
۱۰٪	مبارزه و شیوه‌های مربوط به تحقق اهداف انقلاب		

با مطالعه تمام اسناد موجود که به بررسی اهداف و دستاوردهای انقلاب همت گمارده بودند، محقق، پژوهش‌های انجام‌شده را در قالب یک جدول نمایش داده و در حیطه‌های معنوی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... تقسیم‌بندی کرده است.

اهداف	توضیحات
معنوی و دینی	زنده‌کردن اسلام و اجرای قوانین آن در ایران، تحول به ملتی شجاع تحول به ملتی جهادگر، تحول به ملتی شهادت‌طلب، - تحول به ملتی ایثارگر و نوع‌دوست، تحول به ملتی حاضر در صحنه، تحول به ملتی با ریشه و بینش سیاسی، تحول به ملتی پیروز بر نفس، تجدید حیات اسلام، ثبات کوبندگی اسلام، احیای ولایت فقیه، شکستن تابوی دخالت روحانی در سیاست، زمینه‌سازی برای قیام

	<p>امام مهدی <small>علیه السلام</small>، احیای حج ابراهیمی، احیای نماز جمعه.^۱</p>	
<p>۱. براندازی نظام سلطنتی و ایجاد حکومتی دینی و مستقل. ۲. اداره امور کشور براساس شورا، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر. ۳. نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری. ۴. امنیت داخلی و نفی تفتیش عقاید، سانسور و تجسس؛ مگر به حکم قانون. ۵. آزادی نشیمن‌ها، مطبوعات، اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون. ۶. اتکا به آرای عمومی در اداره کشور و مشارکت عامه مردم در تعیین</p>	<p>داخلی</p>	<p>سیاسی</p>

۱. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۶۲؛ ج ۶، ص ۹۰؛ ج ۸، ص ۵۴، ۵۵، ۱۳۸، ۱۸۲ و ۱۹۶؛ ج ۱۰، ص ۸۸؛ ج ۱۴، صص ۱۲۰ و ۱۳۳؛ ج ۱۵، صص ۱۳۰ - ۱۳۱ و ۲۱۴؛ ج ۱۶، ص ۱۹۲.

<p>سرنوشت خویش.</p> <p>۷. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.</p> <p>۸. محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی.</p> <p>۹. تقویت کامل بنیه دفاع ملی، برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی نظام اسلامی. ۱.</p>		
<p>۱. تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.</p> <p>۲. ایجاد روابط صلح آمیز متقابل، با دول غیرمحارب.</p> <p>۳. حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران، در هر</p>	<p>خارجی</p>	

<p>نقطه از جهان، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر. ۱.</p>		
	<ol style="list-style-type: none"> ۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا. ۲. مبارزه با مظاهر فساد و تباهی. ۳. بالابردن سطح آگاهی های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی. ۴. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی تا سر حد خودکفایی کشور. ۵. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار، از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان. ۶. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای عموم در زمینه های مادی و معنوی. ۷. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور. ۸. تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم و تساوی همه در برابر قانون. ۹. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم. ۱۰. تدوین قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، 	<p>فرهنگی و اجتماعی</p>

	<p>اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی براساس موازین اسلامی.</p> <p>۱۱. برقراری حقوق مساوی برای مردم، بدون توجه به قوم، قبیله، رنگ، نژاد و زبان.</p> <p>۱۲. برخورداری تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، به‌صورت بیمه و غیره.</p> <p>۱۳. آزادی‌های اجتماعی، از جمله آزادی کار و حق دادخواهی برای هر فرد. ۱.</p> <p>۱۴. وحدت کلمه.</p> <p>۱۵. وحدت شیعه و سنی.</p> <p>۱۶. هم‌گرایی حوزه و دانشگاه.</p> <p>۱۷. همنشینی و هم‌اندیشی اقوام و صفوف مختلف.</p> <p>۱۸. هم‌گرایی مردم و ارتش.</p> <p>۱۹. تحرک بانوان در فعالیتهای سیاسی اجتماعی. ۲.</p>
--	--

۲. اهداف و دستاوردهای حج

اصلی‌ترین محورها و مؤلفه‌های حج ابراهیمی از منظر مقام معظم رهبری، عبارت‌اند از معنویت، وحدت و یکپارچگی (با هدف تشکیل امت واحده) و برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر.^۳

۱. برگرفته از اصول ۳، ۴، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۲. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۰۰؛ ج ۱۲، ص ۲۲۲؛ ج ۱۷، ص ۵۳؛ ج ۱۸، ص ۲۲۸؛ ج ۱۹، ص ۱۹۱؛ ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۳. حج از یک طرف مظهر معنویت است، از یک طرف مظهر وحدت و یکپارچگی امت اسلام، و یک قدم به‌سوی تشکیل امت واحده اسلامی است و از طرف دیگر مظهر برائت از دشمنان خدا برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر است. اگر ان‌شاء‌الله این سه جهت در حج متجسد و مجسم شود، حج فایده خود را بخشیده است. (بیانات معظم له در تاریخ ۸۷/۱۱/۲۶).

ایشان در جایی می‌فرماید: «یکی از فرصت‌های عظیم حج، امکان گسترش تفکر اسلامی بر مبنای وحدت دیانت و سیاست و حضور دین در عرصه‌های مختلف زندگی است».

اهداف حج از دیدگاه مقام معظم رهبری

معنویت، الوهیت، ارتقای مادی و معنوی، تقویت عبودیت و هجرت الی الله، تقرب به خدا در اندیشه و عمل، تخلیه حج از انگیزه‌های مادی و دنیایی، نزدیک کردن حج به روح و معنا.	معنوی (دینی)
تشکیل امت واحده.	اجتماعی
برائت از مشرکین، عدم جدایی دین از سیاست، دعوت به درک و عمل سیاسی، همراه کردن توحید با برائت از مشرکین.	سیاسی
شناخت توطئه و روش‌های فرهنگی، مقابله با توطئه‌های فرهنگی. ^۱	فرهنگی

دستاوردهای حج

درباره دستاوردهای حج، پژوهشگرانی نظیر پوریا^۲، مبلغی^۳، حسینی^۴ و خسروجردی^۵ تحقیقاتی انجام داده‌اند که در یک جمع‌بندی، مطالعات آنان را می‌توان تحت عنوان دستاوردها و کارکردهای حج در ابعاد زیر دسته‌بندی و بیان کرد:

تقویت ایمان، تکامل شخصیت، تغییر در رفتار و منش، تولدی دوباره، گذار از مادیات به معنویات، میل به نیکوکاری، احترام به هموع، شادکامی، آمرزش گناهان، توشه آخرت، رضایت و خشنودی خدا، تقویت دین، یاد خداوند.	فردی (دینی)
--	-------------

۱. تحلیل راهبردی بیانات مقام معظم رهبری پیرامون حج با محوریت موضوع انسان شناسی، کرامتی.

۲. حج کنگره عظیم امت اسلام، علی پوریا، خبرگزاری سحر، ۱۴ آبان ۱۳۸۷.

۳. حج برنامه گسترده فrazمانی و فرامکانی، احمد مبلغی، خبرگزاری قرآنی ایران، ۱۳ آبان ۱۳۸۸، شماره خبر ۴۸۶۸۷۴.

۴. کارکردهای سیاسی و اجتماعی حج، کریم حسینی، روزنامه کیهان ۱۳۸۶/۸/۲۷.

۵. کارکردهای مناسک حج، محمود خسروجردی، ۱۳۹۱، ص ۶۱.

اجتماعی	لغو امتیازات، افزایش تعاون و امداد رسانی، سرمایه اجتماعی، تبیین جایگاه انسان، پی بردن به جایگاه رفیع خداوند، تقویت پایه فرهنگ جامعه پذیری و قوام جوامع، همبستگی اجتماعی، افزایش آگاهی اجتماعی، تقویت دین.
سیاسی	اعلان مواضع رسمی دولت اسلامی، اتحاد سیاسی، قیام همگانی، یکپارچگی امت اسلامی، دستیابی به قسط و عدالت، اعلان برائت از مشرکان و کافران، تظاهرات نمادین عمومی.
فرهنگی	تأثیر بر افکار عمومی، توسعه شبکه ارتباطی، انتقال اطلاعات و دانش، فراگیر بودن و جامعیت، بی‌زمانی و بی‌مکانی.

۳. نقش حج در تبیین و گسترش شعارهای انقلاب اسلامی

در اسلام، حج مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اجتماع انسانی است که هر سال اتفاق می‌افتد، و در این گردهمایی بزرگ دینی، مردم از کشورها و فرقه‌های مختلف اسلامی در کنار هم به انجام مراسم مذهبی می‌پردازند. مسلمانان در مراسم حج، بهترین فرصت را دارند تا علاوه بر انجام شعایر اسلامی، از مشکلات کشورهای اسلامی آگاهی یابند و با دیگر مسلمانان تبادل فکر و اندیشه کنند. امام خمینی در این رابطه می‌فرماید:

بر ملت‌های اسلامی لازم است که در این اجتماع مقدس حج، اولاً در مسائل اساسی اسلام و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده، ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس، گرفتاری‌های ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.^۱

در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی از طریق مسئله حج نیز، در سال ۱۳۶۱، به‌کوشش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اولین سمینار بین‌المللی حج در هند و افریقا

برگزار شد. برنامه اولین کنفرانس جهانی حج، به منظور شناساندن مسئله حج، فلسفه حج، اتحاد مسلمانان جهان، معرفی ایران اسلامی و... طرح ریزی گردیده است.^۱

امام علیه السلام فرمودند:

سرنوشت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در جهان، با انقلاب اسلامی ایران ارتباط دارد. کوتاهی، سستی و سهل انگاری در حفظ و تداوم انقلاب و در نتیجه سقوط، نابودی و مرگ انقلاب، به اسلام راستین صدمه و ضربه خواهد زد. بنابراین بر مسلمانان سعی و کوشش گسترده در راه تداوم انقلاب اسلامی ایران، به منظور حفظ اسلام لازم است.^۲

امام یکی از راه‌های حفظ اسلام را معرفی انقلاب اسلامی به جوامع دیگر، در موسم حج بیان می‌کنند. مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید:

ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، با عظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی دو میلیون آدمی که آنجا هستند، نیست. بلکه کل دنیای اسلام است؛ چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه‌های خودشان می‌روند و خبری از حج می‌برند. پس، شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته‌اید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که ﴿وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ ایجاب می‌کند، انجام بدهید، تمام دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته‌اید. کاری انجام شده، که با هیچ وسیله دیگری آن کار امکان ندارد؛ یعنی اگر ما روزنامه ای داشته باشیم و بتوانیم آن را در خانه این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی‌تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد. حج، میراث این ملت و میراث این انقلاب و متعلق به آن است. جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سر بند های اساسی انگشت

۱. نشریه پیام انقلاب، ش ۶۸، ص ۲۳.

۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۶ و ۷.

گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد؛ روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج، یعنی آن بخش‌های حساس و سربندهای مهم، خیلی تکیه کرد و دائم از سال اول نسبت به حج حرف زد.^۱

مبانی و مؤلفه‌های صدور انقلاب

معنوی و دینی

معنویت‌گرایی:

ما که می‌گوییم انقلاب را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم همین معنایی که پیدا شد، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم.^۲

توحید:

به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامی ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصمم اند تا توحید ناب را در بین ملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را به سنگ بکوبانند تا در آینده ای نه چندان دور، به پیروزی اسلام در جهان برسند.^۳

اسلام:

بحمدالله امروز قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران، به طوری است که توجه همه ملت‌های ضعیف را به خودش معطوف کرده است و اسلام، صادر شده است در سراسر دنیا، و منظور ما از صدور انقلاب همین بود و تحقق پیدا کرد و ان شاءالله، اسلام در همه جا غلبه بر کفر پیدا خواهد کرد!^۴

۱. بیانات رهبری، ۱۳۷۸.

۲. بیانات امام خمینی در جمع مسئولین دانشگاه امام صادق، ۶۲/۶/۱۵.

۳. پیام امام خمینی در جمع سپاه و نیروهای نظامی، ۵۹/۳/۱۰.

۴. پیام امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت عید سعید قربان، ۶۳/۶/۷.

اجتماعی

پیام صلح و دوستی: «ما می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم... می‌خواهیم بین ملت‌ها و دولت‌ها آشتی بدهیم».^۱

عدالت:

من امیدوارم که این عدالتی که به یمن وجود اسلام و اولیای اسلام در بین بشر آمد، ما بتوانیم بعد از ۲۵۰۰ سال ظلم و بعد از پنجاه سال خیانت و ظلم، ستم و چپاولگری بتوانیم - ان شاءالله تعالی - در ایران اولاً، و در سایر جهان، بعدها پیاده کنیم.^۲

سیاسی

گسترش نفوذ اسلام در جهان:

ما این واقعیت را و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خوران بوده و هستیم.^۳

ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم و به همه کشورهای اسلامی، بلکه به همه کشورهایی که مستکبرین برضد مستضعفان هستند، می‌خواهیم یک همچو وضعیتی پیش بیاوریم که یک دولت زورگوی جبار آدمکش و امثال ذلک نباشد.^۴ همان مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی‌شان نه تنها کشورهای اسلامی، که مستضعفان جهان را به اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند.^۵

۱. پیام برائت امام خمینی، به زائران بیت‌الله الحرام، ۶/۵/۶۶.

۲. بیانات امام خمینی، در جمع سفرای کشورهای اسلامی، ۲۸/۷/۵۹.

۳. بیانات امام خمینی در جمع شرکت‌کنندگان کنگره آزادی قدس، ۱۸/۵/۵۹.

۴. پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد کشتار مکه، ۲۹/۴/۶۷.

۵. پیام برائت امام خمینی، به زائران بیت‌الله الحرام، ۶/۵/۶۶.

بیداری اسلامی:

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود.^۱

اهداف و دستاوردهای مشترک حج و انقلاب

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حج و انقلاب اسلامی، یک‌سری وجوه مشترک مانند جهان شمولی، فرازمانی، فرامکانی، صبغه سیاسی (برائت)، اجتماعی، دینی و معنوی، اقتصادی، فرهنگی دارند که می‌توان نتیجه گرفت حج و انقلاب، دارای مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی یکسانی‌اند. در نتیجه آثار و اهداف یکسانی را دنبال می‌کنند؛ چنانکه می‌توان گفت، پسوند اسلامی برای انقلاب، پسوند کاملاً صحیحی است.^۲

ترویج معارف اسلام و گسترش تفکر اسلامی

امام خمینی علیه السلام، احیای تفکر دینی را اولین حرکت و اقدام اساسی خویش برگزید و از آغازین لحظات حیات فکری، اجتماعی و سیاسی خویش، تبیین اسلام ناب و پیراستن آن از آرایه‌های آمیخته با جهل و جمود و خرافه را پیگیری کرد و تحول در عقاید و افکار مردم و بازگشت آنان به خویشتن اصیل اسلامی را عامل اصلی حرکت اجتماعی و سیاسی برای واژگون‌سازی اساس و بنیان حکومت نامشروع شاهنشاهی و بنیان‌نهادن حکومت اسلامی دانست. انقلاب اسلامی ایران، توجه خاصی به تمدن و

۱. بیانات امام خمینی به مناسبت سالگرد کشتار مکه، ۶۷/۴/۲۹.

۲. ر.ک: ارزیابی عوامل سیاسی انسجام بخش میان مسلمین در موسم حج، زهرا معینی‌پور، ۱۳۹۱.

جهان‌بینی اسلامی داشت. این رویداد در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی، نقش مهمی ایفا کرد. از منظر امام راحل علیه السلام، مفهوم صدور انقلاب نیز در واقع، انتقال ارزش‌های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان از طریق استفاده از امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی است که باید این هدف، با استفاده از راهکارهای موجود مانند دعوت و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان، معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، تقویت وحدت امت اسلامی، احیای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی تحقق یابد.

انقلاب اسلامی ایران در چند دهه اخیر، همواره منادی صلح، آزادی، احترام به حقوق بشر، مردم‌سالاری و... بوده است. امروز، این ایران اسلامی است که احیاگر اسلام، تنها پاسخ حقیقی و قابل اطمینان بشر مدرن شده است. از این رو می‌توان حج را فرصت گران‌قدری برای گسترش ایده‌های نظری انقلاب اسلامی و تسری آرمان‌های متعالی دین مبین اسلام، به تمام اقصا نقاط جهان دانست. بی‌شک این مناسک، فرصت بسیار مناسبی است تا حداقل، سایر مسلمانان جهان، از ماهیت آرمان‌های انقلاب اسلامی آگاه شوند. درحقیقت، حج می‌تواند یک فرصت استثنایی در ذیل پروژه دیپلماسی عمومی انقلاب تعریف شود. اما بی‌شک، مهم‌ترین راهکار برای پیشبرد این هدف، آشنایی با الگوی‌های ذهنی مخاطبان و بهره‌گیری از هادیان فکری مجرب و حاذق است. روح معنوی، فکری و عرفانی‌ای که بر این تجمع حاکم است، به جامعه اسلامی رنگ معنوی خاصی می‌دهد و زمینه یک ارتباط وسیع بین الملل اسلامی را فراهم می‌کند که در آن، منیت‌ها و خودبینی‌ها رنگ می‌بازد و توحید ناب بر آن حاکم می‌شود و زمینه همبستگی در مسیر تکاملی انسان را بین همه جهان اسلام پدید می‌آورد.

حج، کانون معارف الهی، و بهترین میعادگاه معارفه ملت های اسلامی است که مسلمانان، با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود، از سراسر جهان آشنا می شوند و در خانه ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گرد هم می آیند و با کنارگذاردن تشخیص ها و رنگ ها و ملیت ها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی ﷺ را در سراسر جهان به نمایش می گذارند.^۱

مقام معظم رهبری با اشاره به نقش و اهمیت رفتار زائران ایرانی در معرفی حقایق موجود در ایران اسلامی، خاطر نشان کردند:

یک زائر ایرانی باید مظهر انسانی متدین، مؤدب، مرفه، باانضباط، مهربان با دیگران و معتقد به برادری اسلامی باشد، و این تبلیغ عملی، از هر سخن و بیانی مؤثرتر است. حج متعلق به ماست. ما باید جهت حج را طوری قرار بدهیم که جمهوری اسلامی، یعنی انقلاب، یعنی همان اسلام راستین و همان میراث حقیقی رسول اکرم ﷺ، این را ما بایستی محل استفاده مؤمنین قرار بدهیم و حج از این قبیل است. اینها باید برنامه ریزی بشود.^۲

ما امروز حکومت اسلامی هستیم؛ ادعای ما این است. ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، با عظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی دو میلیون آدمی که آنجا هستند، نیست. بلکه کل دنیای اسلام است؛ چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه های خودشان می روند و خبری از حج می برند. پس شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته اید. مسلمانان، همه در حج بودند و

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

۲. بیانات، مقام معظم رهبری، ۷۰/۴/۲۳.

شما آنجا حضور داشتید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که ﴿وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ ایجاب می کند انجام بدهید، تمام دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته‌اید. کاری انجام شده که با هیچ وسیله دیگری آن کار امکان ندارد؛ یعنی اگر ما روزنامه‌ایی داشته باشیم و بتوانیم آن را در خانه این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی‌تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد. این، یک چیز دیگر است؛ ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که اینها الگو بشوند و کسانی که نگاه می‌کنند، یادشان نرود.^۱

همه مراقب رفتار خودشان باشند. هر کدام از حاجیان امسال ما که از ایران حج می‌کنند، جزئی از یک حرکت عظیم و از یک کار بزرگ جهانی و اسلامی و انقلابی و سیاسی و عبادی هستند؛ باید خودشان را جزئی از این مجموعه به حساب بیاورند و آن‌گونه عمل کنند. پس، لازمه این احساس آن است که همه مراقب رفتار خودشان باشند. در اخلاق، در برخورد با مسلمین سایر کشورها، در چگونگی رفتار، در خانه، در مسیر، در حرم، در هنگام ادای مناسک - هر جا که هستند - رفتار و اخلاق خود را طوری بکنند که برای اسلام و انقلاب و امام مایه آبرو باشد.

وقتی رحمت الهی برای ما پیش خواهد آمد که مواظب و مراقب خودمان باشیم؛ مراقب حرف زدندان، مراقب اقدام کردنمان، مراقب تبلیغاتمان. این فضای بی بندوباری در حرف زدن، در اظهارات علیه دولت، علیه کی به خاطر اغراض، اینها چیزهایی نیست که خدای متعال از اینها به آسانی بگذرد. آن وقت کسانی خطا می‌کنند، خدای متعال ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾؛ بلکه

این جوری است. بعضی از ظلم‌ها بعضی از کارها هست که نتیجه و اثر آن دامن همه، نه فقط دامن آن ظالم، را می‌گیرد، بر اثر رفتار یک عده‌ای که در گفتار خودشان، در عمل خودشان، در قضاوت خودشان ظلم می‌کنند. باید مراقب این چیزها بود.^۱

امروز آبروی اسلام بسته به وجود شماس است که می‌روید دسته‌جمعی در این مواضع کریمه، و سایر مسلمین، شما را مشاهده می‌کنند. شما باید الگو باشید برای جمهوری اسلامی — چه روحانیون، چه رؤسای کاروان‌ها و چه سایر حجاج — امسال حج نمونه است؛ حج جمهوری اسلامی است؛ نه حج رژیم طاغوتی. شرف زیاد و مسئولیت زیادتر است. مسئولیت همه داریم در مقابل اسلام. امروز نه شما تنها، همه قشرهای ملت، دولت، همه مسئول‌اند در مقابل خدای تبارک و تعالی و در مقابل اسلام. ما که مدعی هستیم دولت جمهوری اسلامی و رژیم طاغوتی رفت و به‌جای او جمهوری اسلامی آمد، ما باید اثبات کنیم این مطلب را که تغییر کرده است، تحول حاصل شده است، در همه چیز. در موسم حج، زائران به کسب اخلاق خوش در برخورد با دیگران، تواضع، ایثار و از خودگذشتگی، احترام به هم‌نوعان و مانند آن می‌پردازند. می‌کوشند آن صفات معنوی را در خود تقویت کنند و رذایل اخلاقی را از خود دور سازند. حج در آیینی پر راز و رمز و در آمیزه‌ای شگفت‌آور از شکوه و خاکساری، و اقتدار و فروتنی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی را در راه تحقق حیات طیبه انسانی، در برابر چشم آدمی می‌گذارد.^۲

اخلاق کریمه انسانی — اسلامی را با همه زوآر، از هر طبقه و هر طایفه و هر رنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نمایند و در برخوردها و رفت و آمدها در جمیع اوقات و احوال و پیشامدها صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۸/۱۵/۸۷.

۲. صحیفه حج، بیانات مقام معظم رهبری، ج ۲ ص ۲۴۰.

نمایید و در مقابل درشتی‌ها، نرمی و سلم و در مقابل بدرفتاری‌ها، خوبی و محبت کنید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیشامد بدی، از هر کس باشد، با روی گشاده و سعه صدر نمایید.^۱

چون اراده حج کردی، دنیا و راحت و خلق را وداع گوی و حقوقی که از مردم بر گردن داری ادا کن. خوش معاشرت باش. اوقات فرایض خدا و سنن پیغامبرش و آنچه از ادب، تحمل و صبر و شکر و شفقت و سخا و ایثار را که بر تو واجب است، در تمام اوقات رعایت نما.^۲

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «خدای سبحان، کعبه را مظهر تواضع بندگان در برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد».^۳ خداوند، باریافتن به حرم امن خود را نشانه فروتنی بندگان خود قرار داد و از بین بندگان، انسان‌های شنوا، متواضع و مطیع را انتخاب کرد که به جای انبیا می‌ایستند و همانند فرشتگان، دور عرش خدا طواف می‌کنند.^۴

نقش حج در تبیین و گسترش اهداف اجتماعی انقلاب

هدف اجتماعی انقلاب: تشکیل امت واحده

عبادات و فرایض، افزون بر جنبه فردی، با مسائل اجتماعی و حقوق جمعی نیز در ارتباط است. اما حج در این میان، از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است؛ زیرا حضور در جمع و روابط اجتماعی را نمی‌توان از جوهره حج جدا ساخت. فضای حج و زمان و مکان و سایر ضرورت‌های این فریضه بین‌المللی - اسلامی، زمینه تحقق این

۱. پیام امام خمینی، ۶۵/۵/۱۶.

۲. ص ۱۰۸.

۳. نهج البلاغه، خطبه اول.

۴. جوادی آملی، ص ۲۶۲.

ارتباط اند. از آن هنگام که زائر خانه خدا از وطن خویش آهنگ حج می‌کند تا آنگاه که به وطن باز می‌گردد، رابطه‌اش با جمع است؛ نه تنها از لحاظ سیر و سفر و تدارکات و امکانات غذا و مسکن و مرکب، بلکه از لحاظ اعمال و مناسک؛ زیرا طواف، حضور در عرفات و مشعر و منا و افاضه و حرکت جمعی در هریک از مشاعر حج، جز در فضای جمع، آن هم یک جمع بین المللی و بی نظیر تحقق نمی‌پذیرد. بنابراین روح جمعی در تار و پود حج تعبیه شده و از آن تفکیک ناپذیر است. به‌علاوه آنکه، آثار اجتماعی جهان شمول، در تشریح این فریضه بزرگ لحاظ شده است و جز از رهگذر این میقات عظیم، قابل دسترسی نیست.^۱

نقش حج در القا و تزریق حس وحدت

واژگانی چون تعاون، جماعت، اجتماع، مودت، اخوت، الفت، تالیف قلوب و... که در متون دینی زیاد وارد شده است، به نوعی در بردارنده معنای وحدت و اتحاد است؛ مانند: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»^۲، «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»^۳، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۴، «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا»^۵.

حج به عنوان یکی از شعایر بنیادین اسلامی، حرکتی اجتماعی است. هرچند حج به صورت فردی تکلیف شده است، تجمع فرد فرد مسلمانان، در یک موسمی واحد، و در مکانی واحد، حاکی از بعد اجتماعی آن است. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

حج مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند متعال همه مسلمانان و

۱. ارزیابی عوامل سیاسی انسجام‌بخش میان مسلمین در موسم حج. ص ۸۴.

۲. مائده: ۲.

۳. روم: ۲۱.

۴. حجرات: ۱۰.

۵. آل عمران: ۱۰۳.

هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ای خاص و در زمانی خاص فرامی‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب‌هایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان، و سیراب کردن ذهن هریک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هریک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و یادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر - که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست - در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسلمان، با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرت‌های بیگانه، خود را بی‌نیاز حس می‌کنند.^۱

نقش حج در گسترش ارزش‌های اسلامی و احیای هویت اسلامی

هر فرهنگ و تمدنی، برای حفظ و بازآفرینی خود، نیازمند گسترش هنجارها و ارزش‌های خود از طریق هنجارهای خاص اجتماعی است. حج از این حیث هنجاری اسلامی است که به گسترش ارزش‌های اسلامی می‌پردازد. حج به‌عنوان یک سنت همیشگی، سالیانه در احیای هویت اسلامی و نفی هویت‌های ساختگی قومی - ملی کاملاً مؤثر بوده است. مقام معظم رهبری راه مقابله با نیرنگ‌های استعماری را وحدت دانسته، می‌فرماید: «یکی دیگر از ویژگی‌های هر انقلابی، همبستگی و اتحاد است و پیروزی انقلاب، مدیون اتحاد ملت ایران، لر، ترک، جلوگیری از تفرقه و اختلاف قومی و... می‌باشد».

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶.

آیین حج، به‌عنوان عالی‌ترین و گسترده‌ترین اجتماع انسانی در دنیا مطرح است. حج نه تنها از نظر تئوریک، بلکه در واقعیت اجتماعی نیز همواره جایگاه ویژه‌ای برای مسلمانان داشته است.^۱

حج مهم‌ترین مناسک دینی در آیین مقدس اسلام است که سالانه میلیون‌ها نفر از مسلمانان سراسر جهان را در اجتماعی بزرگ گرد هم می‌آورد^۲، و این حضور میلیونی و معارفه آنان با ملت‌ها و شعوب دیگر، عاملی در گسترش ارزش‌هاست.

نقش حج در ایجاد همدلی و افزایش تعاون و همکاری در هدف، روش و عمل

یکی از عوامل ایجاد وحدت همدلی، تعاون و همکاری است که در پیروزی انقلاب، نقش کلیدی داشت. در موسم حج، افراد و گروه‌های زیادی از مناطق، نژادها و سلیقه‌های گوناگون در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و وحدت و همدلی میان آنان پدید می‌آید و در نتیجه دل‌هایشان به یکدیگر نزدیک می‌شود. تلاقی و همدلی افراد و گروه‌های مختلف، از میقات آغاز می‌گردد و در طواف و سعی، عرفات و مشعر و منا به اوج خود می‌رسد. تجربه حج، به‌منزله تجربه‌ای تحول‌بخش، از حل شدن در یک امت واحد اسلامی و احساس برادری و همدلی، چیزی است که زائران بسیاری پس از انجام حج به آن اشاره می‌کنند. نشانه‌هایی از چنین تجربه‌ای هم در گزارشات مکتوب و روایات شفاهی حاجیان دیده می‌شود.^۳

بررسی مجدد تیموری که نقش مراسم مذهبی، عبادات و مکان‌های دینی در بهداشت روان را مورد بررسی قرار داده، یک نمونه قابل توجه است. وی با بیان تحلیلی در این زمینه، نتیجه می‌گیرد:

۱. از ناصر خسرو تا آل احمد، نعمت‌الله فاضلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. حج ایرانی و تنش‌گفتمان‌های رقیب، مهرداد عربستانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵.

مراسم عبادی به شکل دسته‌جمعی، در بهداشت روانی تأثیر گذاشته و گذشته از احساس آرامشی که حاصل کلیه مراسم عبادی دسته‌جمعی است، همدلی و هم‌داستانی و نزدیک شدن انسان‌ها به هم و نوعی یکپارچگی را به وجود می‌آورد. این امر حالت خلسه‌ای را به جمع می‌بخشد که ناشی از فراموش کردن خود و توجه به حق است و تسکین‌دهنده اختلالات جسمی و روانی می‌باشد.^۱

در مراسم مذهبی دسته‌جمعی، نوعی یکپارچگی با احساس همدردی عمومی، باعث نزدیک شدن انسان‌ها به هم، و تقسیم شادی‌ها بین همه، و در نتیجه، کاهش دردها می‌شود. در مراسم مذهبی‌ای که اغلب شامل تجمعات انسانی همراه با حرکات موزون و سرودهایی دسته‌جمعی همراه است، بعد از لحظات کوتاهی نوعی یکپارچگی و همدلی در بیشتر جمعیت ایجاد می‌شود و این خود باعث تسکین و احساس شریک بودن در یک درد مشترک می‌گردد و حمایت جمعی، احساسات لذت‌بخش را به وجود می‌آورد. این مراسم، به تدریج تکرار احساسات خلوص و شغف و سبکی در افراد را به وجود می‌آورد؛ ولی باعث می‌شود گروه، لحظاتی از خود فارغ شوند و به غیر خود بیندیشند و نهایتاً همه افراد به یک مرجع ثابت و مشخص معطوف گردند. احساس اینکه او حامی، قادر و مهربان است، دردهای انسان را می‌فهمد و مرهم می‌گذارد، بهترین عامل احساس آرامش بوده است.^۲

دورکیم اعتقاد دارد که همین مناسک و ماهیت جمعی چنین گردهمایی هاست که این همه شور و شوق برمی‌انگیزد و شرکت‌کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه، در قالب آیین‌های مذهبی، آگاه می‌سازد؛ بدین‌سان مناسک همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند.^۳

۱. میر محمد ولی مجد تیموری، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۲۹.

۳. مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵.

ردکلیف براون معتقد است که مناسک، کارکرد اجتماعی ویژه ای دارند که ضمن حفظ احساساتی که مبنای ساختمان را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند.^۱

کسانی که در حج حضور می‌یابند، موجب می‌شوند روابط عاطفی و عقلی در آنان افزایش یابد و در راستای امت‌سازی حرکت کنند. هماهنگی در قصد و برنامه و اجرا و روش، باعث می‌شود ناخواسته نوعی وحدت اجتماعی در میان آنان تقویت گردد و یگانگی در هدف و روش و عمل را در خود به وجود آورند.^۲

حج به گونه‌ای تنظیم شده و آیین‌های آن دارای اموری است که مسئله تعاون و همکاری را تقویت می‌کند و موجب اجرای کارهای شایسته و احسان و نیکوکاری می‌شود. برای مثال، بخشش و قربانی و تقسیم آن در میان مردم، به ویژه تنگ‌دستان به معنای دستگیری و تعاون است. وقتی در مهم‌ترین عمل حج، مؤمن موظف می‌شود حیوانی سالم و کامل را ذبح کند و گوشت آن را به بینوایان دهد، این اندیشه در وی تقویت می‌شود که تنها نباید در مقطع کوتاهی و برای رهایی از گرسنگی به او کمک کرد. باید کاری کرد که از فقر و فاقه درآید. این گونه است که فکر تعاون و همکاری اجتماعی، برای ازمیان بردن فقر در انسان تقویت می‌شود. اندیشه برای بینوایان در کوتاه‌مدت (سیرکردن شکم) موجب می‌شود تا در اندیشه رهایی او از فقر برآید. این گونه است که تعاون و همبستگی اجتماعی در اعمال خیر و نیکوکاری، در میان مردمان افزایش می‌یابد.^۳

۱. مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت. ص ۱۵۵.

۲. کارکردهای سیاسی حج. کریم حسینی، ۱۳۸۶، ص ۷۰.

۳. همان.

نقش حج در لغو امتیازات و تبعیض‌ها

از پیام‌های انقلاب در بعد اجتماعی، لغو امتیازات و تبعیض‌های ناعادلانه‌ای بود که رژیم ستم‌شاهی به وجود آورده بود. یکی از مسائل مهم در حج نیز نفی امتیازات و تبعیض است. همه با یک شکل و لباس و با یک عمل و در یک فرم باید به انجام مناسک پردازند.^۱ سلسله مراتب نفی می‌شود و شیوه طبقه فرودست اعمال می‌گردد و همه با اتخاذ این شیوه، ضمن خارج شدن از امتیازطلبی و روح تبعیض، با مشکلات طبقه فرودست آشنا می‌شوند؛ سادگی احرام و محو هویت‌های شخصی در این مکان، خط بطلانی بر تفکر نظام سرمایه‌داری است. خداوند در آیه ۱۲۵ سوره بقره می‌فرماید: «حضور توده‌های مردم در اجتماع فراگیر حج، در حالی انجام می‌پذیرد که هرگونه امتیازات گروهی و طایفه‌ای و مانند آنان، حذف و سلب شده است و همگان، به‌عنوان انسان، در این اجتماع حضور می‌یابند». درحقیقت، آنچه ملاک حضور در حج است، «ناس» یعنی مردم است. این ناس و مردم، یعنی حضور انسانیت، بی هیچ تفاوت اعتباری که برخی برای خود در نظر گرفته‌اند. این‌گونه است که مردم با یکسان‌بودن انسان‌ها آگاه می‌شوند و درمی‌یابند که هیچ تفاوتی میان انسان‌ها جز به تقوا، یعنی دوری از پلشتی‌ها و زشتی‌ها نیست. بنابراین، انسان در این کارگاه درمی‌یابد که برخی به ظلم و جور و ستم برای خود امتیازاتی را وضع و جعل کرده و حقوق ایشان را ضایع و تباه نموده‌اند. از سوی دیگر، تأکید خداوند بر «ناس»، در آیاتی چون ۹۷ و ۱۹۹ سوره بقره و آیه ۹۷ سوره مائده، نشان می‌دهد که در حج، تنها بی‌امتیازِ مردمان مهم است.^۲

در حج، هرگونه امتیازی لغو می‌شود تا زمینه برای همبستگی اجتماعی و سیاسی افزایش یابد. عدم تفاوت‌ها و برداشتن امتیازات، حتی برای مقطعی کوتاه از زمان،

۱. ارزیابی عوامل سیاسی انسجام‌بخش میان مسلمین در موسم حج، ص ۸۶.

۲. ر.ک: روزنامه کیهان، کارکردهای سیاسی و اجتماعی حج، کریم حسینی، ۱۳۸۶.

به معنای برابری انسانی است، و این مسئله موجب می‌شود تا اندیشه برابری انسانی و عدم تفاوت‌های برخاسته از مال و مکتب و منصب در میان مردم، به عنوان یک اصل، جایگزین اندیشه تفاوت‌های نژادی یا برتری، برپایه اعتباریات شود. این گونه است که شاه و گدا، و امیر و رعیت، برابری خود را با دیگری نشان می‌دهند تا تنها معیار برتری، نه در دنیا بلکه در آخرت، تقوا قرار گیرد؛ زیرا تقوا امری نیست که بتوان برپایه آن، خود را بر دیگری برتری داد و مدعی شد که چون من از نظر تقوا برتر از دیگری هستم، پس بر او مقدمم؛ چون این تفکر، خود ضد تقواست و این گونه است که هیچ کس در کنار دیگری احساس برتری نمی‌کند و همه اعتبارات و امتیازات ظاهری از میان می‌رود. آیات ۱۲۵ و ۱۹۹ سوره بقره و آیات ۲۵، ۲۷ و ۲۸ سوره حج، هرگونه امتیازی را در حج از انسان نفی می‌کنند تا زمینه اتحاد و یگانگی بشری فراهم شود.^۱

حج، عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژادپرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیایی است. حج، ابزاری برای شکستن سانسورها و از بین بردن خفقان‌های نظام استثمارگری را فراهم می‌آورد. حج بستری است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از هر نقطه به نقطه دیگر.^۲

نقش حج در انسجام‌بخشی و تقویت مسلمین

حج، همه‌ساله دو میلیون مسلمان را به حضور در این مراسم فرامی‌خواند. این عبادت، نقش نیرومند وحدت‌بخشی را در اسلام ایفا می‌کند و مسلمانان را از نژادها و ملیت‌های مختلف، به اجتماع در این همایش دینی جلب می‌کند. اجتماع مسلمین در حج، موجبات انسجام و تقویت مسلمانان، بازآموزی فرهنگ دینی و پایبندی به احکام

۱. ر.ک: روزنامه کیهان، کارکردهای سیاسی و اجتماعی حج، کریم حسینی، ۱۳۸۶.

۲. ارزیابی عوامل سیاسی انسجام‌بخش میان مسلمین در موسم حج، ص ۸۸.

دینی را فراهم می‌آورد. انجام مناسک یکسان و متحدالشکل که با اهداف و انگیزه‌ها و نگرش‌های مشترک صورت می‌گیرد، به انسجام‌بخشی بیشتر منتهی می‌شود.

نقش حج در بسیج امت برای ایستادگی در قبال چالش‌های فراروی اسلام

در نظر شریعتی، حج بسیج‌کننده امت و بازتوزیع‌کننده قدرت ضعفای امت است. حج، مجاللی برای نقد بی‌عدالتی‌های فاحش، و اعتراض علیه استثمار نخبگان به‌هم پیوسته در حیات سیاسی اقتصادی و دینی است.^۱ حضرت امام در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خویش فرمود:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور، با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. اینجانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم به آن سفارش فرموده است، از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است.^۲

نقش حج در تقریب مذاهب

مسلمین، مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین، خدای یگانه را می‌پرستند و به نبوت رسول اکرم ﷺ، ایمان و اذعان دارند. کتاب همه قرآن، و قبله همه، کعبه است. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و دارای

۱. حج از دیدگاه شریعتی و آرکون، احمد فکری، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷.

۲. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی، ص ۲۰.

یک فرهنگ مشترک‌اند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، و در آداب و سنن اجتماعی می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان، به‌ناچار در برابر آنها خضوع نمایند؛ خصوصاً اینکه در متن اسلام، بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به‌نص صریح قرآن، برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاص، آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند.^۱

اسلام بین همه مسلمان‌ها، عقد اخوت بسته است و همه را دعوت به اعتصام به حبیل‌الله، و پیروی از خط اسلام می‌کند.^۲

منافع و هدف‌های مشترک:

می‌توان با تکیه بر منافع و هدف‌های مشترک، به طرح‌های مهم و فراگیر برای رسیدن به وحدت میان مذاهب اسلامی دست یافت. ... در راه استقلال و ریشه‌کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم‌پیمان شوید. گرفتاری‌های ملل مُسَلِّم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان، از هیچ‌گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید.^۳

دشمن مشترک:

شرط همه مناسک و مواقف برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه مسلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است،

۱. شش مقاله، ص ۵۰۴.

۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۴۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۵۶.

بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصییت های جاهلی و هماهنگ خروشیدن بر دشمن مشترک.^۱

حج و شناخت ملل مختلف و ارزیابی امکانات آنان

موسم حج، مناسب‌ترین و بهترین فرصت برای آشنایی و ارتباطات مسلمانان با یکدیگر است. حج، بهترین میعادگاه معارفه ملت های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود، از سراسر جهان آشنا می‌شوند.^۲

مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «حج، مجموعه شناخت‌ها [را] در اختیار امت اسلامی (خود، خدا، دیگران، امت اسلامی، دشمن‌شناسی) قرار می‌دهد».^۳

امام صادق علیه السلام در بیان علل حج فرمود: «خداوند در حج، وسیله اجتماع مردم مشرق و مغرب را فراهم آورده است تا همدیگر را بشناسند».

یکی از عوامل اختلاف و تفرقه، عدم شناخت مردم از یکدیگر است. در این میان، حج از مؤثرترین عوامل تبادل اندیشه‌ها و مایه استواری فرهنگ دینی مسلمانان است. در موسم حج، همه اقشار و گروه‌ها و ملت‌های مسلمان حضور دارند. همه آنان باهم لبیک می‌گویند و مناسک حج را انجام می‌دهند. این اجتماع باعث می‌شود ایشان با افکار و عقاید یکدیگر آشنا شوند، گرفتاری‌ها و نیازهای همدیگر را مطرح کنند و در نتیجه، وحدت و همبستگی آنان بیشتر شود. قرآن کریم خطاب به حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «و در میان مردم بانگ حج برآور تا آنان، پیاده و سواره، بر مرکب‌های چابک از هر راه دوری به سراغ تو بیایند تا شاهد منافع خویش باشند».

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۱۳۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۲/۱/۷۷.

امام صادق علیه السلام در جواب هشام بن حکم، در مورد حکمت‌های حج فرمود:

اگر هر قوم و ملتی، فقط از کشور و بلاد خویش سخن بگوید و تنها به مسائلی که در آن است بیندیشد، همگی هلاک می‌گردند و کشورهایشان ویران می‌شود و از بسیاری از منافع و سودها و اطلاعات و اخبار محروم می‌شوند. این است فلسفه و دلیل کنگره جهانی حج.

در همایش جهانی حج، مردم در سایه شناخت یکدیگر، زمینه تبادل آرا و افکار را فراهم می‌کنند و هر گروه از هر کشوری که باشند، دستاوردهای علمی و پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی خویش را به برادران دینی دیگر مناطق و کشورها انتقال می‌دهند، و این‌گونه نوعی همبستگی و علاقه بین آنها ایجاد می‌شود. هرگاه گروه‌ها و اجتماعاتی از مناطق مختلف زمین، با نژادها، رنگ‌ها و آداب گوناگون گرد هم آیند و یکدیگر را بازشناسند، درحالی‌که همه بر یک سخن، که سخن حق است، متفق‌اند و پروردگار یگانه را بپرستند و به یک قبله رو کنند، این وحدت روحانی، آنان را به اتحاد ظاهری نیز فرامی‌خواند و همان‌گونه که گفتارشان یکی است، عملشان را نیز همگون ساخته و از صمیم جان به تبادل امکانات و همیاری در حل مشکلات خود خواهند پرداخت و از آنچه در توان دارند، در تعاون به یکدیگر بهره خواهند گرفت. بدین‌سان، هر جامعه کوچکی به جامعه‌ای بزرگ تبدیل می‌شود و گروه‌ها به یکدیگر می‌پیوندند و با تشکیل توده‌ای عظیم، نیرو و توان و امکانات خود را بر یکدیگر می‌افزایند؛ بدان‌گونه که کوه‌های سر به فلک کشیده در برابر آن تاب مقاومت نخواهند داشت و هیچ قدرت اهریمنی بر آنها فایق نخواهد آمد، و بدیهی است که هیچ عاملی چون اتحاد و همبستگی، برای حل مشکلات کارایی ندارد. دستیابی به وحدت و همبستگی، جز از طریق تفاهم میسر نیست و برای تفاهم، هیچ‌چیز مانند دین و ایمان نقش نخواهد داشت.^۱

نقش حجاج ایرانی در گسترش اهداف اجتماعی انقلاب در کلام رهبری

ارتباطات با برادران مسلمان در دنیای اسلام باید در این مرکز مهم احیا شود. ارتباطات، ارتباطات دولت ها نیست. ارتباطات دولت ها، ارتباطات رسمی است، ارتباطات زبانی است، برای مسائل دیگری است. ارتباط بین آحاد امت اسلامی، ارتباط قلبی است؛ این با ارتباط آحاد ملت ها با یکدیگر حاصل می شود. در دیدار با برادران مسلمانی که از کشورهای دیگر آمده اند، آنهایی که اهل زبان اند، می توانند حرف بزنند، با زبان اظهار محبت کنند، اظهار تعارف کنند، بر روی نقاط مشترک تکیه کنند؛ آنهایی که اهل حرف زدن نیستند، با عمل: جا بدهید، مهربانی کنید، محبت کنید، بعضی از سختی ها و خشونت ها را تحمل کنید؛ یکی ممکن است تنه بزند. شما در مقابلش لبخند بزنید. در عمل سعی کنید این ارتباط به وجود بیاید.^۱

ارتباط برقرار کنید، حرف بزنید، خبر بدهید، خبر بگیرید، روحیه بدهید، روحیه بگیرید؛ حقایقی را که درباره استکبار، مستکبرین، معاندین، مخالفین می دانید - شما سی سال تجربه دارید - برای آن برادرانی که تازه وارد این میدان شده اند، تشریح کنید. آنهایی هم که توانایی تبیین و بیان و این چیزها [را] ندارند، با رفتار خودشان مردم را دعوت کنند؛ مردم را با زبان هم می شود دعوت کرد، اما دعوت قوی تر و بهتر، با عمل است. ادب، احترام، دلبستگی نشان دادنتان به حقایق حج، اینها رفتارهای جمعی و عمومی است برای بهتر برگزار کردن این واقعه بین الملل اسلامی.^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۹۱/۷/۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۹۰/۷/۱۱.

نقش حج در تبیین و گسترش اهداف سیاسی انقلاب

هدف انقلاب: برائت از مشرکان

از مهم‌ترین بخش‌های حج در تبیین اهداف انقلاب، برائت از مشرکان است؛ چنان‌که برائت از مشرکان را ایران، پس از انقلاب مطرح کرد. برائت از مشرکان در امت‌های پیشین نیز بوده است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ...﴾^۱

پیامبر ﷺ نخستین اعلام برائت را در ایام حج انجام داد. امام حسین (علیه السلام) نیز در مراسم حج با دعوت بیش از هزار نفر از پیروان خود درباره راهبری حق و شیوه حکومت‌داری معاویه، بیاناتی ایراد کرد و از آنان خواست تا سخنان او را به سایر افراد مورد اطمینان برسانند. در این رخداد، نمونه‌ای از بهره‌برداری سیاسی در مراسم حج نمودار شده است.^۲ امام راحل نیز در اثبات این امر، به سنت ابراهیمی و محمدی ﷺ تمسک کرده و پیروی از آن را لازم دانسته‌اند. قرآن مجید فلسفه بنای خانه کعبه را دعوت به توحید، و نفی شرک می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۳

امام راحل (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن، و طهارت و الناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق الست بر بکم بت آلهه‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حرکت سیاسی پیامبر ﷺ در ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى

۱. منتحنه: ۴.

۲. عبادات و سیاست تار و پود حج، محمد اشتهاودی، فصلنامه قیسات، ۱۳۸۴، ش ۲۱، ص ۲.

۳. حج: ۲۶.

التَّائِسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ ﴿ زنده بماند و تکرار شود؛ چرا که سنت پیامبر ﷺ و اعلام برائت، کهنه‌شدنی نیست.^۱

ممکن است کسی بگوید: اعلام برائت از مشرکین، یک مانور سیاسی بود که در زمان پیامبر ﷺ به مرحله اجرا درآمد؛ چه دلیلی بر انجام آن مانور سیاسی در زمان کنونی وجود دارد؟ امام با توجه به این شبهه می‌فرماید: «فریاد برائت از مشرکان، مخصوص به زمان خاص نیست. این دستور است و جاوید».^۲

ممکن است توهم شود که اعلام برائت از مشرکین در موسم حج چه ضرری متوجه استکبار می‌کند و چه نفعی برای امت اسلامی دارد؟ امام در پاسخ این پرسش چنین می‌گوید: «راه‌پیمایی مکه و مدینه است که بسته‌شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راه‌پیمایی‌های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود».^۳

دکتر شریعتی اشاره می‌کند که معقول‌ترین راه حل فراروی تمام زائران، این است که بدترین شیطان را از منظر خویش برگزینند. اگر زائران تحت حکومت استبدادی یا نظامیگری زندگی کنند، احتمالاً نخستین ستون شیطان، نماد شیطان را سرکوب سیاسی تلقی خواهند کرد.^۴

آیین حج نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای قدرت‌های بزرگ دنیا نیز بااهمیت است و برنامه‌هایی که از رسانه‌های مطرح دنیا در موسم حج از این آیین پخش می‌شود، اهمیت این ادعا را روشن می‌سازد.^۵

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۲۱.

۳. همان، ص ۲۳۳.

۴. حج تجلی معنویت و کانون دیپلماسی فرهنگی، صالحی امیری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸.

۵. همان، ص ۸.

حج، کارکردی دارد که فرد سیاسی و غیرسیاسی را در یک گروه قرار می دهد. اگر به درستی عمل شود و قدرتمند و حاکم در کنار مردم عادی، و شهروندان دیگر در کنار هم و در یک صف قرار گیرند، حج دارای این توانایی است که به همه صبغه معنوی بدهد. این صبغه، همان بندگی است و بندگی را خاستگاه تزریق سیاست به جامعه قرار دهد. از جنبه های سیاسی دیگر حج آن است که وقتی بر گرد خانه می گردیم و بندگی او را تنها و به طور انحصار در حج، تمرین و تجربه و تکرار می کنیم و کلمه «وحده» و «لیک» در آنجا بیشترین و تنهاترین ادبیات را شکل می دهد، طبیعی است که باید با دشمنان و کسانی که آن راه را نمی پسندند و موانعی بر سر این راه هستند، با آنها هم از سر ستیز و مقاومت در برابرشان برخاست.^۱

حج، ابزار هویت بخشی و بیداری مسلمین

از ابزارهای مهم بیداری اسلامی و مؤثرترین آنها، بهره گیری از کنگره عظیم حج ابراهیمی است که هر ساله با حضور جمعیت میلیونی مسلمانان از سراسر جهان برگزار می شود. به تعبیر حضرت امیر علیه السلام خداوند این خانه را پرچمی برای اسلام قرار داده است: «جعلہ سبحانہ و تعالی للاسلام علما و للعائذین حرما». به راستی خانه کعبه، پرچم بزرگ اسلام است که همواره وحدت بخش مسلمین بوده و روح استقلال طلبی، عزت خواهی و دفاع از حقانیت را در وجود آنان زنده می کند. حج نقش بسیار فعالی در هویت بخشی و بیداری مسلمانان در طول تاریخ داشته است؛ به گونه ای که همواره مدافعان حق و حقیقت کوشیده اند از این بستر عظیمی که خداوند متعال در اختیار آنان قرار داده است، برای شناساندن حق و معرفی چهره باطل استفاده کنند. حضرت امام خمینی علیه السلام فرمود: «مکه باید به خانه فریاد علیه ستمگران و جباران تبدیل شود.

فریادها و اعلام برائت‌ها به حج، ارزش و روح و به مسلمانان، حماسه‌آفرینی و شجاعت می‌دهد و در دل دشمنان، رعب و وحشت می‌اندازد».

بیداری اسلامی و انقلاب‌های کنونی ملت‌های مسلمان منطقه نیز ریشه در این حماسه و شور و شعور دارد. پیام‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (حفظه الله) به کنگره عظیم حج که هر سال در مراسم پرشور و کوبنده برائت از مشرکین در صبح روز عرفه، به دو زبان فارسی و عربی، خوانده و به زبان‌های زنده دنیا چاپ و توزیع می‌شود، از مؤثرترین عوامل صدور انقلاب اسلامی و بیداری ملت‌های مسلمان منطقه است.

تقویت و بازسازی نیروی مسلمین

یکی از نویسندگان معاصر، ضمن بیان اهمیت حج و ظرفیت عظیمی که در آن نهفته است، از عدم بهره‌گیری درست از این ظرفیت بی‌نظیر چنین اظهار تأسف می‌کند: «این کنگره عظیم الهی که هر سال در کنار خانه خدا تشکیل می‌شود، بهترین فرصت را به مسلمانان برای بازسازی نیروهای خویش و تقویت پیوند برادری و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان و باطل کردن نقشه‌های شیطانی آنها می‌دهد. مجموعه این چنین فراگیر و همگانی با انگیزه‌های بسیار والای معنوی، در دنیا بی‌نظیر است. افسوس که مسلمانان هنوز قدرت عظیم حج را در نیافته‌اند».

«گلاستون»، نخست‌وزیر سیاست مدار انگلستان، در گفتار معروفی در مجلس عوام

آن کشور گفت:

مادام که نام محمد صلی الله علیه و آله در مأذنه‌ها [صبح و شام] به عظمت یاد می‌شود و قرآن برنامه زندگی مسلمانان است و حج [هرسال با شکوه تمام] برگزار می‌گردد، جهان مسیحیت در خطر بزرگی است و ما از اصلاح جهان (البته اصلاح از دیدگاه

خودشان مساوی با استعمار است) عاجز خواهیم بود.

یکی از رجال مسیحیت و غرب می گوید: «وای بر مسلمانان اگر معنای حج را نفهمند و وای بر دیگران اگر مسلمانان معنای حج را بفهمند».^۱

نمایش قدرت و عظمت اسلام و انگیزه بخشی به ملت‌ها

برائت از مشرکان، علاوه بر اعلام نفرت و تبری از دشمنان اسلام، نمایش قدرت اسلام و رژه جمعی امت اسلامی است. علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «الحج تقوية للدين»^۲؛ «خداوند حج را برای تقویت آیین اسلام تشریح کرد». وقتی به این انتظار از حج، جامه عمل پوشیده می شود که خانه مقدس خدا، رمز وحدت مردم و مرکز اجتماع دل‌ها و همایش سیاسی جامعه اسلامی باشد. لذا در روایات، از حج به جهاد افراد ضعیف تلقی شده است: «هو احد الجهادين هو جهاد الضعفاء»^۳؛ «حج یکی از دو جهاد است؛ حج جهاد ضعیفان است». همان آثار و ثمراتی که جهاد دارد، حج نیز داراست. جهاد، جنگ مسلحانه با کافران، و حج، جنگ سرد با کافران است؛ چون حج، محل نمایش اقتدار و عظمت امت اسلامی است. در رابطه با اهمیت مراسم حج و برائت از مشرکین، باید گفت که تداوم حج، برائت و توسعه آثار برون مرزی انقلاب، این امید را برمی انگیزد که به زودی همه مسلمانان و محرومان جهان، همانند الگوی مردم ایران در برابر رژیم شاه، با درک مظلومیت و حقانیت انقلاب اسلامی، در همه نقاط علیه استکبار و استبداد به شورش و انقلاب دست خواهند زد و از این طریق راه بقا و دوام انقلاب اسلامی ایران را نیز باز خواهند کرد.^۴ لذا از کارکردهای سیاسی حج، می توان به مسئله اعلان مواضع رسمی

۱. پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. نهج البلاغه، قصار، ص ۲۵۲.

۳. الوافی، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۱۲، ص ۲۱۵.

۴. تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، حشمت زاده، ۱۳۸۵، ص ۶۶.

اسلام و امت اسلامی نسبت به مسائل ریز و درشت اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد. اسلام، شفاف‌سازی در همه امور را بسیار مهم می‌داند و حج را مهم‌ترین موقعیت برای شفاف‌سازی قرار می‌دهد.^۱

امام خمینی علیه السلام در یکی از این پیام‌ها چنین فرمود:

ای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم به پا خیزید. و ای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفت خوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید و همچون سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت، و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست «ان تنصروا الله ینصرکم و یشبث اقدامکم».^۲

آیین و مناسک حج، بستری برای قیام توده‌ها فراهم می‌آورد تا آنان بتوانند با حضور در مکه و اجتماع عظیم و بزرگ آن، به حقوق خویش آگاه شوند و در نهایت، بتوانند با یافتن روحیه و انگیزه مضاعف، از طریق حضور در اجتماعات بزرگ آن، خود را برای مبارزه و جنبش توده‌ای آماده سازند. از این‌روست که خداوند در آیه سوم سوره توبه، موسم حج را فرصتی مناسب برای اعلان مواضع برشمرده است که مردمان سراسر جهان با حضور در این موسم علمی و عملی، می‌توانند با حقوق و تکالیف راستین خویش آشنا شوند و زمینه قیام و جنبش عمومی و توده‌ای را علیه هرگونه ظلم و ستم و تجاوزگری فراهم آورند و خود برای دستیابی به قسط و عدالت مشهود، قیام کنند:

۱. کارکردهای مناسک حج، محمود خسروجردی، ص ۷۳.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۹۰.

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهُدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱

همچنین در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره حج، در بیان دستور بازسازی خانه خدا و نیز دعوت مردم برای حضور در این مکان، می فرماید: «ابراهیم علیه السلام مکلف بود مردمان را از سراسر جهان، از شهرها و روستاها و نیز دور و نزدیک به این مکان فراخواند و آنان با حضور در این مکان، مراسم و آیینی را انجام دهند که دارای وحدت رویه و حرکت و هدف است». این حضور توده‌ای، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که مردمان در یک محیط و دوره‌ای آموزشی - علمی، با حقوق خویش آشنا شوند و به تبادل اطلاعات بپردازند و به یکدیگر برای تحول و تغییر فراگیر کمک کنند تا بتوانند حقوق خویش را باز پس گیرند. به همین دلیل است که خداوند، در آیه ۹۷ سوره مائده، به جا آوردن و حضور توده‌های مردم در این اجتماع را عامل و سبب تقویت دین می‌شمارد.^۲

نقش حج در ایجاد موقعیت امن و استراتژیک برای مسلمانان

مظلومان و مستضعفان، در دوران خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس، در انتظار فرارسیدن ایام حج می ماندند تا بتوانند در محیط امن مکه و حج، علیه حاکمان زمانشان فریاد بزنند. ابوذر در کنار کعبه فریاد می‌زد و مردم را به حق دعوت و از بنی‌امیه به شدت انتقاد می‌کرد. امام حسین علیه السلام در آغاز حرکت و نهضت خود، شهر مکه و اجتماع عظیم حاجیان را انتخاب کرد و اولین خطبه‌های حضرت علیه حکومت یزید، در مکه ایراد شد. آن حضرت، قبل از حرکت به سوی کربلا چند ماه در مکه ماند تا حجاج بیایند و ایشان اوضاع سیاسی، اقتصادی و دینی حکومت یزید را برای زائران خانه خدا بیان

۱. مائده: ۹۷.

۲. ر.ک: حج؛ کنگره عظیم امت اسلامی.

کنند و آنها هر یک حامل پیام امام علیه السلام، در میان مردم منطقه خود شوند. بعد از آن بود که امام به سوی کوفه و کربلا حرکت کرد.

در دوره های پس از آن حضرت نیز همواره مکه و حج، فرصتی برای دفاع از حق و عدالت و بیداری مسلمانان بوده است. امام صادق علیه السلام در عرفات خیمه می زدند و با معرفی جانشینان بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله، راه مبارزه با انحرافات عقیدتی و دفاع از حق را به دیگران آموزش می دادند. امام باقر علیه السلام وصیت می کند که ده سال در سرزمین «منا» برای ایشان عزاداری کنند و جنایات حکومت ظالم را که بر امام و اهل بیت علیهم السلام وارد شده است، بازگو نمایند. در پایان دوران ظلم ستمگران، در آخرالزمان نیز حضرت ولی عصر علیه السلام در مکه ظهور می کند و فریاد عدالت خواهی را به سرتاسر جهان ظلمت زده می رساند. بر همین اساس، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه فرمود: «مکه باید به خانه فریاد علیه ستمگران و جباران تبدیل شود.

وجود یک جامعه امن و مطمئن و به دور از هر نوع تجاوزات، از آرزوهای دیرینه دانشمندان و مصلحان بوده است که سازمان ها و جوامع بین المللی در تحقق چنین آرزویی هستند. اما تا کنون ره به جایی نبرده اند. ولی خداوند حکیم براساس حکمت متعالیه اش، قرن ها قبل منطقه ای را در نقطه ای از زمین برای چنین هدفی بنیان نهاده است؛ به حدی که شکار حیوانات و حتی کمک کردن شکارچی به واسطه نشان دادن آن با گوشه چشم هم ممنوع گردیده است. آن هم در منطقه ای که ناامن بود؛ انسان ها ربوده می شدند و همه جا غارت و کشتار بود. قرآن در این زمینه می فرماید: کسانی که با احرام، حج را بر خود واجب کرده اند، باید از تمتعات جنسی و انجام گناه و بحث و جدال اجتناب کنند. پس امنیت اجتماعی در گرو وحدت و انسجام است. اگر محل تشکیل کنگره حج در نقطه امنی قرار داده شده، برای این است که سران و نمایندگان مسلمین، آزادانه و با کمال اطمینان نسبت به یکدیگر و بدون هیچ تشویشی، منافع

مسلمین را در نظر بگیرند و از همدیگر برای رفع مشکلات یاری بجویند؛ زیرا در منطق قرآن، امنیت از پیش نیازهای حج است. همچنین اعمال حج نیز در سرزمین «مکه» صورت می‌گیرد که با دعا و درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام به وادی امن مبدل شد و خدای متعال نیز سرزمین مکه را سرزمینی آزاد قرار داد و به آن، منت‌های حرمت را اعطا کرد و آنجا را بیت‌الله الحرام نام نهاد. از این حیث، همه چیز در مکه امنیت دارد. مهم‌ترین دستاورد اتحاد در همه انواع آن، حفظ صلح، آرامش و امنیت و دورماندن از جنگ و خون‌ریزی و جدایی است؛ زیرا اتحاد در جامعه اسلامی، حس دوستی و همکاری را تقویت می‌کند و همه فتنه‌های اجتماعی را که از برتری‌جویی نژادی ناشی می‌شود، از بین می‌برد، و اتحاد میان مؤمنان، زمینه‌درگیری را مرتفع می‌سازد.

نقش حج در تبیین و گسترش اهداف فرهنگی انقلاب

حج، به‌منزله یکی از مؤلفه‌های فرهنگی مشترک جوامع اسلامی، از ابتدای ظهور اسلام تا کنون، بر اهمیت آن افزوده شده است. حج عامل توسعه شبکه‌ها و ارتباطات علمی و انتقال دانش و تجارب افراد است. حاجیان با گروه‌های علمی و مذهبی سایر کشورهای جهان آشنا می‌شوند و با بهره‌گیری از تجارب یکدیگر، به تکامل علمی و شخصیتی خویش کمک می‌کنند.^۱

تبلیغات فرهنگی و نشر و تبیین معارف اسلامی

امام خمینی شایعه‌پراکنی، تحریف اخبار، وقایع و نشر اکاذیب توسط قدرت‌های بزرگ را برای ضربه‌زدن به انقلاب می‌داند.^۲ با توجه به وجهه فرهنگی انقلاب اسلامی،

۱. حج تجلی معنویت و کانون دیپلماسی فرهنگی، صالحی امیری، ۱۳۹۱، ص ۸۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۰۳.

ناکامی و ضربه‌پذیری آن، عمدتاً از راه خدشه فرهنگی حاصل می‌شود. مسلمانان در همه جای جهان، باید درباره اقدامات توطئه‌آمیز دشمنان هوشیار باشند؛ به‌ویژه نسبت به توطئه‌های فرهنگی مانند نوشتن کتاب‌ها و ساختن فیلم‌ها و نمایشنامه‌های ضداسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام می‌تپد و از حقد و کینه دستگاه‌های استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. ایشان فرهنگ فساد و فحشا و مصرف‌زدگی و می‌خوارگی و شهوت‌رانی را نمونه بارز فرهنگ‌هایی می‌داند که به وسیله استکبار و دست‌های استعماری در میان ملت‌ها ترویج می‌شود. حرکت صحیح اسلامی، صف‌بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه میان دو فرهنگ است: فرهنگ به زنجیرکشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر؛ لذا هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه زورمندان عالم آماده کند و غافلگیر نشود.^۱

جمهوری اسلامی مظلوم است. من به شما عرض بکنم - من سال‌هاست این را گفته‌ام - جمهوری اسلامی، نظامی است که تمام ارکان اقتدار معنوی در او جمع است؛ مقتدر است، اما مقتدر مظلوم. اینها باهم منافات ندارد. مظلوم است به‌خاطر چی؟ به دلایل مختلف: یکی‌اش این است که دشمنان جمهوری اسلامی برای اینکه فکر و آرمان جمهوری اسلامی در بین جامعه عظیم مسلمان‌ها گسترش پیدا نکند، انواع و اقسام دروغ‌ها را به جمهوری اسلامی بسته‌اند؛ از دروغ‌های اعتقادی و فکری بگیریید تا دروغ‌های فرقه‌ای و سیاسی و اجرایی. این کار را می‌کنند، آن کار را می‌کنند، این جور می‌گویند، آن جور می‌گویند، این جور فکر می‌کنند، آن جور عمل می‌کنند. سی سال است که دارند علیه ما دروغ می‌یافتند. شما که کارگزار حجید، شما که دلتان لبالب از اعتقاد و ایمان به نظام جمهوری اسلامی است، در حج در کنار این برادر مسلمانی که در معرض این تبلیغات قرار گرفته است، تکلیف اولتان چیست؟

۱. بیانات مقام معظم رهبری، در تاریخ ۷۰/۳/۲۶.

تبیین. معارف اسلامی و معارف نظام اسلامی را تبیین کنید.

اینها این را تحریف می‌کنند، تبدیل می‌کنند و می‌خواهند به دروغ مارک دشمنی با فرق اسلامی را به سینه جمهوری اسلامی بزنند. بروید اینها را تبیین کنید. برادران مسلمان ما، خواهان مسلمان ما در سراسر دنیا بدانند که اینجا مال آنهاست؛ بدانند اینجا همان کاری انجام گرفته است که دل هر مسلمانی در آرزوی انجام گرفتن آن است. کدام مسلمان است که در دنیا نخواهد که قرآن حاکمیت پیدا کند. اینجا قرآن حاکمیت پیدا کرده؛ اینجا شریعت حاکمیت پیدا کرده. امروز در دنیای اسلام کیست که از تسلط و نفوذ بیگانگان و کفار در کشورهای اسلامی دلش خون نباشد؟ دل‌هایشان خون است و نمی‌توانند حرف بزنند؛ به آنها اجازه نمی‌دهند حرف بزنند. جمهوری اسلامی همان منبر بزرگ و عظیم و جهانی و آزادی است که همان حرف در دل آنها و فریاد شکسته در گلوی آنها را در اینجا با صدای رسا بلند می‌کند.^۱

در پی موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران در طول سه دهه حیات پربرکت خود، امروز، شاهد برگ جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی هستیم که به عنوان الگوی انقلاب‌های دیگر کشورهای اسلامی مطرح است. در حال حاضر، اندیشه‌های معمار کبیر انقلاب، امام راحل علیه السلام در دل و جان اندیشمندان، فرهیختگان و علمای جهان نفوذ کرده است و سایر ملت‌ها آماده پذیرش معارف ناب اسلام و تشیع هستند. موسم حج، فرصتی است برای تبادل اطلاعات و به‌نمایش گذاشتن عزت و استقلال جمهوری اسلامی ایران؛ چنان که بستر مناسبی برای استفاده از تجربیات مردم دیگر کشورها در پیشبرد امواج بیداری اسلامی نیز محسوب می‌شود. از این روست که دولت عربستان، می‌کوشد حجاج کشورهای مختلف، با زائران ایرانی ارتباط برقرار نکنند. «مع ما فیه من التفقه»، یعنی در حج تفقه صورت می‌گیرد و کسانی که به حج می‌روند، مسائل دینی و اوضاع جهان اسلام را می‌فهمند و بررسی می‌کنند و در

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۸/۱۵/۸۷.

برگشت به شهر خود، به دیگران منتقل می‌کنند.^۱

مسلمانان در مراسم حج، علاوه بر انجام شعایر اسلامی می‌توانند از مشکلات کشورهای اسلامی آگاهی یابند و با دیگر مسلمانان از سرزمین‌های دیگر، تبادل فکر و اندیشه داشته باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: «اسلام چنین اجتماعی را مقرر کرده است تا از شرق و غرب عالم جمع شوند و با یکدیگر در آنجا آشنا و دوست بشوند.^۲

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

ای زائران خانه خدا! توطئه‌های راست و چپ و خصوص آمریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایت‌کار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایت‌کاران را بشمارید.^۳

بر ملت‌های اسلامی لازم است که در این اجتماع مقدس حج، اولاً در مسائل اساسی اسلام و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده، ببینند که در داخل کشورها، با دست استعمار و عمال آن، بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاری‌های ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.^۴

حج، مسلمانان را درباره سرنوشت دیگر هم‌کیشان، حساس می‌سازد و برای اصلاح جامعه اسلامی و خوشبختی مادی و معنوی مسلمانان، راهکارهایی می‌دهد. از بزرگ‌ترین فلسفه‌های اجتماع عظیم حج، توجه مسلمانان به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی و باخبر شدن از گرفتاری‌های برادران ایمانی، و کوشش در رفع این گرفتاری‌هاست. «اهتمام به امر مسلمانان، از فرایض مهم اسلام است. باید توجه داشت

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۵/۸/۸۷.

۲. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۲۵، ص ۸۸.

۳. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۲.

۴. امام خمینی و هم‌گرایان جهان اسلام، سید محمد هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۶۸.

که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال، در این سرزمین مقدس، فراهم می شود، ملت های مسلمان را مکلف می سازد که در اهداف مقدس اسلام، مقاصد عالی شریعت مطهر و در راه ترقی و تعالی مسلمانان بکوشند. گرفتاری های ملل مسلمان را از زبان اهالی هر مملکت شنیده، و برای حل مشکلات آنان از هیچ اقدامی فروگذار نکنند، برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنند. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی یکدیگر پردازند و با مشورت همگانی، برای رفع آنها بکوشند»^۱.

نتیجه گیری

شواهد موجود منطقه، حاکی از آن است که انقلاب اسلامی ایران، تأثیری عمیق بر جوامع اسلامی و بر بیداری مسلمانان جهان داشته است و نور امیدی در دل های آنان روشن کرده است. مهم ترین هدف این انقلاب، معنویت، تجدید حیات اسلام، براندازی نظام کفر و گسترش آیین الهی اسلام است. هدفی که تمام انبیا به دنبال تحقق آن بوده اند. لذا انقلاب اسلامی، هدف اصلی و مرکزی خویش را بر بعد معنوی مقرر می دارد. جنبه سیاسی هدف مذکور، برائت از ایادی شرک و مشرکان، امر به معروف و نهی از منکر و...؛ هدف اجتماعی آن تحقق وحدت کلمه و...؛ هدف فرهنگی آن ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و مبارزه با تباهی و فساد و...؛ و هدف اقتصادی، تأمین منافع مادی و عدالت اقتصادی و... است. حج نیز به عنوان تجلی معنویت، بزرگترین کنگره و مرکز گردهمایی مسلمین است که خود جوانب و کارکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد و از شاخص ترین برنامه های جهانی اسلام است؛ به عبارتی می توان گفت که حج، گردهمایی پاکان و نیکان،

وارستگان و معنویت‌گرایان (بعد معنوی)، کنگره فرد و جمع (بعد اجتماعی) و کنگره دین و دنیا (اقتصادی). سیاست است و سیاحت (سیاست) و قادر است اهداف معنوی (تجدید حیات اسلام - توحید)، سیاسی (مبارزه با کفار و مشرکان و تبری از آنان)، اجتماعی (وحدت، انسجام و تفاهم)، فرهنگی (نشر معارف اسلامی و خنثی‌سازی تهاجمات فرهنگی) و اقتصادی انقلاب را گسترش دهد که این مهم، نیازمند برنامه‌ریزی اصولی و کلان است.

منابع

۱. ارزیابی عوامل سیاسی انسجام بخش میان مسلمین در موسم حج، زهرا معینی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.
۲. از ناصر خسرو تا آل احمد، نعمت‌الله فاضلی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.
۳. امام خمینی و هم‌گرایی جهان اسلام، سید محمد هاشمی، نشر نیایش، ۱۳۸۲.
۴. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، نشر دارالاحیاء التراث العربی، بی‌جا، ۱۴۰۳.
۵. بیانات امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت عید سعید قربان، ۶۳/۶/۷.
۶. بیانات امام خمینی به مناسبت سالگرد کشتار مکه، ۶۷/۴/۲۹.
۷. بیانات امام خمینی در جمع سپاه و نیروهای نظامی، ۵۹/۳/۱۰.
۸. بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی، ۵۹/۷/۲۸.
۹. بیانات امام خمینی در جمع شرکت‌کنندگان کنگره آزادی قدس، ۵۹/۵/۱۸.
۱۰. بیانات امام خمینی در جمع مسئولین دانشگاه امام صادق، ۶۲/۶/۱۵.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱.
۱۲. پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ناصر مکارم‌شیرازی، چاپ دوم، تهران، دارکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
۱۳. پیام برائت به زائران بیت‌الله الحرام، ۶۶/۵/۶.
۱۴. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمد باقر حشمت‌زاده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۵. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حرعاملی، قم، موسسه آل البیت لاحیا التراث، ۱۴۱۶.
۱۶. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران، محمدحسین پناهی، تهران، اندیشه معاصر، ۱۳۸۲.
۱۷. حج از دیدگاه شریعتی و آرکون، احمد فکری، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.
۱۸. حج ایرانی، وحدت و تنش گفتمان‌های رقیب، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.
۱۹. حج تجلی معنویت و کانون دیپلماسی فرهنگی، صالحی امیری، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.
۲۰. حج؛ کنگره عظیم امت اسلام، علی پوریا، خبرگزاری سحر، ۱۳۸۷. <http://saharnews.net/view/2051.=Php?Newsid>
۲۱. حدیث ولایت، دفتر مقام معظم رهبری (مدیریت ویژه نشر آثار).
۲۲. خبرنامه تیپ ۸۳ امام صادق علیه السلام، ویژه نامه انقلاب اسلامی، لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۰۰۱۲۹۹۷۵/۲.
۲۳. خلاصه گزارش آسیب شناسی سفرهای عمره دانشجویی، داوود پرچمی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ۱۳۸۸.
۲۴. درآمدی بر جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی ایران، مهدی رهبری، بابلسر، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۴.
۲۵. صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۹.
۲۶. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، روح الله خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۶.
۲۷. عبادات و سیاست تار و پود حج، محمد اشتهاوردی، فصلنامه قیسات، شماره ۲۱، ۱۳۸۴.
۲۸. عیون اخبار الرضا، ابن بایویه قمی، محمدبن علی، تحقیق: حسین اعلمی، نشر رضا، ۱۳۷۸.
۲۹. کارکردهای سیاسی و اجتماعی حج، کریم حسینی، روزنامه کیهان، ۱۳۸۶.
۳۰. کارکردهای مناسک حج، محمود خسروجردی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص



مصلحت نظام، ۱۳۹۱.

۳۱. کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، تحقیق: حیانی - صفوه السقا، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، [بی تا].

۳۲. کیمیای سعادت، عبدالحسین زرین کوب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۸۲.

۳۳. مبانی و مفاهیم قرآنی، ابعاد و جهات حج، احمد مبلغی، خبرگزاری قرآنی ایران، چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۸ شماره خبر: ۴۸۶۸۷۴.

۳۴. مجموعه آثار، شهید مطهری.

۳۵. مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، حسن رهبری، تهران، دبیرخانه کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ۱۳۸۰.

۳۶. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه صدوق، چاپ اول، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، ۱۳۶۲.

۳۷. نشریه پیام انقلاب، ش ۶۸، ۶۱/۷/۱۰.

۳۸. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در راستای استفاده از فرصت حج ابراهیمی

مهدی مولائی آرانی^۱

چکیده

در تعالیم اسلامی، عالی‌ترین مظهر ایجاد وحدت میان مسلمانان، فریضه بزرگ حج است. این فریضه، نقطه تقاطع عبادت با سیاست و مرکز پیوند پرستش خدا با دیگر مسائل اجتماعی و اقتصادی است. اگرچه شارع مقدس، اهداف بسیار والایی را برای این فریضه متصور شده است، در حال حاضر این مراسم عظیم، به دلیل تفرقه و جدایی امت اسلام از یکدیگر، فاصله زیادی با اهداف حقیقی خود پیدا کرده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با آرمان‌های متعالی، در پی استفاده بهینه از فرصت حج ابراهیمی است. از نکاتی که باید همواره به آن توجه شود، این است که در این مسیر، تنها جمهوری اسلامی ایران تلاش نمی‌کند، بلکه بیشتر کشورهای مسلمان حاضر در حج، به ویژه کشورهای بزرگ و مدعی در تلاش‌اند که از این فرصت عظیم نهایت استفاده را ببرند. از این حیث، راه درست شناسایی راهکارها، از شناخت دقیق رقبا و سایر فعالان این عرصه به دست خواهد آمد.

۱. دانشجوی دوره دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)

این تحقیق در پی آن است که با شناخت فرقه وهابیت، به عنوان یکی از اصلی ترین رقبای جمهوری اسلامی ایران در عرصه حج، راهکارهایی را به منظور استفاده بهینه از فضای حج مطرح کند.

مقدمه

در تعالیم اسلامی، عالی ترین مظهر ایجاد وحدت میان مسلمانان، فریضه بزرگ «حج» است. حج، تجلی و تکرار همه صحنه های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متكامل در دنیا است، و مناسک حج، مناسک زندگی است. از آنجاکه باید امت اسلامی ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد ﷺ پیوند خورد، حج تنظیم و تمرین تشکل این زندگی توحیدی است. حج، آیینۀ درخشان اسلام و شناسنامه پرافتخار امت بزرگ اسلامی، از آغاز تا کنون بوده است. حضور جهانی مسلمانان در این مجمع معنوی و بین المللی، چنان فایده بخش و اثرگذار است که هیچ عبادت و برنامه دیگری را نمی توان جایگزین آن کرد.

فواید و منافع بی مانند حج، بسیار فراتر از پیامدهای یک برنامه اجتماعی یا یک عمل ساده عبادی است. این فریضه، نقطه تقاطع عبادت با سیاست و مرکز پیوند پرستش خدا با دیگر مسائل اجتماعی و اقتصادی است. حج، بهترین فرصت است برای اینکه متفکران مسلمان گرد هم جمع شوند و موقف سیاسی و دفاعی خود را به بحث بگذارند و در برابر دشمنان، صف واحدی را تشکیل دهند.

اینها همگی اهداف و دلایل حضور امت اسلام در یک نقطه است؛ اما آنچه اکنون مشاهده می شود، چیز دیگری است. در حال حاضر، این مراسم عظیم با اهداف حقیقی خود فاصله زیادی دارد، که یکی از دلایل آن، تفرقه و جدایی امت اسلام است. دشمنان اسلام، ترسی از این گردهمایی عظیم ندارند و حاکمان برخی کشورهای مسلمان هم

دغدغه حج ابراهیمی ندارند! جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق حج ابراهیمی، در تلاش است از این ظرفیت و فرصت عظیم، نهایت استفاده را ببرد و البته در این میان، سایر کشورها نیز - خصوصاً کشورهای بزرگ و مدعی - در تلاش اند. سؤال اصلی مقاله این است که مهم ترین راهکارهای جمهوری اسلامی ایران، برای استفاده بهینه از ظرفیت و فرصت عظیم حج، چیست؟

اعتقاد ما بر این است که شناخت این راهکارها، بدون شناخت دقیق رقبای اصلی، شناختی ناقص خواهد بود؛ از این رو در حد توان مقاله سعی شده است ضمن شناخت یکی از اصلی ترین رقبای فعال (فرقه وهابیت) برخی راهکارها معرفی شود.

سؤال اصلی

- راهکارهای جمهوری اسلامی ایران، در راستای تحقق حج ابراهیمی، چیست؟

سؤالات فرعی

- نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران در عرصه حج چیست؟

- فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در عرصه حج کدام است؟

- نقاط قوت و ضعف جریان وهابیت در عرصه حج چیست؟

- فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی جریان وهابیت در عرصه حج چیست؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، از نوع کیفی و کاربردی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از دو منبع داده‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه با نخبگان عرصه حج، اعم از مسئولان، مبلغان و پژوهشگران استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مکتب طراحی و روش «SWOT» استفاده شده است.

تعریف مفاهیم

۱. مکتب طراحی

مکتب طراحی یکی از مکاتب ده‌گانه استراتژی است که می‌خواهد بین توانایی‌های داخلی و امکانات خارجی، تطابق و تناسب ایجاد کند.^۱ «SWOT» سرواژه عبارات قوت‌ها (Strengths)، ضعف‌ها (Weaknesses)، فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدها (Threats) است.

نقطه قوت: عبارت است از شایستگی متمیزی که سازمان به وسیله آن، می‌تواند نسبت به رقبا برتر باشد.

نقطه ضعف: نوع محدودیت یا کمبود در منابع، مهارت‌ها، امکانات و توانایی‌هایی است که به‌طور محسوس مانع از عملکرد اثربخش شود.

فرصت: عبارت است از یک موفقیت مطلوب عمده در محیط بیرونی.

تهدید: یک تهدید، موفقیت نامطلوبی در محیط بیرونی است.

۲. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی، فرایندی است که از طریق آن، یک دولت با مردم کشوری دیگر روابطی مستقیم برقرار می‌کند تا منافع ملی را توسعه داده، تأمین نماید و ارزش‌های خود را در آن جامعه اشاعه و گسترش دهد. به بیان دیگر دیپلماسی عمومی، فرایند ارتباط یک کشور با عامه مردم کشورهای دیگر، برای شناساندن ایده‌های خود و شناخت ایده‌های آنها و آرمان‌های ملی، معرفی نهادها، فرهنگ‌ها و هنجارها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود اوست.^۲

۱. جنگل استراتژی، هنری مینتزبرگ و بروس آلستردند و سمبل ژوزف، ترجمه محمود احمدپور داریانی، ۱۳۸۸، ص ۲۸.

۲. Sharp&Melissen، به نقل از: دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی، سید جلال دهقانی

فیروزآبادی و علیرضا فیروزی، فصل‌نامه روابط خارجی، ۱۳۹۱، ص ۷۶.

با وجود تعاریف متعدد و متفاوت از دیپلماسی عمومی، ویژگی‌ها و ابعاد دیپلماسی عمومی را می‌توان در چند گزاره و اصل بنیادی خلاصه کرد^۱:

۱. در دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی، هدف مرجع یا مخاطبان، عامه مردم در جوامع دیگر و به ویژه گروه‌های غیررسمی از جامعه مدنی هستند؛ زیرا از مهم‌ترین ابعاد و وجوه سیاست فرابین‌المللی و جامعه اطلاعاتی بین‌المللی، به عنوان محیط عملیاتی و اجرایی دیپلماسی، ظهور بازیگران غیردولتی با اقتدار و رها از حاکمیت است.

۲. ویژگی دوم دیپلماسی عمومی، شفاف بودن، بازبودن، انعطاف‌پذیر و همکاری جویانه بودن آن است. از این رو کشورها در دیپلماسی عمومی، از مدل سنتی سلسله‌مراتبی، بسته و انحصاری فراتر می‌روند و به صورت شفاف و باز با بازیگران غیردولتی جوامع کشورهای جهان ارتباط برقرار می‌کنند و با آنان به همکاری و گفت‌وگو می‌پردازند؛ ارتباطات مستقیم و شفافی که با هدف تبیین اهداف و ترویج ارزش‌های ملی صورت می‌گیرد.

۳. سومین شاخصه و اصل دیپلماسی عمومی، معطوف به اهداف آن است. هدف اصلی و اولیه دیپلماسی عمومی، اثرگذاری بر افکار و اذهان مخاطبان غیردولتی و شکل‌دهی به افکار عمومی برای هماهنگ‌سازی دیدگاه و ایستار آنان نسبت به اهداف و سیاست‌های یک کشور است. اما اهداف و مقاصد خاص‌تر و مشخص‌تری در چهارچوب این هدف اساسی، تعقیب و پیگیری می‌شود. نخستین هدف، جلب حمایت اخلاقی و سیاسی افکار عمومی سایر کشورها و سپس جذب مردم جوامع، به اهداف و ارزش‌های خود از طریق اثرگذاری بر اذهان و افکار آنان است. دومین هدف در این

۱. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی، ش ۲، صص ۷۶ و ۷۸.

راستا، تبیین و ترویج ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های خود در بین ملت‌های دیگر است. هدف سوم، تصویر و ایماسازی مثبت و مطلوب از اهداف، سیاست‌ها، کنش‌ها و نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و نمایش دادن آن به افکار عمومی دیگران است.

۴. اصل و شاخصه چهارم دیپلماسی عمومی، ابزار، وسایل و شیوه‌های اعمال و اجرای آن در صحنه بین‌المللی است. رابطه تنگاتنگی بین توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات و دیپلماسی عمومی وجود دارد؛ به گونه‌ای که برای اعمال دیپلماسی عمومی، از ابزارهای رسانه‌ای، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما، شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، کنفرانس‌ها و همایش‌های از راه دور و... استفاده می‌شود. بدین ترتیب، ابزار و وسایل اعمال دیپلماسی عمومی، از عناصر قدرت نرم‌افزاری به شمار می‌آیند.

مهم‌تر از ابزار و سازوکارهای اجرای دیپلماسی عمومی، چگونگی و شیوه اعمال آن است. دیپلماسی عمومی بر سیاست اقناع مبتنی است؛ برخلاف دیپلماسی سنتی که بر سیاست قهرآمیز و اجبار استوار است. در چهارچوب سیاست اقناعی، بیش از مذاکره، بر استدلال تأکید می‌شود؛ از این رو، در این نوع سیاست و دیپلماسی، بیش از آنکه مجاب کردن مخاطب مورد توجه باشد، متقاعد و متفاهم‌ساختن وی برای درک حقیقت است که او را به پیروزی از حقیقت اخلاقی ترغیب و تشویق می‌کند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، با توجه به اطلاعات کسب شده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های انجام‌شده، نقاط قوت، ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران و جریان وهابیت، بررسی می‌شود.

۱. جمهوری اسلامی ایران

الف) نقاط قوت

یک- برخورداری از مکتب گران سنگ اهل بیت علیهم السلام

اصلی ترین و ارزشمندترین نقطه قوت جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از مذهب تشیع و مکتب گران سنگ اهل بیت علیهم السلام است.

ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، این بنده رهاشده از تمام قیود، مأمور رهاکردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌هاست. ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن، بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن، بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ماست. ما مفتخریم که ائمه معصومین، از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر، حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام، که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند. ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند، از ائمه معصومین ماست. ما به «مناجات شعبانیه» امامان و «دعای عرفات» حسین بن علی علیه السلام و «صحیفه سجاده» این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ماست. ما مفتخریم «باقرالعلوم»، که بالاترین شخصیت تاریخ است، و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مقام او را درک نکرده و نتواند درک کرد، از ماست و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی‌پایان است، یکی از آثار اوست. ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم السلام و متعهد به پیروی آنانیم.^۱

۱. وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی علیه السلام.

تشیع در جمهوری اسلامی ایران، نعمت بزرگی است. برخورداری از این نعمت، سبب شده است که مردم جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر آنچه سایر مسلمانان دارند (قرآن و سیره پیامبر ﷺ) با تمسک به گفتار و سیره ائمه اطهار علیهم السلام سطح معرفت و بینش خود را به مراتب از سایرین افزایش دهند.

دو - جایگاه عقل و نقل

در معرفت‌شناسی مذهب تشیع، عقل رقیب نقل (وحی) نیست. خرد نیز رسالت پیامبرانه دارد. کتاب و حکمت، عدل همدیگرند. و وحی و عقل دو منبع موازی برای دریافت دین می‌باشند. معرفت دین خدا، گاهی با عقل است و گاهی با نقل، و هر دو از رهاورد وحی حکایت می‌کنند. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است:

خدا دو حجت بر مردم گماشته است: حجت برونی و حجت درونی. حجت برونی همان پیامبران و رسولان و رهبران آسمانی‌اند، و حجت درونی همان عقل‌ها هستند.

قرار گرفتن عقل در جایگاه واقعی خود و هم‌سطح دیدن عقل با نقل - و عدم حذف یکی با توهم برتری یکی بر دیگری - و خضوع هر دو در ساحت وحی، موجب می‌گردد که مرزبندی توهمی میان عقل و دین رخت بر بندد و عقل در درون دین‌شناسی و هندسه معرفت دینی، نگریسته شود و به همراه نقل، دو منبع معرفت‌شناختی دین محسوب گردند.^۱

این معرفت‌شناسی، سبب توانایی جمهوری اسلامی ایران در مباحث علمی و عملی شده است؛ زیرا از دو هدیه الهی (عقل و نقل) بیشترین بهره و استفاده را می‌برد و بهترین مسیر را انتخاب، و اجرا می‌کند.

۱. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، عبدالله جوادی آملی، ص ۱۰۵.

سه - نوع نگاه به تقریب مذاهب و وحدت امت اسلام

در نگاه جمهوری اسلامی ایران، وحدت امت اسلام در برابر دشمنان و مستکبران عالم، امری ضروری و واجب است. اما منظور از تقریب مذاهب و وحدت چیست؟ وحدت اسلامی، به معنای یکی شدن مذاهب نیست. این وحدت نه شدنی است و نه منظور داعیان این وحدت است. وحدت به معنای نادیده گرفتن اختلافات، و شیعه شدن سنی، یا سنی شدن شیعه نیست. مقصود از وحدت اسلامی، همبستگی مسلمانان و اتحاد پیروان مذاهب گوناگون، با وجود اختلافات مذهبی، در برابر دشمنان اسلام و بیگانگان (آمریکا و اسرائیل) است.

معنای صحیح وحدت شیعه و اهل سنت، این است که با توجه به اینکه بین دو مذهب مشترکات بسیاری است، دو گروه باید بر محور این مشترکات به هم نزدیک شوند و برای حفظ و تعالی اسلام با همدیگر همکاری و همیاری داشته باشند؛ نه اینکه یکدیگر را متهم به دشمنی کنند و علیه یکدیگر متحد شوند.

در وحدت باید توجه شود که دشمن حقیقی و واقعی کیست تا همگی علیه او متحد شویم، نه براساس توهمات خودساخته. باید توجه داشت که دشمنان اسلام، دشمنان هر دو مذهب هستند. در برابر این دشمنان و برای جلوگیری از سوءاستفاده آنان از اختلافات، باید بر وجوه اشتراک خود تکیه کنند، تا بتوانند بر دشمنان اسلام که دشمن مشترک شیعه و سنی هستند، از خود دفاع کنند. بدون شک، بیان این شیوه تقریب مذاهب در حج ابراهیمی، همه مسلمانان را با یکدیگر متحد و همراه خواهد کرد؛ اما وهابیت، با تسلط بر جغرافیای حج، مانع از اشاعه این تفکر می‌شود.

چهار - استکبارستیزی (ضدیت با اسرائیل و آمریکا)

نپذیرفتن ظلم، و تلاش برای محو آن، از محورهای کانونی تفکر شیعه و جمهوری اسلامی ایران است.

هر جایی که حرکت برضد استکبار است، برضد صهیونیسم است، برضد دولت غاصب صهیونیستی در کشور عزیز فلسطین است، این حرکت، حرکت مقبول و مورد حمایت و تأیید ماست. هر جا حرکت علیه آمریکا است، علیه این دیکتاتوری بین‌المللی است، هر جا حرکت علیه دیکتاتوری‌های داخلی است، برای احقاق حق ملت‌هاست، ما با آنها موافقیم.^۱

اعتقاد راسخ مذهب تشیع این است که حج، فریضه‌ای عبادی - سیاسی است. حج کامل، حجتی است که علاوه بر اعمال عبادی، اعمال سیاسی آن نیز انجام شود. مراسم برائت از مشرکین، مظهر و نشانه وجه سیاسی حج است. بسیاری از دولت‌ها به ویژه عربستان، می‌کوشند که این مراسم را حذف کنند؛ اما مذهب تشیع این حرکت را یک فریضه می‌داند نه یک نمایش!

از طرف دیگر [حج]، مظهر برائت از دشمنان خدا، برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر است.^۲

[با برگزاری مراسم برائت از مشرکین] می‌خواهیم اعلام موضع کنیم. مسلمان‌ها بگویند که موضعشان در مقابل این غزو استکباری و صهیونیستی چیست. جایش کجاست. اگر بخواهند اعلام موضع کنند غیر از مکه؛ غیر از این مجامع عظیم و میقات عظیم امت اسلام! جایش همان‌جاست. این بسیار مهم است.^۳

متأسفانه دولت عربستان و وهابیت، به دلیل سرسپردگی به مستکبران جهان، مانع از برگزاری این مراسم به صورت عمومی می‌شوند؛ وگرنه بر همگان آشکار است که در صورت برگزاری عمومی این مراسم، همانند گذشته، تمام مسلمانان آزادی‌خواه و عدالت‌طلب در این مراسم شرکت خواهند کرد و فریاد استکبارستیزی سر خواهند داد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۹۰/۴/۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.

۳. همان، ۱۳۸۵/۹/۱.

پنج- پیشرفت در تکنولوژی و علم

نقطه قوت دیگر، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفت‌ها خیلی مهم است. علم، پایه پیشرفت همه جانبه یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «العلم سلطان»؛ «علم، اقتدار است». هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت، اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است.^۱

پیشرفت‌های علمی ایران در عرصه‌های مختلف، مانند هسته‌ای، هوافضا، سلول‌های بنیادی، نانو تکنولوژی و... سبب علاقه‌مندی ملت‌های مسلمانان به ایران، به عنوان یک کشور پیشرفته مسلمان شده است. وضع تحریم‌های شدید و سنگین غرب علیه مراکز تحقیقاتی و علمی ایران، خود بهترین گواه بر نارضایتی استکبار جهانی از این پیشرفت و تمایل ملت‌های مسلمان به ایران است.

نش - سازمان‌ها و نهادی علمی - تبلیغی

جامعه المصطفی العالمیه، به‌پشتوانه تجارب ارزشمند و دستاوردهای چندصدساله و بی‌بدیل حوزه‌های علمیه، تا کنون، ۴۱۰۰۰ دانش‌پژوه مرد و زن از ۱۰۳ کشور جهان را پذیرش کرده است که بیش از شانزده هزار نفر از آنان، در مقاطع گوناگون تحصیلی فارغ‌التحصیل شده و پس از بازگشت به کشورهای خود، در مراکز علمی، پژوهشی و فرهنگی مشغول فعالیت‌اند. در حال حاضر، نزدیک به ۲۵۰۰۰ نفر از خواهران و برادران در جامعه المصطفی مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد، ده هزار نفر در ایران و پانزده هزار نفر هم در واحدهای المصطفی عالمیه در خارج از کشور به تحصیل اشتغال دارند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰.

در کنار آموزش برادران، در حال حاضر بیش از ۲۵۰۰ طلبه خواهر از ملیت های مختلف در ایران، و ۶۵۰۰ نفر در واحدهای المصطفی در خارج از کشور، مشغول به تحصیل اند. این نهاد علمی حوزوی، در بیش از شصت کشور نمایندگی دارد.^۱ ازسوی دیگر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز با هدف ایجاد و گسترش شناخت، علاقه و باور به اسلام ناب و انقلاب اسلامی ایجاد شده است. مهم ترین وظیفه این سازمان در عرصه حج، موضوع ایرانیان خارج از کشور و حضور آنان در حج است. با توجه به قابلیت های فراوان مانند داشتن رایزن فرهنگی در ۶۷ کشور جهان، توان رصد اخبار و تحولات فرهنگی کشور محل مأموریت، فراهم کردن زمینه های ارتباطی میان دانشگاهیان، علمای دینی و هنرمندان اقصا نقاط جهان و وجود مرکز بین المللی تبلیغ و مرکز گفت و گوی ادیان، این سازمان می تواند نقش مؤثرتری در اثرگذاری حج داشته باشد.

ب) نقاط ضعف

یک - انحصار مدیریت حج در قلمرو زمانی قبل و حین انجام حج

بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت، در مقام متولیان امور حجاج ایرانی، به گونه ای برنامه ریزی کرده اند که تنها حجاج، آمادگی اجرای مراسم حج را بدون دغدغه و با آمادگی کامل داشته باشند. این هدف، هدف خوبی است و در جای خود باید از دست اندرکاران آن تشکر کرد، اما هدف کاملی نیست. حاجی ایرانی، قبل از سفر حج، مدت ها با شرکت در کلاس های آموزشی آمادگی حضور در سرزمین وحی را کسب می کند و در سرزمین مکه نیز با تلاش مسئولان مربوط، اعمال خود را انجام می دهد. با اتمام مراسم حج و انداختن کوله باری از تقوا و تجربه توسط هریک از

حجاج، مسئولان مربوط آنها را رها می‌کنند و دغدغه خاطر سال بعد و حجاج جدید را دارند. این تفکر باعث شده است که هر سال، فرصت عظیم این نیروی تربیت شده را به جای به کار بستن در راستای منافع جهان اسلام، به حال خود رها کنیم و هیچ‌گونه بهره‌برداری از آنها نکنیم.

دو - ترکیب سنی حجاج ایرانی

تأمل و دقت در آمارهای چند سال اخیر نشان می‌دهد که بیشتر زائران اعزامی از جمهوری اسلامی ایران دارای سن بالا و فاقد تحصیلات کافی می‌باشند؛ به طور متوسط سن بیست الی سی درصد زائران اعزامی، بالای شصت سال و سن پانزده درصد از زائران، زیر چهل سال است. کمتر از پانزده درصد از زائران اعزامی، تحصیلاتی بالاتر از دیپلم دارند. جدول اطلاعات زیر براساس مطالعه گزارشات حج در سال‌های ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۷ و ۸۸ استخراج شده است.

سال	تعداد کل اعزام	جنسیت		تحصیلات		سطح سنی	
		مرد	زن	سطح	درصد	سطح	درصد
۸۲	۸۵۹۷۳ نفر	٪۵۴	٪۴۶	بی سوادان	٪۲۸	زیر ۴۰ سال	٪۱۶
				باسوادان	٪۵۵		
				نامشخص	٪۱۷		
۸۴	۸۹۷۱۶ نفر	٪۵۱	٪۴۹	بی سوادان	٪۱۹	۴۰ - ۶۰ سال	٪۵۷
				ابتدایی، سیکل و نهضت	٪۲۹		
				دیپلم	٪۱۵	فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری	٪۱۳
				فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری	٪۱۳		
حوزوی	کمتر	بالای ۷۰	٪۲۶				

	سال	از ۱٪					
		۲۳٪	نامشخص				
۸۶		۹۰٪ بالای ۵۰ سال	۸۸ نفر محصل و ۱۸۷ نفر دانشجو حضور داشته‌اند.	۴۶٪	۵۴٪	۱۰۲۰۲۰ نفر	
	زیر ۴۰ سال	۲۴٪	بی سوادان				
	سال	۳۱٪	ابتدایی، سیکل و نهضت				
	بیش از ۴۰ — ۶۰ سال	۱۶٪	دیپلم				
	بیش از ۶۰٪	۱۳٪	فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری	۴۸٪	۵۲٪	۱۰۴۹۴۱ نفر	۸۷
	بیش از ۶۰ سال	کمتر از ۱٪	حوزوی				
	بیش از ۶۰٪	۱۲٪	نامشخص				
	زیر ۴۰ سال						
	۴۰ — ۶۰ سال					۶۵۰۰۰ نفر ^۱	۸۸
	بیش از ۶۰ سال						

سه - رفتارهای نامناسب برخی حجاج ایرانی

اگرچه علمای تشیع و مسئولان حج ایران، در تمام فتواها و بیانات خود بر استفاده بهینه از فضای معنوی حج و همکاری و همراهی با سایر مسلمانان تأکید فراوانی

۱. در آیین حج سی‌ام (۱۳۸۸)، به علت احتمال ابتلا به آنفلوآنزا، از تشریف زائران کمتر از سیزده‌سال و بزرگ‌تر از ۶۵ سال جلوگیری شد.

کرده اند، متأسفانه برخی رفتارهای نادرست همچون بازارگردی‌های بیش از اندازه و نداشتن اهتمام جدی به حضور در نمازهای جماعت، سبب شده است که شبهه عدم تعامل شیعیان و ملت جمهوری اسلامی ایران با سایر مسلمانان قوت بگیرد. این امر به حدی اهمیت یافته است که رهبر معظم انقلاب، در دیدار دست‌اندرکاران سفر حج در سالیان اخیر، بارها به این امر اشاره کرده‌اند:

انسان متأسف می‌شود وقتی بشنود هنگامی که جمعیتِ باشکوه در مسجدالحرام یا مسجدالنبی مشغول اقامه جماعت اند یا به اقامه جماعت می‌شتابند، تعداد معدودی حاجی ایرانی - یا مرد یا زن - سراغ بازارها بروند؛ کیسه‌ها را زیر بغل بگیرند و اجناسی را که در شهر خودشان گاهی ارزان‌تر و بهتر از آنجا می‌توانند پیدا کنند، بگیرند بیایند.^۱

این قدر ما در روایات در ثواب شرکت در نماز جماعت اهل سنت در زمان ائمه علیهم‌السلام داریم که روایت دارد که در مسجدالحرام پشت سر اینها نماز بخوانید، مثل اینکه پشت سر پیغمبر نماز خوانده اید. این معنایش چیست؟ معلوم است که امام صادق نماز آن امام جماعت را با نماز پیامبر مقایسه نمی‌کند. مقایسه با نماز یک پیرو خودش هم نمی‌کند، اما می‌گوید پشت سر او نماز بخوانید. این یعنی چه؟ این نمایش وحدت است.^۲

ج) فرصت‌ها

یک- دسترسی به عموم مسلمین

حج، فرصت بی‌نظیری است که در هیچ‌یک از عبادات وجود ندارد. «امتیاز حج بر سایر واجبات و فرایض اسلامی، جهانی بودن و بین‌المللی بودن آن است».^۳ «در حج

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۸/۸/۴.

۲. همان، ۱۳۸۳/۹/۳۰.

۳. همان، ۱۳۸۸/۸/۴.

هرسالی، انسان حاج با انبوه عظیمی از این بدنه باعظمت امت اسلامی و دنیای اسلام مواجه می‌شود. این را باید مغتنم شمرد. این فرصت است و باید مغتنم شمرد.^۱

دو - اشتراکات فراوان مذهب تشیع با مذاهب اهل سنت

متأسفانه به‌رغم تبلیغات گسترده مبنی بر تفاوت و اختلاف شیعه و سنی، بررسی دقیق این دو مذهب نشان می‌دهد که اشتراکات این دو بسیار بیشتر از نقاط اختلافشان است. اعتقاد به خدای واحد، قرآن، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قبله مشترک، اشتراکات فقهی مراسم حج، احترام به ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقاط اشتراک این دو مذهب است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که جریان اهل سنت، غالباً با عقاید و تفکرات وهابیت موافق و همراه نبوده‌اند. تفکرهای ابن تیمیه به قدری خطرناک و انحرافی بود که علمای چهار مذهب، بعد از بحث و چالش با او و ناتوانی ابن تیمیه و توبه نکردنش، از حکومت وقت خواستند که او را مجازات کند.^۲

در حال حاضر، وهابیت برای مقابله با تشیع به دنبال ائتلاف استراتژیک با اهل سنت است، اما بدنه امت اسلام، خصوصاً دو مذهب شافعی و مالکی، به دلیل اشتراکات فراوان با مذهب تشیع، قابلیت‌های فراوانی برای برقراری ارتباط و اتحاد دارند.

در کشورهای اسلامی، چه در آفریقا، آسیا، چه در همه مناطق دنیا، حتی در قلب آن کشوری که بیشترین دشمنی را با ما کرده است - یعنی ایالات متحده آمریکا - مسلمانانی هستند که شیعه نیستند؛ اما دلشان لبریز از محبت جمهوری اسلامی و محبت امام و محبت این ملت بزرگ باعزم و اراده است؛ چون جمهوری، جمهوری اسلامی بود. اینها (دشمنان)

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۸/۸/۴.

۲. جستارهای در نقد و بررسی جریان سلفی‌گری و وهابیت قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰، ص ۲۰.

این را تحریف می‌کنند؛ تبدیل می‌کنند و می‌خواهند به دروغ مارک دشمنی با فرق اسلامی را به سینه جمهوری اسلامی بزنند.^۱

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از این اشتراکات، اتحاد تشیع و تسنن را علیه جریان وهابیت به وجود آورد.

سه - بیداری اسلامی و فروریختن ترس مسلمانان از استکبار جهانی

وقوع بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و شکستن هیبت استکبار جهانی در چشم مسلمانان، از بزرگترین فرصت‌هایی است که اکنون پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. عمال آمریکا در منطقه، با تلاش‌های مسلمانان کنار می‌روند و نزدیک است که حکومت‌های اسلامی جای‌گزين آنها شود. جمهوری اسلامی ایران و مذهب تشیع، طی سال‌های گذشته تمام تلاش خود را بر این گذاشته بود که بتواند ترس از قدرت پوشالی آمریکا و اسرائیل را از بین ببرد. پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه، پیروزی حماس در جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه و ساقط‌شدن حاکمان وابسته به آمریکا در کشورهای مصر و تونس و... که متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است، سبب بازگشت روحیه عزت و قدرت در برابر مستکبران به امت اسلامی شده است. این بازگشت و احیا می‌تواند زمینه‌ساز وحدت مسلمانان و ایجاد امت واحده اسلامی، در راستای تمدن نوین اسلامی باشد.

د) تهدیدها

یک - ترویج شیعه‌هراسی

ترس از ترویج مذهب تشیع، حاکمان مرتجع منطقه و رهبران مستکبر آنها را بر آن داشته است تا با در دستور کار قراردادادن شیعه‌هراسی، مانع از گرایش مسلمانان به این

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۸/۱۵.

مذهب شوند. ممانعت بعثه های برخی کشورها از ارتباط مسلمانان خود با مسلمانان ایران، گواهی بر این مدعاست. ازسوی دیگر درحالی که افراط گرایی و هابیت برجسته شده و بقای این جریان به مخاطره افتاده است، سیاستگذاران و طرح ریزان این فرقه در یک چرخش مصلحتی، روبنای اقدامات خود را به گونه ای تنظیم کرده اند که حداقل اختلاف و تضاد را با دیدگاه های عامه داشته باشند. آنان در تلاش اند تا با کذب، شایعه و بزرگ نمایی، تشیع را دشمنی مشترک، خطرناک و هول آفرین برای اهل سنت و هابیت جلوه دهند.

دو - تغییر شیوه ترویج و هابیت

هابیت در گذشته، به دلیل تمسک به شیوه های قهرآمیز، آن گونه که مورد انتظارشان بود، گسترش نیافت. رهبران این جریان، در حال حاضر می کوشند در تبلیغ، به جای خشونت از زبان نرم و انواع ابزارهای تبلیغی استفاده کنند.^۱ ازسوی دیگر وجود اعتقادات جهادی سبب شده است که تعدادی از مسلمانان که آگاهی کافی از اهداف و مبانی این جریان ندارند، به گمان به کار بستن روحیه جهادی در برابر دشمنان اسلام، وارد این جریان شوند. درحالی که این نیرو و انگیزه، صرف مقابله با تشیع و کشتار شیعیان می شود.

۲. جریان و هابیت

الف) نقاط قوت

یک - استفاده هم زمان از ابزارهای متفاوت تبلیغی

علما و مبلغان و هابیت، برای رساندن پیام خود از ابزارهای مختلف و متنوعی استفاده می کنند تا بتوانند براساس تنوع ذائقه و سلیقه مخاطبان، افراد بیشتری را جذب

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۸/۱۵.

کنند. تکیه بر دعوت چهره‌به‌چهره، به منظور انتقال احساسات و عواطف و برقراری ارتباطی پویا در دیدارهای حضوری، ارائه تلخیص مطالب تبلیغی، ایجاد راه‌های دسترسی آسان مخاطب به محصولات تبلیغی آنان (از طریق ایمیل، سی‌دی و...)، سرمایه‌گذاری در روش مناظره و استفاده از ارهاب و ایجاد ترس به منظور تحمیل عقاید خود (نظارت پلیسی، دستگیری و زندانی کردن و...)، مجموعه‌ای از روش‌های مورد استفاده آنان در حج است.^۱

دو- نشان‌دادن عملگرایی خود و تلفیق آموزه‌های دینی با رفتار عملی

نوع لباس پوشیدن، ظواهر و نحوه رفتار وهابیون، در صدد القای این مطلب است که آنان به صورت کامل، اجرا کننده آموزه‌های اسلامی و سنت پیامبر ﷺ، تجسم قولی و عملی اسلام راستین و بدون هرگونه انحراف و زواید هستند. این تبلیغ عملی، به آنان کمک می‌کند در ایجاد ذهنیت مثبت در عوام مردم نسبت به خود موفق شوند. برگزاری منظم نمازهای پنج‌گانه، برگزاری زیبای مراسم حج از لحاظ ظاهری، پخش مداوم تلاوت قرآن و... نمونه‌هایی از این دسته‌اند.

سه - عوام‌گرایی و طرح مباحث عرفی

نگاهی به نامه‌ها و خطابه‌های محمدبن عبدالوهاب نشان می‌دهد که عامل موفقیت وی در مقایسه با ابن تیمیه را نمی‌توان محتوای مطالب مطرح شده از سوی او دانست؛ زیرا وی چیزی بیش از پیشینیان خود و ابن تیمیه بیان نکرده است. اما علت آن که ابن تیمیه در جریان‌سازی اجتماعی نتوانست موفق باشد و برعکس آن، محمد بن عبدالوهاب توفیقات چشمگیری را در همراه‌سازی افشار مختلف مردم کسب کرد،

۱. ر.ک: رصد آخرین تحولات ادیان و مذاهب، معاونت فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نشریه

عرفی‌گرایی و سخن‌گفتن به زبان عامه مردم و ساده‌گویی محمد بن عبدالوهاب بود. وی بسیار عوامانه و مانند خود مردم صحبت می‌کرد. لذا توانست اقبال عمومی را با خود همراه سازد و اثرگذار باشد.

به نظر می‌رسد کثرت طرح برخی مباحث عرفی در میان قشر عوام جوامع شیعی و سنی، نشان‌دهنده آن باشد که وهابیت پس از مواجهه با ناکامی‌های حاصل از مکاتبات گفتمان‌ها و مناظرات با علمای برجسته شیعه و اهل سنت و نداشتن توفیق در اقناع قشر نخبگان جوامع، نسبت به باورداشت‌ها و عقاید افراطی خود، جامعه مخاطب خود را به سطح عامه مردم تنزل داده است. در این عوام‌گرایی، استدلال و برهان جای خود را به جدل و مغالطه داده است و به جای زبان علمی، از ادبیاتی عامه‌پسند برای القای مفاهیم مورد نظر استفاده می‌شود. این رویکرد توانسته است نظر برخی از لایه‌های دارای سطوح نازل‌تر بینش را نسبت به معارف دینی، از میان اهل سنت و شیعه، جلب کند یا دست‌کم شبهاتی را در ذهن آنها پدید آورد.^۱

ب) نقاط ضعف

یک - اعتقادات نادرست

پیروان فرقه وهابیت، افکار و اعتقادات خاصی دارند که بسیاری از آنها مخالف آموزه‌های قرآنی و تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. وهابیان برای اثبات عقیده خود، به این سخن مشرکان تکیه می‌کنند که «ما بت‌ها را فقط برای این می‌پرستیم که ما را به خدا نزدیک کند».^۲ وهابیان چنین نتیجه می‌گیرند که ازدیدگاه مشرکان، پرستش بت‌ها برای خالق و رازق بودن آنها نبود، بلکه فقط برای شفاعت بت‌ها نزد خدا بود. پس هرکس

۱. ر.ک: رصد آخرین تحولات ادیان و مذاهب.

۲. اشاره به آیه «مَا تَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» سوره زمر: آیه ۳.

غیرخدا را شفیع بدانند، مانند مشرکان عرب است و جان و مال او مباح است. این عصاره کلام وهابیان، در مسئله توحید و شرک است. تصور شیخ الاسلام وهابیان این بود که «اله» فقط به معنای «معبود» است. بنابراین جمله «لا اله الا الله» که شعار پیامبر اسلام ﷺ و مسلمین جهان بوده است، فقط ناظر به «توحید در عبادت» است؛ یعنی هیچ معبودی جز خداوند یگانه نیست و به این ترتیب، نظر به نفی شرک در خلقت، رزاقیت، ربوبیت و غیر اینها ندارد؛ زیرا مشرکان جاهلی، توحید در خالقیت، رزاقیت و ربوبیت را قبول داشتند و تنها مشکل آنها نداشتن توحید در عبادت بود؛ چون غیر خدا را می پرستیدند.^۱

برخی از اعتقادات وهابیون عبارت‌اند از:^۲

- توسل به اولیای الهی شرک محسوب می‌شود؛
- ویران کردن بنایی که روی قبور ساخته شده، واجب است؛
- نمازگزاردن و خواندن دعا نزد قبور اولیا و روشن کردن چراغ در مقابر، عملی مشرکانه است.

دو - ضعف جایگاه عقل

در معرفت‌شناسی وهابیت، عقل جایگاهی ندارد. اساس اندیشه‌های سلفی، نقل است؛ یعنی برای آنها عقل مرجعیت ندارد. این جریان از احمدبن حنبل آغاز می‌شود که می‌گوید من چند بار به عقل عمل کردم و بعد هم پشیمان شدم. احمدبن حنبل در دورانی می‌زیست که با حمایت هارون و مأمون عباسی، فلسفه یونان، ایران و هند به بلاد اسلام انتقال یافت. ائمه تشیع، به‌ویژه امام رضا (علیه السلام)، در برابر این جریان ایستادند و

۱. جستارهایی در نقد و بررسی جریان سلفی‌گری و وهابیت، دفتر تبلیغات اسلامی، صص ۶۷ و ۷۳.

۲. ر.ک: آیین وهابیت، جعفر سبحانی، ۱۳۶۴.

به تبیین اندیشه اسلامی پرداختند. احمد بن حنبل تصور می‌کرد، تفکرات عقل‌گرایانه و فلسفی با حدیث تضاد دارد. بنابراین گفت فقط باید به حدیث، آن‌هم به ظاهر حدیث پردازیم. او اصلاً عقل را در این زمینه دخالت نداد و در نتیجه، گرفتار «تشبیه» و «تجسیم» شد. وهابیت در حال حاضر نیز معتقدند^۱: «هرگونه استدلال عقلی، منطقی، فلسفی و عرفانی حرام است و فقط ظاهر آیات قرآن، اخبار و عمل صحابه برای ما حجت است».

این شیوه معرفت‌شناسی سبب محرومیت وهابیت از موهبت الهی عقل و ناتوانی آنان در شناخت مسیرهای درست شده است.

سه - تفرقه در گروه‌های وهابی

مطالعه دقیق جریان سلفی‌گری نشان می‌دهد که این جریان، بر اثر حوادث و بحران‌های پیش‌آمده، دچار تفرقه شده است و در بسیاری از مسائل با یکدیگر اختلاف نظر دارند. از یک نظر این فرقه به جریانات ملکیه، اخوانیه، قطبیه، تکفیری، نوسلفیان و جریان سکولار تقسیم‌بندی شده‌اند و در یک تقسیم‌بندی کلان دیگر می‌توان جریانات وهابی را براساس شیوه مقابله با شیعه، به سه گروه طبقه‌بندی کرد:

- گروه نخست، افراطیون‌اند که از جمله آنان «شیخ ابن جبرین، شیخ عبدالمحسن العبیکان، شیخ ناصر العمر و شیخ الهذیفی» است. از نظر آنان، مقامات سعودی نباید به شیعیان اجازه دهند اعمال بدعت‌آمیز خود را به جا آورند و باید آنان را به قتل برسانند، تبعید و سرکوب کنند یا وادار به ترک عقیده نمایند.

- علمای سنت‌گرا دومین طیف وهابیون به شمار می‌روند و علمای نسل قدیم، نظیر «شیخ بن باز، شیخ محمد بن عثیمین» و برخی از نوسلفی‌ها نظیر «شیخ صفار الحوالی»

۱. وهابیت در یک نگاه، عبدالله علی‌بخشی، ۱۳۹۰، صص ۲۳ و ۲۴.

به این گروه تعلق دارند. علمای سنتی وهابی از جدلیون پیروی می‌کنند و دیدگاه‌ها و مواضع خصومت‌آمیز آنان نسبت به شیعیان، از دیدگاه‌های جدلی نشئت می‌گیرد. این گروه با قتل و اخراج شیعیان از کشور و مجبورکردن آنان به پذیرش وهابیت موافق نیستند؛ چراکه معتقدند این اقدامات به بی‌نظمی و هرج و مرج می‌انجامد. از نظر آنان باید شیعیان را به ترک عقاید و اعمال بدعت‌آمیز ترغیب کرد.

- طیف سوم وهابیون که روشنفکرانی نظیر «عبدالله حمید، عبدالله صبیح، عبدالعزيز قاسم و عبدالعزيز الخدر» را شامل می‌شود، ایده‌های ترقی‌خواهانه و سازش‌کارانه را ترویج می‌کنند. گرچه حضور این طیف در عرصه دینی و اجتماعی چندان پررنگ نیست، گرایش مذکور، به سرعت در حال گسترش است. برای مثال «الحمید» مفاهیم حقوق بشر را بر مبنای برداشت و تفسیر متفاوتی از اسلام وهابی اشاعه می‌دهد. وی معتقد است اسلام بر پایه عدالت و آزادی استوار شده و این دو رکن اساسی، در گسترش اسلام، نقش عمده‌ای ایفا نموده‌اند.

چهار - خودبرتربینی و معنای انحصاری از تقریب

وهابیون سلفی، به تمام معنا با ادیان و مذاهب اسلامی دیگر مخالف هستند و هرگونه تقریب با آنان را نفی می‌کنند.^۱ مشاهدات هم نشان می‌دهد که یکی از کالاهای ارزان و فراوان در عربستان سعودی، اتهام به «شرک» و مشرک نامیدن بسیاری از علما و بزرگان است.^۲ روشن است که با این‌گونه رویکرد افراطی، زمینه‌ای برای گفت‌وگو و در نهایت وحدت، باقی نمی‌ماند؛ چراکه رابطه‌ای دوسویه برای تعامل و تفاهم صورت نمی‌گیرد. این‌گونه افراد و جریان‌ها دغدغه‌ای جز بقای خویشتن و کیان خویش ندارند.

۱. وهابیون را بهتر بشناسیم، علی اصغر رضوانی، ۱۳۸۷، ص ۳۹.

۲. آئین وهابیت، جعفر سبحانی، ص ۱۲.

در نظر آنان، دیگران حقی برای زندگی و راهی به رهایی ندارند. این خودنگری و طرد دیگران، گاه آن قدر اوج می‌گیرد که حتی وجود دشمنان مشترک نیز نمی‌تواند عاملی برای کنار هم بودن و باهم بودن باشد.

پنج - تمسک به خشونت

ارزش‌های متداول و معمول وهابی‌گری، قتل و غارت و هدم و تخریب و... است. رفتار تند و حتی ضرب و شتم و عدم مراعات اخلاق از عادات مستمر این فرقه است. رفتار دولت سعودی با حجاج، بیانگر این واقعیت است. کشتار شیعیان در سال ۱۲۱۶ق، قتل عام مردم طائف در سال ۱۲۱۷ق، تخریب قبور مکه، رفتار خشونت‌آمیز و نفرت‌آور مأموران سعودی در حج خونین و همچنین رفتارهای قهری و زشت آنان با زائران قبر رسول الله ﷺ به‌بهانه بوسیدن ضریح مطهر، زبازد خاص و عام است.^۱

شش - هم‌پیمانی با استکبار

نگاهی به تاریخچه وهابیت نشان می‌دهد در هر دورانی که امت اسلام گرفتار مصیبت و تهاجم خارجی شده است، به‌جای آنکه وهابیت عامل وحدت باشد یا دست کم از اختلاف‌ها بکاهد، به‌واسطه هم‌پیمانی با استکبار، درست در خلاف این جهت حرکت کرده است. ابن‌وهاب در دورانی که عثمانی‌ها با استعمارگران انگلیسی و روسی درگیر بودند، قد علم کرد و با انگلیس‌ها همکاری نمود.^۲ اکنون نیز آنها که

۱. وهابیت سیاسی، سیدجواد ورعی و جواد منصوری، ۱۳۹۰، ص ۵۷۱؛ وهابیون را بهتر بشناسیم، صص ۲۹ - ۳۳.

۲. زمانی که ابن سعود با کمک اخوان به توسعه کشورش فکر می‌کرد، جنگ جهانی اول آغاز شد. با آغاز جنگ جهانی اول، انگلیس که آرزوهایی در سر داشت، دو خاندان ابن سعود و شریف حسین را علیه عثمانی‌ها ترغیب و تحریک کرد و برای هریک از این دو خاندان نماینده‌ای فرستاد: توماس ادوارد لارنس را به اردوگاه شریف حسین، و ویلیام شکسپیر را به اردوگاه سعودی‌ها، بعد از کشته‌شدن شکسپیر. هاری سنت جان بریجر فیلیپی که خود را مسلمان و به نام عبدالله معرفی می‌کرد به اردوگاه سعودی‌ها رفت. از سویی لارنس به شریف حسین قول حکومت عربستان بزرگ را داد، با این شرط که بایستی با شکست عثمانی‌ها همراه باشد. نظری بر وهابیت، زهرا مسجدجامعی، ۱۳۸۰.

مدعی وهابی‌گری و پرده‌داری خانه خدا هستند، با آمریکا و اسرائیل همکاری می‌کنند. بررسی مراسم حج سال ۱۳۸۷ ه. ش نشان می‌دهد که به رغم هم‌زمانی این مراسم با حمله اسرائیل علیه مردم غزه (جنگ ۲۲ روزه)، نه تنها هیچ تحرک و برنامه‌ای از سوی حاکمان عربستان و وهابیت، برای اتحاد مسلمانان علیه دشمن خونین آنان اجرا نشد که حتی علمای وهابی فتوای جایز بودن صلح با اسرائیل را نیز صادر کردند.^۱

ج) فرصت‌ها

یک - در اختیار داشتن مدیریت حج

واقع شدن خانه خدا و قبر مطهر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سرزمین عربستان و مدعی پرده‌برداری و حاجب کعبه‌بودن و خادم‌الحریمین شدن سبب شده است که برخی مسلمانان، برای زمامداران سعودی و فرقه وهابیت، تقدس قائل شوند و آنان را پاسدار حرمت حریم ارزش‌های متعالی الهی بدانند و در مواردی از آنان کمک بطلبند و آنها را یار و غمخوار خود بدانند.

فرقه وهابیت، با شناخت جایگاه استراتژیک و بسیار حیاتی حج و حرم امن الهی، با دردست گرفتن تمام گلوگاه‌های تبلیغی و اجازه ندادن تبلیغ به دیگر فرق و مذاهب، تمام تلاش خود را برای تبلیغ و ترویج وهابیت به کار می‌گیرد. مؤسسات بسیاری هم، چون «مجلس الشوی لدعوه و الارشاد»، «مجلس الاعلی و الشئون الاسلامیه»، «رئاسه شئون الحرم المکی و الحرم المدنی»، «الجماعه الخیریه لتحفیظ القرآن الکریم» و... در خدمت تبلیغ وهابیت، به ویژه در موسوم حج می‌باشند. آنان به‌خوبی از این فرصت

۱. «بن باز» در پاسخ به پرسش المسلمون درباره مخالفان فلسطینی، سازش عرفات و رژیم صهیونیستی می‌نویسد: «به همه فلسطینی‌ها نصیحت می‌کنیم که بر سر صلح با اسرائیل باهم همکاری کنند و برای جلوگیری از خون‌ریزی و تضعیف دشمنان که به تفرقه و اختلاف دعوت می‌کنند، باهم تعاون و همکاری داشته باشند».

استفاده می‌کنند و در قالب‌هایی غیرحساسیت‌زا و به‌ظاهر عادی، مطامع و اهداف خود را پی می‌گیرند. برای مثال «مکتب الوکلاء» که متصدی راهنمایی مدیران کاروان‌هاست، خود به‌مثابه مرکزی برای توزیع اقلام تبلیغی و هابیت عمل می‌کند. در اتوبوس‌های مربوط به حمل و نقل زوار نیز با پخش تلاوت‌هایی از قرآن کریم، به‌طور غیر مستقیم، همراهی و هابیت با قرآن به مخاطب القا می‌شود.

دو - حمایت سیاسی و اقتصادی آل سعود

خانندان آل سعود، که بیش از چهار هزار نفرند، بیشتر مشاغل و پست‌های کلیدی را در سراسر کشور پهناور عربستان در دست دارند. خانندان محمدبن عبدالوهاب که به «آل‌الشیخ» معروف شده‌اند، پست‌های مهم فتوا، ارشاد، تبلیغات، آموزش مذهب و هابیت و مانند آن را در دست دارند. براساس پیمان‌نامه رسمی محمدبن عبدالوهاب و محمدبن سعود (پایه‌گذار حکومت سعودی) تقسیم کاری میان این دو طایفه در حکومت صورت گرفته است که تا کنون نیز ادامه دارد. براساس این پیمان‌نامه، سمت سازمان دهی و رهبری نیروها و نصب والی و حاکم به عهده محمد بن سعود و سِمَت فتوا دادن، قضاوت و نصب قاضی و اجرای حدود، تعزیرات و جمع و نظارت بر توزیع بیت‌المال بر عهده محمدبن عبدالوهاب گذاشته شد. گفتنی است که این همکاری، تنها در تقسیم وظایف نیست، بلکه حمایت‌های اقتصادی بی‌حد و حصر حکومت عربستان از هابیت، از مهم‌ترین عوامل ماندگاری این فرقه تا کنون بوده است.

د) تهدیدها

یک - رشد عقلانیت در جهان اسلام

هابیت جریانی ضد عقل است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، در اعتقادات این جریان هرگونه استدلال عقلی، منطقی، فلسفی و عرفانی حرام است. براین اساس رشد

جریان‌های عقل‌گرا در دنیای اسلام، مهم‌ترین خطر پیش روی آنهاست. تفکر و تعقل در جریان وهابیت، نشان می‌دهد که ظهور و رشد این جریان نیز در مناطقی بوده است که عقلانیت به اندازه کافی بسط و توسعه نیافته بوده است. به هر میزان که عقل‌گرایی و تفکر در دنیای اسلام بسط و گسترش یابد، پایه‌های وهابیت سست‌تر خواهد شد.

دو - تزلزل حاکمیت سعودی

بزرگترین و اصلی‌ترین حامی وهابیت، حاکمیت عربستان سعودی است. بدون شک، هرگونه تزلزل در این حاکمیت، به معنای کناره‌رفتن وهابیت از عرصه حاکمیت بر حج ابراهیمی است. بیداری ملت‌های اسلامی و دومینوی سقوط حاکمان وابسته به نظام سلطه، رشد طبقه متوسط شهرنشین، افزایش شمار افراد تحصیل‌کرده و سیر سعودی استفاده از وسایل ارتباطی جدید همچون اینترنت، افزایش شکاف میان فقیر و غنی، برخوردهای سخت و خشن با منتقدان و افزایش زندانیان سیاسی، فساد خاندان آل سعود، نگاه بسیار بدبینانه به زن و فتاوی عجیب و غریب درباره آنان^۱، محرومیت زنان از حقوق اجتماعی، نزاع شاهزادگان سنت‌گرا و غرب‌گرا و چالش قدرت در عربستان، از جمله شواهدی است که تداوم قدرت آل سعود را با تردید مواجه می‌کند.

نتیجه‌گیری

مروری گذرا بر نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران و جریان وهابیت نشان می‌دهد که این جریان با سوءاستفاده از موقعیت خود در تسلط بر اماکن مذهبی

۱. یکی از مفتی‌های وهابی فتوا داده است که زنان حق دست‌زدن به موز و خیار را ندارند؛ چرا که باعث تحریک آنان می‌شود. این مفتی در ادامه این فتوا آورده است: در صورتی که زنان تمایل به خوردن این دو نوع میوه را دارند، باید از شخص دیگری، برای مثال یک مرد مانند همسر یا پدر خود کمک بگیرند و از آنان بخواهند این میوه‌ها را ببرند و در اختیار آنان قرار دهند. (<http://www.shia-news.com>).

مسلمانان، از تبلیغ سایر مذاهب، به ویژه تشیع و جمهوری اسلامی ایران به شدت جلوگیری می‌کنند. اما این امر سبب نشده است که مسئولان ایرانی، فرصت بی‌نظیر حج را رها کنند و در طول سالیان گذشته، سعی کرده‌اند به انحای مختلف، در راستای تحقق حج ابراهیمی و اتحاد مسلمانان گام بردارند.

هدف ما در این مقاله، بیان راهکارهایی برای جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق حج ابراهیمی و استفاده بهینه از این ظرفیت و فرصت عظیم بود؛ اما از آنجا که معتقد بودیم ارائه این راهکارها بدون شناخت رقبا کاری ناقص است، سعی شد با الهام از مکتب طراحی، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران و جریان وهابیت بیان، و در انتها راهکارهای پیشنهادی مطرح شود. جدول زیر به صورت خلاصه، یافته‌های تحقیق را نشان می‌دهد. گفتنی است که نقاط قوت هر گروه برای دیگری یک تهدید است و نقاط ضعف هر یک برای رقیب، یک

فرصت محسوب می‌شود:

جریان وهابیت	جمهوری اسلامی ایران	
استفاده هم‌زمان از ابزارهای متفاوت تبلیغی	برخوررداری از مکتب گران سنگ اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	نقاط قوت
نشان‌دادن عمل‌گرایی خود و تلفیق آموزه‌های دینی با رفتار عملی	نوع نگاه به تقریب مذاهب و وحدت امت اسلام استکبارستیزی (ضدیت با اسرائیل و آمریکا)	
عوام‌گرایی و طرح مباحث عرفی	پیشرفت در تکنولوژی و علم وجود جامعه المصطفی العالمیه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	

اعتقادات نادرست	انحصار مدیریت حج در قلمرو زمانی	نقاط ضعف
ضعف جایگاه عقل	قبل و حین انجام حج	
تفرقه در گروه‌های وهابی	ترکیب سنی حجاج ایرانی	
خودبرتربینی و معنای انحصاری از تقریب	تمسک به خشونت	
هم پیمانی با استکبار	رفتارهای نامناسب برخی حجاج ایرانی	
در اختیار داشتن مدیریت حج	دسترسی به عموم مسلمین	فرصت‌ها
حمایت سیاسی و اقتصادی آل سعود	اشتراکات فراوان مذهب تشیع با مذاهب اهل سنت	
	بیداری اسلامی و فروریختن ترس مسلمانان از استکبار جهانی	
رشد عقلانیت در جهان اسلام	ترویج شیعه‌هراسی	تهدیدها
تزلزل حاکمیت سعودی	تغییر شیوه ترویج وهابیت	

توجه به جدول فوق، نشان‌دهنده آینده و چشم‌انداز مثبتی برای جمهوری اسلامی ایران و مذهب تشیع است؛ چراکه نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران، درونی است و به اصول و مبانی مکتبی آن برمی‌گردد؛ مانند داشتن مبانی متقن و برخورداری از مکتب گران سنگ اهل بیت علیهم‌السلام، بهره‌برداری از عقل و نقل به‌عنوان دو منبع معرفتی، نوع نگاه به تقریب مذاهب و... ولی نقاط قوت وهابیت، ناظر به عوامل بیرونی است. از سوی دیگر نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران، به امور موقت و گذرا برمی‌گردد که اصلاح شدنی است. ولی نقاط ضعف جریان وهابیت، به اصول و مبانی مکتبی آن برمی‌گردد که قابل اصلاح نیست. این امر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مذهب خود می‌تواند مسلمانان را در راستای تحقق حج ابراهیمی، به یکدیگر

نزدیک کند. اما در این مسیر دو مشکل اساسی وجود دارد: اولین مشکل که جزء فرصت های وهابیت نیز می باشد، در اختیار داشتن مدیریت حج توسط جریان وهابیت و حساسیت فوق العاده آنها و حکومت عربستان نسبت به تبلیغ تشیع و ارتباطات رسمی جمهوری اسلامی ایران و اعمال محدودیت های فراوان در این زمینه می باشد و مشکل دوم، وجود برخی نقاط ضعف مانند ترکیب سنی حجاج ایرانی و رفتارهای نامناسب برخی حجاج ایرانی در جمهوری اسلامی ایران است.

از این رو باید گفت که جمهوری اسلامی ایران، باید به دنبال راهکاری باشد که بتواند به صورت غیررسمی و با تکیه بر نقاط قوت خود و رفع نقاط ضعف، از فرصت های بی نظیر حج همچون دسترسی به عموم مسلمانان استفاده کند. یکی از بهترین ابزارها که می تواند این امر را محقق کند، دیپلماسی عمومی است. این راهکار، متناسب با نقاط قوت و فرصت های جمهوری اسلامی ایران و فضای ایجاد شده توسط وهابیون در عرصه حج است.

دیپلماسی عمومی چهار ویژگی دارد:

۱. جامعه هدف، عامه مردم در جوامع دیگر هستند. حج نیز محلی است که حجاج ایرانی می توانند بدون واسطه با عموم مسلمانان ارتباط داشته باشند و همان طور که گفته شد، این جزء فرصت های حج است.

۲. شفاف، باز، انعطاف پذیر و همکاری جویانه بودن آن. حج نیز در واقع، فرصتی است که مسلمانان به صورت رودررو، و بدون ابهام با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

۳. اثرگذاری بر افکار و اذهان مخاطبان غیردولتی و شکل دهی به افکار عمومی، برای هماهنگ سازی دیدگاه و ایستار آنان به عنوان هدف اصلی این نوع دیپلماسی. حج نیز فرصتی است که حجاج ایرانی، ضمن بیان منطق محکم و متقن خود در اتحاد علیه

دشمن مشترک، با رفتارهای صحیح و برادرانه خود، سبب جذب ملت های مسلمان، به گفتمان جمهوری اسلامی، در راستای احیای تمدن نوین اسلامی شوند.^۱

۴. رابطه تنگاتنگ بین توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات و دیپلماسی عمومی، به گونه ای که برای اعمال دیپلماسی عمومی از ابزارهای رسانه ای، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما، شبکه های ماهواره ای، اینترنت، کنفرانس ها و همایش های از راه دور و... استفاده می شود.^۲

در این نوع دیپلماسی سعی می شود که حجاج جمهوری اسلامی ایران، به صورت همگانی و البته با شیوه های خاص و در فرصت برگزاری حج و بعد از آن، با استفاده از ابزارهای ارتباطی با حجاج سایر کشورها (به صورت هدفمند) ارتباط برقرار کنند. این ارتباط، منحصر به گروه و قشر خاصی نیست و در سطوح مختلف حجاج، متناسب با توانمندی آنها، ایجاد می شود.

این تبیین فقط مخصوص یک عده از خواص مثلاً دانشجویها که در کشورهای اسلامی و در دانشگاه ها به خاطر ارتباطات گوناگون عمومی بین المللی به این چیزها دست پیدا می کنند، نباشد؛ بلکه آحاد مردم بدانند؛ بفهمند. اینها فرصت های تبیین برای نظام جمهوری اسلامی است.^۳

دیپلماسی عمومی حج، از ظرفیت های عمومی حج است که در دسترس همگان است. در این دیپلماسی، از ظرفیت عظیم حجاج ایرانی در راستای اتحاد ملت های

۱. گفتنی است که منظور ما از تمدن نوین اسلامی، شیعه کردن سایر مسلمانان نیست. بلکه حرکت در جهت اتحاد مسلمانان و احیای قدرت امت اسلامی واحده در تمام عرصه ها خصوصاً در عرصه علم و فناوری می باشد تا بار دیگر این تمدن به جایگاه اصلی خود در جهان بازگردد.

۲. جمهوری اسلامی ایران باید برای استفاده بهینه از دیپلماسی عمومی در بحث ارتباطات رسانه ای با جهان اسلام گام های جدی بردارد. با توجه به اهمیت این موضوع، نیازمند است که در مقاله ای جداگانه به این بعد پرداخته شود.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۷/۸/۱۵.

مسلمان استفاده می‌شود و این امر، تنها بر عهده یک عده خاص در بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت نیست. همه حجاج خود را مسئول می‌دانند و همگی احساس می‌کنند که نقش مهمی در این فرایند بر عهده دارند. به نظر می‌رسد با توجه به تسلط و هایت بر تمام گلوگاه‌های تبلیغی حج، این عرصه فقط بخشی است که حاکمیت عربستان سعودی نمی‌تواند به صورت کامل در اختیار قرار بگیرد.

به همان میزان که دیپلماسی عمومی، یک فرصت بی‌نظیر در راستای استفاده حداکثری از ظرفیت حج است، به همان میزان می‌تواند خطری برای تشیع و اتحاد مسلمانان باشد! در صورتی که این دیپلماسی به درستی انجام نشود یا زمینه‌ها و ظرفیت‌های لازم برای تحقق آن به وجود نیاید، پیامدهای منفی این دیپلماسی به مراتب بیشتر از منافع آن خواهد بود. در این راستا و به منظور کاهش پیامدهای منفی این دیپلماسی باید یک سری برنامه‌ها به عنوان الزامات تحقق مناسب این نوع دیپلماسی انجام شود. در ادامه و با توجه به نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌های مطرح شده در مقاله، به برخی الزامات اشاره می‌شود:

۱. آموزش حجاج

از نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران، در اختیار داشتن زائران حج تمتع از مدت‌ها قبل از اعزام است. این فرصت عظیمی است که سازمان حج و بعثه مقام معظم رهبری می‌تواند آموزش‌های تدریجی خود را به شیوه‌های مختلف در اختیار این افراد قرار دهند. این آموزش‌ها باید در راستای سه مأموریت فردی، ملی و جهان اسلام و بین‌المللی طبقه‌بندی شود.^۱ در سطح مأموریت فردی، آموزش‌ها باید با هدف

۱. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه حج براساس فرمایشات مقام معظم

رهبری» این سه سطح، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.



بهره‌برداری فردی از فضای معنوی حج، به منظور خودسازی و تزکیه و تهذیب نفس باشد. «هر انسان با استعدادی که از این چند روز ایام حج حقیقتاً درست بتواند استفاده کند، از جنبه فردی آن، همین یک سفر برای اصلاح او تا آخر عمر کافی است».^۱

در سطح مأموریت ملی، آموزش‌ها باید به گونه‌ای باشد که هر فرد با توجه به توانایی خود بتواند دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران - به ویژه در عرصه علم و فناوری - را برای سایرین توضیح دهد. گفتنی است که تربیت رفتاری در این سطح بسیار مؤثرتر از گفتار است. سعی در کاهش و حذف رفتارهای نادرست، همچون کثرت بازارگردی و... می‌تواند تصویر ملی ایرانیان و تشیع را نزد مسلمانان جهان بهبود بخشد.

حاجی ایرانی با رفتار خود می‌تواند کشور خود را، تاریخ خود را، انقلاب خود را، نظام جمهوری اسلامی خود را در چشم مردم دنیا - که آنجا همه از جاهای مختلف جمع‌اند - شیرین و عزیز کند... من با سوغاتی خریدن مخالف نیستم، اما با این بازارگردی‌ها چرا؛ خیلی بد است. یک عده‌ای عطش بازارگردی دارند؛ اینها ملت شما را، مردم شما را سبک می‌کند».^۲

در سطح مأموریت جهان اسلام و بین‌الملل باید در ابتدا همه حجاج شناخت نسبی از اوضاع جهان اسلام، دشمنان مسلمانان و برخی فرقه‌ها، به ویژه وهابیت کسب کنند. در درجه دوم بکوشند متناسب با توانایی‌های کسب شده با ابزارهای گوناگون و با تأکید بر منطق و رفتار صحیح و پرهیز از تحریک عواطف مذهبی فرقه‌های مختلف اسلامی و بحث و جدل در مسائل مورد اختلاف، در مورد مسائل جهان اسلام، به ویژه مسئله فلسطین، روشنگری نمایند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۷۶/۱۲/۱۳.

۲. همان، ۱۳۹۰/۷/۱۱.

چرا بر سر یک موضوع عام‌الابتلا مثل مسئله فلسطین، دولت‌های اسلامی حاضر نیستند یک طریق واحد و یک نقطه واحدی را مورد اتفاق قرار بدهند و بر آن تصمیم بگیرند؟ مسئله فلسطین مگر کم مسئله‌ای است؟ در یک چنین مسئله واضحی، این همه دارد به مسلمان‌ها ظلم می‌شود، اما دنیای اسلام یک موضع واحدی ندارد؛ چرا؟ این اختلاف از کجا آمده است؟ اینهاست مسائل حج.^۱

۲. تغییر ترکیب سنی حجاج ایرانی

از نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران در عرصه حج، سن بالا و سطح سواد پایین حجاج است. در حال حاضر، به طور متوسط بیست الی سی درصد زائران در سن بالای شصت سال هستند و فقط حدود پانزده درصد زیر چهل سال‌اند. این در حالی است که کمتر از پانزده حجاج تحصیلات فراتر از دیپلم دارند. این میزان سطح سواد و شرایط سنی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای دیپلماسی عمومی باشد؛ در صورتی که تلاش در راستای تحقق حج ابراهیمی و شکل‌گیری امت واحد اسلامی، امری واجب است و فراهم کردن مقدمات آن نیز می‌تواند امری واجب محسوب شود.^۲ در صورتی که این امر مورد تأیید باشد، لازم است که ترکیب سنی حجاج، به‌منظور تحقق مصالح عالی‌ه جهان اسلام تغییر کند.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۷/۱۷.

۲. البته این صرفاً یک پیشنهاد است و صحبت کردن و اظهار نظر قطعی در این زمینه بر عهده مراجع تقلید و متخصصان این حوزه است.

۳. در حال حاضر بالغ بر ۱۸۳۰۰۰ نفر از هم‌وطنان در نوبت تشریف به حج تمتع هستند که از سال ۸۳ تا کنون برای این فریضه الهی در شعب بانک ملی سراسر کشور سپرده‌گذاری کرده‌اند. چنانچه به‌صورت میانگین، سالانه یکصد هزار سهمیه حج در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، تشریف این عده ۱۸ سال طول می‌کشد. با عنایت به اینکه معدل سنی افراد متقاضی، بالای ۵۵ سال است، سازمان حج و زیارت با مجوز شورای عالی حج، چند سالی است که برای تشریف زودتر از موعد عده‌ای از کهن‌سالان به حج برنامه‌ریزی کرده است. با استفاده از این مجوز، تا پایان سال ۸۸، حداکثر سن سپرده‌گذاران تا پایان سال ۸۴، به هشتاد سال و سپرده‌گذاران سال‌های ۸۵ و ۸۶، به ۸۵ سال کاهش

۳. رصد و شناسایی افراد مؤثر در جهان اسلام با استفاده از ظرفیت سازمان فرهنگ و

ارتباطات اسلامی و جامعه المصطفی العالمیه

جامعه المصطفی العالمیه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با داشتن بیش از شصت نمایندگی در اقصا نقاط جهان، به ویژه در کشورهای جهان اسلام، از نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران است. بهتر است که قبل از برگزاری حج، افراد مؤثر در کشورهای مختلف، توسط رایزن‌های فرهنگی ایران و نمایندگی‌های جامعه المصطفی شناسایی شوند و ارتباطات اولیه قبل از سفر حج برقرار گردد و در حین سفر حج و بعد از آن نیز ادامه یابد. در این صورت، حجاج ایرانی نیز می‌توانند به صورتی آگاهانه‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تر وارد عرصه حج شوند و در راستای اتحاد جهان اسلام، گام‌های مؤثرتری بردارند.

منابع

۱. آیین وهابیت، جعفر سبحانی، قم، مؤسسه دارالقرآن الکریم، ۱۳۶۴.
۲. با کاروان صفا (گزارش حج ۸۲)، رسول جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۳.
۳. بولتن خبری «بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی عربستان سعودی»، محمد ذوالفقاری و محسن محمدی، پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۲.
۴. جستارهایی در نقد و بررسی جریان سلفی گری و وهابیت، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، تا ظهور، ۱۳۹۰.
۵. جنگل استراتژی، ترجمه: محمود احمدپور داریانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاجرمی، ۱۳۸۸.
۶. حج ۲۶ (گزارشی از حج‌گزاری سال ۱۴۲۶ ق)، محمدحسین رجبی (دوانی)، تهران، مشعر.
 ۱. حج ۲۸ (گزارشی از حج‌گزاری سال ۱۴۲۸ ق)، رضا بابایی و علی اکبر جوانفکر، تهران، مشعر.
 ۲. حج ۲۹ (گزارشی از حج‌گزاری سال ۱۴۲۹ ق)، تهران، مشعر، ۱۳۸۸.
 ۳. حج ۳۰ (گزارشی از حج‌گزاری سال ۱۴۳۰ ق)، تهران، مشعر.
 ۴. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی، سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و علیرضا فیروزی، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱.
 ۵. رصد آخرین تحولات ادیان و مذاهب، معاونت فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نشریه مرزبان‌نامه، شماره ۲.
 ۶. سلفی‌گری و وهابیت، تبارشناسی، سیدمهدی علی‌زاده موسوی، جلد یکم، قم، مرکز آموزش‌های کاربردی دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱.
 ۷. سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه حج براساس فرمایشات مقام معظم رهبری،

مهدی مولائی آرانی، پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۲.

۸. نظری بر تاریخ وهابیت، زهرا مسجدجامعی، تهران، صریردانش، ۱۳۸۰.

۹. وهابیت در یک نگاه، عبدالله علی بخشی، تهران، مشعر، ۱۳۹۰.

۱۰. وهابیت سیاسی، سید جواد ورعی و جواد منصوری، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور،

۱۳۹۰.

۱۱. وهابیون را بهتر بشناسیم، علی اصغر رضوانی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷.

12. www.apmkadeh.com

13. www.basirat.ir

14. www.hadj.kr.ir/index.php/fa/1388_10_28_09_39_41

15. www.hajj.ir

16. www.hawzah.net

17. www.icro.ir/index.aspx?siteid=261&pageid=32272

18. www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=293035

19. www.islamquest.net/fa/archive/question/fa4917

20. www.khamenei.ir

21. www.Miu.Ac.ir/index.aspx?siteid=1&siteid=1&siteid=1&siteid=1&pageid=14

22. www.old.hajj.ir/hadjwebui/library/wfViewBookPage.aspx?bookId=1968

23. www.shia_leaders.com

24. www.shia_news.com

25. www.tebyan.net

26. www.vahhabiyat.com

بخش سوم: واکاوی تأثیرات انقلاب و جمهوری اسلامی بر حج

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج ابراهیمی؛ با تأکید بر دیدگاه امام خمینی

رضا لک‌زایی^۱

چکیده

سؤال اصلی مقاله این است که انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیری بر حج داشته است؟ فرضیه و مدعای بحث ناظر بر این مطلب است که انقلاب اسلامی ایران، احیاگر حج ابراهیمی بوده، و امام خمینی علیه السلام توانست حج را اقامه کند. البته نباید از نظر دور داشت که انقلاب اسلامی در نقطه‌ای از جهان، به نام ایران رخ داد و مربوط به مسائل ایران بود؛ اما از آن حیث که حاوی پیامی جهانی بوده است، در بیداری اسلامی و طبعاً در حج، تأثیر داشته و دارد. در این مقاله، تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سه حوزه باور، انگیزه و عمل، بررسی و تأثیر انقلاب در این سه سطح نشان داده شده است. در حوزه باور و بینش و اندیشه، انقلاب ایران در واقع، مفهوم توحید را اعتقاد به خدا و نفی طاغوت بازتعریف کرد و از آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین مظهر شرک نام برد که در انقلاب ایران هم، شاهد نفی و طرد آمریکا بودیم. در حوزه انگیزه و گرایش در انقلاب ایران، شاهد عشق و نفرت بودیم؛

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی.

عشق به خوبی‌ها و لشکریان عقل که در رأس آن، امام خمینی قرار داشت و تنفر از بدی‌ها و لشکر جهل که در رأس آن شاه و اربابانش قرار داشتند. در حج هم ما شاهد همین محبت و نفرت و تولا و تبرا هستیم که کلیدواژه مهمی چون اعلان برائت از مشرکین، از آن حکایت دارد.

با تحقق توحید و برائت، وحدت به معنای واقعی کلمه شکل می‌گیرد و مسلمین، جبهه‌ای متحد و منسجم را شکل می‌دهند که پشت به پشت هم علیه دشمنی واحد مبارزه می‌کنند. در حوزه رفتاری نیز مبارزه عملی با روحیه‌ای شهادت‌طلبانه که با تغییر محتوای باطنی انسان‌ها رخ می‌دهد، کلید می‌خورد و با شعار و راه‌پیمایی و تظاهرات آغاز می‌شود و تا نابودی استکبار جهانی، براساس پیام جهانی «نه ظلم کن و نه مظلوم شو» به پیش می‌رود. بنابراین «برائت»، اصل اساسی و مهمی است که مقوم حج است و در تمام ابعاد حج وجود دارد. لذا حج همراه برائت، حج ابراهیمی و گرفته شده از اسلام محمدی است و حج منهای برائت، حج جاهلی و گرفته شده از اسلام آمریکایی است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران، حج، بینش، گرایش، رفتار.

مقدمه

سؤال اصلی مقاله حاضر، تأثیر انقلاب اسلامی بر حج، در سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری است که متخذ از نظریه امام خمینی در حوزه طبقه‌بندی علوم است و در اینجا به صورت پیش‌فرض تلقی شده‌اند. تلاش می‌شود با استفاده از نظریات امام خمینی به این پرسش، پاسخ داده شود.

بارها این مطلب را شنیده و خوانده‌ایم که رژیم شاه گفته بود روحانیون و خطبا در منابر، درباره سه مطلب حرفی نزنند: شاه، اسرائیل و در خطر بودن دین. حضرت امام خمینی با ذکر همین سه مطلب در - سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ - به افشاگری علیه رژیم

پرداخت.^۱ اکنون به حج می‌پردازیم. از مجموع پیام‌های امام خمینی به کنگره جهانی حج، چنین استنباط می‌شود که امام، حکام کشورهای منطقه را چون شاه می‌پندارد و لازم می‌داند که ملت‌ها علیه آنان قیام کنند. ایشان دشمن ملت‌های مسلمان و مستضعف را هم آمریکا می‌داند و معتقد است اسرائیل، با پشتیبانی آمریکا کشور فلسطین را غصب کرده و مسلمانان جهان باید در این رابطه حساسیت به خرج بدهند و علیه اسرائیل بسیج شوند و ارتشی صد میلیونی^۲ تشکیل بدهند. درباره دین هم امام خمینی در اواخر دهه شصت، دو کلیدواژه مهم را وارد ادبیات سیاسی جهان نمود: اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی، و اعلام کرد که دشمن اسلام ناب محمدی، اسلام آمریکایی است و براساس همین اسلام آمریکایی است که حج، امن است بر آمریکایی‌ها و ناامن است برای ایرانی‌ها. بنابراین سایر ملل مسلمان، حاکمانی چون حاکم ایران و دشمنی مشترک چون آمریکا و رژیم صهیونیستی دارند. از سوی دیگر، چنان که حاکم ایران، ادعای مسلمانی داشت، سایر حکام کشورهای اسلامی هم خود را مسلمان می‌دانند. بنابراین میان موقعیت ایران و وضعیت کشورهای مسلمان دنیا شباهت‌هایی وجود دارد و هر چه آنها بیشتر از انقلاب ایران اثر پذیرند، به همان نسبت، به آزادی نزدیک‌ترند. با توجه به این مقدمه کوتاه، اجمالاً روشن شد که سخن گفتن از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج، زیاد هم بیراه نیست، و اگر این مطلب غریب می‌نماید، از کم‌کاری و کوتاهی ماست.

از طرف دیگر نباید فراموش کرد که قلب نظریه سیاسی امام خمینی، این است که وی سیاست را نه بخشی از اسلام که «سر» اسلام می‌پندارد^۳ و نسبت مسائل اجتماعی اسلام

۱. صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۹۴.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۴۴۹.

را به مسائل فردی آن، بیش از صد به یک می‌داند.^۱ بنابراین سیاست، به منزله فصل مقوم اسلام و ذاتی آن است و قابل تفکیک از اسلام نیست و اگر سیاست از اسلام جدا شد، همچون تن بدون سری است که نه تنها بی‌خاصیت است، بلکه خودش منشأ گرفتاری‌ها و مصایب فراوان و دردهای بی‌درمان می‌شود. براین اساس واضح است که نگاه امام به اسلام و مسائل اسلام، از جمله حج، قطعاً دارای ابعاد سیاسی است.

نگاه امام خمینی به حج، مثل نگاه ایشان به قرآن است. ایشان می‌فرماید:

حج پسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند. ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرورفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوه‌رهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن، تا ابد سیراب خواهند گشت.^۲

بنابراین، امام معتقد است همان‌طور که هرکس به فراخور بینش و معرفت خود از دریای بی‌کران و ذی‌بطون قرآن دریافتی دارد، از حج هم دریافت و برداشتی دارد. بنابراین حج هم، دارای بطون و ابعاد مختلف است که به تفسیر، تحلیل و تبیین نیاز دارد؛ همان‌طور که به تعبیر امام خمینی «قرآن مجید، ما را پیروز کرد»^۳، می‌توان گفت که حج هم مسلمان را در مقیاسی جهانی، به رهبری حضرت ولی عصر^{علیه‌السلام}، به پیروزی می‌رساند و این پیروزی، صرفاً جبری و قهری نیست؛ بلکه مطابق فطرت و سرشت بشر است. لذا «ظهور منجی، همچون رسیدن یک میوه است و نه انفجار دمل»^۴ که در مجالی دیگر باید به آن پرداخت.

۱. ولایت فقیه، امام خمینی، بی‌تا، ص ۱۱.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۶.

۳. همان، ج ۷، ص ۵۹.

۴. ر.ک: مجموعه آثار، استاد شهید مطهری، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۷۸.

ناگفته نماند که تأثیر، یک امر تدریجی و تشکیکی است، و پیش‌فرض مقاله، این است که انقلاب اسلامی ایران، قطعاً در دنیا و از جمله حج — گرچه بسان پژواکی آهسته و پرتو نوری در صبحگاه — تأثیر داشته و دارد، بی‌شک از عوامل بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران است. پس کلمه تأثیر اینجا به معنای صددرصدی آن نیست، بلکه شاید بیشتر به تأثیری باشد که باید یا می‌تواند، بر حج داشته باشد تا انرژی متراکم آن را آزاد کند و مثل مردم ایران، مردم جهان را از نعمت استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، بهره‌مند سازد. چنان‌که مقام معظم رهبری فرمودند:

نمی‌گوییم که انقلاب از اول با مخاطب قرار دادن کل بشر آمد؛ نه، انقلاب اسلامی ایران بود. متوجه مسائل ایران بود. متوجه ایجاد تغییرات بنیادی در ایران بود. اما زبان این انقلاب، و پیام این انقلاب، پیامی بود و زبانی بود که نمی‌تواند و نمی‌توانست — به طبع حال — در مرزهای ایران منحصر بماند. یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود، احساس می‌کند که به این پیام دل‌بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله با نظام سلطه است. این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است. منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۱ است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود. بنابراین، چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده.^۲

۱. بقره: ۲۷۹.

۲. بیانات معظم له در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۶/۰۶/۱۳۹۲ به آدرس:

در حج هم، جریان از همین قرار است که انقلاب ایران را تحت تأثیر قرار داد. با این توضیح، به بحث درباره تأثیر انقلاب اسلامی ایران در حج، در سه بعد پیش، گرایش و رفتار، براساس دیدگاه‌های امام خمینی می‌پردازیم. لازم است این نکته را در ذهن داشته باشیم که این سه بعد، کاملاً باهم رابطه، و در هم تأثیر دارند و ازهم جدا نیستند.^۱

۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بعد بینشی حج

مراد از بعد بینشی، مطالبی است که - براساس فرمایشات امام خمینی در حدیث بیست و چهارم کتاب شریف شرح چهل حدیث - با لایه عقلی وجود انسان، در ارتباط می‌باشد و شامل اعتقادات، باورها، تفکرات و اندیشه‌های آدمی است. بنابراین به نظر می‌رسد اولین اقدام امام در این حوزه، بازتعریف حج و هدف حج است تا مسلمانان جهان، با هدف و تعریف واقعی و حقیقی حج آشنا شوند و واجد تصور، تفکر و باور صحیحی از هدف حج و تعریف آن گردند.

الف) معرفی حج

فیلسوف و فقیه عارف مجاهد، امام خمینی که از مهم‌ترین صاحب نظران در حوزه فلسفه سیاسی اسلامی است، بزرگ‌ترین درد جهان اسلام را درک نکردن فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی می‌داند. ازمنظر ایشان، حج راز و رمز فراوانی دارد که به صورت عبادتی خشک و یک حرکت بی‌حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.^۲ ایشان فلسفه حج را از

۱. در مقاله «مؤلفه‌های تربیتی حج ابراهیمی در اندیشه مقام معظم رهبری» راجع به این ابعاد توضیح داده شده است. حضرت امام هم در شرح حدیث بیست و چهارم کتاب شرح چهل حدیث، طبقه‌بندی علوم را براساس همین سه مرتبه ارائه داده‌اند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۶.

نگاه ناآگاهان و تحلیل‌گران مغرض، یک عبادت دسته جمعی و سفری زیارتی — تفریحی معرفی می‌کند و سپس خود، به ذکر فلسفه واقعی حج می‌پردازد. از نظر ایشان، فلسفه واقعی حج عبارت از این موارد است: چگونه زیستن، چگونه مبارزه کردن، ستاندن حق مسلمانان و محرومان از ظالمان، چاره اندیشی برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان، نشان دادن مسلمانان به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان (و اکنون، پس از فروپاشی شوروی، قدرت اول یا دوم جهان) و شوراندن مسلمین علیه حکومت‌های وابسته.^۱

وقتی فلسفه حج، چنین مواردی باشد، مفهوم حج هم باید بازتعریف شود. امام معتقد است که حج، فقط حرکات و الفاظ خشک نیست و کسی هم با الفاظ و حرکات خشک به خدا نمی‌رسد؛ بلکه حج، کانون معارف الهی است که باید از آن محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی جست‌وجو کرد؛ پیام‌آور و ایجادکننده جامعه‌ای است به‌دور از رذایل مادی و معنوی، تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل است و از آنجاکه جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد ﷺ پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج، عرصه نمایش و آینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.

حج، همچون قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شدند؛ ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادی را بیشتر صید خواهند کرد و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت و ...

امام در نهایت، حرف آخر را چنین مطرح می‌فرماید: «حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست».^۱

از میان تمام تعبیر پرمایه و مهم فوق که در دو کلیدواژه وحدت و برائت خلاصه می‌شود، عبارت موجز «حج، کانون معارف الهی است که باید از آن محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی جست و جو کرد» نشان می‌دهد که از منظر امام، حج در کانون «فقه سیاسی» اسلام است و ظرفیت مدیریت و اداره و حل بحران‌های «زندگی سیاسی» انسان معاصر را دارد که باید در رشته «حج‌شناسی» یا رشته «فلسفه حج» پیگیری شود.

ب) اعلان برائت

شاید بتوان گفت که کلیدی‌ترین و مهم‌ترین نقطه استراتژیک حج و «مرحله اول مبارزه»^۲ که هم در انقلاب اسلامی ایران و هم در حج پیگیری شد و می‌شود، معرفی دشمن مشترک همه مسلمین و دعوت از مسلمانان برای نفی و ابراز تنفر و نفرت از اوست.

امام خمینی اعلان برائت از مشرکان را از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج می‌داند و تصریح می‌فرماید که باید «در تجدید میثاق اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ^۳، بت آله‌ها و اربابان متفرقون^۴ شکسته شود».^۵

ایشان که نگاهی جامع و صددرصد سیاسی به اسلام و از جمله حج دارد. به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله که کعبه یادگار آن بزرگواران است، به عنوان

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۶ - ۷۸.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

۳. اعراف: ۱۷۲.

۴. یوسف: ۳۹.

۵. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۴.

مبارزان سیاسی و الگوهایی که باید از آنها در مبارزه الهام گرفت، نگاه می‌کند. ایشان مبارزات انبیا و بنیان کعبه را محدود و محصور در مبارزه و درهم شکستن بت‌های سنگی و چوبی نمی‌داند؛ بلکه آنان را چنان‌که قرآن کریم معرفی می‌کند، در صف اول مبارزه با فرعونیان، نمرودیان و ابوجهل‌ها می‌داند که شاهیت غزل سراسر مبارزه‌شان را از قول ابراهیم خلیل، با کلام ابدی ﴿أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾^۱ ابلاغ می‌نماید.^۲ سپس امام، مسلمین را که آهنگ حج نموده‌اند، به پیروی از انبیای الهی فرامی‌خواند و از کاخ سفید، با عنوان «بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه» اسم می‌برد که مسلط بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم است و باید در هم شکسته و نابود شود.^۳

برهمن اساس امام خمینی، با ظرافت تمام، از زوآر ایرانی که توانسته‌اند نظام شاهنشاهی را ساقط کنند و دست اجانب، به ویژه آمریکا را از کشورشان کوتاه کنند، به عنوان کسانی یاد می‌کند که حقیقت برائت از مشرکان را به نمایش گذاشته‌اند و بت‌های شرق و غرب را در هم شکسته‌اند:

بیت‌الله الحرام و کعبه معظمه، زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی - محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می‌نمایند، و بت‌های شرق و غرب را در هم می‌شکنند، و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند.^۴

نکته دیگری هم که در فرمایش امام وجود دارد، این است که ایشان معتقدند راه علاج انزوا و انحراف سیاسی حج، عمل به اصل اعلان برائت از مشرکان است.

۱. انعام: ۱۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۷.

۳. همان.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

امام خمینی با احیای اصل اعلان برائت از مشرکان در حج، با قدرت و صلابت این پرسش‌ها را در معرض افکار مسلمین جهان قرار داد و توانست بر افکار مسلمین جهان - هرچند اندک - اثر بگذارد و آنها را به فکر وادارد؛ چرا آمریکا دشمن اسلام و مسلمانان است؟ برائت از آمریکا چه ارتباطی به توحید و اعتقاد به وحدانیت خدا دارد؟ آیا برائت از مشرکان هم از ارکان توحید است؟ آیا حج، عبادتی سیاسی است؟ آیا اعلان برائت، راه برطرف کردن انحراف سیاسی حج است؟ نمی‌شود کسی به یکتایی خداوند ایمان داشته باشد و آمریکا را هم قبول داشته باشد؟ آیا سیاست، چنان‌که امام خمینی می‌فرماید، سر اسلام است؟ آیا این سخن که اسلام را چه به سیاست، درست است؟ چرا آمریکا دشمن شماره یک جهان اسلام است؟ کسی که ظاهراً مسلمان است، بر کشوری که مردمش مسلمان‌اند، حکومت می‌کند؛ نقش آمریکا در آنجا چیست؟ موضع کشور شما در قبال آمریکا و اسرائیل چیست: اسلامی یا طاغوتی؟ اگر کاخ سفید بتخانه است، باید در هم شکسته شود؟ آیا این‌طور نیست که فرعون‌ها و نموردها و ابوجهل‌ها هنوز حضور دارند و فقط اسم عوض کرده‌اند؟ چرا ابراهیم خلیل‌الرحمان با نمورد مبارزه کرد؟ آیا می‌توان با آمریکا مبارزه کرد؟ چگونه می‌شود با آمریکا مبارزه کرد؟ آیا ایران با آمریکا مبارزه کرد؟

گفتنی است که باید کافر، مشرک و مظلوم را از مستکبر جدا دانست؛ چنان‌که آیت الله جوادی آملی معتقدند، دیدگاه امام این است که اگر «کافر» از مرز کفرش نگذرد، می‌توان با او زندگی مسالمت‌آمیز داشت؛ چون کافر به خود ستم می‌کند؛ اما «مستکبر» را هرگز نمی‌توان تحمل کرد؛ نه به این دلیل که کافر است، بلکه به این دلیل که به تعبیر قرآن کریم، مستکبر است. قرآن می‌فرماید: با سران کفر بجنگید: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ﴾ به این دلیل که «إِنَّهُمْ لَا يُبَایِنُونَ [آن‌ها لا ایمان] لهم»؛ یعنی قدرت‌های استکباری به

قطعنامه‌ها، قراردادها، سوگندنامه‌ها، پیمان‌ها و تعهدها هیچ احترام و تقیدی ندارند.^۱ بنابراین با سران کفر مبارزه کنید؛ چون مستکبرند و به عهد و پیمان وفادار نیستند. معنای برائت که «اکنون مهم‌ترین خبر در جهان است»^۲، همین مطلب است. مسئله تولا و تبرا یا برائت، به قدری در تفکر امام جایگاه مهمی دارد که آیت الله جوادی آملی معتقد است، امام خمینی حج منهای برائت را «حج جاهلی»، و حج همراه برائت را «حج ابراهیمی» می‌داند.^۳

مسئله برائت با مسئله «جدال» که از محرّمات حج است، تفاوت دارد. برخی می‌خواهند چنین القا کنند که منظور از «لاجدال» در آیه کریمه ﴿فَلَا رَفَتْ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾^۴ جدال با دشمن را هم دربرمی‌گیرد. لذا نباید در حج، مراسم برائت را برپا کرد. از سوی دیگر، آیه کریمه ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾^۵ بر اعلان برائت از مشرکین در حج دلالت دارد. لذا نمی‌توان به بهانه اطلاق «لاجدال»، دشمنان توحید را هم در مصادیق «لاجدال» داخل کرد. علاوه بر این، این سخن در صورتی گفته می‌شود که حج، خود، مظهر جدال با دشمن است. این جدالی که در برائت هست، جدال با شرک و کفر است و جزو اساسی‌ترین خطوط حیات اسلامی است. براین اساس، آن جدالی که در اجتماع جهانی حج نباید باشد، جدال برادران مؤمن و مسلمان با یکدیگر است. جدال دل‌های معتقد به توحید با یکدیگر است؛ این جدال نباید باشد. علاوه بر جدال زبانی و لفظی، باید تلاش

۱. بیان مرصوص، جوادی آملی، به کوشش محمد امین شاهجویی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۷۱.

۴. بقره: ۱۹۷.

۵. «و اعلانی است از خدا و رسولش به سوی مردم در روز حج اکبر [عید قربان] که خدا و نیز رسولش از مشرکان بیزار

کرد که تنافر و کدورت قلبی هم بین مسلمین وجود نداشته باشد؛ درست عکس آن چیزی که امروز دشمنان اسلام در صدد ایجاد آن در جامعه اسلامی هستند.^۱

ج) تفسیر عاشورایی حج

از دیگر ابعاد مهم تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر حج را می‌توان در نشان دادن راه عملی مبارزه با مستکبران، گردنکشان و ظالمان بین‌المللی در کنار مبارزه با هوای نفس دانست. امام خمینی با تفسیر سیاسی قیام الهی یکی از دو سید جوانان اهل بهشت، یعنی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام خطاب به ملل مسلمان جهان می‌فرماید:

مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزش‌های الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به پیروان شیاطین، بیش از این مجال حمله را به صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند و... همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوَضُّؤْ زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج، چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.^۲

این عبارات مهم امام خمینی به این معناست که امام حسین علیه السلام با الگوگرفتن از انبیای الهی، برای درهم شکستن بت‌های جاندار قیام کرد. حاجی تو چه می‌کنی؟

۱. با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج در تاریخ ۲۰/۰۶/۱۳۹۲؛ به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23963> (ملاحظه شده در ۳۰/۰۶/۱۳۹۲).

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

جواب این پرسش، با وجدان و فطرت حاجی است. بدین ترتیب، امام خمینی با زبان فطرت، مسلمین را به جهاد اصغر در عرصه بین‌المللی، و جهاد اکبر در عرصه خودسازی فرامی‌خواند، و از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به عنوان الگویی کامل و راستین نام می‌برد که برای احیای حج، - پس از تبدیل حج به عمره - از کعبه راهی کربلا شد و حرب را به جای حرم برگزید، و خود و نزدیکانش را ابراهیم‌وار به مسلخ برد و قربانی کرد.

امام حسین علیه السلام به جای نوشیدن و وضوگرفتن با آب زلال زمزم، با خون سرخ خود وضو گرفت و احرام شهادت بست و در قربانگاه، نماز عشق اقامه کرد. سیدالشهدا علیه السلام در میدان مبارزه با بت‌های جاندار به رجم و رمی آنان پرداخت. امام حسین علیه السلام در دو عرصه جنگ اکبر و اصغر، به جنگ با مستکبران و زورگویان آن روز قدم گذاشت و برای همیشه به مسلمین درس آزادی و آزادگی داد.

از دیدگاه امام خمینی، مسلمانان با اقتدا به سیره سیاسی سیدالشهدا و غلبه بر شک و شرک و نهراسیدن از مرگ، می‌توانند به قدرتی شکست‌ناپذیر و بلکه قدرت اول دنیا بدل شوند. ناگفته پیداست که امام خمینی، در انقلاب ایران و سپس در دوران هشت سال دفاع مقدس، با کاربردی کردن و عینی نمودن سیره سیاسی حضرت سیدالشهدا، به عیان به جهانیان نشان داد که راه امام حسین علیه السلام و خون پاک نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله جریان‌ساز است و کسی که به حسین علیه السلام اقتدا کند، هیچ‌گاه زیر بار ذلت نمی‌رود و به آقایی و سیادت دنیوی و اخروی می‌رسد. بنابراین، بر مسلمین جهان است که با اقتدا به حضرت سیدالشهدا برای اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند و بر هرچه ترس و شک و شرک است، غلبه کنند و با اقتدا به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حماسه‌ای سیاسی خلق کنند. در این باره، سخن فراوان است که به همین مختصر اکتفا می‌شود.

د) تقویت اعتماد به نفس و دمیدن روح خودباوری

اگر ملت و دولتی امکانات و ظرفیت های فراوانی داشته باشد، اما توانایی استفاده از آنها را در خود نبیند و بلکه چشمش به دست بیگانگان باشد و آنها را بهتر و بالاتر از خود بداند، تا ابد وابسته و زیردست می ماند. همه می دانند که بزرگ ترین ذخایر نفت و گاز و دیگر ثروت های روزمینی و زیرزمینی متعلق به جهان اسلام است؛ اما به دلیل عدم خودباوری و ترس و خودکوچک بینی و خودکم بینی و عدم اعتماد به خود و قدرت اسلام، تقریباً هیچ استفاده ای از این امکانات فراوان و خدادادی نمی کنند. امام خمینی با تذکر این نکته حیاتی و مهم به جهان اسلام، از ملت مسلمان و انقلابی ایران، به عنوان نمونه و الگو یاد می کند که با جمعیتی محدود، اما با عزمی بزرگ، اراده ای قوی و مشتی آهنین و با اعتماد به خدای قادر متعال، رژیم طاغوت را با آنکه قدرت های بزرگ از او حمایت می کردند، سرنگون کرد.^۱

ه) توجه به مهدویت

امام خمینی از ظرفیت بی کران سیاسی - توحیدی مهدویت در حج، به خوبی بهره می برد. ایشان براساس استراتژی وحدت، تصریح می فرماید: «مهدی منتظر، به اتفاق همه مسلمین، از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید فرا می خواند».^۲ آنگاه از این نکته چنین نتیجه می گیرد:

ما هم باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه را از آن مکان مقدس سر دهیم و با فریادها و دعوت ها و تظلم ها و افشاگری ها و اجتماعات زنده و کوبنده، در مجمع مسلمین در مکه مکرمه، بت ها را بشکنیم و شیاطین را، که در رأس آنها شیطان

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

۲. همان، ج ۱۸، صص ۷۷ و ۷۸.

بزرگ است، در عقبات رمی کنیم و طرد نماییم تا حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله، «مهدی عزیز» را به جا آورده باشیم.^۱

در این سخن، چنان که ملاحظه شد، امام خمینی مسلمین جهان را به تأسی از مهدی منتظر فرامی خواند و اصلاً اسمی از اینکه حضرت متولد شده‌اند یا متولد می‌شوند، نمی‌آورد و با تکیه بر مسلمات و قطعیات همه مذاهب اسلامی می‌فرماید که باید با تأسی به «ولی الله»، یعنی مهدی عزیز، ابرقدرت زمانمان را که خود بتی بزرگ است و جهانیان را به کرنش و پرستش خود می‌خواند و با زور و زر و تزویر، خود را به آنان تحمیل می‌کند، درهم بشکنیم. در این فراز، هم صحبت از اعتقاد مشترک است و هم صحبت از دشمن مشترک؛ دشمنی که در واقع، بتی بزرگ است و باید با تأسی به پیامبران الهی در هم کوبیده و شکسته شود.

با این نگاه به موضوع مهدویت، می‌توان گفت که اعتقاد مسلمین به مهدویت از پایه‌های اصلی و بنیادین نظریه مردم‌سالاری دینی است. اولاً پیوند سیاست و دیانت - و اینکه اسلام، ذاتاً دینی سیاسی است - را برجسته می‌سازد و از سوی دیگر رکن آن، اعلان برائت و مبارزه با شیطان بزرگ، یعنی آمریکای جهان خوار است که نزاعی وجودی با کلمه توحید و توحید کلمه مسلمین دارد.

۲. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بعد گرایشی حج

اخلاق، فعل قلب است و قلب، مرکز گرایشات، عواطف، هیجانات، عشق و نفرت انسان است. در این زمینه، مهم‌ترین نکته‌ای که وجود دارد، این است که گرایشات قلبی انسان چه سمت و سویی باید داشته باشد؟ به‌دیگر سخن، چه چیز یا چه کسی باید متعلق محبت و نفرت انسان باشد؟ دوست و دشمن انسان مسلمان چیست یا کیست؟

در پاسخی کلی و اجمالی به این سؤال، چنین می‌توان گفت که جنود عقل و کسانی که مجهز به جنود عقل هستند، محبوب انسان مسلمان اند. و جنود جهل و کسانی که مجهز به جنود جهل هستند، منفور انسان مسلمان می‌باشند و انسان مسلمان باید از آنان بیزاری و برائت بجوید. امام خمینی در کتاب شریف «شرح حدیث جنود عقل و جهل» که در واقع، ترسیم نظام فضایل و رذائل از منظر اسلام است، مفصل در همین باره سخن گفته‌اند و شاخصه‌های جنود عقل و جهل را برشمرده و تبیین نموده‌اند. امام در این کتاب و سپس در بیشتر پیام‌هایی که به کنگره عظیم و جهانی حج ارسال کرده‌اند، کوشیده‌اند دوست و دشمن را به مسلمانان جهان بشناساند و بر همین اساس، گرچه خود پس از انقلاب اسلامی به حج نرفت، حج را با احیای مراسم برائت و معرفی دشمنان خدا احیا نمود. ایشان معتقد است که «باید فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».^۱

امام خمینی خود را مدافع مردم مستضعف می‌داند و تصریح می‌فرماید:

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند، و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند.^۲

در این عبارت که نمونه‌های آن در پیام‌های ایشان فراوان است، به‌خوبی جبهه‌بندی دو جبهه مستکبر و مستضعف و موضع‌گیری خشم و نفرت مستضعفان علیه مستکبران عنوان شده است. امام خمینی بدون هیچ اجمال و ابهامی، صریحاً از آمریکا اسم می‌برد و دولت آمریکا را تالی تلو نظام سیاسی فرعون معرفی می‌کند و او را همچون نظام

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۳۱۸.

طاغوتی فرعون، سلطه طلب می خواند.

امام خمینی بر همین مبنا، حجاج ایرانی را به مدارا با سایر مسلمین و حتی با مأموران آنجا دعوت می کند و از آنان می خواهد که با اخلاق انسانی، اسلامی و نصیحت برادرانه و موعظه حسنه، همه مسلمانان را از اعمال خشونت باز دارند و حتی اگر مخالفان آنان برخلاف دستورات قرآن کریم رفتار کردند، مقابله به مثل نکنند تا در پیشگاه خداوند تعالی آبرومند باشند^۱ و با رفتارهای برادرانه و محبت آمیز، توجه آنان را به انقلاب بزرگ ایران جلب نمایند.^۲

از دیگر ویژگی های جنود عقل که در اینجا می توان به آن اشاره کرد، شناخت و شجاعت است. معرفت و شجاعت، فعل قلب است و همین خصوصیت است که در کنار محبت و نفرت، به انسان مسلمان مدد می رساند که قدم در میدان مبارزه بگذارد و از تهدید و هیمنه و تبلیغ و عِدّه و عُده دشمن نهراسد. زهد هم از طرف دیگر، حامی مسلمان است تا فریب زر و ثروت جبهه استکبار را نخورد. زهد یعنی به دنیا دل نیستن. زهد و محبت و شجاعت و اطاعت از رهبری و... عناصری اند که به نحوی پررنگ و چشمگیر در حج حضور دارند و در انقلاب اسلامی ایران نیز به صورت بارز و برجسته بودند.

شاید در کارزار ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۳ زهد، جایگاهی مهم تر داشته باشد و از کلیدواژه های طلایی اخلاق سیاسی به شمار آید؛ چون تا زهد و اعراض از خود به سوی خدا صورت نگیرد، هجرت و محبت و شجاعت و اطاعت از رهبری و... اصلاً محقق نمی شود و تا زمانی که مبارز، اسیر خواسته ها و تمایلات خود و دیگران باشد، قدم از قدم بر نمی دارد؛ چه برسد به آنکه شمشیر از نیام بر آورد و وارد میدان نبرد شود.

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. نحل: ۳۶.

زهد در حج، ظهور و بروز بی نظیری دارد و در هیچ یک از عبادات، این طور برجسته و پررنگ، خودنمایی و جلوه‌نگری نکرده است. شاید هم به دلیل همین نقش کلیدی و اساسی «زهد» است که در اوایل دعای ندبه، شرط خداوند متعال مطرح شده است:

بعد أن شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنيا و زخرفها و زبرجها، فشرطوا لك ذلك.

با آنان (اولیای) شرط کردی که نسبت به این دنیای فرومایه و زینت‌ها و نقش و نگارهای آن، بی‌رغبت بمانند و آنان، این شرط را بپذیرفتند.

این نکته، اهمیت، جایگاه و نقش زهد را می‌سازد. زاهد، مبارز است. زاهد، شجاع است. زاهد از ملامت غیر در راه خدا نمی‌هراسد. زاهد است که می‌گوید اگر ما را محاصره اقتصادی کردند، فرزند رضائیم و اگر محاصره نظامی کردند، فرزند محرم. زاهد است که عاشق خداست و چون عاشق خداست، محب مخلوقات خداست. زاهد است که از غیرخدا ابراز برائت و بیزاری می‌کند و از هیچ کس جز خدا نمی‌هراسد. زاهد است که نه تهدید مستکبران بر او اثر دارد و نه تطمیع ثروتمندان و نه عشوه و دلربایی زیبارویان. زاهد است که خود را مسافر کاروان‌سرای دنیا می‌داند و آماده رفتن. زاهد است که به دنبال کارکنان و مدیران شایسته و پاک‌دست است و براساس معیارهای مادی یا گروهی و حزبی، کارگر و کارمند و مدیر و وزیر را به کار نمی‌گیرد. و زاهد است که ...

بنابراین در بعد گرایشی، ارزشی و اخلاقی حج، زهد نقش مهمی دارد که محور محبت و برائت است؛ محبت و برائتی که نه براساس منفعت فردی، حزبی، گروهی و ملی، که در پرتو عشق به خدا جلوه‌گر شده است. در این زمینه هم سخن فراوان است که به همین مقدار مختصر بسنده می‌کنیم.

۳. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بعد رفتاری حج

بیش عمیق اعتقادی انسان مسلمان و گرایشات عاطفی و هیجانی او در این بعد، جنبه عینی و عملی پیدا می‌کند. در حوزه رفتاری که فعل بدن است، امام خمینی به نکات مختلف و گوناگونی توجه داده. این نکات در انقلاب اسلامی ایران هم کاملاً مد نظر بوده. اقتصاد از مسائلی است که امام به آن توجه داشته. مبنای دیدگاه امام در این زمینه، مبتنی بر اندیشه و انگیزه ایشان است که پیش از این بحث شد.

امام در انقلاب اسلامی ایران، با تحریم استخراج نفت - مگر به اندازه احتیاج مردم انقلابی ایران - به خوبی توانسته بود رژیم سفاک پهلوی و هم پیمانانش را تحت فشار قرار دهد. ایشان برای مسلمانان جهان هم همین نسخه را می‌پیچد و ضمن آنکه برای چندمین بار، خرید اجناسی که مربوط به آمریکاست و تقویت دولتی را که مخالف آرمان‌های اسلامی و اساساً مخالف اسلام است کمک به دشمنان اسلام، جنایت کاران جنگی و مصداق ترویج باطل می‌داند^۱، می‌فرماید: «راه‌پیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد»^۲. لذا امام کاملاً هدفمند مراسم اعلام برائت از مشرکان را که سندی قرآنی دارد، دنبال می‌کند و با آگاهی‌بخشی به مسلمانان جهان، به دنبال تحقق بخشیدن آن و «آزادی انرژی متراکم جهان اسلام»^۳ است؛ چنان‌که انقلاب ایران هم برپایه چنین راه‌پیمایی‌ها و فعالیت‌هایی صورت گرفت و باعث سرنگونی نظام سیاسی طاغوت شد.

مطلب دیگر که امام به آن عنایت داشته‌اند، رعایت نظم و ترتیب، آداب و اخلاق اسلامی، هماهنگی و پرهیز از هرج و مرج در راه‌پیمایی‌ها و کیفیت شعارها بود تا این

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۷.

۲. همان، ج ۲۱، صص ۸۳ و ۸۴.

۳. همان، ص ۸۰.

عبادت با عظمت الهی به گناه و خطا آلوده نشود.^۱ در انقلاب ایران هم شعار «می کشم، می کشم، آنکه برادرم کشت» با لطافت و زیبایی به شعار «ما به شما گل دادیم، شما به ما گلوله» خطاب به برادران ارتشی سر داده شد و تأثیرات عجیبی بر جا گذاشت، و به طور کلی، این تئوری را که انقلاب‌ها پدیده‌ای خشن و خشونت بارند، بی اعتبار کرد. لذا محتوای شعارها و نحوه اجرای برائت از مشرکین و بهانه به دست دشمن ندادن و رعایت آرامش و نظم در راه پیمایی‌ها مد نظر امام بود و ایشان با دقت، روش اجرایی نمودن آن را ترسیم فرمود.

شاید ذکر این نکته که نشان از اشراف امام به روان‌شناسی راه پیمایی و روان‌شناسی شعار و اهمیت و جایگاه این مهم دارد، خالی از لطف نباشد. امام خمینی می‌فرماید:

انسان در اجتماعات بزرگی نظیر راه پیمایی‌ها، سریع‌تر و شدیدتر تحت تأثیر واقع می‌شود و ممکن است از خود بی خود و ناخود آگاه، از یک شعار یا فریاد متأثر شود. از طرفی لازم است که اجتماعات حج و راه پیمایی‌ها با آرامش و مسالمت برگزار شود؛ اگر یک یا چند نفر منحرف جنجال‌انگیز شعاری دهند که با موازین اسلامی وفق ندهد، ولی با ظاهر شورانگیزشان در دیگران تأثیر بگذارند و انحرافی تحمیلی را ایجاد نمایند، بنابراین لازم است که حجاج محترم با دقت به این مسائل توجه داشته باشند و کسانی که کارگردانان راه پیمایی‌های مسالمت‌آمیز هستند، تمام شعارها را با دقت تنظیم کنند.^۲

اما آیا این تظاهرات‌ها و راه پیمایی‌ها و اعلام برائت‌ها تأثیری هم دارد؟ امام خمینی پس از شهادت حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ در پیامی آوردند:

برخی تا قبل از حادثه «تلخ و شیرین» حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راه پیمایی برائت از مشرکین، به خوبی درک نکرده بودند و از خود و

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۹ - ۳۰.

دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم، چه ضرورتی به راه پیمایی و فریاد مبارزه است؛ اگر فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود؟ چه بسا افراد ساده دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهان خواران، نه تنها تاب تحمل این گونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود، حتی بیش از این هم، اجازه حیات و تظاهرات و راه پیمایی خواهند داد و دلیل این مدعا اجازه راه پیمایی هایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود.

پاسخ امام به این سؤالات این است که [اولاً:] راه پیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد و به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می‌شود. [و ثانیاً:] درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده، از آن جلوگیری می‌شود و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد.^۱

بنابراین وقتی راه پیمایی حجاج به گلوله بسته شد، نشان داد که تأثیرات بین المللی دارد و منافع جهان خواران را به خطر می‌اندازد. این فاجعه، مشروعیت و جایگاه عربستان را به عنوان یک نظام سیاسی و میزبان حریم امن الهی، برای همیشه بی اعتبار کرد و دامن آنها را به چنان ننگی آلوده ساخت که با آب زمزم هم تطهیر نمی‌شود؛ چراکه این عربستان بود که به دستور اربابانش، خون بی گناهان را در حرم امن الهی بر زمین ریخت. و گرنه شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، چه ربطی به عربستان دارد. حکام عربستان، با این جنایت ثابت کردند که منافع آمریکا برایشان مقدس است و آیا مگر غیر از این است که منافع عربستان، با به خطر افتادن منافع شیطان بزرگ تهدید می‌شود؟ بدین ترتیب، دولت عربستان با زبانی فصیح به جهان اعلام کرد که خمینی درست می‌گوید که بت‌هایی بدتر، خشن تر، خون خوارتر و خطرناک تر از لات و هبل در کعبه جای گرفته‌اند.

از سوی دیگر، چهره خشن مستکبران هم به جهانیان نشان داده شد و به دنیا فهماند که برای مستکبران فقط منافع خودشان مهم است و تنها امر مقدس عالم، منافع آنهاست و اگر منافعشان را خطری تهدید کند، به خشن‌ترین کارها دست می‌زنند.

امام خمینی معتقد است برائت از مشرکین، از وظایف سیاسی حج است و بدون آن، حج، حج نیست.^۱ لذا ایشان به دنبال این است که زائران ایرانی مکه مکرمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان، به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنند.^۲ اما راه تحقق این مهم و ابراز این علامت کدام است و چگونه می‌توان به این مهم دست یازید؟

رمزگشایی امام خمینی از «عید بزرگ اسلامی قربان» پاسخ همین پرسش است. عیدی که انسان‌های آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می‌اندازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد در راه خدای بزرگ را به فرزندان آدم می‌دهد. این پدر توحید و بت‌شکن جهان، به ما و همه انسان‌ها آموخت که قربانی در راه خدا، بیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه سیاسی و اجتماعی دارد، و به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. مکه و منا قربانگاه عاشقان است و محل نشر توحید و نفی شرک؛ که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شرک است. به فرزندان آدم، درس آموزنده جهاد در راه حق را داد و در این راه باید از هر چیزی، حتی مثل اسماعیل ذبیح‌الله گذشت تا حق جاودانه شود.^۳ این کلام این عبد صالح خداست که فرمود: «من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم».^۴

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۹۸.

۳. همان، ص ۸۸.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

جمع بندی

انقلاب اسلامی، در ایران رخ داد و مربوط به ایران و مسائل ایران بود؛ اما پیام و حقیقت آن جهانی بود. انقلاب اسلامی، نظم نظام سلطه را در ایران نفی کرد و از آن، قلباً و قولاً و عملاً بیزاری جست و نظمی جدید را جای‌گزين آن نمود. پیام فراگیر انقلاب ایران به جهان اسلام و مستضعفان دنیا این بود که نه ظلم کنید و نه ظلم ببینید: ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۱ همین پیام را امام و زائران، به‌ویژه زائران ایرانی در حج ابراهیمی، با عنوان قرآنی اعلان برائت از مشرکین مطرح، و پیگیری کردند.

از نظر امام، حج، لایه‌ها، سطوح، ابعاد و بطون فراوانی دارد که در این نوشتار، به اختصار به سه سطح معرفتی و اندیشه‌ای، اخلاقی و گرایشی، عملی و رفتاری آن پرداختیم و گفتیم که در هر سه این اضلاع، باید نفی و مبارزه با استکبار را که به جنگ، و فقر و فساد در دنیا دامن می‌زد، زیر نظر قرار گیرد. یعنی در حوزه اندیشه، اعتقاد به توحید و نفی شرک مطرح است که اکنون بزرگ‌ترین مظهر شرک، شیطان بزرگ است. در حوزه اخلاق، تولا و تبرا برجسته می‌شود که در رأس آن نفرت و برائت از آمریکا مطرح است، و در حوزه عمل، اقتدا به انبیا و اولیای الهی و درهم شکستن هیمنه و تفرعن حکومت طاغوت و نظام سیاسی فرعون معاصر، یعنی ایالات متحده مطرح است.

به هر حال آنچه در این مجال و مقال اندک به آن اشاره شد، جای بسط و تکمیل و تفصیل دارد. این‌گونه مباحث نشان از آن دارد که برای شناخت ابعاد گوناگون حج، لازم است که رشته حج‌شناسی تأسیس گردد و اگر تأسیس شده، تقویت و بسط داده شود.

پروردگارا! برترین صلوات و سلام و تحیت خود را بر منجی بشریت در همه اعصار و قرون و برترین پیامبر و برگزیده ات، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نازل فرما، که راه راست

را به بشر نشان داد و وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرنهای طولانی انسانیت را گنجانید. درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، به ویژه حضرت بقیة الله الاعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین [عجل الله فرجه و ارواحنا فداه].^۱

۱. بخشی از پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای به کنگره حج، در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶؛ به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2464> (ملاحظه شده در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۷).

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. بنیان مرصوص، عبدالله جوادی آملی، به کوشش محمد امین شاهجویی، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
 ۲. حج در کلام و پیام امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۸۵.
 ۳. صحیفه امام، امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
 ۴. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۱۸، تهران، صدرا، بی تا.
 ۵. ولایت فقیه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
6. <http://farsi.khamenei.ir>.

درآمدی بر نقش انقلاب اسلامی در احیای جنبه‌های سیاسی - اجتماعی حج

سید جواد میرخلیلی^۱

چکیده

بدون تردید، انقلاب اسلامی ایران تأثیرات عمیقی بر مناسبات موجود در عرصه روابط بین‌الملل، به‌طور عام، و مناسبات کشورهای منطقه و همچنین کشورهای اسلامی، به‌طور خاص بر جای گذاشت. انقلاب اسلامی مردم ایران، در چارچوب ارائه نظریه روابط بین‌الملل ظاهر نشد؛ اما از این حیث که با رهیافت انتقادی و با نگاه بیرونی، در پی طرح مباحث نظری و ارائه ادبیات جدیدی در روابط بین‌الملل بود، افق نوینی را در مطالعات نظری و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مطرح کرد. برای نمونه، طرح مؤلفه‌های نوینی همچون استکبارستیزی، برائت از مشرکان، حمایت از مستضعفان، عدالت در عرصه بین‌الملل و... نمونه‌هایی از مفهوم‌پردازی‌های جدیدی است که در پی وقوع انقلاب اسلامی ایران، در حوزه‌های نظری روابط بین‌الملل مورد توجه واقع شد. در این میان، فریضه حج

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، نویسنده و پژوهشگر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

در حالی که پیش‌تر، یک عمل عبادی صرف به شمار می‌رفت و کمتر بر جنبه‌های سیاسی آن تأکید و توجه می‌شد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دچار تغییرات اساسی و بنیادین شد، و اینک از ابعاد و جنبه‌های بارز سیاسی - اجتماعی حج سخن گفته می‌شود که به طور خاص، انقلاب اسلامی ایران به منزله نماد تبلور این ابعاد شناخته، و بر جایگاه کنونی آن توجه می‌شود.

با توجه به اهمیت این موضوع، در نوشتار حاضر سعی می‌شود تا با اشاره به برخی آیات مرتبط با حج، سیره نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام و همچنین بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری، به برخی از مهم‌ترین ابعاد سیاسی - اجتماعی حج که با انقلاب اسلامی ایران، احیا و زنده شد، اشاره شود.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، حج، جنبه‌های سیاسی - اجتماعی، برائت از مشرکین، اسلام سیاسی.

مقدمه

رخداد انقلاب اسلامی ایران، از مهم‌ترین تحولات سیاسی اجتماعی قرن بیستم بوده و تأثیرات زیادی را در عرصه داخلی و بین‌المللی به همراه داشته است. از جمله ویژگی‌های اثرگذار و حیرت‌آور انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. تلاش‌ها و برنامه‌های غرب تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صرف این شده بود که ریشه‌های اسلام در جوامع مختلف خشکانده شود و مفاهیم و آموزه‌های سیاسی و اجتماعی آن تقلیل یابد. بر همین اساس، دائم بر این نکته تأکید می‌شد که باید اسلام را در صفحات تاریخ جست‌وجو کرد؛ چراکه دیگر اثری از آن در جوامع باقی نمانده است. در این میان، مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود

که احیای ابعاد سیاسی - اجتماعی حج، یکی از ابعاد آن به شمار می‌رفت.^۱ به باور بسیاری از نظریه‌پردازان، وجه غالب انقلاب اسلامی را می‌توان کوشش در راه احیای اسلام سیاسی و همچنین فرهنگ و تمدن اسلامی دانست. درحقیقت، انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، در صدد وحدت ملت های مسلمان و احیای تمدن اسلامی برآمد. این مهم از یک سو براساس مبارزه‌های مثبت، یعنی تکیه بر باورهای اصیل اسلامی و همچنین آیین‌ها و مراسم سنتی دینی استوار بود که شالوده سازمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی را بر باورهای اصیل اسلام ناب محمدی و نیز فرهنگ‌ها و آیین‌های مشترک اسلامی از جمله حج ابراهیمی پایه‌گذاری می‌کرد، و از طرف دیگر بر مبارزه‌های منفی علیه دشمن مشترک، از جمله در مراسم براهت از مشرکین و براساس استکبارستیزی و کوتاه کردن دست قدرت‌های جهانی از ثروت‌های ملی کشورهای اسلامی استوار بود، که نمایان‌گر حساسیت مسلمانان به تحولات جهان اسلام و ضرورت ارتقای روح جمعی آنان، براساس مخالفت با سلطه قدرت‌های بیگانه، مبارزه با صهیونیسم و افسادستیزی بود.^۲

با این مقدمه، به جرئت می‌توان ادعا کرد که حج، عبادتی است که ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی، معنوی، اقتصادی و فرهنگی دارد، و از جامعیتی برخوردار است که در میان عبادات دیگر، منحصر به فرد است؛ به گونه‌ای که حضرت امام خمینی علیه السلام در سخنی جامع و لطیف، آن را «تمرین تشکّل یک جامعه توحیدی» دانست؛ چراکه در عین جامعیت از نظر ابعاد، جامع عبادت‌های فراوانی است که اجزای آن را

۱. ر.ک: بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ش ۵، پائیز ۱۳۸۴، ص ۱۶.

۲. «انقلاب اسلامی و تحول در عرصه نظام بین الملل»، علیرضا رضاخواه، بهمن ۱۳۹۰.

تشکیل می‌دهد.^۱ حضرت امام علیه السلام در توصیه خود به روحانیون کاروان‌های حج می‌فرماید:^۲

سیاستِ حج، سیاستی نیست که ما درست کرده باشیم. حج، سیاست اسلامی است. ما از اول بنایمان بر این بوده، به حج، آن‌طوری که بوده است، عمل کنیم؛ همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بت‌ها را در کعبه شکست، ما هم بت‌ها را بشکنیم و این بت‌ها که در زمان ما هستند، از آن زمان بالاتر و بدترند.^۳

ابعاد سیاسی حج در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام

پیش از پرداختن به ابعاد سیاسی - اجتماعی حج و نقش انقلاب اسلامی ایران در احیای آن، شایسته است به برخی از ابعاد سیاسی حج در سخنان ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته شود تا بتوان تصویری روشن از این ابعاد را به دست داد و در نهایت، نقش انقلاب اسلامی را در احیای آنها بررسی کرد. در ذیل به برخی از این ابعاد که در سخنان امامان معصوم علیهم السلام آمده است، اشاره می‌شود:

الف) در حدیثی، امام صادق علیه السلام درباره فلسفه حج و اسرار تشریح آن می‌فرماید:

فِيهِ الْاجْتِمَاعُ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا... وَ لِيَتَعَرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ وَ تُعْرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى، وَ لَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِنَّمَا يَتَكَلَّمُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا هَلَكَوْا، وَ خَرِبَتْ الْبِلَادُ وَ سَقَطَ الْجَلْبُ وَ الْأَرِيَابُ وَ عَمِيَّتِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يَقِفُوا عَلَى ذَلِكَ فَذَلِكَ عِلَّةُ الْحَجِّ.^۴

در سرزمین مکه، اجتماعی از شرق و غرب پدید آورد تا همدیگر را بشناسند و آثار رسول‌الله صلی الله علیه و آله (احادیث و اخبار) شناخته شود و فراموش نشود و اگر هر گروهی به

۱. مبانی دینی و سیاسی برانث از مشرکان، سید جواد ورعی، ص ۱۳۰.

۲. صحیفه نور، امام خمینی، ج ۱۶، ص ۲۵۷.

۳. حج در کلام و پیام امام خمینی علیه السلام، صص ۶۷ و ۱۵۵.

۴. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۹۶، ص ۳۳.

آنچه در سرزمین‌های خود جریان دارد تکیه می‌کرد، نابود می‌شد و بلاد روی زمین رو به ویرانی می‌گذاشت و امر تجارت و بازرگانی به تباهی می‌گرایید. اخبار و گزارش‌ها به دست افراد نمی‌رسید؛ این است فلسفه حج.

این جمله بیانگر آن است که حج، ابعاد علمی، اقتصادی و سیاسی دارد و در حقیقت، موسم حج، حلقه اتصالی است میان مسلمانان که از این طریق به تبادل اخبار و اوضاع جاری جهان و کسب آگاهی از آثار و سنت‌های رسول خدا ﷺ - که به وسیله صحابه و تابعان و محدثان، در شرق و غرب عالم، پخش شده است - پردازند و در ضمن، هر گروهی متاع بلاد خود را در آنجا عرضه کند و راه بازرگانی و نحوه مبادله کالاها شناخته شود.

(ب) امام صادق علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید:

مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يَدُلُّ فِيهِ كُلُّ جَبَّارٍ^۱.

هیچ نقطه‌ای از جهان برای خدا محبوب‌تر از محل سعی بین صفا و مروه نیست؛ چراکه در این نقطه، همه گردنکشان، خوار و ذلیل می‌شوند و عبودیت و بندگی خود را به نمایش می‌گذارند.

(ج) تاریخ به‌روشنی گزارش می‌دهد که اهل بیت علیهم السلام، از این موسم به‌نفع اسلام و مسلمانان بهره می‌گرفتند و نطفه بسیاری از حرکت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در این موسم بسته می‌شد؛ چنان‌که ملت‌ها را به پرخاشگری و ستیزه‌جویی با حکام ظالم دعوت می‌کردند. برای توضیح بیشتر در این خصوص، کافی است به سخنان حسین بن علی علیه السلام در روز منا گوش فرا دهیم. آن حضرت در موسم حج، فرزندان هاشم و شخصیت‌های بزرگ و زنان و علاقه‌مندان آنان و حتی گروهی از انصار را که به وی علاقه داشتند، در سرزمین منا گرد آورد؛ به‌گونه‌ای که جمعیتی بیش از هزار نفر، در پای

سخنرانی اش حاضر شدند. در این موقع، فرزند پیامبر ﷺ، در حالی که یاران و فرزندانسان سراپا گوش بودند، سخنان خود را چنین آغاز کردند:

أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ هَذَا الطَّاعِيَةَ قَدْ فَعَلَ بِنَا وَبِشِيعَتِنَا مَا قَدْ عَلِمْتُمْ وَرَأَيْتُمْ وَشَهِدْتُمْ وَبَلَّغْتُمْ وَ
إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَإِنْ صَدَقْتُ فَصَدِّقُونِي وَإِنْ كَذَبْتُ فَكَذِّبُونِي إِسْمَعُوا
مَقَالَتِي وَآكْتُمُوا قَوْلِي ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَى أَمْصَارِكُمْ وَقِبَاتِكُمْ مَنْ أَمِنْتُمْ وَتَقْتُمْ بِهِ فَادْعُوهُمْ
إِلَى مَا تَعْلَمُونَ فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَنْدَرِسَ هَذَا الْحَقُّ وَيَذْهَبَ ۞ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْكَافِرُونَ...؛^۱

پس از ستایش خدا و درود بر پیامبر او ﷺ، ای مردم! بدانید که این طغیانگر (معاویه) همان طور که می دانید و دیده اید و به شما رسیده است، چه کارهای بدی درباره ما و شیعیان ما انجام داد! من از شما از اموری سؤال می کنم. اگر راست می گویم، مرا تصدیق کنید و اگر دروغ می گویم، سخن مرا تکذیب کنید. هم اکنون سخن مرا بشنوید و آن را در دل پنهان دارید. سپس به بلاد و اوطان و میان قبایل خود بازگردید. افرادی را که امین می شمارید و به آنها اعتماد دارید، به آنچه می دانید، دعوت کنید. من می ترسم که آیین حق فرسوده گردد و محو شود؛ هر چند خدا پایان رسان نور خود است؛ اگرچه کافران، آن را بد شمارند.

آن گاه امام حسین علیه السلام بخشی از آیاتی را که در حق خاندان پیامبر ﷺ فرود آمده است، تلاوت کرد و مردم را سوگند داد که در بازگشت به بلاد خود، سخنان او را به آن گروه از مردم که اعتماد دارند، برسانند. سپس از کرسی خطابه پایین آمد و مردم متفرق شدند.

دکتر محمد مبارک، مستشار دانشگاه «الملک عبدالعزیز» می نویسد:

حج، یک کنگره جهانی است که همه مسلمانان در سطح واحدی برای پرستش خدا

گرد می‌آیند. ولی این عبادت خالصانه، جدا از زندگی آنان نیست. بلکه پیوند خاصی با زندگی آنان دارد. قرآن در این مورد می‌فرماید: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾^۱ مقصود از این مشاهده منافع و درک سودها، چیزی جز یک معنای عام که همه جنبه‌های مصالح مسلمین را دربردارد، نیست.^۲

حال با این مقدمه و بعد از پرداختن به ابعاد سیاسی حج در سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام، ابعاد سیاسی - اجتماعی حج و تأثیرات انقلاب اسلامی بر احیای آنها را بررسی می‌کنیم:

جنبه‌های سیاسی - اجتماعی حج و تأثیرات انقلاب اسلامی

حج در حقیقت، شعار جاودانه‌ای است که خداوند به واسطه آن، به مسلمانان عزت و شوکت بخشیده است.

از نظر بُعد سیاسی و اجتماعی، حج فرصتی بی‌نظیر برای همبستگی و معارفه مسلمانان جهان باهم است. امام خمینی ره درباره بعد سیاسی - اجتماعی حج می‌فرماید:

یکی از فلسفه‌های بزرگ حج، بُعد سیاسی آن است که دست‌های جنایت‌کار، از همه اطراف برای کوبیدن این بُعد در کار هستند و تبلیغات دامنه‌دار آنها مع‌الاسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین، سفر حج را بسیاری‌شان یک عبادت خشک و خالی بدون توجه به مصالح مسلمین می‌دانند. حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بعد سیاسی‌اش کمتر از بعد عبادی‌اش نیست. بعد سیاسی، علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است.^۳

ایشان در جای دیگری نیز با تأکید بر اهمیت ابعاد سیاسی - اجتماعی حج، می‌فرماید:

۱. حج: ۲۸.

۲. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج در قرآن، جعفر سبحانی، خبرگزاری رسا، ۱۳۸۸/۰۸/۱۵.

۳. حج در کلام و پیام امام، روح الله موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۶۲.

فریضه حج در میان فرایض، از ویژگی خاصی برخوردار است و شاید جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن، بر جنبه‌های دیگرش غلبه داشته باشد؛ با آنکه جنبه عبادی‌اش نیز ویژگی خاصی دارد.^۱

درواقع حج، حرکتی است که روح جمعی را در قالب آحاد امت می‌دمد و قلب‌ها را به یک کانون توجه می‌دهد و عوامل تفرق و تشتت و تجزیه و تحزب را نفی می‌کند. همچنین مسلمانان را از مسائل و مشکلات جهان اسلام آگاه می‌سازد تا در پی چاره‌جویی برآیند. چهره شرک و مشرکان و الحاد و ملحدان و دشمنان توطئه‌گر را افشا می‌کند و درس برائت از آنچه جز رنگ خدایی دارد، می‌آموزد. فرهنگ اجتماعی اسلام را پیش روی نمایندگان ملل مسلمان می‌گشاید و موجب تبادل افکار و اندیشه‌ها در جهت بهروزی و عظمت مسلمین و تشریک مساعی در ترویج و تبلیغ معارف جاویدان اسلام می‌شود. امت را با امامت حق و رهبری الهی آشنا می‌سازد و به مستضعفان جهان می‌آموزد که چگونه غُل و زنجیرهای اسارت و بردگی و استضعاف را بگسلند و ابراهیم‌وار بر نمرودیان زمان، شورش و عصیان کنند و به سرسپردگان اقطاب شرک و کفر، نه بگویند و دست رد بر سینه آنها بزنند و به هویت اسلامی و الهی خود بازگردند تا اسوه و شاهد برای دیگر امت‌ها باشند.^۲

بنابراین می‌توان گفت در اینکه حج، از بزرگ‌ترین اعمال عبادی و فرایض مذهبی به شمار می‌رود، تردیدی وجود ندارد؛ اما مسئله مهم‌تری که باید بدان پرداخت و امروزه دستاویز مخالفان تشیع، به ویژه وهابیان شده^۳، این مسئله است که آیا این عمل

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

۲. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، محمدتقی رهبر، صص ۱۸ و ۱۹.

۳. عبدالعزیز بن باز، مفتی سعودی، همه تظاهرات را به بهانه اینکه حج، یک عمل عبادی است و نباید با مسائل دیگر مخلوط شود، تحریم کرد. در نتیجه، شرطه‌های چماق به‌دست به جان زائران خانه خدا و مهمانان عزیز او افتادند و با ضرب و شتم، از آنان پذیرایی کردند؛ گفتنی است این حساسیت نظام سعودی همچنان ادامه دارد.

عبادی، در عین عبادت، بُعد سیاسی و اجتماعی نیز دارد یا نه و یا اینکه فقط عبادتی فردی است؟ براین اساس باید گفت عبادات و فرایض، علاوه بر جنبه فردی، با مسائل اجتماعی و حقوق جمعی نیز در ارتباط اند. اما حج از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است؛ چراکه حضور در جمع و روابط اجتماعی را نمی‌توان از جوهره حج جدا ساخت. از هنگامی که زائر خانه خدا از وطن خویش آهنگ حج می‌کند تا زمانی که به وطن خویش بازمی‌گردد، رابطه‌اش با جمع است و این با جمع بودن، نه تنها از لحاظ سیر و سفر و تدارکات و امکانات غذا و مسکن و مرکب، بلکه از لحاظ اعمال و مناسک مانند طواف، حضور در عرفات و مشعر و منا جز در فضای جمع، آن‌هم یک جمع بین‌المللی و بی‌نظیر تحقق نمی‌پذیرد.^۱

از مهم ترین ابعاد سیاسی - اجتماعی حج را که انقلاب اسلامی ایران، باعث احیای آنها شد، می‌توان در موارد ذیل بیان کرد:

۱. برائت و اعلام بیزاری از مشرکان

از جنبه‌های بسیار مهم و کانونی موسم حج، اعلان برائت از مشرکین و بیزاری از آنهاست که تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، اصلاً بیان توجه نمی‌شد و بعد از وقوع انقلاب اسلامی و تأکیدات بنیانگذار انقلاب اسلامی، رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت و جزء ارکان اصلی حج درآمد. حضرت امام علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فریاد برائت از مشرکان در موسم حج، یک فریاد سیاسی - عبادی است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به آن امر فرموده».^۲ بنابراین، از نمودهای عینی بعد سیاسی حج، برگزاری مراسم برائت از مشرکان است. برائت و بیزاری جستن از مشرکان و کافران، از فروع دین است. خداوند

۱. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۲۲.

۲. حج در کلام و پیام امام خمینی، ص ۶۷.

یکتا در این باره چنین فرموده است:

﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (توبه: ۳)

و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به [عموم] مردم در روز حج اکبر [روز عید قربان] که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند.

امام خمینی علیه السلام در جای دیگری، درباره مراسم برائت از مشرکان چنین گفته است: «حج بی برائت، حج نیست».^۱ دوری جستن از شیطان و دشمنان خدا در دیگر اعمال حج نیز دیده می شود؛ مانند رمی جمرات که نماد شیطان زدایی است. در مراسم برائت از مشرکان نیز شیطان های کوچک و بزرگ را سرکوب و رسوا می کنیم. به باور ایشان: اعلان برائت در حج، تجدید میثاق و مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستی هاست که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازمان دهی جنود ابلیس و ابلیس صفتان است.^۲

دشمنان با دیدن چنین اجتماع عظیمی، وحشت در دلشان رخنه می کند و از قدرت بی نظیر مسلمانان می هراسند؛ به گونه ای که با جرئت می توان ادعا کرد که «فلسفه برائت از مشرکان در جهان امروز، مبارزه با سلطه جویی قدرت های طاغوتی، و استقلال، عزت و اقتدار مسلمانان جهان است».^۳ درحقیقت، مراسم برائت از مشرکان، نشانه قدرت مسلمانان و عزم آنان برای نابودی دشمن، و مبارزه با تبلیغات پوچ و بی اساس آنان است و این اعتماد به نفس مسلمانان، راه را برای رهایی محرومان و مستضعفان هموار می کند و جلوی تجاوز دشمنان اسلام را می گیرد. بنابراین می توان ادعا کرد که مراسم حج، بهترین فرصت برای بیزاری جستن از دشمنان خداست؛ ولی تنها در این زمان و

۱. پیام امام خمینی علیه السلام به حجاج بیت الله الحرام، خرداد ۱۳۶۶.

۲. همان.

۳. حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، با همکاری عبدالهادی مسعودی، ترجمه جواد محدثی، ص ۴۳۰.

مکان نیست، بلکه در همه زمان‌ها و مکان‌ها وظیفه مسلمانان این است که بیزاری و برائت خود را به گوش جهانیان برسانند.

مسئله‌ای که در این میان نباید از آن غفلت ورزید، این است که برای بررسی مبانی سیاسی برائت از مشرکان، آشنایی با اصول و مبانی دین و دیدگاه دین درباره سیاست ضرورت دارد. اگر گفته شود که بیگانگی حج با امور سیاسی در طی قرون گذشته، معلول جافتادن تفکر انحرافی و استعماری «جدایی دین از سیاست» بوده است، سخنی به گزاف نیست. جهالت گروهی از مسلمین، خیانت خلفا و سلاطین قدرت طلب، و سلطه‌طلبی و روحیه استکباری استعمارگران، از عوامل رسوخ این تفکر نادرست و ذلت آور بوده است. بنابراین از ابعاد سیاسی حج که عمیقاً متأثر از رخداد انقلاب اسلامی ایران و رهنمودهای حکیمانه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است، تأکید بر نفی سلطه مستکبران و ظالمانی است که بر کشورهای اسلامی مسلط شده‌اند. در واقع حج، نمونه‌ای از آموزه‌های اسلامی است که - برخلاف مدعای سکولاریسم - پیوند میان دین و اجتماع، و معنویت و سیاست به شمار می‌آید و ناظر به ابعاد مختلف حیات آدمی است. مراسم عبادی - سیاسی حج که رکن مهمی از ارکان اسلامی است، از تار و پود معنویت و سیاست بافته شده که از هم تفکیک شدنی نیستند؛ مگر آنکه حج را از مفهوم و حقیقت آن تهی کنیم. حضرت امام خمینی علیه السلام در جای دیگری در این باره می‌فرمایند:

لازم است حجاج بیت الله الحرام، در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی، فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هرچه رساتر برآورند و دست برادری را هرچه بیشتر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هرچه بیشتر متوجه توحید کلمه و ترک عصبیت‌های جاهلی - که جز به نفع جهان‌خواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود - بنمایند.^۱

امام خمینی علیه السلام در تفسیر جمله «لَيَسْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» فرمود: «چه نفعی بالاتر از آن که دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد»^۱.

در این مسئله که برائت از مشرکان در قرآن کریم و سیره نبوی نیز وارد شده است، باید به این عمل سیاسی اشاره کرد که در سال نهم هجری اتفاق افتاد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در سال نهم هجرت، امام علی علیه السلام را مأمور کرد تا قطعنامه ای را که متضمن اعلام بیزاری از مشرکان بود، در موسم حج قرائت نماید، و این زمانی بود که شانزده آیه از آغاز سوره توبه بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد که آغاز آنها عبارت است از:

﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ* فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ
وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ* وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى
النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ
تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه: ۱ - ۳)

[این اعلام] بیزاری از سوی خدا و پیامبر او به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته‌اید با این حال، چهار ماه [مهلت دارید که آزادانه در زمین سیر کنید و هر جا می‌خواهید بروید و] بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید و خداوند خوارکننده کافران است و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر [روز عید قربان] که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند؛ با این حال، اگر توبه کنید برای شما بهتر است و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده.

امام علی علیه السلام پس از قرائت این آیات، قطعنامه ای را که متضمن مواد چهارگانه بود، به این شرح ایراد کرد:

الف) بت پرستان حق ندارند وارد خانه خدا شوند؛

ب) طواف با بدن برهنه ممنوع است؛

ج) بعد از این، هیچ بت پرستی در مراسم حج شرکت نخواهد کرد؛

د) کسانی که با پیامبر ﷺ پیمان عدم تعرض بسته‌اند و از اول به پیمان خود وفادار بوده‌اند، سپس پیمان شکنی کرده‌اند، از این تاریخ (دهم ذی‌حجه) چهار ماه مهلت داده می‌شود که تکلیف خود را با حکومت اسلامی روشن سازند: یا باید به گروه موحدان و یکتا پرستان بپیوندند و هر نوع مظاهر شرک و دوگانه پرستی را در هم بکنند یا آماده جنگ و نبرد گردند.^۱

چه عملی سیاسی تر از اینکه در بحبوحه فریضه حج، آن هم در حالی که مشرکان و مسلمانان سرگرم طواف یا مشغول رمی جمره بودند، ناگهان امام علی علیه السلام روی نقطه بلندی قرار می‌گیرد و بخشی از پیمان‌ها را لغو می‌کند و به مشرکان شبه جزیره، چهار ماه مهلت می‌دهد که یا شرک را ترک گویند و به صفوف موحدان بپیوندند یا آماده جنگ و نبرد شوند.^۲ بنابراین، از این آیه و تفسیری که از آن بیان شده است، می‌توان به این نکته پی برد که در موسم عظیم حج، برائت از طاغوت و شرک، نمود ویژه‌ای یافته است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور وحی الهی، سخنگوی اسلام، علی ابن ابی طالب علیه السلام را مأمور اعلان تبری از مشرکان کرد تا به طور قاطع، مرز توحید از شرک جدا شود. صدور قطعنامه حکومت اسلامی از سوی وحی، با زبان گویای امام علی علیه السلام، چهره سیاسی حج را کامل نمود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اعلان برائت از مشرکین به صورت یک سنت در میان مسلمین درآمد و مسلمانان هر سال با فریادهای خود علیه مشرکان معاصر، قصد

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۲۸۹.

۲. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج در قرآن، خبرگزاری رسا، ۱۳۸۸/۸/۱۵.

خود را برای برچیدن بساط انواع شرک به جهانیان نشان می‌دهند و از آنها اعلان برائت می‌کنند؛ چنان‌که امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در فریضه حج که لبیک به حق و هجرت به سوی حق تعالی به برکت ابراهیم و محمد است، مقام «نه» بر همه بت‌ها و طاغوت‌هاست و شیطان‌ها و شیطان‌زاده‌ها.^۱

امام خمینی در پیام خود به حجاج در سال ۱۳۶۵ می‌فرماید:

در لبیک.. لبیک، نه بر همه بت‌ها گوئید و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوتچه‌ها کشید و در طواف حرم خدا، که نشانه عشق به حق است، دل از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیرحق پاک سازید و به موازات عشق به حق، از بت‌های بزرگ و کوچک و طاغوت‌ها و وابستگان‌شان برائت جوئید که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جسته و همه آزادگان جهان از آنها بریء هستند.^۲

این بُعد هرچند از کارکردهای مهم سیاسی حج است، مسئله مهم این است که انقلاب اسلامی باعث شد تا این کارکرد سیاسی ظهور پیدا کند و به‌خصوص با بیانات امام خمینی و تأکیدات ایشان در پیام‌هایشان به حجاج، برائت از مشرکان، جایگاه و منزلت خاصی بیابد. همچنین اگرچه ایشان، به عنوان راهبر انقلاب، مسئله برائت از مشرکین را بیان کردند، این مسئله در ادبیات و مبانی انقلاب هم به شدت مشهود است؛ چنان‌که در شعارها و پیام‌های مردمی که خواهان انقلاب و برچیده شدن نظام فاسد سلطنتی بودند، این محتوا به چشم می‌خورد. شعارهایی همچون ظلم‌ستیزی، مبارزه با استکبار، نفی سلطه غیر و امثالهم، همگی از مبانی انقلاب به شمار می‌رفتند که انقلاب اسلامی ایران با رخداد خود، آن را برای جهانیان به ارمغان آورد.

نتیجه آنکه حج باید کانونی برای گسترش معنویت به جهان شود، باید مشکلات

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸.

۲. همان؛ پیام به حجاج در سال ۱۳۶۵.

مسلمانان و جهان اسلام در آن موسم مطرح گردد و اندیشمندان اسلامی، برای حل مشکلات مسلمانان تصمیم بگیرند. لذا امام راحل علیه السلام حج را علاوه بر اینکه قانون توحید قلمداد می‌کردند، آن را وسیله‌ای برای تحول سیاسی، اخلاقی و بین‌المللی مسلمانان می‌پنداشتند، و با همین نگاه، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بحث برائت از مشرکین را به عنوان رکن سیاسی حج مطرح کردند. به این معنا که در حج، علاوه بر طواف و نماز و سعی و حضور در مشاعر، باید از دشمنان بی‌زاری جوییم و جلوی سلطه‌گری آنها را بگیریم. بنابراین، حج امروز ایرانیان با حج قبل از انقلاب اسلامی، بسیار متفاوت است. امام خمینی علیه السلام، الگوی حج‌گزاری را حج ابراهیمی محمدی معرفی کردند. به این معنا که در حج باید همه منافع جوامع اسلامی تأمین شود و حج، انسان‌ها را متحول کند.^۱

۲. اتحاد امت اسلامی

از دیگر ابعاد سیاسی - اجتماعی حج می‌توان به وحدت و اتحاد امت اسلامی و ایجاد همدلی بین مسلمانان در این موسم اشاره کرد؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد این روح جمعی و جمع‌پذیری سیاسی - اجتماعی در تار و پود حج تعبیه شده و از آن تفکیک‌ناپذیر است. روشن است که اسلام، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد؛ هر جا مسلمانان حضور و غلبه دارند، منطقه اسلام است. آنچه آنان را از یکدیگر جدا کرده و می‌کند، رشد تفکرات غیراسلامی (مانند افکار ناسیونالیستی) و تنگ‌نظری‌های مذهبی و درنهایت، دسیسه‌های دشمنان و فقدان رشد فکری کافی و بالندگی در بین مسلمانان است. حج، این نیرو و اثر را دارد که زمینه را برای تشکیل جامعه متحد اسلامی فراهم سازد.

۱. سیدعلی قاضی‌عسکر در گفت‌وگو با تلویزیون ملی ساحل عاج در مکه مکرمه، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی حج.

در حقیقت حج، نمونه کوچک امت واحده اسلامی است که به صورت مقطعی تشکیل می‌شود و هویت واحد امت اسلامی را عملاً به نمایش می‌گذارد. توضیح آنکه مراسم حج، افراد و گروه‌های‌های مختلف اجتماعی زیادی را از مناطق و نژادها و زبان‌ها و سلیقه‌های‌های مختلف، در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. این در کنار یکدیگر بودن، هویت واحدی را بین مسلمانان ایجاد می‌کند و وحدت و همدلی را بین آنان عینیت می‌بخشد. این تقارن یادشده، در طول مراسم حج صورت می‌گیرد و در چند نقطه به اوج خود می‌رسد که برخی از این مراحل عبارت‌اند از:

مرحله اول: حاجیانی که از یک شهر و منطقه عازم حج می‌شوند، نوعاً در قالب کاروان و قافله طی مسیر می‌کنند، و این، موجب همدلی می‌شود و در کنار یکدیگر زیستن را به آنها می‌آموزد.

مرحله دوم: میقات که درواقع، آغازی برای تلاقی گروه‌های‌های مختلف با یکدیگر است؛ گرچه در این مرحله، تلاقی به صورت تصادفی و غیرالزامی است.

مرحله سوم: طواف و سعی، مرحله‌ای دیگر از این تقارن است. نوعاً به دلیل طواف‌های واجب یا مستحب، حجاج در کنار یکدیگر و دوش به دوش هم به انجام عمل می‌پردازند و این اعمال مشترک، بستر مناسب‌تری را برای وفاق و همدلی فراهم می‌آورد. حج‌گزاران اگر در طواف از پشت سر همدیگر را می‌بینند، در سعی، علاوه بر همدوشی، رو در روی یکدیگر نیز قرار می‌گیرند و گامی دیگر در مسیر همدلی برداشته می‌شود.

مرحله چهارم: اگر در طواف، برخی گروه‌ها و افراد با برخی دیگر تلاقی می‌کنند و مشترکاً اعمالی را به جا می‌آورند، در عرفات و مشعر، همگان در عرصه‌ای واحد و زمان و مکان یکسان، در کنار هم قرار می‌گیرند و اوج آن، همدلی باشکوه و همراهی با یکدیگر است. در عرفات، این همدلی را روز به نمایش می‌گذارند و در مشعرالحرام، شب را با این ایده به روز می‌آورند و سپری می‌کنند.

مرحله پنجم: اگر در عرفات و مشعر فقط حضور و ذکر، حجاج را در کنار هم قرار می‌دهد، در مناجاتی در یک کارزار بزرگ شرکت می‌کنند و همه حاضران در حج، به رمی جمره، قربانی و دیگر اعمال مناسک اقدام می‌کنند. درحقیقت، این مرحله بالاترین درجه میزان همدلی است که علاوه بر آن، همکاری و اشتراک در اقدام را تحقق می‌بخشد.^۱

مسلمانان در هر گوشه‌ای از جهان که باشند، با یکدیگر پیوند دینی و اخوت دارند؛ البته این در حدّ حرف و شعار است. آنچه آنها را عملاً به هم پیوند داده، حج و حضور در صحنه‌های مختلف آن است. حاجی پس از آنکه در صحنه حج حضور می‌یابد، خود را عضو مجموعه بزرگ‌تری به نام امت اسلامی قلمداد می‌کند. این تأثیر و نقش حج را در تقویت هویت اجتماعی، به‌خوبی می‌توان در تاریخ جوامع اسلامی، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده کرد.

حج، همواره مانند قلبی در جهان اسلام تبیده و این روح را در رگ‌های جوامع مختلف اسلامی تزریق کرده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَمْرُهُمْ بِمَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَ مَصْلَحَتِهِمْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُمْ فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا»؛ یعنی خداوند در مکه و حج، اجتماع مسلمانان را از مشرق و مغرب قرار داد تا یکدیگر را بشناسند.

امام خمینی رحمته الله با تأکید بر مسئله وحدت و همدلی مسلمانان در موسم حج، می‌فرماید: یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معتمنین لازم است مسائل اساسی سیاسی و اجتماعی خود را با دیگر برادران در میان گذارند.^۲

درحقیقت، تشکیل اجتماع میلیونی مسلمانان در موسم حج، فرصت بی‌مانند و

۱. فرهنگ‌نامه اسرار و معارف حج، رحیم کارگر، ص ۵۴.

۲. وسائل الشیعة، حرعاملی، ج ۱۱، ص ۱۴.

۳. صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۷۶.

مناسبی را فراهم می‌سازد که در این اجتماع بی‌نظیر، به مسائل مشترک و حیاتی خود بیندیشند و به منافع مادی و معنوی که قرآن بدان اشاره کرده است، دست یابند.^۱ در این مراسم عظیم، برای تمام دردها دواایی مشخص خواهد شد و برای حل مشکلات تصمیم گرفته می‌شود. درحقیقت حج، درس اتحاد می‌دهد و فرصتی بهتر از حج برای اتحاد امت اسلامی وجود ندارد. این دعوت به اتحاد و همدلی، با وقوع انقلاب اسلامی احیا شد و حج از یک فریضه صرفاً عبادی خارج، و به یک فریضه سیاسی - اجتماعی تبدیل شده است. البته این مسئله را می‌توان در این ادعا یافت که ادبیات و رویکرد انقلاب اسلامی ایران، ملی (ایرانی) یا فرقه‌ای نبود؛ و به تمام کشورهای اسلامی و مسلمانان، با نگاه وحدت‌گرایانه نظر داشت؛ نگاهی که بعدها در سخنان و پیام‌های راهبران این انقلاب عینی‌تر شد، و همگان را به وحدت، اتحاد و دوری از تفرقه و اختلاف دعوت کردند. درحقیقت، این وقوع انقلاب اسلامی ایران بود که باعث شد تا وحدت امت اسلامی، از یک حالت صوری و تشریفاتی درآید و محملی برای مبادله مشکلات و مسائل مسلمانان سایر کشورهای اسلامی شود.

حتی اگر به خطاب‌های قرآن در امر به فریضه حج تأمل شود، این نکته مهم مشخص خواهد شد که آیات دعوت به حج، از آغاز، دربردارنده مفهوم اجتماعی فراگیری است و مخاطبان آن، «ناس» یعنی توده‌های انسانی‌اند؛ نظیر آیه: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»^۲؛ که منادی حج، حضرت ابراهیم عليه السلام مردم را از اعماق زمین فرامی‌خواند تا پیاده و سواره، از همه جا و با هر وسیله و از هر طبقه رهسپار حج شوند. درحقیقت حج، ادامه فلسفه جماعت و جمع و عید است، و همچنین فراگیرترین عامل، برای پراکندگی مسلمین از هر ملت و کشور است. بنابراین حج، به‌مثابه

۱. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۲۲.

۲. حج: ۲۷.

یکی از ارکان عملی اسلام، در بنیان وحدت جامعه اسلامی و حرکت آن، جایگاه اساسی دارد، و باشکوه‌ترین تجلی قدرت جهانی اسلام و اتحاد امت اسلامی است برای همه عصرها و نسل‌ها؛ چنان‌که مقام معظم رهبری هم به این نقش مهم و اساسی حج که متأثر از انقلاب اسلامی پررنگ‌تر شده است، اشاره کرده، می‌فرماید:

حج، مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. نخستین اثر نمایان حج، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک مسلمانان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هریک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هریک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسلمان، با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرت‌های بیگانه، خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصله مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید.^۲

امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی به این نکته لطیف در اجتماع مسلمانان در موسم حج اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فجعل فيه الاجتماع، من المشرق والمغرب لیتعارفوا...»^۳؛ یعنی خداوند، اجتماع عظیمی از مسلمانان شرق و غرب عالم را در این سرزمین به وجود آورده است و شرکت آنان را در این کنگره عظیم، بدین سبب واجب کرده تا مسلمانان جهان، همدیگر را بشناسند.

به هر حال، چنان‌که بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز به‌درستی در تفسیر جمله «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^۴ بدان اشاره می‌کند و به آسیب‌شناسی موضوع تفرقه مسلمین می‌پردازد و خواهان اتحاد بین مسلمین می‌شود: «... حج برای این است که مشکلات

۱. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۲۲.

۲. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام، در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۷۰.

۳. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۳.

یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند... و یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است.^۱ بنابراین وحدت و انسجام، بزرگ‌ترین عامل پیروزی است و رعایت این اصل در مدینه و مکه برای دوستان و مؤمنان و مستضعفان، مایه امید و نوید شده و برای دشمنان موجب یأس و ناامیدی. در نتیجه، استمرار و پربار نمودن این بُعد و جنبه سیاسی - اجتماعی حج، می‌تواند به وحدت جامعه بزرگ اسلام، در کل جهان منجر شود؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام ﷺ هم در حج آخر عمر مبارکشان، همگان را با منشور جهانی خود مورد خطاب قرار دادند و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُنْتُمْ لِآدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ، وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَبِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى.^۲

ای مردم! خدای شما یکی است، پدر شما یکی است، همه شما از نسل آدم ﷺ هستید و آدم ﷺ از خاک است، و ارزشمندترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست، و عرب را بر عجم برتری نیست؛ مگر به تقوا و پرهیزکاری.

امروز با وقوع انقلاب اسلامی، شاهد تحقق این آرزوی دیرینه بنیانگذار انقلاب اسلامی و تحقق یکی از اهداف اصلی فریضه عبادی، سیاسی و اجتماعی حج، یعنی وحدت و اتحاد امت اسلامی هستیم. وحدتی که پیش تر به این صورت وجود نداشت، و این انقلاب اسلامی بود که با آرمان‌های وحدت‌آفرین خود، همگان را به این راهبرد دعوت کرد تا حج، صرف یک تجمع عبادی نباشد؛ بلکه به محلی برای اتحاد امت اسلامی بدل شود تا بتوانند مشکلات خود را با یکدیگر در میان بگذارند و از مشکلات دیگر کشورهای اسلامی نیز مطلع شوند.

۱. حج در کلام و پیام امام خمینی، صص ۵، ۶۸ و ۱۵۸.

۲. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، ص ۳۰.

۳. حل مسائل و مشکلات جهان اسلام

از دیگر ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، می‌توان به فرصت‌های عظیم و معتنم حج در راستای بهره‌برداری سیاسی و اجتماعی، برای بیان مسائل و مشکلات کشورهای اسلامی و مسلمانان مناطق مختلف جهان و حل آنها اشاره کرد. در این موسم عبادی - سیاسی که تمام مسلمانان از سراسر دنیا در آنجا جمع هستند، بهترین موقعیت برای بیان مسائل و مشکلات سیاسی - اجتماعی و دیگر مسائل کشورها و مناطق مختلف جهان است. مسلمانان شرکت کننده در این مراسم، در کنار خانه امن الهی که مرکز جهان اسلام است، می‌توانند بسیاری از گرفتاری‌ها و نابسامانی خود و دیگران را برطرف کنند. در واقع، هدف اصلی دشمنان مسلمانان، ایجاد اختلاف میان فرقه‌های اسلامی است. آنها با پاشیدن بذر نفاق می‌خواهند به هدف‌هایشان دست یابند و راحت‌تر بر مسلمانان حکومت کنند. در این مراسم، مسلمانان به سرنوشت یکدیگر توجه دارند و در پی آن هستند تا دشمن واقعی خود را بشناسند و از توطئه‌ها و نقشه‌های آگاه شوند و نقاب از چهره او بردارند و در برابرش بایستند و با او مبارزه کنند. حضرت امام در این باره با مخاطب قراردادن همه گویندگان و نویسندگان، می‌فرماید:

ای گویندگان! نویسندگان! در اجتماع بزرگ عرفات و مشعر و منا و مکه معظمه و مدینه منوره، مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برادران ایمانی برسانید و ازهم طلب نصرت کنید.^۱

در کنار حل مسائل و مشکلات جهان اسلام، مهم‌ترین جنبه سیاسی مراسم حج، خشی کردن توطئه‌های دشمنان است. مسلمانان باید همواره هوشیار باشند و تک‌تک توطئه‌های دشمنان را بشناسند و با قاطعیت با توطئه‌ها مقابله کنند. «امروز استکبار

جهانی، حتی بیش از خود مسلمانان به این حقیقت پی برده است که لایزال الدین قائما ما قامت الکعبه و دانسته است که حج با بار سیاسی و محتوای بیدارکننده و ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی، چه حرکتی را در سطح ملل مسلمانان جهان می‌خواهد بیافریند، و هر سال تحول بنیادین را در روابط داخلی و نیز در صحنه جهانی می‌تواند به وجود آورد.^۱ به همین دلیل، دشمنان همواره می‌کوشند این حرکت سیاسی را تنها حرکتی عبادی معرفی کنند که محتوای سیاسی ندارد. آنان به‌خوبی می‌دانند که اگر این مناسک با تشریفات ظاهری برگزار شود، برای آنان هیچ خطری ندارد و می‌توانند در بسیاری از موارد منافع خود را نیز تأمین کنند و آرام‌آرام درباره چگونگی برگزاری مراسم حج نظر بدهند. درحقیقت، حج قدرت، وحدت، یگانگی و همبستگی مسلمانان را نشان می‌دهد تا دشمن به این قدرت و وحدت بی‌نظیر پی ببرد. بنابراین، «حج، باشکوه‌ترین تجلی قدرت جهانی اسلام برای همه عصرها و نسل‌هاست».^۲ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «الْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ»؛^۳ «حج، جهاد ناتوانان است». در این جهاد، ناتوانان با استکبار جهانی مبارزه، و توطئه‌های آنان را خنثی می‌کنند و چهره شرک و نفاق و توطئه‌گران را آشکار می‌سازند.

هرچند به بخشی از این بُعد در بالا اشاره شد، نکته حایز اهمیت در اینجا این است که برخی کشورهای اسلامی که فقط در نام و پوسته خود اسلامی بوده و هستند و حکام و سران آنها ارزش و اهمیت خاصی برای این کارکردهای سیاسی حج قایل نبوده و نیستند، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نگاه خاصی به مسلمانان پیدا کردند که برخاسته از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران بود؛ آرمان‌هایی که نشئت گرفته از قرآن و

۱. در راه برپایی حج ابراهیمی، عباس‌علی عمید زنجانی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴.

۲. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۲۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷، ح ۱۴.

مبانی اسلامی بود و همگان را به حل مشکل همدیگر و اهتمام به امور مسلمین فرامی‌خواند؛ کارکردی که پیش‌تر به این صورت وجود نداشت و به‌اذعان اغلب کسانی که با آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران آشنا هستند، این بُعد و جنبه را انقلاب اسلامی ایران احیا کرد.

۰۴. از بین بردن امتیازات

از کارکردهای اجتماعی و سیاسی حج، می‌توان به لغو امتیازات گروهی و طایفه‌ای اشاره کرد. کاربرد واژه ناس (توده مردم) و اینکه کسی را بر کسی فضیلتی ندارد و همگان از مکی‌ها و دیگران در بهره‌گیری از خانه‌ها و امکانات مکه، مساوی‌اند و میان شهری و روستایی، آشنا و بیگانه، و بیابانی و صاحب منصب اجتماعی تفاوتی نیست، بدان معنا خواهد بود که در حج، هرگونه امتیازات لغو می‌شود تا زمینه برای همبستگی اجتماعی و سیاسی افزایش یابد.

عدم تفاوت‌ها و برداشتن امتیازات، حتی برای یک مقطع کوتاه زمانی، به معنای برابری انسانی است، و این مسئله موجب می‌شود تا اندیشه برابری انسانی و عدم تفاوت‌های برخاسته از مال و مکت و منصب در میان مردم، به‌عنوان یک اصل، جای‌گزین اندیشه تفاوت‌های نژادی یا برتری برپایه اعتباریات شود. این‌گونه است که شاه و گدا و امیر و رعیت، برابری خود را با دیگری نشان می‌دهد تا تنها معیار برتری نه در دنیا بلکه در آخرت، تقوا قرار گیرد؛ زیرا تقوا امری نیست که بتوان برپایه آن، خود را بر دیگری برتری داد و مدعی شد که چون من از نظر تقوا از دیگری برترم، بر او مقدم هستم؛ زیرا این تفکر، خود، ضد تقواست و این‌گونه است که هیچ‌کس در کنار دیگری احساس برتری نمی‌کند و همه اعتبارات و امتیازات ظاهری از میان می‌رود.

آیات ۱۲۵ و ۱۹۹ سوره بقره و آیات ۲۵، ۲۷ و ۲۸ سوره حج، هرگونه امتیازی را در حج نفی، و زمینه اتحاد و یگانگی بشری را فراهم می‌کند.^۱ درحقیقت حج، عرصه تلاقی اندیشه‌های‌های شکل گرفته در عالم اسلام است. طبیعی است که مذهب‌ها و مسلک‌های‌های مختلفی که در حاضر در حج حضور می‌یابند، به‌نوعی یکدیگر را به چالش می‌کشند و پرسش‌هایی را درباره یکدیگر مطرح می‌سازند. این موضوع که به صورت قهری در عرصه حج مطرح می‌شود، موجب رشد افکار و اندیشه‌ها در عالم اسلام، و ترویج تفکرات می‌گردد و این پدیده، نتایج مبارک و مختلفی را برای مسلمانان در پی خواهد داشت. بدون تردید، انقلاب اسلامی ایران باعث این تحول اساسی، شده است و همگان بر آن، اذعان دارند.

۵. ولایت‌پذیری

از دیگر ابعاد سیاسی - اجتماعی حج که با وقوع انقلاب اسلامی احیا شد، می‌توان به شناخت و آزمایش ولایت‌پذیری امت اسلامی اشاره کرد؛ چنان‌که امام باقر(ع) به فلسفه این مسئله مهم پرداخته است و می‌فرماید:

إِنَّمَا أُمُورُهُمْ أَنْ يَطُوفُوا بِهَذِهِ الْأَحْجَارِ ثُمَّ يَأْتُونَا فَيَعْلَمُونَ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ...^۲

مسلمانان بدین سبب مأمور شده‌اند به دور این سنگ‌ها (خانه کعبه) طواف کنند که پس از پایان حج و بازگشت از مکه، ولایت خویش را نسبت به ما اعلام کنند.

درواقع می‌توان ادعا کرد که از جمله فلسفه‌های بزرگ سیاسی حج، اعلام میزان ولایت و اطاعت از ولایت است، و مسلمانانی که به حج می‌روند، باید این را در عمل ثابت کنند؛ چنان‌که امام صادق(ع) می‌فرماید:

۱. کارکردهای سیاسی و اجتماعی حج، کریم حسینی، روزنامه کیهان، به نقل از: ویستا.

۲. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۰۲.

هَذَا بَيْتٌ اسْتَعْبَدَ اللَّهُ بِهِ خَلْقَهُ لِيَخْتَرِ طَاعَتَهُمْ فِي إِيْتَانِهِ.^۱

این خانه‌ای است که خداوند، بندگان خویش را به وسیله آن، به عبادت و اطاعت خویش فراخوانده تا با انجام این عبادت سنگین، میزان اطاعت و بندگی آنان را بیازماید.

هرچند می‌توان ادعا کرد که ولایت‌پذیری، از ابعاد حج است که در روایات، به عنوان فلسفه اصلی حج بیان شده، باید توجه داشت که حج بدون ولایت، حج جاهلی است و دشمنان از حج با ولایت می‌هراسند؛ زیرا حج، شالوده و بنیان جبهه استعمار و استکبار را می‌لرزاند. برای نمونه باید به مسلمانانی اشاره کرد که در مسجدالحرام با آب زمزم وضو می‌گیرند، مقابل کعبه، سجده می‌کنند و بهترین قرائت را از قرآن دارند. اما آیا دشمن از اعمال آنها می‌هراسد؟ درحقیقت، انقلاب اسلامی ایران که برپایه اعتقاد مردم به مذهب و ولایت و با راهبری یک فقیه به پیروزی رسید، ولایت را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی که غبار فراموشی بر آن نشسته بود، مطرح کرد و حج بدون ولایت را حجبی ناتمام خواند و به همه مسلمانان، این نکته را بیان کرد که ولایت امامان، نقش تعیین‌کننده در پذیرش عبادات دارد. بنابراین حج، تجلی‌گاه معرفت به امام، تجلی‌گاه عظمت امام و علم امام است که با انقلاب اسلامی ایران احیا و پویا شد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، تأثیرات مهمی بر نظام بین‌الملل و مناسبات آن بر جای گذاشت؛ مانند تأثیرات عمیق بر ابعاد و جنبه‌های سیاسی - اجتماعی فریضه حج که باعث تبلور اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه به‌طور خاص، و سایر کشورهای اسلامی به‌طور عام شد. با ملاحظه حکمت‌ها و فلسفه‌های اعمال و مناسک حج می‌توان تا حدود زیادی

پیوستگی حج را با سیاست مشاهده کرد. در حج، علاوه بر ابعاد عبادی و معنوی، اهتمام به ابعاد سیاسی، از جمله اعلان برائت از مشرکان، اتحاد مسلمین، تعاون و تلاش برای حل مشکلات آنها نیز به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات افکار و اندیشه‌های امام خمینی پررنگ‌تر شده است؛ چنان‌که امام خمینی بر فلسفه سیاسی - اجتماعی حج تأکید کرده و می‌فرماید: «آن‌طور که آخوندهای درباری می‌گویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد. اینها نمی‌دانند که حج برای این مسائل و برای قیام ناس بوده است».^۱

رخداد انقلاب اسلامی در ایران، ابعاد حج را در مقیاسی گسترده احیا کرد و امروز، همه مسلمانان جهان به این نقش راهبری و راهبردی جمهوری اسلامی ایران باور دارند و حج سیاسی را از برکات انقلاب اسلامی ایران می‌دانند که با وقوع انقلاب ایران، دگرگون گشته، آثار سیاسی و اجتماعی آن احیا شده است.

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج در قرآن، جعفر سبحانی، در پایگاه اطلاع‌رسانی حج.
۲. ابعاد سیاسی و اجتماعی محمدتقی رهبر، حج، ۱۳۸۱.
۳. انقلاب اسلامی و تحول در عرصه نظام بین‌الملل، علیرضا رضاخواه، در ویژه‌نامه سبیلی از انقلاب، بهمن ۱۳۹۰، ش انتشار ۱۸۰۴۹.
۴. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، فصلنامه ۱۵ خرداد، ش ۵، سال ۱۳۸۴.
۵. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی.
۶. پیام مقام معظم رهبری به حجّاج بیت الله الحرام، در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۷۰.
۷. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی.
۸. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۲۵، تهران، ۱۳۶۹.
۹. حج در کلام و پیام امام، روح الله موسوی خمینی، چ ۳، تهران، عروج، ۱۳۷۶.
۱۰. حج در کلام و پیام امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری‌شهری، با همکاری عبدالهادی مسعودی، ترجمه، جواد محدثی، نشر دارالحدیث.
۱۲. خبرگزاری حج.
۱۳. خبرگزاری رسا.
۱۴. در راه برپایی حج ابراهیمی، عباس‌علی عمید زنجانی، قم، مشعر، ۱۳۷۵.
۱۵. رهنمودهای امام خمینی.

۱۶. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ابن ادریس حلّی، قم، ۱۴۱۰.
۱۷. صحیفه نور، امام خمینی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۸. علل الشرایع، شیخ صدوق.
۱۹. کلمات قصار، امام خمینی.
۲۰. مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکین، سید جواد ورعی، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۱.
۲۱. وسائل الشیعه، حر عاملی.

انقلاب اسلامی و قرأت نوین از حج (با تأکید بر فرمایشات امام خمینی و مقام معظم رهبری)

محمد حقی^۱

چکیده

حج، ظرفیت‌های فراوان عبادی، سیاسی و اجتماعی دارد؛ البته تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، صرفاً یک حرکت عبادی بود و دیگر ابعاد آن، از جمله بعد سیاسی مورد غفلت بسیاری از مسلمانان قرار گرفته بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه به ابعاد سیاسی حج مورد تأکید قرار گرفت، و حج میعادگاه وحدت مسلمانان در برابر مستکبران جهان و مرکز برائت از مشرکان معرفی شد و ابعاد سیاسی آن احیا گردید. امام خمینی و مقام معظم رهبری، همواره در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود، خواستار توجه به ابعاد سیاسی حج می‌شدند و از مسلمانان می‌خواستند از ظرفیت این فریضه الهی در راستای اتحاد اسلامی، استکبارستیزی، آگاهی‌بخشی و رفع مشکلات جهان اسلام، بهره‌مند بگردند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، حج، ابعاد سیاسی حج، امام خمینی، مقام معظم رهبری.

۱. پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی و مدرس دانشگاه.

حج به عنوان یکی از احکام و فروع دین اسلام، از اولین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، به منظور تحقق اهداف برون‌مرزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بنیانگذار انقلاب اسلامی، از همان ابتدای انقلاب، هر سال برای حجاج بیت‌الله الحرام پیام ارسال می‌کردند و خواستار انجام مراسم حج با محتوای واقعی آن می‌شدند. این امر در واقع، به منزله احیای حج به سنت ابراهیمی و نبوی بود که با طواف بر گرد خانه خدا و خدامحوری، همه قدرت‌های سلطه‌گر و جبار، نفی و طرد می‌شوند. شعارها و راه‌پیمایی ده‌ها هزار حاجی ایرانی، خاطره‌راه‌پیمایی عظیم انقلاب را که نقش اساسی در سقوط رژیم شاه داشت، زنده می‌کرد و حداقل کاربردش تداوم شور انقلابی در روح و جان حجاج ایرانی بود. شعارهای واحد و تجمع حجاج و وحدت و شکوه راه‌پیمایی حج براءت در مکه در مقابل چشم صدها هزار حاجی می‌توانست به کانون جوشانی برای تأثیر انقلاب اسلامی تبدیل گردد. اقبال زائران کشورهای مختلف از این مراسم و توسعه و ترویج تدریجی آن، مؤید مدعای فوق است.^۱

تحقیق حاضر به بررسی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر احیای ابعاد مختلف سیاسی حج مانند وحدت‌گرایی حج، براءت و ظرفیت‌های آن در راستای استکبارستیزی و اتحاد اسلامی، آگاهی‌بخشی و تبادل نظر و استفاده از تجارب در راستای رفع مشکلات جهان اسلام می‌پردازد. نکته قابل توجه اینکه این بررسی، با تأکید بر فرمایشات امام خمینی و مقام معظم رهبری به صورت تحلیل محتوایی صورت می‌گیرد. مراد از «قرائت نوین از حج» در این تحقیق، توجه به ابعاد سیاسی اجتماعی حج است.

۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمدباقر حشمت زاده، ۱۳۸۵، صص ۳۵ و ۹۶.

انقلاب اسلامی و مسئله احیای ابعاد سیاسی حج

از ابعاد مهم حج ابراهیمی، که در دوره های اخیر از آن غفلت شده بود، بُعد سیاسی آن است. امام خمینی به منظور احیای ابعاد سیاسی حج، همواره در پیام ها و سخنرانی ها از این موضوع سخن می گفت و در موارد مختلف، بر احیا و اجرای آن تأکید می ورزید.^۱ توجه به ابعاد سیاسی حج را می توان از شاهکارهای امام خمینی علیه السلام در معرفی حج ابراهیمی برشمرد. احیای ابعاد سیاسی فریضه حج، موجب تحولی شگرف در معادلات جهانی، به ویژه دنیای اسلام گردید که حوادث و اتفاقات رخ داده در این مراسم در سال های پس از انقلاب اسلامی، گویای عمق این تحولات است.

بررسی های تاریخی، همواره نشان می دهد که حج به عنوان فریضه ای الهی، از سوی دشمنان اسلام و حاکمان ظلم و جور، به سمت اکتفانمودن به شکل ظاهری آن هدایت شده است؛ جداسازی جنبه سیاسی از جنبه معنوی حج از شگردهای دنیای استکبار و حامیان و حاکمان مرتجع بوده است. اما با ظهور انقلاب اسلامی و احیاگری امام خمینی، دیری نگذشت که نگاه ها به سمت و سوی این فریضه عبادی سیاسی بزرگ افتاد و امام علیه السلام در پیام های خود، حج ابراهیمی را با همه ابعاد آن، تفسیر کرد. ایشان غفلت از این امر خطیر را ناشی از توطئه تبلیغاتی استکبار جهانی می داند و می فرماید:

از همه ابعاد آن (حج)، مهجورتر و مورد غفلت تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانت کاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود.^۲

امام خمینی علیه السلام بر اثرات جداسازی بعد سیاسی از حج تأکید می کنند که «دست جنایتکاران» در کار است که حج را «یک عبادت خشک و خالی» بدون جنبه سیاسی آن نشان دهند.^۳

۱. اتحاد ملی و انسجام اسلامی در سپهر فکری امام و رهبری، سید حسین اسحاقی، ۱۳۸۷، ص ۵.

۲. صحیفه نور، امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۳.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۶۶.

از این رو ایشان، همواره تأکید می‌کردند:

فریضه حج در بین فرایض الهی، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و شاید جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه‌های دیگرش غلبه داشته باشد؛ با آنکه جنبه عبادی‌اش نیز ویژگی خاصی دارد.^۱

در تفسیر امام خمینی، آنچه موجود و ملموس است، زنده شدن بُعد سیاسی و اجتماعی حج است. ایشان درد بزرگ جوامع اسلامی را درک نشدن فلسفه احکام الهی و از جمله ابعاد سیاسی حج می‌دانند. از این رو وظیفه مسلمانان می‌دانستند که حج را کاملاً بشناسند و با اهداف آن آشنا شوند. آنچه تا کنون با عنوان «حج» صورت می‌گرفته، از ناحیه ناآگاهان یا تحلیل‌گران مغرض تفسیر می‌شده است. امام خمینی با ردّ و نقد تفکر انحرافی که مدعی جدایی ابعاد سیاسی حج از ابعاد معنوی آن است، یادآور می‌شود که حج چگونه زیستن و چگونه مبارزه کردن را در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم به مسلمانان می‌آموزد و همچنین به عنوان «یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان» خودنمایی می‌کند.^۲

در شیوه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای نیز تقویت جنبه سیاسی حج، بسیار مهم و حایز اهمیت است. ایشان در دیدار با کارگزاران حج تمتع در سال‌های مختلف، محورهای مهم و قابل‌اعتنایی را به عنوان راهکارها لحاظ کرده‌اند که بازهم محوریت حج و عمره را با توجه به ابعاد سیاسی حج برجسته ساخته‌اند:

در جهت احیای حج ابراهیمی و جنبه سیاسی آن، از ابتدای انقلاب تا کنون، همواره رفتار، شعارها و عملکرد زائران ایرانی و دعوت آنان به کلمه توحید و توحید کلمه، به‌عنوان الگو مورد توجه ملت‌های مسلمان در کشورهای دیگر بوده است.^۳

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۲. پیام امام به زائران بیت‌الله الحرام، ۶۷/۴/۲۹.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگزاران حج، ۸۴/۹/۱۹.

مقام معظم رهبری، ضمن تأیید تفکر امام متذکر می‌شوند:

کدامین جان تشنه است که از فیض کوثر محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جوشش زمزم حسینی، این جرعه‌ها را بنوشد و هنوز در مضمون سیاسی حج دچار تردید و ابهام باشد؟ حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، حج بی‌تحرك و قیام، حجبی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح و معنای حج را فاقد است. بدانید که هرکس حج را از هویت سیاسی آن جدا کند، یا جاهل است و یا مغرض.^۱

در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی از طریق مسئله حج در تابستان سال ۱۳۶۱، بنا به دعوت و کوشش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اولین سمینار بین‌المللی حج در هند و افریقا برگزار شد. نشریه پیام انقلاب در رابطه با این سمینار می‌نویسد:

برنامه اولین کنفرانس جهانی حج، به منظور شناساندن مسئله حج، فلسفه حج، اتحاد مسلمانان جهان، معرفی ایران اسلامی و... طرح‌ریزی گردیده است. این سمینار اهدافی از جمله ایجاد الفت و اتحاد بین علما و دانشمندان شرکت‌کننده و زدودن رنگ تفرقه‌ها و جدایی‌ها، آشنایی بیشتر شرکت‌کنندگان با حقیقت مسئله حج (جنبه عبادی و سیاسی)، مطلع شدن علما و دانشمندان شرکت‌کننده از آخرین تحولات انقلاب اسلامی و اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل مختلف روز داشت.^۲

لذا با پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران و نیروهای انقلابی، به منظور حفظ و بسط انقلاب، توجه ویژه‌ای به مراسم حج داشتند و به تدریج واژه انقلابی «حج برائت»، وارد ادبیات سیاسی جهان اسلام و حج ابراهیمی شد که پیام آن، نفی سلطه استکبار و استبداد و احیای اسلام و وحدت مسلمین بود.^۳

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج، تیرماه ۶۸.

۲. نشریه پیام انقلاب، ش ۶۸، ۶۱/۷/۱۰، ص ۲۳.

۳. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، ص ۵۸.

بنابراین احیای ابعاد سیاسی حج، از نتایج بسیار مهم انقلاب اسلامی است. این انقلاب، موفق شد دنیا به ویژه مسلمانان را به این حقیقت برساند که حج، صرفاً فریضه ای عبادی نیست؛ بلکه درعین حال، از بُعد سیاسی و اجتماعی نیز برخوردار است که اگر مسلمانان به آن توجه کافی کنند، می‌توانند کشورهای اسلامی را از زیر بار ستم قدرت‌های استکباری رهایی بخشند. انقلاب اسلامی، از حج به عنوان کُنگره عظیم اسلامی یاد کرد و از این راه، توانست مسلمانان جهان را به سطح بالایی از آگاهی و خودباوری برساند. همچنین به آنها آموخت که می‌توانند با تلاش و مجاهدت، و نیز با استفاده از نیروها و استعدادهای درونی‌شان، روی پای خود بایستند.^۱

در ادامه، مواردی از ابعاد سیاسی حج که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران احیا شده است، بررسی شود.

انقلاب اسلامی و تأکید بر وحدت‌گرایی حج

اهمیت و ضرورت وحدت در حج

مراسم عبادی - سیاسی حج، فرصت مناسبی است برای انتقال افکار و اندیشه‌ها و تعامل ثمربخش پیروان فرق و مذاهب اسلامی، و پلی است برای ایجاد ارتباط میان آنان و اطلاع‌پیدانمودن آنان از وضعیت برادران خود در سایر بلاد اسلامی. حج، نماد و مظهر اتحاد مسلمین و تقویت‌کننده روح اخوت و برادری در هیئت مسلمانان است.

عرصه‌های وحدت در حج از منظر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام، موضوع وحدت اسلامی را در عرصه‌های گوناگونی مطرح کردند، که به برخی محورهای اشاره می‌شود:

۱. پیام‌هایی به مناسبت نماز دهه فجر، عبداللطیف نظری، ماهنامه گلبرگ، ش ۱۱، ۱۳۷۹، ص ۵۹.

۱. در مواردی از مسلمانان دنیا خواستند تا حج را به سمبلی برای وحدت در برابر استکبار جهانی قرار دهند.^۱

۲. از سویی دیگر به اهمیت کنگره عظیم سالانه حج در زمینه های همگرایی برای تشکیل امت جهانی اسلام به درستی پی برده بودند؛ به طوری که پیشنهاد می کردند مسلمین در زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره اتحادیه ها و پیمان‌هایی چندجانبه با یکدیگر در مقابل جهان کفر تشکیل بدهند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید بر ابعاد سیاسی اجتماعی حج در اهداف این انقلاب، اصل توجه به فلسفه و ابعاد حج در میان مسلمانان و حجاج جا افتاد و یک بار دیگر شعله‌های توجه به حقیقت حج، توسط انقلاب اسلامی احیا گردید.^۲

۳. امام خمینی حج را یکی از ابزارها و مکان های تحقق همبستگی و وحدت در جهان اسلام می‌دانست و زائران را به این امر فرامی‌خواند و آنها را از تفرقه‌افکنی پرهیز می‌داد. ایشان در این زمینه نیز برای روحانیون، خطبا و اندیشمندان جهان اسلام، رسالت مهمی قائل‌اند.^۳

۴. از منظر امام خمینی، یکی از ثمرات عرصه حج و به تبع آن وحدت، بررسی مشکلات عمومی مسلمین در حج است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

در اجتماع عظیم الهی حج، مسلمین به بررسی مشکلات عمومی مسلمین و در راه رفع آن کوشش کنند. یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است.^۴

۱. صحیفه نور، ج ۷، صص ۸۳ و ۸۴.

۲. انقلاب اسلامی ایران و مسئله حج، بهمن، مهربان پهمدانی، ۱۳۶۹، ص ۶.

۳. صحیفه نور، ج ۹، صص ۲۲۵.

۴. همان، ج ۱۵، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر عرصه‌های گوناگون وحدت در حج، راه مقابله با نیرنگ‌های استعماری را وحدت، و حج را مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان می‌داند: نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکپایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هریک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمین در هریک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام را می‌یابند و افسون تحقیر در آنان نمی‌گیرد.^۱

ایشان حج را هم زمان مظهر معنویت (ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هرچه بیشتر انسان به خدا)، مظهر وحدت (یکپارچگی امت اسلام، برداشتن دیوارها و حجاب‌ها و پُرکردن دره‌ها و شکاف‌ها) و مظهر برائت از دشمنان خدا، برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر دانسته^۲ و معتقد است:

حج می‌تواند تکه پاره‌های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلتی که بر ایشان تحمیل کرده‌اند، نجات دهد.^۳

مقام معظم رهبری با تأکید بر بی‌همتا بودن حج در میان همه فرایض اسلامی در جنبه اجتماعی، آن را مظهري از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی می‌داند و بر کارکردهای حج، از جمله توجه به آحاد مسلمان، مسائل امت اسلامی و جهان اسلام، عبرت‌آموزی و نزدیک کردن به روحیه قدرت، عزت و وحدت اشاره می‌کند.^۴ از دیدگاه ایشان، در بُعد سیاسی هم، محور اصلی در حج، نمایش هویت متحد امت اسلامی

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج، ۷۰/۳/۲۶.

۲. دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران برگزاری حج، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.

۳. حدیث ولایت، سید علی خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۵.

۴. پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج، ۱۳۷۶/۱/۲۱.

است. دوری مسلمانان از یکدیگر، عرصه را برای بدخواهان می‌گشاید و تخم تفرقه میان مسلمانان را بارور می‌کند.^۱

موانع وحدت در حج

امام خمینی ضمن برشمردن آثار مثبت وحدت در حج، به ارزیابی و توجه دادن مسلمین به موانع وحدت در حج نیز پرداخته‌اند، که به مواردی اشاره می‌شود:

۱. یکی از موانع، ایجاد اختلاف است که امام خمینی علیه السلام همواره مسلمانان را از آن برحذر داشته‌اند:

از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان، در این امر حیاتی، اقدام و کوشش نمایند، در به وجود آوردن جبهه مستضعفان که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار لا اله الا الله از تحت اسارت قدرت های شیطانی و اجانب و استعمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.^۲

عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است.^۳

۲. مانع دیگر که حج می‌تواند از آن جلوگیری کند، «توطئه‌افکنی» میان مسلمانان است. اجتماع حج، از عوامل مؤثر در خنثی کردن توطئه‌هایی است که برای تفرقه‌افکنی میان مسلمانان چیده می‌شود و به طرق مختلف حتی گاهی تحت عنوان مذهب، برای برهم زدن وحدت جامعه اسلامی و ایجاد تفرقه، کوشش‌هایی به کار می‌رود. اگر این کنگره عظیم سالانه نبود، بی‌تردید توطئه‌ها مؤثر می‌افتاده و همبستگی ضعیفی که امروز

۱. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۸۵/۱۰/۸.

۲. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۲۵.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۶۱.

در میان میلیون‌ها مسلمان با مذاهب متعدد وجود دارد، دیگر وجود نداشت. این اجتماع، با عظمتی که دارد، از حرکت‌های تند انحرافی جلوگیری می‌کند که گاه به نام طرف‌داری از توحید صورت می‌گیرد. حج، ادامه فلسفه جماعت و جمعه و عید است و فراگیرترین عامل بازدارنده از پراکندگی مسلمانان از هر ملت و کشور است. بدین سان حج، به عنوان یکی از ارکان عملی اسلام در بنیان وحدت جامعه اسلامی، جایگاه اساسی دارد.^۱

۳. یکی از موانع وحدت بین مسلمین، نقش قدرت‌های سلطه‌گر در ایجاد تفرقه بین مسلمین است که با راهبرد «برائت از مشرکین در حج» که امام آن را طرح کردند، خشی می‌شود. با توجه به اهمیتی که امام خمینی برای حج در راه تبلیغ وحدت جهان اسلام قایل بودند، تأکید ایشان بر انجام مراسم برائت از مشرکین نیز در این مراسم مشخص می‌شود و به خوبی واضح است که برائت از مشرکین اقدامی در راستای وحدت بخشی به جهان اسلام و نفی یکی از عوامل اصلی تفرقه است.^۲ ایشان چاره اساسی حل گرفتاری‌های مسلمانان را وحدت آنها، بلکه وحدت تمام مستضعفان و دربندکشیده شدگان جهان می‌داند که این وحدت باید با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار به وجود آید و مرکز این دعوت و تبلیغ، مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است.^۳

امام خمینی یکی از فلسفه‌های اساسی حج ابراهیمی را، ایجاد وحدت در صفوف مسلمانان برای رویارویی و مقابله با طاغوت و استکبار می‌داند و می‌فرماید:
یکی از فلسفه‌های مهم اجتماع عظیم از سراسر جهان، در این مقام مقدس و مهبط

۱. حج ابراهیمی از دیدگاه امام خمینی، محمد صدقی، ۱۳۷۸، مجله پاسدار اسلام، ص ۲۹.

۲. راهبرد ایجاد وحدت در اندیشه امام خمینی، یحیی فوزی، ۱۳۷۸، کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۷.

۳. صحیفه نور، ج ۱۰، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

وحی، به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طاغوت‌های جهان است.^۱

برای مثال امام خمینی علیه السلام حج و لیبک گفتن همه مسلمین به ندای حق را مصداق «پشت پا زدن بر مکتب‌های شرقی و غربی و انحرافات ملی‌گرایی و فرقه‌زدایی» می‌داند که بدون در نظر گرفتن محیط و منطقه و رنگ و نژاد در راستای تحکیم وحدت، اتفاق می‌افتد.^۲ ایشان «شرط همه مناسک و مواقف برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی را وحدت کلمه تمام طوایف مسلمین و هماهنگی خروشیدن بر دشمن مشترک» می‌داند.^۳ همچنین در جایی اشاره می‌کند که تمام گرفتاری مسلمانان از «اختلاف کلمه و عدم هماهنگی» بین آنان است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی بنا بر آیه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ می‌باشد.^۴

امام خمینی در جایی دیگر با تأکید بر اینکه مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، به پا خیزند و دست اتحاد به هم دهند و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنند^۵، به این هدف اساسی حج چنین اشاره می‌کند:

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن، کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید؛ بر فرهنگ اسلام تکیه کنید.^۶

۱. صحیفه نور، ج ۱۱، صص ۸۹ و ۹۰.

۲. همان، ج ۷، صص ۸۳ و ۸۴.

۳. همان، ج ۷، صص ۲۲۶ و ۲۲۷.

۴. همان، ج ۶، ص ۴.

۵. همان، ج ۹، ص ۲۶.

۶. همان، ج ۷، ص ۵۲۵.

انقلاب اسلامی و توجه به ظرفیت‌های حج برائت

حج، پایگاه بزرگ اجتماعی مسلمانان جهان و مرکز اعلان سیاست ناب اسلامی است. اراده و مشیت الهی بر این تعلق گرفت که حج را برای مسلمین، عبادتی واجب قرار دهد تا آنان از سرتاسر جهان در مرکزی واحد گرد هم آیند و ضمن بهره‌وری از آثار معنوی این عبادت، در پرتو توحید و تجلی عینی آن در همه جلوه‌های فردی و اجتماعی و سیاسی، به نفی شرک و کفر و رمی استعمار و استکبار پردازند و از تفرقه و چنددستگی که آفت بزرگ دین و عزت مسلمین است، اجتناب ورزند. از عرصه‌های مهم حج، «مسئله برائت از مشرکین» در حج است که به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین بخش‌ها مورد توجه امام خمینی علیه السلام بوده است. برائت از مشرکین در اندیشه امام خمینی علیه السلام می‌تواند به چند صورت تفسیر شود:

۱. برائت از تبلیغ جدایی دین از سیاست؛

۲. برائت از مشرکین به‌عنوان نفی ناسیونالیسم، نژادپرستی و ملی‌گرایی؛

۳. برائت از مشرکین به‌عنوان نفی مکاتب غربی، مانند لیبرالیسم و مارکسیسم؛

۴. برائت از مشرکین به‌عنوان نفی سلطه و ظلم قدرت‌های استکباری.^۱

مسلمانان در طول تاریخ و با توطئه‌های قدرت‌های ستمگر و جریان‌های وابسته به آنان، به اختلاف و تفرقه گراییدند، و در دام ناسیونالیسم و نژادپرستی و ملی‌گرایی گرفتار شدند، و حربه استعماری جدایی دین و سیاست در آنان کارگر افتاد که یکی از عوامل آن، بی‌توجهی به حج ابراهیمی و بی‌بهره‌ماندن از آثار اجتماعی و سیاسی آن بوده است. این عبادت جامع را به صورت فردی تغییر ماهیت دادند و در طول زمان نتوانستند آموزش‌های سیاسی را به حیطة عمل درآورند. انقلاب اسلامی، با احیای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

احکام و قوانین اسلام را از غربت درآورد و از جمله ظرفیت های سیاسی و اجتماعی حج برائت را احیا نمود و در رگ های جوامع و ملل اسلامی، خون حیات جاری ساخت.

امام خمینی علیه السلام در تشریح ظرفیت های سیاسی اجتماعی حج می فرماید:

اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راه پیمایی، با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود، و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی، در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان، آمریکای جنایت کار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه، و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست و در هر عصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های متناسب خود را می طلبد.^۱

امام خمینی این برائت جستن از بیگانگان را مربوط به دوره خاصی نمی داند و معتقدند در همه زمان ها باید ندای برائت و بیزاری از دشمنان اسلام زمزمه حاجیان باشد و همه یک صدا آن را فریاد بزنند: «فریاد برائت از مشرکان، مخصوص به زمان خاص نیست؛ این دستور است و جاوید».^۲

ایشان با تأکید بر شناخت مصادیق شرک متذکر می شوند:

مگر ابرقدرت های زمان ما، بت های بزرگی نیستند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرستش خود می خوانند و با زور و زر و تزویر، خود را به آنان تحمیل می نمایند؟ کعبه معظمه یکتا مرکز شکستن این بت هاست.^۳

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۳۱۴-۳۲۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۲۱.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۷۸.

مقام معظم رهبری، ضمن تأیید دیدگاه حضرت امام علیه السلام، حج را برترین جایگاه برائت از مشرکین دانسته، می‌فرماید:

فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می‌دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع‌الأسف در کشورهای اسلامی، قدرتمندانه اعمال نفوذ می‌کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک‌آلود بر جوامع اسلامی، پایه‌های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیرخدا کرده‌اند.^۱

آیت‌الله خامنه‌ای، مراسم برائت را ضروری می‌دانند و انتظار دارند که حتی کشور عربستان در این کار پیش‌قدم باشد:

قضیه برائت از کفار و مشرکین، بسیار مهم است. باید همه ملت‌های مسلمان در این کشور پیش‌قدم باشند. به نظر ما خود عربستانی‌ها باید در این قضیه پیش‌قدم شوند. آن کسانی که میزبان حج‌اند، آنها این کار را باید بکنند؛ بیش از آنکه مهمانان ایرانی یا مهمانان سایر کشورها در صدد این کار باشند، این تکلیف آنهاست.^۲

رهبر معظم انقلاب، برائت را یک واجب سیاسی می‌شمارد و در تبیین آن می‌فرماید: مسئله برائت، البته یک امر واجب در حج است. منظور ما آن نیست که برائت از واجباتی است که اگر کسی عمداً ترک کرد، حش باطل شود؛ نه! اهل معرفت می‌فهمند که مراد از وجوب آن چیست؛ قطعاً واجب است به این بیانی که عرض می‌کنیم، اما نه مثل بقیه واجبات حج، مانند وقوف در عرفات یا در مشعر و یا طواف؛ نه، نوعی دیگر از وجوب است که آن نوع دیگر، گاهی اوقات اهمیتش بیشتر از واجبات این سبکی غیرسیاسی می‌شود. برائت، واجب سیاسی است؛ یعنی

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله‌الحرام، ۷۰/۳/۲۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۵/۹/۱.

چه؟ یعنی خدای متعال حج را برای اعلام حضور مؤمنین در حج ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾^۱ و ﴿قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾^۲ و بقیه جهاتی که در آن است، معین کرده است.

عده ای در طول سالیان دراز، بر اثر غفلت و نادانی و یا اغراض و مطامع، نگذاشتند حج چنان که باید انجام گیرد، برگزار شود. ما اکنون می خواهیم حج را به نقطه و مرکز اصلی خودش برگردانیم... حج باید در جای خود قرار گیرد. باید همچنانی که خدای متعال خواسته و مقرر کرده است، اجرا و اعمال شود. امروز ما می توانیم این کار را بکنیم.^۳

مقام معظم رهبری، در تبیین مسئله برائت از مشرکین می گویند:

شرک همواره به یک گونه نیست و بت، همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی شود. خانه خدا و حج باید در همه زمان ها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت، شریک خدا را با جلوة مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عزّی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناک تر از آن، بت های زر و زور استکبار و نظام های جاهلی و استکباری است که همه فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فراگرفته است. بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می شوند؛ بت قدرت، امریکا است که همه شئون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملت ها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود - که نقطه مقابل مصالح مسلمین است - حرکت می دهد.^۴

اینجا (مکه) اردوگاه بزرگ امت اسلامی است؛ اینجا جایگاه برائت از دیو و دد و

۱. حج: ۲۸.

۲. مانند: ۹۷.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای بعثه حج، ۱۰/۳/۱۳۷۳.

۴. پیام مقام معظم رهبری به حجاج، ۲۶/۳/۷۰.

شیطان و پیوستن به جنود رحمان است. جایگاه تجدید عهد ﴿أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ و پاسخ به ﴿أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ است. اینجا محل تجلی امت واحده اسلامی و مظهر عزت معنوی و قدرت بشری مسلمانان است.^۱

حضرت آیت الله جوادی آملی نیز در رابطه با اثرگذاری انقلاب اسلامی در احیای ابعاد سیاسی حج براءت و توجه به ظرفیت‌های آن معتقدند:

اکنون، حج قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن را مقایسه کنید. مردم ایران سال‌های متمادی به مکه مشرف می‌شدند؛ چنان‌که «یطوفون حول تلك الاحجار التي لاتضر و لاتنفع». اما این فرزند برومند نبی اکرم، حضرت امام خمینی علیه السلام حج را به عنوان گوشه‌ای از اسلام ناب شناخت. اصل اصیل «من تمام الحج لقاء الامام» را شناخت. مسئله تولا و تبرا حج را شناخت و تبیین کرد و حج ابراهیمی را تشریح نمود. او حج منهای براءت را «حج جاهلی» دانست و حج همراه با براءت از شرک و مشرکین را «حج ابراهیمی» معرفی نمود و حج را اقامه کرد. براءت از مشرکین، قبل از قیام حضرت امام علیه السلام فراموش شده بود؛ ایشان این کار را زنده کرد. در همه بیان‌ها و پیام‌های حضرت امام راحل علیه السلام سخن از حج ابراهیمی، تبری از مشرکین و اعلان انزجار از استکبار جهانی است. شما تعهد کنید که این پیام را برسانید، وگرنه طواف، طواف جاهلی است.^۲

ظرفیت‌های مراسم براءت در حج

الف) استکبارستیزی

با اعلام بیزاری از قدرت‌های سلطه‌جو و استعماری، زمینه‌های اضمحلال و نابودی آنها از سوی ملت‌ها مهیا می‌شود، و می‌کوشند زمینه‌های دخالت بیگانگان را در کشور

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۰/۱۲/۱.

۲. بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان آیت الله جوادی آملی، محمد امین شاهجویی، ۱۳۷۵، صص ۲۷۰ - ۲۷۲.

خود از بین ببرند. وقتی آحاد ملت های مسلمان، دست در دست هم داده و خواستار خروج استعمارگران از مناطق و سرزمین های خود شوند، دیگر جرئت نمی کنند دست به توطئه بزنند. آحاد ملت ها و بسیاری از دولت ها به خوبی فهمیده اند که دشمنان در صدد استثمار و استعمار آنان می باشند. لذا با اعلان انزجار خود، زمینه نفی سلطه و قدرت طلبی آنان را در منطقه فراهم کرده اند. راه برون رفت از این سلطه طلبی و سلطه پذیری، اتحاد و انسجام همه مسلمانان در این امر خطیر است. اتحاد در برابر زورگویی ها و تجاوزات، اتحاد در نفی وابستگی به دول غربی و اتحاد در برائت از دشمنان، قدرت طلبی های آنان را از بین می برد.^۱

مقام معظم رهبری، در تقبیح شرک مدرن، می فرماید:

گویی خدای دنیا - معاذالله - جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرت ها و جنایت کاراناند و استضعاف و استعباد و استثمار خلاق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آنهاست و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده بی مهار آنان تسلیم باشند. این، همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند.^۲

ب) نفی تفرقه

از عواملی که سبب وحدت و تقویت انسجام داخلی می شود، وجود دشمن مشترک است؛ زیرا بخشی از هویت، با ضدیت معنادار می شود. بخشی از کیستی ما مرهون آن است که ما چه کسی نیستیم. این خلدون نیز وجود دشمن مشترک را در کنار رفتار منسجم تشکیلاتی، از عوامل پایداری عصیبت و همبستگی خویشاوندی و قبیله‌گی

۱. اسرار سیاسی حج از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، حمید نگارش، میقات حج، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱.

۲. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام، تیرماه ۶۸.

می‌داند. برائت از مشرکان در حج، این پیام را برای مسلمانان دارد که آنها باید با وجود همه اختلافات بر محور توحید و کعبه متحد شوند و همگی کفر و کافران را دشمن مشترک خود بدانند. وجود دشمن مشترک، کارکردهای انسجام‌بخشی و هویت‌آفرینی دارد. وقتی بر چیزی عنوان دشمن بودن اطلاق شد، آنگاه از طرف آن احساس خطر و تهدید می‌شود. در سوی دیگر تهدید، واکنش تهدیدشونده به تهدید وجود دارد که ممکن است به مقاومت و عدم تسلیم ختم شود. فعل تهدید، از آنجاکه برخاسته از یک غیر است، سبب می‌شود در افراد تهدیدشونده هویت جمعی و وحدت، و به دنبال آن، عنصر مقاومت در جامعه به وجود آید. مراسم برائت از مشرکان در حج، ظرفیت‌های سیاسی - اجتماعی نیرومندی در ایجاد وحدت در جهان اسلام دارد. کفر و کافران، دشمن اسلام و مسلمانان هستند؛ هرچند ابراز و اعمال دشمنی نکنند که سابقه تاریخی و ماهیت آنها چنین چیزی را بعید می‌نماید. وقتی مسلمانان، کافران را دشمن خود بدانند، آنگاه از جانب آنها احساس خطر می‌کنند و روابط خود را با سایر مسلمانان و غیرمسلمانان به گونه‌ای دیگر تنظیم می‌کنند تا در راستای عزت‌یابی و حفظ منابع و منافعشان باشد؛ نه آن چیزی که در چند قرن اخیر در استعمار کشورهای اسلامی و خودباختگی آنها در برابر غرب گذشته است.^۱

بنابراین از ظرفیت‌های مراسم برائت از مشرکان، به هم پیوستن مسلمین جهان است. امام خمینی علیه السلام به این نکته کاملاً واقف بودند که برائت واقعی در سایه اتحاد و انسجام آحاد مسلمانان، فارغ از هرگونه امتیاز است. وقتی مسلمانان، جبهه مشرکان و دشمنان را تشخیص دادند، می‌کوشند صف مقابله با آنان را بین خود یکی کنند؛ می‌کوشند اختلافات جزئی و سطحی را کنار بگذارند و آماده طرد و نفی دشمنان واقعی شوند.

۱. ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمین، محسن محمدی و محمد هادی فلاح‌زاده، ۱۳۹۲.

بدیهی است لازمه و نتیجه این براءت، اتحاد صفوف مسلمین در برابر کفار و بیگانگان است.^۱ امام راحل در این زمینه می‌فرماید:

لازم است حج بیت الله الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی، فریاد براءت از ظالمان و ستمکاران را هرچه رساتر برآورند و دست برادری را هرچه بیشتر بفشارند و مصالح عالیہ اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هرچه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصیت های جاهلی که جز به نفع جهان‌خواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود، بنمایند.^۲

از منظر مقام معظم رهبری نیز ندای مسلمانان در مراسم براءت از مشرکین، وحدت‌بخش و ناامیدکننده دشمنان است؛ از این رو می‌فرماید:

در بُعد سیاسی، محور اصلی در حج، نمایش هویت متحد امت اسلامی است. دوری برادران از یکدیگر، عرصه را برای بدخواهان می‌گشاید و تخم تفرقه میان مسلمانان را بارور می‌کند.^۳

حضرت آیت الله خامنه‌ای، با تأکید بر اینکه حج باید آئینه تمام‌نمای اتحاد و زمینه‌ساز نزدیکی بیشتر مسلمانان باشد، می‌فرماید:

در شرایطی که استکبار جهانی، بغض و کینه خود را با مسلمانان در اشکال مختلف، حتی با شیوه‌های خشن و بی‌رحمانه ابراز می‌دارد، براءت از مشرکین و اعلام موضع مسلمانان در قبال این رفتار، یکی از مسائل مهم در مراسم حج است.

ایشان با اشاره به ظرفیت عظیم حج و حضور هم‌زمان مسلمانان، از ملت‌های مختلف در یک زمان معین و در مکانی مشخص، و آثار فردی، اجتماعی و بین‌المللی آن، می‌افزاید:

۱. اسرار سیاسی حج از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، حمید نگارش، ۱۳۸۹، ش ۷۴، ص ۱۴۲.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۹۴.

۳. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت کنگره عظیم حج، ۸/۱۰/۸۵.

حج، بهترین فرصت برای نزدیکی بیشتر مسلمانان به یکدیگر است؛ اما دشمنان تلاش دارند تا حج را به زمینه‌ای برای تشدید اختلاف‌های مسلمانان و رودررو قرار دادن شیعه و سنی تبدیل کنند. برخی به عنوان عوامل استعمار مأموریت دارند تا در حج، مسائل اختلافی را مطرح و تشدید کنند. زائران ایرانی، اعم از شیعه و سنی، باید مراقب این دام خطرناک باشند.^۱

انقلاب اسلامی و تأکید بر جنبه آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی از طریق حج

متأسفانه در دهه‌های اخیر، بیگانگان فعالیت‌های زیادی را در پیش گرفته‌اند تا چهره‌ای غیرواقعی از اسلام در جهان نمایش دهند. تحریف آموزه‌های اسلامی و اختلاف در صفوف مسلمین، بخشی از این ترفند حساب شده دشمنان است. بر رهبران دینی مسلمان‌هاست که در این موقعیت حساس، آموزه‌های صحیح اسلام را برای توده‌های مردم تبیین کنند تا مسلمانان دچار انحراف و سردرگمی نشوند. شکوه این فرهنگ‌سازی را می‌توان در موسم حج و برپایی کنگره عظیم اسلامی دید؛ چراکه بهترین فرصت برای رشد اندیشه و آگاهی مسلمانان، رشد همزیستی مسالمت‌آمیز و هم‌گرایی آنان است، و در این ایام است که زمینه‌سازی برای تشکیل امت واحد اسلامی، رشد اخلاق اجتماعی و تقویت هویت اجتماعی مسلمانان و مانند آن، به وجود می‌آید. از همین روست که امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی در موسم حج را از رسالت‌های مهم عالمان دینی شمرده‌اند. وقتی توده‌های میلیونی ملت‌ها و آحاد مسلمین دست در دست یکدیگر، به نفع دشمنان و بیگانگان و بیزاری از آنان می‌پردازند، باعث می‌شود حتی کسانی که نسبت به بیگانگان و حرکت‌های سوء آنان اظهار تردید و دودلی کرده‌اند نیز به خیل عظیم مسلمانان بپیوندند.^۲

۱. بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران حج در سال ۸۶.

۲. اسرار سیاسی حج از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، ص ۱۴۳؛ برائت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی، اسماعیل آبادی، فصلنامه میقات حج، ۱۳۷۸، ص ۲۲۷.

امام خمینی علیه السلام درباره نقش مراسم برائت از مشرکین در آگاهی بخشی می فرمایند: «در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد».^۱ ایشان معتقدند:

آن حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید باهم. بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین، تحت فشار دو تا قدرت چند صد میلیونی باشند. تمام گرفتاری ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد، منحرف کرده اند.^۲

امید است حجاج محترم بیت الله الحرام، از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می باشند، در مواقف و مشاعر محترمه، دسته جمعی، برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند و برای بیداری مسلمانان و حکومت های آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند.^۳

بررسی مسائل و مشکلات جهان اسلام در حج

از خصوصیات ویژه مناسک حج، گردهمایی میلیونی مسلمانان جهان در سرزمین وحی است. در این تلافی، مناسب است مسائل و مشکلات مسلمانان هم مرور شود تا برای رفع آن، اقدامات عملی صورت پذیرد. بنابراین، همین مسئله مورد توجه رهبران انقلاب اسلامی قرار گرفت. امام خمینی در صدد بودند نهایت استفاده را از این فرصت به دست آمده در آگاه شدن مسلمین از مشکلات و گرفتاری های هم کیشان و تلاش برای حل آن ببرند؛ به ویژه آنکه این کنگره بزرگ و عظیم، هر ساله تکرار می شود و در صورت برنامه ریزی و سازمان دهی صحیح، می توانند از امور مختلف ملت های اسلامی

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۴.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۶۰.

۳. همان، ص ۲۸۵.

آگاه شوند و راهکارهای عملی، برای رفع گرفتاری‌ها و مشکلات آنان پیشنهاد کنند و زمینه‌های عملی شدن آنها را فراهم سازند.^۱ امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

لازم است زائرین محترم بیت‌الله الحرام، از هر ملت و مذهبی که هستند، به فرامین قرآن کریم گردن نهند و در مقابل سیل شیطانی بنیان کن، اسلام‌زدایی شرق و غرب و وابستگان بی‌اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل‌الله فرا خوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند. از این فریضه عبادی - سیاسی اسلام، در آن امکانه شریفه که به حق برای مصالح موحدین و مسلمین جهان بنا شده است، بیشترین استفاده معنوی و سیاسی را نموده و به سرّ قربانگاه ابراهیمی - اسماعیلی توجه کنند که برای خدای تبارک و تعالی و هدف مقدس اسلام تا سرحد فدای عزیزترین ثمره وجود خود باید ایستاد و از هدف الهی دفاع نمود.^۲

بر ملت اسلام است که در مراسم حج، برای مشکلات مسلمین، چاره جویند.^۳ اسلام برای مردم در هر ناحیه، یک امور سیاسی - عبادی قرار داده است. این جماعات در تمام کشورهای مسلمین، و در هر شهر و ده و روستا، اینها یک امور اجتماعی - سیاسی است که اهل یک بلد در مساجد مجتمع بشوند و مشکلات خودشان را نسبت به آن بلد حل بکنند و اجتماع کعبه، بزرگ‌ترین اجتماعی است که هیچ دولتی نمی‌تواند خودش این اجتماع را ایجاد کند و خدای تبارک و تعالی همچو کرده است که مسلمین بدون یک مزاحمت‌ها و زحمت‌هایی و بدون یک خرج‌هایی که بر دولت‌ها باشد، مجتمع می‌شوند در آنجا و مع‌الأسف، استفاده از آن نمی‌شود.^۴

۱. حج ابراهیمی از دیدگاه امام خمینی، هادی قبادی.

۲. همان، ج ۹، ص ۵۵۶.

۳. پیام امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۴۹.

۴. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۷۴.

از جمله وظایف در این اجتماع عظیم (حج)، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است.^۱

باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند.^۲

در حج باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند. این سفر حج و این حج برای این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده است، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند؛ برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود.^۳

مقام معظم رهبری ضمن تأیید این مطلب، گفته اند: «موضوع مهم دیگری که حجاج بیت الله به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن پردازند، مسائل مهم و جاری جهان اسلام است».^۴

بدیهی است بررسی مشکلات، این زمینه را به وجود می آورد که مسلمانان از وضعیت یکدیگر آگاه شوند و در جریان کمبودها و مشکلات قرار گیرند تا براساس آن، راهکارهای لازم را برای رفع آن اتخاذ نمایند.

تبادل نظر و انتقال تجارب

مسلمانان در مراسم حج، علاوه بر انجام شعایر اسلامی و آگاهی از مشکلات کشورهای اسلامی، می توانند با دیگر مسلمانان تبادل فکر و اندیشه کنند. امام خمینی در

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۷.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۵۲.

۴. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۷۰/۳/۲۶.

این رابطه می‌فرمایند:

برملت های اسلامی لازم است که در این اجتماع مقدس حج، اولاً در مسائل اساسی اسلام، و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده، ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس، گرفتاری های ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.^۱

بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده اید، لازم است از فرصت استفاده کرده، به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید. باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملت های مسلمان را مکلف می‌سازد که در راه اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم پیمان شوید. گرفتاری های ملل مسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان، از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید.^۲

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

حج درست می‌تواند از اعضای جدا افتاده امت اسلامی، پیکره ای واحد و کارآمد و نیرومند بسازد. آنان را باهم آشنا و از حرف ها و دردها و پیشرفت ها و نیازهای یکدیگر آگاهشان کند و تجربه های آنان را متبادل سازد. اگر حج با توجه به این هدف ها و نتایج برنامه ریزی می‌شد و در این برنامه ریزی، دولت ها و علما و صاحب نظران و روشن فکران جهان اسلام همکاری می‌کردند، ثمرات گران بهایی

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۶.

۲. پیام امام خمینی (ع) در سال ۱۳۴۹.

نصیب امت اسلامی می‌گشت که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرئت می‌توان گفت همین یک تکلیف اسلامی، اگر درست، و چنان که شریعت اسلام خواسته است، مورد بهره‌برداری قرار گیرد، پس از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که درخور آن است، خواهد رسانید.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش، نتیجه می‌گیریم که حج به‌عنوان یک فریضه الهی در دین اسلام، ظرفیت‌های فراوان و متنوع عبادی، سیاسی و اجتماعی دارد که تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، صرفاً یک حرکت عبادی بود و دیگر ابعاد آن، از جمله بعد سیاسی آن، مورد غفلت بسیاری از مسلمانان قرار گرفته بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه به ابعاد سیاسی حج، مورد تأکید قرار گرفت و حج، میعادگاه وحدت مسلمانان در برابر زورمندان جهان و مرکز برائت از مشرکان معرفی شد و ابعاد سیاسی آن احیا گردید؛ از جمله ابعاد مختلف سیاسی حج که متأثر از پیروزی انقلاب اسلامی احیا گردید، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وحدت‌گرایی: با پیروزی انقلاب اسلامی، ظرفیت حج در راستای ایجاد وحدت اسلامی مورد توجه قرار گرفت. امام خمینی و مقام معظم رهبری در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود بر این مسئله تأکید اساسی دارند.

- حج برائت و ظرفیت‌های آن: مراسم برائت از مشرکین، در راستای استکبارستیزی و اتحاد اسلامی، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و نماد استکبارستیزی معرفی شد.

- آگاهی‌بخشی: توجه به ظرفیت حج برای آگاهی‌بخشی، تبادل نظر و استفاده از تجارب در راستای رفع مشکلات جهان اسلام مورد تأکید قرار گرفت.

۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳/۳/۱۳۷۱.

منابع

۱. اتحاد ملی و انسجام اسلامی در سپهر فکری امام و رهبری، سید حسین اسحاقی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۲. اسرار سیاسی حج از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، حمید نگارش، میقات حج، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۸۹.
۳. امام خمینی و هم‌گرایی جهان اسلام، سید محمد هاشمی، نشر نیایش، ۱۳۸۲.
۴. اندیشه و آثار اجتماعی و سیاسی حج در نگاه امام خمینی علیه السلام، به نقل از سایت خط امام، بی‌نا.
۵. انقلاب اسلامی ایران و مسئله حج (پایان‌نامه دانشگاه امام صادق علیه السلام)، بهمن مهربان بهمدانی، ۱۳۶۹.
۶. براءت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، علیرضا اسماعیل‌آبادی، فصلنامه میقات حج، ش ۳۰، سال ۱۳۷۸.
۷. بنیان مرصوص امام خمینی علیه السلام در بیان و بنان آیت الله جوادی آملی، محمدامین شاهجویی، نشر اسراء، قم، ۱۳۷۵.
۸. بیانات در دیدار با کارگزاران حج، مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴.
۹. بیانات در دیدار با کارگزاران حج، مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶.
۱۰. پیام به حجاج بیت الله الحرام، مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳.
۱۱. پیام به حجاج بیت الله الحرام، مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵.
۱۲. پیام‌هایی به مناسبت نماز دهه فجر، عبداللطیف نظری، ماهنامه گلبرگ، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۷۹.
۱۳. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمدباقر حشمت زاده، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۴. جهان اسلام ازدیدگاه امام خمینی، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۵. حج ابراهیمی از دیدگاه امام خمینی، محمد صدقی، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۱۹، اسفند ۱۳۷۸.
۱۶. حج ابراهیمی و نگاهی به نظر امام راحل و مقام معظم رهبری، سید جواد حسینی، پاسدار اسلام، شماره ۳۳۶، آذر ۱۳۸۸.
۱۷. حج ابراهیمی، وحدت محمدی، بیداری اسلامی، رحمان غربی، نشریه وفاق، دوره ۳، پاییز ۱۳۹۱.
۱۸. حج در کلام و پیام امام خمینی، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۹. حدیث ولایت (نرم افزار متن کامل بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و مقام معظم رهبری)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹.
۲۰. راهبرد ایجاد وحدت در اندیشه امام خمینی، یحیی فوزی، کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۷، آبان ۱۳۷۸.
۲۱. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران حج، مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸.
۲۲. سلوک سبز، نوگرایی در حج از منظر امام و رهبری، سید حسین اسحاقی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۷.
۲۳. صحیفه حج (مجموعه سخنان و پیام‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی)، امام خمینی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۷.
۲۴. صحیفه حج، مجموعه سخنان و پیام‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۳.
۲۵. صحیفه نور، امام خمینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۶. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴.
۲۷. ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی، محمدهادی فلاح زاده و محسن محمدی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۲.
۲۸. گذری بر دستاوردهای انقلاب اسلامی و آسیب‌شناسی درونی آن، بی‌نا، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، زمستان ۱۳۸۲.
۲۹. نشریه پیام انقلاب، ش ۶۸، ۶۱/۷/۱۰.
۳۰. وحدت ازدیدگاه امام خمینی، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.

۳۱. همگرایی کشورهای مسلمان در پرتو انقلاب اسلامی، فرصت‌ها و چالش‌ها، محمد حقی، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ۱۳۸۷.

بخش چهارم: ظرفیت های گنجر حج برای صدور انقلاب

بررسی مؤلفه‌های حج در اسامی صدور انقلاب

محسن محمدی

چکیده

انقلاب اسلامی ایران از بزرگ‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی قرن حاضر است که همه نظریات سیاسی و اجتماعی سکولار را تحت تأثیر قرار داد و با ایده بازگشت دین به صحنه اجتماع، قرائتی نوین از معارف و مناسک دینی مطرح کرد. در این بین حج به عنوان یکی از سیاسی‌ترین مناسک دینی، در این خوانش احیاگرانه، کارکردهای متعدد سیاسی و اجتماعی یافت و در مسیر بازتولید انقلاب اسلامی در عرصه جهانی قرار گرفت. بر این اساس می‌توان عناصر و مؤلفه‌های مشترکی را بین حج و انقلاب تبیین کرد؛ مانند خدامحوری، مردم‌محوری، رهبری و وحدت. با توجه به حضور میلیونی نمایندگان جهان اسلام در حج، ظرفیت زیادی برای صدور شعارها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی در حج وجود دارد.

مقدمه

حج، بزرگ ترین تجمع مسلمانان سراسر جهان است که هر سال، نمایندگان را گرد هم جمع می کند. شکل گیری این تجمع پربرکت، نیروی بسیاری را در اختیار جهان اسلام قرار می دهد تا درباره مسائل گوناگون جهان اسلام، اطلاع رسانی و روشنگری بهتری صورت گیرد. به هر حال، مسلمانان در سطح ملی و بین المللی، با مسائل گوناگونی درگیرند. از این رو بهره مندی بهینه از توانایی ها و جلوگیری از اتلاف سرمایه های انسانی و مالی چنین تجمعی، لازم و مفید است.

کنگره باشکوه حج، در مقایسه با نشست ها و کنفرانس های رسمی جهان اسلام، مانند «سازمان کنفرانس اسلامی» از این حیث که با حضور میلیونی ملت ها و توده های مردمی تشکیل می شود، تأثیر بسیار مفیدی در آگاهی رسانی، و در نتیجه اصلاح، بیداری و موج آفرینی افراد دارد. موضع گیری های خصمانه استعمار و استکبار در مقابل جهان اسلام، لزوم چنین تجمعی با چنین کارکردهایی را دوچندان می کند.

امام خمینی علیه السلام نیز با چنین هدف و رویکردی، همواره از این رسانه قدرتمند اسلام، برای آگاه کردن مسلمانان در راستای صدور انقلاب استفاده کرد. ایشان کعبه و حج را منبر بزرگی می دانست که می تواند بر بلندای بام انسانیت، صدای مظلومان را در همه عالم منعکس سازد.^۱ امام، این جنبه از حج را از ویژگی های اصلی و اساسی حج می دانست؛ تا با استفاده از آن، انقلاب علیه زورگویان همواره در جهان اسلام در جریان باشد:

آن حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید

باهم، بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دو تا قدرت چندصد میلیونی باشند.^۱

از مسائلی که سبب می‌شود حج، زمینه مناسبی برای صدور انقلاب داشته باشد، مؤلفه‌ها و مبانی مشترک حج و انقلاب است که سنخیت سیاسی و در نتیجه، کارکردهای یکسانی را ایجاد می‌کند. در این مقاله، قصد داریم مؤلفه‌ها و عناصر مشترک حج و انقلاب را بررسی کنیم تا زمینه‌های حج برای صدور انقلاب از این حیث مشخص شود.

عناصر و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی و حج

انقلاب اسلامی ایران در حالی به پیروزی رسید که دین از صحنه سیاسی و اجتماعی به گوشه رانده شده بود و تنها در حوزه فردی زندگی بشر حضور داشت. فضای علم‌زده و پوزیتیو حاکم بر عرصه نظریه‌پردازی نیز دین را از تحلیل‌های علمی در رویدادهای سیاسی و اجتماعی حذف کرده بود. در این فضا امام خمینی با اندیشه‌ای متفاوت درباره دین و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن، انقلابی بزرگ را طراحی کرد که مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی متفاوتی داشت. به همین دلیل، بسیاری از نویسندگان خارجی اذعان نموده‌اند که انقلاب اسلامی ایران و تحولات ناشی از آن، پدیده‌ای شگفت‌انگیز است که موجبات شگفتی جهانیان را فراهم کرده و معجزه‌گونه بر تمام تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های غرب درباره ایران، خط بطلان کشیده است.^۲

از این لحاظ می‌توان امام خمینی را با طراحی انقلاب اسلامی، براساس تعالیم دینی، احیاگر دین و تفکر دینی نامید. امام خمینی براساس همین اصول و دیدگاه، حج را احیا می‌کرد و به شدت از دیدگاهی که حج را در ابعاد فردی خلاصه می‌نمود، انتقاد کرد؛ به این ترتیب امام

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲. ایران در حکومت روحانیون، دلیپ هیرو، ترجمه محمدجواد یعقوبی دارابی، ۱۳۸۶، ص ۲۱.

خمینی بر اساس اصول و مؤلفه های انقلاب اسلامی، با تمرکز بر ابعاد سیاسی و اجتماعی حج در عرصه بین‌الملل اسلامی، احیاگر حج ابراهیمی شد؛ که مبارزه‌گر با طاغوت بود. برای شناخت اندیشه امام باید به مبانی نظری اندیشه ایشان نیز توجه کرد.^۱ احیاگری دینی امام خمینی، نگاهی جامع‌گرایانه به دین سنتی داشت و معطوف به بهره‌گیری از عناصر دینی در نوسازی جهان بود.^۲

امام خمینی در مسیر احیاگری دینی، اصالت‌هایی را که در سیر تحول تاریخی به خرافات و افسون‌های ذهنی و داوری‌های غیرواقعی آلوده شده بودند، بازسازی کرد. به این ترتیب، با اتصال حال و آینده به پیشینه تاریخی، به بازسازی تاریخی پرداخت و از فقر تاریخی‌گری تفکر مدرن^۳ و ضد پیشرفت بودن جریان‌های بنیادگرای سلفی، فاصله گرفت.^۴ از این‌رو احیاگری امام خمینی، نه به معنای عقب‌ماندگی و عدم بهره‌مندی و بروز تمدن بود و نه با ایمان متدینین، تضاد داشت.^۵

امام خمینی با طرح ابعاد واقعی اسلام، به مسلمانان فهماند که اسلام علاوه بر ابعد مناسکی، منبع قوی و پرتحرک در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.^۶ امام خمینی در مواجهه با اندیشه توسعه‌گربی، بسیار محتاط و دقیق بودند و بر

۱. برای مطالعه مبانی نظری و انسان‌شناختی و ارزشی اندیشه سیاسی امام خمینی رک: اندیشه سیاسی امام خمینی، محمدحسین جمشیدی، ۱۳۸۸، صص ۱۱۷-۱۹۰.

۲. رک: مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، ج ۱، «امام خمینی و احیاگری دینی: تغییر در پارادایم»، ولی‌الله عباسی، صص ۷۳-۱۰۱.

۳. رک: فقر تاریخی‌گری در حوزه فرهنگ و تمدن غربی، کارل ریموند پوپر، ترجمه احمد آرام، ۱۳۵۰ ش.

۴. رک: امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی (اخلاق، عرفان و جامعه)، «حکیم وحدت و زعیم کثرت (امام خمینی متفکر دوران گذار به جامعه توحیدی)»، مظفر نامدار طالشانی، صص ۴۹۲-۴۹۸.

۵. رک: مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی، «امام خمینی و نقد تجدد و ترقی در جامعه دینی و غیردینی»، مظفر نامدار، صص ۵۷-۱۰۳.

۶. رک: «دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز»، احمد هویر، ص ۷۶، ش ۱، خرداد ۱۳۷۰.

وارداتی و غیربومی بودن فضا، زمینه‌ها و نحوه نگرش اندیشه تجدد تأکید داشتند؛ ولی دستاوردها و تکنولوژی غربی را طرد نمی‌کردند، بلکه به ایدئولوژی‌زادایی می‌پرداختند. یعنی مبانی مادی‌گرایانه آن را می‌زدودند و از آن به‌عنوان ابزاری در افق چشم‌انداز تمدن اسلامی استفاده می‌کردند.^۲

از نظر امام خمینی، سیاست از دیانت جدا نیست^۳، بلکه «اسلام تمامش سیاست است».^۴ [از نظر ایشان] جدایی دین از سیاست از توطئه‌های استعمار است.^۵ از نظر امام، بین دیانت و سیاست، رابطه تعاملی (تأثیر و تأثر) برقرار است.^۶ به عبارت دیگر بنا به تفسیر فلاسفه سیاسی، اخلاق به سیاست تعین می‌دهد و سیاست به اخلاق تحصیل می‌بخشد.^۷ تفسیر عالمانه و جامع‌نگر امام از سیاست و دیانت، به گونه‌ای است که دین و سیاست را در نفس الامر هم‌نشین می‌بیند. بنابراین از دیدگاه ایشان، مسائل عبادی اسلام، در عین عبادی بودن جنبه اجتماعی نیز دارند؛ یعنی عموم احکام و دستورات اسلامی مانند منشور چندبعدی، ابعاد، مراتب و لایه‌های متعدد و منسجم دارند.^۸

در اندیشه امام خمینی علیه السلام، حج با ظرفیت‌ها و کارکردهای اخلاقی، سیاسی، اجتماعی

-
۱. ر.ک: «امام خمینی و نقد مدرنیزاسیون در اندیشه ترقی (براساس اصول اندیشه تعالی)»، موسی نجفی، ۱۳۷۹، صص ۲۵-۵۵.
 ۲. ر.ک: تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، صص ۱۰۲-۱۰۵.
 ۳. برای نمونه ر.ک: صحیفه امام، ج ۴، صص ۲۰ و ۱۹؛ ج ۶، صص ۲۸۶ و ۲۸۷.
 ۴. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰.
 ۵. برای نمونه ر.ک: صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۸؛ ج ۶، ص ۲۰۲.
 ۶. ر.ک: «اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی»، اکرم نامور، صص ۳۱۵-۳۴۲.
 ۷. برای مطالعه بیشتر در مورد دیدگاه برخی از فیلسوفان و متفکران اسلامی درباره اخلاق و سیاست ر.ک: اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام، رضا خراسانی.
 ۸. ر.ک: مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، ج ۱، «هم‌نشینی دین و سیاست از منظر امام خمینی» غلام‌حسن مقیمی، ۱۳۸۹، ص ۴۱.

و اقتصادی‌اش در سطح فردی و ملی و بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای داشت؛ به‌طوری‌که می‌توان ایشان را احیاگر حج ابراهیمی نامید.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، نقطه عطفی در تاریخ نهضت‌های اسلامی بود که توانست روح تازه‌ای در کالبد گرایش‌های اسلامی و نهضت‌های مردمی بدمد. امام خمینی در عمل، بسیاری از برنامه‌ها و ایده‌های این نهضت‌ها را تحقق بخشید و با احیای تفکر و هویت اسلامی، نظام سیاسی و اجتماعی اسلام را اجرا کرد.

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب نیز اهداف جهانی و بین‌المللی انقلاب را پی گرفت و از تمام امکانات و توانمندی‌های مکتب اسلام، برای بروز تمدن اسلامی در مقابل تمدن استکباری غرب بهره جست. ایشان در این بین، از «حج» تعریفی جدید به‌دست داد و در فضای بازآفرینی تفکر دینی، حج ابراهیمی را احیا نمود. ایشان با پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به مناسبت حج - که روح آنها بیداری اسلامی بود -، سعی داشت تا تصور و تفکر جهان اسلام را در مورد حج تغییر دهد؛ تا آنها با نگرشی جامع به حج بنگرند و آن را به ابعاد فقهی، مناسکی، فردی و اخلاقی منحصر نکنند، و همچنین با بیان تفاسیر سیاسی و اجتماعی از حج، از ظرفیت‌های بی‌ظنیر آن در بیداری اسلامی بهره ببرند.

به این ترتیب می‌توان گفت که امام خمینی با احیای حج ابراهیمی، از ظرفیت‌های آن در راستای صدور انقلاب اسلامی استفاده کرد. به عبارت دیگر، مبانی و مؤلفه‌های حج ابراهیمی، همان اصولی است که انقلاب اسلامی براساس آن به پیروزی رسید و به دنبال تحقق آن است و از این حیث، هر دو در یک مسیر قابل تحلیل است.

به دیگر سخن، انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

از اصول و مبانی‌ای برخوردار است که آن را از سایر انقلاب‌ها جدا می‌کند. دقت در این مبانی و اصول، از شباهت‌های زیادشان با اصول و مبانی حج حکایت می‌کند، از این بابت است که رهبر و معمار انقلاب، پس از به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی ایران، ایده‌های تحول‌آفرین خود را در مورد حج بیان و احیاگر حج ابراهیمی نام گرفت.

در این بخش، برخی از اصول و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی را در راستای فرهنگ حج بیان می‌کنیم؛ اصولی که در پایایی و پویایی بیداری اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱. خدامحوری

انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، هر دو حاصل احیای تفکر دینی در دوره معاصرند. در واقع احیای اسلام ناب، محرک اصلی آن دو است. اسلام، منبع قوی و پرتحرک در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. پسوند «اسلامی» در حج و انقلاب، مقصد این دو حرکت را نشان می‌دهد. البته حج به عنوان یک عمل عبادی - اجتماعی و سیاسی، و انقلاب به عنوان یک عمل اجتماعی و سیاسی است؛ ولی هر دو برای انجام یک تکلیف و آن «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»^۱ و «لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا»^۲ است. حج ابراهیمی، فرصت جهاد، ایثار، شجاعت، شهامت، وحدت، ذکر و پرستش توحید است.^۳

محتوای حج، گرایش به حق و تهی کردن دل از همه تعلقات، رجم شیاطین انس و جن و عهد با خدای یکتا برای طرد قدرت‌های شیطانی است.^۴

اسلام جمهوری اسلامی، از حیث نظری و عملی، نفی طاغوت با تمام مصادیق و تأسیس جبهه غیرخودی و اثبات نظری و عملی حقانیت و تأسیس جبهه خودی است.

۱. قریش: ۳.

۲. حج: ۲۶.

۳. ر.ک: صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۷۷.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

از عوامل مهم همبستگی جهان اسلام، تفکیک این دو جبهه است. در حالت عادی و عدم تفکیک این دو جبهه، تضاد در داخل گروه شکل می‌گیرد. ولی با تمایز این دو گروه، انسجام درونی حاصل می‌شود و تضاد با گروه مقابل، خواهد بود.^۱

امام خمینی در مصاحبه با روزنامه «السفیر» در پاسخ به این سؤال که «در اذهان مردم، درباره برنامه انقلاب اشتباهی وجود دارد. مضامین فکری، اقتصادی و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران چیست؟» چنین جواب می‌دهد:

انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل، در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او، یعنی برای رضای او، عمل کنند. هیچ چیز و هیچ کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها و لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش محکوم می‌شود و فقط انسان‌ها دعوت می‌شوند به پرستش خدا، در آن صورت همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیراقتصادی، در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج، تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود، همه امتیازات لغو می‌شود. فقط تقوا و پاکی ملاک برتری است. زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی، مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است.^۲

اساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، نفی طاغوت (نفسانی، مستبدان داخلی و مستکبران خارجی)، نفی شخص، شخصیت و لذت پرستی و تحقق بخشیدن به حاکمیت الله و مردم از طریق آگاهی، اجتماع و قیام به شیوه انسانی و با لغو تمام امتیازات است.

۱. آنا تومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه‌شناسی کاربردی، فرامرز رفیعی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱.

۲. مردم محوری

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾^۱ (آل عمران: ۹۶). مقصود این نیست که خانه‌ای در عالم نبود، بلکه کعبه نخستین خانه‌ای است که به نام خدا و به سود عموم مردم تأسیس شده است. هر ساختمانی که به دست آدمی ساخته شده، به نفع فرد یا جمع و به زیان دیگران است. کاخ‌های ساخته عموم بشر، ملل را قربانی می‌کند، ولی خانه‌ای که به نام خدا باشد، همه را تسلیم حق می‌گرداند.^۲ کعبه، محل اجتماع مردم و مرکز خیر و برکت است. بزرگ‌ترین خیر و برکت آن، عدالت، مردمی بودن و فقدان تبعیض است. خانه‌ای که در آن حق، عدالت و مردم باشد، امنیت کامل برقرار است؛ تبعیض قومی، نژادی، مذهبی، حاکمیت انسان‌های مستبد و ظالم، کفر، نفاق، فسوق و خودپرستی، تهدید و تنازع و درگیری در آن وجود ندارد. در واقع بنیان خانه خدا، بنیان مبارزه با باطل، به معنای تام کلمه است. انقلاب عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، با بنیانگذاری خانه آغاز گشت. ابراهیم علیه السلام رهبر انقلاب بود.

در حج، مافیه‌الحرکه مردم است. یک خانه در روی زمین با صراحت، مشترک بین خدا و مردم است یا چون خالص خانه خداست، خانه مردم است یا بالعکس؛ چون خانه مردم است، خانه خداست. کعبه را هم بیت‌الله می‌نامند و هم ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ گویند. از امام علی علیه السلام نقل شده است: «قال كانت البيوت قبله و لكنه أول بيت وضع لعبادة الله».^۳ تنها خانه‌ای که فقط برای بندگی خدا بنا شده و از زخارف دنیا به دور است؛ البته اگر دست دنیاطلبان کوتاه باشد. دل خدایی، خانه خدا و خانه خداست، خانه مردم است. عبارت شریعتی در این زمینه زیباست: «بیت عتیق است؛ عتیق: آزاد. خانه‌ای

۱. نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است. خانه‌ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است.

۲. به سوی خدا می‌رویم، محمود طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۵.

۳. کنز العمال، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۴۲۹۷.

که از مالکیت شخصی، از سلطنت جباران و حکام آزاد است، کسی را بر آن دستی نیست، صاحب خانه خداست، اهل خانه، مردم». ^۱ فاصله انسان و خدا چیست؟ آیا زمان است یا مکان؟ هیچ کدام! فاصله انسان و خدا، خودیت و منیت انسان است. خدا نزد قلب‌های شکسته است. مردم در خانه‌ای هستند که کسی احساس مالکیت نمی‌کند.

همه در مسجدالحرام برابرند و فرقی میان حضری و سفری و دور و نزدیک نیست:

﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾ ^۲

امام خمینی، انقلاب ایران را انقلاب مربوط به ناس می‌داند، نه قشر خاصی:

این نهضت ایران، نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران. انبیا مبعوث‌اند بر انسان‌ها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسان‌ها. خطاب به ناس [است]: «ایا آیها الناس». ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم، اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است. ^۳

از نظر امام، انقلاب متکی به قشر خاصی نیست؛ اما نقش اصلی را طبقه مستضعف، مستمندان، فقرا، زاغه‌نشینان، حاشیه‌نشینان و محرومان ایفا کردند. ^۴ در واقع، خاستگاه انقلاب مانند خاستگاه اسلام است؛ اما موضع‌گیری آنها موضع‌گیری عام و انسانی و ناس است و منافع ناس را تأمین می‌کند. از نظر امام خمینی، آیه ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾

۱. حج، علی شریعتی، ۱۳۶۰، ص ۵۵.

۲. حج: ۲۵.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۶.

۴. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمدرضا ده‌شیری، ۱۳۸۰، ص ۶۰.

دلیل بر همگانی‌بودن دعوت خدای تبارک و تعالی به اسلام است و این خانه را برای تمام عالم قرار داده است.^۱

مخاطب امام خمینی، مردم بود. محل تجمع انقلابیون، مکان‌هایی بود که به هیچ کس تعلق نداشت. مساجد، خانه‌های متعلق به مردم‌اند. مشروعیت و اعتبار یک حرکت انقلابی و استمرار آن، به متکی‌بودن بر مردم وابسته است.^۲

۳. رهبری

براساس حدیث مبانی پنج‌گانه دین (نماز، روزه، زکات، حج و ولایت)، حج بدون ولایت، حضور در عرفات بدون معرفت امام، قربانی در منا بدون فداکاری در راه امامت و سعی بدون تلاش برای شناخت امام، بی‌حاصل است.^۳ وجود رهبری در حج و انقلاب، یک ضرورت است. حج و انقلاب بدون رهبری، نتیجه‌ای جز پراکندگی، دعوای بی‌حاصل، سردرگمی و هزینه‌ها و تلفات جبران‌ناپذیر نخواهد داشت. حج ابراهیمی بدون ابراهیم علیه السلام، حج محمدی بدون محمد صلی الله علیه و آله و انقلاب ایران بدون رهبری امام خمینی، ابراهیمی، محمدی و اسلامی نخواهند بود.

تأمین اسرار معنوی و آسمانی حج و جهت‌دادن به اجتماع انبوه حاجیان و هدایت قیام و مبارزات مورد نظر از موافق حج بدون رهبری، به نتیجه‌ای نمی‌رسند.^۴ جای‌جای مکه ابراهیم را تداعی می‌بخشد. اگر حج، امری تاریخی باشد، همه‌چیز پایان یافته است. اگر غیرتاریخی باشد، ابراهیم زمان را که امامت حج را به عهده گیرد و آن را به جایگاه اصلی خود بازگرداند، باید جست‌وجو کرد. حج ابراهیمی با ابراهیم علیه السلام

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

۲. برهه انقلابی در ایران. علیرضا شجاعی‌زند، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵.

۳. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۹۷.

معنا می‌یابد. حج، بدون امامت انسان صالح، نمی‌تواند محل خیزش عمومی و قیام علیه طاغوت‌های داخلی و بین‌المللی باشد. امام باقر علیه السلام به مردمی که بر گرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد و سپس فرمود:

در جاهلیت، این‌گونه طواف می‌کردند. همانا به آنان دستور دادند که بر گرد کعبه طواف کنند، سپس به سوی ما کوچ کنند و با ما اعلام همبستگی و دوستی کنند و یاری خود را بر ما عرضه بدارند.^۱

فرهنگ‌سازی و دعوت مردم به حج و آشنا ساختن مردم به اسرار و منافع آن، وظیفه ابراهیم علیه السلام است. گردهمایی بدون رهبری، نه تنها به امنیت ختم نمی‌گردد، بلکه به درگیری و نزاع مبدل می‌شود؛ چون همه، ادعای بزرگی و منیت دارند. جریان‌سازی اجتماعی و سیاسی در گردهمایی حج، بدون رهبری شکل نمی‌گیرد. امام خمینی، تبلیغ و تعلیم را دو فعالیت مهم در راستای قیام امت اسلامی و تأسیس حکومت می‌داند.^۲ امام خمینی نظیر خلیل الرحمن حج را احیا و اقامه کرد.^۳

رهبر انقلاب اسلامی، مردمی بود. روحانیت شیعه، در میان مردم زندگی می‌کنند و ارتباط بسیار نزدیکی با آنها دارند.^۴ حضرت ابراهیم پس از بنای کعبه یک دعای آینده‌نگرانه درباره امت اسلامی می‌کند: «پروردگارا، در میان ایشان پیامبری از آنان برانگیز که آیات تو را برایشان بخواند و آنان را کتاب و حکمت (اندیشه درست و گفتار و کردار درست) بیاموزد و پاکشان سازد، که تویی توانای بی‌همتا و دانای استوارکار».^۵

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲. ولایت فقیه، امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶.

۳. بنیان مرصوص، عبدالله جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱.

۴. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۲، ص ۹۶.

۵. بقره: ۱۲۹.

اجتماع گروه مؤمنان در حج و انقلابیون در انقلاب، نیازمند رهبری است. کسی می‌تواند رهبری یک گروهی را به عهده بگیرد که از جنس آن گروه و هم‌ارزش با آن گروه باشد و در جهت تأمین و پیگیری اهداف آن، از محبوبیت و توانایی لازم برخوردار باشد. آیه، همه این صفات را بیان می‌کند. در واقع، مهم‌ترین ضوابط رهبری از میان گروه و مردم بودن، هم‌ارزش بودن و نیازهای مشترک داشتن است.^۱

حج ابراهیمی، فرایند شکل‌گیری رهبری و امامت جامعه را در ابراهیم علیه السلام به نمایش گذاشت تا هرکسی در هر زمانی بداند، رهبری جامعه اسلامی و هدایت امت اسلامی به سوی خدا، کار هرکسی نیست، و او باید هزینه‌های زیادی را تحمل کند.

۴. وحدت کلمه و همبستگی

همبستگی از چهار عامل ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و تجمعات مشترک حاصل می‌گردد و چهار کارکرد تطبیق با شرایط جدید، حل تنش‌های اجتماعی، نیل به اهداف و حفظ همبستگی را ایفا می‌کند.^۲ همه عوامل همبستگی و کارکردهای آن، در حج در قالب «کلمه توحید» و «توحید کلمه» خود را نشان می‌دهند. در همه ادیان، تشکیل انجمن اخوت برای رسیدن به آرمان مذهبی و اجتماعی متدینان رواج دارد. این حرکت برای همبستگی پیروان، به منظور اعتراض به وضع موجود و وصول به آرزوی مشترک و تجدید و تشدید اعمال دینی بنیادی است.^۳ زمینه شکل‌گیری اخوت و برادری در اسلام، با توجه به تأکیدات قرآن کریم و متون دینی، بسیار گسترده است. اساساً مذهب، خاصیت تشکیلاتی بالایی دارد. این تشکیلات می‌توانند ماهیت سیاسی و اجتماعی، هیئتی، رهبانی و انزوایی محافل عرفانی و درویشی‌گری موافق یا مخالف وضع موجود داشته باشند.

۱. آناطومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه‌شناسی کاربردی، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲. انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۵۱.

۳. جامعه‌شناسی دین، یواخیم واخ، ترجمه جمشید آزادگان، ۱۳۸۷، صص ۱۷۳-۱۷۵.

مناسک و مواقف حج، از این حیث بیشترین تأثیر را در ایجاد وحدت اجتماعی و تنظیم روابط مسلمانان و کشورهای اسلامی، برای تأمین خیر عمومی آنها خواهد داشت. تحقق جامعه شناختی حج، منوط به وحدت کلمه است. حج کارکرد خود را بدون همفکری، همدلی، هم‌گرایی و درک عمیق اوضاع و تفاهم بین ملل اسلامی ایفا نمی‌کند.

۵. قیام و مبارزه

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در تاریخ ایران، اسلام و جهان است و رخدادی عظیم و اثرگذار در نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آید که موجب بسیاری از تحولات و دگرگونی‌های سیاسی در جهان شده است. اهمیت این رویداد تاریخی در این است که از یکسو معادله‌های سیاسی استکبار را در ادامه تقسیم استعماری جهان به دو قطب شرق و غرب بر هم زد و از سوی دیگر، از مقتدرترین رژیم‌های وابسته به قدرت‌های بزرگ در کشوری که از نظر استراتژیکی و اقتصادی با اهمیت بود، ریشه کن نمود. مهم‌تر از آن، با ایجاد آگاهی عمیق در میان ملت‌های مسلمان، زمینه جنبش‌ها، حرکت‌ها و تحولات سیاسی مهمی را فراهم آورد. ظهور این جریان سیاسی، بار دیگر اسلام را یک قدرت برتر در سطح جهان مطرح کرد و چشم‌اندازی امیدبخش برای حرکت به سوی بازیابی خویشتن و ایستادگی در برابر استبداد و استکبار، پیش روی مسلمانان قرار داد.^۱

از نظر هانتینگتون، جوهره قیام و انقلاب، توسعه آگاهی سیاسی و بسیج اجتماعی در درون حوزه سیاسی است.^۲ فلسفه حج، به عنوان فریاد مظلومان و موحدان عالم علیه ظالمان^۳، بدون آگاهی و بسیج همگانی امکان پذیر نیست. بنای کعبه، برای مبارزه با بندگی

۱. انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵.

۲. انقلاب و بسیج سیاسی، ص ۵۵.

۳. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

اوهام، اصنام، گذشته‌گرایی، استثمار و استعمار و هرگونه تسلیم در برابر طواغیت زمان است.^۱ خداگرایی (الله)، مردم‌نگری (للناس) و آینده‌نگری (اذن یا توک) از اصول اساسی حج ابراهیمی است. قیام، به یک ملت هویت می‌بخشد. خداوند، کعبه را خانه و مرکز قیام مردم قرار داد (مائده: ۹۷). امام تحقق مظاهر آیه «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^۲ را منوط به تحقق مفهوم آیه «قِيَامًا لِلنَّاسِ»^۳ می‌داند.^۴ قیام برای آزادی، قسط و عدل، پاک‌سازی جامعه از تمام انحراف‌ها، پستی‌ها و آلودگی‌ها، قیام برای منافع انسان‌ها و کوتاه‌کردن دست جباران و ستمگران عالم و سلطه آنان بر کشورهای مظلوم و قیام برای ساختن جامعه متکامل توحیدی است.^۵ این بیت، احکام و مناسکش مایه قوام و حیات مردم است؛ قوام و حیات یک ملت، در قیام برای حفظ مصالح و منافع خود است. اطلاق «قِيَامًا لِلنَّاسِ» نشان‌دهنده عامل پایدار بودن کعبه از تمام جهات است. یک چنین قیام و یک چنین وحدت و یگانگی و ازدحامی، درهم شکستنی نخواهد بود.^۷

مقام معظم رهبری حج ابراهیمی، محمدی، علوی و حسینی را توجه به قدرت خدا و پشت‌کردن به قدرت طواغیت و جباران می‌داند.^۸ هر قیامی دو وجه دارد: وجه ایجابی، آن‌که گردهمایی مردم، امنیت، تأمین منافع مادی و معنوی و تمام منافع فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و احیای هویت انسانی و ناس است و وجه

۱. به سوی خدا می‌رویم، ص ۱۵.

۲. حج: ۲۸.

۳. مائده: ۹۷.

۴. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴.

۵. سخن‌نامه حج، محمد محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲.

۶. تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبائی، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۱۰.

۷. تفسیر آسان، محمدجواد نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۷۱.

۸. ر.ک: صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۶.

سلبی آن که برائت از همه طواغیت و جباران داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر وجه نفی، وضع موجود نامطلوب و وجه اثباتی، وضع مطلوب است. شاید از همین روی برائت، رکن سیاسی حج محسوب می‌شود.

۶. دشمن‌شناسی

آل احمد پس از تبیین نفوذ غرب و نظام سرمایه داری در کشورهای عربی و اسلامی و شکست موضع‌گیری‌های انفرادی کشورهای اسلامی در غرب، این مسئله را مطرح می‌کند: «از خود پرسیدم که برای موضع گرفتن در مقابل غرب این مراسم حج، خود نوعی سکوی پرش نیست؟»^۱ در واقع، وی راه برون از وضع اسف بار کشورهای اسلامی را احیای حج می‌داند. آل احمد از بی‌نظمی‌های حج در سال ۱۳۴۳ شکایت می‌کند و می‌گوید: سالی یک میلیون نفر در این مراسم شرکت می‌کنند که اگر نظم، تسهیلات و نوجویی‌هایی داشت، چه قدرتی می‌توانست باشد. آل احمد تنها راه احیای حج را بین‌المللی کردن مدیریت آن می‌داند.^۲ مدیریت صحیح حج باعث فراموشی تمام حقارت‌های تاریخی مسلمانان در برابر دنیای غرب خواهد شد. حاجیان مشغول آداب ظاهری حج، داد و ستد در بازارهای مکه و مدینه، ولی «آخر درین اجتماع باید معنایی باشد! معنایی برتر ازین داد و ستد و بازار و سیاحت و ادای دین و آداب و اقتصاد و حکومت و هزار الزام دیگر».^۳ هویت این اجتماع بزرگ بشری را باید جست‌وجو کرد و برای به‌دست آوردن باید قیام نمود.

حج همراه با برائت، به‌عنوان حج انقلابی در ادبیات سیاسی جای گرفته است.^۴

۱. خسی در میقات، جلال آل احمد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۵۸.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمدباقر حشمت‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۸.

هویت از پاسخ به دو سؤال اساسی مشخص می‌گردد: من کی هستم، و من کی نیستم؟^۱ غیریت‌سازی در عرصه اعتقادی، اجتماعی و سیاسی و حوزه‌های دیگر زندگی، بخشی از هویت جوامع و گرایش‌ها را تبیین می‌کند.^۲ مواضع حج، سراسر مملو از خودی‌سازی و غیریت‌سازی است. انقلاب در عرصه سیاسی و اجتماعی و نظام سیاسی، خودی‌ساز و غیریت‌ساز است.

نتیجه‌گیری

رابطه حج و انقلاب اسلامی، رابطه‌ای دوسویه است. از طرفی مبانی فکری انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های حج با یکدیگر منطبق هستند، و از طرفی حج، فرصت مناسبی برای صدور انقلاب است. این مسئله از این حیث است که انقلاب ایران، ماهیتی دینی دارد و براساس قرائتی نوین از دین مطرح شده است؛ که سعی دارد دین را در مصدر مدیریت سیاسی و اجتماعی حیات بشر قرار دهد، و از این لحاظ نظم بین‌الملل را به چالش کشیده است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی تعریفی نوین از کارکردها و ابعاد حج مطرح نموده است که در عین داشتن ابعاد فردی (اخلاقی، فقهی و تربیتی)، از ابعاد و کارکردها سیاسی و اجتماعی نیز برخوردار است. بر این اساس مسلمانان را به جهاد و انقلاب فرامی‌خواند و در برائت از مشرکین، مسلمانان را در مقابل استکبار جهانی متحد می‌کند.

در این بین، همان قرائت قبلی از حج که آن را در ابعاد فردی مناسبی خلاصه می‌کرد، مانع این کارکردهای حج است؛ تا منافع حاکمان وابسته استبدادی و قدرت‌های خارجی استعمارگر به خطر نیفتد.

۱. تغییرات اجتماعی، گی‌روشه، ترجمه منصور وثوقی، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

۲. جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، ۱۳۸۰، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

منابع

۱. «اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی»، اکرم نامور، مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، ج ۲، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (وابسته به جامعه المصطفی العالمیه)، چ ۱، قم، ۱۳۸۹.
۲. اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام، رضا خراسانی، بوستان کتاب، قم؛ «پیوند اخلاق و سیاست در تفکر اسلامی»، دانیل اچ. فرانک، ترجمه: مسعود صادقی علی‌آبادی، متین، ش ۹.
۳. امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی (اخلاق، عرفان و جامعه)، «حکیم وحدت و زعیم کثرت (امام خمینی متفکر دوران گذار به جامعه توحیدی)»، مظفر نامدار طالشانی.
۴. امام خمینی و نقد مدرنیزاسیون در اندیشه ترقی (براساس اصول اندیشه تعالی)، موسی نجفی، مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
۵. آنا تومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه‌شناسی کاربردی، فرامرز رفیعی‌پور، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۷.
۶. اندیشه سیاسی امام خمینی، محمدحسین جمشیدی، چ ۳، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، تهران، ۱۳۸۸.
۷. انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، چ ۱، قم، نشر معارف، ۱۳۸۱.
۸. انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشیریه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.
۹. ایران در حکومت روحانیون، دیلیپ هیرو، ترجمه محمدجواد یعقوبی دارابی، چ ۱، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۶.

۱۰. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.
۱۱. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی، در روابط بین الملل، محمدرضا دهشیری، ج ۲، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰.
۱۲. برهه انقلابی در ایران، علیرضا شجاعی زند، مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۲.
۱۳. بنیان مرصوص، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸.
۱۴. به سوی خدا می‌رویم، محمود طالقانی، تهران، مشعر، ۱۳۸۱.
۱۵. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمدباقر حشمت‌زاده، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۱۶. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
۱۷. تغییرات اجتماعی، گی روشه، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۱۸. تفسیر آسان، محمدجواد نجفی خمینی، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۹۸ق.
۱۹. تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۰. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۱. تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی، موسی نجفی، ج ۱، نشر آرما، اصفهان، ۱۳۹۰.
۲۲. جامعه‌شناسی دین، یواخیم واخ، ترجمه جمشید آزادگان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۷.
۲۳. جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ۱۳۸۰.
۲۴. جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، محمدحسین پناهی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳.

۲۵. حج، علی شریعتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۶. خسی در میقات، جلال آل احمد، فردوس، تهران، ۱۳۷۹.
۲۷. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمدرضا دهشیری، چ ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۸. «دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز»، احمد هوبر، مجله حضور، ش ۱، خرداد ۱۳۷۰.
۲۹. سخن‌نامه حج، محمد محمدی ری شهری، دوره چهار جلدی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۹۰.
۳۰. سهبای حج، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵.
۳۱. فقر تاریخی‌گری در حوزه فرهنگ و تمدن غربی، کارل ریموند پوپر، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰ش.
۳۲. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، «امام خمینی و احیاگری دینی: تغییر در پارادایم»، ولی‌الله عباسی.
۳۳. مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی، «هم‌نشینی دین و سیاست از منظر امام خمینی»، ج ۱، غلام‌حسن مقیمی، چ ۱، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (وابسته به جامعه المصطفی العالمیه)، قم، ۱۳۸۹.
۳۴. مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی، «امام خمینی و نقد تجدد و ترقی در جامعه دینی و غیردینی»، مظفر نامدار.
۳۵. ولایت فقیه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۰.

جامعه‌شناسی مردم عربستان و ظرفیت‌های صدور انقلاب

(فرهنگ و ساخت اجتماعی و فرهنگ دینی، احزاب و گروه‌های اجتماعی و...)

محمد رضا فلاح^۱

چکیده

عربستان، کشوری است که به دلایل فراوانی برای ایران اهمیت دارد. وجود اماکن مقدس مسلمانان و شیعیان در آن سرزمین، و همچنین اشتراکات اقتصادی سبب شده است که عربستان برای ایران حایز اهمیت باشد. با این حال، مشکلات بسیاری در راه نزدیک شدن این دو کشور وجود دارد. استراتژی صدور انقلاب، در نگاه نخست، محل به این روابط است و باعث تیره تر شدن روابط می‌شود؛ اما اگر به مضمون پیام‌های انقلاب توجه، و با شیوه‌ای درست عرضه شود، این پیام‌ها می‌تواند دو کشور را به هم نزدیک کند. زمینه‌های مختلفی در خود عربستان برای ایجاد این ارتباط وجود دارد. جمهوری اسلامی نیز ظرفیت‌های بسیاری دارد که از این زمینه‌ها استفاده کند. این مقاله کوشیده است این زمینه‌ها و آن ظرفیت‌ها را فهرست کند.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، صدور انقلاب، احزاب، دین، جامعه.

مقدمه

عربستان، کشوری با سابقه فرهنگی طولانی مدت و با پیچیدگی های خاص فرهنگی و اجتماعی است. تشکیل حکومت سعودی در این کشور و قدرت قابل توجه جریان وهابیت در کنار ثروت انبوه ناشی از نفت، اوضاع خاصی را در این کشور به وجود آورده است. همه این ویژگی ها، تفکرات و خط مشی های حاکم بر عربستان، موقعیتی را فراهم کرده که باید با ظرافت و تدبیر با آن روبه رو شد، و جمهوری اسلامی می تواند از استراتژی بسیار راهگشای صدور انقلاب، برای رسیدن به اهداف خود بهره گیرد.

البته باید توجه داشت که صدور انقلاب، به معنای کشورگشایی نیست. امام علیه السلام در

تبیین مفهوم صدور انقلاب می فرمایند:

ما اینکه می گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از او برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت ها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت ها و در همه دولت ها بشود؛ آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت ها بیدار بشوند و همه دولت ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند، نجات بدهد.^۱

پس صدور انقلاب در واقع، یک نوع انتقال پیام است؛ بدین معنا که جمهوری اسلامی قصد دارد آموزه های اساسی انقلاب خود را به ملت های دیگر منتقل نماید. اما

برای اینکه این اتفاق بیفتد، باید سه عنصر در کنار هم به درستی قرار بگیرند. این سه عنصر عبارت‌اند از: پیام، پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده.

پیام، عبارت از مفاهیمی است که به دنبال انتقال آن هستیم. پیام‌دهنده یعنی مجموعه عناصری که کار انتقال پیام را انجام می‌دهند و پیام‌گیرنده، مخاطبانی‌اند که هدف پیام هستند؛ که در موضوع مورد بررسی ما جامعه عربستان مد نظر است.

ما در این نوشتار، به تفکیک به هریک از این سه حوزه خواهیم پرداخت و خواهیم کوشید که براساس اطلاعات موجود درباره جامعه عربستان و توانمندی‌های انقلاب اسلامی، این را اثبات کنیم که نیروهای انقلابی می‌توانند پیام انقلاب را تا درونی‌ترین لایه‌های فرهنگی عربستان نفوذ دهند.

حال پس از این مقدمه به اصل بحث می‌پردازیم.

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، ما برای صدور انقلاب، با یک مثلث روبه‌رو

هستیم: پیام، پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده. حال به تفکیک به این سه مقوله می‌پردازیم:

۱. پیام

مهم‌ترین ویژگی پیام‌های انقلاب اسلامی برای مردمان سایر ملل، این است که این پیام‌ها فاقد ویژگی‌های خاص ملی یا مذهبی است. این ویژگی سبب شده که این پیام‌ها قابلیت بومی‌شدن را داشته باشند؛ یعنی کسی نمی‌تواند با این استدلال که «پیام‌های صادره از سوی انقلاب اسلامی، برچسب ایرانی‌بودن یا شیعه‌بودن دارد»، آن را رد کند و از پذیرش آن سرباز زند. به عبارت دیگر پیام‌های انقلاب اسلامی، فرامذهبی و فراملی‌اند. اتحاد مسلمانان، نفی سلطه بیگانگان، توجه به شأن انسانی افراد، نفی هرگونه ظلم و تحقق عدالت، اصلی‌ترین پیام‌های فرامرزی ایران است.

۲. پیام‌گیرنده

در این نوشتار، عربستان جامعه هدف در نظر گرفته شده است که باید پیام به او منتقل شود. کلیت این جامعه، چند ویژگی دارد که عبارت‌اند از:

الف) مذهب

بیشتر مردم عربستان، تابع مذهب حنبلی هستند. مؤسس مذهب حنبلی، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی، در سال ۱۶۴ هـ.ق، در شهر بغداد زاده شد. وی نزد قاضی ابویوسف و شافعی فقه را فراگرفت و از نظر فقهی نیز تابع وی بود؛ اما بعد از وی جدا شد و مذهب جدیدی را در فقه پی نهاد. بنیادهای این فقه بر پنج اصل استوار بود: کتاب الله، سنت رسول الله ﷺ، فتاوی صحابه پیامبر ﷺ، گفته برخی از صحابی که با قرآن سازگار می‌نمود و تمام احادیث ضعیف. ابن حنبل در سال ۲۴۱ هـ.ق در بغداد درگذشت.

احمد بن حنبل، سنت را حاکم بر قرآن می‌دانست و در فتاوی خود بر احادیث و فتاوی صحابی تکیه می‌کرد. او طبق «مصلحت» فتوا نمی‌داد. آن‌گاه که نصی را رودرروی آن می‌یافت، براساس آن عمل می‌کرد و هرگاه هم نصی را در برابر مصلحت نمی‌دید، آن را مبنای حکم قرار می‌داد.^۱

احمد، حدیث مرسل و ضعیف را معتبر می‌دانست و آن را بر قیاس برتری می‌داد و کاربرد قیاس نزد او فقط در زمان ضرورت روا بود.^۲

این مذهب با رویکرد ابن تیمیه و بعدها محمد بن عبدالوهاب موجب پدیدآمدن فرقه وهابیت در عربستان سعودی گردید و اکنون بیشتر مردمان عربستان، پیرو وهابیت هستند. با توجه به نکاتی که در مورد مذهب حنبلی وجود دارد، از چند منظر می‌توان

۱. رده‌توشه حج، لاهیجی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶.

۲. فتاوی، هیئت کبار العلماء، بی‌تا، ص ۲۴۹.

اهداف صدور انقلاب را تحقق بخشید. توجه به حدیث، سیره سلف و توجه به مصلحت، اموری هستند که برای هدف ما مناسب‌اند.

اهمیت این موارد از این لحاظ است که احادیث و سیره سلف، طوری هستند که می‌توان از آنها برای اثبات سخن خویش نیز استفاده کرد؛ یعنی گاه در میان احادیث و سیره سلف می‌توان مواردی را یافت که برای دو نظر مختلف، امکان استفاده از آن وجود دارد؛ البته بزرگان، از این شیوه در مباحث اعتقادی بهره گرفته‌اند. برای مثال می‌توان به نامه‌نگاری میان آیت‌الله تسخیری و بن باز اشاره کرد که طرفین تکیه مباحث و استدلال‌ات خود را روی سیره سلف و حدیث گذاشته‌اند. اما تا کنون در آموزه‌های انقلاب، چنین کاری به صورت گسترده انجام نشده و اگر هم صورت پذیرفته، محدود بوده است. کمترین ثمره پرداختن به مفاهیم انقلاب از زاویه حدیث و سیره سلف، این است که شائبه ضددینی بودن این مفاهیم از بین می‌رود و می‌توان از آنها به عنوان آموزه‌هایی که مستند دینی دارند، یاد کرد و مطرح نمود.

نکته دیگری که در مذهب حنبلی درخور توجه است، همان موضوع توجه به مصلحت است. مصلحت، مفهوم گسترده‌ای دارد و بسیاری از مسائل تحت عنوان مصلحت قابل طرح هستند. مفاهیمی مانند وحدت مسلمانان یا نفی ظلم و نظام سلطه، مفاهیمی‌اند که ذیل مفهوم مصلحت قابل توجیه، تفسیر و دفاع هستند. برای مثال حضرت امام در پیامی، اخلال به وحدت را امری مضر برای وحدت برمی‌شمارند. ایشان می‌فرمایند:

از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمال استعمارگران در تبلیغ آن به‌پا خاسته‌اند، قومیت و ملیت است؛ و در ایران نیز دستجات محدودی دانسته یا ندانسته آن را ترویج و تأیید می‌کنند، و در سایر نقاط از تُرک و کُرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته‌اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده‌اند

و حتی به دشمنی کشیده‌اند؛ غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست؛ و ملی‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم ﷺ برخلاف آن است؛ و آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود، برخلاف اسلام و مصلحت مسلمین، و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند.^۱

به نظر می‌رسد توجه به فقه و مبانی اصولی فقه حنبلی و استخراج مواردی که می‌توان برای تحقق هدف از آن استفاده نمود، باید در اولویت قرار بگیرد.

ب) نقش پررنگ عالمان دینی در عربستان

پیوند دین با سیاست، در نظام حاکم بر عربستان، ریشه‌ای تاریخی دارد که سرآغازش به قرن دوازدهم، یعنی دوره شکل‌گیری حکومت آل سعود برمی‌گردد. در آن زمان، محمد بن عبدالوهاب، بنیانگذار وهابیت که به دلیل تعالیمش مجبور شده بود از عینه خارج شود، به‌ناچار به درعیه گریخت. امیر درعیه، محمد بن سعود، وجود شیخ را وسیله مناسبی برای دست‌اندازی به شهرهای همسایه و امتداد قدرت در نجد یافت. او به دیدار شیخ رفت و به تشویق همسرش (موضی) پیمانی با او منعقد کرد که خود و جانشینانش، پیوسته حامی و مبلغ مذهب وهابی باشند. شیخ نیز از سوی خود و اعقابش قول داد که هرگز دست از یاری و پشتیبانی سعودیان برندارند و بدین ترتیب، خاندان روحانی پر قدرتی با نام خاندان آل‌الشیخ در کنار خاندان سعودی در عربستان رشد کرد و امروزه رژیم عربستان، ثروت و امکانات گسترده‌ای را در اختیار این خاندان، برای فعالیت‌های دینی قرار داده است. هرچند بعضاً خود حکومت نیز با رفتارهای آنان

مخالف است و اقداماتی را نیز در طول سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، برای محدود ساختن این گروه و حداقل نشان دادن مخالفت خود با این گروه انجام داده است.

خانندان آل‌الشیخ، علاوه بر دراختیار داشتن پست مفتی اعظم و ریاست بر هیئت کبار العلما و کمیته پژوهش‌های علمی و افتا که مسئولیت نظریه‌پردازی‌های خرد و کلان دینی را در جامعه عربستان بر عهده دارد، تا حدود زیادی سمت نظارت بر اجرای احکام دینی را نیز بر دوش دارد. این مأموریت را ادارات شئون دینی در نهادهای حکومتی و هیئت امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه انجام می‌دهند. مسئولیت وزارتخانه‌های دادگستری، وزارت حج و شئون اسلامی و وزارت اوقاف، دعوت و ارشاد نیز با این خانندان است؛ یا نظر آنان در انتخاب وزرای این سه وزارتخانه، اثرگذار است.

خانندان آل‌الشیخ علاوه بر این فعالیت‌های اجرایی - نظارتی و سیاست‌گذاری، در جهت تحکیم پایه‌های وهابیت و گسترش آن، فعالیت‌های تبلیغی گسترده‌ای را نیز در داخل و خارج عربستان، به‌وسیله مؤسسات و مراکز بسیاری انجام می‌دهد که در این میان، رابطه العالم الاسلامی، تقریباً نقش محوری و مهمی را در ایجاد و هماهنگی بین این مؤسسات بر عهده دارد.

فعالیت‌های آموزشی و تلاش برای کادرسازی و تربیت روحانیون وهابی، بخشی دیگر از اقدامات این خانندان است.

پس به‌طور کلی می‌توان گفت که خانندان آل‌الشیخ، چهار مأموریت را برای خود تعریف کرده، با تمام توان برای انجام آن می‌کوشد:

۱. نظریه‌پردازی خرد و کلان در چارچوب تفکرات سلفی و وهابی؛

۲. تصدی پست های کلان قضایی و اجرایی در حوزه دین و نظارت بر اجرای احکام دینی در سطح جامعه؛
۳. فعالیت های تبلیغی؛
۴. آموزش و کادرسازی.

گذشته از خاندان آل شیخ که جریان جامیه را درون وهابیت شکل می دهند، جریان های دیگر وهابی نیز چون جریان اخوانی، قطبی و نوسلفی نیز هستند که هرچند با جریان آل شیخ در تضاد و تعارض اند، به محمد بن عبدالوهاب و آموزه های وی وفادارند و در افکار آنان ظاهرگرایی وجود دارد. با این حال در عربستان، عالمان دیگری نیز هستند که هرچند سنی مذهب اند، در تعالیم خویش می کوشند برخلاف رویه افراطی ظاهرگرایی وهابیت، بر جنبه های معنوی و عرفانی دین تأکید نمایند، و اتفاقاً این آموزه ها در عربستان طرف داران بسیاری دارد. نمونه این عالمان، دکتر سید محمد بن علوی المالکی^۱ است، و جالب اینکه مجالس وی در عربستان، طرف داران بسیاری داشت.

۱. این عالم اصالتاً سعودی، دکترای خود را از دانشگاه الازهر دریافت کرد. وی در سال ۱۳۹۰ استاد و مدرس رسمی در دانشکده شریعت تعیین شد و مدتی نیز رییس کمیسیون داورى مسابقات بین المللی قرآن کریم در شهر مکه بود. او در یک مبارزه علمی با وهابیان تندرو، به برداشت های نادرست آنها از مفاهیم دینی خط بطلان کشید و با پراهمین عقلی و نقلی مستند به منابع اهل تسنن، مفاهیم صحیح دینی را تبیین کرد.

آقای محمد بن علوی، بیش از شصت کتاب و جزوه تألیف کرده، که دو کتاب او، با نام های «الذخایر المحمدیه» و «مفاهیم یجب أن تصحح» در ردّ عقاید وهابیان تندرو به نگارش در آمده است. وهابیان در واکنش به آنها، کتب زیادی؛ مانند «کمال الأمة و حوار مع المالکی» و «صدّ السید المالکی» و «جلاء البصائر» نوشتند که اوج این نوشته ها کتاب وزیر اوقاف عربستان شیخ صالح آل شیخ به نام «هذه مفاهیمنا» است.

سپس مجمع علمای عربستان، در بیانیه ای از او خواست که در حضور ایشان، از نوشته های کفرآمیز و بدعت گذار خود توبه کند و آن توبه نامه از تلویزیون پخش شود؛ لیکن آقای محمد بن علوی در پاسخ، آنان را به مناظره تلویزیونی دعوت کرد که بی پاسخ ماند.

تا اینکه در سال ۱۴۰۱ آقای محمد بن علوی از سوی مجمع علمای عربستان تفسیق و تکفیر شد و هرگونه فعالیت علمی و تبلیغی او ممنوع شد و کتب او از کتابخانه ها جمع آوری گردید و منزل و مسافرت های او تحت کنترل درآمد.

وجود چنین فضایی فرصت‌های خوبی را در اختیار انقلاب قرار می‌دهد؛ یعنی هم می‌توان با توجه به بازخورد منفی رفتارها و دیدگاه‌های افراطی و خشک آل‌شیخ در حوزه زنان، ارتباطات و ابعاد روحانی و عرفانی دین، فرصت مناسبی را برای انتقال مفاهیم رحمانی شیعه و انقلاب فراهم کرد و هم می‌توان از ظرفیت عالمان سعودی غیروابسته به جریان وهابیت استفاده کرد.

البته می‌توان با بدنه عالمان و مبلغان وهابی نیز با هدف خارج کردن آنان از جریان آل‌شیخ و وارد کردن آنان به جریان نوسلفی که نگاه معتدلی به شیعه دارند و با دیدگاه‌های افراطی و تکفیری مخالف‌اند، ایجاد ارتباط و تعامل نمود. این ارتباط هم با تماس‌های تلفنی، ارسال ایمیل، ارسال نمابر و حتی گفت‌وگوهای رودررو در مناسبت‌های مختلف می‌تواند محقق شود.

ج) ساختار قبیله‌ای

قبیله در عربستان، نقش پررنگی دارد و حتی پایه بسیاری از مناسبات قدرت در این کشور، مبتنی بر روابط قبیله‌ای است. قدرت قبایل، به صورت رسمی نبوده و قانون بدون ندارد، اما به مثابه یک عامل بسیار مهم در جناح‌بندی‌های درون حاکمیت و حتی درون خاندان سعود، جلوه‌گر شده است. این وابستگی به قبیله، حتی در خاندان سلطنتی نیز مؤثر بوده است.

اگر بخواهیم نگاهی کلی داشته باشیم، قبایل مهم و اصلی عربستان امروز که به

اما او در محاصره، به فعالیت‌هایش ادامه داد. سرانجام، نویسنده در روز جمعه، هشتم ماه مبارک رمضان ۱۴۲۵ دارفانی را وداع گفت و در قبرستان ابوطالب به خاک سپرده شد.

نکته قابل توجه این است که وقتی وی از دنیا رفت، صدها هزار نفر در مراسم تشییع وی از مسجدالحرام تا جنة العلاء شرکت کردند و امیر عبدالله همراه دکتر عبده یمانی وزیر اسبق وزارت اعلام عربستان در منزل آن مرحوم حضور یافتند که مایه نگرانی علمای وهابی شد.

واسطه جمعیت زیاد خود در عرصه حیات سیاسی کشور ایفای نقش می کنند، عبارت اند از عنیزه، بنی خالد، بنی حرب، آل مره، بنی مطیر، قحطان، شمر و عتیبه. به علاوه حداقل پانزده قبیله کوچک تر نیز وجود دارند که مهم ترین این طوایف به لحاظ سیاسی، طایفه شهرنشین قریش در حجاز است که به لحاظ انتساب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سوابق تاریخی خود، از اعتبار خاصی برخوردار است. گارد ملی عربستان، اکثر افراد خود را از میان قبایل برمی گزیند و سازمان دهی واحدهای آن، بر مبنای تقسیمات قبیله ای افراد است. در مجموع، عربستان را می توان از لحاظ تقسیمات قومی و قبیله ای به چهار منطقه تقسیم کرد. این مناطق، به ترتیب میزان نقش اهالی آنها در مراکز قدرت عربستان عبارت اند از:

یک - منطقه نجد و قبایل آن که در مرکز عربستان است و خاندان سعودی هم از همین منطقه اند.

دو- منطقه حجاز و طوایف آن که اهالی شهرهای مکه، مدینه، طایف و جدّه را در برمی گیرد. حجازی ها حضور چندانی در ارکان دولتی عربستان سعودی ندارند.

سه - منطقه شیعه نشین عربستان که منطقه شرقی عربستان است. شیعیان از بدو تأسیس حکومت سعودی، به لحاظ گرایش شدید و افراطی این حکومت به وهابیت، تحت فشارهای شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته اند و هیچ گونه ابزاری برای ورود به سلسله مراتب قدرت در اختیار ندارند.

چهار- مناطق کوهستانی جنوب غرب عربستان و مجاور مرزهای یمن که شیعیان اسماعیلیه ساکن آن هستند و از نظر جمعیتی در اقلیت اند.

پادشاه و شاهزادگان تراز اول سعودی، معمولاً در اتخاذ تصمیماتی که بر سیاست ملی اثرگذار است، از سران قبایل نظرخواهی نمی کنند. به هر حال، نظرات آنان در

تصمیمات حکومتی، خصوصاً تصمیماتی که به مناطق مربوط می‌شود، تأثیر دارد. غیر از طوایف و قبایل بدوی، خاندان‌هایی بزرگ و ریشه‌دار که از دیرباز و به صورت سنتی به پیشینه بازرگانی و تجارت اشتغال دارند نیز هستند که جایگاه نسبتاً بااهمیتی در مراحل غیررسمی سیاست‌گذاری در حکومت عربستان دارند. این خاندان‌ها که ثروشان حتی گاهی به ثروت خاندان سلطنتی تنه می‌زند، عبارت‌اند از اباخشاب، القصبی، جمجوم، جفالی، کاکي، نصیف، علیان، الراجحی، آل سلیمان و بن لادن.

در زمان حکومت درازمدت ملک عبدالعزیز، خاندان حاکم، برای رفع تنگناهای مالی به این خاندان‌ها متکی بود؛ اما پس از آن که نفت به عنوان یک منبع ثابت، قابل اتکا و سرشار درآمد مطرح گردید، نوع مناسبات خاندان سلطنتی و خانواده‌های بازرگان تغییر کرد. در واقع، این خانواده‌ها مورد نیاز پادشاه نبودند؛ اما به دلیل الطافی که پیش‌تر در حق خانواده سلطنتی کرده بودند، از مزایای خاصی نظیر قراردادهای ترجیحی و مقاطعه‌کاری‌های سازندگی برخوردار شدند و پاداش خود را گرفتند. پس از شکوفایی اقتصادی عربستان بر مبنای نفت در سال ۱۹۷۳ غیر از خانواده‌های پیش‌گفته، خانواده‌های ثروتمند جدیدی نیز در عرصه اقتصاد عربستان ظاهر شدند که از این زمره می‌توان به خانواده کامل، خاشقچی و عجه اشاره کرد.

فرزندان ملک عبدالعزیز نیز پس از پدر خود، همچنان به مشورت و رایزنی با سران این خانواده‌های ثروتمند در امور مملکتی ادامه دادند، و اعضای این خانواده‌ها را در مشاغل مهم دولتی، مثل شورای وزیران و پست‌های دیپلماتیک به کار می‌گمارند.^۱ البته باید توجه داشت که توجه خاندان سعودی به قبایل، صرفاً از روی قدرشناسی نیست و گاهی با هدف جلوگیری از بحران‌های اجتماعی صورت می‌گیرد.

توجه به این نکته در مواجهه با عربستان، برای فعالان عرصه صدور انقلاب ضروری است؛ چراکه بزرگان قبیله در عربستان از یک سو با دولت در ارتباط اند و از سوی دیگر رهبری جمعیت بسیاری را بر عهده دارند. ایجاد تعامل و ارتباط با بزرگان قبایل، می تواند بسیار مفید باشد.

نقطه آغاز این ارتباط می تواند فعالیت های اقتصادی باشد. تعاملات اقتصادی با بزرگان قبایل و دعوت از آنان برای مشارکت در طرح های سودآور اقتصادی و کلاً هرگونه دادوستد اقتصادی با این افراد، نقطه شروع خوبی خواهد بود. فعالان حوزه صدور انقلاب می توانند از ظرفیت متخصصان و فعالان اقتصادی ایرانی که وارد تعامل اقتصادی با بزرگان قبایل شدند، بهره ببرند و از این طریق به داخل قبایل نفوذ کنند و فعالیت فرهنگی مطلوب خویش را انجام دهند. اقتصاد می تواند کلید نفوذ در قبایل باشد.

د) خاندان سعودی

از ویژگی های جامعه سعودی، تسلط یک خاندان بر این کشور است؛ خاندانی گسترده که جمعیتی نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ نفر را دربر می گیرد.

خاندان سعودی یک دست نیست؛ چراکه درون خاندان سلطنتی با چهار گروه روبه رو هستیم که البته این جناح بندی بیشتر ریشه قبیله ای دارد.

اصلی ترین خانواده آل سعود، آل فیصل است. اینان نوادگان عبدالعزیز، پدر بزرگ فیصل بن ترکی هستند و تعداد اعضای آن بیش از چهار هزار نفر است. مشکل این خانواده آن است که یکی از افراد اصلی، یعنی عبدالعزیز، همسران زیادی اختیار کرد که از هریک از این همسران، فرزندان متولد شد. از این زمان به بعد در خانواده آل فیصل، اصطلاح برادران تنی و ناتنی شکل گرفت و این سرچشمه بسیاری از اختلافات درون خانوادگی شد.

از زمان به قدرت رسیدن فهد در سال ۱۹۸۲، بانفوذترین شاخه آل فیصل، آل سدیری است.

خاندان آل فیصل، مهم‌ترین خاندان در خانواده آل سعود به شمار می‌آید و در خاندان آل فیصل نیز مهم‌ترین خانواده، خانواده سدیری است. دومین خاندان مهم آل سعود، آل ثنایان است. آل ثنایان به این دلیل که از متحدان نزدیک آل سدیری هستند، از جایگاه مهمی در ساختار سیاسی عربستان برخوردارند. این اتحاد و نزدیکی بدان علت است که فیصل بن ترکی، همسر خود را از آل ثنایان اختیار کرده بود. برخلاف خاندان آل فیصل که قدرت سیاسی و نظامی عربستان را در اختیار دارند، آل ثنایان جزء شاخه غیرنظامی آل سعود محسوب می‌شوند. آل ثنایان بخش دیگری از قدرت خود را از همبستگی سببی با خاندان شیخ‌الاعما اخذ می‌کند؛ زیرا این دو قبیله با یکدیگر ازدواج بین‌قبایلی زیادی صورت داده‌اند و خاندان شیخ‌الاعما در عربستان نیز صاحب نفوذ است.

سومین خاندان بانفوذ در خانواده آل سعود، خاندان آل جیلاوی است. اینان از نسل برادر فیصل بن ترکی، پدر بزرگ عبدالعزیز هستند.

چهارمین خاندان درون آل سعود، آل کبیر نام دارد. اینان برخلاف آل سدیری، آل ثنایان و آل جیلاوی که از نوادگان عبدالعزیز بودند، از نسل اولین عموزاده عبدالعزیز به نام سعود آل کبیر بودند. شاید به همین دلیل باشد که اصولاً شاهدگان این خانواده هیچ‌گاه در ردیف نامزدی برای سمت جانشینی پادشاه قرار نگرفتند.^۱

ه) احزاب سعودی

احزاب در عربستان، به مفهوم رایجش فعالیت ندارند؛ اما جریان‌های مذهبی و غیرمذهبی زیادی در جامعه عربستان وجود دارند. به‌طور خاص دو نوع گرایش لیبرال

۱. ر.ک: ساختار سیاسی قدرت در عربستان سعودی؛ دورنمای تحولات، کامران کرمی، ۱۳۸۹.

در عربستان وجود دارد:

الف) لیبرال‌های درون‌خاندان حاکم؛

ب) لیبرال‌های بیرون حاکمیت که خواستار تغییر ساختار حکومت هستند. مهم‌ترین رسانه این جریان، سایت اللیبرالیه فی السعودیه است.

در کنار این جریان‌های لیبرال، جریان‌ات مذهبی نیز در عربستان حضور گسترده‌ای دارند. به‌طور کلی می‌توان رویکردهای موجود را به دو دسته کلی سنی و شیعی تقسیم کرد که درون هر گروه، به‌ویژه در جامعه اهل سنت، جنبش‌هایی با گونه‌های مختلفی وجود دارند که در ادامه، به آنها اشاره می‌گردد.

یک - اسلام‌گرایان سنی

اسلام‌گرایان اهل سنت، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند که تقسیم آنها به سنت‌گرایان میانه‌روها و اصلاح‌طلبان، معترضین و نهایتاً جهادیون، گویا و معتبرتر است که می‌تواند از جامعیت نیز برخوردار باشد. این گروه‌ها از نهادهای وابسته به دولت تا جهاد علیه دولت را شامل می‌شوند که در ادامه این تقسیم‌بندی مطرح شده است.

اول - سنت‌گرا

منظور از اسلام‌گرایان سنتی یا وهابیت حکومتی یا وهابیت علمی، همان وهابیت مرسوم تاریخی است که تحت عنوان وهابیت کلاسیک شناخته می‌شود. این جریان اصلی، از زمان محمد بن عبدالوهاب آغاز شد و زمینه شکل‌گیری سایر شاخه‌های وهابی را فراهم کرد. از پایگاه‌های اصلی این بخش از وهابیت، می‌توان به هیئت کبارالعلماء و سازمان امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.^۱

۱. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت پیشه، ص ۲۰۰.

دوم - میانه‌رو و اصلاح‌گرا

اسلام‌گرایان میانه‌رو و از سوی دیگر اصلاح‌گرا شامل گروه‌هایی است که در ساختار سازمانی خود معتقد به رویه‌های معتدل در مواجهه با مسائل اجتماعی و حکومت هستند. به‌خصوص پس از آنکه دولت، در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ میلادی آنها را سرکوب کرد، مشی اعتراضی خود را به مشی گفت‌وگو و چانه‌زنی تبدیل کرده‌اند. جنبش‌هایی مانند الصحوه الاسلامیه با محوریت افرادی مانند سلمان العوده^۱، سفر الحوالی^۲، عائض القرنی^۳ و ناصر العمر^۴ و^۵ جماعه الدعوة با تأکید بر شعار: «ما نمی‌توانیم تنها از طریق خواندن قرآن و تاریخ در این رژیم‌های ضعیف، خود را نیرومند کنیم، بلکه مطالعه علم، و استفاده از تکنولوژی غرب علیه غرب نیز لازم است»^۶ و

۱. دکتر سلمان بن فهد بن عبدالله العوده (۱۹۵۶) از عالمان سعودی، امضاکننده بیانیه مطالبات (ایجاد تغییرات در سیاست‌های حکومت در چارچوب اسلام) است. وی علیه سیاست کشورش، در جریان جنگ دوم خلیج فارس، موضع گرفت و مدتی نیز به دلیل اظهارنظرهای سیاسی، در یکی از بازداشتگاه‌های زندانیان سیاسی حبس شد. او هم‌اکنون در چندین روزنامه عربستان مطلب می‌نویسد و سایت <http://www.islamtoday.net> زیر نظر او اداره می‌شود.

۲. دکتر سفر بن عبدالرحمن الحوالی الغامدی (۱۹۵۵) از عالمان سعودی امضا کننده بیانیه مطالبات است. وی علیه سیاست کشورش در جریان جنگ دوم خلیج فارس موضع گرفت. او نیز مدتی را در زندان گذرانده است. از او کتاب‌های فراوانی در مورد سیاست خارجی آمریکا در قبال کشورهای اسلامی منتشر شده است.

۳. عائض بن عبدالله بن عائض القرنی (۱۹۵۹) از عالمان سعودی امضا کننده بیانیه مطالبات است. وی علیه سیاست کشورش در جریان جنگ دوم خلیج فارس موضع گرفت. او نیز مدتی را در زندان گذرانده است. او از افرادی است که در شبکه‌های ماهواره‌ای مانند الرساله و اقرأ حضور فعال دارد. کتاب‌های بسیاری نیز از وی منتشر شده است. همه آثار وی در پایگاه رسمی وی به آدرس <http://www.algarne.com/> قابل دسترسی است.

۴. ناصر بن سلیمان بن محمد العمر (۱۹۵۲) از عالمان سعودی امضا کننده بیانیه مطالبات است. از وی کتاب‌های فراوانی منتشر شده است.

۵. زمن الصحوه: الحركات الاسلاميه المعاصره فی السعودیه، استیفان لاکروا، الترجمه باشراف، عبدالحق الزموری، ۲۰۱۲، ص ۷۴.

۶. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کرین، ۱۳۸۰، ص ۶۵.

همچنین کمیته دفاع از حقوق مدنی و جنبش اصلاح اسلامی (با تأکید بر اجتناب از شیوه‌های خشن و تکیه بر تبلیغات)^۱ ذیل این عنوان قرار می‌گیرند.

سوم - معترض

اسلام‌گرایان معترضه که بعضی اوقات به عنوان نوسلفی‌ها مطرح می‌گردند، بر مسائل مربوط به سرنوشت فردی، اخلاقیات و اعمال و مراسم عبادی و دینی که در تقابل با امور سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی اند، تمرکز می‌کنند و با مفهوم ملت - کشور مخالف‌اند و به دنبال نه تنها تعدیل، بلکه از بین بردن آن هستند. معترضین، همه از آموزش رسمی اجتناب می‌کنند و همه‌جا در پی آموزش دینی‌اند.

جنبش جماعة السلفية المحتسبه^۲، متأثر از دیدگاه‌های ناصرالدین الألبانی^۳ (۱۹۹۹-۱۹۰۹) یکی از این گروه‌هاست که در دهه هفتاد قرن بیستم پدید آمد؛ اما به علت افراطی بودن شدید، محو شد؛ تا اینکه در دهه نود قرن بیستم، باز به صحنه برگشت. پیروان این جنبش، این بار نام خود را طالبان علوم دینی نهادند.

۱. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، حسن گلیوند درویش‌وند، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲.

۲. الجماعة السلفية المحتسبة در میانه دهه هفتاد قرن بیستم، در مدینه منوره، بلاش جهیمان العتیبی، سلیمان بن شتیوی، ناصر الحری و سعد التیمی که متأثر از اندیشه‌های البانی بودند، به وجود آمد. این جماعت با رد تمام مذاهب فقهی از جمله وهابیت، خود را ملتزم به حدیث نبوی به عنوان تنها مصدر حقایق دینی می‌دانست. اختلاف این گروه با وهابیت در آغاز بر سر مسائل مربوط به عبادات بود. اما در گذر زمان تبدیل به یک جنبش سیاسی اجتماعی شد. اما آنچه بیش از هر چیز دیگری این گروه را معروف کرد، اشغال مسجدالحرام توسط این گروه در سال ۱۹۷۹ و بیعت اعضای این گروه با یک مهدی دروغین بود. غائله این گروه با دخالت نیروهای آل سعود پایان یافت.

۳. محمد ناصرالدین البانی سال ۱۹۰۹م. در شهر «آشکو دره»، پایتخت حکومت آلبانی به دنیا آمد. او در سن نه سالگی به همراه خانواده‌اش به دمشق رفت و تعالیم مذهب حنفی را در آن شهر فراگرفت. مطالعه آثار ابن تیمیه سبب شد که وی سخنانی تحریک‌آمیز بگوید و همین باعث شد که وی در سوریه زندانی گردد. او پس از زندان، از سوریه خارج شد و پس از سفر به چندین کشور اسلامی، سرانجام در مدینه منوره سکنا گزید. او در مورد حدیث و مسائل دینی، دیدگاه‌های خاصی داشت و این دیدگاه‌ها او را در بین وهابیت، فردی موجه کرده بود. وی در سال ۱۹۹۹ از دنیا رفت.

آنان با کناره‌گیری از مساجد و دانشگاه‌ها، در منازل خود گروه‌های مطالعات دینی تشکیل دادند. اگرچه آنان نوعاً در ریاض، و اغلب در آپارتمان‌های مشترک زندگی می‌کردند، به دلایل علمی، خود را از جامعه‌ای که آن را به گناه آلوده می‌دانستند، کنار کشیده بودند. آنان دولت را غیرمشروع، جنبش صحوة الاسلامیه را متمایل به سیاست، و جهادی‌ها را غافل از امور دینی می‌دانستند.^۱

گروه دیگری که ذیل این عنوان جای می‌گیرد، اخوان المسلمین است که متعلق به جامعه اصول‌گرایی اهل سنت است و اهداف اخوان المسلمین مصر را دنبال می‌کند. حکومت عربستان، به سبب تعارضاتی که با نظام ناصری داشت و با هدف استفاده از ظرفیت اخوان به بهانه سلاحی علیه همسایگان بعثی و ناصری خود و همچنین استفاده از دانش اعضای اخوانی که بیشترشان تحصیل کرده بودند، به آنان در این کشور اجازه فعالیت و حضور داد.^۲ زیرمجموعه دیگر، گروه اخوان است که با اخوان المسلمین تفاوت دارد. این گروه ریشه سعودی دارد و اغلب اعضای آن از جوانان تحصیل کرده و شهرنشین اند و در نتیجه، در معرض تأثیر و نفوذ غرب‌گرایی قرار می‌باشند. اما یک ویژگی برجسته آنان، بنیادگرایی اصیل آنهاست. آنان خواستار بازگشت قطعی و سازش‌ناپذیر به قرآن و سنت هستند.^۳

چهارم - جهادی

سلفیه جهادی^۴، نسبتاً پدیده سیاسی جدیدی است. ریشه‌های آن را می‌توان در

۱. اصلاحات سیاسی در عربستان، مترجم حسن یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹.

۲. الاخوان المسلمون فی الخلیج، گروه نویسندگان، ۲۰۱۲، ص ۸.

۳. منظمه الثورة الاسلامیه فی الجزیره العربیه، مترجم شاکر کسرائی، ۱۳۶۰، ص ۴۶.

۴. سلفیه جهادی، اصطلاحی است که در سال‌های پایانی دهه هشتاد قرن بیستم به وجود آمد. این جریان فکری، که خود را تابع شیوه سلف مسلمین می‌دانست، بر این باور بود که جهاد از ارکان شیوه سلف، و واجب عینی بر یکایک مسلمانان علیه دشمن اشغالگر و هر حکومتی است که شریعت اسلامی را تغییر دهد و براساس قوانین خودساخته حکومت کند یا خیلی ظالم باشد. آنان طرف‌دار جهاد مسلحانه هستند و معتقدند که تغییر اوضاع با استفاده از قوه قهریه، مناسب‌ترین به

خیزش پان‌اسلام‌گرایی افراطی در عربستان سعودی در دهه ۱۹۸۰ و مشارکت هزاران سعودی در جنگ افغانستان علیه اتحاد شوروی ردیابی کرد، که رژیم سعودی در آن زمان، آن خیزش را مورد تشویق قرار می‌داد و امور آنها را تسهیل می‌نمود. علاوه بر کمک‌های لجستیکی و مالی که دولت به مجاهدین آینده می‌کرد، نهاد دینی رسمی هم، جنگ در افغانستان را یک تکلیف جمعی برای مسلمانان اعلام نمود. القاعده نیز در همین فضا به وجود آمد و رشد کرد.^۱

به و صحیح‌ترین راه برای آزادی و حاکم کردن شریعت و تصحیح ساختارهای دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه است. بنیان‌های اولیه نظری این اصطلاح را سید قطب، سپس عاصم عبدالماجد و عصام الدین درباله و ناچ ابراهیم پایه‌گذار کردند. اما این اصطلاح را نخستین بار عبدالله عزام در سال ۱۹۸۷ به کار برد.

از نقاط مهم در تاریخ این حرکت، جنگ دوم خلیج فارس است؛ زیرا در آن برهه، حکومت آل سعود، از نیروهای خارجی تقاضا کرد برای مقابله با صدام وارد منطقه شوند. این تصمیم، یعنی کمک گرفتن از یک حکومت کافر برای جنگ با یک دولت اسلامی، که واکنش گسترده‌ای را در محافل دینی عربستان ایجاد کرد. حکومت سعودی برای پایان‌دادن به این بحران، از هیئت کبارالعلماء خواست با صدور فتوایی به این کار حکومت، شریعت بدهد؛ اما اختلاف نظر، در میان اعضای آن هیئت نیز وجود داشت و همین امر باعث شد که این هیئت نتواند نظر یکسانی بدهد. این حادثه سبب شد که تفکر سلفی جهادی، به عنوان یک استراتژی برای مقابله با حضور کفار در منطقه، نمود پیدا کند. در این میان، القاعده با توجه به سوابق مبارزاتی خود در جریان جنگ با کمونیست‌ها در افغانستان، تبدیل به نمود بارز این تفکر در جهان شد و هواداران این دیدگاه در سرتاسر جهان، گروه‌هایی مسلحانه را با این دیدگاه پدید آوردند و اقداماتی را برای ضربه‌زدن به منافع آمریکا در سرتاسر جهان انجام دادند. امروزه افرادی چون عمر عبدالرحمان، ایمن الظواهری، ابویحیی اللیبی، ابومصعب السوری، ابومحمد المقدسی و ابوقتاده الفلستانی از افراد مطرح جریان سلفی جهادی هستند. مهم‌ترین تشکیلات سلفی جهادی در جهان که در سال‌های اخیر به وجود آمدند، عبارت‌اند از: جماعه جند انصار الاسلام در سلیمانیه به رهبری ملا کریکار (اکنون از بین رفته است)، الجماعه السلفیه للدعوة و القتال (الجزایر) و الجماعه المغربیه المقاتله (این دو هم‌اکنون به شاخه‌ای از القاعده تبدیل شده‌اند)، الجماعه اللیبیه المقاتله (پس از بازنگری در اصول، شیوه نظامی را کنار گذاشته‌اند)، الجماعه الاسلامیه فی مصر، دوله العراق الاسلامیه (جزوی از القاعده شده است)، جماعه جند انصار الله (رفح و غزه) جماعه شباب المجاهدین (سومالی)، القاعده، جماعه انصار الشریعه (تونس).

این تفکر بر چند پایه استوار است که عبارت‌اند از: توحید حاکمیت، تولا و تبرا و جهاد.

۱. خشونت اسلامی و ثبات رژیم در عربستان سعودی، توماس هگامر، ص ۷۰۱.

دو - اسلام‌گرایی شیعی

گروه‌های شیعه نیز درون خود گرایش‌های مختلفی دارند که عبارت‌اند از:

اول - معترض

آغاز فعالیت اسلام‌گرایان معترض شیعی، در دهه ۱۹۷۰ بود. آنان با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران توانستند دامنه داخلی بیابند و نیروهای معترض شیعی را جذب کنند. جنبش مبلغان طلایه‌دار در قطیف، منظم الثورة الاسلامیه فی جزیره العرب و حزب‌الله حجاز، مهم‌ترین این گروه‌ها بودند.^۱ اما فعالیت آنان کمتر از دو دهه بود؛ زیرا از یک‌سو حکومت، با طرف‌داران این نگاه رفتار خشنی داشت و از سوی دیگر، جنبشی اصلاحی در میان شیعه به وجود آمد و توانست با اقداماتی، امتیازاتی را از حکومت سعودی بگیرد. این عوامل سبب شد که فعالیت جریان معترض، بسیار کم‌رنگ شود.

دوم - میانه‌رو و اصلاح‌گرا

قدرت سرکوبگری دولت سعودی در رویارویی با خیزش‌های اعتراضی اسلام‌گرایان شیعی و سنی، در دهه‌های هفتاد تا نود میلادی از یک‌سو و موقعیت مساعد منطقه‌ای از سوی دیگر، موجب شد بسیاری از این جنبش‌ها در سیاست‌های خود تجدید نظر کرده، به گفت‌وگو با حکومت بپردازند. تبدیل سازمان انقلاب اسلامی به حرکت اصلاحیه، نمونه‌ای از انعطاف در مواضع جنبش‌های شیعی بود که منجر به گفت‌وگوهای ملی با حکومت گردید.^۲

در کنار همه این جریانات، شیعیان لیبرالی نیز وجود دارند. شیعیان لیبرال سکولار، به همان میزان هم‌تایان سنی خود، اقلیتی تقریباً کوچک در جامعه شیعی هستند. گرچه

۱. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت‌پیشه، ص ۲۰۴.

۲. شیعیان عربستان، فؤاد ابراهیم، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴.

از میان آنها برخی همچون نبیل الخنیزی توجه‌های ملی و بین‌المللی را به خود جلب کرده‌اند، به‌طور کلی از نفوذ حاشیه‌ای برخوردارند.
با این حجم گسترده از جریانات دینی و مذهبی و غیر مذهبی در فضای عربستان، امکان برقراری ارتباط با برخی از این گروه‌ها وجود دارد.

(و) بافت جمعیتی جوان

اوضاع روز جهانی سبب شده است که جوان سعودی، مطالبات و خواسته‌هایی مانند هم‌سن و سالان خود در گوشه کنار دنیا داشته باشد. دولت سعودی نیز متناسب با این نیاز و با توجه به دیگر شرایط خاص این کشور، زیرساخت‌ها و فضاهایی را برای پاسخ‌گویی به این نیاز ایجاد کرده است که ما در ذیل سه عنوان، بدان می‌پردازیم:

یک - تحصیل

در دو دهه اخیر، سوادآموزی در عربستان و اقبال مردم به مدارس و دانشگاه‌ها رشد چشمگیری داشته است. میزان بی‌سوادی طبق آمارهای رسمی، به نه درصد و غیررسمی به چهارده درصد رسیده است. در حال حاضر، بیش از شش میلیون از جمعیت جوان عربستان در مدارس، و بالغ بر ششصد هزار نفر نیز در دانشگاه‌ها به تحصیل اشتغال دارند و حدود صد هزار نفر از جوانان این کشور در خارج تحصیل می‌کنند. مدارس این کشور به دخترانه و پسرانه و با دو مدیریت جداگانه تقسیم می‌شود. بسیاری از معلمان مدارس، به ویژه اساتید دانشگاه‌های این کشور، از شهروندان دیگر کشورها به‌ویژه مصر و سودان هستند.

هشت دانشگاه دولتی در عربستان فعالیت دارد. گفتنی است که مهم‌ترین آنها دانشگاه ملک سعود ریاض و دانشگاه ملک عبدالعزیز جده است که دانشکده‌های زیادی دارد. برخی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عربستان، مثل دانشگاه نفت و معدن

ملک فهد در جده، در رشته‌های تخصصی فعالیت دارند. در سال‌های اخیر، عربستان اجازه داده است که مدارس و دانشگاه‌های غیرانتفاعی هم در این کشور شروع به فعالیت نمایند.^۱

دو- تفریح

مردم عربستان، به ویژه جوانان برای تفریح دچار محدودیت‌هایی هستند. برای مثال، اکران فیلم در سینماهای عربستان سعودی، به دلیل آنکه تصور می‌شد برخلاف قوانین اسلامی است، در اوایل ۱۳۵۸ ممنوع شد، و اولین سالن سینما سال ۱۳۸۴ که فقط به اکران فیلم‌های کارتونی برای زنان و کودکان اقدام می‌کند، در یک هتل در ریاض آغاز به کار کرد. فیلم‌های تولیدی عربستان نیز فقط در جشنواره‌های خارجی اجازه اکران دارند. گذشته از سینما، ورزش نیز در عربستان، دست کم برای بانوان با محدودیت روبه‌روست. دیده‌بان حقوق بشر، در گزارش سالانه خود آورده است:

میلیون‌ها دختر سعودی از ورزش کردن در مدارس منع می‌شوند و شرکت زنان در ورزش‌های گروهی نیز ممنوع است. دسترسی به امکانات ورزشی، از جمله ورزشگاه‌ها و استخرهای شنا نیز برای زنان ممکن نیست.^۲

با این حال، فوتبال در عربستان طرفداران بسیاری دارد و عربستان در مسئله فوتبال، شدیداً در جست‌وجوی یافتن جایگاه جهانی و جلب توجه افکار عمومی است؛ به طوری که برای برگزاری مسابقات بین‌قاره‌ای در سال ۷۶، تنها دو میلیون دلار جایزه تیم‌های اول تا چهارم این مسابقات می‌شد که تماماً توسط عربستان پرداخت گردید.^۳

۱. آشنایی با عربستان، عبدالله نصیری، ۱۳۸۶، ص ۵۵.

۲. پایگاه خبری آوا پرس.

۳. الاخوان المسلمون فی الخلیج، ص ۲۰۷.

سه - ارتباطات

با اینکه سینما در عربستان با محدودیت روبه‌روست، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت در عربستان بسیار طرف‌دار دارد. آمارها نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. براساس آمار سایت «Internet World Stats» تعداد کاربران اینترنت در عربستان تا سال ۲۰۱۰ میلادی، سیزده میلیون نفر تخمین زده شده است و ضریب نفوذ اینترنت در عربستان ۷/۴۹ درصد است. تعداد کاربران عضو فیس‌بوک نیز حدود شش میلیون نفر است.^۱

با توجه به این نکته و انبوه تالارهای گفت‌وگو و سایت‌هایی نظیر فیس‌بوک و... امکان ارتباط با بدنه جوان سعودی به راحتی وجود دارد.

در ارزیابی نهایی می‌توان گفت که راه‌های ارتباطی با جامعه سعودی، فراوان است و البته، مواجهه و تعامل با این جامعه، حساسیت و ظرافت بالایی را می‌طلبد. موقعیت مالی مناسب، مذهب خاص و اوضاع ویژه فرهنگی، اجتماعی و دینی تا حدودی سبب شده است که مردم عربستان خود را در موقعیت برتری نسبت به دیگر مسلمانان بدانند. این امر، تا حدودی کار را دشوار می‌کند؛ اما موقعیت‌های مناسبی را نیز فراهم می‌آورد. شاید به دلیل همین حس باشد که برخی از مشاغل در عربستان، چندان طرف‌دار ندارد و همین نکته، فضا را برای نفوذ در جامعه عربستان فراهم می‌کند.

۳. پیام‌دهنده

در بخش پیش تا حدودی با پیام‌گیرنده آشنا شدیم. هدف ما این بود که هم با برخی از مشخصات جامعه سعودی آشنا شویم و هم بتوانیم سرشاخه‌های مناسبی را برای ارتباط بیابیم و معرفی کنیم.

حال در این بخش، به این موضوع می‌پردازیم که انتقال پیام از سوی چه کسانی و

۱. پایگاه اینترنتی شمال و ولد استیت.

با چه امکاناتی می‌تواند صورت پذیرد. شاید برخی از این عناوین، در نگاه نخست، ارتباط مستقیمی با بحث صدور انقلاب نداشته باشد؛ اما ما برای انتقال پیام انقلاب، ناگزیر از برقراری ارتباط هستیم. این ارتباط یا به صورت فیزیکی است؛ یعنی یا عناصر متدین و انقلابی تحت عناوین گوناگون در آن سرزمین حضور یابند، یا مردمان آن سرزمین به بهانه‌ها و عناوین مختلف به ایران بیایند، یا به صورت مجازی است. ما در این بخش، به زمینه‌های می‌پردازیم که برقراری این ارتباط را محقق می‌سازد:

الف) اهل سنت ایران

اهل سنت ایران جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند که به‌رغم تلاش دشمن، طی سال‌های پس از انقلاب برای جداکردن آنان از صف نظام، دلباخته انقلاب و رهبری هستند و در مواقع بحرانی، مانند جنگ یا ناآرامی‌های کردستان، وفاداری خود را به نظام ثابت کرده‌اند. اهل سنت، به‌ویژه عالمان آنان می‌توانند از بهترین کانال‌های ارتباطی باشند؛ چراکه با مردم عربستان و عالمان آن سرزمین، قرابت مذهبی بیشتری دارند و اگر احیاناً نگاه منفی به شیعیان ایرانی وجود دارد، درباره آنان از حیث شیعه‌بودن، حساسیتی نیست و نوعی اشتراک مذهبی بیشتر بین آنان و عالمان و مردمان عربستانی وجود دارد.

ب) افغانی‌های مقیم ایران

با آغاز تهاجم شوروی به خاک افغانستان، زیادی افغانی‌های زیادی به کشور ما مهاجرت کردند و در بسیاری از شادی‌ها و غم‌ها در کنار هم کیشان ایرانی خود بودند. بسیاری از آنان در داخل ایران، در حوزه یا دانشگاه تحصیل کردند و مدارج علمی را پیمودند و برخی از همین دانش‌آموختگان، اکنون در افغانستان در پست‌های مهم به کار مشغول‌اند. این همه فرد تحصیل کرده که از امکانات جمهوری اسلامی بهره بردند، می‌توانند

به عنوان بازوهای فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در عربستان فعالیت کنند. اهمیت این گروه بدین سبب است که افغانی‌های بسیاری در عربستان، به کار و زندگی مشغول‌اند. می‌توان با به‌کارگیری افغانی‌های مقیم ایران، از آنان خواست که با هم‌وطنان خود در عربستان ارتباط برقرار، و سخنان خود را به آنان منتقل کنند. افغانی‌های مقیم عربستان می‌توانند پل رابطی برای انتقال مفاهیم مد نظر انقلاب به درون خانه عربستان باشند.

ج) عرب‌زبانان

ابزار مهم در ارتباط با مردم عربستان، زبان است. البته فقط دانستن زبان کافی نیست، بلکه رشد و پرورش در یک محیط عربی و آشنایی با رسم و رسوم ویژه عرب‌ها و قواعد حاکم بر قبیله و ارتباطات درون قبیله‌ای در ایجاد ارتباط مؤثر است و افرادی که در خوزستان زندگی کرده‌اند، بیشتر با این فضا آشنا هستند. استفاده از ظرفیت اندیشمندان و نخبگان عرب‌زبان ایرانی، برای ایجاد ارتباط و تعامل، مناسب است.

د) حوزه‌های علمیه

نقاط تقابل بسیاری بین ایران و عربستان هست که بیشتر آنها ریشه در مسائل مذهبی دارد. بسیاری از این تقابل‌ها به دلیل وجود سوءتفاهم‌هایی است که وجود دارد. این سوءتفاهم‌ها باید برطرف شود تا فضای ارتباط و تعامل ایجاد گردد. در گذشته نیز چنین ارتباطاتی وجود داشته است و عالمان یک مذهب اسلامی نزد عالمان یک مذهب دیگر تحصیل می‌کردند و گاه کتاب‌های یکدیگر را نقد می‌کردند. در سایه همین نقد و ابرام‌ها و حضور در مجامع علمی یکدیگر، هم علوم رشد می‌کرد و هم سوءتفاهم‌ها برطرف می‌گردید. حوزه‌های علمیه در روزگار کنونی، می‌توانند این نقش فراموش شده را احیا کنند؛ یعنی متولیان حوزه علمیه باید با مراکز علمی وهابی در عربستان دست به تعامل علمی بزنند. این تعامل علمی می‌تواند به گونه‌های مختلف تحقق پیدا کند. ایجاد کرسی

شیعه‌شناسی در عربستان و کرسی وهابیت‌شناسی در حوزه علمیه قم، اعطای فرصت‌های مطالعاتی متقابل، اهدای کتاب به مراکز علمی عربستان و بالعکس، شرکت در همایش‌های بین‌المللی در عربستان و بالعکس و ارائه مقالات، توجه فعالانه به مناظره‌های مکتوب و احیای سنت نقد، بخشی از شیوه‌هایی است که حوزه‌های علمیه باید بدان توجه داشته باشد.

ه) دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

عربستان در بخش‌های مختلف آموزشی خود با کمبود استاد و کادر علمی قوی مواجه است و اکنون، این نیاز را از کشورهای دیگر تأمین می‌کند. با توجه به رشد قابل توجه علمی ایران در سال‌های اخیر، ایران می‌تواند این نیاز را برطرف کند و علاوه بر این، ایران با برخورداری از مراکز علمی معتبر فراوان می‌تواند پذیرای دانشجویان عربستانی باشد. هزینه پایین تحصیل در ایران و اعتبار و سطح بالای علمی ایران، می‌تواند مشوق خوبی برای دانشجویان سعودی برای تحصیل در ایران باشد. علاوه بر این، فاصله نزدیک این دو کشور با هم و قرابت‌های فراوان تاریخی و فرهنگی می‌تواند میزان علاقه‌مندی را برای تحصیل در ایران افزایش دهد.

و) وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

نیازهای عربستان در حوزه سلامت و بهداشت سبب شده است که این کشور برای رفع این نیازها اقدام به جذب متخصصان از کشورهای مختلف کند. برخی از شرکت‌های بین‌المللی نیز با درک این نیاز، اقدام به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای عربستان کرده‌اند که از جمله می‌توان به شرکت چینی «هنان» اشاره کرد.

با توجه به این نیاز عربستان و با توجه به توان پزشکی بالای ایران و نیروهای متخصص و کارآمد ایرانی، وزارت بهداشت می‌تواند از این فرصت استفاده کند و اقدام به اعزام نیروی پزشکی به عربستان نماید.

ز) وزارت ورزش و جوانان

همان طور که گفته شد، جوانان بخش زیادی از جامعه عربستان را تشکیل می دهند و همین امر، فرصت های زیادی را در اختیار وزارت ورزش و جوانان قرار می دهد. ارتباطات ورزشی، بخشی از این فرصت هاست. حضور بازیکنان ایرانی در تیم های سعودی و دعوت از بازیکنان سعودی برای حضور در تیم های ایرانی، فرصتی را برای تعامل و انتقال پیام ایجاد می کند. علاوه بر آن، ایجاد انجمن های دوستی میان جوانان ایرانی و سعودی و فعال کردن سمن های علاقه مند به این کار و حمایت از آنان، ضمن آنکه کار را از دولتی و حکومتی بودن خارج می کند، منجر به ایجاد ارتباط با بخش مؤثر جامعه سعودی می شود.

ح) سازمان گردشگری و میراث فرهنگی

نیاز به تفریح در میان مردم عربستان وجود دارد، و ایران نیز از ظرفیت های بسیاری برای پذیرش گردشگر برخوردار است. بخشی از این جاذبه ها عبارت اند از:

اول - جاذبه پزشکی: ایران مراکز مجهز پزشکی دارد و از کادر متخصص درمانی برخوردار است و می تواند مقصد بیماران خارجی برای درمان باشد. چشمه های معدنی و در کنار آن، سابقه طولانی طب سنتی و حضور پزشکان حاذق در این طب، ظرفیت عظیمی را ایجاد کرده است.

دوم - جاذبه طبیعی: وجود کوهستان های زیبا و سر به فلک کشیده، جنگل های زیبا، مراتع چشم نواز، رودخانه های خروشان و آبشارهای فرح بخش، باغ های پرمیوه و ییلاق های سرسبز، دریاچه های پرموج و تفرج گاه های روح پرور، استخرها، آسیاب ها و روستاهای دل انگیز، همه و همه فضایی خاطره انگیز و دلربا برای ساکنان سرزمینی است که بیش از هر چیز دیگر، چشمشان به بیابان های خشک عادت کرده است.

سوم - گردشگری دریایی: با اینکه عربستان خود وصل به دریاست، سواحل و جزایر

ایرانی، هم ابعاد گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری دارد و هم از جذابیت بالای توریستی برخوردار است. امروزه در بیشتر کشورهای دنیا توجه به تورهای دریایی، حمل‌ونقل دریایی، ورزش‌ها و تفریحات آبی، غواصی و سایر سرگرمی‌های مرتبط با ساحل و فراساحل، در صدر برنامه‌های گردشگری قرار دارد.

چهارم - گردشگری مناسبی: برخی از کشورها، با ایجاد جذابیت‌های لازم، برخی از مناسبت‌های دینی را به فرصتی برای جذب گردشگر تبدیل کرده‌اند. برای مثال، جشنواره‌های رمضان، که چند سالی است به میزبانی شهرهای کشورهای مسلمان باب شده، پذیرایی از گردشگران با منوی «غذاهای ویژه رمضان» و به راه انداختن جشنواره‌های متنوع، از جمله جشنواره‌های خرید و سرگرمی، از برنامه‌هایی است که برای گردشگران تدارک دیده شده و تا هنگامه سحر ادامه می‌یابد. ارائه تخفیفات ویژه از هتل گرفته تا خدمات حمل و نقل و برگزاری جشنواره‌ها از دیگر راه‌های جذب گردشگران است که کشورهایی چون امارات، ترکیه و مالزی این شیوه را آزموده‌اند. حتی کشور مصر نیز تا چندی پیش از تحولات سیاسی در این کشور، جشنواره‌های ویژه ماه رمضان بر پا می‌کرد و به نتایج موفقیت‌آمیزی رسید. ایران نیز می‌تواند از این فرصت و دیگر مناسبت‌های مذهبی استفاده کند.

پنجم - جاذبه‌های تاریخی: ایران جاذبه‌های تاریخی بسیاری دارد که مربوط به ادوار مختلف تاریخی پیش از اسلام و پس از آن است، و این جاذبه‌ها می‌تواند بخشی از مردم را جذب کند.

ط) بخش‌های اقتصادی

ارتباطات اقتصادی، همواره با خود ظرفیت تعامل فرهنگی نیز داشته است. ثروتمندان عربستان، به دنبال سرمایه‌گذاری و افزایش دارایی‌های خود هستند و این

هدف، می‌تواند به دست متخصصان خبره ایرانی، در بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی تحقق یابد. ایران از ظرفیت مهندسی بالا در صنایع مربوط به نفت و کشاورزی و معدن برخوردار است و توان پاسخ‌گویی به این بازار را دارد.

ی) فضای مجازی

همان‌طور که اشاره شد، اینترنت در عربستان از ضریب نفوذ بالایی برخوردار است و بیشتر سایت‌ها در عربستان در دسترس است. همین امر، بستر مناسبی را برای ایجاد ارتباط فراهم می‌کند. یکی از این بسترها، شبکه‌های مجازی است. فضایی مانند فیس‌بوک، با جذابیت‌های خاص خود، کارکرد رسانه‌ای گسترده‌ای دارد؛ زیرا به طور هم‌زمان چندین نقش را ایفا می‌کند که عبارتند از:

- جریانی آسان، به‌روز و کم‌هزینه برای برقراری ارتباط مردم با یکدیگر ایجاد کرده است؛
 - ارتباطی واقعی است که همچون تلویزیون، رادیو و مطبوعات، از مجرای یک واسطه صورت نمی‌گیرد؛

- همه کاربران می‌توانند در انتقال اخبار و ایده‌ها مشارکت داشته باشند؛
 - ویدئوها و تصاویر زیادی از رویدادها و اخبار، به صورت آنلاین در اختیار مردم قرار می‌گیرد و در نهایت، جایی برای هدایت افکار عمومی، از طریق ارائه اخبار گزینشی از سوی منابع رسمی وجود ندارد.
 در کنار شبکه‌های اجتماعی نباید از تأثیر تالارهای گفت‌وگو و وبلاگ‌ها نیز غافل شد.

ک) رسانه‌های عربستان

همان‌طور که گفتیم، در عربستان گروه‌های مختلفی با سلیق مختلف، حضور دارند. این گروه‌ها هر یک دارای رسانه‌اند که می‌توان از این رسانه‌ها استفاده کرد. ارسال مقاله و یادداشت



برای چاپ در روزنامه‌های آنان یا برقراری تماس با رادیو و تلویزیون‌های سعودی و برقراری ارتباط با نویسندگان فعال سعودی، می‌تواند در تحقق هدف ما مؤثر باشد.

نتیجه

عربستان ظرفیت بالایی برای پذیرش پیام‌های انقلاب دارد و افراد اثرگذار در جامعه عربستان نیز بسیارند که می‌توان با آنان ارتباط برقرار کرد. خاندان بیست هزار نفری آل سعود، بزرگان و افراد متنفذ قبایل، فعالان عرصه اقتصادی، عالمان و طلاب دینی، مراکز دانشگاهی، نخبگان و فعالان رسانه‌ای همه می‌توانند کانالی برای ارتباط باشند. پیام‌های انقلاب در زمینه معنویت و عرفان، حقوق زنان، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و نفی نظام سلطه، همگی برای جامعه عربستان که سال‌ها از این مسائل محروم نگه داشته شده‌اند، جذاب است و مسلماً با استقبال عمومی روبه‌رو می‌شود. بی‌تردید طرح این مطالب، با استفاده از پشتوانه دینی مورد پذیرش در عربستان، این جذابیت را افزایش خواهد داد. البته دشواری‌ها و موانعی نیز در این مسیر وجود دارد که با درایت و صبر حل‌شدنی است. شتاب‌زدگی، تکیه بر مسائل تفرقه‌افکنانه، تکیه بر آموزه‌های خاص شیعه، در نظر نگرفتن آداب و رسوم و هنجارهای جامعه سعودی، ایجاد ارتباط با اپوزیسیون سعودی، بخشی از آفاتی است که متصدیان و علاقه‌مندان به صدور انقلاب باید بدان توجه داشته باشند.

منابع

۱. آشنایی با عربستان، عبدالله نصیری، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۲. الإخوان المسلمون فی الخلیج، گروه نویسندگان، مرکز المسبار للدراسات و البحوث، دبي، الإمارات العربیه المتحدہ، ۲۰۱۱.
۳. اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی، مترجم محسن یوسفی، مؤسسه ابرار معاصر تهران، فروردین ۱۳۸۶.
۴. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت‌پیشه، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۵. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۰.
۶. حج ۲۵ (گزارشی از حج‌گزاری ۱۴۲۵ ق: ۱۳۸۳ ش)، رضا مختاری، نشر مشعر، ۱۳۸۳.
۷. حکومت، جامعه و اقتصاد در عربستان سعودی، تیم نیبلاک، نیویورک، انتشارات سنت مارتین، ۱۹۸۲.
۸. خشونت اسلامی و ثبات رژیم در عربستان سعودی، توماس هگامر، امور بین‌الملل، ۲۰۰۸.
۹. ره توشه حج، لاهیجی و دیگران، ج ۱، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۱۰. زمن الصحوه: الحركات الاسلاميه المعاصره فى السعوديه، استيفان لاکروا، الترجمة بإشراف، عبدالحق الزمورى، الطبعة الأولى، بیروت، ۲۰۱۲.
۱۱. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، حسن گلیوند درویش‌وند، تهران، دانشکده وزارت خارجه، ۱۳۷۶.
۱۲. ساختار سیاسی قدرت در عربستان سعودی: دورنمای تحولات، کامران کرمی، تهران، مرکز



مطالعات بین‌المللی صلح، ۱۳۸۹.

۱۳. شیعیان عربستان، فؤاد ابراهیم، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، تهران، مؤسسه ابرار

معاصر، ۱۳۸۶.

۱۴. صحیفه امام، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.

۱۵. فصلنامه میقات حج، گروه نویسندگان، سال ششم، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۷۶.

۱۶. منظمه الثورة الاسلامیه فی الجزیره العربیه، مترجم شاکر کسرای، قیام کعبه سراغاز خونین، تهران،

انتشارات نو، ۱۳۶۰.

۱۷. هیئت کبار العلماء، فتاوی، مکتبه التراث الاسلامی، القاهره (بی‌تا).

18. <http://avapress.com/vdcceoq0.2bq1s8laa2.html>

19. <http://www.internetworldstats.com/middle.htm#sa>

فرصت ها و چالش های موسم حج برای صدور گفتمان انقلاب اسلامی در جهان اسلام با تاکید بر اندیشه مقام معظم رهبری

علیرضا دانشیار^۱

چکیده

حج از محل های محوری برای عرضه گفتمان انقلاب اسلامی است که همواره در کانون توجه رهبران انقلاب، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری بوده است. از این رو همواره باید فرصت ها، تهدیدها، ضعف ها و قوت های گفتمان انقلاب اسلامی در حج و در سطح جهان اسلام، رصد واقعی شود. مهم ترین فرصت های جمهوری اسلامی، در عرصه فرهنگی - سیاسی در حج، عبارت اند از: تقویت گفت و گو، تقریب مذاهب، وحدت محوری، دیپلماسی فعال و... و در مقابل، چالش های گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگی - سیاسی در حج که عبارت اند از: تشدید اختلافات مذهبی - فرقه ای و عدم تحمل تبادل و گفت و گوی فرهنگی - عقیدتی، عدم

دیپلماسی فعال در عرصه سیاسی، جداسازی مضمون سیاسی از حج، حمایت حکومت سعودی از گروه‌های وهابی و تکفیری و تشدید تبلیغ علیه آموزه‌های تشیع و جمهوری اسلامی و

مقدمه

از وجوه مهم و اثرگذار عرصه حج برای انقلاب اسلامی و به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه به فرصت‌ها و چالش‌هایی است که موسم حج می‌تواند در برداشته باشد. این فرصت‌ها و چالش‌ها در بخش‌های مختلف و وسیعی، قابلیت بررسی و دقت دارد. از آن رو که حج به عنوان یک پدیده مذهبی - سیاسی، همواره کانون توجهات بوده است، باید دید تا چه اندازه گفتمان انقلاب اسلامی، با توجه به ماهیت اصلاح و تغییرطلبی خود توانسته برای خود فرصت، و تا چه اندازه تهدیدها و چالش‌هایی ایجاد نموده است. از این رو متغیرهای اثرگذاری و اثرپذیری در سطح جهان اسلام که به طور مشخصی منشأ سیاسی - مذهبی پیدا کرده است، به عرصه‌ای برای اعتراض و تعارض گفتمانی بدل شده که در برخی از برهه‌ها شدت و ضعف داشته، و ادبیات سیاسی بازیگران اثرگذار، هر ساله یا هر دوره در حج، به میزان قابل توجهی در کاستن یا افزودن به «تعارض گفتمانی» کمک کرده است. از سوی دیگر، اقدامات و عملکرد هریک از بازیگران، به میزان قابل توجهی در برانگیختن احساسات متعصبانه دو طرف، نقش داشته است. در راهبردهای اتخاذی جمهوری اسلامی که در پیام‌ها و بیانات امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری انعکاس یافته است، علاوه بر جنبه‌های فردی - اجتماعی حج، بر بعد سیاسی حج نیز تأکید ویژه‌ای شده و این بعد، یکی از کانونی‌ترین بحث‌ها در حج بوده است. باید دید انقلاب اسلامی ایران، حامل چه پیامی است که فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورد. از سویی، باید به «شنوندگان» پیام جمهوری اسلامی نیز دقت کرد که چه

برداشتی از پیام انقلاب می‌توانند داشته باشند و می‌توان «حج» را بهترین مجرای اعلام و ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به شمار آورد. نکته‌ای که همواره باید به آن توجه شود این است که «بازخورد» پیام‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی تا چه اندازه است و «مداخله»‌ها و کارشکنی‌ها برای نرسیدن پیام انقلاب اسلامی تا چه حدی می‌تواند بر صدور انقلاب اسلامی مؤثر واقع شود؟ باید بتوانیم در نوع نگاه به معنای صدور، بازنگری ایجاد کنیم و وجوه آگاهی‌سازی و عقلانیت‌محوری را در سطح جهان اسلام انتشار دهیم و مانع از نفوذ جریان‌های معاند و متحجر و عقل‌گریز شویم. هر آنچه ما در نظر خویش فرصتی برای خود تلقی می‌کنیم، در اصل تهدیدی علیه جبهه مقابل است و از سوی دیگر تهدیدهای مقابل علیه ما نیز فرصتی در دست رقیب یا دشمن ما تلقی می‌شود. این نکته باید دائم در رصد گروه‌های فکری باشد و باید بتوان همواره درباره حوادث اتفاقی و تهدیدها و فرصت‌های پیش‌رو یا پیش‌آمده درکی عینی و واقعی به وجود آورد. این تحقیق، برای بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی گفتمان انقلاب اسلامی در حج، از مدل «SWOT» بهره می‌برد که قوت^۱، ضعف^۲، فرصت^۳ و تهدیدهای^۴ پیش‌رو را در مدیریت استراتژیک بررسی می‌کند. در اصطلاح، این مدل، فرایند شناسایی را بررسی، و ارزیابی متغیرهای مؤثر و بالقوه داخلی و محیطی را تجزیه و تحلیل می‌کند.

قبل از بررسی فرصت‌ها و چالش‌های حج، ابتدا باید گفتمان‌های حاکم در سطح جهان اسلام را بررسی کرد که بر جریان‌ها و گروه‌های همسو اثرگذارند؛ به‌طورکلی دو نوع گفتمان در این زمینه وجود دارد:

1. S: strength.

2. W:Weakness.

3. O: opportunity.

4. T:Threat.

۱. گفتمان طرفدار وضع موجود به نمایندگی عربستان؛
۲. گفتمان انقلابی خواستار اصلاح و تغییر به نمایندگی ایران.

گفتمان‌های اثرگذار حج

۱. گفتمان طرفدار وضع موجود و مخالف تغییر و اصلاح

عربستان سعودی در صدر کشورهای مخالف تغییر و اصلاح قرار دارد. عربستان از کشورهای عربی خاورمیانه است که نظام سیاسی بسته پادشاهی و مبتنی بر عقاید وهابی و اقتصاد نفتی دارد. عربستان سعودی با استفاده از درآمدهای نفتی و ایدئولوژی وهابیت، به عنوان مبنای مشروعیت رژیم سیاسی خود، نظارت و هدایت کامل جامعه و گروه‌های اجتماعی را در دست گرفته و کوشیده است با کسب مشروعیت سیاسی، این تصور را نهادینه کند که حکومت، حق تاریخی سعودی‌هاست.^۱ این سرزمین، با در اختیار داشتن خانه خدا در مکه و مسجد و قبر پیامبر ﷺ در مدینه، کانون تقدیس و توجه همه مسلمانان جهان است. این موقعیت‌ها، در کنار درآمد مستمر و فزاینده نفتی عربستان، قدرت، ثروت و رفاه چشمگیری برای دولت و ملت عربستان فراهم آورده است. از این رو ثروت نفتی و مرکز اسلامی بودن، به لحاظ محل واقع شدن کعبه و قبر پیامبر ﷺ، مهم‌ترین سرمایه این کشور است تا امنیت خود را در منطقه حفظ کرده و تا حدودی در جهان عرب و دنیای اسلام، خواهان و مدعی رهبری و مرکزیت باشد.^۲ از سویی دیگر، ساختار سیاسی حاکم بر اغلب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، در طیف هم‌گرایان با غرب قرار داشته‌اند و همواره برای زدودن حساسیت‌های غرب از خود کوشیده‌اند. از این رو ایالات متحده و اتحادیه اروپا، ضمن برخورداری از مزایای

۱. چهره جدید امنیت در خاورمیانه، مارتین لی نور جی، ۱۳۸۳، ترجمه: قدیر نصری، صص ۷۸ و ۷۹.

۲. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، ۱۳۸۶، محمدباقر حشمت‌زاده، ص ۹۱.

ناشی از ارتباط وسیع با حاکمان منطقه و به پیش‌بردن سیاست‌های خویش، با احتمال روی‌کار آمدن اندیشه‌ها و تفکرات متعارض در این کشورها مواجه نبوده‌اند. این طیف می‌کوشند با استفاده از ابزارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اهداف مهم ایالات متحده و غرب، از جمله به قدرت رسیدن عناصر همسو با غرب، حفظ منافع حیاتی غرب در کشورهای منطقه، به انزوا کشاندن و جلوگیری از توسعه و نشر اندیشه و ایدئولوژی اسلام سیاسی و حفظ امنیت و ثبات رژیم صهیونیستی را تأمین کنند و نیز اهداف سلطه‌گرایانه خویش را محقق سازند.^۱

این کشورها دخالت دادن امور سیاسی را در حج نپذیرفتنی می‌دانند و سیاست‌های آنان، همواره در تعارض جدی با سیستم‌هایی است که خواهان اصلاح وضعیت موجود جهان اسلام است. از اقداماتی که در راستای حفظ وضع موجود و ترس از به خطر افتادن مشروعیت نظام پادشاهی عربستان است، می‌توان به مسئله برائت از مشرکین در حج و نیز فجایع و جنایاتی که علیه مسلمانان، به ویژه حجاج ایرانی در سال ۱۹۸۷ صورت گرفت، اشاره کرد.^۲

۲. گفتمان خواستار اصلاح و تغییر

گفتمان فربود، شامل اصلاح و تغییر وضع موجود به وضعیتی بهتر است و عملکرد سایر گفتمان‌ها مانند گفتمان وهابیت را با نقد و چالش مواجه کرده است. در رأس این گفتمان، جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. الگوی سیاسی - اسلامی مطرح شده از سوی ایران و روش‌های فرهنگی - هویتی، با تأکید بر وجه سیاسی اسلام، از موارد اثرگذاری گفتمان اصلاح و تغییر است؛ زیرا مزیت‌ها و نقاط قوت و ضعف ایران، اغلب بر دو محور متمرکز

۱. تأثیر بیداری اسلامی بر گفتمان جدید قدرت منطقه‌ای، سعدالله زارعی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴.

۲. ر. ک: فاجعه مکه یک فاجعه دیگر از تاریخ تنفر، مارتین کریمر، صص ۱۱۴-۱۲۰؛ یا روزنامه اطلاعات ۱۱/۵/۱۳۶۶.

شده: یکی مبارزه با سلطه‌گری و دوم هویت‌گرایی اسلامی که به نحو بارزی این ویژگی‌ها در مواضع ایران، در طول سالیان، در حج تبلور یافته و جریان رو به رشدی داشته است. علاوه بر این، ایران قدرت منطقه‌ای و دارای برخی ویژگی‌های جهانی است که در کل جهان بازتاب پیدا می‌کند که با برخورداری از ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیک، ژئوآنومیک و ژئوکالچر، یک کشور مؤثر بین‌المللی و بسیار فراتر از یک کشور منطقه‌ای عمل می‌کند. راهبردهایی که ایران به وسیله حج در پی دستیابی به آن است، عبارت‌اند از:

الف) مبارزه با سلطه‌طلبی و اقتدارگرایی مستکبرانه غرب در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛

ب) همسویی با اصلاح‌تغییر در ساخت سیاسی قدرت و پیامدهای بیداری کشورهای مسلمان و نفی استبداد همسو با غرب؛

ج) تلاش برای شکل‌گیری گفتمانی جدید مبتنی بر گفتمان مقاومت اسلامی و شکل‌گیری نظامی بین‌الملل اسلامی.

این شکل از گفتمان خواستار اصلاح و تغییر، کشورهای نظیر عربستان سعودی را که خود را پاسدار اماکن مقدس اسلامی و یک دولت سنی به تمام معنا می‌داند و از بابت گسترش آموزه‌های دموکراتیک در این منطقه بیمناک است و روند مردم‌سالاری دینی را در منطقه تقبیح، و همواره از نیروهای اسلامی بنیادگرای سنی به شکل وزنه‌ای علیه ایران استفاده می‌کند، به وحشت انداخته است.^۱

فرصت‌های موسم حج در صدور گفتمان انقلاب اسلامی

فرصت‌های موسم حج در صدور گفتمان انقلاب اسلامی را می‌توان در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی بررسی کرد:

۱. قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، گراهام فولر، ترجمه: عباس مخیر، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱.

۱. زمینه‌ها و فرصت‌های فرهنگی - عقیدتی

الف) تقویت گفت‌وگو

در بعد فرهنگی، یکی از زمینه‌هایی که می‌توان برای پیشبرد انقلاب اسلامی و صدور آن نام برد، گفت‌وگوست. حج می‌تواند مظهر تفاهم و گفت‌وگو، و منجر به اتحاد و همکاری و همدلی شود. در این زمینه، مقام معظم رهبری به لزوم و ضرورت گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و عقاید مختلف بین مسلمین در حج، اشاره می‌کنند:

حج باید مظهر اتحاد باشد، باید مظهر تفاهم باشد، باید مظهر گفت‌وگو باشد، باید مظهر همدلی و همکاری و نزدیک شدن مسلمانان با یکدیگر باشد؛ باید حج را این‌جوری پیش برد، باید این‌جوری حرکت داد.^۱

برادران مسلمان! بر این اساس، کار بزرگ ما شناسایی اسلام و شناساندن آن و نیز آشنایی بیشتر با یکدیگر است.^۲

بنابر مطالب پیش‌گفته، زمینه‌ها و بسترهایی را که گفت‌وگو در حج ایجاد می‌کند، عبارت‌ند از:

یک - گاهی‌سازی: استراتژی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، از ابتدای تشریح حج، همواره بر انتقال معارف و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی در حج استوار بوده است.^۳ این ظرفیت عظیم، چه در گذشته و چه در دوره‌های معاصر، همیشه کانون توجه بوده. این نکته، از آن‌رو اهمیت دارد که همواره در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، به‌ویژه در استراتژی‌های اتخاذی جمهوری اسلامی، به شکل امری اثرگذار مورد توجه بوده است.

۱. بیانات، ص ۱۷۰.

۲. بیانات، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۳. نسبت منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی نظام ج.ا.ا. در اندیشه امام خمینی، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی،

در این زمینه امام خمینی می‌فرماید:

نکته مهم این اجتماعات، این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال، گذشته است، به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمین فکر کنند و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است؛ در عین حالی که عبادت است.^۱

دو- پیگیری هدف‌ها از طریق متقاعدسازی، اعتمادسازی، ترغیب، حساسیت‌زدایی، شفاف‌سازی و اقناع جمعی، از طریق گفت‌وگو و تعامل سازنده میان بازیگران اسلامی، در حج امکان‌پذیر می‌شود.

سه - ارتقای توان مذاکره و گفت‌وگو و تأکید بر فرهنگ مشترک، به منظور پیگیری اهداف و انعطاف در گفتار و سیاست‌های اعلامی.

ب) بستر حج زمینه‌ای برای تقریب مذاهب اسلامی

تقریب مذاهب، کارترین روش برای رفع سوء تفاهمات و سوء برداشت‌هاست. واقعیت آن است که اختلافات در هسته مذاهب، قابل رفع و رجوع نیست؛ اما امکان گفت‌وگو برای حل اختلاف در آرا و نظرات فقهی، وجود دارد.^۲ مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثا کنیم و بحمدالله با تفضل الهی، توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم‌اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشن‌فکران و شعرا و نویسندگان و

۱. صحیفه امام، امام خمینی، ج ۱۳، ص ۲۷۴.

۲. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی، در روابط بین‌الملل، محمدرضا دهشیری، ۱۳۹۰، ص ۲۷۵.

عامه مردم، از همه مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند.^۱

از این‌رو تقریب مذاهب اسلامی می‌تواند در حج، کارکردهای ویژه‌ای پیدا کند که اهم آنها عبارت‌اند از:

یک - تقریب مذاهب فرصتی برای تقویت تبادل نظر است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «در حج، علما و روشن‌فکران و شخصیت‌های سیاسی و علمی خود را به تبادل نظر با یکدیگر فراخوانید.»^۲

تقریب، به مذاهب اسلامی کمک می‌کند تا پیام خود را انتشار دهند و به هم‌اندیشی با یکدیگر، برای انتقال اندیشه و تبادل نظر در مسائل اجتماعی، فقهی، عقیدتی و سیاسی مبادرت نمایند.^۳

دو- تقریب مذاهب موجب می‌شود که مذاهب به عنوان یک نظام گفتاری، با بهره‌گیری از نمادهای زبانی، موجب اتصال حلقه‌های به هم پیوسته و تنظیم روند حرکت اندیشه اسلامی شوند. از این‌رو تقریب مذاهب، وسیله‌ای ارتباطی برای شکل‌گیری و تحول فکری، و گستره‌ای برای رشد و پختگی و منطقی‌شدن قلمداد می‌گردد.

سه - تقریب مذاهب، موجب وارد شدن نخبگان فکری جهان اسلام به یک متن اسلامی می‌گردد؛ به طوری‌که به رغم تفاوت‌های مذهبی، نوعی رابطه بینامتنی، بیناگفتمانی و بینادهنی میان آنان برقرار می‌شود.^۴

۱. مکتوبات، سال ۱۳۷۰، پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ص ۴۸.

۲. مکتوبات، ص ۷.

۳. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۴. همان صص ۲۸۰ و ۲۸۱.

چهار- تقریب مذاهب، زمینه‌ای برای تعامل افکار، و زمینه‌ای برای آشناسازی دیگران با اندیشه‌ها و بنیان‌های فکری و ارزشی خود، در عین شناخت رویکردها و بنیان‌های ارزشی با سایر مذاهب و فرهنگ است.

پنج - موجب اهتمام به پدیده‌های همچون مشارکت، تعاون، صلح، همکاری، مردم‌سالاری، باورمداری، اعتقادگرایی، اخلاق‌محوری و... می‌گردد.

شش - به طرفداران مذاهب، چگونه گفتن و چگونه ارتباط برقرار کردن را براساس تعامل دوسویه می‌آموزد و موجب دستیابی به وفاق جمعی و وصول به اجماع نظر بر سر اصول و قواعد عمل جمعی عام در جهان اسلام می‌شود.^۱

۲. زمینه‌ها و فرصت‌های سیاسی

الف) تأثیر حج بر وحدت اسلامی

حج می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر وحدت اسلامی داشته باشد. حج، فرصتی برای همسازگرایی و وحدت است، موجب وفاق و همدلی بیشتر مسلمانان و باعث برطرف شدن مشکلات دنیای اسلام در بعد سیاسی - الهی می‌گردد:

...کسی که با اسلام و آیات حج در قرآن آشناست و هم از این طریق به اهمیت وحدت پی برده است، چطور ممکن است نفهمد این اجتماع عظیم، برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی - سیاسی است که مربوط به همه مسلمین و برای وحدت و برای حلّ مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماع دل‌ها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است.^۲

در بعد سیاسی، از کار ویژه‌های اصلی حج، «مسئله وحدت» و ایجاد آن بین مسلمین است که در آرا و افکار امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، انعکاس ویژه‌ای داشته است:

۱. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۲. بیانات، ص ۲۰.

مسئله وحدت را خیلی جدی بگیرید. امروز در کانون‌های فکر و اندیشه و توطئه، برنامه‌ریزی دقیق می‌شود برای اینکه دنیای اسلام را به جان هم بیندازند؛ دولت‌ها را یک جور، ملت‌ها را یک جور. هر وقت بین دولت‌های اسلامی یک زمزمه‌ای پیش می‌آید، یک حرفی پیش می‌آید که نشانه نزدیک شدن است، ناگهان می‌بینیم یک عامل خارجی، یک عامل صهیونیستی، یک عامل آمریکایی وارد قضیه می‌شود و مانع می‌شود از نزدیکی.^۱

از این رو، حج همواره می‌تواند نمایانگر دو بعد بسیار مهم «نمایش هویت متحد امت اسلامی» و «مبارزه با سلطه‌گری» باشد.^۲

مقام معظم رهبری در این باره به تبیین «انگیزه‌های تفرقه‌افکن» در زمینه وحدت می‌پردازند. از این رو انگیزه و هدف «سیاست‌مداران استعمارگر» این بود که جریان سیطره سیاسی و اقتصادی خودشان را به واسطه مبارزه با شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی ادامه دهند.^۳ آنها توانستند از غفلت توده‌های مردم و سست‌عنصری زمامداران سیاسی و فرهنگی، بهره‌برداری کنند و با تشدید اختلافات بین مسلمانان، «تسلط بر کشورهای اسلامی» را به پیش ببرند.^۴ بنابراین یکی از فرصت‌های حج می‌تواند تقویت استراتژی وحدت از سوی کشورهای اسلامی باشد.

ب) دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی از شاخصه‌های اصلی، و از فرصت‌های اساسی حج به شمار می‌رود که در رأس شناخت‌هاست:

۱. بیانات، ص ۱۷۱.

۲. مکتوبات، ص ۶۱.

۳. مکتوبات، ص ۶۱.

۴. همان.

شناخت دشمن، محصول همه آن شناخت ها و متمم و مکمل آنهاست. بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی حصار است که از دستبرد راهزن و خائن و غارتگر مصون نیست. در خود اعمال حج، رمی جمرات، نماد دشمن شناسی و دشمن ستیزی است؛ و پیامبر مکرم اسلام ﷺ، اذان برائت را در حج سرداد و آیات برائت را از حنجره امیر مؤمنان علیه السلام در مراسم حج تلاوت فرمود. اگر آن شناخت های پیشین به دست آید، دشمن جهان اسلام نیز شناخته می شود.^۱

نمودهای دشمن شناسی در حج عبارتند از:

یک - تذکر، یادآوری و تأکید بر افول هژمونی قدرت های سلطه گر و رژیم های همدست این قدرت ها و اسقاط رژیم های فاسد و مطیع آمریکا؛

دو - یادآوری شکست تلاش های استعمارگران برای تعمیم الگوهای سیاسی و ارزشی برخاسته از مکتب های غربی و شرقی، در مقابل به وجود آمدن «خودآگاهی اسلامی» میان توده های مسلمان؛

سه - تلاش برای بیزاری جستن از قدرت های شیطانی و «بت های زر و زور و استکبار و نظام های جاهلی».^۲

به وسیله فریضه «برائت از مشرکین» که فصل جدیدی از اتحاد و نظم سیاسی را در نفی و طرد نظام ظالمانه سلطه توسط ملل مسلمان به نمایش می گذارد^۳، شناخت دشمن حقیقی و واقعی انسان ها در دوره معاصر و برائت جویی از آنها صورت می پذیرد. در دیدگاه های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، همواره بر درک بعد سیاسی و درک

۱. مکتوبات، ص ۷.

۲. پیام ۳۰ مهر، ۱۳۹۱ به حجاج بیت الله الحرام مصادف با پنجم ذی الحجه ۱۴۳۳.

۳. مکتوبات، ص ۶۱.

۴. مکتوبات، صص ۴۰ و ۴۱.

۵. بیانات، صص ۱۹ و ۲۰.

زمان، مکان و نیز موقعیت و شناخت دشمن واقعی در جهان معاصر، توجه شده است. امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

امروز فریاد برائت از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران، فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و اذنان آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت نشانه رفته‌اند.^۱

از توصیه‌ها و هشدارهای مقام معظم رهبری در رابطه با حوادث انقلابی شمال آفریقا و مناطق اسلامی^۲ در راستای عدم شناخت «دشمن» و مصادره انقلاب‌ها توسط قدرت‌های استکباری می‌توان اشاره کرد به این نکته که متأسفانه، سران کشورهای نظیر مصر این هشدارها را جدی نگرفتند و انقلاب و بیداری اسلامی را دچار مخاطره‌ای سهمگین کردند.

ج) فرصت اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سایر شیعیان

مسئله «اثرگذاری» می‌تواند از فرصت‌های حج شناخته شود. در درجه نخست، شیعیان و سپس سایر مسلمانان دنیا و برخی جنبش‌های اسلامی به انقلاب اسلامی اظهار تمایل کردند و گفتمان آن را در ادبیات سیاسی و اعتقادی خود وارد نمودند. این مسئله، دولت‌های پادشاهی محلی و سکولار تابع آمریکا را به وحشت انداخت. برای مثال، فعالیت‌های شیعیان در کشور عربستان بعد از انقلاب اسلامی محدود شده است. این امر نیز به دو دلیل خفقان موجود در کشور عربستان و به رسمیت نشناختن مذهب

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۷.

۲. پیام ۳۰ مهر، ۱۳۹۱ به حجاج بیت‌الله الحرام مصادف با پنجم ذی‌الحجه ۱۴۳۳.

تشیع، و نیز تکفیر آن تشدید شده است.^۱ پیروزی انقلاب اسلامی و در پی آن، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تحولی مهم در فعالیت های مبارزاتی سایر شیعیان پدید آورده است.

موانع و تهدیدهای صدور گفتمان انقلاب اسلامی در حج

از کارکردهای دشمن، تهدید است. تهدید لزوماً عملی نمی شود، بلکه تهدیدکننده می خواهد بر شخص تهدیدشونده تسلط یابد. اهداف استعماری و سایر زمینه ها نیز می توانند عوامل تهدیدکننده امنیت شناخته شود.^۲ در ذیل، به مهم ترین موانع و تهدیدهای صدور انقلاب اسلامی در حج اشاره می شود.

۱. موانع فرهنگی - عقیدتی در حج

موانع تبادل و گفت و گوی فرهنگی و بین الاذهانی در حج، در چندین محور درخور بررسی و تأمل است:

الف) خلوص فرهنگی - عقیدتی و تأکید بر من قومی - نژادی و عقیده ای

منظور از خلوص فرهنگی و عقیدتی، تأکید و تلاش بر حفظ هویت فرهنگی - عقیدتی و تأثیر ناپذیری و گفت و گو با سایر فرقه ها، عقاید و نحله های اسلامی و فرهنگ هاست که مانعی در تبادل فرهنگی بین ملل شمرده می شود.^۳ مقام معظم رهبری در این زمینه عدم گذر از من قومی و نژادی را مانعی بر سر راه تحقق مای اسلامی قرآنی می داند که حج می تواند در گذر از من قومی و نژادی به مای اسلامی و قرآنی مؤثر باشد:

۱. تأثیرپذیری جریان های شیعی عربستان از انقلاب اسلامی، محمد جمیزی، ۱۳۸۹، ص ۷۰.

۲. کالبدشکافی تهدید، اصغر افتخاری، ۱۳۸۵، ص ۹۴.

۳. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل، ص ۲۶۵.

اینک شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشر عظیم حج گرد آمده و در هجرت از من قومی و نژادی و فرقه‌ای، به مای اسلامی و قرآنی پیوسته‌اید، مناسب است مسائلی را در مد نظر داشته، درباره آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از سفر حج، آن را سررشته تأمل و فکر و عمل سازید.^۱

ب) انعطاف‌ناپذیری از نظر عقیده‌ای

مسئله مزبور، از منظرهای فلسفی و کلامی و دینی درخور بررسی است. انعطاف‌ناپذیری عقیده ای از سوی علما و نخبگان مذاهب اهل سنت و شیعه، یکی از چالش‌های مهم در استراتژی‌های اتخاذی جمهوری اسلامی ایران است که بعد از انقلاب اسلامی به نحو قابل ملاحظه ای از سوی جمهوری اسلامی در «تقریب مذاهب» پیگیری شده است. و همان‌طور که اشاره شد، انعطاف‌ناپذیری فرقه‌های مسلمان، می‌تواند این استراتژی را با شکست مواجه سازد.

ج) افراطی‌گری و افراط‌گرایی

افراطی‌گری و افراط‌گرایی از دیگر موانعی است که می‌تواند چالشی جدی در مقابل صدور گفتمان عقلانی و امت محوری انقلاب اسلامی در حج پدید آورد. ظهور و حضور افراط‌گرایان در حج می‌تواند مانعی بنیادین در مقابل گفت‌وگو و تبادل فرهنگی فراهم آورد. افراط‌گرایی می‌تواند در جنبه‌های فرهنگی، عقیدتی و قومی و نژادی و حتی در جنبه‌های اقتصادی و از منظرهای گوناگونی در حج نمود پیدا کند، که باید کوشید عوامل و زمینه‌های افراط‌گرایی به وجود نیاید. متأسفانه در جوامع اسلامی، به‌ویژه در حج، گروه‌هایی با حمایت برخی دولت‌ها و با هزینه‌های گزاف، راه و روش برخی فرقه‌های انحرافی و ارتجاعی، از جمله فرقه وهابیت را در عرصه جهان اسلام، به نام عقیده حق

عرضه می‌دارند که در ادامه مقاله به صورت مبسوط‌تر مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. متأسفانه با وجود اشتراکات فراوانی که تمام جوامع و فرقه‌ها و مذاهب اهل سنت و شیعه باهم دارند، هنوز جوامع مسلمان و امت اسلامی نتوانسته‌اند به یک فرهنگ مشترک دست یابند، و از سوی دیگر، همواره فرهنگ شفاهی بر فرهنگ مکتوب غلبه داشته است.^۱

۲. موانع سیاسی صدور گفتمان انقلاب اسلامی در حج

الف) در سطح دولت‌های اسلامی

یک - قطع روابط دیپلماتیک؛ مهم‌ترین مانع سیاسی خارجی «قطع روابط دیپلماتیک» است که مبادلات و گفت‌وگوهای میان ملت‌ها و دولت‌ها را به حداقل می‌رساند. دو - ساختارها و حکومت‌های متنافر و غیرمردمی؛ این نوع حکومت‌ها نمی‌توانند به نام ملت‌های خود، به تبادل فرهنگی با سایر ملل پردازند. انقطاع بین ملت و دولت، مانع اساسی در تبادل سیاسی است، و این نوع حکومت‌ها از موانع اساسی صدور گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند که در صدر چنین کشورهایی می‌توان به کشورهای حوزه خلیج فارس، به خصوص عربستان سعودی اشاره کرد. سه - استیلای تاریخی سیاست بر فرهنگ و نیز حاکمیت‌های مطلق و بنیادگرا؛ از دیگر موانع پیش روی انقلاب اسلامی در حج و در کشور عربستان سعودی است. متأسفانه همیشه فرهنگ، تحت تأثیر سیاست‌های فرهنگی سیاست‌مداران و حکمرانان فاسد قرار گرفته، و حاکمان سیاسی، غالباً در صدد اعمال سلطه بر فرهنگ اصیل اسلامی و انحراف آن بوده‌اند.^۲

۱. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل، دهشیری، صص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲. همان، صص ۲۶۴.

ب) موانع سیاسی در سطح ملت‌های مسلمان

یک - فراموشی دشمن؛ یکی از تهدیدات و موانع اصلی در صدور گفتمان انقلاب اسلامی، عدم درک صحیح و دشمن‌شناسی است. البته شناسایی دشمن و عدم فراموشی شیاطین انسی که در قالب جریان استکباری و استعماری شکل گرفته، همواره از فلسفه‌های برائت جویی از شیطان و مشرکین بوده است؛ که با توجه به زمان و مکان و موقعیت و شناسایی دائمی شکل گرفته است. به تعبیر مقام معظم رهبری در هر زمانی «بت» به صورت‌های گوناگون از جمله قدرت استکباری آمریکا نمود پیدا کرده است:

خانه خدا و حج باید در همه زمان‌ها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوة مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عزی» خبری نیست؛ اما به جای آن و خطرناک‌تر از آن، بت‌های زر و زور استکبار و نظام‌های جاهلی و استکباری است که همه فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فراگرفته است.^۱

اگر جهان اسلام و امت اسلامی، روزی از وجود دشمنان جرّار فارغ گردد و چنین چیزی ممکن شود، برائت نیز بی‌فلسفه خواهد بود. ولی با وجود دشمن‌ها و ستیزه‌گری‌های کنونی، غفلت از دشمن و بی‌مبالاتی به برائت، خطایی بزرگ و پُرخسارت است.^۲

مقام معظم رهبری با یادآوری تعابیر قرآنی درباره نیروهای شیطانی، از آن به نیروهای «شرآفرین»، «فسادانگیز»، و «انحطاط‌آفرین» یاد می‌کنند. این خاصیت فرازمانی نیروهای شیطانی است که در طول تاریخ هم، همین نیروها در مقابل انبیا قرار گرفته بودند. از این‌رو امت اسلامی نباید در هیچ زمانی یاد و نشان دشمن را فراموش کند.^۳

۱. مکتوبات، صص ۴۰ و ۴۱.

۲. همان، ص ۷.

۳. همان، ص ۷.

دو- فراموشی هویت و وحدت امت اسلامی؛ از دیگر موانعی است که مسلمانان با فراموشی دشمن، و با فراموشی وحدت و عظمت و هویت خود، دچار آن می‌شوند؛ که نتیجه آن، «بیگانه‌گرایی»، «خودفراموشی» و «ترفندپذیری»^۱ در مقابل دشمنان است. سه - ناامیدی نخبگان سیاسی؛ یکی دیگر از موانع صدور گفتمان انقلاب اسلامی در حج، ناامیدی مجموعه بزرگی از نخبگان سیاسی و... از «سیستم جهانی ظلم» است که از استکبار جهانی نشئت می‌گیرد. مقام معظم رهبری، به صورت عینی به کنکاش این مسئله می‌پردازند و مسئله وادادگی نخبگان در مقابل مجموعه و سیستمی را که ایجادکننده و طراح این ظلم است مطرح می‌کنند. این تنها مشکل این نخبگان نیست، بلکه مشکل اساسی‌تر به این برمی‌گردد که نخبگان سیاسی، «یأس و ناامیدی» را به ملت‌های خود سرازیر می‌کنند و به تبع آن، القاکننده این نکته هستند که نمی‌شود نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد:

مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود [نیز] سرریز می‌کنند و آنها را از اینکه بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند.^۲

با اندیشه سیاسی شیعه که قائل به «ظهور مهدی موعود (عج)» است، یأس و ناامیدی بی‌معنا می‌شود. با این رویکرد امیدمحور می‌توان «نقشه سیاسی دنیای» معاصر و «نقشه ظالمانه و شیطانی در کل عالم» را عوض کرد و به «ظلم» و «مراکز قدرت ظالمانه» واکنش نشان داد.^۳

بنابراین، هر پدیده‌ای که به مسلمانان جهان امید بخشید و آنان را درصدد بنای

۱. مکتوبات، ص ۴۰.

۲. بیانات، صص ۹۳ و ۹۴.

۳. همان.

آینده‌ای بر پایه اسلام بیندازد، در چشم استکبار و نظام سلطه جهانی، به شدت منفور و مبعوض است.^۱ از دید جمهوری اسلامی، حج فرصتی بزرگ است که باید تلاشی بی وقفه درباره آگاه‌سازی نخبگان سیاسی، رؤسا و روشنفکران و نیز علمای دینی صورت پذیرد. مقام معظم رهبری، حج را بهترین مکان و زمان مناسب برای بروز و ظهور مسئولیت‌پذیری و چاره‌اندیشی رؤسا، سیاست‌مداران و نخبگان امت اسلامی می‌داند.^۲

چهار- جداسازی مضمون سیاسی از حج؛ تلاش برای جداسازی «مضمون سیاسی»

از حج، از دیگر موانع سیاسی حج برای صدور گفتمان انقلاب اسلامی است:

... حج، فریضه‌ای سیاسی است و طبیعت و خصوصیات آن، این را به روشنی نشان می‌دهد.

کسانی که این را انکار و بر ضد آن تبلیغات می‌کنند، در واقع با حل آن گرفتاری‌ها

مخالف‌اند. آنان که نمی‌خواهند مضمون سیاسی حج را بپذیرند، در واقع اسلام را دور از

سیاست، و دین را از سیاست جدا می‌خواهند. شعار جدایی دین از سیاست، همان چیزی

است که دشمنان حاکمیت اسلام بر جوامع اسلامی، ده‌ها سال است آن را مطرح کرده‌اند.^۳

با پذیرش مضمون سیاسی حج، و رد اندیشه جداسازی، امت اسلامی با اصلاح

فردی و جمعی می‌تواند به «اقتدار» مناسب خود دست پیدا کند. فهم و درک این نکته،

اساسی‌ترین و کانونی‌ترین بخش تلاش‌های جمهوری اسلامی در صدور گفتمان انقلاب

اسلامی است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

... چرا بارها و بارها در بلندگوهای اعلام می‌شود که سیاست در حج نباید دخالت

کند؟ مگر اسلام و احکام نورانی آن، برای اداره و هدایت زندگی مادی و معنوی

انسان‌ها نیست و مگر دیانت در اسلام با سیاست آمیخته نیست؟^۴

۱. مکتوبات، ص ۷.

۲. همان.

۳. همان.

۴. مکتوبات، ص ۴۲.

۳. موانع حکومت آل سعود در صدور گفتمان انقلاب در حج

الف) مخالفت آل سعود با جریان صدور انقلاب

حج و زیارت خانه خدا همواره به عنوان یک رویداد سیاسی کانون توجه بوده است؛ زیرا احکام اسلام، محدود به رابطه خصوصی میان انسان و خدا نیست، بلکه منش حکومت و تعهد حاکم، به جاری کردن احکام الهی و قانون اسلام در زندگی مردم گسترش و نفوذ پیدا می‌کند. از این رو از دید امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، اهمیت ابزار سیاسی در حج، بسیار بیشتر از صرف انجام اعمال حج به وسیله هر یک از زائران است.

وجه مهم سیاست‌های اسلامی آن است که جنبش‌های سیاسی اعتراضی، رقابت میان حکومتی، جنگ‌های سرزمینی و سایر مسائل سیاسی، همواره در قالب‌های مذهبی و آموزه‌ای بیان می‌شوند. به مبارزه طلبیدن مشروعیت مذهبی مخالفان، اساسی‌ترین اقدام در رویارویی است. واکنش خاندان سعودی در قبال به مبارزه طلبیده شدن مشروعیت مذهبی‌شان از طرف امام خمینی علیه السلام، بسیار عمیق‌تر و شدیدتر از واکنش‌های این کشور در کمک مالی و تجهیز عراق در جنگ علیه ایران، بود. به دنبال طغیان‌های الهام گرفته از ایرانیان در مکه، در مراسم حج سال ۱۹۸۷ که در آن صدها تظاهر کننده ایرانی به شهادت رسیدند، ایران به شدیدترین سیل اتهامات خود علیه مشروعیت اسلامی خاندان حاکم سعودی توسل جست و خواستار آن شد که خادمی حرمین شریفین از دست سعودی‌ها خارج شود. این مبارزه‌جویی ایران، ضربه‌ای حساس بر سعودی‌ها وارد کرد و برای اولین بار منجر به قطع مناسبات شد. حتی مهم‌تر از آن، فهد پادشاه سعودی، رسماً به سمت حذف عنوان دنیوی و غیراسلامی «ملک» گام برداشت تا عنوان اولیه و رسمی خود را در نقش «خادم الحرمین شریفین» اعاده کند. این عنوان، او را در مقام

یک فرامان‌روای سنی، بسیار بیش از عنوان «ملک» مشروعیت می‌بخشید. این کشمکش تاکنون میان ایران عربستان ادامه داشته و نمودهای قابل ملاحظه‌ای از تهدیدات منطقه‌ای از بحران در سوریه و... برای ایران، در حج و... به ارمغان آورده است.^۱ چالش‌های سیاست سعودی در مقابل ایران عبارت‌اند از:

یک - عربستان سعودی. بزرگ‌ترین کشور در سمت غربی خلیج فارس است. عربستان سعودی از زمان به قدرت رسیدن آل سعود، پس از جنگ جهانی دوم، همواره بیش از پیش نوعی سیاست محافظه‌کاری و پرهیز از تقابل و انعطاف‌پذیری در سیاست منطقه‌ای میان اعراب را دنبال کرده است.

دو - از سویی دیگر، نقش حمایتی از عقاید وهابیت در تخریب اماکن مقدس و بی‌حرمتی آنان بر مکان‌های مقدس شیعی که سیری تاریخی دارد، به نوعی بر خصلت تندرو و ستیزه‌جویی اسلام وهابی دلالت می‌کند و موجب به مبارزه طلبیده شدن تفکر شیعه توسط وهابیان و گروه‌های تکفیری همسو و مخالف با اندیشه شیعه گردید، و متأسفانه تا به امروز، این مبارزه طلبی با تبلیغ حکومت سعودی، هر روز بیشتر شده است.^۲

سه - تهدید بالقوه دیگر، هزینه‌های فراوانی است که حکومت سعودی تندرو با عقاید مسموم وهابیت و تکفیری، به طرز خطرناکی در سطح جهان اسلام انتشار می‌دهد.

چهار - خادمی حرمین شریفین نیز یک ابزار نیرومند ایدئولوژیک و عاطفی است و به ظاهر، نوعی مشروعیت اسلامی به این کشور بخشیده است.

پنج - از سویی دیگر، آل سعود پای قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا را به این منطقه گشوده و موجب بی‌ثباتی در این منطقه شده است.

۱. قبله عالم ژئوپلتیک شیعه، گراهام فولر، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۱۲۷.

ب) ترویج عقاید وهابیت و گروه‌های تکفیری

اوضاع سیاسی بین‌المللی، این فرصت را به مقامات عربستان داده و فعالیت‌های این گروه در راستای توسعه و ترویج آیین وهابیت، به همراه امکانات فراوان به اقصا نقاط عالم، گسترش دیدگاه‌های وهابی در قفقاز، آسیای میانه، پاکستان، شمال آفریقا و آسیای جنوب شرقی را به همراه داشته است. نقطه کلیدی این فعالیت‌ها شیعه‌ستیزی و مقابله با تفکر شیعی انقلاب اسلامی ایران بوده است. به همین دلیل حکومت عربستان و رژیم‌های دیگر عربی و نهایتاً آمریکا از آن حمایت می‌کنند و می‌کوشند آن را آلترناتیو اندیشه انقلاب اسلامی مطرح کنند. از این رو سعی در تزریق اندیشه جهادی در آن داشتند تا جوانان مسلمان تشنه مبارزه با دشمنان را در مسیر دلخواه هدایت و نگاهداری کنند.^۱

تأکید بر نص، مخالفت با فلسفه، حجیت صدر اسلام و نیز تأکید افراطی بر نقل با بی‌توجهی به علم و عقل، از مختصات فکری وهابیت و گروه‌های تکفیری همسو با آنها شناخته می‌شود. مهم‌ترین بنای فکری آنها توسعه معنایی و مصداقی شرک و کفر است. تقریباً همه فرق اسلامی در تیررس اتهامات تکفیری‌ها هستند. آنها همه دولت‌های اسلامی را کافر می‌دانند و این کفر جدید را شدیدتر از کفر دوران جاهلیت می‌پندارند. نفوذ سرویس‌های امنیتی و جاسوسی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در گروه‌های سلفی و تکفیری، آن را به صورت یک گروه فشار خشن و تروریستی علیه ملت‌های مسلمان و دولت‌ها درآورده است. فرمان این گروه‌ها عمدتاً در دست سرویس‌های جاسوسی غرب افتاده است. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و نفوذ اسلام انقلابی در میان ملت‌ها و افول گروه‌ها و احزاب سکولار و لائیک، سرویس‌های دشمن بیشتر درباره گروه‌های تکفیری و نفوذ در آنها و همچنین هدایت به سوی اهداف مشخص روی آنها

۱. بنیادهای فکری القاعده، عباس نجفی فیروزجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۵.

کار می‌کنند.^۱ از منظر مقام معظم رهبری، این گونه نگاه به اسلام، در مقابل نگاه معتدل و عقلانی قرار می‌گیرد: «... اسلام تکفیری و اسلام لائیک از سوی غرب، پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی اسلام اصولگرای معتدل و عقلانی در میان انقلاب‌های منطقه تقویت نشود».^۲

فرصت انقلاب اسلامی در طرح نظریه استکبارستیزی در حج در نوع خود جالب توجه است. اما در عین برخورداری از این فرصت، چالش‌هایی که از طرف طیف‌ها و گروه‌های سلفیه و وهابی شکل گرفته، به این صورت است که مشکل کنونی جامعه مسلمین را در وهله اول، ناشی از استعمار نمی‌دانند؛ بالعکس مشکل مسلمانان را درونی می‌دانند. ابتدا به نظر می‌رسد که هدف این گروه‌ها در وهله اول، سرنگونی نظام‌های استبدادی است. اما اقدامات و عملکرد نابخردانه و به دور از شأن انسانی و افراط‌گرایی بی‌حد و حصر این گروه‌ها نشان از انحراف و خطری هولناک می‌دهد؛ چنان‌که هرگونه انحراف و کجی در افکار و عقاید این گروه‌ها منجر به کفر طرف مقابل می‌شود و راهی جز از بین بردن او باقی نمی‌ماند.^۳

مقام معظم رهبری، گروه‌های تکفیری را از خطرناک‌ترین گروه‌ها و تهدید علیه وحدت و هم‌گرایی ملت‌های مسلمان می‌داند و اعتقاد دارند آتش گروه‌های تکفیری، دامن حامیان آنان را نیز خواهد گرفت. ایشان معتقدند که تکفیری‌ها «یک گروه منحط تاریخی»^۴ هستند. مقام معظم رهبری گروه‌های تکفیری را به مثابه سمی می‌داند که بر پیکره محیط اسلامی وارد شده اند و باید از محیط اسلامی خارج شوند.^۵ مقام معظم رهبری تصریح می‌کنند که جریان تکفیری از مصائب اسلام است: «... جریان تکفیری

۱. بنیادهای فکری القاعده، عباس نجفی فیروزجانی، ص ۲۵۵.

۲. بیانات مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۳. پیامبر و فرعون، جنبش‌های نوین اسلامی در مصر، ژیل کیل، ترجمه حمید احمدی، ۱۳۸۲، صص ۷۷ - ۱۰۱.

۴. بیانات در دیدار سلطان قایوس پادشاه عمان ۹۲/۶/۴.

۵. بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰.

خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است...»^۱

از این رو گروه‌های تکفیری در جهان اسلام، به خصوص برای جمهوری اسلامی، تهدید و چالش‌های جدی ایجاد کرده‌اند. خطر چنین گروه‌هایی تا آنجا پیش رفته است که از اساس، چنین گروه‌هایی مبارزه علیه استعمار و دشمن خارجی را در اولویت قرار نمی‌دهند و در عوض، قائل به پاکسازی اعتقادی درون جامعه و امت اسلامی اند، و این فرصتی طلایی برای غرب به وجود آورده است. باید کوشید تا فرصت غرب در استفاده از این گروه‌ها از بین برود. از سویی مبارزه با این گروه‌های افراطی مدعی مسلمان بودن، چندین مشکل را برای جمهوری اسلامی پدید آورده است؛ ابتدا باید جلوی گسترش افراط‌گرایی توأم با خشونت مذهبی این گروه‌ها گرفته شود که در تعبیر امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، این نوع نگاه و این نوع اسلام، با تعبیر اسلام آمریکایی مشخص شده است که توسط کشورهای غربی حمایت می‌شوند. از سوی دیگر این گروه‌ها، با عناوین پادگفتمان دینی، در مقابل عقلانیت تشیع قد علم کرده اند تا از نفوذ و غلبه جریان اسلام سیاسی که منادی بیداری مسلمانان است، جلوگیری کنند. لذا با هزینه‌های کلان از درون خود امت اسلامی، عقاید منحرف این گروه‌ها را برای این کار برگزیده‌اند، و سیر اقدامات گروه‌های تکفیری در مسیر خدمت به غرب در کار است. از این رو وهابیت و گروه‌های تکفیری، از موانع اصلی صدور گفتمان انقلاب اسلامی و تشیع در حج محسوب می‌شوند.

ج) تخریب مکانی آثار و ابنیه تاریخی و شناسنامه‌ای اسلام و تشیع

از اقداماتی که حکومت سعودی در پرتو عقاید منحرف وهابیت، طی سال‌های گذشته، به طور فزاینده‌ای انجام داده، تقدس‌زدایی و تخریب مکان‌های تاریخی و

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱۶.

شناسنامه ای اسلام بوده است که به بهانه‌های مختلفی، مثل پروژه تکمیل و توسعه حرم الهی و... به تخریب‌های گسترده آثار و ابنیه تاریخی و مقدس پرداخته‌اند. به غیر از ایران و ترکیه، دیگر کشورها از ترس رویارویی سیاسی و کم‌شدن سهمیه ویرازی زوار، در مسائل عربستان سعودی سکوت کرده‌اند. وهابیت در حال پاکسازی و از بین بردن ظاهری مکان‌هایی است که به نوعی تداعی کننده شیعه و تشیع و در حال یکسان‌سازی همه مکان هاست. خطری که این اقدامات در بردارد، این است که به مرور زمان، نسل‌های بعدی، چه در عالم تسنن و چه در عالم تشیع، دیگر اثری از مکان‌های عقیدتی و تداعی کننده تاریخ مسلمین، در شبه جزیره عربستان مشاهده نخواهند کرد، و آنان به راحتی ادعای تشیع و هر ادعای دیگری در عالم اسلام که خلاف مسیر وهابیت و حکومت سعودی باشد، رد یا انکار خواهند کرد. این رویه‌ها تا آنجا پیش رفته است که حتی این حذف و ردیه‌ها در کتاب‌های معتبر اهل سنت نیز رواج پیدا کرده و آنها در حال پاکسازی آثار تأیید کننده مذهب تشیع، از کتاب‌های معتبر خودشان هستند، و این به مراتب زنگ خطر را برای عالم تشیع و اسلام اصیل به خطر در آورده است. تعدادی از باستان‌شناسان و تاریخ‌شناسان سرشناس سعودی، زبان به انتقاد گشوده‌اند که مکان‌های تاریخی باقی‌مانده عربستان سعودی، در حال از دست رفتن و تخریب است. تخریب به کمک وهابیون انجام شده است. در نظر وهابی‌ها قسمت‌های تاریخی حرم، شرک را تشویق می‌کند و باید تخریب شوند.^۱

مقامات وهابی عربستان دوست ندارند دنیا عکس‌های تخریب مکان‌های مذهبی را ببیند. آنها تا کنون ۹۵ درصد بناهای صدر اسلام را نابود کرده‌اند و حتی به محل معراج و مکان تولد پیامبر نیز رحم نکرده‌اند. واقعیت این است که تخریب بناهای هزارساله و

مذهبی، ریشه در تفکر وهابی های تندرویی دارد که هرگونه احترام و توجه به آثار صدر اسلام را بت پرستی قلمداد می کنند و حریصانه مشتاق اند تمام آثار اسلامی را نابود کنند. مقامات عربستانی، خود را تنها مسئول تصمیم گیری در مورد اسلام می دانند.^۱ نمادها و مکان های مذهبی، جزء سرمایه ها و تداعی و تقویت کننده عقاید محسوب می شوند.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت، مشخص شد که انقلاب اسلامی، برای صدور گفتمان معتدل، عقلانی و اصیل خود در حج، فرصت ها و تهدیدها و همچنین نقاط قوت و ضعفی دارد که توجه به هریک از آنها می تواند در اثربخشی و کارآمدی اقدامات جمهوری اسلامی مؤثر باشد. از این رو تلاش شد تا سلسله ای از عواملی که به نوعی زمینه ها و فرصت ها و از سوی دیگر موانعی جدی برای صدور گفتمان انقلاب اسلامی در حج پدید می آورند، بررسی شوند. فرصت ها و زمینه هایی که می تواند برای جمهوری اسلامی ایران در حج پدید آید، در ابعاد فرهنگی - اعتقادی و سیاسی قابل تحقق است. در زمینه فرهنگی - عقیدتی می توان از گفت و گو و نیز تقریب مذاهب اسلامی در سطح جهان اسلام، به ویژه در حج کمک گرفت. در زمینه ها و فرصت های سیاسی، علاوه بر راهکارهایی که می توان در سطح دولت ها با عناوین مختلفی از جمله دیپلماسی فعال اشاره کرد، در عین حال می توان از راهکارهایی برای افزایش فرصت های سیاسی حج، از استراتژی های وحدت گونه و دشمن شناسانه، با کمک گرفتن از ظرفیت سایر شیعیان بهره گرفت.

از سوی دیگر، چالش ها و تهدیدهایی که گفتمان انقلاب اسلامی را در حج دربر می گیرد هم در زمینه های فرهنگی - اعتقادی و نیز سیاسی قابلیت طرح دارد. مهم ترین

چالش و تهدید در زمینه فرهنگی - عقیدتی، عدم تبادل و گفت‌وگوی فرهنگی - عقیدتی و تشدید اختلافات مذهبی، فرقه‌ای، قومی و نژادی است. در زمینه موانع و چالش‌های سیاسی، علاوه بر اینکه در سطح دولت‌ها، دیپلماسی غیرفعال، تشدید کننده فعالیت‌هایی علیه گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، در سطح عام و امت اسلامی، چالش‌هایی در زمینه عدم اجماع و وحدت بر سر اصول، فراموشی دشمن، ناامیدی نخبگان، جداسازی مضمون سیاسی از حج، و نیز تهدید حکومت آل سعود و آموزه‌های سلفی و وهابی وجود دارد که نمود قابل ملاحظه‌ای در مبارزه علیه اندیشه تشیع، تخریب اماکن و مقدسات تمام مسلمان از جمله شیعیان و نابودی اماکن مذهبی - تاریخی شهرهای مکه و مدینه، از جمله اقدامات و تهدیدها علیه آموزه‌های تشیع و محو مکانی آن است که تأثیر بسزایی در محو اذهان آیندگان بر جای خواهد گذاشت. انقلاب اسلامی می‌تواند از ظرفیت حج، برای تأکید بر ضرورت ارائه چهره‌ای یگانه از تمدن نوین اسلامی، به عنوان تمدن واحد و پایه‌ای که براساس تعامل نخبگان درون تمدنی شکل بگیرد، تلاش کند. برای نیل به تمدن اسلامی باید از تراکم و تبلور اندیشه‌ها و تجربیات و دستاوردهای فکری و فرهنگی و تاریخی جهان اسلام کمک گرفت و ابتدا در نوع رفتارها و ادبیات شکل گرفته در جهان اسلام، میان گروه‌ها و مذاهب مختلف، «تحول» ایجاد کرد و جلوی رشد عقاید مسموم و منحرف را گرفت. از این رو شناسایی دقیق موانع و فرصت‌های پیش‌رو در حج، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

منابع

۱. «اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی: حال و آینده»، عمرو حمزاوی، ترجمه محمدرضا بلوردی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۵.
۲. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل، محمدرضا دهشیری، چ ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
۳. بنیادهای فکری القاعده، عباس نجفی فیروزجانی، تهران، مجله علمی - پژوهشی راهبرد، شماره ۲۷، ۱۳۸۲ (بهار).
۴. بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار سلطان قابوس، پادشاه عمان ۹۲/۶/۴.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۲/۲/۱۶.
۷. بیانات مقام معظم رهبری مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
۸. پیام ۳۰ مهر ۱۳۹۱ به حجاج بیت‌الله الحرام مصادف با پنجم ذی‌الحجه ۱۴۳۳.
۹. پیامبر و فرعون (جنبش‌های نوین اسلامی در مصر)، ژیل کپل، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۲.
۱۰. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمدباقر حشمت‌زاده، چ ۴، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. «تأثیر بیداری اسلامی بر گفتمان جدید قدرت منطقه‌ای»، سعدالله زارعی و همکاران، تهران، فصلنامه امنیت ملی، سال اول، ش ۴، بهار ۱۳۹۱.
۱۲. «تأثیر پذیری جریان‌های شیعی عربستان از انقلاب اسلامی»، محمد جمیز، تهران، ماهنامه زمانه، ش

۹۵، ۱۳۸۹.

۱۳. چهره جدید امنیت در خاورمیانه، مارتین لی نور جی، ترجمه قدیرنصری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

۱۴. روزنامه اطلاعات ۱۳۶۶/۵/۱۱.

۱۵. سایت مقام معظم رهبری: www.khamenei.ir

۱۶. صحیفه امام، امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷.

۱۷. «ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام»، محسن محمدی و محمدهادی فلاح‌زاده، قم، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۳، سال دهم، تابستان ۹۲.

۱۸. فاجعه مکه يك فاجعه ديگر از تاريخ تنفر، مارتین کریمر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۶۷.

۱۹. قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران، گراهام فولر، ترجمه عباس مخبر، چ ۵، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۰.

۲۰. کالبد شکافی تهدید، اصغر افتخاری، تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۵.

۲۱. نرم‌افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (از سری نرم‌افزارهای مجموعه نور)، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی‌تا.

۲۲. نرم‌افزار صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام (از سری نرم‌افزارهای مجموعه نور)، تهران، عروج دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، بی‌تا.

۲۳. «نسبت منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی نظام ج.ا.ا در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام»، سید محمدرضا احمدی طباطبایی و محمود پروانه، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، ش ۲۵، س ۸، تابستان ۱۳۹۰.

24. www.fardanews.com

25. www.parsine.com

موانع صدور انقلاب اسلامی در عربستان در ایام حج؛ رویکردی بر ساختار

فرهنگ سیاسی

کرامت عبدلی^۱

چکیده

حج از مهم‌ترین فریضه‌های دین اسلام، و از مهم‌ترین راه‌های صدور و معرفی انقلاب اسلامی به مسلمانان سراسر جهان است. اما در حکومت عربستان سعودی، همواره سعی شده است از صدور انقلاب اسلامی جلوگیری شود. در این مقاله، تبیین علل و عوامل مؤثر بر جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی و موانع پیش روی آن در ایام حج، مهم‌ترین پرسش مطرح‌شده خواهد بود. نویسنده معتقد است ساختار سیاسی و فرهنگ مذهبی عربستان که مبتنی بر مذهب وهابیت و نظام سلطانیسم است، در تقابل با مبانی مردمی و شیعی انقلاب اسلامی قرار دارد، و این امر، مهم‌ترین عامل جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی است.

واژگان کلیدی: صدور انقلاب اسلامی، عربستان، وهابیت، ساختار سیاسی، فرهنگ مذهبی، نظام سلطانی.

مقدمه

پرسش اصلی که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، عبارت است از اینکه مهم‌ترین موانع صدور انقلاب اسلامی ایران، در ایام حج در عربستان سعودی چیست؟ همچنین پرسش‌های دیگری از قبیل اینکه چرا عربستان سعودی از صدور انقلاب اسلامی هراس دارد و به مخالفت با آن می‌پردازد و اینکه مهم‌ترین راهکار و برنامه برای صدور انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حج برای صدور انقلاب اسلامی کدام است، و در نهایت، چرا حج برای صدور انقلاب اسلامی مورد تأکید است.

در فرضیات مطرح‌شده معتقدیم، حکومت پادشاهی عربستان، هم‌اکنون از استبدادی‌ترین حکومت جهان است که با توسل به زور و سرکوب مردم سر کار مانده است. حتی امپریالیسم نیز در این زمینه کمک‌های شایانی به عربستان کرده است؛ به‌گونه‌ای که خاندان آل سعود، از همان ابتدای تأسیس حکومت، در پیوند با ایدئولوژی و مذهب محمد بن عبدالوهاب و با حمایت و پشتیبانی استعمار انگلیس و سپس حمایت‌های آمریکا حکومت خویش تداون بخشیده است.

مذهب وهابیت، بیشترین دشمنی را با تشیع دارد و رهبران وهابی، شیعیان را رافضی و خارج از دین می‌دانند. همچنین ساخت نظام سلطانی حکومت عربستان نیز قابلیت برتافتن مبانی مردمی و دموکراتیک انقلاب اسلامی را ندارد و آن را خطری برای حکومت موروثی خویش می‌بیند. در نهایت، وابستگی حکومت عربستان به امپریالیسم غرب هم که جمهوری اسلامی ایران در مخالفت با آن شکل گرفته، عامل دیگری است که عربستان را به مخالفت با صدور انقلاب اسلامی وامی‌دارد.

در بررسی پیشینه ادبیات و موضوعات نزدیک به این تحقیق باید گفت که تا کنون صاحب‌نظران و محققان کوشیده‌اند با روش‌های مختلف پژوهشی، سیاست‌های صدور

انقلاب اسلامی و علل و عوامل مؤثر بر آن را بررسی و کندوکاو کنند، اما علل و عوامل مؤثر بر صدور انقلاب اسلامی و موانع آن در ایام حج، کمتر مورد اشاره بوده است. لذا مهم ترین کارهای تحقیقی و پژوهشی که می تواند در راستای کلی این موضوع قرار گیرد، عبارت اند از: کتاب «سیاست صدور انقلاب اسلامی»، اثر علی فلاح نژاد که به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴ منتشر شد. این اثر با تبیین مبانی انقلاب اسلامی، راه های صدور انقلاب اسلامی و موانع پیش روی این امر را در دو مبحث داخلی و بین المللی مد نظر داشته است. «بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل»، نام دومین کتابی است که محمدرضا دهشیری تألیف کرده است. «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان» کتاب دیگری است که علی عمرانی درگاهی به رشته تحریر درآورده است. برخی کتب و مقالات نیز در ارتباط با حج و کارکردهای آن تألیف شده است، اما به جرئت می توان گفت که هیچ یک درباره علل و عوامل مؤثر بر موانع صدور انقلاب اسلامی در ایام حج و در عربستان سعودی، آن چنان که شایسته و بایسته است، سخن نگفته اند. لذا نگارنده، با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی ساختار سیاسی و مذهبی حاکم در عربستان، به تلاش های این کشور و امپریالیسم غربی در جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان اسلام خواهد پرداخت.

سلطانیسم، چارچوب نظری

سلطانیسم که برگرفته از اندیشه ماکس وبر است، مهم ترین چارچوبی می باشد که می توان با کمک آن به بررسی و تبیین موضوع و مسائل مقاله پیش رو پرداخت؛ زیرا نظریه نظام سلطانی با واقعیت های جامعه عربستان و حکومت آل سعود انطباق کاملی دارد.

ماکس وبر در کتاب «اقتصاد و جامعه»، مفهوم سلطانیسم را به عنوان افراطی ترین شکل پاتریمونالیسم مطرح کرد. ماکس وبر این مفهوم را در چارچوب سه نوع اقتدار

عمده مطرح کرده است. او اقتدار را به سه دسته تقسیم می‌کند: سنتی، بوروکراتیک و کاریزماتیک. البته باید در کنار سلطانیسم از مفهوم «هرشافت»^۱ نیز در اندیشه وبر سخن بگوییم که اصطلاحی اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی اوست. این اصطلاح، معمولاً اقتدار یا سلطه ترجمه می‌شود و با اصطلاح اساسی قدرت، ارتباط دارد. قدرت به توانایی به انجام رساندن هدف، به رغم هرگونه مقاومت، و وادار کردن دیگران به انجام دادن آنچه ما می‌خواهیم، اشاره دارد. اقتدار به وضعیتی اشاره دارد که در آن، افراد از نظر عموم مردم، دارندگان به حق مشروع قدرت پنداشته می‌شوند. وبر هرشافت را ویژگی اساسی و تغییرناپذیر جهان سیاست می‌دانست. این، هم در مورد رژیم‌های دموکراتیک صدق می‌کند و هم رژیم‌های غیردموکراتیک.^۲

وبر در اقتصاد و جامعه، سه نوع آرمانی سلطه و اقتدار مشروع را بیان می‌کند:

- اقتدار سنتی که براساس توسل به رسم و عادات تاریخی است؛

- اقتدار فرهمندانانه که وفاداری و سرسپردگی به رهبر را به همراه دارد و بر

ویژگی‌های خارق‌العاده و توانایی‌هایی استوار است که تصور می‌شود آن فرد دارد؛

- اقتدار عقلانی - قانونی که وفاداری به حاکمیت غیرشخصی قانون و اطاعت از آن

را توصیه می‌کند.

او معتقد است که در جهان معاصر، اقتدار عقلانی - قانونی، نوعی اقتدار است که با بوروکراسی ارتباط دارد.^۳

بدین‌سان است که باید گفت، در نوع سنتی، اقتدار کاملاً متکی به پذیرش سنت‌هاست. یک سرور یا حاکم، فقط می‌تواند در چارچوب سنت‌های پذیرفته شده

1. Herrschaft.

۲. متفکران بزرگ جامع‌شناسی، راب استونز، ترجمه مهرداد میردامادی، ۱۳۸۵، ص ۶۶.

۳. همان.

عمل کند. حالا اگر در جایی زیاده‌روی کند یا ضعیف عمل کند، آن بحثی جداست؛ ولی نمی‌تواند جدا از آن محدوده عمل کند. در سنت سیاسی، حاکمیت سلطنتی به عنوان نوعی اقتدار سنتی مطرح است؛ اما وبر می‌گوید آنجا که سرور، پایش را از سنت‌ها فراتر می‌گذارد و در عمل، قائم به شخص می‌شود، باید مفهوم سلطانیسم را به کار برد؛ یعنی اینکه سرور یا حاکم، دیگر مقید به سنت‌ها نیست. اگرچه مشروعیت خود را از سنت‌ها گرفته باشد.^۱

رهبران نظام‌های سلطانی، از آنجا که حکومت‌هایی نامشروع دارند، برای توجیه کردن نظام خود غالباً ایدئولوژی‌ای را اختراع می‌کنند که مرجعیت، آنها را به عنوان تنها عامل اقتدار خدشه‌دار نکند. «برخی فرمانروایان نظام‌های سلطانی چیزی را به وجود می‌آورند یا نویسندگانی را واداشته‌اند که آن را به وجود آورند که دوست دارند آن را ایدئولوژی بنامند. اما کافی است به جاذبه‌ای که ایدئولوژی‌های توتالیتر برای روشنفکرانی که تحت حاکمیت آنها نیستند، برای جوانان، و برای دانشجویان بیندیشیم تا فقدان هر چیزی را که اندک شباهتی با ایدئولوژی داشته باشد، در نظام سلطانی درک کنیم. افرادی که تابع حاکمیت آنها نیستند، حتی بیشتر حامیان آنها و احتمالاً خود فرمانروایان، این تلاش‌های ایدئولوژیک را جدی تلقی نمی‌کنند. آنها شبه ایدئولوژی هستند. رهبران نظام‌های سلطانی، هنگامی که نیاز به مشروعیت بخشیدن ایدئولوژیک نظام خود را حس می‌کنند، اغلب ایدئولوژی‌ای را برمی‌گزینند که در عین بازتاب‌دادن شخص‌گرایی نظام، نام فرمانروا را نیز بر خود دارد.^۲ این مسئله در تاریخ معاصر عربستان و حکومت خاندان آل سعود، از عینیت کاملی برخوردار است.

بنابراین، سلطانیسم طبق تعریف وبر، آن‌گونه از اقتدار سیاسی پاتریمونیال (سنتی

۱. «کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سلطانیسم ایرانی»، عباس، منوچهری، ۱۳۷۶، ص ۱۳.

۲. نظام‌های سلطانی، خوان لینز و هوشنگ شهابی، ۱۳۸۰، صص ۳۶ - ۳۹.

– موروثی) است که قدرت به شکل کاملاً شخصی و طبق اراده حکمران و فارغ از قیود و محدودیت‌های ناشی از قانون (چه به شکل شرع و چه به شکل قانون عرفی) و دیوان سالاری و نهادهای مدنی (مانند مجمع بزرگان یا پارلمان) و حتی سنت اعمال می‌شود. در این ساختار:

– نظام سیاسی بر بنیاد رهبری موروثی حکمران و خاندان او سامان می‌یابد؛

– تمایز روشنی میان دولت و اعضای خاندان حکمران وجود ندارد؛

– کارگزاران، تابع، مطیع و وفادار به شخص فرمانروا هستند، نه به دولت و نظام

سیاسی؛

– کارگزاران حکومتی آزاد نیستند و پایگاه مستقل سیاسی ندارند. برخلاف نظام

طبقه‌سالار غرب که اشراف فئودال از پایگاه، و به تبع آن از استقلال سیاسی برخوردارند؛

– حکومت کاملاً متمرکز است. برخلاف نظام طبقه‌سالار فئودالی غیرمتمرکز در غرب؛

– دستگاه اداری، فاقد ساختار منظم مبتنی بر سلسله مراتب است؛

– کارگزاران حکومتی به شکل دلخواه و ناسامانمند وظایف خود را انجام می‌دهند و

بر آنان نظارت سازمان‌یافته اعمال نمی‌شود و از آنجا که رابطه‌شان با حکمران، مشابه

رابطه بنده با ارباب است، نمی‌توانند به‌طور یک‌جانبه و بدون موافقت فرمانروا از

شغل خود کناره‌گیرند. در این ساختار، ارتقای فرد بر اصل وفاداری به حکمران مبتنی

است و کارگزاران، طبق سلیقه و علاقه شخصی او، نه شایستگی و ارشدیت،

برکشیده می‌شوند.^۱

در مجموع می‌توان گفت، مطابق سلطانیسم، حاکمیت سلطانی است و به دلیل اینکه

۱. «سلطانیسم ماکس وبر و انطباق آن بر عثمانی و ایران»، عبدالله شهبازی، ۱۳۸۲، ص ۱۰.

سنت سلطنت را احیا می‌کند، مشروعیتش را از آنجا می‌گیرد؛ اما از شیوه‌های مدرن نیز استفاده می‌کند.

علاوه بر این، سلطانیسم ویژگی‌های جدایی‌ناپذیری دارد که در بررسی جامعه‌شناختی، این‌گونه نظام‌ها از آنها به ویژگی‌های همزاد تعبیر می‌کنند:

۱. پایگاه اجتماعی محدود نظام سلطانی؛ فرمانروایان نظام‌های سلطانی، نخستین بار با حمایت گروه‌های کاملاً مشخص به قدرت می‌رسند.

۲. خودکامگی (ریاکاری قانونی)؛ فرمانروایان پاتریمونیال که مدعی اقتدار سنتی هستند، بر نظام‌های سیاسی مبتنی بر قواعدی که به لحاظ تاریخی به صورت قانون درآمده‌اند - به ویژه قوانین عرفی - تکیه می‌کنند و عموماً قوانین اساسی مدرن را نادیده می‌گیرند. ظاهر قانونی نظام‌های سلطانی، به این معناست که آنها به قوانین اساسی احترام می‌گذارند؛ اما در اصل، خودکامگی اعمال می‌شود.

۳. اتکا به قدرت خارجی؛ ویژگی مذکور نتیجه پایگاه اجتماعی محدود نظام‌های سلطانی است و بر همین اساس، رهبران نظام‌های سلطانی حمایت ابرقدرت خاص را جانشین پایگاه قدرت داخلی می‌کنند.

۴. اتکا به ایدئولوژی ناسیونالیسم.

۵. کیش‌گرایی یا شخصیت‌گرایی.

۶. تیره‌شدن و آمیختگی مرز میان نظام و ملت؛ در نظام‌های سلطانی، شخص مسئول صرفاً در برابر سلطان و نه در برابر مردم، پاسخ‌گوست. از طرف دیگر، در این نوع نظام‌ها امنیت شغلی وجود ندارد و یک فرد مسئول، به سبب تمرد از سلطان یا عدم اعتماد شاه، به راحتی برکنار می‌شود.

۷. ایجاد شبکه حامی‌پرور؛ نظام‌های سلطانی، به دلیل احساس کمبود مشروعیت، از طریق حمایت‌های مالی، یک شبکه اقتصادی برای رفع بحران‌های نظام ایجاد می‌کنند

تا در مواقع لزوم، ضمن استفاده از آن، با اتخاذ سیاست حمایت‌های اقتصادی و رفاهی، کسب مشروعیت کنند. اما باید توجه داشت که نظام‌های سلطانی، از لحاظ میزان نفوذ شبکه حامی‌پروری در جامعه مدنی و جذب نخبگان اجتماعی از طریق پاداش‌های مادی، با یکدیگر فرق دارند.

۸. توسعه اقتصادی نامتوازن یا سرمایه تحریف‌شده؛ برخی نظام‌های سلطانی دوره‌هایی از رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای را می‌گذرانند؛ اما در درازمدت، شخص‌گرایی و فساد نظام سیاسی، بر توسعه اقتصادی آنها اثر منفی برجای می‌گذارد.

۹. فساد؛ با بررسی نظام‌های سلطانی به نظر می‌رسد که از ویژگی‌های ذاتی این نوع نظام‌ها فساد است.

۱۰. بحران حاکمیت؛ از دیگر ویژگی‌های نظام‌های سلطانی در سراسر تاریخ معاصر، موضوع استقلال مبهم آنهاست؛ چراکه آنان اغلب مورد احترام همسایگان قدرتمندتر خود قرار نداشتند. بنابراین از نظر توسعه سیاسی، این حکومت‌ها بحران‌های حاکمیت مداومی را متحمل نشده‌اند.^۱

مهم‌ترین علل مخالفت عربستان با صدور انقلاب اسلامی ایران

۱. ساختار سیاسی عربستان سعودی

ساختار سیاسی و حکومت حاکم در عربستان که باید در قالب نظام سلطانیسم به توجیه و تبیین آن پرداخت، در سال ۱۷۴۴م و در پیمانی مشترک میان محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب شکل گرفت^۲؛ خاندان سعودی، امور سیاسی و اجرایی، و خاندان

۱. «پهلوی‌ها و سلطانیسم ماکس وبر»، حسن شمسینی غیاث‌نود، ۱۳۸۷، ص ۷۸.

۲. ر.ک: تاریخ العربیة السعودیة، الکی فاسیلیف، ۱۳۸۷، الترجمة، خیری الضامن، جلال الباطشة، ۱۹۸۶م؛ عربستان

سعودی، ویلیام گودوین، مترجم فاطمه شاداب، ۱۳۸۳.

محمد بن عبدالوهاب امور مذهبی و فرهنگی آن را میان خویش تقسیم کردند. اما تأسیس حکومت عربستان در سال ۱۹۳۲م، به وسیله محمد بن سعود و با تمرکز بر آموزه های وهابیت صورت گرفت که مذهب رسمی کشور عربستان را شکل می دهد و شعار اصلی خود را بازگشت به اسلام سلف، با رد هرگونه شرک و خرافات، اعلام کردند.

حکومت عربستان، به حق شکل افراطی شده نظام های پاتریمونیال (سلطنتی - موروثی) است، که مشروعیت خود را از حق مالکیت اعضای خاندان سلطنتی که به صورتی موروثی به آنها رسیده، کسب می کند. لذا سنت و قوانین عرفی، از طریق الگوها و سلسله مراتب خود، توجیه کننده ساختار قدرت در این نظام است.

در نظام سلطانی عربستان، رابطه افراد با حکومت، نه مبتنی بر تعهد و مسئولیت افراد در قبال قانون، بلکه بر ترس از شخص حاکم و وفاداری به او مبتنی است. بنابراین در عربستان، قانون و حق مشارکت مردم، به گونه ای که بتوانند در قانون گذاری و اداره مملکت نقشی داشته باشد، کاملاً ملغاست. از همین رو دموکراسی در عربستان، یک صیغه ممنوع و حرام است. لذا حکومت در عربستان سعودی، از مردم و مشکلات و آرزوهای آنها کاملاً به دور است و مثل پلیسی می ماند که اموال و دارایی های این مردم را به سرقت می برد. در حقیقت، دموکراسی در عربستان سعودی در خاندان آل سعود ذوب شده است. دموکراسی در واقع یک عامل خارجی نیست، بلکه یک نیاز داخلی است که هر جامعه ای به آن نیاز دارد.^۱

وجود چهار هزار شاهزاده در عربستان باعث شده است که آنها تمام مسئولیت ها و مراکز قدرت را در اختیار خود داشته باشند. برای مثال، تمام وزارتخانه های مهم، از قبیل دفاع، خارجه و کشور، به وسیله شاهزادگان اداره می شود. همچنین ریاست شورای عالی در وزارتخانه های خدماتی نیز بر عهده آنهاست. شورای عالی تبلیغات، سیاست

کلی وزارتخانه‌ها را تعیین می‌کنند و فرماندهی عملیات را در بخش‌های مختلف نیروهای مسلح و پایگاه‌های نظامی در اختیار دارند. تنها از سال ۱۹۹۳ م که اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی، بعد از نوشتن قانون اساسی در سال ۱۹۹۲ آغاز شد، ملک فهد، پادشاه سابق عربستان سعودی، انتصاب دویست نفر را برای نمایندگی مجالس محلی در سرتاسر کشور تأیید کرد. در این بین، یک کرسی به یک نفر از شیعیان در مجلس مشورتی شورا داده شد. این شورا نیز صرفاً وظیفه مشورتی دارد و سیاست‌گذاری در عربستان سعودی، همچنان در دست دولت است که عمدتاً تحت تسلط اعضای خانواده حاکم آل سعود قرار دارد.^۱

بنابراین ساختار توتالیتر و استبدادی نظام سیاسی حاکم در عربستان، از مهم‌ترین اختلافات و علل مؤثر در مخالفت این کشور با صدور انقلاب اسلامی است که برخاسته از مردم و مشارکت سیاسی شهروندانش است.

۲. وهابیت، مذهب حاکم در عربستان

وهابیت، ایدئولوژی رسمی حکومت سعودی است که از قرن هیجدهم تا کنون پایه‌های مشروعیت مذهبی و سیاسی رژیم سعودی را فراهم کرده؛ به گونه‌ای که پیوندی استراتژیک و تاریخی میان حکومت و مذهب وهابیت برقرار است. پایه‌گذار وهابیت، محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان در سال ۱۱۱۵ ه. ق در شهر «عَیْنَه» از شهرهای «نجد» متولد شد و در سال ۱۱۷۱ ه. ق وفات یافت. دکمجیان معتقد است محمد بن عبدالوهاب را می‌توان «خلف معنوی بلاواسطه ابن تیمیه از میان نظریه‌پردازان و فعالان گروه دمشق دانست که پس از یک وقفه چهارقرنی، مکتب حنبلی را احیا کرد».^۲

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، مجله اخبار شیعیان، ۱۳۸۷، ص ۵۵.

۲. جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، هرایر دکمجیان، ترجمه حمید احمدی، ۱۳۸۸، ص ۸۱.

مهم ترین ویژگی این مذهب، نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض و بدون اندیشه و تفکر از گذشتگان است. وهابیان مسلمانان را به «اسلام بلامذهب» دعوت می کنند. در این مذهب جدید، هیچ یک از مذاهب اسلامی به رسمیت شناخته نمی شود و صرفاً تقلید از سلف (قرون مفضله)، محتوای اصلی آن را شکل می دهد. سلفیان در حالی مسلمانان را به کنار گذاشتن مذاهب خود دعوت می کنند که خود، مذهب جدیدی به نام «سلفی گری» ایجاد کرده اند؛ بدعتی که هیچ پیشینه ای در میان مذاهب اسلامی ندارد.^۱

وهابیت زیر چتر حمایت آل سعود از نظریه توحید دفاع می کند و براساس این نظریه، محمد بن عبدالوهاب، بندگی را فقط برای خداوند متعال می داند. گفتنی است خاندان آل سعود هم به پایگاهی برای حمایت از وهابیت تبدیل شده و بر این اساس، مشروعیت خود را بنا نهادند. بنابراین وهابیان، نه تنها توسل، بلکه تقدس اولیای الهی و همچنین شفاعت را مردود می دانند. محمد بن عبدالوهاب مدعی بود اولین کسانی که شرک را وارد دین کردند، رافضی ها بودند که با مطرح کردن علی علیه السلام به عنوان امام اول، عقاید نادرست را ترویج کردند.^۲

وهابیت، که خود را جزء مذهب تسنن می داند، دشمنی و مخالفت عمیق و جوهری با آموزه های شیعه و شیعیان دارد. این مخالفت که تا سر حد جنون و دشمنی بی چون و چرا اوج می گیرد، به نحوی است که از نظر وهابی ها شیعیان کافرند و مروّج شرک معرفی می شوند. شیعیان از اصول توحید تجاوز کرده و مرتکب گناه بدعت شده اند؛ گناهی که مجازات آن مرگ است. ادعاهای اخیر شیوخ وهابی مثل محمد العریفی، الغامدی و بسیاری دیگر، گویای این واقعیت است.^۳

۱. درسنامه وهابیت، پیدایش، جریان ها و کارنامه، سید مهدی علیزاده موسوی، ۱۳۹۲، ص ۲۲.

۲. شیعیان در جهان عرب مدرن عربستان سعودی، فواد ابراهیم، مترجم رضا سیمیر، ۱۳۸۷، ص ۳۶.

۳. الحقوق المشروعة للمواطنين الشيعة تبدأ من هنا، احمد علی الشمر، سایت شمس العوامیه، ۲۰۱۱/۴/۱۵.

تقلید و تقلید محض به سلف صدر اسلام، از مهم ترین مبانی و مؤلفه های وهابیت است. همچنین وهابیت و سلفی گری، با نادیده گرفتن عقل، نگاهی افراطی به نقل دارد. در نگاه سلفیان، در کشف مسائل و معارف دینی، تنها روش نقلی مشروعیت دارد. تفاوتی که این گروه با دیگر مسلمانان دارند، در نگاه عام و استفاده مطلق و بی قید و شرط از این روش است. به این معنا که شرط های لازم روش نقلی مانند بررسی وضعیت ناقل، و شرایط نقل، سند و درایت، برای ایشان اهمیت ندارد.^۱

برخی از مهم ترین مبانی فکری و مذهبی وهابیت به شرح ذیل است که نه تنها در تضاد با آرا و اندیشه های حاکم بر تشیع و انقلاب اسلامی است، بلکه با آرا و اندیشه های اهل تسنن نیز در تضاد و اختلاف است:

۱. از نظر وهابی ها هرگاه کسی شهادتین را بر زبان جاری کند، ولی بدان عمل نکند، ارزشی ندارد و چنین کسی کافر و مشرک، و خون و مال او حلال است.
۲. وهابیان به اصل اجتهاد آزاد معتقدند و تقلید از مذاهب چهارگانه را لازم نمی دانند، بلکه برخلاف آن مذاهب، اجتهاد می کنند.
۳. وهابی ها با استدلال به ظاهر برخی آیات و روایات، برای خداوند جسم و جهت اثبات کردند و به رؤیت حسی خداوند قائل اند.
۴. محمد بن عبدالوهاب معتقد بود که تمام اعمال مسلمانان به حد شرک رسیده است و از این رو وی مسلمانان سنی و شیعه ای را که دیدگاه های او را قبول نداشتند، تکفیر می کرد.
۵. آنان فضایل انبیا و اولیای الهی را انکار می کنند.^۲

۱. درسنامه وهابیت، پیدایش، جریان ها و کارنامه، سید مهدی علیزاده موسوی، ۱۳۹۲، ص ۶۳.

۲. از نظر وهابی ها نه عیسی بن مریم می تواند مریض را با اذن خدا شفا دهد و نه آصف بن برخیا می تواند تخت بلقیس را حاضر کند. نه سلیمان فهم درک زبان مورچه ها را دارد و نه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می تواند از آینده (غیب) خبر دهد. دیگر مسلمانان با توجه به آیات قرآن که در این باره وارد شده است، همه این موارد را قبول دارند.

۶. وهابیان، زیارت قبر انبیا و اولیا و سفر به قصد زیارت قبور آن بزرگواران را حرام می‌دانند.
۷. سوگنددادن خداوند به حق مقام اولیا، از نظر وهابی‌ها حرام و موجب شرک است.
۸. وهابی‌ها، نذر برای مردگان و اهل قبور و اولیا را شرک می‌دانند.
۹. توسل، شفاعت، تبرک‌جستن به پیامبر ﷺ، استغاثه و طلب حاجت از پیامبران و اولیا و جشن گرفتن میلاد پیامبر اکرم ﷺ از نظر وهابیت جایز نیست؛ ولی اهل سنت همه اینها را جایز می‌دانند.

۱۰. وهابی‌ها گریه بر میت را جایز نمی‌دانند.

۱۱. وهابی‌ها ساخت بنا روی قبرها را حرام می‌دانند.

۱۲. از نظر وهابی‌ها عزاداری برای مرده حرام است.^۱

روشن است که مذهب وهابیت، با تشیع و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، کاملاً در غیریت و تضاد است. برای همین انقلاب اسلامی و صدور آن به عربستان یا سایر کشورهای اسلامی که مساوی با آموزه‌ها و اعتقادات شیعیان است، زنگ خطری برای وهابیت و حکومت برخاسته از آن است که سلطانیسم عربستان، قابلیت برتافتن آن را ندارد.

۳. وابستگی عربستان به امپریالیسم غرب

خانندان آل سعود، از همان ابتدای تلاش‌های خویش، برای ایجاد حکومت در عربستان و برای مقابله با سایر طوایف و قبایل، به ویژه برای مقابله با نیروهای نظامی خلافت عثمانی، به استعمار انگلیس متوسل شدند. منطقه‌ای که تمام پادشاهان آن، به درجات متفاوت همکاری و وابستگی به آمریکا اعتبار اعطا کرده‌اند. از سال ۱۹۳۸ که نفت به وسیله کمپانی شوروی کشف شد، تا به امروز، در صورتی که تحریم نفتی ۱۹۷۳ را یک استثنا محسوب کنیم، برای دهه‌های متمادی، عربستان کینی فراتر از یک

شعبه منطقه‌ای غول‌های نفتی آمریکا محسوب نمی‌شد. اما محققاً برای درک روابط و فهم کیفیت تعاملات عربستان و آمریکا نیاز به ترسیم یک تصویر کلان‌تر است. در این تصویر، آمریکا و عربستان، هر دو به شدت به یکدیگر وابسته‌اند و تنیدگی منافع، به طرز فزاینده‌ای، جلوه‌گری می‌کند.^۱ این وابستگی، برخاسته از منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز در عربستان است؛ چون عربستان حدود یک چهارم ذخایر اثبات شده نفت جهان^۲ را در اختیار دارد و از این منظر، اوضاع سیاسی و ثبات یا ناامنی در این کشور نفت خیز، از اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده آمریکا برخوردار است.^۳

بنابراین سلطانیسم عربستان از ۱۹۳۲ تا کنون، کمترین چالشی را متوجه آمریکا برای بقای سلطنت ننموده است. از همان آغاز، خط‌کشی‌ها در تمام حیطه‌ها از نظر حاکمان عربستان، کاملاً مشخص و بدون شبهه بوده است. این شفافیت موضوع و اجماع نظر پادشاهان عربستان در خصوص آشکار و محرز بودن اهمیت کلیدی آمریکا باعث شده است که روابط دو کشور، کمتر دچار تلاطم شود. ایالات متحده آمریکا، در پی حذف رژیم بعثی عراق، به تهدید موهوم جدیدی ضد امنیت منطقه نیاز دارد و درصدد است ضمن جلوگیری از بهبود روابط ایران با کشورهای عربی که برای توسعه اقتصادی ایران حیاتی است، با گسترش جو بی‌اعتمادی بین این کشورها زمینه را برای تداوم حضور نظامی خود در منطقه حفظ کند. در این زمینه، آمریکا نه به دنبال همکاری، بلکه به دنبال کنترل منطقه است.

آمریکا از همان آغاز کشف نفت در سال ۱۹۳۸، متوجه اهمیت عربستان برای رشد

۱. «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، حسین دهشیار، ۱۳۹۲، ص ۵۱.

۲. در حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه.

۳. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، محمود واعظی، ص ۲۳.

اقتصادی و تداوم حرکت چرخ‌های صنعت در غرب بوده است. آمریکا خواهان ثبات در عربستان بود تا جریان نفت از عربستان به غرب قطع نشود و عربستان نیز ثبات، دغدغه اصلی اش بود تا امنیت را برای خود تضمین کند. نیاز عربستان به امنیت و وظیفه آمریکا به عنوان رهبر جهان غرب، برای سیراب کردن عطش جوامع صنعتی به انرژی، تنیدگی منافع دو کشور را اجتناب‌ناپذیر ساخت.^۱

۴. رقابت منطقه‌ای عربستان با ایران برای کسب قدرت منطقه‌ای

در سطح منطقه‌ای، عربستان درباره افزایش نقش ایران در افغانستان، لبنان، فلسطین و به‌ویژه عراق، نگران است. تحولات چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی در مورد کاهش نقش و نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است. این نگرانی‌های اخیر، به همراه حساسیت و سوءظن‌های همیشگی عربستان به ایران، واکنش‌هایی را از سوی ریاض، به منظور تغییر در معادلات منطقه، برانگیخته است. در گذشته همواره ایران، عربستان سعودی و عراق، به عنوان سه کشور مهم و تعیین کننده در منطقه خلیج فارس مطرح بودند و توافق دو کشور از این سه کشور، کافی بود تا اثر گذاری لازم بر مسائل و تحولات مهم منطقه صورت گیرد. از این رو عربستان می‌کوشد که از عراق به عنوان ابزاری برای ارتقای نقش خود در منطقه استفاده کند. حساسیت عربستان درباره افزایش نقش ایران و شیعیان در عراق، از این زاویه اهمیت می‌یابد. عربستان همواره خود را در نقش یک مدافع تمام‌عیار اهل سنت تعریف کرده است و نسبت به کاهش نقش سنی‌ها در عراق، لبنان یا کشورهای هم‌جوار خود مانند بحرین، حساس و نگران است.^۲ این همه

۱. «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، ص ۵۱.

۲. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، ص ۲۳.

در حالی است که نقش و جایگاه عربستان سعودی، به عنوان برادر بزرگ تر کشورهای عربی، و نیز وجود حرمین شریفین در این کشور، بسیار حایز اهمیت است؛ کشوری که بزرگترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد و بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده نفت است. از این رو قدرت‌های بزرگ جهانی، توجه ویژه‌ای به آن دارند. تا پیش از این، عربستان از جایگاه ویژه‌ای در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برخوردار بود که دلیل آن تا اندازه زیادی به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و خارج شدن کشورمان از مدار غرب مربوط بود. لذا در این دوران، هراس بی‌مورد کشورهای کوچک عرب از ایران و همچنین وقوع انقلاب اسلامی، موجب گرایش بیشتر این کشورها به عربستان شد و عربستان تا اندازه ای توانست، هژمونی خود را به صورت یکپارچه بر پنج کشور شورای همکاری خلیج فارس تسری داده، نقش منطقه‌ای برجسته‌ای بیابد.^۱

بنابراین، باید گفت که موقعیت مهم و ژئوپولیتیک برجسته عربستان در جهان اهل سنت، برخاسته از وجود حرمین شریفین و حمایت‌های مداوم عربستان از سنی‌هاست که البته این حمایت‌های بی‌دریغ عربستان نیز ریشه در منابع غنی نفت و گاز این کشور دارد. «با توجه به نقش مذکور، در صورتی که سعودی‌ها احساس کنند ایران خواستار برتری و تسلط مطلق در منطقه و نادیده‌انگاری نقش عربستان است، با تشدید تنش‌های شیعی - سنی، برای محدود کردن نفوذ ایران در منطقه، به ویژه در میان ملت‌های عرب استفاده می‌کنند».^۲ حتی با کافر خواندن ایرانیان و شیعیان، برای کسب قدرت منطقه‌ای، به اسرائیل نیز متوسل می‌شوند؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۱م، بن جبرین، عالم رده بالای سعودی، با صدور فتوایی بر کافر بودن شیعیان تأکید کرد، درحالی‌که رهبر اعلامی مفتیان عربستان، بن باز، طی حکمی جواز صلح با اسرائیل را به بهانه برقراری امنیت و

۱. «عربستان؛ بیداری اسلامی و دیکتاتوری عربی»، ماه پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

۲. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، ص ۲۳.

خودداری گروهی از آزار و اذیت گروه دیگر صادر کرد. وی همچنین اقدام به داد و ستد و مبادله سفرا و سایر موارد را به شرطی که متضمن ابراز دوستی با آنان نباشد، جایز شمرد.^۱

عربستان، همچنین با کمک‌های فراوان برای روی کار آوردن طالبان در افغانستان، سعی داشت که قدرت خود را به رخ دیگران بکشانند، و تا آنجا پیش رفت که در آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ کرده بود. اما هم‌اکنون با توجه به اوضاع پیش‌آمده در منطقه خاورمیانه و آغاز بیداری اسلامی، عربستان برخلاف گذشته که نقش و جایگاه خاصی را برای خود تعریف می‌کرد، طی سال‌های اخیر، چنین قدرتی رو به افول نهاده و نقش کشورهای غیرعرب منطقه مانند ایران و ترکیه رو به افزایش گذارده است.

۵. شکل‌گیری جنبش‌های شیعی در عربستان

شیعیان عربستان، از مهم‌ترین اقلیت‌های مذهبی در این کشورند که حدود پانزده درصد از جمعیت عربستان را شکل می‌دهند و همواره حکومت با دیده تردید به آنان نگریسته و کوشیده است با سختگیری‌های توتالیتری از نزدیکی آنها به جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند. شیعیان از سوی حکومت در تنگنا و مضیق‌ه قرار داشته‌اند، ولی همواره به اصول و عقاید خویش پایبند بوده و تا سر حد امکان سعی در حفظ اصول و مبانی اعتقادی خویش داشته‌اند. برای همین نیز همواره میان شیعیان و حکومت وهابی درگیری وجود داشته است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شیعیان عربستان نیز تأثیرات بسزایی گرفته و اقدامات زیادی علیه حکومت وهابی آل‌سعود انجام داده‌اند. از همین روست که اریک رولو، مفسر روزنامه معروف و پرتیراژ لوموند، می‌نویسد:

۱. شیعیان در جهان عرب مدرن عربستان، ص ۹۸.

شیعه به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی حرکت در مکه، دل و جرئت بیشتری پیدا کردند و روز ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹، مراسم روز عاشورا را که در عربستان سعودی ممنوع است، برگزار کردند. جمعیت که عکس‌های امام خمینی علیه السلام را در دست داشت، به سوی قطیف و احسا و دیگر آبادی‌های ایالت شرقی حرکت کردند و در درگیری‌های به وجود آمده با گارد ملی، ۳۶ تن از آنان کشته شدند. جمعیت، سه روز تمام در حال طغیان بود؛ آنها بانک‌ها و مؤسسات دیگر را به آتش کشیدند و علیه رژیم سلطنتی شعار دادند و در اعلامیه‌ها از مردم برای سرنگونی رژیم سعودی دعوت کردند. پس از بازداشت شدن صدها نفر، سرانجام آرامش در منطقه برقرار شد. اما درخواست شیعیان پذیرفته نگردید و دولت سعودی صرفاً برای ظاهرسازی، دست به اقدام مزورانه زد تا اسلامی بودنش را ثابت کند؛ از جمله آرایشگاه‌های زنانه را تعطیل کرد و گویندگان زن را از تلویزیون دولتی اخراج نمود و چند تن از مقامات دولتی منطقه شرقیه را عزل کرد.

علی المرزوق، فعال شیعی دیگر که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ زندانی بوده، می‌گوید: «پس از انقلاب اسلامی ایران، شیعیان تظاهرات کردند تا بتوانند روزهای تولد امامان خود را جشن بگیرند که در همین زمان، بسیاری از آنان دستگیر شدند. این مسائل منجر به دستگیری و مهاجرت عده بسیاری شد؛ به این ترتیب که آنان به ایران پناهنده شدند.^۱

دیلیت هیرو، روزنامه‌نگار پاکستانی، اولین بازتاب‌های انقلاب اسلامی در عربستان

را در مناطق نفتی و شیعه‌نشین چنین شرح می‌دهد:

در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (آذر ۱۳۵۸) گروه عظیمی از شیعیان متشکل از چهارصد هزار نفر، تحریم طولانی عزاداری عاشورا را شکستند و این برای مسئولان زنگ خطری

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، مجله اخبار شیعیان، ۱۳۸۷، ص ۵۰.

بود. مراسم عاشورا همراه با تظاهرات در هشت شهر منطقه نفتی برگزار شد. پس از این وقایع بود که سازمان انقلاب اسلامی شیعیان شبه جزیره عربستان پدیدار گشت.^۱ مهم ترین جنبش‌ها و سازمان‌های شیعی که به تبعیت از انقلاب اسلامی، در مخالفت با حکومت در عربستان شکل گرفتند، عبارت‌اند از:

الف) جنبش طلابیه داران مبلغ

در دهه ۱۹۷۰م، جنبش طلابیه داران متأثر از اندیشه‌های آیت‌الله شیرازی که مبنی بر آزادی بیان، تکثر سیاسی، تمدن اسلامی و امت مؤمن به احکام و پایبندی به اصول و مبانی اسلامی بود، در عربستان شور و هیجانی علیه حکومت به راه انداخت که احیای شیعیان و رونق فعالیت‌های فکری و سیاسی آنها را به دنبال داشت. در سال‌های دهه ۱۹۷۰م، گروهی از واعظان سرشناس و متنفذ مکتب آیت‌الله شیرازی به استان شرقی رفتند و به ایراد مجموعه‌ای از خطابه‌ها و سخنرانی‌ها در حسینیه‌های نقاط مختلف «قطیف» و «احسا» پرداختند. بیشتر این واعظان مقیم کویت بودند که از میان آنها می‌توان به «سید مورتاد قزوینی»، «سید هادی مدرسی»، «شیخ صاحب الصادق»، «شیخ یوسف المهدی»، «شیخ حسن خویلدی» و همچنین دو شخصیت اثرگذار در آینده جنبش شیعیان، یعنی «شیخ حسن الصفار» و «شیخ توفیق السیف» اشاره کرد.^۲

ب) سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان

سازمان مذکور نیز که به تأثیر از عقاید سید محمد شیرازی تأسیس شد، به جای حمایت از خشونت، خواستار تعلیم و آگاهی دادن به توده‌ها بود. شاخه سعودی این سازمان، فعالیت خود را در سال ۱۳۹۵ق (۱۹۷۵م) علنی کرد. رهبران سازمان، به سهم

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن.

۲. ر.ک: ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی، علی حق شناس کمیاب، ۱۳۸۹.

جوانان و زنان، اعتقاد خاصی داشتند. سازمان، بیشتر افراد طبقه متوسط و پایین جامعه را به خود جذب کرد و گستره عضویت خود را فقط به عربستان محدود نکرد. با الهام گرفتن از پیروزی نهضت امام خمینی علیه السلام و تعالیم نظریه پردازان جنبش مبلغان طلایه‌دار، رهبران سازمان موفق شدند حمایت‌های مردمی را کسب، و خشم و نارضایتی شیعیان را علیه رژیم هدایت کنند. چند ماه پیش از انتفاضه منطقه شرقی، الصفار، حرکت اصلاح شیعی را سازمانی برای انقلاب اسلامی در شبه جزیره (منظم الثورة الاسلامیه فی جزیره العرب) نامید. لذا «حسن الصفار» در کنار افرادی چون «فوزی السیف» و «محمود السیف» با تأسیس سازمان انقلاب اسلامی، در سخنرانی‌های خود در نوامبر ۱۹۷۹، مصادف با دهه نخست ماه محرم، تصویر اسلامی انقلابی و نوین را ترسیم کرد که شیعیان استان شرقی از آن آگاهی نداشتند. الصفار با بهره‌گیری از لحن و گفتاری متعالی، بر قدرت والایی که دین در اختیار شیعیان نهاده است، تأکید ورزید و معتقد بود که شیعیان، ضمن انجام فرایض و فرامین دین، سرانجام باید در مقابل ظالم قیام کنند. در شب ششم محرم سال ۱۴۰۰ ه. ق. مصادف با ۲۵ نوامبر ۱۹۷۹م، شیعیان نقاط مختلف «قطیف» و «احسا»، پس از پایان بازخوانی واقعه عاشورا توسط شیخ حسن الصفار، به خیابان‌ها ریختند. با اجرای مراسم تعزیه شهادت حضرت عباس، حضرت علی اکبر و امام حسین علیهم السلام شور و هیجان مذهبی به اوج خود رسید. چند روز پیش از این نیز مسجدالحرام توسط گروهی از اهل تسنن به سرکردگی فردی به نام «جهیمان بن العتیبی» از اعضای گارد ملی عربستان سعودی که به نظام مذهبی و سیاسی آل سعود معترض بودند، تسخیر شده بود. این شورش‌ها که حکومت سعودی را با چالشی جدی مواجه کرده بود، در مدینه با کمک کماندوهای فرانسوی و در مناطق شیعه نشین با حضور بیست هزار نیروی گارد ملی، با کشته و مجروح کردن بیش از ۱۲۰ شیعه، سرکوب شد.^۱

۱. ر.ک: ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی.

ج) حزب الله حجاز

حزب الله حجاز که در منطقه، به انصار خط امام خمینی علیه السلام معروف است، در سال ۱۴۰۷ق (۱۹۸۷م) به دست تنی چند از روحانیان مشهور، از جمله شیخ هاشم الشکوس، شیخ عبدالرحمان الجبیل و عبدالجلیل الما تأسیس شد. حزب الله به مذاکرات با دولت سعودی مخالفت شدیدی نشان داد و تأکید کرد که باورهای اصلی حزب، در وهله اول آن است که حکومت سعودی، نماینده همه جمعیت عربستان نیست. دوم، این حکومت واجد شرایط حکومت بر این کشور نیست. سوم، دولت سعودی فاسد و دروغگوست و چهارم اینکه کل جمعیت عربستان، به ویژه شیعیان باید با یکدیگر همکاری، و روابط خود را تقویت کنند و هوشیارانه برنامه‌های رژیم را زیر نظر بگیرند.

به اعتقاد گروه حزب الله، حکومت به تعهداتش پایبند نخواهد بود و پیش از آنکه مخالفان از فشار خود بکاهند، دولت باید حسن نیت خود را اثبات کند. سنت گرایان این گروه، کوچک‌ترین گروه‌بندی سیاسی اسلامی شیعیان عربستان است. آنها متشکل از تعداد معدودی از روحانیان مستقل هستند که فاقد هرگونه سازمان‌دهی اصولی اند. جناح محافظه‌کار در واقع، مجموعه‌ای از فتاوی‌های مذهبی صادر شده از سوی سید ابوالقاسم خوبی، مرجع عالی‌قدر شیعه در نجف را دستاویز خود برگزیده بودند. اینها معتقدند که جامعه شیعی در کل باید از سیاست ملی دوری کند و فقط بر امور جامعه شیعی متمرکز گردد. یکی از این روحانیان معترض، شیخ نمر النمر، امام مسجدی در روستای عوامیه در شمال قطیف است.^۱

این جنبش‌ها برای حکومت دیکتاتوری عربستان سعودی، خزان هراس‌انگیزی را رقم زده است. این کشور که طی سالیان طولانی، خود را از کانون‌های مهم قدرت در خاورمیانه می‌دانست، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شروع برخی حرکت‌های انقلابی و اسلامی

۱. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، ص ۵۰.

در عربستان و سایر کشورهای مختلف منطقه، مرزهای بی‌ثبات دیکتاتوری خود را برای مقاومت در برابر این خیزش مردمی، از هر زمانی شکننده تر یافت. اما شکاف‌های مختلفی که در این کشور به چشم می‌خورد، بیشتر بر نگرانی سعودی‌های برای حفظ حکومت خویش می‌افزاید؛ «وجود اختلافات عمیق مذهبی و فرهنگی میان منطقه نجد و حجاز که همواره از دغدغه‌های اصلی حاکمان عربستان بوده، از جمله مهم‌ترین این چالش‌هاست. وجود اختلافات قومیتی میان شیعیان و سنی‌ها، اختلافات شدید بین نحله‌های مختلف سنی، درگیری میان شاهزادگان عربستان بر سر قدرت، بی‌اعتباری حاکمیت مطلقه آل سعود در محافل دانشگاهی و حقوق بشری و... تنها بخشی از شکاف‌های موجود در فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور عربستان است. معضلاتی که حتی با شروع یک حرکت بسیار کوچک مردمی در این کشور سر باز کرده و دیگر حاکمان این کشور عربی نخواهند توانست از انقلاب عظیم فکری و سیاسی جلوگیری کنند».^۱

ظرفیت‌های حج در صدور انقلاب اسلامی

حج از مهم‌ترین فریضه‌های دین اسلام است که در بسیاری از روایات و احادیث از آن به معادل تمام دین نیز نام برده‌اند. در قرآن کریم و برخی روایات، بسیاری از منافع و فواید آن برای مسلمانان ذکر شده است که از مهم‌ترین کارکردهای این فریضه عبادی-الهی، می‌توان به گسترش تقوا و تقویت دین، کسب پاکی و آمرزش گناهان، توشه آخرت، اوج عبادت و بندگی و کسب معرفت و معنویت، برپایی دین و مذهب، ترک کفر و شرک، افزایش تعاون و همکاری و ایجاد وحدت و همدلی اشاره کرد. آیه مبارکه ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾^۲ بیان می‌دارد که کعبه، وسیله

۱. «عربستان؛ بیداری اسلامی و دیکتاتوری عربی»، مهسا ماه پیشانیان، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

۲. مانده: ۹۷.

قوام زندگی مادی و معنوی مردم است. پس اگر این خانه رها شود، وسیله قوام هم از بین خواهد رفت و باعث هلاکت مردم می‌گردد. همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به هشام بن حکم درباره علل حج فرمود: «ولو كان كل قوم انما يتكلمون علي بلادهم و ما فيها، هلكوا»^۱. بنابراین، نه تنها حیات مردم به حج و کعبه بستگی دارد، بلکه حیات دین هم به حج و کعبه گره خورده است.

علاوه بر کارکردهای عبادی و معنوی حج، آثار و برکات سیاسی و اجتماعی بسیاری نیز بر این فریضه الهی مترتب است که تمسک به آنها می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات کشورهای اسلامی باشد. از همین رو انقلاب اسلامی ایران، با بهره‌گیری از این بزرگ‌ترین فریضه الهی، و با موفقیت خویش، نوید پیروزی بر دیکتاتوری و حکومت‌های مطلقه را نه تنها در ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه سر داد، بلکه فراتر از آن، در سراسر جهان، استقلال و آزادی و بازگشت به معنویت و دیانت را سرلوحه اهداف و آرمان‌های خویش قرار داد و توانست موجی از جنبش‌ها و حرکت‌های آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبانه را در کشورهای منطقه، به‌ویژه در کشورهای همسایه به راه اندازد و مردم منطقه را رو در روی امپریالیسم و استکبار جهانی و حکومت‌های دست‌نشانده غرب قرار دهد. گفتنی است این امر، مهر تاییدی است بر توانمندی و ظرفیت‌های عظیم حج در صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورهای منطقه و جهان اسلام.

امام خمینی رحمته الله علیه معتقد بود پس از انقلاب اسلامی، از تحولات ذاتی مردم ایران، اعتقاد به این امر است که مردم دارای حق هستند و حکومت، وظیفه دارد این حق را رعایت کند و حرمت آن را نگه دارد. بر همین اساس از مهم‌ترین توصیه‌های امام در دیدارهای

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۱؛ بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۹۶، ص ۱۹.

مکرری که با مردم و مسئولان داشتند، توجه به حقوق مردم و تجاوز نشدن به آنها و جلوگیری از وارد شدن ظلم به افراد جامعه است.^۱ در نگاه امام خمینی، «اسلام هم حقوق بشر را محترم می‌شمارد، و هم عمل می‌کند. حقی را از هیچ کس نمی‌گیرد. حق آزادی را از هیچ کس نمی‌گیرد. اجازه نمی‌دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آنها سلب کند».^۲

زائران ایرانی باید این اصل را به سایر زائران و مسلمانان حاضر در حج تبیین کرده و تبلیغ کنند که اسلام و حکومت اسلامی، پدیده‌ای است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فساد و تجاوزها بکشد و انسان را به کمال مطلوب خود برساند. مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نموده است.^۳

حج باید مستمسکی باشد برای بیان آموزه‌های انقلاب اسلامی، همان‌گونه که انقلاب اسلامی به جهانیان آموخت که مشروعیت نظام سیاسی باید بر آرای واقعی مردم استوار باشد. در جمهوری اسلامی ایران، به فراندوم گذاشتن اصل انقلاب، خود گواهی بر این مدعاست. به فراندوم گذاشتن یک نظام، نه فقط عملی شگفت، شجاعانه و سخنی نو به شمار می‌آید، بلکه اندیشه‌ای فراتر از دموکراسی غربی بود. از این رو به عنوان بدیلی برای جهان خسته از لیبرال دموکراسی مطرح شد. در این

۱. حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مقصود رنجبر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴.

۲. صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۶۹.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۱۷۶.

انقلاب، حتی مردم، خبرگانی را برمی‌گزینند تا تدوین قانون اساسی، براساس رأی مردم باشد. پس از تدوین نیز به آرای عمومی مراجعه می‌شود.^۱

بنابراین، می‌توان حج را فرصت گران‌قدری برای گسترش ایده‌های نظری انقلاب اسلامی و تسری آرمان‌های متعالی دین مبین اسلام به تمام اقصا نقاط جهان دانست؛ حج فرصت کم‌نظیری است که می‌توان با کمک آن، سایر مسلمانان جهان را از ماهیت آرمان‌های انقلاب اسلامی آگاه کرد و پیام‌ها و مؤلفه‌های انقلاب را که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، به گوش سایر مسلمین جهان رساند.^۲

حضرت امام علیه السلام برخلاف کسانی که معتقد بودند ما نمی‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم و اساساً انقلاب صادرشدنی نیست، همواره بر لزوم صدور انقلاب تأکید می‌فرمودند و آن را یک تکلیف اسلامی می‌دانستند و مینا و علت صدور انقلاب را نیز همین اسلامی بودن انقلاب و محتوای آن را مبارزه با استکبار و به استضعاف کشیدن ملت‌ها می‌دانستند:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا جایی که بانگ «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» در تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.^۳

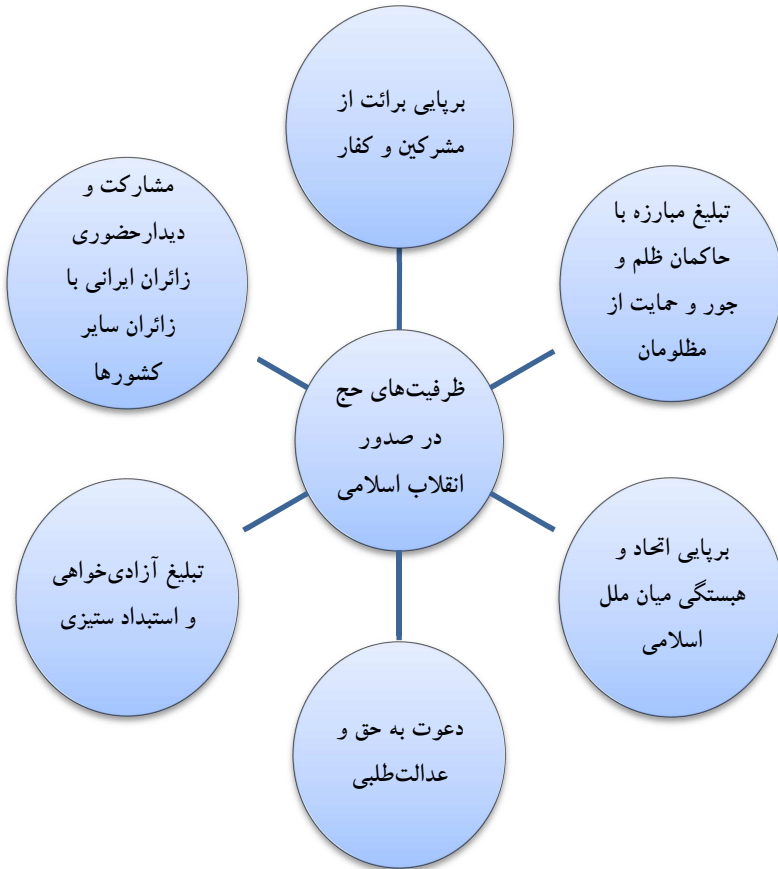
۱. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۷۵۲.

۲. صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۳۲۱ - ۳۱۴.

۳. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

در شکل زیر به صورت فهرست‌وار، گوشه‌ای از مهم‌ترین توانمندی‌های حج در صدور

انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود:



شکل ۱- ترسیم توانمندی‌های حج در صدور انقلاب اسلامی

از بهترین و مهم‌ترین راهکارهای انقلاب اسلامی ایران، برای معرفی نظام اسلامی خویش و صدور آرمان‌ها و اهداف آن، حضور زائران ایرانی در ایام حج و برگزاری مراسم براهت از مشرکین است. همچنین همان‌طور که در شکل ۱ ترسیم شده است، برپایی و تبلیغ اصول ذیل در مراسم حج، می‌تواند مهم‌ترین راهکار برای معرفی و



صدور انقلاب اسلامی به مسلمانان سایر کشورها باشد:

- برپایی براءت از مشرکین و کفار؛
 - تبلیغ مبارزه با حاکمان ظلم و جور و حمایت از مظلومان؛
 - برپایی اتحاد و هبستگی میان ملل اسلامی؛
 - دعوت به حق و عدالت‌طلبی؛
 - تبلیغ آزادی‌خواهی و استبدادستیزی؛
 - مشارکت و دیدار حضوری زائران ایرانی با زائران سایر کشورها.
- برپایی و اجرای موارد فوق، از آنجایی که برخاسته از مبانی و اصول دین اسلام و مبین فلسفه وجودی حج بوده و در گفتمان انقلاب اسلامی به کار گرفته شده است، هر ساله با استقبال سایر زائران کشورهای مختلف نیز مواجه بوده است.
- اما نظام سلطانی آل سعود که به همراهی وهابیت و حمایت امپریالیسم غربی در عربستان قدرت را در دست گرفته است و انقلاب اسلامی و گسترش آن به سایر کشورهای منطقه و تبلیغ آن در میان سایر ملل مسلمان و آزادی‌خواه را خطری برای حکومت خویش می‌بیند؛ در موضع‌گیری علیه انقلاب اسلامی، همواره کوشیده است با توسل به طرق مختلف، از قدرت و نفوذ انقلاب اسلامی در میان حجاج اسلامی و گسترش آن در عربستان و سایر کشورهای منطقه جلوگیری کند.
- با توجه به فرمایشات حضرت امام علیه السلام می‌توان اصول و مبانی صدور انقلاب را استخراج نمود. حضرت امام علیه السلام، این مبارزه با استکبار و استضعاف کشیدن ملت‌ها را در یک نبرد و تقابل نظامی ایران با کشورها نمی‌داند، بلکه راه آن را روشنگری و آگاه‌نمودن ملت‌ها می‌داند که فرایندی فرهنگی است که باید با استفاده از ابزارهای فرهنگی مثل وسایل ارتباط جمعی صورت گیرد و گروه هدف را ملت‌ها می‌داند که اگر

بیدار شوند، سرنوشت خویش و دولت‌های خود را نیز تغییر خواهند داد و این آگاهی ملت‌هاست که باعث اصلاح اوضاع آنها خواهد شد.^۱

نتیجه‌گیری

حکومت عربستان که مبین نظام سلطانیسم در این کشور است، می‌کوشد از یک‌سو با قرار دادن پایه‌های مشروعیت خویش در سنت و آیین وهابیت و از سوی دیگر برای تثبیت و تداوم حکومت خویش، به غرب و بهره‌گیری از ابزار و ادوات مدرن غربی روی آورد. از این‌رو علاوه بر مذهب وهابیت که در غیریت با مبانی و مؤلفه‌های شیعی می‌باشد، ساخت سیاسی حکومت که مبتنی بر پادشاهی استبدادی است و وابستگی به استعمار غرب و نگرانی و ترس از شکل‌گیری جنبش‌های شیعی در عربستان نیز از مهم‌ترین عواملی‌اند که موجبات مخالفت عربستان با صدور انقلاب اسلامی را در منطقه فراهم می‌آورد. البته باید تلاش‌های عربستان را در رقابت با جمهوری اسلامی ایران، در کسب قدرت اول منطقه نیز به این عوامل افزود. اما تأکیدی که بر جایگاه حج در امر صدور انقلاب اسلامی وجود دارد، به سبب جایگاه برتر و کنگره عظیم اسلامی است که هر سال به صورت منظم و در موعد مقرر، با حضور بیش از ده‌ها هزار نفر از سراسر مسلمانان عالم تشکیل می‌شود. خداوند نیز در قرآن کریم، بارها به اهمیت و جایگاه رفیع حج اشاره کرده، و انقلاب اسلامی ایران نیز مهم‌ترین مبانی و اصول خویش را از همین آموزه‌های حج و فلسفه وجودی آن اخذ کرده است. بنابراین، علاوه بر توانمندی‌های حج که در متن مقاله به آنها اشاره شد، از مهم‌ترین اصول اساسی انقلاب اسلامی که می‌توان با بهره‌گیری از آنها در حج، به صدور مبانی انقلاب اسلامی و احیای بیداری اسلامی پرداخت، عبارت‌اند از:

۱. سیاست صدور انقلاب اسلامی، علی فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴، صص ۷۲ و ۱۳۹.

۱. برپایی آموزه توحید و پیروی از تعالیم قرآن و سنت؛
۲. بازگشت به اصول اولیه مکتب اسلام؛
۳. تلاش برای اتحاد مسلمین زیر پرچم اسلام، برای دستیابی به اهداف سیاسی؛
۴. برپایی آموزه‌ها و احکام اصیل اسلامی و تدوین قوانین براساس آموزه‌ها و دستورات اصیل اسلام؛
۵. تفکر عقلانی و ایجاد آگاهی سیاسی؛
۶. تبلیغ آزادی‌خواهی و ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی؛
۷. یادآوری مجد و عظمت تمدن اسلامی در تقابل با فرهنگ و تمدن غربی.

منابع

* قرآن کریم

۱. احمد علی الشمر، الحقوق المشروعة للمواطنين الشيعة تبدأ من هنا، سایت شمس العوامية، ۲۰۱۱/۴/۱۵.
۲. انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن، مجله اخبار شیعیان، ش ۳۶، آبان ۱۳۸۷.
۳. «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها)»، مرتضی شیرودی، فصلنامه علمی — پژوهشی انقلاب اسلامی، ش ۱۶، بهار ۱۳۸۸.
۴. انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان، علی عمرانی درگاهی، چ ۱، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه، ۱۳۸۱.
۵. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۶. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل، محمدرضا دهشیری، چ ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
۷. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، چ ۲، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۴۰۲ق.
۸. «پهلوی‌ها و سلطانیسم ماکس وبر»، حسن شمسینی غیاثوند، ماهنامه زمانه، ش ۲۳، تیرماه ۱۳۸۷.
۹. تاریخ العربية السعودية، الکی فاسیلیف، الترجمة، خیری الضامن و جلال الباطشه، انتشارات دار التقدم مسکو، ۱۹۸۶ م.

۱۰. جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، هرایر دکمجیان، ترجمه حمید احمدی، چ ۵، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۸.
۱۱. حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مقصود رنجبر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۲. درسنامه وهابیت، پیدایش، جریان‌ها و کارنامه، سیدمهدی علیزاده موسوی، حوزه نمایندگی ولایت فقیه در حج و زیارت، چ ۱، ۱۳۹۲.
۱۳. «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، محمود واعظی، فصلنامه میقات حج، سال شانزدهم، ش ۶۴، تابستان ۱۳۸۷.
۱۴. ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی، علی حق‌شناس کمیاب، روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۹/۴/۲.
۱۵. سایت‌های اینترنتی.
۱۶. السعودية بين الأستبداد والديمقراطية، عبدالمجید محمد، www.cdhrab.net/com/org
۱۷. «سلطانیسم ماکس وبر و انطباق آن بر عثمانی و ایران»، عبدالله شهبازی، تاریخ معاصر ایران، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۲.
۱۸. سیاست صدور انقلاب اسلامی، علی فلاح‌نژاد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۹. شیعیان در جهان عرب مدرن عربستان سعودی، ابراهیم، فؤاد، مترجم، رضا سیمبر، چ ۱، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
۲۰. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام، سید روح‌الله خمینی، چ ۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵.
۲۱. عربستان سعودی، ویلیام گودوین، مترجم فاطمه شاداب، چ ۱، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۲. «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، حسین دهشیار، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲.
۲۳. «عربستان؛ بیداری اسلامی و دیکتاتوری عربی»، مهسا ماه‌پیشانیان، مجله پگاه حوزه، ش ۳۰۵، تیرماه سال ۱۳۹۰.

۲۴. «کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سلطانیسم ایرانی»، عباس منوچهری، تاریخ معاصر ایران، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۷۶.
۲۵. متفکران بزرگ جامع‌شناسی، راب استونز، ترجمه مهرداد میردامادی، ج ۴، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۸۵.
۲۶. نظام‌های سلطانی، خوان لینز و هوشنگ شهابی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران، نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۰.
۲۷. وسایل الشیعه، حر عاملی، تحقیق ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.

جریان‌های اسلام‌گرا در عربستان و نسبت آنها با انقلاب اسلامی ایران

یحیی فوزی^۱

عباس علی بخشی^۲

چکیده

مقاله پیش‌رو به بررسی جریان‌ات سیاسی اسلام‌گرا و نسبت‌سنجی اندیشه سیاسی آنها با انقلاب اسلامی در ایران می‌پردازد و می‌کوشد به این سؤالات پاسخ دهد: اولاً جریان‌های اسلام‌گرا در عربستان به چند گونه تقسیم می‌شوند؟ ثانیاً از نظر اندیشه سیاسی، چه تشابهات و تفاوت‌هایی بین این جریان‌ات با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند به شناخت دقیق‌تر از جریان‌ات درونی عربستان سعودی کمک کند و به سیاست‌گذاران، در تعیین سیاست‌های واقع‌بینانه در جهت نوع تعامل با این گروه‌ها یاری رساند.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی - قزوین.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

پادشاهی سعودی، سال ۱۹۳۲ میلادی تأسیس شد. این کشور از سیزده ایالت یا استان تشکیل شده است که در رأس هریک از آنها یکی از شاهزادگان سعودی فرمان می راند و از اختیارات کامل برخوردار است. قدرت در عربستان سعودی در دست پادشاه متمرکز است. در بسیاری از موارد حکومتی، شاه با علما مشورت می کند. بیشتر بزرگان عربستان سعودی به خاندان بزرگ الشیخ وابسته اند که از نوادگان محمد بن عبدالوهاب، بنیانگذار فرقه وهابیت می باشند. این بزرگان، با خانواده شاهی پیوند نزدیکی دارند. در این کشور، حزب سیاسی، پارلمان و انتخابات وجود ندارد و اسلام، تنها دین رسمی این کشور است. حدود هشتاد درصد جمعیت ۲۲ میلیونی عربستان را عرب های بومی با آیین حنبلی (از آیین های اهل سنت) که دین رسمی کشور است، تشکیل می دهند. حدود بیست درصد از جمعیت این کشور به شیعیان اختصاص دارد و بیش از چهار میلیون نفر شیعه (دوازده امامی، زیدی و اسماعیلی) در این کشور زندگی می کنند که بیشتر از جمعیت شیعی کشورهای کویت، قطر، یمن، عمان و امارت متحده عربی است. با وجود در اقلیت بودن شیعیان در عربستان، سکونت آنان در ناحیه استراتژیک و میادین نفتی قوار، قطیف و احسا جایگاه برتری به آنان داده است.

در بین اهل سنت و شیعیان در عربستان، گروه های سیاسی مختلفی وجود دارد که اکثر آنها از تحقق ارزش های اسلامی در جامعه و سیاست دفاع می کنند. بر این اساس می توان آنها را جریان های اسلام گرا دانست که نقش مهمی در جامعه عربستان ایفا می کنند.

بخش اول: جریان های مختلف اسلام گرا در عربستان سعودی

در عربستان به صورت کلی دو جنبش مهم سیاسی اسلام گرا، یعنی وهابیت و شیعیان را می توان شناسایی کرد؛ اما هریک از این دو نیز به جریان های فرعی تری تقسیم می شوند که در ادامه به آنها می پردازیم:

۱. جنبش وهابیت

پادشاهی عربستان را در سال ۱۹۳۲م، خاندان آل سعود تأسیس کردند. این خاندان در قرن هجده و نوزده میلادی، به تدریج با سرکوب قبایل رقیب، موفق به تثبیت قدرت خود در عربستان شدند. از عوامل مؤثر بر قدرت این خاندان، پیوند آنان با قدرت محمد بن عبدالوهاب، روحانی افراطی و سختگیر قرن هجده میلادی بود، که این ائتلاف موجب شد تا این دولت، با تکیه بر ایدئولوژی وهابیت، هویت دینی پیدا کند و به عنوان دولت وهابی در جهت تحقق اهداف این ایدئولوژی عمل نماید.

الف) علل شکل گیری وهابیت و مبانی فکری آن

وهابیت خود را ادامه دهنده مکتب اهل حدیث در قرن سوم به رهبری احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ ه. ق) می دانند. به گفته آنان، شیوه احمد بن حنبل را شاگردانش نسل به نسل ادامه دارند؛ تا آنکه ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ ه. ق) آن را رواج داد و با آنچه بدعت و غیراسلامی می دانست، مبارزه کرد. برخی از ویژگی های فکری و شخصیتی ابن تیمیه چنین است:

وی احادیث پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درباره فضایل امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام انکار می کرد. سفر به قصد زیارت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام را بدعت و حرام می دانست. با منطقی، فلسفه، عرفان و کلام، به شدت مخالف بود. فیلسوفانی چون فارابی و ابن سینا را دچار انحراف عقیدتی می دانست. عارفان و صوفیانی چون ابن عربی و صدرالدین قونوی و عقیف تلمسانی را کافر می خواند. به همین دلیل، وی با شیعه و معتزله شدیداً دشمنی می کرد و عقاید اشاعره را نیز نادرست می دانست. معتقد بود اینکه در قرآن کریم از تخت پادشاهی خداوند یاد شده، به این معناست که واقعاً خداوند تخت پادشاهی دارد و بر آن نشسته است! وی معتقد بود دانشمندانی که این تعبیر را کنایه از

اقتدار و فرمانروایی و احاطه خداوند دانسته اند، اشتباه کرده‌اند. همچنین می‌گفت، تعبیر دست خدا در قرآن به این معناست که خداوند حقیقتاً دست دارد و نباید آن را کنایه از قدرت و سخاوت پروردگار بدانیم. اندیشه سیاسی ابن تیمیه بر این پایه بود که خدای تعالی، عالم را برای خدمت و عبادت خود آفریده است و معتقد بود اگر دین و قدرت از هم جدا بشوند، دولت و امت هم دچار بی‌نظمی و هرج و مرج می‌شوند. در یک کلام، ابن تیمیه با تأویل و تفسیر عمیق آیات، شدیداً مخالف بود و می‌گفت باید به ظاهر آیات اکتفا کنیم.^۱

محمد بن عبد الوهاب با احیای مجدد این عقاید در چند قرن بعد، کوشید تا تفسیری خاص از اسلام بیان کند. این امر منجر شد که وی عقاید بسیاری از مسلمانان را نادرست و انحرافی، و آنها را مشرک یا کافر بداند. به همین دلیل می‌توان ایدئولوژی او را نوعی ایدئولوژی تکفیری نامید. مهم‌ترین ویژگی‌های دیدگاه وی عبارت‌اند از:

یک - توحید و نوع تفسیر از آن؛ توحید، محوری‌ترین بحث عبدالوهاب بود. وی با محدودکردن دایره توحید، بسیاری از اعمال مسلمانان مانند زیارت قبور، توسل به اولیا و پیامبران یا شفاعت و گنبدسازی را مغایر توحید دانست و اقدام‌کننده به این امور را به کفر یا شرک نسبت می‌داد. علمای وهابی می‌گویند: «توسل به غیر خدا، زیارت قبور و نمازخواندن در مکانی که قبر پیش روی انسان باشد، مخالف توحید است. لازمه توحید آن است که به غیر خدا متوسل نشود و از غیر او استمداد نگیرد؛ اگر چه پیامبر اسلام ﷺ باشد؛ چراکه توسل، شفاعت و زیارت قبور، از سنت پیامبر ﷺ و سلف صالح نرسیده است و قرآن نیز این عقیده را شرک می‌داند.»

اما به گفته مخالفان، این قیاس‌ها به چند دلیل باطل است:

۱. جنبش‌های اسلامی معاصر، احمد مونتقی، ۱۳۸۷، ص ۳۴.

اول - در این قیاس‌ها، پیامبر ﷺ یا اولیای خدا، به جای بت‌ها گذاشته شده‌اند.

دوم - مؤمنان و متوسلان به نبی ﷺ، همانند بت‌پرستان و بی‌اعتقادان به خدا فرض شده‌اند.

سوم - توسل، استغاثه و شفاعت، با واژه «عبادت» هم‌معنا گرفته شده‌اند؛ درحالی‌که هر یک معنای خاص خود را دارند.^۱

دو - بدعت؛ از دیگر موضوعاتی که وهابیون به آن پرداخته‌اند و آن را مردود دانسته‌اند، بدعت است. آنها در مورد بدعت با تعمیم نابجا، هر عقیده یا عملی که برپایه قرآن، سنت یا عمل صحابه پیامبر ﷺ بنا نشده باشد، بدعت می‌نامند. عبدالوهاب اعمالی چون برگزاری جشن برای میلاد پیامبر ﷺ، توسل، خواندن فاتحه پس از نمازهای روزانه و بسیاری اعمال دیگر را بدعت می‌شمرد؛ در حالی که به گفته مخالفان، هرگاه در اسلام، دلیلی مبنی بر حرمت، وجوب، کراهت یا استحباب عملی از سوی شارع وارد نشده باشد، اصل بر مباح بودن آن است که آن را «اصالة الاباحة» می‌گویند. اما عبدالوهاب در مقابل این قاعده، «اصالة الحظر» یا «اصالة المنع» را جعل کرده است. وی بسیاری اعمال، از جمله تزیین مساجد را چون در سنت موجود نبوده، بدعت و حرام می‌دانست.^۲

سه - تکفیر مسلمانان؛ وهابیون، بسیاری از مسلمانان را که با عقیده آنان هم‌رأی نیستند، تکفیر می‌کنند. به گفته عبدالوهاب: «کسانی که به غیر خدا متوسل می‌شوند، همگی کافر و مرتد از اسلام هستند و هرکس که کفر آنان را انکار کند، یا بگوید که اعمالشان باطل است، کافر نیست؛ اما خود حداقل فاسق است و شهادتش پذیرفته نیست و نمی‌توان پشت او نماز گزارد. در واقع دین اسلام، جز با برائت از اینان و تکفیرشان صحیح نمی‌شود». در حالی که به اعتقاد بیشتر مسلمانان، کفر زمانی حاصل می‌شود که انسان با زبان از دین بیزار می‌گردد

۱. «نگاهی بر وهابیت»، طوبی کرمانی، صص ۱۴-۱۷.

۲. تحلیلی نو بر عقاید وهابیان، محمد حسین ابراهیمی، ۱۳۷۰، ص ۱۸.

یا آگاهانه به انکار احکام دین پردازد و کفر را بر ایمان ترجیح دهد.^۱

چهار - جهاد علیه مسلمانان مشرک؛ محمد بن عبدالوهاب براساس این اعتقادات بر لزوم پاکسازی جهان از شرک و کفر تأکید داشت و با کمک قدرت نظامی آل سعود، حمله به مناطق مختلف شبه جزیره و خارج از آن را آغاز کرد؛ به طوری که تهاجمات این گروه در قرون هفده و هجده میلادی در قلمرو دولت عثمانی، با هدف پاکسازی این مناطق از بت‌ها، تمثال‌ها و تصاویر، صورت پذیرفته بود. این اقدامات منجر به آن شد تا وهابی‌ها مکان‌های عبادت و پرستش شیعیان، از جمله مساجد و حسینیه‌ها، آرامگاه‌های گنبددار (حرم‌ها) و سایر مظاهر شیعیان را نابود کنند و حتی به کربلا لشکرکشی، و آنجا را تخریب نمایند.^۲

مجموع این اعتقادات، ایدئولوژی وهابیت را شکل می‌دهد. در واقع این ایدئولوژی، بر مبنای یک جهان‌بینی بنیان نهاده شده بود که براساس آن، معیار اسلام واقعی، دیدگاه افرادی همچون احمد بن حنبل، ابن تیمیه، ابن قیم جوزی و محمد بن عبدالوهاب است و هرکس این تفسیر را نپذیرد، از اسلام اصیل دور شده است. این ایدئولوژی هم‌اکنون حاکم بر دولت عربستان است و فرزندان عبدالوهاب و فرزندان آل سعود، در پیوند با یکدیگر، قدرت سیاسی و دینی عربستان را شکل داده‌اند.

ب) جریان‌های داخلی جنبش وهابیت در عربستان

وهابیون هر چند در اصول با یکدیگر مشترک‌اند، در برخی فروع و مشی مبارزاتی، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و بر این اساس می‌توان جریان‌های مهم و فعال وهابی را در عربستان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱. «نگاهی بر وهابیت»، ص ۲۳.

۲. «مروری بر افکار وهابیت و جایگاه آن در جهان»، مجید دیوسالار، ۱۳۸۵، ص ۱۴.

یک - وهابیت دولتی محافظه‌کار

همان‌طوری که بیان شد، وهابیت محور ایدئولوژی دولت آل سعود را تشکیل می‌دهد. بنابراین متولیان این ایدئولوژی، از جایگاه مهمی در حکومت برخوردارند. روحانیون دولتی کسانی‌اند که حکومت آنها را در پست‌های مختلف دینی گمارده است؛ از جمله مفتی و اعضای هیئت علمای عالی‌رتبه دینی یا شورای عالی قضایی که انتظار می‌رود آنها نیز سیاست‌های رژیم را تصدیق کنند و به آن مشروعیت فراهم ببخشند. عملاً بخش مهمی از روحانیون، حقوق خود را از بخش‌های حکومتی که در آن استخدام شده‌اند یا از دانشگاه‌های دینی که در آن مشغول تدریس هستند، دریافت می‌کنند؛ حتی آنهایی که در فهرست حقوق‌بگیران دولت نیستند، احتمالاً به سازمان‌هایی تعلق دارند که از محل درآمدهای دولت بودجه دریافت می‌کنند و از حمایت مالی اعضای سلطنتی برخوردارند.^۱

سازمان علمای بزرگ (کبار العلماء) مرکب از ۲۱ تن از علمای طراز اول کشور است. مهم‌ترین فعالیت اعضای این سازمان، صدور فتاواست، و می‌توان گفت در مسائل مذهبی و سیاسی، این فتاوا نقش مهمی در کشور دارند. همچنین این روحانیون در سازمان امر به معروف و نهی از منکر نقش مهمی را ایفا می‌کنند. فعالیت‌های اصلی این سازمان شامل دعوت مردم برای برگزاری نمازهای جماعت و جمعه، دعوت برای رعایت شئون اسلامی و حجاب برای بانوان و جلوگیری از فعالیت مراکز غیرشرعی است.^۲

این نیروها نهادهای مختلفی در اختیار دارند که از جمله می‌توان به ریاست کل ادارات بررسی‌ها و صدور فتاوا و دعوت و ارشاد، هیئت امر به معروف و نهی از منکر، دانشگاه اسلامی مدینه منوره، دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض، انجمن عالم

۱. «اصلاحات سیاسی در عربستان» و «مسئله شیعیان در عربستان»، بی‌نام، ترجمه محسن یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۷.

۲. عربستان سعودی، رقیة السادات عظیمی، ۱۳۷۴، صص ۱۶ و ۱۷.

اسلامی و وزارت دادگستری اشاره کرد. اما مهم ترین آنها سازمان رابط عالم اسلامی است. این سازمان از پر قدرت ترین سازمان های مذهبی در عربستان محسوب می شود. وظایف این سازمان عبارت است از: آموزش های اسلامی، توزیع کتب اسلامی و قرآن، آموزش زبان عربی و کمک به مؤسسات اسلامی. همچنین تعداد یک هزار مسجد در جهان و صدها مرکز اسلامی، زیر نظر این سازمان است و به این وسیله آنها برای گسترش اندیشه های خود در جهان اسلام و تقویت جنبش وهابیت، تلاش می کنند. سرپرستی این جریان دینی وابسته را «شیخ عبدالعزیز باز» بر عهده داشت که پس از مرگ وی در سال ۱۹۹۹م، «شیخ عبدالعزیز آل شیخ» به وسیله ملک فهد، عهده دار آن شد و به عنوان مفتی کل عربستان تعیین گردید.^۱

این نیروها در مواقع مهم به حمایت از دولت برمی خیزند. کارکرد مشروعیت بخشی روحانیون زمانی قابل ملاحظه و تأمل است که برای توجیه آن دسته از اعمال دولت که مخالف احساسات مذهبی است، به کار گرفته می شود. برای مثال، تصمیم ملک فهد مبنی بر دعوت از نیروهای ایالات متحده آمریکا پس از تهاجم عراق به کویت، طی فتوایی که مفتی قبلی کشور، شیخ عبدالعزیز باز صادر کرد، تأیید شد. اصولاً در جریان بحران خلیج فارس و حضور نیروهای غربی، شیخ بن باز شدیداً در سرگردانی و حیرت به سر می برد؛ چون از یک سو شاگردانش به او فشار می آوردند که در برابر مخالفت های صریح و آشکار آل سعود با دین اسلام، به ویژه در مسائلی همانند هتک حرمت اماکن شریف، تجاوز به زنان، نمایش فیلم های مستهجن در کاخ ها و رفتن به خیابان ها و اماکن عمومی با حالت مستی ایستادگی کند و مخالفت خود را ابراز دارد و از سوی دیگر نمی خواست خشم سردمداران حکومت را به دنبال بهانه ای برای کاهش نفوذ

۱. جغرافیای استراتژیک عربستان، نجف زراعت پیشه، ۱۳۸۴، صص ۲۱۰-۲۱۲.

جریان های دینی که در میان مردم هستند، برانگیزد. حتی از شیخ بن باز نقل شده، در مجلسی گفته است که او از اقدامات ضد دینی حکومت آگاه است و در اوضاع فعلی، وظیفه ما سکوت است تا حکومت داران آل سعود فرصت ضربه زدن به جریان های دینی را پیدا نکنند.^۱

در مجموع باید گفت که این جریان در عربستان از قدرت و نفوذ بسیاری برخوردار بود، اما به دلیل موقعیت جدید جهانی و برخی اختلاف ها بین این جریان و دولت، به نظر می رسد به تدریج ژرفای نفوذ و حاکمیت آن در حال کاهش است و مقامات عربستان، ضمن تشدید تدابیر امنیتی، می کوشند تا افراط گرایی را از همه بخش های جامعه ریشه کن کنند. با توجه به این بستر است که پلیس مذهبی امر به معروف برای تجدید نظر در رفتار خود، تحت فشار قرار گرفته و این واکنش ها محافظه کاران مذهبی و سنتی را در حالت تدافعی قرار داده است.^۲

دو - وهابی های اصلاح طلب (الصحوة السلامیه)

بر اثر تحولات خاص که در عربستان شکل گرفت، به تدریج گرایش اعتراضی جدیدی در دهه های اخیر در بین برخی مقامات حکومتی، اعضای مجلس شورا، بازرگانان، دانشگاهیان، لیبرال ها و جمعی از روحانیون به وجود آمد که با اعتراض به وضع موجود (با تمرکز هریک بر حوزه های متفاوت اجتماعی، مذهبی و سیاسی) خواستار تغییرات جدید در این کشورند.

از جمله دلایل شکل گیری این گروه می توان به تحولات اقتصادی دهه هشتاد میلادی اشاره کرد که موجب افزایش تصاعدی قیمت نفت و سرمایه گذاری بخشی از

۱. جغرافیای استراتژیک عربستان، صص ۲۱۰ و ۲۱۲.

۲. همان، ص ۲۱۲.

این پول در جهت رشد تصاعدی دانشگاه‌های دینی شد. آنها از همه وجوه سیاست داخلی و خارجی عربستان، از جمله فساد، سوءمدیریت، توزیع مناسب ثروت و نبود عدالت اجتماعی انتقاد می‌کردند و از وابستگی و اتکای کامل عربستان به آمریکا، برای تأمین امنیت، به‌رغم هزینه‌کردن مبالغ عظیم در مورد دفاعی خشمگین بودند و حضور نیروهای آمریکایی را تجاوز و بی‌حرمتی می‌دانستند. از همین‌رو خواستار اصلاح کامل زندگی عمومی بودند و بر اینکه علمای دینی باید نقشی محوری در سیاست‌گذاری داشته باشند، اصرار ورزیدند. آنها بر وجهه اسلامی کشور و اسلامی‌کردن زندگی عمومی برای درمان آنچه انحراف از مسیر حقیقی دین خوانده می‌شد، تأکید می‌کنند؛ در عین حال خواستار خلاصی از برخی عادات و آداب دست‌وپاگیر بودند و همگی بر لزوم حفظ حکومت آل سعود تأکید می‌ورزند. روحانیون عضو این گروه از یک‌سو سکولارها و لیبرال‌ها را متهم به تضعیف جامعه سعودی می‌کنند و از سوی دیگر، نهاد سنتی وهابیت را به دلیل فقدان توجه به مسائل جدید و محافظه‌کاری سیاسی مورد انتقاد قرار می‌دهند.^۱

معروف‌ترین وعاظ الصحوه که در اواخر دهه هشتاد میلادی برجستگی ظاهر یافتند، سلمان العوده، سفر الحوالی، عائض القرنی بودند. روحانیون الصحوه از قبیل سلمان العوده و سفر الحوالی که از چاپلوسی روحانیون رسمی برای حاکمان و خواست آنها برای مشروعیت بخشیدن به حضور نیروهای ایالات متحده آمریکا خشمگین شدند، مواعظ آتشینی اتخاذ کردند و ضمن تقبیح شکست در احیای ارزش‌های اسلامی جامعه، به خشم بسیاری از مردم عادی عربستان درباره رهبرانی که مستبد، فاسد و مطیع آمریکا خوانده می‌شدند، صبغه مذهبی دادند. وعاظ به همراه روحانیون الصحوه بر آن شدند تا

۱. «اصلاحات سیاسی در عربستان» و «مسئله شیعه در عربستان»، صص ۱۰۷-۱۱۰.

در کشمکش اخیر میان رژیم و گروه‌های خشونت‌طلب، موضعی انتقادی داشته باشند. شایان ذکر است که تعدادی از وعاظ بانفوذ، پس از مواجه‌شدن با اعمال فشار و محدودیت، انتقادشان را کمتر کردند و در اواخر دهه نود میلادی آرام گرفتند. برخی روحانیون نیز زندانی شدند یا از وعظ منع گردیدند. اما دولت به هر حال از این گروه‌ها برای اهداف خود استفاده می‌کند و آنها را در گردهمایی‌های دولتی دعوت می‌نماید. با این حال، جدای از وجوه مشترک زیاد، وعاظ الصحوه یک جبهه واحدی را تشکیل نمی‌دهند و در واقع از یکپارچگی و انسجام، بسیار فاصله دارند و شامل طیفی از میانه‌روها و افراطیون هستند.^۱

سه - وهابی‌های جهادی

ریشه‌های جهادگرایی فعلی بخشی از وهابیت را می‌توان در مشارکت هزاران سعودی در جنگ افغانستان علیه شوروی (قبل از فروپاشی) که فعالانه رژیم سعودی در آن زمان آن را مورد تشویق قرار می‌دادند و کارهای آنها را تسهیل می‌نمودند، ردیابی کرد. این امر دو نتیجه را در برداشت: اول اینکه، این جنگجویان، یک دیدگاه جهانی بسیار نظامی شده و خشونت‌آمیز را رشد دادند؛ دوم آنکه، آنها که با نوعی سیاسی شدن رقیق و کم‌رنگ به افغانستان وارد شدند، در رویارویی با عناصر سیاسی که از کشورهای دیگر عربی همچون مصر وارد افغانستان شده بودند، به تدریج شکل کاملاً سیاسی و فرهنگ جهادی بین‌المللی پیدا کردند که خواستار تحول اساسی در عرصه بین‌الملل و درون کشورشان شدند. دوستان و آشنایان قبلی جهادی‌ها، آنها را افرادی نابردبار توصیف می‌کنند که هرگز نمی‌توانند پشت میز بنشینند و کتاب بخوانند و تصور می‌کردند درس خواندن مستلزم نوعی روحیه نرم و لطیف است که با حمل سلاح

۱. «اصلاحات سیاسی در عربستان» و «مسئله شیعه در عربستان»، صص ۱۱۰-۱۱۵.

سازگاری ندارد؛ به طوری که اصلاح طلبان و معترضان هر دو در تلاش اند برای اینکه خود را از آنهایی که جهادی می خوانند، متمایز کنند.^۱

ساختار این جریان دینی را بیشتر علما و شخصیت های جوان تشکیل می دهد. این جریان، نوعی انشعاب غیررسمی از جریان سنتی است که وجه تمایز آن جرئت و جسارت بیشتر در مخالفت با سردمداران آل سعود است. معروف ترین شخصیت های این جریان دینی «شیخ ناصرالدین آل بانی» و «شیخ محمد عثیمین» هستند که اولی اهل سوریه است و در علم حدیث تخصص دارد، و دومی اهل عربستان است. در جنگ خلیج فارس، آل بانی بر ضد حضور بیگانگان در عربستان و بمباران هوایی شهروندان و مساجد عراق به دست متحدین، موضع گیری کرد و مسلمانان عربستان را به جهاد برای آزادسازی سرزمین های مقدس حجاز از سیطره نیروهای آمریکایی و اروپایی فراخواند.^۲

۲. جنبش شیعیان در عربستان

در سال ۱۹۹۹م، حدود ده تا پانزده درصد جمعیت شانزده میلیونی عربستان را شیعیان تشکیل می دادند که با احتساب رشد ۳/۵ درصدی جمعیت عربستان، جمعیت آنها در حال حاضر دو میلیون و هفتصد هزار نفر است. بیشتر شیعیان در منطقه شرقی عربستان در حاشیه خلیج فارس، از قطر تا نزدیک کویت، ساکن هستند و نواری شیعه نشین را شکل داده اند که شامل استان های احسا تا قطیف می گردد. بعضی از شیعیان نیز در مدینه منوره ساکن هستند که به شیعیان نخواوله معروف اند. بعضی هم در جده سکونت دارند. به شیعیان عربستان، باید اسماعیلیان منطقه «ناوجان» را نیز اضافه کرد.^۳

۱. «اصلاحات سیاسی در عربستان» و «مسئله شیعه در عربستان»، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲. وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر، مهدی ناظمی قره باغ، ۱۳۹۰، ص ۹۱.

۳. سیاست و حکومت در عربستان، سید داوود آقایی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۴.

اهمیت اپوزیسیون شیعیان در عربستان سعودی، ریشه در برخی حقایق و واقعیات دارد. نخست آنکه شیعیان در استان شرقی، یعنی حیاتی‌ترین منطقه استراتژیک این پادشاهی سکونت دارند؛ منطقه‌ای که بیشترین میدان‌های نفتی کشور، از جمله غوار و قطیف و به عبارت دیگر، بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتی جهان را در خود جای داده است. ثانیاً از دیدگاه امنیت کشور، چه به لحاظ منطقه‌ای و چه به لحاظ تجارت جهانی، شیعیان استان شرقی نقش مؤثری را در ثبات اقتصادی و سیاسی کشور ایفا می‌کنند. این مناطق شیعه‌نشین، حدود نود تا ۹۵ درصد از درآمد کشور و پانزده درصد از بازارهای نفت جهانی را به خود اختصاص داده است. ثالثاً شیعیان عربستان در منطقه‌ای نزدیک به سه کشور حوزه خلیج فارس که بیشتر جمعیت آنان را شیعیان تشکیل می‌دهند، از جمله بحرین (با بیش از ۶۵ درصد از کل جمعیت)، عراق (با حدود شصت درصد) و ایران (با حدود نود درصد) سکونت دارند.^۱

الف) دلایل شکل‌گیری جنبش شیعیان در عربستان

شکل‌گیری نهضت شیعیان، دو عامل اساسی دارد: از یک‌سو عملکرد رژیم حاکم، مانند تبعیض‌های سیاسی و اجتماعی در قبال شیعیان، زمینه نارضایتی و شکل‌گیری جنبش اعتراضی آنها را فراهم کرده و از سوی دیگر، برخی عوامل بیرونی از جمله رخداد انقلاب اسلامی در ایران و تحولات بین‌المللی، موجب هویت‌بخشی به آنها و تشدید فعالیت تشکیلاتی آنها برای احقاق حقوق خود شده است. در این باره باید گفت که شیعیان، تحت حاکمیت سعودی‌ها، همواره در معرض تبعیض‌های رسمی و تزییع حقوق اجتماعی‌شان بوده‌اند. مهم‌ترین موارد نارضایتی آنان عبارت‌اند از:

۱. شیعیان در عربستان، فؤاد ابراهیم، ترجمه سلیمه داوری و فیروزه میرزوی، ۱۳۸۶، ص ۲۳.

یک - سرکوب و تبعیض مذهبی

پادشاهی عربستان سعودی که در سال ۱۹۳۲م تأسیس گردید، به طور هم‌زمان ابزارهای مختلفی را برای آرام کردن و به حاشیه راندن اقلیت شیعه به کار گرفت. تحت ترغیب حاکمان جدید، هزاران مهاجر سنی و تاجر از نجد و قصیم به منطقه شرقیه عزیمت نمودند. شیعیان در این مناطق تا زمان به قدرت رسیدن آل سعود، از قدرت و اقتدار خوبی برخوردار بودند و مراسم مذهبی خود را آزادانه به جا می‌آوردند. اما از اوایل قرن بیستم و قدرت گرفتن دولت وهابی سعودی، حاکمان سعودی و ناظران محلی، به شدت از انجام مراسم مذهبی شیعیان ممانعت به عمل می‌آوردند. این محدودیت‌ها عبارت بودند از: ممنوعیت اعلام عمومی برای نماز و دعا، چاپ و انتشار متون دینی، ساخت مساجد و از رونق انداختن مراکز تعلیم علوم دینی، تخریب مراقد ائمه و اماکن مقدس، تعقیب و آزار آنهایی که مراسم مذهبی از قبیل عاشور و زیارت مراقد ائمه را به جای می‌آوردند. در نتیجه، ناگزیر آغاز بنیانگذاری عربستان سعودی، تضعیف جدی نهادهای شیعی را به دنبال داشت. در واقع می‌توان گفت که شیعیان عربستان سعودی، به لحاظ مذهبی در معرض تبعیض دینی نظام‌اند. آنان تنها شیعیان جهان اسلام‌اند که به طور رسمی منزلت اسلامی‌شان انکار می‌شود. در سال ۱۹۲۷م، علمای رده بالای سعودی فتوایی صادر کردند که بر تکفیر شیعیان دلالت داشت که می‌تواند موجب محکومیت آنان به عنوان افرادی مرتد یا کافر شود که مستحق مجازات مرگ‌اند. این اعلامیه تصریح می‌کرد که «شیعیان حق ندارند اعمال دینی انحرافی‌شان را به جای آورند و اگر این تحریم را زیر پای گذارند، باید از سرزمین مسلمانان تبعید شوند». در سال ۱۹۹۱م، یک عالم رده بالا (بن جبرین)، با صدور فتوایی دوباره بر کافر بودن شیعیان تأکید کرد.^۱

۱. شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، گراهام ای فولر و رند رحیم فرانکه، ترجمه خدیجه تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۳۹.

حق شیعیان برای احداث مساجد یا رسیدگی به اماکن و تجمع مذهبی حسینه‌ها، به شدت محدود شده است. محدودیت‌های ساختمان‌سازی تحمیل شده از سوی حکومت به این معناست که برای مثال در صفوا (شهری با جمعیت ۱۰۰/۰۰۰ نفر که عمدتاً شیعه اند) فقط سه یا چهار حسینه اجازه فعالیت دارند و مجوز ساختمانی جدیدی واگذار نشده است. افزون بر این، در سال ۱۹۹۰م، مقامات سعودی به تعطیلی حوزه المبارزه، مدرسه ای دینی که به مدت شانزده سال فعالیت می‌کرد، مبادرت ورزیدند و برخی از مدرسان آن را بازداشت کردند.

به گفته شیعیان، آنان مجاز نیستند هیچ نوع آثار مکتوب مذهبی درباره تشیع در اختیار داشته باشند و حق اذان، به سبک شیعیان را ندارند. مأموران امر به معروف، اغلب در خیابان‌ها برای شیعیان مزاحمت ایجاد می‌کنند. حتی خوردن غذای شیعیان در مراسم بزرگداشت روز عاشورا رسماً برای سنیان سعودی ممنوع است. وهابی‌های افراطی، گوشتی را که شیعیان ذبح کرده باشند، نمی‌خرند؛ چرا که آن را نجس می‌دانند. براساس عرف وهابی، مردان شیعی نمی‌توانند با زنان سنی ازدواج کنند. شیعیان با محروم شدن از تحصیل در داخل عربستان سعودی، برای کسب تحصیلات دینی، گزینه دیگری پیش روی خود ندارند؛ زیرا آنها میان دو محومه محرومیت از تحصیلات دینی در داخل کشور و مجازات شدن در قبال دنبال کردن این تحصیلات در خارج از کشور گرفتار شده‌اند.^۱

دو - تبعیض فرهنگی

شیعیان احساس می‌کنند از نظر فرهنگی، به شدت سرکوب شده‌اند. کتاب‌ها، سرودها و نوارهای مذهبی و شیعی ممنوع است و در اختیار داشتن آنها مجازات دارد.

۱. شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، صص ۲۶۰ و ۲۶۱.

استفاده از برخی اسامی شیعی نیز غیرقانونی است. رژیم سعودی درصدد محو فرهنگ محلی شیعی است. شیعیان مجاز نیستند کتاب‌هایی درباره تاریخ یا فرهنگشان منتشر کنند. در آموزش و پرورش نیز تعالیم وهابی بر آنان تحمیل می‌شود. شیعیان نه تنها مجاز به تعلیم تشیع نیستند، بلکه مجبورند آموزه های وهابی را که مشتمل است بر تقبیح رسمی تشیع و تحریف آن، فرا گیرند.

تعالیم مذهبی که بخش مهمی از برنامه آموزشی مدارس از دوره ابتدایی تا دبیرستان است، منحصراً وهابیت را تعلیم می‌دهد و کتب درسی دینی، بر اصول عقاید متحجرانه وهابی تأکید می‌ورزند. آن دسته از عقاید و اعمالی را که با وهابیت ناسازگار باشند، «کفر و شرک» می‌خوانند. بر این اساس، در کتاب‌های درسی که از جانب دولت تهیه می‌گردد و به شیعیان تعلیم داده می‌شود، اعمالی همچون زیارت محکوم شده است. افزون بر این، کتب درسی «علاقه مفروط» به اهل بیت (خاندان پیامبر ﷺ) را به منزله نوعی بت پرستی محکوم می‌کنند. از این روست که شیعیان، نگران از دست دادن فرهنگ و هویتشان هستند و بیم آن دارند که در فرهنگ تحمیلی حکومت، هضم و جذب شوند.^۱

سه - تبعیض سیاسی

شیعیان، تقریباً هیچ نفوذی در حکومت سعودی ندارد. در مواردی اتفاقی در یک بخش صنعتی، وزیری شیعه در کابینه حضور داشته است، اما جز این موارد، آنان تقریباً هیچ نماینده‌ای در سطوح رده بالا نداشته‌اند. ورود به دستگاه قضایی، واحد افسری ارتش، قوای امنیتی و گارد ملی برای آنان مجاز نیست. ظاهراً اشتغال در وزارت حج و وزارت امور اسلامی نیز برای آنان ممنوع است. در پی بیش از سی دهه بررسی، رژیم سرانجام در ۱۹۹۳م، مجلس شورایی تأسیس کرد. اما اعضای این مجلس همگی

۱. شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

انتصابی اند و هیچ‌گونه اختیار قانونی ندارد. وظیفه آنان این است که هرگاه از آنان درخواست شد، درباره مشکلات نظر دهند و قوانین احتمالی را در زمینه‌های خاص پیشنهاد کنند. اعضای این مجلس تحصیل کرده اند و اغلب پیشینه تخصصی دارند و شمار زیادی از آنان دارای درجه دکترا هستند. در نخستین مجلس، فقط یک شیعه به نام دکتر الجیشی که استاد دانشگاه بود، عضویت داشت.

در ژوئیه ۱۹۹۷م، شاه فهد اعضای مجلس را از شصت نفر به نود نفر افزایش داد. نیمی از شصت نفر نخست، با چهره‌های جدید جای‌گزين شدند. بنا به گزارش مطبوعات، مجلس جدید چهار عضو شیعه داشت. به عقیده مفسران، یکی از دلایل این انتصاب‌ها آن است که وجود چهار عضو شیعه، منعکس‌کننده آمار رسمی سعودی تقریبی درباره شمار شیعیان است؛ آماري که طبق آن، شیعیان تقریباً چهار درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. با اینکه این نمایندگان قدرت بسیار محدودی دارند، اساساً نمایندگی شیعیان در مجلس، برای علمای محافظه‌کار وهابی بسیار ناگوار است.^۱

چهار - تبعیض اجتماعی - اقتصادی

از اوایل قرن بیستم و قدرت گرفتن دولت وهابی سعودی، سخت‌گیری‌ها بر شیعیان افزایش یافت و هزاران مهاجر غیرشیعه به مناطق آنها عزیمت کردند و به ساخت شهرها و مراکز تجاری جدید که کمتر نفع شیعیان را تأمین می‌کرد، مساعدت نمودند. این هجوم موجب زوال شبکه‌های کشاورزی و تجاری قدیمی که به طور سنتی پاسخ‌گوی نیازهای جامعه و اقتصاد منطقه بود، گردید. مهم‌تر آنکه مهاجران سنی و تجاری که وارد منطقه شدند، از تجار شیعه سر باز زدند و بیشتر مایل بودند با هم‌مسلمانان خود، از مرکز و غرب عربستان معامله نمایند. نخل‌داران شیعه که زمانی با

۱. شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ص ۳۶۵.

تجاری از آسیای میانه و آفریقای شرقی به تجارت مشغول بودند، شاهد مصادره منابع و محصولات خود به وسیله دولت گشتند.^۱

هم‌زمان، شیعیان از تمام مشاغل مهم حکومتی محروم‌اند و حتی در امور مربوط به مناطق خود نیز حق خودمختاری و خودگردانی ندارند. ورود شیعیان به پنجاه درصد دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ممنوع است. در دادگاه‌ها به شیعیان اجازه گواهی دادن نمی‌دهند و جایگاه شیعیان با سنیان در دادگاه برابر نیست. در دادگاه‌های سعودی هیچ قاضی شیعه‌ای وجود ندارد.

شیعیان فقط اندکی از مشاغل دولتی را در دست دارند. آنها پیوسته در معرض اخراج از کارند. زنان شیعه از زمان‌های گذشته، حق معلم شدن نداشته‌اند؛ هرچند به تازگی این ممنوعیت لغو شده است. معلمی از اندک مشاغلی است که در این کشور پادشاهی، برای زنان مجاز است. استان الحسا، محل سکونت شیعیان نیز وضع رفاهی نامطلوبی دارد و فاصله آن با دیگر مناطق عربستان، همچنان چشمگیر است. دولت عربستان نیز هرچند نگاهی مثبت به درخواست‌های شیعیان داشته است، بخشی از شیعیان مدعی‌اند که به استثنای موارد محدود، به‌ویژه در زمینه بهداشت و درمان، کارهای چندانی برای تأمین مطالباتشان انجام نشده است.^۲

ب) گروه‌های مهم سیاسی شیعیان

شیعیان عربستان در سال‌های قبل از دهه هفتاد میلادی، تشکل مهم سیاسی — مذهبی نداشتند و بیشتر جذب کمونیسم، ناصریسم و بعثیسم می‌شدند. اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تأثیر مهمی بر شیعیان بر جای گذارد و به تدریج نسل جدیدی از رهبران

۱. شیعیان در عربستان، صص ۴۷ و ۴۸.

۲. شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ص ۲۶۹.

شیعی ظهور کردند که خواستار مطالبات جامعه شیعه در عربستان، از جمله حق برگزاری مراسم‌های مذهبی، پایان بخشیدن به تبعیض، فرصت‌های شغلی و به رسمیت شناختن شیعیان در عربستان شدند. سازمان یا گروه سیاسی شیعی در عربستان، به شکل قانونی فعالیت ندارد؛ اما تعدادی سازمان‌ها و شبکه‌های غیررسمی وجود دارند که مطالبات و حقوق شیعیان را دنبال می‌کنند و به روحانیون برجسته مرتبط هستند و نفوذ زیادی بین مردم منطقه دارند؛ اگرچه تعداد کمی از فعالان سکولار نیز در بین شیعیان حال حضور دارند. در مجموع، اکنون می‌توان گروه‌های زیر را بین شیعیان عربستان دید^۱:

یک - حرکت اصلاح اسلامی شیعه

گروه مذکور به صورت غیررسمی و به دست یک روحانی شیعه به نام الصفار در ابتدا با نام «سازمان انقلاب اسلامی جزیره‌العرب» در سال ۱۹۷۰م و در نتیجه مبارزات شیعیان عربستان شکل گرفت و تا چندین سال فعالیت‌های آن به صورت پراکنده بود. این سازمان، به تغییر شکل اقتدار سیاسی و مذهبی شیعه در اواخر دهه هفتاد میلادی یاری رساند و در رویارویی با رژیم، تجربه جمعی و علقه‌های شخصی را با هم ترکیب کرد. در سال ۱۹۷۵م این تشکل، فعالیت‌های خود را در منطقه شیعه‌نشین شرقیه متمرکز ساخت و پس از قیام کعبه و منطقه شرقیه، رسماً اعلام موجودیت کرد. این سازمان سعی داشت تا مبارزات خویش را با وسایل ممکن و از راه‌های مؤثر ادامه دهد. بنابراین به بسیج مردم و سازمان دادن نیروهای آنها پرداخت.

آنها تظاهرات مختلفی را برای ابراز خواسته‌های خود انجام داده‌اند؛ از جمله در نوامبر ۱۹۷۹م، با هزاران شیعه در صفوا برای بزرگداشت روز عاشورا به خیابان‌ها آمدند. گارد ملی شدیداً به این مبارزه طلبیده شد و در روزهای بعد از آن، بیش از

۱. شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ص ۲۷۵.

بیست نفر کشته شدند. این امر موجب دستگیری و تبعید صدها نفر گردید و رهبر این اعتراضات، به نام الصفار، به ایران پناهنده شد. این گروه در سال ۱۹۹۰ به انتشار مجله «الجزیره العربیه» در لندن مبادرت ورزید. این نشریه، یک مجله علمی — تحقیقاتی در خصوص عربستان محسوب می‌شد که مطالب آن مستند بود. سایر ارگان‌های این سازمان، عربیا مانیتور (در واشنگتن) و بقیع (در تهران) بود.^۱

از اواخر دهه ۱۹۸۰م، رهبری تبعیدی، نگرش‌های خود را تعدیل کرد. سازمان انقلاب اسلامی با گذشت زمان، از یک سو به دلیل اختلافات داخلی و از سوی دیگر، به دلیل تبلیغات و فشارهای رژیم سعودی، رو به ضعف گذاشت و کم‌کم از اهداف اولیه خود فاصله گرفت و اهداف آتی خود را نیز تعدیل کرد. آنها به تدریج دریافتند که برمبنای واقعیات جمعیتی، شیعیان نمی‌توانند یک انقلاب موفق به راه اندازند. افزون بر اینکه الگوگیری از نمونه ایران نیز با واقعیت جامعه شیعی عربستان، تناسب چندانی ندارند. در عوض، آنها به تدریج تغییر مسیر دادند و رویکردی دو وجهی را برگزیدند؛ که براساس آن، هم تظلمات و مطالبات خود را عنوان می‌کردند و هم به دنبال بهبود روابط با رژیمی بودند که بر مشروعیت آن صحنه گذاشته بودند.^۲ نتیجه آن شد که رهبران سازمان، پس از مذاکره با حکومت، همه فعالیت‌های خود را متوقف کردند و همان‌طور که ذکر شد، شیخ صفار رهبر سازمان، در سال ۱۹۹۳م با قبول دعوت فهد به عربستان رفت. باید خاطر نشان کرد که در کنار ضعیف شدن سازمان، اعتراض‌های گسترده مردم و تحت فشار قرار گرفتن آل سعود نیز در پذیرش دعوت فهد، نقشی اساسی داشت. پس از این مذاکره و مذاکرات متعاقب آن، سازمان انقلاب اسلامی قبول کرد در قبال تضمین آزادی اعمال مذهبی در منطقه احسا، آزاد شدن شیعیان زندانی،

۱. جغرافیای استراتژیک عربستان، نجف، زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، حسن گلیوند درویشوند، ۱۳۷۶، صص ۹۳.

رفع تبعیض شغلی در مورد شیعیان، پذیرش شیعه به عنوان اقلیت مذهبی، اجازه بازگشایی مدارس و حوزه‌های علمیه، به مبارزات خود علیه رژیم سعودی پایان دهد. رژیم سعودی پس از مهار تدریجی اوضاع، از عمل به مفاد قرارداد مذکور خودداری کرد؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، تبعیض‌ها و سخت‌گیری‌های بسیاری همچنان برای شیعیان وجود دارد.^۱

در حال حاضر، سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان، شبکه‌ای ضعیف و فاقد هماهنگی مرکزی و دفتر عضویت رسمی است. اگرچه شیخ صفار در ظاهر رهبر آن است؛ افراد دیگری نظیر جعفر الشایب، توفیق الصیف و فوزی الصیف تا اندازه‌ای از استقلال رأی و اقتدار برخوردارند. تمرکز اصلی سازمان در سال‌های اخیر، بر آموزش، امور خیریه، برنامه‌های وعظ و مراقبت از مساجد و حسینیه‌ها بوده است و رهبران آن در اندیشه ایفای یک نقش ملی، به عنوان طرف‌گفت‌وگو میان حکام سعودی و شیعیان، بودند. کاندیداهای غیررسمی سازمان انقلاب اسلامی، در انتخابات شورای شهر ۲۰۰۵م در شهرهای شیعه‌نشین، تقریباً تمام آرا را به دست آورده‌اند و در سال‌های اخیر، شیعیان توانسته‌اند به واسطه فعالیت‌های الصفار، مراسم عاشورا را علناً برگزار کنند. البته برگزاری این مراسم، فقط در روستاها و شهرهای شیعه‌نشین و نه مراکز که دارای ترکیب جمعیتی شیعه و سنی هستند، نظیر دمام، امکان‌پذیر است.^۲

اصطلاح «الشیرازیه» را بسیاری از شیعیان، برای تشریح جنبش استفاده می‌کنند؛ زیرا الصفار و پیروان وی قبلاً از مقلدان آیت‌الله شیرازی بودند و پس از فوت وی آیت‌الله سیستانی را مرجع تقلید برگزیدند.^۳

۱. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، صص ۹۳ و ۹۴.

۲. «اصلاحات سیاسی در عربستان» و «مسئله شیعه در عربستان»، ص ۱۸۳.

۳. همان، ص ۱۷۹.

دو - حزب الله عربستان سعودی

حزب الله عربستان سعودی، معروف به حزب الله حجاز، با پیروان خط امام (انصار خط الامام)، دومین گروه مهم سیاسی شیعیان در عربستان سعودی اند که به پیروی از خط امام خمینی علیه السلام شناخته می‌شوند. گفته می‌شود که این گروه نام خود را از دانشجویان پیرو خط امام که سفارت آمریکا را در تهران در سال ۱۹۷۹م به تصرف درآوردند، برگرفته است. این گروه را در سال ۱۹۸۷م، تنی چند از روحانیون برجسته از جمله شیخ هاشم الشکوس، شیخ عبدالرحمان الجیل و عبدالجلیل الما تأسیس کردند و طرفداران امام خمینی شناخته شده‌اند. آنها خود را پیروان ولایت فقیه می‌دانند و از مرجعیت رهبر عالی ایران، آیت الله خامنه‌ای تقلید می‌کنند. پیروان آنها کاملاً نسبت به خاندان حاکم و حکومت بی‌اعتمادند و الصفار را به سازش‌کاری متهم می‌کنند. این گروه، عمدتاً حضور و نفوذ خود را از طریق تمرکز بر فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و نه فعالیت‌های سیاسی افزایش داده‌اند.^۱

از نظر سازمانی، حزب الله عربستان تحت رهبری یک روحانی است که رهبرانش از منطقه شرقیه آمده‌اند. از این رو حزب الله عربستان، سازمانی سیاسی - مذهبی است که از اصل ولایت فقیه حمایت و پیروی می‌کند؛ در حالی که سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب، به نظارت و دخالت یک روحانی بر امور سیاسی، توجهی ندارد و بر آن تأکید نمی‌ورزد و رویکرد سازش‌کارانه را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است. حزب الله عربستان با این روند کاملاً مخالف می‌باشد و کاملاً به خاندان حاکم و حکومت بی‌اعتماد است.^۲

۱. «اصلاحات سیاسی در عربستان» و «مسئله شیعه در عربستان»، ص ۱۸۴.

حزب‌الله پس از آشتی سازمان انقلاب اسلامی با حکومت، اهمیت بیشتری یافت و از سوی شیعیان عربستان، با اقبال بیشتری مواجه گردید. مقر اصلی این حزب در لبنان قرار دارد و ارگان رسمی آن، مجله «رسالة الحرمين» است که در بیروت منتشر می‌شود. این سازمان پس از انفجار پایگاه آمریکایی در طهران عربستان، در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۶ که منجر به کشته شدن نوزده تفرنگدار آمریکایی و مجروح شدن حدود پانصد نفر از آنان شد، به انجام این عملیات متهم گردید و به شدت تحت فشار حکومت قرار گرفت و براساس آن، هر فردی که احتمال می‌رفت با این سازمان ارتباط ناچیزی داشته باشد، دستگیر، زندانی و شکنجه می‌شد. آمریکا پس از این حادثه بسیار کوشید تا شیعیان عربستان و در ادامه، جمهوری اسلامی ایران را مسئول این انفجار نشان دهد؛ اما مقامات سعودی به دلیل اطلاع از واقعیت امر و برای جلوگیری از تأثیر این امر بر روابط ایران و عربستان، قویاً و مکرراً دخالت شیعیان و جمهوری اسلامی ایران را در این حادثه رد کردند. هرچند به بهانه آن، بسیاری از اعضای حزب‌الله را مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار دادند. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م و فاش شدن هویت القاعده، حتی خود آمریکایی‌ها هم به این نتیجه رسیدند که انفجارهای اخیر می‌توانسته است کار القاعده باشد.^۱

سه - جامعه علمای حجاز (جماعه علمای الحجاز)

سازمان مذکور را در دهه ۱۹۸۰م، جمعی از طلاب و علمای شیعه عربستان تشکیل دادند. مقر اصلی این گروه در لبنان و سوریه است و بیشتر، فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی انجام می‌دهد.^۲

۱. جغرافیای استراتژیک عربستان، ص ۲۰۶.

۲. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، ص ۹۶.

چهار - سنت‌گرایان مستقل

کوچک‌ترین گروه‌بندی اسلامی شیعه، متشکل از تعداد معدودی از روحانیون مستقل است که فاقد هرگونه سازمان‌دهی اصولی‌اند و نقشی حاشیه‌ای ایفا می‌کنند. اینها معتقدند که جامعه شیعه، کلاً باید از سیاست ملی اجتناب ورزد و انحصاراً بر امور جامعه شیعی متمرکز گردد. یکی از این روحانیون معترض، شیخ نمر النمر، امام مسجدی در روستای عواقیه در شمال قطیف است.^۱

شیخ نمر النمر، در سال ۲۰۰۹ برگزاری یک نشست را در استان شرقی برگزار کرد و نقش مهم را در بسیج توده‌ها در این راستا داشت. شیخ نمر النمر، به دنبال وقوع انقلاب‌ها و اعتراض‌های مردمی سال ۲۰۱۱م، موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی در کشورهای عربی و سرنگونی رژیم‌های برخی از این کشورها چون مصر، لیبی، تونس، نقش عمده‌ای را در بسیج توده‌ها ایفا کرد که منجر به دستگیری وی شد. بعد از دستگیری النمر در ۸ جولای ۲۰۱۲م، تظاهرات‌های فراوانی برای آزادی او در قطیف برگزار شده است. شهرت النمر که زمانی رهبری دسته دو بود، پس از دستگیری، بسیار افزایش یافت. در ۲۵ مارس ۲۰۱۳م، قاضی در اولین دادگاه، حکم به «مصلوب ساختن» وی را داد که باعث شد رهبران شیعی در داخل و خارج از عربستان سعودی، این اقدام را محکوم کنند و تظاهرات‌های ضدحکومتی گسترده‌ای در استان شرقی راه اندازند. حزب الله سعودی نیز اعلان کرد که اگر این شیخ اعدام شود، به تأسیسات نفتی حمله خواهد کرد.^۲

بخش دوم: نسبت جریان‌های مختلف اسلام‌گرا در عربستان با انقلاب اسلامی ایران
همان‌طور که ذکر شد، جریان‌های مختلف سیاسی اسلام‌گرا در عربستان به دو بخش وهابیون و شیعیان تقسیم می‌شوند که هر یک از این دو جریان نیز به شاخه‌های مختلفی

۱. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، صص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۲. خبرگزاری بین‌المللی تسنیم - www.tasnimnews.com، کد خبر ۱۲۱۸۳۱.

قابل تقسیم اند. بر این اساس، در ادامه به بررسی نسبت این دو جریان با انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم.

۱. نسبت اندیشه سیاسی جریان‌های وهابی و اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران

جریان‌های وهابی، به طور کلی، به سه جریان فرعی تقسیم می‌شوند که شامل وهابیون درباری، اصلاح‌طلب و جهادی می‌باشند. بررسی اندیشه سیاسی این سه جریان نشان می‌دهد که به‌رغم برخی اشتراکات فکری، هر سه این جریان مواضع بسیار منفی درباره انقلاب اسلامی ایران دارند. برخی از تشابهات و تفاوت‌های اندیشه سیاسی آنها با اندیشه سیاسی انقلاب ایران به شرح زیر است:

الف) رابطه دین و سیاست

هر سه جریان وابسته به وهابیت، در امتداد دیدگاه اهل سنت، بر رابطه دین و سیاست تأکید دارند. آنها با توجه به نگاه و تفسیری که از اسلام دارند، با سکولاریسم و جدایی دین از سیاست به‌شدت مخالف‌اند و برقراری حکومت مبتنی بر شریعت را ضروری، و آن را جز اصلی‌ترین وظایف خویش می‌دانند. آنها معتقدند اگر برنامه اسلام، طرحی کامل است، اجتماع و سیاست نیز نمی‌تواند از حوزه صلاحیت و شمول آن برکنار باشد. به همین دلیل با آموزه سکولاریسم، روند جدایی دین از سیاست و فرآیند به حاشیه رانده شدن دین، سر ناسازگاری دارند و بر آن‌اند که این تمایز و جدایی، متکی به نوعی مرزبندی صوری و غیرواقعی است؛ چراکه زندگی بشر کلیتی وابسته و به هم پیوسته است که نمی‌توان آن را تجزیه کرد. این نوع دیدگاه می‌تواند تشابه زیادی با دیدگاه متفکران انقلاب اسلامی در ایران داشته باشد.^۱

۱. بنیادگرایی و سلفیه، حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، ۱۳۹۰، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

بنابراین می‌توان گفت که هر دو گروه، بر جامعیت دین اسلام تأکید می‌ورزند و برپایی حکومت اسلامی را ضرورتی عقلی و شرعی می‌دانند؛ زیرا حکومت را جزئی از شریعت می‌پندارند و از طرف دیگر اجرایی و عملی شدن برخی از احکام و قواعد الهی را مستلزم برخورداری از حکومت می‌دانند.

ب) ویژگی‌های حاکم و الگوی مطلوب حکومتی

دیدگاه وهابیت در مورد ویژگی‌های حاکم مشروع و الگوی حکومتی، همان بازگشت به گذشته و توجیه مراحل تاریخی به حکومت رسیدن خلفا از طریق استخلاف یا غلبه است. از نظر آنها به‌طور کلی حاکم سیاسی به هر شکلی می‌تواند به قدرت برسد و تا هنگامی که آشکارا کفر خود را اعلام نکرده باشد، «اولوا الامر» جامعه اسلامی می‌باشد و اطاعت از او لازم و واجب شرعی است. ولی در جزئیات بین طیف‌های مختلف وهابی، یک‌دستگی وجود ندارد. در این بین وهابیت درباری، به دلیل وابستگی به حکومت، در پی توجیه و مشروعیت بخشیدن به حاکمیت آل سعود است و موضعی محافظه‌کارانه دارد و از سلطنت موجود در عربستان و نظام موروثی، دفاع می‌کند. اما وهابیت اطلاع‌طلب، به دنبال سازگاری و تطابق با اوضاع است و در نوشته‌ها و مناظراتی که در این باره دارند، می‌کوشند نگاه مدرن‌تری به ویژگی‌های خلیفه داشته باشند. اما وهابیت جهادی، با تأکید بر نپذیرفتن ولایت کافران، اولوا الامر را کسی می‌دانند که هدفش از تشکیل حکومت، برپایی حکومت اسلامی و اجرای قوانین شریعت، من جمله امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ در غیر این صورت، حاکم را از دایره ولی امر شرعی خارج می‌دانند. به همین دلیل آنها بسیاری از حاکمان کنونی جهان اسلام را نامشروع می‌دانند و با حکومت آل سعود نیز در تضاد به سر می‌برند و از نوعی خلافت محدود و ایجاد امارت اسلامی با رهبری یک عالم اسلامی که از طریق

اهل حل و عقد یا استیلاء به قدرت رسیده باشد، دفاع می‌کنند. برقراری امارت اسلامی در افغانستان به دست طالبان و شعار برقراری امارت اسلامی در عراق و سوریه به وسیله القاعده، نمونه‌های این الگوست.^۱

در یک بررسی مقایسه‌ای می‌توان گفت که هرچند نوع نگاه‌های این جریان‌ها، در خصوص الگوی سیاسی، با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی در ایران تفاوت اساسی دارد، می‌توان گفت که دیدگاه سیاسی وهابیت جهادی و اصلاح‌طلب، با توجه به تأکید بر ضرورت حاکمیت الهی و ضرورت مشروعیت الهی حاکم، تا حدی می‌تواند به اندیشه‌های انقلاب اسلامی نزدیک شود. هرچند بی‌توجهی به نقش مردم در پذیرش حاکم از یک سو و پذیرش استیلاء به عنوان روش دستیابی به قدرت سیاسی و اینکه حاکم می‌تواند از طریق غلبه به قدرت برسد، وجه تمایز اساس اندیشه این جریان‌ها با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی در ایران است.

ج) نقش مردم در حکومت دینی

از موارد بسیار متفاوت در اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران و جریان‌ها وهابیت، بحث نوع نگرش به نقش مردم در حکومت دینی است. اصولاً برخلاف اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی که مبتنی بر تلفیق دموکراسی و اسلام بوده و از نوعی مردم‌سالاری دینی دفاع می‌کند، باید گفت که هر سه طیف وهابیت، هیچ‌گونه نقشی، به‌جز نقش تأیید کننده برای مردم قائل نمی‌باشند. تنها پس از اینکه حاکم از طریق وراثت، شورای بزرگان یا از طریق غلبه تعیین شد، مردم باید با او بیعت کنند. اما حق هیچ‌گونه اعتراض، انتقاد و شورش علیه حاکم را ندارند. این گروه، دموکراسی را کفر می‌دانند؛ زیرا معتقدند حکومت، امری الهی است و مردم حق دخالت در آن را ندارند. بر این

۱. کالبد شکافی تفکر وهابیت و القاعده، حسام افشار، ۱۳۹۱، مجموعه مقالات، بخش ۴.

اساس تفاوت های مهمی بین دیدگاه جریان های وهابیت با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی وجود دارد.

د) جهاد و نحوه مواجهه با دیگران

در باب جهاد، وهابیت سستی به جهاد، ابعادی فکری و فرهنگی می دهد و با بیان تهاجمات غرب به فرهنگ اسلامی و سایر دیدگاه های غرب گرایانه، جهاد را از موارد مختلف جنگ فکری می داند. اما طیف رادیکال و جهادی وهابیت، استفاده از خشونت و ترور در حذف رقیب را نوعی جهاد به شمار می آورد. آنها حتی به فرد پیروز اجازه گرفتن غنیمت، خراج و مصادره املاک دشمن و به اسارت و بردگی کشاندن او را می دهند. البته دیدگاه های وهابیت جهادی نیز در نوسان است؛ به طوری که برخی رادیکال تر بوده و به جهاد اولیه با جبهه کفر یعنی غربیان، و نفاق یعنی شیعیان و متحدان آنها معتقدند.^۱ این در حالی است که انقلاب اسلامی ایران، ضمن پذیرش جهاد، معتقد است که اولاً جهاد ابتدایی مربوط به دوران امام معصوم است؛ ثانیاً جهاد دفاعی را در موقعیت خاص و با تهاجم اولیه از سوی دشمن مجاز می داند. به علاوه عمدتاً مفهوم جهاد و گسترش دین را امری نرم افزازانه و فرهنگی می پندارد که شاید بتوان گفت، وهابیت درباری در این مورد نگاه نزدیک تری به اندیشه سیاسی انقلاب ایران دارد.

ه) وحدت اسلامی

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، از همان ابتدا سعی در وحدت جهان اسلام، بدون نگاه فرقه ای داشته و دارد و آن را تنها راه حل برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی جهان اسلام می داند. اما وهابیت و طیف های برآمده از آن، با توجه به تفسیر

۱. وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر، ص ۹۶.

جزم‌گرایانه از اندیشه‌های خویش، هرگونه تفاوت و اختلاف سلیقه با ایدئولوژی برآمده از وهابیت را برنمی‌تابند و حکم به تکفیر طرف مقابل می‌دهند. همین امر باعث شده است که نه تنها گروه‌های غیر سنی، همچون شیعه و صوفیان، از آنها گریزان باشند، بلکه با مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز اختلاف نظر و تقابل داشته باشند. البته در این بین، وهابیت سنتی وابسته به حکومت، به شدت تحت تأثیر سیاست‌های حکومت می‌باشند و در سال‌های اخیر، با ایجاد چالش بین عربستان و ایران، با دامن زدن به بحث عرب و عجم و تقابل با شیعه و ایران، سعی در مشروعیت بخشیدن به رهبری عربستان سعودی در جهان اسلام و عرب داشته‌اند. وهابیت جهادی نیز با نگاه دینی به این تقابل دامن می‌زند و خشم و تنفر خویش را از شیعه، صوفیه، فلاسفه و... به عنوان منحرفان از دین و مظاهر کفر و نفاق در جهان اسلام، آشکارا بروز می‌دهد. آنها ضمن تکفیر شیعیان براساس مبانی نظری وهابیت، حکم به قتل آنها می‌دهند و جهاد علیه آنها را واجب می‌دانند. وهابیت اصلاح طلب نیز هرچند براساس مبانی خود، دیدگاه‌های مشابهی با تکفیری‌ها دارند، معتقد به تاکتیک‌های متفاوت‌تری هستند و با تسامح بیشتری با مسئله وحدت در جهان اسلام رو به رو می‌شوند.

(و) قانون شریعت

وهابیت، نگاهی ظاهرگرایانه به متون دینی دارد و عقل را نفی می‌کند و قوانین شریعت را با این نگاه مطرح می‌سازد. وهابیت سنتی، بیش از آنکه در زمان حال باشد، در آرا و عقاید خویش، در زمان گذشته سیر می‌کند و فقط برای توجیه اقدامات آل سعود، گاهی دست به نوآوری در باب فقه می‌زند. وهابیت جهادی، با جمود و خشکی بر اجرای بی‌چون و چرای قوانین شریعت، بدون انعطاف‌پذیری و نرمش تأکید دارد و اجرای حدود را از وظایف اصلی خویش می‌شمارد. وهابیت اصلاح طلب نیز علاوه بر

اینکه سعی در گشودن باب فقهی جدیدی در رویارویی با مسائل جدید دارد، در مواجهه با مسائل شرعی و اجرای حدود، به اندکی نرمش معتقد است.^۱

این در حالی است که انقلاب اسلامی ایران معتقد به ملازمه عقل و شرع و به اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن اعتقاد دارد و با هرگونه تحجر و ظاهرگرایی، در استنباط احکام دینی مخالفت می‌کند. در واقع به‌رغم تأکید مشترک هر دو جریان به اجرای قانون شریعت باید گفت که تصورات متفاوتی از اجرای شریعت در بین آنها وجود دارد.

ز) نوع رویارویی با تجدد

امام خمینی بر نگاهی گزینشی به تجدد تأکید دارد و در این باره می‌فرماید: «ما با تجدد مخالف نیستیم، با فساد مخالفیم. این جور نیست که اگر یک حکومت اسلامی پیدا بشود، دیگر زندگی مردم را به هم می‌زند».^۲ همچنین اعلام می‌کند:

اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوری‌ها، اختراعات و ابتکارات و صنعت های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد. بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است، و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معناست که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالف‌اند؛ گرچه غرب و شرق‌زدگان، به تقلید کورکورانه، آن را ترویج می‌کنند.^۳

از طرفی اگر وهابیت سنتی با هرگونه تفکر و تمدن غربی مخالف است و آن را

۱. وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر، ص ۹۷.

۲. صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۴.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۴۰۷.

کفرآمیز می‌داند که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در فتاوای عجیب و غریب مفتی‌های آن دید، شهید مطهری درباره اقدامات وهابیت در مواجهه با تجدد می‌نویسد:

ضد تجدد هستند و اعتقاد دارند که باید آثار تمدنی و تاریخی تخریب شوند. منع فراگیری فلسفه و منطق و علوم جدید، حرمت استعمال دخانیات، منع استفاده از دوچرخه به این دلیل که ارابه شیطان یا اسب شیطان است و به نیروی جادو و با پای شیطان حرکت می‌کند، مخالفت با اختراعات جدید دیگر چون تلفن و تلگراف و دوربین عکاسی، حرام آشکار خواندن گرفتن حق گمرک و مالیات و بسیاری از امور جزئی و فرعی در آداب و رسوم و عبادات مسلمانان، نظیر صلوات فرستادن بر پیامبر در مغازه و بعد از اذان تا جایی که حتی، افراد خاطی به قتل می‌رسیدند.^۱

اما در حال حاضر گروه‌های مختلف وهابی از آثار و مظاهر تمدنی جدید غرب استفاده می‌کنند و آن را در راه تبلیغ و رسیدن به اهداف و مقاصد خویش به کار می‌برند. برای نمونه، وهابیت سنتی برای تحکیم قدرت آل سعود، استفاده از برخی وسایل مدرن را مجاز می‌داند. وهابیت اصلاح‌طلب نیز سعی در بیان تفسیر جدیدی از تجدد و تمدن دارد. ولی وهابیت جهادی به شدت با هرگونه مظاهر جدید مقابله می‌کند و به آن واکنش می‌دهد و اصولاً تمدن موجود را تمدنی جاهلی می‌داند که باید آن را نابود کرد.

ح) نقش سیاسی - اجتماعی زنان

از مشکلات وهابیت، مسئله زن است. به‌طور کلی وهابیت براساس استنباطات ظاهرگرایانه خود از اسلام، نه تنها برای زنان هیچ‌گونه حقوق سیاسی - اجتماعی قائل نیستند، بلکه همچون عصر جاهلیت با زن و مقام وی برخورد می‌کنند. این امر را می‌توان از دیدگاه‌ها و فتواهای عجیب آنان درباره زنان مشاهده کرد. از جمله این دیدگاه‌ها

۱. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، ۱۳۸۴، ص ۶۴.

می توان به مواردی چون ممنوعیت رانندگی زنان، نداشتن حق رأی یا طلاق، نداشتن حق مسافرت یا حضور در اماکن عمومی به صورت مجرد و... اشاره کرد. با اینکه دولت سعودی دختران را از آموزش منع نکرده و حتی آموزش رایگان نیز برای ایشان در نظر گرفته است، حضور دختران در آموزشگاه ها و مدارس بسیار محدود است و اشتغال زنان به هر کاری جز آموزش و پرستاری ممنوع گشته است. شرکت زنان در مجامع عمومی، حتی در مسجد، بسیار کم است.^۱

گفتنی است که در مورد وضعیت زنان، دو جریان سستی و جهادی، به شدت سختگیر می باشد و مخالف هرگونه امتیازدهی به زنان و رعایت حقوق آنهاست. اما طیف اصلاح طلب وهابی به مسئله زنان با اندکی انعطاف نگاه می کند و قائل به دادن برخی از حقوق اولیه به زنان در چارچوب قوانین شریعت است.

اما در مقابل، انقلاب اسلامی و رهبری آن، از یک سو برای زنان و مسائل آنها اهمیت قائل است و نگاه ویژه ای دارد و در حالی که همچون اسلام گرایان دیگر از ضرورت برخی محدودیت های شرعی برای زنان تأکید دارند، حقوق سیاسی - اجتماعی مشروع آنها را به رسمیت شناخته است و به دلیل استنباطات فقهی عقل گرایانه و اجتهادی خود، آزادی عمل بیشتری برای زنان قائل می باشد. این امر باعث شده است که استعدادهای زنان ایرانی شکوفا و در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و ورزشی، دستاردهای بسیاری به دست بیاورند که از جمله آنها می توان به مواردی چون:

- نرخ باسوادی زنان پس از انقلاب اسلامی از ۳۴ درصد به بیش از هشتاد درصد ارتقا یافته است، که این رشدی ۳۱۰ درصدی را نشان می دهد و بیانگر توجه انقلاب اسلامی به جامعه زنان است. در حال حاضر، بیش از ۶۸ درصد ظرفیت آموزش عالی،

۱. «زنان در عربستان سعودی»، محبوبه تلوار، ۱۳۸۶، ص ۳۸.

متعلق به دختران است و رشد اساتید و کادر علمی زن در دانشگاه‌ها به بیش از هجده برابر نسبت به قبل از انقلاب رسیده است. امروزه زنان در عرصه‌های مدیریتی بالا همچون نمایندگی مجلس، معاونت ریاست‌جمهوری و حتی تا سطح وزارت به فعالیت می‌پردازند.

— از نظر درمانی و پزشکی برآورد امید به زندگی زن ایرانی، پس از انقلاب اسلامی، با افزایش بیش از ۱۸/۵ سال روبه‌رو بوده است. در ایران ۴۹ درصد پزشکان و چهل درصد پزشکان متخصص و سی درصد پزشکان فوق تخصص را زنان تشکیل می‌دهند. ارتقا و توسعه سلامت زنان در ابعاد مختلف، پیشگیری از بیماری‌ها و کاهش عوامل بیماری‌زا و حق برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی در ایام بارداری و شیردهی، از جمله موارد حقوق زنان در ایران است.

— از نظر کار و اشتغال نیز شاهد رشد بیش از دویست درصدی جمعیت فعال اقتصادی زنان پس از انقلاب هستیم. همچنین در حال حاضر در ایران برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و توانمندسازی و مساعدت به تأمین معیشت آنها راهکارهای مؤثری در نظر گرفته شده است که از جمله آن، ایجاد دوره‌های آموزشی مهارت‌آموزی، حرفه‌آموزی و ایجاد زمینه خوداشتغالی و کمک‌های حمایت و بیمه ... است.

— در عرصه ورزش نیز نگاه ویژه‌ای به ورزش بانوان شده است و زن ایرانی توانسته با حفظ حجاب خود در رشته‌های مختلف در دنیا مدال‌آوری کند.^۱

ط) تعامل وهابیون و انقلاب اسلامی ایران

نوع نگاه تاریخی علمای وهابی به انقلاب اسلامی، کاملاً تحت تأثیر نگاه آنها به شیعه است؛ به طوری که آنها بدون توجه به برخی اشتراکات، به شدت ستیز با شیعیان و

تکفیر آنان را ادامه می‌دهند. هرچند نوع این ستیز در بین جریان‌های مختلف وهابی متفاوت است و می‌توان گفت که از موضوعات مهمی که طیف‌های مختلف وهابی را به هم پیوند می‌دهد، انتقاد همه‌جانبه از ایران، و ارائه تفسیری از آن به عنوان دشمن بالقوه یا بالفعل عالم اسلام، به‌ویژه عرب است. لحن این انتقاد در وهابی‌های جهادی یا سنتی‌ها، مانند «حامدالعلی» و «طه دیلمی» به‌شدت تند و افراطی می‌شود. در وهابی‌های سنتی‌تر، هرچند حملات مشابه است، توجه بیشتری به مسئله ترویج شیعه می‌شود. در طیف سوم، گاهی تا حدی از انتقاد در حد عملکرد نیز پابین می‌آید. انقلاب اسلامی در ادبیات وهابی‌های تندرو، همواره با الفاظی چون انقلاب صفوی، انقلاب خمینی یا ترکیباتی از آن با صفت رافضی یاد می‌شود. وهابی‌ها با بررسی تاریخ جمهوری اسلامی در صدر انقلاب، سعی دارند نشان دهند سیاست صدور اندیشه شیعه، چگونه در رأس سیاست نهادهای مختلف جمهوری اسلامی قرار گرفته است و ظهور آن در حمایت از جنبش‌های مختلف در کشورهای متفاوت دیده می‌شود.^۱ آنان حتی کمک ایران به فلسطین را نیز در همین راستا و برای گسترش نفوذ ایران می‌دانند.^۲

از اصطلاحات مهمی که در مطالب وهابی‌ها دیده می‌شود، «امپراتوری کبیر فارس» است. این اصطلاح از محورهای مهم تبلیغی وهابیت است که ثابت کنند ایران، مانند اسرائیل، آرمان نیل تا فرات را در سر می‌پروراند و حتی در خفا با آمریکا ارتباط دارد و به‌صورت هماهنگ با مسلمانان دسیسه‌چینی می‌کنند. یکی از روحانیون وهابی، به نام «العلی»، در مقاله‌ای همگان را به جهاد با ایران دعوت کرده و معتقد است تمام شعارهای نرم ایران، خدعه‌هایی برای فریب دیگران است. وی به صراحت حکم پیروی از طاغوت صفوی و طاغوت صهیونیستی - صلیبی را یکسان می‌داند و فرقی بین ایران و

۱. وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر، صص ۱۳۳-۱۳۵.

۲. خباب بن مروان الحمد www.h-alali.cc

بازوهای ایران، مانند حزب‌الله لبنان، نمی‌گذارد. سخن گفتن از «هلال شیعی»، از تحلیل‌های متداول این جریان برای بیان اهداف توسعه‌طلبانه ایرانی - شیعی است.^۱

از دیگر محورهای حمله به ایران، امام خمینی علیه السلام است؛ به طوری که غالباً انقلاب اسلامی ایران به نام خمینی خوانده می‌شود. با این حال وهابی‌ها اغلب برای اظهارنظر درباره امام، اشاره‌ای به اندیشه‌های امام ندارند، بلکه امام را به شکلی کاملاً جدلی و در قالب فتاوی‌ای عبادی که اکثر شیعیان بدان اعتقاد دارند و با اقوال پراکنده، ارزیابی می‌کنند. برای حمله به امام، وهابیت سنتی و جهادی تلاش بیشتری می‌کنند. برخی از ادله مهم وهابیت علیه امام عبارت‌اند از: امام معتقد است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دعوت خود و تشکیل حکومت موفق نشد و ملت ایران از ملت زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برترند. امیرالمؤمنین علیه السلام در شجاعت و زهد از همه بالاتر است و اگر قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور می‌کرد، به پیامبری مبعوث می‌گردید و مقام ائمه و شیعیان مؤمن از انبیا بالاتر است و کرامات خاصی دارند.^۲

۲. نسبت‌سنجی اندیشه شیعیان عربستان با انقلاب اسلامی ایران

شیعیان عربستان، از نظر مبانی فکری نمی‌توانند در مقابل اندیشه انقلاب اسلامی ایران باشند و پیوند علقه فکری و ایدئولوژیک با ایران دارند؛ هرچند با توجه به اوضاع خاص اجتماعی، اولویت‌های آنها رفع تبعیض‌های شیعیان در عربستان است. این جریان‌ها، هرچند تحت تأثیر انقلاب اسلامی می‌باشند، با اثرپذیری از تجربیات تاریخی، مشی سیاسی متفاوتی را دارند. حرکت اصلاح اسلامی شیعه، همان‌طور که ذکر شد، به تدریج دریافتند که بر مبنای واقعیات جمعیتی شیعیان، الگوگیری از نمونه ایران نیز با واقعیات جامعه شیعی عربستان تناسب چندانی ندارند. در عوض، آنها به تدریج تغییر

۱. حامد بن عبدالله العلی www.h-alali.cc

۲. وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

مسیر دادند و رویکردی دو وجهی را برگزیدند که براساس آن، هم تظلمات و مطالبات خود را عنوان می کردند و هم به دنبال بهبود روابط با رژیم بودند که بر مشروعیت آن صحنه گذاشته بودند. این گروه با اجتناب از تندروی های دهه هفتاد میلادی، تمرکز اصلی خود را بر آموزش، امور خیریه، برنامه های وعظ و نگهداری و مراقبت از مساجد قرار دادند. رهبران آن، در اندیشه ایفای یک نقش ملی به عنوان طرف گفت و گو میان حکام سعودی و شیعیان بودند.^۱

جریان حزب الله عربستان نیز که در سال ۱۹۸۷م به دست تنی چند از روحانیون برجسته تأسیس شد، طرفداران امام خمینی شناخته می شوند و خود را از پیروان ولایت فقیه می دانند. به همین دلیل از مرجعیت رهبر عالی ایران، آیت الله خامنه ای تقلید می کنند. اما به رغم علاقه معنوی خود به انقلاب ایران، از مشی مستقلی برای رسیدن به هدف خود پیروی می کنند.^۲

گفتنی است با وجود این مشی مستقل، می توان از علقه های فرهنگی دو طرف سخن گفت. مثلاً شبکه عربی زبان العالم ایران که در سال ۲۰۰۳م کار خود را آغاز کرد، به یکی از شبکه های تلویزیونی محبوب در میان شیعیان بحرین و عربستان سعودی تبدیل شده است. بسیاری از شیعیان، العالم را تماشا می کنند؛ به این دلیل که کانال های محبوب عربی همچون العربیه و الجزیره، عموماً از اعتراضات شیعیان چشم پوشی می کنند. یکی از فعالان شیعی در استان شرقی در این باره می گوید: «از آنجا که هیچ پوشش رسانه ای بین المللی وجود ندارد، همه مردم روی شبکه العالم ایران و المنار لبنان تمرکز می کنند». همچنین رهبران شیعی سعودی، صریحاً اعتراف کرده اند که روابط بلندمدتی میان شیعیان سعودی و مرجعیت در ایران و عراق وجود دارد. ایشان خمس

۱. جغرافیای استراتژیک عربستان، ص ۱۸۳.

۲. «جامعه شیعی در عربستان سعودی»، بهزاد احمد لفورکی، ۱۳۸۶، ص ۱۶.

خود را برای مراجع در ایران و عراق می‌فرستند و معمولاً به زیارت حرم‌ها در نجف، کربلا در عراق و قم در ایران می‌روند. اما شیعیان سعودی تأکید می‌کنند که اتحاد مذهبی با مراجع خارج از کشور به معنای وفاداری به حکومت‌های خارجی نیست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد در یک نگاه کلی می‌توان گفت که بین اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران با اندیشه سیاسی وهابیت، اختلاف‌نظر بنیادین وجود دارد و این انکارناپذیر است؛ اما در این میان می‌توان با مقایسه اندیشه سیاسی این دو جریان، را نقاط افتراق و اشتراک اندیشه سیاسی آنها را با توجه به معیارهای در نظر گرفته، در موارد ذیل بررسی کرد:

در یک جمع‌بندی کلی از مباحث باید گفت که مواضع وهابیت درباری در خصوص انقلاب ایران، به دلیل ملاحظات خاص سیاسی، کاملاً تحت تأثیر مواضع دولت عربستان است. به همین دلیل نوع روابط سیاسی ایران و عربستان می‌تواند بر نوع نگاه این جریان و تعامل آن با انقلاب اسلامی در ایران، بسیار اثرگذار باشد. جریان وهابیت اصلاح‌طلب نیز هرچند تحت تأثیر دولت عربستان است، دارای استقلال نظر بیشتری است و بخشی از آنها نگاه تخصصی کمتری به شیعیان دارند و اهل گفت‌وگو می‌باشند که این ویژگی‌ها می‌تواند راه را برای تعامل بیشتری با بخشی از این جریان‌ات، هموار سازد.

جریان وهابیت جهادی نیز به‌رغم برخی اشتراکات فکری خود با انقلاب اسلامی ایران، همچون تأکید بر حکومت دینی، نفی حاکمان غیردینی، تأکید بر قوانین شریعت، مبارزه با سلطه کفار بر جهان و... به دلیل نگاه ظاهرگرایانه و غیرعمیق به متون دینی، به شدت مواضع خصمانه‌ای با شیعیان و انقلاب اسلامی ایران دارد که این مواضع به آسانی قابل تغییر دادنی نیست.

در خصوص مواضع شیعیان نیز باید گفت که اوضاع خاص این شیعیان در عربستان ایجاب می‌کند که به‌رغم اشتراکات فکری با انقلاب ایران، در حوزه سیاسی تلاش بکشند تا از ایران فاصله بگیرند و در آینده نیز ارتباط این جریانات با ایران، تحت تأثیر روابط ایران با عربستان است.

با توجه به مباحث مذکور، به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل در رفع موانع و ایجاد نوعی تعامل بین انقلاب اسلامی و وهابیون و شیعیان عربستان، تلاش برای تقویت روابط سیاسی ایران و عربستان است، که این امر می‌تواند علاوه بر زمینه‌سازی برای ایجاد گفت‌وگوی‌های جدی‌تر فکری بین برخی جریانات معتدل‌تر وهابی به ایجاد گام‌هایی برای تقویت وحدت جهان اسلام، تقویت جایگاه شیعیان در عربستان و رفع محرومیت‌های سیاسی آنان نیز کمک کند.

منابع

۱. «نگاهی بر وهابیت»، طوبی کرمانی، تهران، مجله مقالات و بررسی های دانشگاه تهران، دوره ۳۶، ش ۷۳، ۱۳۸۲.
۲. بنیادگرایی و سلفیه، حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
۳. پایگاه اینترنتی «www.h-alali.cc»، به همراه آثار و سخنانی از خباب بن مروان الحمد و سخنان حامد بن عبدالله العلی.
۴. پایگاه اینترنتی خبرگزاری بین المللی تسنیم - www.tasnimnews.com، سرویس بین الملل، شناسه خبر ۱۲۱۸۳۱، تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۹، ترجمه مقاله ای از اندیشکده امریکن اینترپرایز.
۵. پایگاه اینترنتی مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری www.womengov.ir/fair/home.aspx
۶. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، چ ۲۴، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
۷. «تحلیل وضعیت، جایگاه و پتانسیل های جامعه شیعیان در عربستان سعودی»، کامران کرمی، بی جا، مرکز بین المللی مطالعات صلح، www.Peace.ipsc.org، ۱۳۹۱.
۸. «تحلیلی نو بر عقاید وهابیان»، محمد حسین ابراهیمی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۰.
۹. «جامعه شیعی در عربستان سعودی»، بهزاد احمدی لفورکی، قم، مجله پگاه حوزه، ش ۲۱۹،

۱۳۸۶.

۱۰. «جغرافیای استراتژیک عربستان»، نجف زراعت پیشه، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۴.

۱۱. جنبش‌های اسلامی معاصر، احمد موثقی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.

۱۲. «زنان در عربستان سعودی»، محبوبه تلوار، مجله پیام زن، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ش ۱۸۱، ۱۳۸۶.

۱۳. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، حسن گلیوند درویشوند، تهران، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.

۱۴. سیاست و حکومت در عربستان، سید داوود آقایی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی انقلاب، ۱۳۶۸.

۱۵. «شیعیان در عربستان»، فؤاد ابراهیم، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میر رضوی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۶.

۱۶. «شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده»، گراهام‌ای فولر و رند رحیم فرانکه، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.

۱۷. «صحیفه امام»، امام خمینی رحمته‌الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۷۹.

۱۸. «عربستان سعودی»، رقیه السادات عظیمی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۴.

۱۹. «کالبد شکافی تفکر وهابیت و القاعده»، حسام افشار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ و همچنین پایگاه اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بخش چهارم

مقاله www.irdc.ir

۲۰. گزارش گروه بحران خاورمیانه، شمال آفریقا گزارش به آدرس: Crisis GrouP Middle

۲۱. مجموعه مقالات «اصلاحات سیاسی در عربستان» و «مسئله شیعه در عربستان»، ترجمه محسن یوسفی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
۲۲. «مروری بر افکار وهابیت و جایگاه آن در جهان»، مجید دیوسالار، قم، مجله پگاه حوزه، ش ۱۹۲، ۱۳۸۵.
۲۳. وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر، مهدی ناظمی قره‌باغ، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۰.